قال النبی صلعم الرؤیا الصالحۃ جزء من ستۃ واربعین جزءً من النبوۃ

بحمد اللہ تعالیٰ کتاب نایاب جامع در بہیر شامل گوہر بے نظیر یعنی

کامل التعبیر

یعنی

خواب نامہ

باہتمام تمام منشی نعمان اختر سلیم جناب قاضی عبدالکریم جناب قاضی رحمۃ اللہ صاحبان تاجر کتب بمبئی

در مطبع فیض منبع فتح الکریم واقع بمبئی مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس خدایرا که واحد و صمد و قادرست مالک ذو الجلال وحی فاطراست و رازق خلق و
عالم ضمایرست خالق سپهر و نجوم زاهرست عالم غیب و دانندهٔ سراست ظاهرست و باطنست اولست و
آخراست و درود و تحیت بر مصطفی پاک صلی الله علیه و آله وسلم که بر انبیاء سید و سند و فاخراست
چنین گوید ابو الفضل حسین ابن ابراهیم محمد تفلیسی که چون از تصانیف کتاب صحة الابدان بپرداختم
نگاه کردم در کتاب اصل تعبیر که بپارسی ساخته بودند کتابی جامع و اضح نیافتم چنانچه کسی ساخته و تاویل
هر خوابی را از اقوال استادان این علم که بحجت و برهان دران بیان کرده بودند و بطریق استخراج
هر خوابی بترتیب حروف مرتب و مشروح باز نموده پس چون برین بیان کتابی ندیدم که مفید باشد
درین سعی کردم و رنج بر خود بردم تا این کتاب بساختم از بهر مطالعت نظر همایون سلطان معظم شاهنشاه
اعظم سلطان السلاطین العرب و العجم مالک رقاب الامم عز الدنیا غیاث المجاهدین قاتل المشرکین سلطان
الروم والدمشق والشام والافرنج ابو الفتح قزل ارسلان بن مسعود ناصر امیر المومنین اطال الله
و عدا و ه بقاؤه بر نسق حرف معجم خوابها را بپارسی واضح جمع آوردم از کتبی که درین علم نفیس معروف
و مشهور است چون از کتاب وصول دانیال علیه السلام و کتاب تقسیم جعفر صادق رضی الله عنه
و کتاب جامع محمد بن سیرین و کتاب دستور ابراهیم کرمانی و کتاب ارشاد جابر مغربی و کتاب
تعبیر اسماعیل ابن اشعث و کتاب کنز الرویای مامونی و کتاب بیان التعبیر عبید روس و کتاب تعبیر
حافظ ابن اسحاق و کتاب حل الدلایل والمنامات و کتاب مبادی التعبیر و کتاب ایضاح التعبیر فخری
و کتاب کافی الرویا و کتاب تعبیر بطالیس و کتاب مفرح الرویا و کتاب تحفة الملوک و کتاب منهاج التعبیر
خالد اصفهانی و کتاب مقدمة التعبیر و کتاب حقایق الرویا و کتاب وجیز محمد بن شاهویه و کتاب متفرق از

کلمات هر کسی که درین علم تصنیف کرده اند پس اختیار کلام این گروه باز کرده شد و ترتیب اول هر خوابی
به نسق حروف اول و حروف دوم و سوم مشروح درین کتاب یاد کردیم و نامش کامل التعبیر نهادیم زیرا که ازین علم کتابی
ازین فاضلتر بپارسی نساخته اند و آنچه انصاف است همه کس را با این کتاب احتیاج باشد و هر که قول این تعبیر در نظر دارد از همه تعبیرها
بی نیاز باشد و از اقوال استادان این ضعیف اقوال شش کس یاد کرده که هر یک در عصر خویش یگانه و حکیم وقت بوده اند
اول دانیال حکیم که در روزگار بخت النصر بوده دوم جعفر صادق سوم محمد بن سیرین چهارم جابر مغربی پنجم ابراهیم
کرمانی ششم اسماعیل بن اشعث رضی الله عنهم نخست چیزها که پیغامبران را از دانستن آن ناگزیر است در پانزده فصل
بیاوردیم و هر چیز در موضع خویش بترتیب فرانهادیم تا بر خوانند و آموزانند آسان گردد و هیچ از دقایق بدو پوشیده
نماند ان شاء الله تعالی وحده والله اعلم بالصواب **فصل اول** در شناختن مزاج خواب **فصل دوم**
در دانستن قسمهای خواب **فصل سوم** در باد نفس و روح **فصل چهارم** در معرفت درستی خوابها **فصل پنجم**
در معرفت خواب راست و دروغ **فصل ششم** در دانستن تفاوت خوابها **فصل هفتم** در معرفت فرق میان
خوابها **فصل هشتم** در دانستن علم جفر و فال **فصل نهم** در معرفت خواب فراموش شده **فصل دهم** در گذاردن
خواب بقول جاهلان **فصل یازدهم** در معرفت از حال گشتن خواب **فصل دوازدهم** در معرفت شرط
ادب تاویل **فصل سیزدهم** در نگاه داشتن معبر و سایل و اصناف **فصل چهاردهم** در معرفت آنکه
تعبیر از چند رویست **فصل پانزدهم** در دانستن مسایل که تعبیر آن مقلوب بود و در **فصل شانزدهم**
تاویل دیدار حق سبحانه و تعالی عز و جل و دیدن فرشتگان و پیغمبران بترتیب یاد کردیم پس علم تعبیر خوابها بنسق و
نظام هر خوابی را در اول این یاد کردیم یعنی اگر اول آن خواب الف و با بود آنرا در حروف الف و با بجوید و اگر حرف اول
الف و تا بود در حرف الف و تا طلب کند و اگر اولش الف و با بود یا الف و میم بود این ترتیب از اول حروف دوم
نگاهدارد تا استخراج خوابها بر وی آسان بود و بر هیچ دانا این طریق پوشیده نماند چون درین کتاب بتاویل نگاه کند
و از حق سبحانه و تعالی توفیق یاری خواهیم به تمام کردن این کتاب و ثواب دو جهانی چشم داریم از رب الارباب والله اعلم **اندر فضیلت**
این علم بدانکه علم تعبیر علمی بزرگ و شریفیست که حق سبحانه و تعالی عز و جل این علم را بیوسف صدیق علیه السلام داد و بر وی
نهاد چنانکه در کلام مجید فرموده وکذلک مکنا لیوسف فی الارض ولنعلمه من تاویل الاحادیث و عبد الله بن عباس
رضی الله عنه گفت اول چیزی که حضرت حق سبحانه و تعالی جل و علا بحضرت مصطفی صلی الله علیه وسلم داد آن بود که فرشته مقرب را
در خواب دید گفت ای محمد بشارت باد که حق سبحانه و تعالی جل و علا ترا از جمله انبیا گردانید و ترا اختیار کرد
خاتم انبیا گردانید ولکن رسول الله وخاتم النبیین گفت پس چون رسول علیه السلام بیدار گشت
خواب نبوت خیر و اقبال است و بعد از معراج خوابی دیگر دید چنانچه ایزد تعالی فرمود لقد صدق الله رسوله

الرؤیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنین" تا آنجا که فرمود "فتحا قریبا" و در قصهٔ ابراهیم علیه السلام گفت "انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری" تا آنجا که "صدقت الرؤیا انا کذلک نجزی المحسنین" و در خبر چنین آمده است که این معجزهٔ یوسف علیه السلام بود و علمی که معجزهٔ پیغامبری بود یقین که بس علمی شریف و بزرگ بود و بعضی از انبیا علیهم السلام که مرسل نبودند ایشان را بخواب کرامت گشت و هشام بن عروه از پدر خویش روایت میکند که او گفت که در تعبیر این آیت که حق تعالی جل جلاله و علا فرموده "لهم البشری فی الحیوة الدنیا" حق تعالی عز و جل بدین بشری خواب صالحان خواسته است که مردم صالح خویش را خوابی بیند یا کسی او را خوابی بیند که در تصدیق خواب آیات و اخبار بسیار است اگر جمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد و در خبر است از انس که رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت الرؤیا جزو من ستة واربعین جزوا من النبوة یعنی دیدن خواب مرد صالح جزویست از چهل و شش جزو پیغامبری و این چنین از بهر آن گفت که چهل ساله بود که بروی وحی آمد و شصت و سه ساله بود که از دنیا رحلت کرد میان وحی و رحلت از دنیا بیست و سه سال بود و آنچه خواسته بودند بخواب میدیدند اندر مدت شش ماه از بیست و سه سال یک بهر از چهل و شش بهر بود پس رسول علیه السلام بدین معنی گفت الرؤیا جزو من ستة واربعین جزوا من النبوة و پیغامبران دیگر همچنین بودند هرچه خواسته بودند حق تعالی جل و علا ایشان را از خواب باز نمودی و در خبر است از عبدالله بن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که خواب راست وحی است که حق تعالی جل و علا مر بینده را از خیر و شر بوی رساند تا در دنیا مغرور نشود و از امر کردگار غافل نباشد و ابوهریره رضی الله عنه گفت چون رسول علیه السلام بیمار شد یاران اش غمناک پیش وی آمدند و گفتند تو ما را از کار خیر خبر میدادی اگر اکنون غایب گردی ابا الله منها نزا اجل برسد ما را که خبر و بد در اختیار کار دین و تدبیر آن چگونه خبر دانیم رسول علیه السلام گفت بعد وفاتی ینقطع الوحی و لا ینقطع المبشرات بعد از وفات من وحی بریده شود اما مبشرات بریده نشود و گفتند مبشرات چیست گفت الرؤیا الصالحة التی یراها المرء الصالح او یری له یعنی دیدن خوابهای صالح که مرد نیک بیند یا کسی دیگر از بهر او بیند و در خبر است از ابوسعید خدری رض که گفت از رسول علیه السلام شنیدم که با یاران میگفت که چون کسی از شما خوابی پسندیده و نیک بیند باید که شکر حق تعالی گوید و آن خواب با برادران مومن و دوستان بگوید و اگر ناپسندیده بیند و مرد صالح بود چند بار اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بگوید و از شر دیو با پناه حق جل و علا رود و آن خواب با هیچکس نگوید تا مضرتی و گزندی بوی نرسد و در خبر است از امیرالمومنین علی بن ابیطالب کرم الله وجهه که او گفت چون مومنی خوابی بیند یا دیگرا بخواب بینند واجبست دانستن تعبیر آن خواب تا از خواب نیک بهرهٔ شادی برگیرد و از خواب بد حذر کنند یعنی بدعا و عبادات و صدقات مشغول شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که مرتبهٔ این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علمی طلب کند از اصلش نگردد و قیاسش تعبیر نپذیرد و طریق آن معلوم نکند مگر این علم از اصل نگردد و از احوال مردم بهیأت و صفت و قدر و دیانت و همت و ارادت و نیز باختلاف وقتها

همیکرد زیرا که وقتی تعبیر مثل یا باصل باید کرد و وقتی بضد گاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر اضغاث و احلام یعنی
خوابهای شوریده و بدانکه هر عالمی که علمی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معبر باید که بضرورت علم تفسیر قرآن و اخبار مصطفی
علیه السلام و امثال و اشعار عرب و عجم و نوادر و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از یکدیگر فرا گرفتن د باید که بزرگ و
لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال مردم نیک شناسد بقیاس و علم اصول نیک داند و دایم توفیق از
حقتعالی جل و علا خواهد تا او را بکرم خویش راه نماید و بر بالش صلاح و صواب راند و اینچنین ها حق سبحانه و تعالی
بکسی دهد که طبع او پاک باشد از همه به لقمه حرام خوردن و از سخنهای نابکار دور باشد و از معاصی احتراز
نماید تا در سلک العلماء ورثة الانبیاء درج گردد و وارث پیغمبران باشد پس بر خردمندان واجب باشد دانستن
علم تعبیر و شناختن قوانین آن زیرا که چه خاص و عام عالم و جاهل را بدین علم حاجتست مگر آن قوم را که حق جل و علا
در شان ایشان گفت اولئك كالانعام بل هم اضل اولئك هم الغافلون والله اعلم بالصواب

فصل اول در شناختن مزاج خوابها اندرین فصل بیان کنیم که حد خواب و مزاج وی چیست بدانکه حکما گفته اند که
سبب وجود خواب از بخارهای تر متصعد است که از تن بسوی دماغ بالا شود و بدانکه جمله حواس و قوی بیاسایند و آسایش
یابند و طعامهای خورده مضمحل شود و آمیزشهای تن پخته گردد و اینچنین خواب را پزشکان طبیعی گویند و بعضی
گویند که خواب گذاشتن روح است استعمال حواس را و بعضی گویند که خواب فعلیست از فعلهای دماغ و آن فعل طبیعی است
زیرا که از وی راحتها بقوتها میرسد خصوص قوت تخیل و قوت فکر و این قوتها که یاد کرده شد حرکات روح نفسانی اند
و موضع ایشان دماغ بود و آسایش بخواب است تا روح نفسانی آرمیده گردد دلیل برین آنست که چون کسی بتحصیل علم
مشغول گردد و بشب گرمی و خشکی بر مزاج او غالب شود و روح نفسانی از بسیاری حرکت سست و ضعیف گردد
و از اینجا رنج و بیماری تولد کند علاج آنچیزها سرد و تر باشد چون روغن بنفشه و روغن نیلوفر و آنچه بدین ماند و حکما گفته اند خواب
بر دو گونه است یکی طبیعی و دیگر غیر طبیعی اما طبیعی حرارت غریزی بر دهد یعنی گرمی اصلی اندرون را از اندرون نگهدارد و چون
بسیار خسپد قوای نفسانی سست گردد و بسبب آنکه تری بروی چیره گردد و لیکن باید که رنج زایل کند و فضلها که در تن جمع
شده جمله بعرق از اندامها دفع کند و خوابیکه غیر طبیعی است سه گونه باشد یکی از فساد مزاج تن دوم از زیاده شدن بعضی مسامهای تن و
یعنی خون و صفرا و سودا سوم از خوردن غذاهای غلیظ زیرا که مزاج سرد و تر است و مایه آن از سردی و تری دماغ ظاهر شود و از اینجاست
که دماغ گرم و خشک را خواب کمتر آید و دماغ گرم و تر خواب بسیار کند و اگر کسی اعتراض کند و گوید که چه دانستی که
خواب فعلیست از افعال سرد و تر و راحت و قوت تخیل و تفکره است جواب آنست که ما را از طریق عقل
معلوم میشود که نشستن راحت ایستادن است باعتدال راحت بیداری و آسایش قوتهای دماغ
پس یقین است که خواب فعلیست از افعال مغز سرد و شرح خواب طبیعی و غیر طبیعی و ضعف قوت تخیل و

وقوت ذکر و قوت فکر بحجت و برهان از قول حکمای قدیم در کتاب کفایت الطلب نهاده ایم و جمله در آن بیان کردیم فصل
دوم در دانستن قسمهای خواب دانیال علیه السلام گوید که خواب در اصل دو چیز است یکی آگاه کننده از حقیقت حالها دوم بیدار کنندۀ
از سرانجام کارها و این دو فصل از چهار قسم است یکی خواب امر است یعنی فرماینده دوم خواب زاجر یعنی باز زننده سوم منذر یعنی بیم کننده
و ترساننده چهارم خواب مبشر یعنی مژده دهنده عبدالله بن مسعود گوید که رسول علیه السلام گوید الرؤیا ثلثة اقسام من الله تعالی
والبشر المؤمنین فی حیوتهم قسم دوم من الشیطان الذین امنو قسم سوم اضغاث و احلام یعنی خواب بر سه قسم است یکی از
حقتعالی جل و علا بشارت مومنان را در رسند کافی با ایشان و دوم قسم آنست که مردمان را اندوهگین گرداند سوم قسم آنست
که خوابهای آشفته باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اصل خواب بر سه قسم است یکی را حکم خوانند دوم را قسم متشابه خوانند و
سوم قسم را اضغاث و احلام خوانند و اضغاث و احلام چهار گروه بینند گروهی که طبع ایشان بفساد مایل است و گروهی که شارب الخمر
باشند و گروهی که غذای سودا انگیز خورند چون بادنجان و عدس و گوشت نمکسود و آنچه بدان ماند و گروهی کودکان
نابالغ محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید خواب بر دو قسم است اول خواب حکم که آن درست بود دوم اضغاث و احلام و آن
خواب پریشان و پراکنده بود و اضغاث دستهای گیاه باشد یعنی چنانکه گیاها متفرق اند هر گونه در بستانها و اضغاث
نیز مختلف است و آن نیز بر سه نوع است بعضی از غلبه طبع و هوا و بعضی از نمایش دیو و بعضی از حدیث نفس و این
هر سه نوع درست نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید خواب بر سه قسم است قسمی از بشارت حقسبحانه و تعالی عز و جل و قسمی
وسوسه از شیطان و قسمی از سخنی که با خود گوید و از هوس آن سخن در خواب بینند و آن راست صورت فرشته بود
که از لوح محفوظ بشارت دهد بچیزی که کرده باشد یا بنده بحضرت حق تعالی جل و علا بود و از شر آن ایمن گردد که بوی رسد ازین سبب چون
کسی خواب بیند و فراموش کند معبر گوید توبه کن از گناهان و فراموش کردن خواب از معصیت باشد زیرا که نماینده خواب فرشته هست
از لوح محفوظ مغربی رحمة الله علیه گوید خواب بر دو قسم است قسمی خواب راست و قسمی خواب دروغ و خواب راست بر سه قسم است قسم اول را
تبشیر خوانند و قسم دوم را تهدید و قسم سوم را الهام قسم تبشیر آنست که حق تعالی جل و علا فرشته بر لوح محفوظ موکل فرموده است تا هر چه از خیر و شر
بر سر فرزند آدم که خواهد گذشت از لوح محفوظ بوی رساند و بنماید او را در خواب و آن فرشته را ملک الرؤیا خوانند پس چون کسی را بشارتی
خواهد رسانید ملک الرؤیا او را در خواب باز نماید و خواب تهدید آنست که ملک الرؤیا او را بترساند و آگاهی دهد از چیزی که بوی خواهد رسیدن
تا بینندۀ خواب بطاعت گراید و از گناه پرهیزد و بسبب آن عبادت و فرمان برداری کند و از شری که بوی خواهد رسید ایمن
گردد قوله تعالی وتوبوا الی الله جمیعًا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون و خواب الهام آنست که خدای تعالی الهام دهد آن فرشته
را تا در خواب بنماید بنده را که صدقه باید دادن و جهاد کردن و بحق سبحانه و تعالی باز گشتن و از سر گناه در گذشتن و عدل
و احسان با خلایق کردن و خواب دروغ بر سه جا است یکی را خواب همت گویند دوم خواب علت سوم خواب
شیطانی یعنی خواب آشفته و مختلف خواب همت آنست که مردم به بیداری چیزی اندیشند چون بخواب روند همان

بیند و آنخواب را اصلی نباشد و تاویل وی راست نیاید و خواب علت آنست که مردم آزاری از درد و اندامی نالد چون بخسپد آن درد بروی غالب شود و چیزهای منکر و سهمکین بخواب بیند و سبب آنخواب از درد باشد و آنخواب را اصلی نباشد و خواب شیطانی آنست که او را غسل کردن واجب کند یا چیزی ناممکن بخواب بیند و آنرا تعبیر و تاویل نباشد قوله تعالی وما نحن بتاویل الاحلام بعالمین و امیر المومنین علی کرم الله وجهه فرمود که از عجایبهای که حق سبحانه و تعالی عز و جل آفرید یکی خوابست و آنچه در خواب همی بینیم از خیر و شر که بعد از آن حکم ایزد تعالی جل و علا برسد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی آنست که شخص در خواب بیند خیری و منفعتی و راحتی بیند یا شری و آفتی همچنان آن خیر و راحت یا شر و آفت بعینه بیداری بوی رسد و یکی دیگر آنکه بسیار مردمان کند فهم و کند زبان باشند چنانکه در بیداری بیتی دراز و یا شعری که یاد نتوانند گرفتن در خواب خواند و یا دگیرد و در بیداری درست باز خواند و بسیار مردمان جاهل باشند که سخنان حکمت آمیز و لفظهای نیکو گویند چنانکه هیچ حکیم و عالم نتواند گفت و چون بیدار شود آن سخنان باز گویند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی آنست که در خواب چیزی بیند که اقربا باشد و تاویل آن چنان است که آنچه در خواب بیند فرزند یا برادر روا باشد چنانکه محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم یکی بخواب دید که بوجهل مسلمان شدی آنخواب از پس بعکرمه باز گشت هم مردی دیگر بخواب دید اسد امیر مکه مسلمان شد آن خواب به پسران عباس بن اسد باز گشت که چون کودکی بخواب بیند تاویلش مادر او را بود و یا بنده بیند تاویلش خواجه او را باشد ازین عجایبها در خواب بسیار است اگر جمله یاد کنیم کتاب دراز گردد

فصل سوم

در یاد کردن نفس و روح بدانکه حق سبحانه و تعالی جل و علا در قرآن مجید فرماید الله یتوفی الانفس حین موتها والتی لم تمت فی منامها فیمسک التی قضی علیها الموت ویرسل الاخری الی اجل مسمی ایزد تعالی عز اسمه خبر کرده است ما را که نفس با خویشتن گیرند در خواب و بیداری باز گذارد و اما مرده باز نگذارد و معنی یتوفی اینجا استیفا بود و معنی بستدن و میان علما و حکما در نفس و روح خلاف است بعضی گفته اند هر دو یکی اند معنی نفس و روح جانست و دلیل ایشان آنست که گویند در کلام عرب هشت معنی دارد جان و خون و آب منی و براز و همت و جسم و بد و روح را گویند دوازده معنی دارد جان و باد و کلام و روح القدس و باران و وحی و افسون مسیح مریم و زندگانی و فرشته و رحمت حق جل و علا و جمعی گویند که جان بیننده خواب از تن بیرون آید بآسمان رود و آنچه بدیده است و شنیده یاد میدارد و چون بیدار شود باز جان در تن او در آید دلیل ایشان آنست که پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفت بنده که بطهارت بخسپد و ذکر حق تعالی بر زبان راند جان او را بر آسمان برند و بعضی معبران این آیت خبر را منع کنند و گویند این نه قول رسول است اگر خفته را جان از تن رفتی حرکات و دم زدن نداشتی پس چون این حال در خفته حاصل است دلیل کند که جان همچنان در تن خفته است و بعضی در میان جان و روان فرق نهند و گویند که چون خفته در خواب رود روان او از تنش بدر آید و گرد عالم بگردد و باز در تن در آید و آنچه دیده باشد جان را خبر دهد و دلیل گویند که مثل جان چون قرص آفتاب است و مثل روان چون روشنائی آفتاب چنانکه قرص آفتاب در فلک چهارم است و روشنائی او در جهان و جمعی از فلاسفه گویند جان و روان خود یکیست و هیچ

فرقی نیست میان ایشان زیرا که صفت ایشان بقیاس عقلی چون یخ از آبست و آب از یخ و نزدیک ارسطاطالیس
نفس مبداء اول است و او شریف و بزرگوارتر از روح است و اما صفت نفس و روح از قول حکما بیش ازین یاد کردیم
در کتابی که نام او سماز المسایل است و آنجا بیان کرده ایم تا بنزدیک اهل سنت و جماعت روح امریست از امرهای باری سبحانه
تعالی عز و جل قوله تعالی ویسئلونك عن الروح قل الروح من امر ربی یعنی ای محمد سوال میکنند ترا از جان بگو که جان
از امر کردگار منست و اعتماد بر قول باریتعالی است و حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم و مقصود از یاد کردن اقاویل حکما درین
باب این بود تا این کتاب از ذکر ایشان و برهان خالی نباشد ایزد جل و علا ما را بطریق دین خدا و سنت پیغمبر نگاه دارد و
توفیق خیر و کرامت روزی کند **فصل چهارم** در درستی خوابها بعلامتها کرمانی رحمة الله علیه گوید هر که خواهد تا درستی
خواب خویش بعلامتها و دلیلی نیک بداند باید که تا تواند بطهارت بخسپد و به پهلوی راست بخسپد و خدای را یاد کند و طعام بسیار
نخورد زیرا که آنکس که طعام بسیار خورد و خدای را یاد نکند معده او پر گردد و بخارهای طعام بدماغ او رسد و عقل از آن متخیل
گردد ازین سبب خوابهای آشفته و مختلف بسیار بیند و طعام اندک هم نخورد زیرا که چون معده از طعام خالی باشد و گرسنه خسپد
هم خواب آشفته بیند زیرا که طبیعت غذا نیابد سست و ضعیف شود او را خواب نبرد و چون در خواب رود خواب آشفته بیند
و مردم در وقت خواب باید که نه سیر باشند و نه گرسنه تا خوابی که بینند راست و درست آید و نیز خواب را فراموش نکنند و در خبر آمدست
از عبدالله بن مسعود که مرد اعرابی نزدیک رسول الله صلعم آمد و گفت یا رسول الله دوش چنین خوابی دیدم و خوابی آشفته آغاز کرد و
میگفت رسول ع فرمود که چه خورده بودی گفت خرمای پخته خورده بودم بسیار رسول علیه السلام فرمود که اینخواب را تاویل نیست و
درست نیاید و از اینجا است که معبران بسیار خواب را تعبیر میکنند و تاویل آن درست نمی آید معبر باید که ازین تعبیرها غافل نباشد و چنین چیزها
از سایل بپرسد بعد از آن تاویل خواب بکند تا آنچه گوید راست و درست آید و علامتهای درستی خواب چنین باشد که یاد کرده شد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بسیار خوابست که کسی بیند چون آنکس سزاوار آن نباشد تاویلش بکسی از خویشان او باز گردد یعنی بفرزند
یا برادر یا پدر و بسیار بود که تاویل خواب از مرگ او تاخیر کند و ما درین باب پیش ازین تقریر عکرمه بن ابوجهل کرده ایم که پدر خواب دید و تاویل
آن بپسر رسید چنانکه کودک نابالغ چون خواب بیند بپدر باز گردد پس چون معبر اصول این چیزها دانسته باشد بر هیچ مشکل نبود و جعفر صادق رضی الله عنه
گوید بسیار خوابست که بیننده را صعب و سهمگین نماید تاویلش بخلاف آن باشد چنانکه اندوه و بیم و تاویلش شادی و خرمی باشد قوله تعالی
ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا و گر بیند که از بیم پادشاه و دشمن و ددان و آنچه بدین ماند دلیل کند که خداوند خواب در امان
و زینهار خدایتعالی باشد قوله تعالی ففروا الی الله انی لکم منه نذیر مبین و اشکال این تاویلات بسیار است و ما هر یکی در موضع خود
بیان کنیم انشاء الله تعالی **فصل پنجم** در معرفت خواب راست و دروغ دانیال علیه السلام گوید که مردمان باشند در شکل و صورت و طبایع و بالا و سخن گفتن و
خواب هر کس چون بر طبع مردم و هوا و شهر هر کس مختلف باشند و بر یکدیگر نمانند چون بر طبع مردم خون غالب شود از بسیار خوردن گوشت و حلوا
و شراب و چیزهای دیگر که از وی خون بیفزاید در خواب رگ زدن و حجامت کردن و لب تاختن و عشرت کردن و آوازه

چنگ و چغانه شنودن و آنچه بدین ماند پس چون معبر در روی نگاه کند و گونهٔ روی سرخ بیند و تن فربه و در وی نشاط و
شادی بیند نه بوقت هنگام خویش بداند که آن از علت غالب شدن خونست و آن خواب را اصلی نباشد و چون بر طبع مردم
صفرا غالب باشد از خوردن چیزهای صفراوی چون سیر و پیاز و پلپل و چیزهای گرم و خشک در خواب آتش و چراغ و شمع و
قندیل و گرما و چیزی بسیار بیند چون معبر او را زرد گونه و لاغر بیند در وی تیزی و حرکت بیند و سخن بسیار گوید داند که صفرا
بروی غالب است و خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع وی بلغم غالب شود از خوردن چیزهای بلغم افزا چون دوغ و
ماست و شیر و آنچه بدین ماند در خواب برف و باران و آنچه بدان ماند بسیار بیند چون معبر گونهٔ او سفید و تن فربه بیند و در سخن او گرانی یابد
داند که بر مزاج او بلغم غالب است و داند که خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع سودا غالب شود از خوردن چیزهای سودا انگیز
چون گوشت نمک سود و ترشیها و بادنجان و آنچه بدین ماند خوابهای با بیم و ترس و مار و کژدم و تاریکی و چیزهای سهمگین
و سیاهی بسیار بیند و چون بیند که رنگ و روی او از اندیشه متفکر است و بی سببی بروی و ریش خود دست مالد
معبر بداند که سودا بروی غالب است و خواب او را اصلی نیست پس از راه خود واجبست که معبر درین چیزها که گفتیم
بتأمل نگاه کند و خواب هر کس را نیک بپرسد و بر آن واقف گردد تا تاویل خواب بر وفق صواب آید ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید خواب آن کس نیکو اصحاب تهمت باشند چون عاشق معشوق را بخواب بیند یا ارباب حرفت که پیشهٔ او بخواب بیند
مثلا جولاه کرباس را یا آهنگر آهن را بیند بر معبر واجبست که خواب باز پرسد که دوش چه خورده بودی و در چه اندیشه
خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب در میان برف و باران و یخ و سرما گرفتار است چون بیدار شود جامهٔ خواب از وی
دور شده باشد آن سرما بخواب دیدن سبب برهنگی باشد و بی جایگی او بود و آن خواب را اصلی نباشد و اگر بخواب بیند که اندر گرما بود یا آفتاب
و حرارتی و رنجور بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود پیچیده باشد و آن گرمی یافتن بسبب جامه بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی بیند که از علتی رنج یابد و دردی
در اندام وی افتاده بود و بیدار رنجور میداشت و همان درد دارد و آنچه در خواب بیند که بول میکرد چون بیدار شود بیند که در جامهٔ
خواب بول انداخته بود و یا بول بروی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد **فصل ششم** در دانستن تفاوت
میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از دو حال بیرون نیست یا مومن است یا کافر و این اهل را
چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان دوم خواب قاضیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب آزادگان
ششم خواب بندگان هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان دهم خواب فاسقان یازدهم خواب توانگران دوازدهم
خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خوابهای پادشاهان راست تر و درست تر
است و گفته اند که خواب پادشاهان را بر دیگران چندان فضیلت است که پادشاهان را بر رعیت چه ایزد سبحانه و تعالی جل و علا پادشاهان را
برگزیده و سروری داده و خلق را فرمود تا اطاعت وی بجا آورند قوله تعالی یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَ
اَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود مَنْ اَطَاعَ الْاَمِیْرَ فَقَدْ اَطَاعَ بِهِ اللّٰهَ

وَرَسُوْلَهٗ پس هر چند خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیند آن خواب مقرون پادشاه را نزدیک بود و بخواب پادشاه نزدیک تر و خواب
او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیراکه عدل و انصاف و نظر کردن در کارهای خاص و عام بستن
و کشادن با مور مسلمانان همه از قاضیان بود و خواب فقها را فضیلت است بر خواب عوام چه ایشان دانا اند با صول فقه و حدود
مسلمانی و فرائض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان بتوان دانست و خواب آزادان را فضیلت است بر خواب بندگان
از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا شرف و نسب داده است ایشانرا بر بندگان و خواب علما را فضل از برای آنست که
حق سبحانه و تعالی ایشانرا شرف و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده
خداوند را منفعت دهد که بنده را از آن نصیب باشد و خواب مردانرا بر زنان افضل است از برای آنکه باری سبحانه و تعالی
ایشانرا بر گزید بر زنان بچند چیز رجحان داده تفضیل نهاد قوله تعالی اَلرِّجَالُ قَوَّامُوْنَ عَلَی النِّسَآءِ و پیغامبرانرا
علیهم السلام فرستاد همه مردان بودند و جای دیگر فرمود فَرَجُلٌ وَّامْرَاَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ و دیگر
عقل است صبر و جود و رای و شجاعت و سخاوت و علامت و خدم و امثال آن همه در جبلت مردان مذکور گردانیده و خواب زنان
نزدیکست بخواب بندگان و خواب صالحان را فضیلت بر خواب فاسقان از بهر آنکه خواب اهل صلاح بطاعت میل می کنند
و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان که روز قیامت بر ایشان حجت باشد چنانچه بر کافران زیراکه فاسق بر معاصی دلیری
کند و خواب توانگر بر خواب درویش فضل دارد زیراکه توانگر زکوٰة و صدقه دهد و حج و غزا کند و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که
یَدُ الْعُلْیَا خَیْرٌ مِّنْ یَدِ السُّفْلٰی یعنی دست بخشنده به از دست ستاننده است و گروهی از معبران گویند که خواب درویشان
را اصلی نباشد زیراکه همواره دل ایشان پریشان باشد از غم کسب و عیال چون درویش خواب نیکو بیند اثر آن دیر پدید آید
و چون بد بیند اثر آن زود ظاهر گردد و خواب توانگران خلاف این باشد و خواب اهل بلوغ معتبر باشد زیراکه شهوت بر ایشان
غالب باشد و نا بالغ ادب و عقل ندارد و بعضی از معبران گویند که خواب کودک نا بالغ چون نیک باشد نیکی آن بپدر و مادر رسد و
بدی آن زیان دارد و خواب کودک نا بالغ را دو قولست قول آنست که خواب ایشان راست و درست باشد حکمش پدید
آید زیراکه دل کودک از گناه صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قولی دیگر خواب کودکانرا عقل و تمیز چنانچه
باید نباشد و خواب مست و جنب و زن حائض درست باشد چنانچه صفیه بنت هند بخواب دید که ماه و آفتاب از آسمان هر دو بکنار وی
افتادند چون بیدار شد امیر خیبر را از این خواب آگاه کرد امیر خیبر طپانچه بر روی وی زد و گفت اگر این خواب راست میگوئی محمد مصطفی صلی الله
علیه وسلم خیبر بستاند و ترا زنی کند دیگر روز رسول صلی الله علیه وسلم خیبر بگرفت و لشکر اسلام صفیه را پیش بردند رسول صلی الله علیه وسلم از
صفیه پرسید که این کبودی که بر روی تست از چیست صفیه این صورت خواب باز گفت همچنان بود که دیده بود و تاویل خواب او راست آمد
والله اعلم بالصواب فصل هفتم در معرفت فرق میان خوابها کرمانی رحمة الله علیه گوید که خواب مسلمانان راست تر از خواب کافران باشد
و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی اَمْ حَسِبَ الَّذِیْنَ اجْتَرَحُوا

السَّیِّئَاتِ اَنْ نَّجْعَلَهُمْ کَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَوَآءً مَّحْیَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَآءَ مَا یَحْکُمُوْنَ و خواب
پیران بهتر و راست‌تر از خواب کودکان و خواب زنان آزاد بهتر از خواب کنیزک بود و در خواب هر کس معبر را باید که در وقت گذاردن
خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خداوند خواب سؤال کند و الفاظ پراکنده که شنود همه را بقیاس عقل راست کند
چنانکه لفظ اول با آخر بود و از آن آخر با اول آرد آنگاه تعبیر کند و هر کدام که لفظ قوی‌تر بیند با صول همان لفظ تعبیر
کند تا چون میزان کلام نگاه داشته باشد او را غلط نیفتد و آنچه گوید صواب گوید زیرا که علمای قدیم قیاس چنین کرده‌ای
و صواب و راست آمدی **حکایت** چنین گویند مردی از ابن سیرین رحمة الله علیه سؤال کرد که بخواب دیدم که بانگ نماز گفتمی ابن سیرین
گفت حج اسلام بگذاری هم در آن وقت مردی بیامد و گفت که بخواب دیدم که بانگ نماز میگفتم گفت ترا بدزدی متهم کنند شاگردان
گفتند که این دو خواب یک صورت داشت که بانگ نماز می‌گفتند چگونه تعبیر این مخالفت کند گفت آن را سیمای صلاح دیدم گفتم که حج بگزاری
قوله تعالی وَاَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَاْتُوْكَ رِجَالًا و در آن دیگر سیمای اهل فساد دیدم مخالفت در تعبیر گفتم که ترا بدزدی
بگیرند قوله تعالی فَاَذَّنَ مُؤَذِّنٌ اَیَّتُهَا الْعِیْرُ اِنَّكُمْ لَسٰرِقُوْنَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید که وقتی باشد که خوابی ببیند
و تاویل آن هم در آن روز باشد و خوابی اندر شب ببیند و تاویل آن بیکسال باشد و خوابی در شب ببیند و تاویل آن بشش ماه باشد و وقتی
باشد که خوابی ببیند که ببیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه در کشتن امیر المؤمنین حسین رضی الله عنه آن چنان
بود که رسول صلی الله علیه وسلم بخواب دید که سگی خون وی بخوردی و بعد از چهل سال درستی آن خواب پدید آمد که او را شهید کردند جابر مغربی
رحمة الله علیه گوید که تاویل خواب شب قوی‌تر از خواب روز باشد و خوابی که اول شب ببیند درست نباشد اکثر از کثرت اندیشه و اشغال و
خوابی که در نیم شب ببیند هم از قسم اضغاث و احلام بود پس درست‌تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه فرشته مقرب از لوح محفوظ
بمردم نماید از این سبب تاویلش درست و راست بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوابیکه در اول شب ببیند تاویلش به پنج سال پدید شود
و اگر میانه شب ببیند تاویلش به پنجماه پیدا شود و اگر در سحرگاه ببیند تاویلش تا ده روز پیدا شود علی الجمله هر چند که شب بروز نزدیکتر بود
خواب درست‌تر و زودتر بود تاویل آن

فصل هشتم در دانستن خواب جذر تا بر معبر راست آید دانیال علیه السلام
گوید که هر که خواهد که تعبیر خواب کند نا چار است از آنکه علم جذر و فال را که استادان قدیم را بوده نیک بداند
چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب بپرسد باید که معبر نام سائل بپرسد اگر نامش نیک باشد دلیل بر نیک کند
چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سهیل و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین ماند بدانکه این جمله را دلالت بر خیر و
فرح بود و بر آنکس که رسیده اگر نام بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوه که برو رسد و چون سائل از وی تعبیر
خواب پرسد معبر در آن زمان پیش اسپ یا استر یا خر بیند بداند که خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز بیننده خواب
سفر کند خاصه که اسپ و استر با زین و لگام بیند قوله تعالی وَالْخَیْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِیْرَ لِتَرْکَبُوْهَا وَزِیْنَةً
و اگر سائل از وی تعبیر خواب بپرسد و آن زمان کلاغ سه بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکی کند و اگر کلاغ دو بار بانگ

کند دلیل بر بدی بود که بوی می برسد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید شخصی خوابی می پرسید از عبدالله ابن عباس در آن حال کلاغی
بیامد و بر دیوار خانه بنشست و دو بانگ کرد عبدالله بن عباس گفت دلیل که شهری تو رسد هم در آن شب دزدی بخانه وی رفت و
سوراخی کرد و هر چه داشت ببرد عبدالله گفت که من با یاران گفتم که اگر کسی تعبیر خواب بپرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر مضرت و
زیان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکوئی و اگر پنج بار کند بد باشد و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید که بانگ کلاغ چون طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جفت باشد دلیل بر تباهی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر
مردی بخسپد به نیت آنکه خوابی ببیند و از آن خواب احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گوسپند یا بره یا گاو یا اسپ و مانند این
باشد که گوشت وی چیزی خورند دلیل بر تباهی کار او باشد اگر ببیند در بسته از بهر او گشادند و یا طعامی شیرین یافت و خورد
دلیل بر نیکی کند فصل نهم در خوابیکه فراموش کرده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید چون کسی خوابی دیده باشد
و فراموش کند و معبر خواهد که خواب او بداند طریق آنست که نامش بپرسد و حرفهای نامش بشمارد و بحساب ابجد نه نه
از وی بیندازد و نگاه کند که چند مانده است مثلا اگر نه مانده باشد شهر را بخواب دیده تاویلش دلیل بر فساد کند قوله تعالی وکان
فی المدینة تسعة رهط یفسدون فی الارض ولا یصلحون و اگر هشت مانده باشد سفر یا تزویج
دیده باشد قوله تعالی ثمانی حجج فان اتممت عشرا فمن عندک و اگر هفت مانده باشد دوان پاسکان دیده باشد قوله تعالی یقولون
سبعة وثامنهم کلبهم و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب مستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل صلاح را بخواب دیده باشد تاویلش
تمامی اشغال وی باشد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل کند که دیوان و اهل فساد بخواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال او کند قوله تعالی خلق
السموات بغیر عمد ترونها ثم استوی علی العرش و اگر پنج مانده باشد اسپان و سلاحها بخواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و
ستارگان بخواب دیده باشد فی اربعة ایام سواء للسائلین و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد ما یکون من نجوی ثلثة
الا هو رابعهم و دیگر گفت ثلثة ایام الا و اگر دو مانده باشد یا یک دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثانی اثنین اذ هما فی الغار اذ
یقول لصاحبه لا تحزن تاویلش آنست که از آنچه متغیر شد امین گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چون کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و معبر خواهد
که خواب بداند خداوند خواب را گوید دست بر عضوی از اعضای خویش اگر بر سر نهد کوه در خواب دیده باشد و اگر بر چشم نهد چشمه آب شور دیده
باشد و اگر بر بینی نهد دامن کوه دیده باشد و اگر بر رخسار نهد مرغزار دیده باشد و اگر بر دهان نهد چشمه آب خوش دیده باشد و اگر بر
گوش نهد شکافها و مغاکها دیده باشد و اگر بر ریش نهد گیاهها در خواب دیده باشد و اگر بر شکم نهد رودخانه در خواب دیده باشد و اگر بر عورت
نهد خرابات در خواب دیده باشد و اگر بر دوش نهد کوشک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهد درخت میوه دار دیده باشد و اگر بر انگشتان نهد شاخهای
خورد درخت دیده باشد و اگر بر مقعد نهد مزبله دیده باشد و اگر بر زانو نهد گریوه دیده باشد و اگر بر ساق نهد درخت
بی بر دیده باشد دانیال علیه السلام گوید که چون کسی خواب بیند و فراموش کند از چهار چیز بوده باشد یکی از بسیاری گناه
دوم از کردار مختلف سوم از ضعف نیت چهارم اختلاف طبع که چون از حال بگردد لاجرم خوابها فراموش کنند

فصل دهم در گذاردن خواب بقول جاهلان کرمانی رحمة الله علیه گوید اهل علم و حکمت جایز نداشته اند که کسی خواب
پیش جاهل گوید یا تعبیر آن از جاهل بپرسد و آنکه گویند اگر کسی خوابی دیده از نادانی پرسید و او تعبیر کرد و آنچه معبر گفته باشد واقع
شود و این محالست زیرا که نماینده خواب فرشته ایست و هرگز خطا نه اندیشد و آنچه گوید حق باشد و حق بقول نادان باطل نگردد
و میان عالم و جاهل فرق بسیار است قوله تعالی قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ و رسول صلی الله علیه
سلم فرمود لَا يَسْتَوِي الْعَالِمُ وَالْجَاهِلُ و چون نمودار خواب فرشته ایست که از لوح محفوظ گفته باشد اگر بیند که
خیر خواهد رسید یا شر و هر که عالم و جاهل خواهند که آنرا بگردانند آنچه رسیدنی بود برسد مگر قضای معلق بود که بدعا و صدقه دفع شود
چون ملک ریان آن خواب بدید چنانکه حق تعالی فرمود قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ
قوم خود را بخواند و این خواب پرسید و گفت قوله تعالی يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ
یعنی ای بزرگواران فتوی کنید مرا درین خواب قوم او گفتند ما تعبیر این خواب نمیدانیم پس یوسف عم تعبیر کرد و حدیث هفت
سال قحط بگفت بدین عجب دانستیم که هر چند جاهلان تعبیر خواب کنند حق باطل نگردد **فصل یازدهم** در معرفت خوابها از حال
باوقات و اصناف و هیات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خواب باوقات گردد چنانکه اگر کسی بشب خواب بیند که بر سبیلی
نشسته است دلیل که بزرگی کند و شغلی که او را باشد اندران منفعت اندک بود و اگر این خواب بروز بیند دلیل که زن را طلاق
دهد و اگر بشب بیند که مرغ سگ را بگرفت دلیل که او را با مردی ابله کار افتد و اگر بروز بیند بیمار گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خواب
از اصل نگردد و بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکی دیگر عذاب بود قوله تعالی غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ
وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا چون این خواب مردی صالح بیند دلیل که دست از گناهان و کارهای ناسزا بدارد چنانکه محمد بن عبدالعزیز روایت
کند باسناد درست از عبدالرحمن اسلمی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم میان ابوبکر صدیق و سلمان فارسی رضی الله عنهما برادری کرده و او و سلمان خوابی دیده
ابوبکر را گفت و سبب آن خواب از وی دور شد و ابوبکر رضی الله عنه گفت که دست از سر کوتاه شد یا بشبانت سلمان رضی الله عنه از این خواب
سید عالم را صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد تاویل همان فرمود که ابوبکر رضی الله عنه گفته بود و ابو سلم رضی الله عنه روایت کرد از عطا بن خباب که محمد بن سیرین
رحمة الله علیه گوید که تاویل خواب سبکه بر منبر بود چنین کرد که اگر از اهل صلاح است شرف و بزرگی یابد و اگر از اهل فساد است بر دارش کنند
و در علم الحدیث آمده است که احمد بن سعد روایت کرد از ابو عبیده که زنی از محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم پرسید بخواب دیدم که ستون سقف
خانه من بر من شکسته بود گفت که شوهرت از سفر باز آید بار دیگر همین خواب دید پیش ابوبکر رضی الله عنه رفت و از وی پرسید گفت شوهرت
بمیرد خواب هر دو یکی بود و اما تاویلش از اختلاف وقت بگشت و ابوحاتم روایت کند از اصمعی که اشعری پرسید که بخواب دیدم که گندم بجو
فروختمی گفت شعر بقرآن بدل کنی و گندم جو را اصل بگردانید از گشتن حال مرد و اگر کسی همین خواب بیند باشد که صاحب اصمعی حدیث
کرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید هر خواب که در فصل بهار بیند امیدوار باشد و نیکو اما در حکم تاویلش تاخیر بود و خوابیکه
در فصل تابستان بیند حکم تاویلش زودتر و قوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند تاویلش درست نیاید و برو درستی

این سخن دلیل آنست که مردی از ابوبکر صدیق رضی الله عنه پرسید که بخواب هفتاد برگ شمرده از درختی بمن داده اند ابوبکر گفت
هفتاد چوب بر تو زنند و در آن هفته هفتاد چوب بروی بزدند پس همین سال دیگر همین خواب دید همان هفتاد برگ از ابوبکر صدیق
رضی الله عنه پرسید گفت هفتاد هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المؤمنین پارسال همین خواب دیدم تاویل آن هفتاد چوب بود امسال
هفتاد هزار درم میگفتی از فصل این خبر کن گفت پارسال در فصل خزان دیده بودی در آنوقت درختان همه خشک می شدند و
برگ میریخت تاویل آن آن بود و امسال بهار است و درختان روی باقبال دارند تاویلش اینست آنمرد هفتاد هزار درم یافت
دانیال علیه السلام گوید که چون کسی در اقبال خواب بیند یعنی از بامداد تا نیمروز حکم تاویلش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال
تا شبنگاه دلیل بر شر و فساد بود و تعبیر آن خواب بروز ابر و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید
جابر مغربی رحمه الله علیه گوید راست ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب برآمدن بیند یا استواء آفتاب خواب نیکو و
درست و راست باشد و تاویل خواب شکفتن درختان و رسیدن میوه ها خوابهای عظیم نیکو بود و تاویل آن درست آید و خوابیکه روز
زمستان بیند حکم تاویلش ضعیف باشد و در زمستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرّم است **فصل دوازدهم**
در معرفت شرایط آداب با اهل خواب دانیال ع گوید معبّر باید که دانا و پارسا باشد و ساکت و علیم و از عصیان دور باشد
و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سائل باحتیاط تمام بشنود و بداند که سائل پادشاهست یا
رعیت کهتر است یا مهتر عالم است یا جاهل آزاد است یا بنده غریب است یا شهری توانگر است یا درویش مرد است یا
زن فارغ دلست یا مشغول در تابستان دیده است آن خواب یا در زمستان چون اینها جمله بداند هر یکی را به قیاس عقل
چنانکه استادان این علم گفته اند تاویل کند و از خود نگوید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم امام و یگانه بود با اینهمه
فضل خوابهائی که تعبیر آن ندانستی نگفتی و ابوحاتم روایت میکند از اصمعی از ابوالمقدام که ابن سیرین از سی تا چهل که پرسیدندی
یک جواب بگفتی و باقی را التعبیر نگفتی پس معبر باید که اول سخن بیننده خواب نیکو بشنود و آنرا التعبیر نیک بداند و در آن تامّل کند و اگر
سخنی درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنگاه تعبیر کند و اگر حشوی در میانه سخن باشد آن حشو از وی
جدا بیفکند و بر اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ بیکدیگر نماند اضغاث و احلام است و تاویل آن نکند و اگر تاویل آن
پوشیده بروی از آن معنی بپرسد از سائل که تنگدلست یا خوشدل و آنچه از وی بشنود بنای تاویل خواب بر آن نهد و اگر نتواند گفتن و
معبر آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بالطبع عبارت و گفتار درشتی و نیکوئی و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود
نگوید و بروی پوشیده دارد کرمانی رحمه الله علیه گوید اصل خواب بر سه چیز است یکی جنس دوم صفت سوم طبع و جنس چون درختان
و مرغان بود با اینهمه در تاویل مردان باشد و صفت آنست که معبر بداند که درخت کدام است و این مرغ از چه جنس است و از چه صفت است و اگر درخت
گردکان بقیاس بداند که مردی عجمی است زیرا که در عرب درخت گردکان نباشد و اگر مرغ طاوس باشد عجمی بود و اگر شترمرغ باشد
مردی عربی بود و طبع آنست که بداند طبع آن درخت از چه نوع است پس تاویل بر نوع آن درخت کند اگر درخت گردکان بود مردی

توانگر بود ولیکن به معامله و بخیل و شنیع بود زیرا که چون گردکان بجنبانی بانگ کند تا شکنی مغزش بیرون نیاید و اگر
درخت خرما باشد کاری اختیار کند که آسان باشد کشجرةٍ طیبةٍ اصلها ثابت وفرعها فی السماء و شجرهٔ طیبه آنجا
درخت خرما بود و اگر مرغی باشد که همی پرد بداند که این مرد سفر کند پس طبع مرغ نیز بباید دانستن که اگر کلاغ باشد مردی بدعهد
بود و نیز بیننده خواب باید که مردی راست و با دیانت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان نکند زیرا که
همه خواب را بزبان آورد و اگر کسی خوابی بیند و از آن بترسد باید که سه بار آیت الکرسی بخواند و بر خویشتن دمد و بگوید
أعوذ برب موسى وإبراهيم الذي ومن شر الرؤيا التي رأيتها من منامي أن يضرني في ديني ودنياي
ومعيشتي عز جارك وجل ثناؤك ولا إله غيرك پس از آن دو رکعت نماز بخواند و صدقه دهد شر آن خواب
بگردد مغربی رحمة الله علیه گوید ابلیس علیه اللعنه در همه خوابها اعتراض کند و همه چیز خویشتن را مانند کند مگر بخدای عز وجل و
فرشتگان و پیغمبران و آسمان و آفتاب و ماهتاب و ستارگان خود را بدان تشبیه مانند نتواند کردن و اگر وی را قوت آن
بودی که خود را مانند این چیزها نمودی میان خلایق فتنه افکندی که گاهی خود را بصورت پیغمبران نمودی و گفتی که من از تو
خوشنودم هر چه خواهی میکن یا دیگری بگفتی که من آفریدگار توام گناهان ترا عفو کردم و ترا آمرزیدم و چیزها گفتی که بندگان
خدای تعالی عز وجل را گمراه کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هرگاه ابلیس علیه اللعنه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید
از آسمان آتشی فرود آید و آنرا بسوزاند و صعب ترین کارها بر ابلیس علیه اللعنه آن باشد که دل مؤمن روشن بود حق تعالی عز وجل بداند
و خوابهای او راست باشد **فصل سیزدهم** در آداب نگاه داشتن سائل معبر کرمانی رحمة الله علیه گوید نگاه داشتن معبر آن بود که آهستگی
و هوشیاری سرمایهٔ خود سازد و بوقت سوال تا خواب نیکو بشنود و در یابد و بر دین و مذهب و اعتقاد او واقف گردد و تا بداند که سخن
او راست است یا نه که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود أصدقكم رؤيا أصدقكم حديثا هر که راست گوتر است خواب او
راست تر گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید واجب است بر مرد عاقل که با طهارت خسبد و هنگام خفتن خدای تعالی را یاد کند و این دعا وقت
خفتن بخواند اللهم إني سلمت نفسي إليك ووجهت وجهي إليك وفوضت أمري إليك وألجأت ظهري إليك
لا ملجأ منك إلا إليك تباركت ربنا وتعاليت أنت الغني ونحن الفقراء أستغفرك وأتوب إليك اللهم أرنا
الرؤيا صادقة غير كاذبة صالحة غير فاسدة غير مجربة رافعة غير واضعة و چون بخسبد بر دست راست بخسبد و چون بیدار شود
همچنین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب شوریده دیده باشد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید
و قل هو الله احد تمام بخواند و باد بر سوی دست چپ خویش دمد و بگوید یارب تو دانی و من ندانم که اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان و اگر
شر است شر این خواب از من و از جمله مسلمانان دور دار يا مجيب دعوة المضطرين يا إله العالمين ويا أرحم الراحمين و بوقت خفتن و
برخاستن و ابتدای کارها که کند این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء
وهو السميع العليم و بامداد چون از نماز فارغ شود و ورد خویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه برخیزد و نزدیک معبر رود باید که

وقتی نیک باشد و چون خواب گوید زیادت و نقصان نگوید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شرط معبر آنست که چون خواب
شنود با طهارت باشد و اگر کسی دشمن او باشد از بهر دشمنی خلاف نگوید و سر شخصی که بداند با دیگران نگوید مغربی رحمة الله علیه گوید
هر که خوابی بیند باید که زیادت و نقصان نگوید و از دروغ احتراز کند که در خبر است که خواب راست وحی می باشد از حق سبحانه
و تعالی و هر که وحی کم و بیش کند دروغ بر حق سبحانه و تعالی بسته باشد و خواب امانتی است میان خدا تعالی و بنده و رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بر من که رسولم دروغ میگوید بر نسبت فساد میکند و گواهی تباهی بر خود میدهد پس هر که خواب دروغ افترا
میکند بقول رسول الله صلی الله علیه وسلم عاصی میشود و این دلیل است بر تعظیم و بزرگی خواب و شرط ادب نگاهداشتن بر معبر و سائل واجبست

فصل چهاردهم در معرفت آنکه تعبیر از چند نوع باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معبر باید که نخستین نام و مقدار و مرتبت و مذهب
و سیرت و عقل و فهم سائل معلوم کند و وقت دیدن خواب که در روز دیده یا در شب معلوم کند و نگاه کند که سائل در وقت سوال
چه حرکت میکند و خواب بر چه نسق میگذارد و فصل ماه پارسی و روز ماه تازی بداند نگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تاویل کند
دانیال ع گوید چون کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود از راه حذر و فال دلیل کند بر خیر و
بشارت و خرمی و اگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند دانیال علیه السلام گوید خواب در اول روز یکشنبه نیکو بود که تعلق
بآفتاب دارد و در اول روز دوشنبه تعلق بماه دارد نیکو باشد و در اول روز سه شنبه تعلق بمریخ دارد در پرسیدن خواب نشاید و
در اول روز چهارشنبه تعلق بعطارد دارد و قوم هود و اصحاب الرس هلاک شدند هم نشاید پرسیدن و در روز پنجشنبه مشتری را باشد
اول روز خواب دلیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آدینه زهره را بود دلیل بر طرب و نشاط و خوشی و عیش و جمعیت خاطر باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید معبر باید که او را تجربه بسیار می باشد در گزاردن خواب چنانکه طبیب را تجربه به بیمار و معالجت او **حکایت**
امیر المؤمنین مهدی شبی بخواب دید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد بترسید و معبران را جمع کرده خواب بگفت در تاویل معبران درماندند
و تاویل آن ندانستند ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه که استاد معبران بود حاضر آوردند خواب خلیفه بشنید گفت ترا دختری آید معبران گفتند
ترا دلیل برین چیست گفت وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ پس امیر المؤمنین هزار درم بکرمانی
داد هم در آن روز او را دختری آمد ده هزار درم دیگر بابراهیم کرمانی بخشید **حکایت** مردی بخواب دید که او را خصی کردند نزدیک معبر آمد و پرسید
گروهی گفتند این مرد زود بمیرد دیگری گفت از فرزندان جدا گردد و دیگری گفت جدهٔ او نقصان کند دیگری گفت نسل او بریده شود
دیگری گفت زن را طلاق دهد پس روزگاری بر نیامد که زن را طلاق داد و فرزندان برگرفت و عزم سفر کرد و در دریا در کشتی
نشست بادی مخالف برخاست و کشتی غرق شد و در میانهٔ دریا ماهی ذکر و خصیتین او بخورد و مال و فرزندان او جمله هلاک شدند
و تعبیر خواب چنان آمد که معبران گفته بودند کرمانی رحمة الله علیه گوید باید که معبر در گورستانها تعبیر خواب نکند و سائل در وقت سوال
راست گوید که در زندان یوسف علیه السلام گفت قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ هر دو فال که پرسیدند
راست آمد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از چهار گروه خواب پرسیدن روا نباشد یکی از بدبینان دوم از زنان سوم

از جاهلان چهارم از دشمنان **فصل پانزدهم** در دانستن مسایل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار مسایل بود که سایل پرسد که تعبیر آن مقلوب بود چنانکه بالبعضی ازان درین فصل بیان کنیم تا بر معلم پوشیده نماند ابن سیرین رح گوید که طاعون در خواب دیدن کارزار باشد در بیداری و گریستن در خواب شادی بود به بیداری و حجامت کردن در خواب قباله نوشتن بود و درد دندان محجوبی دیدن خود را دلیل کند که در گورش کنند و در خواب خود را در گور دیدن دلیل کند که در زندانش کنند به بیداری و در خواب خانه خراب شدن و خبران زادن بود و دختران زادن در خواب کشت کردن بود و قوله تعالی نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انّی شئتم نیکی در خواب گرما پس تنیدن بود و گرما پس تنیدن در خواب نیکی کردن بود و انجیر خوردن پشیمانی خوردن بود و سیل بجای آمدن دشمنی بود در بیداری و آمدن همه چیز که نو آنرا نیک باشد کهنه آنرا بد باشد و هر چیز که در خواب کهن آن بد باشد نوان نیک باشد چنانکه موزه نو اگر کسی بی سلاح پوشد بد بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با سلاح موزهٔ کهنه پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خرید بد باشد و اگر بفروخت نیک باشد و اگر کنیزک بخرید نیک باشد و اگر بفروخت بد باشد ازین قسم معکوسات بسیار است اگر جمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد لیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوییم ان شاء الله تعالی **فصل شانزدهم** در دیدن خدا تعالی و فرشتگان و پیغمبران علیهم السلام بگوید مصنف این کتاب رحمة الله علیه استاد این ضعیف بود تاویل دیدن خداوند تبارک و تعالی و فرشتگان و پیغمبران در اول کتاب یاد کرده اند بنا برین مقدمه ما نیز صواب چنان دیدیم که در اوّل کتاب یاد کنیم بر تاویل کتابها و خوابهای دیگر بر نسق حروف معجم بترتیب چنانکه در دیباچه ذکر کردیم باز نماییم تا استخراج آن بر خواننده و آموزنده آسان گردد تاویل دیدن خداوند تبارک و تعالی دانیال علیه السلام گوید هر بنده مومن که خدای تعالی عزّ و جلّ را در خواب بیند بیچون و بیچگون چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش روزی گرداند و حاجتهای او روا کند و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزّ و جلّ او را امید بید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد و بمغفرت مخصوص گردد و اگر گناهکار بود توبه کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی راز میگفت دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی گردد قوله تعالی وقربناه نجیا اگر بیند که از پس حجاب با وی سخن گفت دلیل که او را در دین خللی یا خطائی باشد قوله تعالی وما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیا او من وراء حجاب و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و با وی حساب کرد و او را بیامرزید دلیل کند که او را بیامرزد و اما در دنیا بلا بوی گمارد و اگر بیند که خداوند عزّ و جلّ او را پند میداد دلیل کند که رضای خدائی عزّ و جلّ دران بود لقوله تعالی یعظکم لعلکم تذکرون اگر بیند که حق تعالی او را مژده داد به نیکی دلالت کند بر خوشنودی خدا تعالی و اگر بیند که او را بیم کرد دلیل کند بر غضب خدای عزّ و جلّ و اگر بیند که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر در پیش افکنده دلیل که غم و اندوه رسد قوله تعالی ولو تری اذ المجرمون ناکسوا رؤسهم عند ربهم کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر بیند که خدای تعالی او را چیزی داد دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بر وی گمارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید دلیل کند که بهشت

ولقای خود او را روزی کند و اگر بیند که او را از متاع دنیا چیزی داد دلیل که بیماری سخت بکشد و از آن اجر و ثواب یابد
بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت گردد و اگر خدای را عزّ وجل بیند اگر کسی او را گوید که این خدای عزّ وجل است دلیل که
او را با پادشاهی حاجت افتد و اگر بیند که خدای عزّ وجل بر زمین فرود آمد یا در موضعی دلیل کند که اہل آن موضع مظلوم باشند و حق تعالی
اہل آنموضع را نصرت دہد و اگر در آنموضع قحط و تنگی بود بفراخی مبدل گردد و اگر اہل آن موضع گناہکار و عاصی باشند حق
سبحانہ و تعالی ایشان را توبہ دہد و اگر بیند کہ حق سبحانہ و تعالی در خانہ فرود می آید و بلطف دستی بر سروی مالید یا او را خلعتی پوشانید
یا بر گرفت یا بر نشانید اینہمہ کرم حق سبحانہ و تعالی باشد اما در دنیا رنج و بیماری بکشد و اگر خدای تعالی را بر مثال نوری بیند چنانکہ
وصف آن نتواند کرد آنرا دلیل بر غم و اندوہ کند و اگر بیند کہ خدای تعالی او را نامی دیگر نہاد دلیل کہ شرف و بزرگی کند و اگر
بیند کہ بروی خشم گرفت دلیل کہ زہد و پارسائی یابد و اگر بیند کہ خدای تعالی او را نزدیک خود خواند دلیل کہ اجلش نزدیک
رسیدہ باشد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی خدای را عزّ وجل در شہری یا در دہی بیند دلیل کند کہ آنموضع آنانکہ مصلح اند
عزّ و شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آن موضع دور شود قولہ تعالی اللہ یحکم بینکم فیما کنتم فیہ تختلفون
و اگر بیند کہ خدای عزّ وجل بر اہل آنموضع خشم گرفت دلیل کند کہ قاضی آنشہر میل مداہنت کند یا امیر آنشہر با رعیت ظلم کند یا
عام آنشہر بد دین باشند و اگر بخواب دزدی بیند دلیل کند کہ دست و پای وی ببرند و در آنشہر فتنہ و بلا افتد
و قتل واقع گردد قولہ تعالی وھو القاھر فوق عبادہ و یرسل علیکم حفظۃ حتی اذا جاء احدکم الموت توفتہ رسلنا
وھم لا یفرطون عبداللہ بن عباس رضی اللہ عنہما گوید اگر کسی خدای عزّ وجل را بیچون و بیچگون در خواب بیند از ترس و بیم ایمن
گردد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان بود در آخرت دیدار حقتعالی بیند قولہ تعالی للذین احسنوا الحسنی
وزیادۃ مفسران تعبیر در لقای حق سبحانہ و تعالی گفتہ اند کہ اگر او را بصورتی بیند کہ مثل آنصورت ندیدہ باشد
دلیل کند بر فضل و کرم خداوند تعالی و اگر بصورت مردی بیند دلیل کند کہ آنمرد قاہر و نامدار گردد و اگر خداوند تبارک و تعالی را
در نماز و تسبیح بیند دلیل کند بر رحمت و آمرزش آنکس کہ دیدہ باشد و اگر خدای تعالی را غازیان در غزا بیند دلیل کہ آن
غازیانرا نصرت باشد و اگر خدای تعالی را بر سر تربت مردگان بیند دلیل کند کہ آنمردگان را بیامرزد و اگر بیند کہ خدای عزّ
وجل را دشنام میداد دلیل کند کہ آنکس کافر گردد و اگر بیند کہ خدای تعالی بر تختی نشستہ بود یا خفتہ اینہمہ صفات
ناسزا است دلیل کند کہ بینندہ این خواب بد دین و عاصی بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید تاویل دیدن خدای
جزای ام مقدم
تعالی بر ہفت وجہ بود اوّل عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نور و ہدایت و قوت در دین
چہارم ظفر بر اہل ظلم پنجم ایمنی از بلا و عقوبت و عذاب آخرت ششم در آن دیار آبادانی و عدل پادشاہ
ہفتم عزّ و شرف و بلندی در دنیا و آخرت چون برحمت نظر کند و اگر نعوذ باللہ منہا بنظر قہر نگاہ کند
مشرکا موخر ۱۲
برخلاف آن باشد و اگر قاضی بیند کہ خداوند تعالی عزّ وجل با وی باخشم بود دلیل کہ از شرع تجاوز کند و داد مظلوم ندہد

واگر پادشاه بود دلیل بر بیدلی کند و اگر عالم بود در دین و اعتقاد او خلل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر کرا
بنظر قهر بیند رحمت و عذاب بود و حجت ما آنست که گوییم خدای عزوجل موجود است دیدن او را از راه عقل باشد پس
باید که بخواب دیدن خدای تعالی عزوجل منکر نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن
نباشد که حقتعالی عز اسمه را بخواب بیند بیچون و بیچگون رویة الملائکة تاویل دیدن فرشتگان دلیل کند بر پادشاه
کامکار با دین و با دیانت و یا عالمی پرهیزکار و بزرگترین ملائکه چهار اند جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل
علیهم السلام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی جبرائیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و گشاده روی دلیل که
بر دشمن ظفر یابد و بمراد برسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بخواب بیند که او را جبرئیل مژده
داد یا وعده نیکو یا از کاری باز داشت دولت و عزت و جمعیت یابد و اگر بیند که جبرائیل او را چیزی داد دلیل که
از پادشاه قدر یابد بعضی از معبران گفته اند که اگر جبرئیل بوی چیزی داد دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد
و اگر در خواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرئیلی دلیل کند که سخندان فصیح گردد و مراد بیابد و با امانت و دیانت
مشهور گردد و اگر کسی میکائیل را علیه السلام در خواب بیند چنانکه صورت اوست دلیل که خیر و بشارت باو رسد
زیرا که جبرائیل ع آرنده عذاب و میکائیل آرنده بشارت و خیر و نعمت است ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر
در خواب بیند که میکائیل او را عطا داده دلیل که خیر و بزرگی یابد و اگر بخواب بیند که گویند تو میکائیلی دلیل که از وی
خیر و بشارت بمردم رسد و پیش مردم قدر و منزلت یابد دیدن اسرافیل ع ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اسرافیل را
بخواب دیدن چنانکه صورت اوست دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علم و دانش بود و در هر دیار که او را بیند دلیل
بر ایمنی و آبادانی آن دیار بود و اگر بیند که صور در دست داشت و میدمید دلیل بر بلا و فتنه کند زیرا که او را امر خدای تعالی
بدمیدن صور است و هر جا که دمیدن صور پیدا شود سبب تشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی و نفخ فی الصور فصعق من فی
السموات و من فی الارض و اگر بیند که اسرافیل علیه السلام صور در دست داشت و میدمید دلیل که در آن شهر فتنه و بلا و بیم و ترس
افتد و اگر بیند که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار شد دلیل که پادشاه آن شهر بروی خشم گیرد کرمانی رحمة الله علیه
گوید که اگر اسرافیل را بخواب بیند که اندوهگین بود و صور میدمید و او تنها آواز صور وی می شنید دلیل که در آن دیار و زمین مرگ بسیار
بود و ظالمان هلاک شوند و اگر بیند که اسرافیل تازه روی بود و شادمان و در وی نگاه میکرد دلیل که او را از پادشاه خیر و
ایمنی رسد و اگر بیند که اسرافیل ع بر نامه مهر کرد و بدو داد دلیل که اجلش نزدیک باشد و اگر بیند که اسرافیل بروی بانگ زد و ناپدید
شد دلیل که او را از پادشاه زیان رسد دیدن عزرائیل ع ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند و خود را بر
زمین دلیل در کاری که بود معزول شود و اگر ملک الموت را نزدیک خود بیند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بیند
دلیل که شهید گردد و اگر بیند که با ملک الموت کشتی گرفت و افتاد دلیل که از دنیا نزه دبرد و اگر بیند که ملک الموت را بیند خفته

بعضی از معبران گفته اند که بیمار شود واما شفا یابد مغربی رحمة الله علیه گوید که هر که ملک الموت را بخواب بیند خرم و
شادمان دلیل کند زندگانی او دراز باشد واگر بیند که ملک الموت بروی سلام کرد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد وخاتمه
کار وی بر شهادت بود واگر بیند که ملک الموت بوی چیزی شیرین داد دلیل که جان کندن بروی آسان بود واگر بیند که ملک الموت
بروی بخشم بنگریست دلیل که با خطر مرگ او باشد واگر بیند که ملک الموت بوی چیزی تلخ داد دلیل که جان کندن بروی دشوار
باشد واگر بیند که او را خبر دادند که ملک الموت بفلان جاست واو از وی نگاه کرد دلیل که او را با پادشاه کار افتد واگر
بیند که ملک الموت را بکشت دلیل کند که او دشمن خلق گردد **دیدن حملة العرش** آن فرشتگانی اند که عرش را
بامر حق جل وعلا برداشته اند اگر کسی ایشان را بخواب بیند دلیل که با سلطانی کار افتد ومراد یابد واگر بیند که با ایشان پیوستگی
داشت دلیل که او را با پادشاهی بزرگ کار افتد وخیر ومنفعت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید دلیل که با کسانیکه اهل دین باشند
پیوستگی کند وحج گذارد قوله تعالی وتری الملائکة حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم واگر فرشتگان او را
بنواختند وبه بندگی خویش باز داشتند دلیل که اجلش فرا رسیده باشد **کراماً کاتبین** موکلانند که کردار وگفتار خلایق از نیک و
بد مینویسند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی کراماً کاتبین را بخواب بیند اگر مصلح باشد خیر وصلاح دو جهانی حاصلش شود واگر
مفلس بود غم واندوه بسیار کشد قوله تعالی یعلمون ما تفعلون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرشتگان
با هم جنگ ونبرد میکردند دلیل که گنهکار وعاصی بود ومستوجب عذاب حقتعالی باشد قوله تعالی انا نبشرک بغلام اسمه
یحیی واگر بیند که فرشتگان منتظر ایستاده بودند تا چیزی از وی ستانند مال ونعمت او در زوال افتد واگر بیند که فرشتگان در
یک موضع ایستاده بودند آن موضع ایمنی باشد واگر بیند که فرشتگان در حرب مشغول اند دلیل که بر دشمن ظفر یابد واگر بیند که فرشتگان
در رکوع اند ودر سجود دلیل کند که احوال دنیا ودین او مستقیم گردد واگر بیند که فرشتگان بر صورت زنانند دلیل که بیننده خواب بر
خداوند عز وجل دروغ گوید قوله تعالی افاصفکم ربکم بالبنین واتخذ من الملائکة اناثا انکم لتقولون قولا
عظیما واگر بیند که پر داشت وبا فرشتگان می پرید اجلش نزدیک بود وبا توبه از دنیا برود واگر بیند که از دور فرشتگان را
میدید وپیش ایشان نتوانست رفت دلیل که او را مصیبتی رسد قوله تعالی یوم یرون الملائکة لا بشری یومئذ
للمجرمین واگر بیند که فرشتگان او را اطاعت خود فرمودند دلیل که او از اهل خیر وصلاح باشد شادی
وخرمی بیند واگر از اهل فساد باشد رنج واندوه بوی رسد قوله تعالی اقرأ کتابک کفی بنفسک
الیوم علیک حسیبا اگر بیند که فرشتگان بروی سلام کردند بحرمت دلیل که بر دشمن ظفر یابد وعاقبت
کارش محمود گردد واگر بیند که ملائکه در یکمقام فرود آمدند دلیل که اهل آن مقام از غم واندوه فرج یابند زیرا که
فرشتگان پیوسته بنصرت پیغمبران آمده اند کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن فرشتگان پند وموعظت باشد
خداوند خواب را واگر بیند که فرشته او را وصیت کرد وپند داد از دنیا شهید برود واگر فرشتگان مقرب را دید جاهی

ببیند که انجا اهل اسلام باشند و با کافران جنگ میکنند اهل اسلام را ظفر باشد و اگر در انجا رنج و قحط و سختی بود حق سبحانه و تعالی اهل آن موضع را
از سختی و تنگی خلاصی دهد و اگر ببیند که فرشته گشت و بآسمان رفت دلیل که در دنیا زهد و ورع اختیار کند و دست از دنیا بدارد و راه
آخرت جوید و اگر ببیند که با فرشتگان بآسمان رفت و باز نیامد زود از دنیا برود و نامش در جهان بنیکی بماند جابر مغربی رح گوید اگر ببیند که
فرشته مقرب در وی بچشم حرمت نگاه کرد دلیل کند که از بیماری زود شفا یابد و بعد از ان حج کند و غزا و خیرات بسیار کند و اگر خود را
بصورت فرشته ببیند دلیل کند که از غم فرح یابد و اگر وام دارست وامش گذارده شود و اگر مالدارست مالش زیاده شود و اگر درویش باشد
توانگر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر ببیند که فرشته او را بکاری مژده داد دلیل که بزرگی او را شغل باز دارد و اگر ببیند که فرشته او را
عطا داد عطا و بزرگی یابد و اگر ببیند که گروهی فرشته او را استقبال کردند دلیل که دولت دو جهانی یابد و اگر ببیند که فرشتگان بدیدن
او آمدند و شمعها و چراغها داشته اند دلیل که او را فرزندی عالم و دانا آید و اگر ببیند فرشتگان او را جامه سفید یا سبز دادند دلیل که کسی
از خویشان او بمیرد و یا اجلش برسد و اگر ببیند که در وی بخورمی نگاه کردند عاقبت کارش بسعادت بود و اگر ببیند که فرشته او را جامع
قرآن داد یا خطی نبشته دلیل که کسی بروی داوری کند و بروی غالب گردد تاویل رویت پیغمبران علیهم السلام ابن سیرین رح گوید که
مراتب پیغمبران علیهم السلام بر سه گونه است اول اولو العزم دوم مرسلند سوم نبی و پیغمبران اولو العزم شش اند اول آدم دوم نوح سوم
ابراهیم چهارم موسی پنجم عیسی ششم محمد مصطفی صلعم و مرسل آنها اند که جبرئیل ع بر ایشان وحی آورد و ایشان سیصد و سیزده اند
و انبیا آن پیغمبرانند که جبرائیل ع با ایشان نیامده و هر که اولو العزم را بخواب ببیند دلیل که عز و جلالت یابد و اگر مرسل را بخواب ببیند بر
دشمنان ظفر یابد و اگر اهل آن موضع در غم و اندوه و سختی و ملالت باشند ایشان را بشارت بود بخیر و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا
و اگر ببیند که پیغمبران از جای نقل میکردند و بر اهل آن موضع دعای بد میکردند دلیل که خدا تعالی بلای عظیم بر اهل آن موضع فرستد مگر توبه کنند و
بخدا تعالی باز گردند کرمانی رح گوید هر بندهٔ مؤمن که پیغامبری را در جای خود تازه روی و شادمان ببیند دلیل که عز و جاه و نصرت یابد و اگر از خیری
خشمگین بود دلیل بر بدحالی و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزی شنود دلیل که از علم آن پیغامبران بهره یابد و شادمان شود و اگر ببیند که
پیغامبر را بکشت دلیل که خیانت کرده باشد کقوله تعالی فبما نقضهم میثاقهم وکفرهم بایت الله وقتلهم الانبیاء بغیر
حق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر آدم علیه السلام و بخواب ببیند بزرگی و ولایت یابد قوله تعالی وعصى ادم ربه فغوى ثم اجتبه
ربه فتاب علیه وهدى واگر بخواب ببیند که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموزد وعلم ادم الاسماء كلها واگر ببیند که آدم ع
دست او بگرفت بزرگی و مملکت یابد و اگر بخواب ببیند که آدم را طاعت نبرد دلیل که عاصی و بدبخت شود حوا علیها السلام را اگر بخواب
ببیند دلیل که دولت و اقبال یابد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و عمرش دراز گردد نوح علیه السلام را اگر بخواب ببیند عمرش
دراز گردد و لیکن از دشمن رنج و سختی ببیند و عاقبت بمراد رسد ادریس علیه السلام را اگر بخواب ببیند کارش نیکو شود و عاقبت
محمود گردد هود علیه السلام را اگر بخواب ببیند دشمنان بروی افسوس کنند و عاقبت بر ایشان ظفر یابد لوط علیه
السلام را اگر بخواب ببیند کارش بصلاح باز آید و مراد دل ببیند صالح علیه السلام را اگر بخواب ببیند از جای بجای تحویل

کند و در خیر بروی کشاده شود ابراهیم ؑ را اگر بخواب ببیند حج اسلام بگذارد و بعضی از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که با بد خوئی کند با مادر و پدر را اسمعیل علیہ السلام را اگر بخواب ببیند بشارت فتح و غنیمت یابد بقوله تعالیٰ و بشرناه باسحٰق نبیا من الصالحین یعقوب علیہ السلام را اگر بخواب ببیند از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم فرج یابد یوسف علیہ السلام را اگر بخواب ببیند خویشان بروی بہتان نهند و عاقبت بزرگی یابد شعیب ؑ را اگر بخواب ببیند خصم بروی غلبه کند و بعد از ان بروی ظفر یابد موسیٰ ؑ را اگر بخواب ببیند مبتلا گردد و با اہل و عیال و بعد از ان حالش نیکو گردد و بر دشمن ظفر یابد بقوله عز و جل ووهبنا له من رحمتنا اخاه هرون نبیا و بعضی معبران گویند که موسیٰ ؑ را بخواب دیدن دلیل که پادشاه در آن دیار ہلاک شود داؤد ؑ را اگر بخواب ببیند حقتعالیٰ او را بزرگی و پادشاہی و نعمت و مال و جاہش زیادت گرداند زکریا علیہ السلام را اگر بخواب ببیند حقتعالیٰ ویرا توفیق دہد در طاعت یحییٰ علیہ السلام را اگر بخواب ببیند حقتعالیٰ او را توفیق دہد در خیر خضر ؑ را اگر بخواب ببیند سفری دراز کند با ایمنی و رزق و عمر دراز یونس ؑ را اگر بخواب ببیند از غمها فرج یابد و از تاریکی در روشنائی آید انشاء اللہ تعالیٰ ایوب ؑ را اگر بخواب ببیند کارہای مرده بروی زنده گردد و توفیق طاعت و خیرات یابد حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم را اگر بخواب ببیند از ہمه غمها فرج یابد و اگر وام دار باشد وامش گذارده شود و اگر بنده در زندان بود رہائی یابد و اگر ترس باشد ایمنی یابد و اگر در قحط و تنگی بود فراخی یابد و بعضی گفته اند که ہر کس که توانگر بود درویش شود و ابوہریرہ ؓ گفت از رسول صلی اللہ علیہ وسلم شنیده ام ہر که مرا در خواب دید حق دیده باشد که من رانی فقد رای الحق فان الشیطان لا یتمثل بی بدرستی و راستی که شیطان بصورت من متمثل نشود اگر کسی مرا در خواب ببیند غم و اندوه بوی نرسد عجب مدار که تاویل دیدار من بر سعادت آخرت بیشتر باشد اما اگر محمد را ترش روی بخواب ببیند دلیل بر سستی دین و آشکارا شدن بدعت در آید یا بود و اگر رسول صلعم را در خواب ببیند که در جائی بانگ میکردند دلیل که اگر آن دیار خراب بود آبادان گردد و اگر او را دید که چیزی میخورد دلیل که صدقه و زکوٰة باید دادن و اگر ویرا در جائی ببیند که در انجا ہیچ بلا و محنت شود اہل آنموضع را نعمت زیاده گردد خاصه که اگر او را در مسجد ببیند و اگر او را غمناک یا بیمار ببیند دین او ضعیف بود کرمانی رح گوید که اگر محمد مصطفیٰ را صلعم در شهری یا جائی ببیند دلیل که در آن موضع نعمت فراخ شود و مردم را جمعیت پدید آید و اہل آنموضع بر دشمن ظفر یابند و اگر ببیند که اندامی از اندامهای رسول صلعم کم بود دلیل که مردم آنجا در راه شریعت سست باشند زیرا که نقصان اندام وی نقصان دین او باشد و اگر ببیند که مصطفیٰ صلعم از میوه ہای تر یا خشک بوی داد او را در دین و پارسائی مرتبت حاصل شود ابن سیرین رح گوید اگر کسی رسول صلعم را ناقص ببیند نقصان آن به بیننده باز گردد زیرا که رسول اللہ صلعم را ہر دم نیک بخواب ببیند و مردم نیک را مژده دہنده بود بخیرہای که بوی خواہد رسید و مردم بد را حذر فرماید از معصیت کردن تا از عقوبت رسته گردد زیرا که رسول اللہ صلعم بشیر و نذیر بود بشیر مؤمنان و نذیر کافران و اگر او را خشمگین ببیند بد باشد عبداللہ بن عباس ؓ گوید که اگر کسی جنازه رسول را صلعم بخواب ببیند در آن دیار رنج و مصیبت

بسیار بود و اگر دید که از پس جنازهٔ رسول الله صلعم میرفت دلیل بر هوا و بدعت باشد و اگر بیند که او را زیارت میکرد دلیل که
مال و نعمت و ولایت یابد و اگر بیند که رسول الله صلی الله علیه وسلم بروی افسوس میکرد دلیل که کافر شود کقوله تعالی قل ابالله وایاته
ورسوله کنتم تستهزءون لا تعتذروا قد کفرتم بعد ایمانکم جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زیارت پیغمبران درخواب
بر ده وجه بود یکی رحمت دوم نعمت سوم عزت چهارم بزرگی پنجم دولت ششم ظفر هفتم سعادت هشتم جمعیت نهم قوت دهم خیر
دو جهانی و نیکوئی مردم آن موضع که این خواب بیند تاویل رویة الراشدین اول امیر المومنین **ابوبکر صدیق** رضی الله عنه ابن سیرین رح
گوید که اگر کسی ابوبکر را رضی الله عنه درخواب بیند دلیل شادی و کرامت بود کرمانی رح گوید که اگر کسی ابوبکر را رضی الله عنه زنده در شهری
بیند دلیل کند که مردم آن دیار را در آن شهر زکوة و صدقه بسیار دهند چون او را گشاده روی و خوش طبع بینند و اگر ترش روی
بینند و خوش طبع نبینند بخلاف این بود امیر المومنین **عمر بن الخطاب** رضی الله عنه ابن سیرین رح گوید که اگر کسی امیر المومنین
عمر خطاب رض را بخواب بیند دلیل که داد کر و با انصاف بود و اگر او را در شهری گشاده روی و خوش طبع بینند دلیل که در آن
شهر عدل و انصاف پدید آید امیر المومنین **عثمان ابن عفان** رضی الله عنه ابن سیرین رح گوید که اگر کسی امیر المومنین عثمان ابن عفان
را رضی الله عنه درخواب بیند دلیل که ورع و زهد و پرهیزکاری اختیار کند و اگر او را در شهری خوش طبع و گشاده روی بیند دلیل که مردمان
آن شهر بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المومنین **علی مرتضی** رضی الله عنه ابن سیرین رح گوید اگر کسی امیر المومنین علی را رضی الله عنه بخواب
بیند خندان و خوش طبع دلیل که کرامت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند آن شهر بعدل و انصاف موصوف گردد
ولیکن گاه گاه میان ایشان خصومت بود تاویل صحابه رضوان الله علیهم اجمعین ابن سیرین رح گوید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند
دلیل که در راه دین و اسلام یگانه باشد و در میان مسلمانان صادق القول گردد و بدیانت موصوف گردد کقوله علیه
السلام اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم ترجمه گفت صلی الله علیه وسلم یاران من ستارگانند هر که اقتدای
آنها کند راه یابد امیر المومنین **حسن و حسین** رضی الله عنهما را اگر بخواب بیند بخیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهدا یابد جعفر طیار
رضی الله عنه را اگر بخواب بیند دلیل که حج و غزا کند **ابوهریره و انس بن مالک** رضی الله عنهما را اگر بخواب بیند دلیل که بسنتها
راغب بود و علم و شریعت دوست دارد سلمان فارسی را رض بخواب بیند دلیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی کرداند عائشه
محمود گردد و **عبد الله بن عباس و ابن مسعود** رض را اگر بخواب بیند دلیل که بکار دین مجتهد باشد **بلال حبشی** رض را که بخواب بیند
دلیل که معروف گردد و ثواب مؤذنان یابد و براه سنت و جماعت رود فی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم دلیل
بر خیر و منفعت دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زهاد بخواب بیند دلیل که بر کارهای خیر و طاعت
توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما وارثان مصطفی اند صلی الله علیه وسلم و راه نمایان مسلمانان و اگر بیند که در
شهری و یا در محلتی گروه علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آن شهر را نصرت باشد بر جاهلان بگفتار و کردار
امر و نهی منکر تمام شد سخن در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیر چیزهای

دیگر که ببیند بر حرف معجم بیان کنیم بعون الله تعالی حرف الالف من کتاب کامل التعبیر آبادانی ابن سیرین گوید اگر
ببیند که جایگاه خراب را آبادان همی کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و خیر و
ثواب آخرت که ویرا حاصل گردد و اگر ببیند که زمینی خراب از خود آبادان همی کرد چون سرا و دکان و مانند این دلیل کند که
خیر و فایده اینجهان یابد و اگر ببیند که جایگاه آبادان بیفتاد و خراب شد دلیل کند که اهل آن جایگاه را بلا و مصیبت
رسد جابر مغربی گوید که اگر کسی خویشتن را بخواب در جایگاهی آبادان مقیم ببیند دلیل کند که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی
که دیده بود و اگر بخلاف این ببیند دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب
بر چهار وجه بود اول بر صلاح کارهای اینجهانی دوم خیر و منفعت سیم مراد و کامرانی چهارم بر گشایش کارهای بسته

آب بدانکه زندگانی همه چیزها بآبست قوله تعالی وجعلنا من الماء کل شیء حی ابن سیرین گوید که بر فراز آب
همی رفت چون آب دریا و رودخانه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر قوة ایمان و اعتقاد پاک وی و اگر ببیند که آب صاف
خوشگوار بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز بود و معیشت وی خوش بود و اگر ببیند که آب تیره یا شور همی خورد
تاویلش بخلاف این بود و اگر ببیند که از دریا آب صاف خوش همی خورد دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت
یابد و اگر ببیند که جمله آب دریا را بخورد دلیل کند که پادشاهی همه جهان را بگیرد و بعضی گویند که بقدر آن از آب دریا
خورده بود ویرا بزرگی و مال و نعمت حاصل گردد و چون آب روشن و صافی بود اما اگر تیره بود آنچه بدو رسد با رنج و
سختی و بیم و ترس بود کرمانی گوید که اگر ببیند که آب گرم همی خورد دلیل بود که بیماری و رنج کشد و اگر ببیند که بروی آب گرم
همی ریختند چنانکه او را خبر نباشد دلیل کند که بیمار گردد یا غمی سخت بدو رسد و اگر ببیند که در آب بیفتاد دلیل کند که در رنج و غم گرفتار گردد و اگر ببیند که
آب بجام بر داشت دلیل کند که بمال و زندگانی فریفته گردد و اگر ببیند که در کاسه آبگینه بزن خویش داد و کاسه آبگینه را نسبت بجوهر زنان کرده اند
و آب که در کاسه آبگینه بود فرزند و طفل بود که در شکم مادر باشد و اگر ببیند کاسه شکست و آب بریخت دلیل کند که جفت او بمیرد و فرزندش بماند
و اگر ببیند که آب بریخت و کاسه تهی ماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و زن او بماند و اگر ببیند که بی بها آب بمردم همی داد دلیل کند که در دنیا و آخرت
خیر او بمردم برسد و جایگاه خراب را آبادانی کند و اگر ببیند که در خانه که اندران آب ریخته بود داخل شد دلیل کند که غمگین و متفکر گردد و اگر ببیند
که آب صافی بپیاله یا مانند آن بکسی خورد دلیل کند که زندگانی بعیش و عشرت کند زنهار کاری کند که بلا و فتنه بدو رسد که مال جمیع را اندک اندک بمردمان
بخشد و بخیرات خرج کند جابر مغربی گوید که آبها که بوقت زیاده شود دلیل کند که در آن سال فراخی و نعمت بود و اگر آبهای بسیار دید که بزمین
خورد دلیل کند که مردمان عامه را سلامت و عافیت بود قوله تعالی وقیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و اگر ببیند
که آبها از سر مردمان فرو می آید دلیل کند که در آن سال نعمت و فراخی بود در آن دیار قوله تعالی انا صببنا الماء صبا و اگر ببیند که در خانه او آب
صافی بود دلیل کند که نعمت و خرمی و معیشت یابد و اگر ببیند که در خانه وی آب تیره ایستاده باشد تاویلش بخلاف این بود دانیال گوید که آب دادن باغ و کشت
از جویها و رودها دلیل کند بر مال و رستگاری از غم و اندوه و آب دادن مردمان دلیل کند بر دین و دیانت و کردارهای نیک

ولپسندیده بود و اگر بیند که با آب اندر همی رفت و اندر آن وقت تن او قوی بود دلیل کند که بشغل صعب مشغول گردد از قبل رئیسی و
قول او اندر آن مقبول بود خاصه کاری اندر آن کار ظاهر گردد و اگر بیند که در آب صافی رفت و تن او پوشیده بود دلیل بر قوت دین بود
و توکل کردن بر ایزد تعالی و استقامت کار وی و اگر بیند که آب بباغ همی برد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر کسی بیند که آب
پاک بر وی ریخت دلیل کند که از آن کس خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که آب تیره بر وی ریخت تاویلش بخلاف این بود حضرت
صادق علیه السلام میفرماید که با آب فرو رفتن بخواب معبران بر پنج وجه تعبیر کنند اول الیقین دویم قوت سیم کار دشوار چهارم بندی پنجم
عمل از جهت رئیس شهر بدانکه تاویل باران در حرف بی بیان کنیم و تاویل آب چشمه و آب چاه و آب جوی را بحرف جیم و آب دریا را بحرف
دال و آب رود را بحرف را و آب کاریز بحرف کاف و هم برین قیاس خوابهای دیگر را بترتیب هر چیزی بموضعش باز نمائیم تا معلوم بود

آب بینی دانیال گوید که آب بینی دلیل بر فرزند بود و اگر بیند آب از بینی او همی آمد دلیل کند که ویرا فرزند آید و اگر بیند که از بینی او خل
بیرون آمد همین دلیل کند کرمانی گوید اگر بیند که از بینی او آب فرو می آمد دلیل کند که وامش گذارده شود و از رنج و سختی و غم برهد
و اگر بیمار بود شفا یابد ابن سیرین گوید که آب بینی در خواب فرزند بود ولیکن اگر بیند که آب بینی بر اندام او افتاد دلیل کند که ویرا پسر
آید و اگر بیند که بر زمین افتاد دلیل کند که دختر آید و اگر بیند که آب بینی بر زن خویش افتاد دلیل کند که زن او آبستن گردد لیکن
فرزند را بیفکند و اگر بیند که زن بر روی آب بینی افکند دلیل کند که او را پسری آید و اگر بیند که آب بینی در سرای همسایه افکند دلیل کند
که زن همسایه خیانت کند و اگر بیند که آب بینی خود را در بستر مردی افکند همین دلیل کند ابن سیرین گوید اگر بیند که آب بینی خود را همی خورد
دلیل کند که مال خود را بر عیال خود بذل کند اگر بیند که آب بینی زن خویشرا همی خورد دلیل کند که او را فرزند شود و اگر بیند که آب بینی او سیاه
و تیره بود دلیل کند که فرزند او را اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند که آب بینی او زرد بود دلیل کند که فرزندش بیمار گردد

آب تاختن +
ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که آب تاختن کند بجایگاهی که موضع آن نباشد اگر خداوند خواب غمگین و وام دار بود دلیل کند که از غم فرج یابد
و وامش گذارده گردد و اگر بیند در خواب توانگر گردد دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدم آب تاختن دانیال گوید اگر بیند که در
جایگاهی مجهول آب تاختن کند دلیل بود که از اهل آن موضع زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که بجای آب تاختن خون همی رفت دلیل کند که
او را ناقص آید و اگر بیند که بجای آب تاختن ریم همی رفت دلیل کند که او را فرزندی آید تن معلول و بعضی معبران گفته اند که آب تاختن
مال حرام بود و اگر بیند که آب تاختن همی خورد دلیل کند که مال حرام خورد کرمانی گوید اگر بیند که اندر چاهی آب تاختن کرد دلیل کند که از کسی
مال حلال حاصل کند و اگر بیند که آب تاختن همی کرد دلیل کند که او را فرزندی که قرآن ظاهر خواند و عالم و دانا گردد و اگر بیند که برخی
از آب تاختن ریخت و برخی با خود داشت دلیل کند که برخی از مال وی برود و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد و اگر بیند که در میان
از آب تاختن وی مسیح همی گردید دلیل کند که او را فرزندی آید که عالم و دانا گردد و مردمان متابع او گردند جابر مغربی گوید اگر بیند که
در مسجد آب تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش خزینه کند بر وجه خویش و اگر بیند که جامه وی بآب تاختن آلوده گشت دلیل کند
که مال خویش بر فرزندان خویش خزینه کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب تاختن در خواب بموضع خویش مردم را توانگری رسد

اما آنانکه درویش باشند و بنده را آزادی بود و بیمار را شفا بود و محبوس را فرج بود و مسافر را باز آمدن بود و عامل را معزولی
بود و خلیفه را مرگ بود و قاضی را عزل و بازارکان را زیان بود در تجارت اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که در خانهٔ خویش بموضعش
آب تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش بر عیال خویش هزینه کند لیکن عوض آن باز آید قوله تعالی وما انفقتم من شیء فهو
یخلفه وهو خیر الرازقین **آبخانه** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که آبخانه همی ساخت دلیل کند که جمع کردن
مال دنیا حریص گردد و راغب گردد و نخواهد که از مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند دلیل کند که زن جاه ویرا
حاصل گردد و آن زن حرام خوار و بی دیانت بود و اگر بیند که در آبخانه بول و غایط همی کرد دلیل کند که مال خویش را هزینه کند و اگر
بیند که در آبخانه بیفتاد یا در چاه آبخانه افتاد دلیل کند که در جمع مال غریق بود و اگر بیند که کسی در چاه آبخانه خود افتد دلیل کند که
مال کسی بغصب بستاند اگر بیند که چون بیفتاد دست و پای او بشکست دلیل کند که بلای سخت بدو رسد حضرت صادق علیه السلام
فرماید که دیدن آبخانه در خواب بر پنج وجه بود اول مال حرام دوم عیش دنیا سیم خزینه چهارم شروع در حرام پنجم زن خادمه و حرام خوار
آبدستان ابن سیرین گوید که آبدستان در خواب خزینه دار و صاحب تدبیر بود که خرج و دخل در دست او بود و اگر بیند
که پادشاهی آبدستان بوی داد دلیل که خزینه دار و مدبر پادشاه بود و اگر او کسی دید هم برین قیاس بود کرمانی گوید که آبدستان در خواب
خادم بود لقول خدای عز و جل قوله تعالی یطوف علیهم ولدان مخلدون باکواب واباریق و اگر بیند که آبدستان او بشکست
یا ضایع شد دلیل کند که زن از وی جدا گردد یا بمیرد و اگر بیند که از آبدستان آب همیخورد دلیل کند که ویرا فرزندی حاصل گردد خاصه
که آب را صافی بیند و خوش طعم حضرت صادق ع گوید که دیدن آبدستان در خواب بر پنج وجه بود اول خادم دوم خزینه سیم مدبر کار چهارم فرزند
پنجم روزی اندک از جائی که امید ندارد **آبستنی** ابن سیرین گوید اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود و چون زن آبستن دلیل کند که
او را مال و نعمت دنیا حاصل گردد و هر چند که شکم بزرگتر بیند مال دنیا بیشتر بود کرمانی گوید اگر فرزند نابالغ خود را آبستن بیند دلیل که اگر پسر بود
پدرش را نعمت و مال حاصل گردد و اگر بیننده خواب دختر بود مادرش را نعمت و مال حاصل گردد **آبکامه** ابن سیرین گوید که خوردن آبکامه
در خواب دلیل که بر رنج و بیماری تن کند اگر بیند که آبکامه همی خورد دلیل کند که بقدر آن ویرا بیماری بود کرمانی گوید اگر بیند که آبکامه
برنجیت یا از وی هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن آبکامه
را بر پنج وجه گفته اند اول بیماری دوم غم سیم خصومت چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل و عیال **آبگینه** دانیال گوید که
آبگینه در خواب زن بود و اگر بیند که در آبگینه آب همی خورد دلیل کند که زن خواهد و مال یابد اگر بیند در آبگینه کسی شراب داد دلیل
کند که از همسری زن خواهد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که آبگینه سفید داشت و نامش بر آنجا نوشته بود دلیل کند که دولت دینی و دنیائی یابد و
حاجت او روا گردد و اگر بیند که بر آن آبگینه نام پادشاه نوشته بود دلیل کند که اجلش نزدیک بود و اگر بیننده خواب پادشاه باشد و اگر نباشد دلیل
کند که بر قدر و اندازهٔ آن خیر و خرمی یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که آبگینه داشت بیفتاد و شکست دلیل کند اگر زن دارد طلاق دهد و اگر زن ندارد
زنی از خویشان وی رحلت کند و بدانکه آبگینه گر بتاویل بمنزله خداوندگار بود و بعضی از معبران گفته اند که آبگینه گر کسی بود

که کارهای زبان گذارد و پیوسته او را با زنان مخالطت بود و آبله ابن سیرین گوید که آبله در خواب زیان مال بود اگر بیند که بر تن او
آبله بود که بقدر آن خواسته مال او را حاصل گردد و کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آبله بود دلیل بود که بقدر آن از مال حرام حاصل شود حضرت صادق
فرماید که آبله بر تن دیدن بر پنج وجه بود اول زیادتی مال دویم زن خواهد سیم پسرش آید چهارم حاجت روا شدن پنجم از ترس ایمن گردد چون
آبله سفید آبنوس ابن سیرین گوید که دیدن آبنوس در خواب مردی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما توانگر و بخیل بود و
از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که آبنوس در خواب نیک بود هم برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق میفرماید که آبنوس
در خواب کسی باشد هم برین صنعت که گفته گردید آتش دانیال گوید اگر کسی آتش بدید و بیند در خواب دلیل که به پادشاهی
نزدیک گردد و کار بسته او گشاده گردد و اگر بیند که کسی وی را در آتش افکند و آتش وی را سوخت دلیل که پادشاه بروی
ستم کند لیکن زود خلاصی یابد و بشارت و نیکوئی یابد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید فرموده قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا
عَلَى إِبْرَاهِيمَ و اگر بیند که آتش وی را بسوخت دلیل کند که روی بکراهت سفری کند و اگر آتش را با تف و موزه و سوز بیند دلیل
کند که از علت تب بیمار گردد و اگر بیند که آتش اندام وی را بسوخت دلیل کند که بقدر آن سوختگی وی را رنج و مضرت رسد و اگر
کسی بیند که آتش در خانه وی افتاد و همه اندام او را بسوخت و زبانه همی زد و آواز و سهم و ترس در دل او نیامد دلیل کند که از محنت
مصیبت که بدو رسد بسبب بیماری و ضعف بود چون سرما و طاعون و آبله و سرخه و آنچه بدین ماند و اگر بیند که از آن آتش
فرا گرفت دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را دود بود دلیل کند که مال حرام وی را رنج و تیمار
حاصل گردد با جنگ و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی و طپش بوی همی رسید دلیل کند که کسی وی را از دور غیبت کند کرمانی گوید اگر
بیند که شعله آتش بمردمان همی انداخت دلیل کند که در میان مردم عداوت و دشمنی افکند و اگر بازرگانی بیند که آتش در دکان
و کالای او افتاد دلیل کند که کالائی که دارد بر باد دهد یا آنچه بدرمی ارزد ببسته درم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند که آتش در خانه
کسی افتاد دلیل که آنکس در جنگ و فتنه و جور سلطان افتد و اگر ببیند که آتش جامه او را بسوخت دلیل
کند که با خویشان جنگ و خصومت کند و از سبب مال اندوهگین گردد و اگر کسی آتشی عظیم در زمینی بیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ
افتد و اگر چیزی سوخته ببیند دلیل کند که از جهت زنان وی با کسی خصومت کند و اگر بیند در شهری یا در محل یا در سرائی آتش
افتاد چنانچه هر چه بود همه را بسوخت آن آتش زبانه همیزد و آواز سهمگین همی داد دلیل کند که در آن موضع جنگ و کارزار بود و یا بیماری
صعب افتد و اگر بیند که آتش برخی چیزها را بسوخت و برخی رها کرد و آواز سهمگین نداشت دلیل بود بر جنگ و کارزار
در آن موضع و اگر زبانه و فروغ نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را با دود بیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کارها
و اگر بیند که آتش از آسمان بیفتاد شهری یا محله یا سرائی بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر اهل آن موضع شهر بود و اگر
بیند که آواز سهمگین داشت و زبانه همیزد و در جائی افتاد دلیل کند و زبانه نمیکرد دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی و خصومت
افتد بزبان و اگر بیند که از زیر زمین آتشی سهمگین بر آمد بسوی آسمان شد دلیل بود که آن موضع دوستان با حق تعالی حرب کنند

بدروغ و بهتان گفتن بروی بقدر و قوت آن آتش که دیده بود و اگر بیند آتشی از جائی بجائی همیرفت و آن آتش هیچ گزند نمیکرد بلکه دلیل بود که در آن منفعت یابد و اگر روشن بود توانگر گردد اسمٰعیل اشعث گوید که اگر کسی بیند که از آسمان مانند باران آتش میبارد دلیل بر بلا و خون ریختن بود از جهت پادشاهان در آن موضع و اگر بیند که آتشی از آسمان بیاید و چیزهای خوردنی که از آن او بود بسوخت دلیل کند که طاعتهای وی نزد حق تعالی پذیرفته گردد قوله تعالی یَقْرَبَانٍ یَأْكُلُهُ النَّارُ و اگر بیند که از آسمان آتش همی آمد و کسی را نسوخت بیم حقتعالی باشد قوله تعالی عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ و باشد که از پادشاه و بیم بود و اگر بیند که بر آتشی بزرگ گرم همیشد دلیل کند که بپادشاهی بزرگ نزدیک گردد و اگر بیند که بر آتشی چیزی همی پخت شغل دینی و دنیاوی تمام کرد و اگر بیند که آتشی از آسمان فرود آمد و نبات زمین را بسوخت دلیل بود که در آنجا بار نبود بالله مرگ مفاجات بسیار بود و اگر بیند که آتشی بزرگ قبّۂ یا مناره بسوخت دلیل کند که پادشاه آن موضع هلاک گردد و بعضی از معبران گویند که اگر کسی بیند که آتشی از زمین برآمد و فروغ میداد دلیل کند که در آن موضع گنج بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر بیند که پارهای آتش میخورد دلیل کند که مال یتیمان میخورد قوله تعالی اَلَّذِيْنَ يَأْكُلُوْنَ اَمْوَالَ الْيَتٰمٰى ظُلْمًا اِنَّمَا يَأْكُلُوْنَ فِيْ بُطُوْنِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيْرًا و اگر بیند که از دهان وی آتش بیرون می آید دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر بیند که هر جائی آتشهای سوزنده میگرفت دلیل کند که از هر جائی میانجی کند میان رعیت و مردمان پادشاه و اگر بیند که در پهلوی او آتشی افروخته بود و او زیان نداشت دلیل کند که بدو خیر و نیکی رسد قوله تعالی اَفَرَاَيْتُمُ النَّارَ الَّتِيْ تُوْرُوْنَ و اگر بیند هیزم آتش عظیم بسوخت دلیل بر جنگ و فتنه کند در آن دیار قوله تعالی كُلَّمَا اَوْقَدُوْا نَارًا لِّلْحَرْبِ و اگر بیند که آتش در مردم میزد دلیل نصرت بود او را بر دشمنان و اگر بیند که آتش وی را بسوخت و آن آتش نور داشت دلیل کند که از علت سرسام بیماری کشد و اگر بیند که آن آتش را نور بود دلیل بود که کسی را از خویشان و فرزندان وی فرزندی آید که مردمان بروی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد بقدر نور آن آتش و اگر در رزمگاه آتش بیند دلیل کند بر بیماریهای صعب چون آبله و طاعون و سرسام و مرگ مفاجات نعوذ بالله و اگر آن آتش را باد و دود بیند دلیل کند که از پادشاه او را ترس و بیم بود و اگر آتش را در بازار بیند دلیل کند بر بدبینی اهل بازار و آنکه اهل بازار در تجارت انصاف ندهند و کم خریده دروغ گویند و اگر در دیاری آتشی افتاده بیند دلیل کند که در مردم آنجا مصادره بود از پادشاه و از او بر رعیت ظلم رسد و اگر در ماه مجهول آتش بیند دلیل بدبینی بود و اگر آتش در جامۂ کسی افتاده بیند دلیل کند که آنکس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر خویشتن را بر آتش ایستاده بیند دلیل که او را رنج رسد آتش افروختن ابن سیرین گوید که آتش افروختن بخواب پادشاه را قوت بود و آتش بیدود فروغ قوت بود و خواسته آتش با دود پادشاه ستمگر و غم و اندوه و زیان بود و اگر بیند که آتش برافروخت تا گرم گردد یا کسی دیگر بدان گرم شود دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر بیند که بفایده آتشی برافروخت دلیل کند که بی سببی جنگ و خصومت کند و اگر بیند که آتشی برافروخت تا چیزی بریان کند دلیل کند که کاری پیش گیرد بسبب غیبت مردمان تا طلب حال کسی کند و اگر بیند که از آن بریان بخورد دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد

با غم و اندوه و اگر بیند که بر سر دیگ آتش می افروخت و در دیگ گوشت بود یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری را بسازد که از آن کار
کدبانوی خانه را منفعت رسد و اگر بیند که در آن دیگ هیچ طعام نبود دلیل کند که از آن کار او را غم و اندوه بود و اگر بیند که آتشی
برافروخت از برای روشنائی دلیل کند که کار بر او حجت و برهان روشن گرداند و اگر بیند که آتشی برافروخت که حلوا سازد دلیل کند که او را
سخنی نیکو گویند کرمانی گوید اگر بیند در جایگاهی آتشی برافروخت تا اهل آن جایگاه را بسوزاند دلیل بود که اهل آن موضع را غیبت
کند بدی گوید و اگر بیند آتش را در تنور یا در آتشدان همی افروخت بی آنکه طعام پزد دلیل کند که با مردی از خویشان و یا
اهل بیت او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که خواست تا آتش برافروزد از بهر منفعت خویش و آن آتش بر نمی افروخت و
روشنائی نمیداد دلیل کند که از علم خویش برخورداری نیابد و اگر این کس پادشاه بود عز و جاه و دولتش افزون گردد و اگر
بیند که آن آتش که افروخت بمرد دلیل کند که هلاک گردد جابر گوید اگر بیند که در بیابان آتش می افروخت که مردمان از نور آن
آتش راه می یافتند و هر کس بموضع و مقام خویش میرفتند دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره یابند و راه راست گیرند و اگر بیند که
آن آتش فرو میرد و نور او زایل میگردد دلیل کند که احوالش متغیر باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که آن آتش در بیابان
افروخته بر راه راست می درخشید دلیل کند که علم او مردمان را از راه ضلالت برد و اگر بیند که آتشی در موضعی برافروخت تا آن موضع را
بسوزد و آتش آن را بسوخت و آن بازرگان بود دلیل که خرید و فروخت بنفاق کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانه همسایه
آتش همی برد دلیل کند که مالی حرام بدو رسد روشنائی آتش ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش بیند چنانکه
بدان روشنائی از نور او ازرفت دلیل کند که زاهدی یابد و اگر روشنائی آتش را ایستاده بیند دلیل کند که سبب دولت او همانجا بود و
و اگر اخگر افروخته بیند دلیل کند که در آن دیار رؤیت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود اخگر دید چنانکه از نور آن خانه روشن بود دلیل
کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاده گردد و اگر بیند که آن اخگر را کشت دلیل که در خاندان او خصومت و داوری بود آتش
پرستیدن دانیال گوید اگر بیند که آتش را می پرستید و سجده میکرد دلیل که پادشاه ستمگر را سجده کند و بخدمت او مشغول گردد
چنانکه او الت کبید اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجده میکرد دلیل که بخدمت زنان مشغول گردد و اگر بیند که آتش را بوسه همی داد
و می پرستید دلیل کند که صاحب خبر پادشاه گردد و اگر بیند که در میان آتش مراخوار همیگرد دلیل که پادشاه بطوع و رغبت با زرگانی کند
ولیکن عاقبت کارش بر خطر بود خاصه که از آتش بر تن او گزند رسد و اگر از آتش تن او را هیچ گزندی نرسد دلیل کند بر همه حالت سلامت
نفس و جمعیت با روزگار او از پادشاه و قوت و اگر بیند که در میان آتش رفت دلیل کند که بقدر آن از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که
آتش از روی یا از جامه یا از دست او روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او متحیر بودند دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و مراد و جهانی
حاصل کرد قوله تعالی وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ و این معجزه حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل اشعث
گوید که اگر کسی در خواب بیند که آتش می پرستید دلیل کند که بازداری و عوانی کند و آن آتش که می پرستید اگر شکل اخگری بود دلیل غرض او
از دین جمع کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند شراره آتش ابن سیرین گوید که شراره آتش در خواب سخن بد باشد که بوی

رسد و اگر بقیاس شراره آتش در روی می افتاد دلیل کند که در محنت و بلائی سخت گرفتار گردد کرمانی گوید اگر بیند که
در شهری یا کوچه شراره آتش می افتاد دلیل کند جنگ و فتنه در آن موضع پدید آید و اگر بیند که شرارهای آتش سخت
بزرگ بود دلیل بود که عذاب خدای عزّ و جلّ بدو رسد یا بدان موضع رسد قوله تعالی اِنَّهَا تَرْمِیْ بِشَرَرٍ کَالْقَصْرِ
کَاَنَّهٗ جِمٰلَتٌ صُفْرٌ و اگر بیند که شراره آتش در میان مردمان افتد دلیل کند که مردمان آن موضع با یکدیگر جنگ و خصومت
افتد و آتش انداختن و بازی کردن با آتش سخت زشت گفتن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که پاره آتش در دست داشت
دلیل کند که بکار پادشاه مشغول گردد و اگر بیند که با آن آتش بود دلیل کند که در آن کار او را بیم و ترس بود و اگر
بیند که آن آتش در دست وی فرو مرد دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر بیند که از آن آتش پاره
مردم را همی داد دلیل کند که از کردار وی مردمان را رنج و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند که چیزی از خوردنی روی
همی پخت و میخورد دلیل کند که سخنهای خوش شنود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در خواب بر بیست و
پنج وجه بود اول فتنه بود دوم کارزار سیم فساد چهارم تعب پنجم خصومت ششم سخنهای زشت هفتم منع از کام و مراد
هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم بیراهی دوازدهم علم و حکمت سیزدهم راه بدی چهاردهم مصیبت پانزدهم
ترس و بیم شانزدهم سوختن هفدهم خدمت پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم سرسام بیستم آبله بیست و یکم گشایش کارها بیست و دوم
فضیلت بیست و سوم مال حرام بیست و چهارم روزی بیست و پنجم منفعت آتشدان ابن سیرین
گوید که آتشدان بخواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتشدان آهنین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل آنخانه
بود و اگر آتشدان چوبین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل آنخانه بود و از اهل نفاق بود و اگر آتشدان از گل بود دلیل
بود که آن زن اهل کردن کشان باشد و از مشرکان نیز بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتشدان بخواب بر دو وجه بود اول زن
خادمه دوم کنیزک آتش زنه ابن سیرین گوید که آتش زنه و سنگ آتش و ان این هر دو انباز باشند که از ایشان
یکی قوی و دلیر بود و دوم سخت دل بود و این هر دو مردمان را بشرف و کارهای بزرگ در آورند کرمانی گوید اگر بیند که از آتش زنه
آتش بیرون می آورد و از وی شمع یا چراغ برافروخت اگر بیننده پادشاه بود دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش
یابند و اگر بیننده خواب عالم بود دلیل که مردم از علم و دانش او بهره یابند و اگر بازرگان بود دلیل کند بر آنکه با مردمان خیر و جود
و احسان کند و اگر درویش بود دلیل کند که مردمان از سیرت و کردار وی منفعت یابند حضرت صادق علیه السلام میفرماید
که اگر بیند که از آتش زنه بیرون آورد دلیل کند که مال حرام از جهت پادشاه حاصل کند یا بشغل او مشغول گردد و از رشوت مال
بدست آورد و اگر بیند که از آتش زنه نتوانست افروختن دلیل کند که مال طلب کند و نیابد آتشکده ابن سیرین گوید که آتشکده بخواب
جایگاه مکروه بود کرمانی گوید که آتشکده جایگاه مردم احمق و خالی بود و اگر بیند که در آتشکده رفت و از آنجا چیزی بوی رسید دلیل کند که از آنمقدار
مذلت و خواری بوی رسد لیکن از بدی بر هد و سر انجام پشیمانی خورد آردکون بدانکه آردکون شکوفه ایست دیدنش در خواب دلیل بر رنج و بیماری

آتشدان

آتش زنه

آتشکده

آردکون

بود آرد دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی رنج بدو رسد دانیال گوید اگر بیند که آرد چون برف از هوا می آید دلیل کند
که بقدر آن مال و نعمت حلال او را حاصل گردد و از آنجا که امید ندارد و ابن سیرین گوید آرد جو بتاویل درستی دین بود و آرد گندم
مالی بود از تجارت که بسیار فایده بود و آرد گاورس مال اندک بود که حاصل گردد جابر مغربی گوید که آرد فروش بخواب بدین مردی
باشد که دین خود را بدنیا آورده بود و آرد بیز کرمانی گوید که آرد بیز بخواب مردی باشد که در میان دوستان و خویشان همی گردد
ابن سیرین گوید که آرد بیز بخواب زنی بود فضول یا خادمی بود بد اگر بیند که آرد بیز بزرگ نو فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که
زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتکار دوست وی گردد و بعضی از معبران گویند که مردی مصلح که در خدمت او مقیم بود دوست وی
شود و حضرت صادق علیه السلام گوید آرد بیز بر چهار وجه بود اول مردی مصلح دویم زنی فضول سیم خادم چهارم منفعت
اندک آروغ کرمانی گوید که اگر بیند که در خواب آروغ بر می آورد دلیل بود که سخنی گوید که او را از آن حرمتی بود و اگر بیند که با آروغ
طعامی بود و از گلویش بیرون آمد دلیل کند که اجلش نزدیک بود محمد بن سیرین گوید اگر بیند که آروغ ترش و ناخوش بر آورد دلیل
کند که سخنی گوید که از آن مضرت و خطر بیند و اگر بیند که آروغ همچون دود بر آورد دلیل کند که بی هنگام سخنی گوید که از آن اعراض کنند
و ملامت کنند و سر انجام از آن پشیمانی خورد **آزاد شدن** دانیال گوید اگر کسی بیند که آزاد شد یا کسی او را آزاد کرد دلیل کند که
اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر حج نکرده باشد بگذارد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر گناه کار بود
توبه کند و اگر غمگین بود شادمان گردد و از غم فرج یابد و اگر محبوس بود خلاص یابد و علی الجمله آزادی در خواب بغایت نیکو و
پسندیده است **آستانه** کرمانی گوید آستانه بالائین در خواب کدخدای خانه بود و آستانه زیرین کدبانوی خانه و اگر بیند که
آستانه بالائین در رو بیفتاد و خراب شد دلیل کند که کدخدای خانه بمیرد و اگر کدخدای خانه بیند که آستانه زیرین خانه بیفتاد
یا بسوخت دلیل کند که کدبانوی خانه بمیرد ابن سیرین گوید اگر بیند که خداوند آستانه زیرین با آستانه بالائین نو و بدل کرده
دلیل کند زن را طلاق دهد و زن دیگر بخواهد و اگر بیند که آستانه بالائین را بکند دلیل که خود را هلاک کند و اگر بیند که هر دو
آستانه خویش را بکند و خراب کرد دلیل کند که کدبانو و کدخدا هر دو هلاک کردند **آسمان** دانیال گوید که اگر کسی خویش را
در آسمان اول بیند دلیل کند که اجل وی نزدیک آمده بود و اگر خود را بر آسمان دویم بیند دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان
سوم بیند دلیل کند که عز و اقبال اینجهانی یابد و اگر بر آسمان چهارم بیند دلیل که پادشاه او را دوست و مقرب کرده و اگر بر آسمان پنجم بیند
دلیل کند که هیبت و ترس و بیم یابد و اگر بر آسمان ششم بیند دلیل کند که بخت و دولت و نیکوئی یابد و اگر بیند که بر آسمان نخستین بر شد
ولیکن در را بسته دید دلیل کند که کارهای وی بسبب مردی بزرگ بسته گردد و اگر بیند که در آسمان نیاز است نگاه کردن و سر را
فرو افکنده بود دلیل که از دیدار مردی بزرگ جدا گردد و اگر بیند که فرشتگان از آسمان فرود آمدند و برو بگذشتند دلیل کند که درهای علم و حکمت بروی
گشاده گردد ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر آسمان بیند دلیل که او را سفری پدید شود و در آن سفر او را رتبت دنیا و عز حاصل گردد و اگر بیند که بپهنای آسمان سفر هم
سفری بود با نعمت و برکت و اگر بیند که همچنان راست می پرید تا بآسمان رسید دلیل کند که مضرت و رنج بیند و اگر بیند که بآسمان رفت

بدان نیت که بزمین باز نیاید دلیل کند که بزرگی و پادشاهی یابد و کاری بزرگ طلب کند و بیابد و اگر بیند که از آسمان بانگ
و ندامی شنود دلیل کند بر خیر و سلامت و اگر بیند که مرغی از آسمان با وی سخن میگفت دلیل بود که شادمان گردد کرمانی گوید اگر
بیند که او در آسمان بنیاد بست چنانکه مردمان در زمین بنیاد بود دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که بنیاد وی چون بنیاد دنیا
از خشت و گل و گچ و آجر با دلیل بود که خداوند خواب در دنیا مغرور گردد و اگر بیند که از آسمان انگبین می بارید دلیل کند که مرا نرا
خیر و نعمت و غنیمت بود و اگر بیند که از آسمان ریگ یا خاک بسیار بارید و اگر اندک بارید دلیل کند که نیک بود و اگر بسیار بود دلیل
آن بد بود و اگر بیند که از آسمان کژدم یا مار یا سنگ می بارید دلیل بود بر عذاب خدای عز و جل اندران دیار و اگر بیند که خود را
از آسمان فرو آویخت دلیل کند که کار او بلند گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بر بالای هفتم آسمان رفت بجائی که و هم آنجا نگنجد
و فرو نیامد دلیل که اجل او نزدیک آمده بود و خاتمت کردارش پسندیده بود و اگر خداوند خواب مستور بود و مصلح و بیند که از آنجا
فرود آمد دلیل که در راه دین زاهد گردد و اگر خداوند خواب مصلح و مستور نباشد دلیل بود که توبه کند یا هلاک گردد و اگر بیند که از آسمان
بزمین آمد دلیل کند که از رنج و بیماری بسر حد هلاک رسد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که در میان آسمان و زمین بنیادی بود
چون قبه یا کوشکی که نه از سنگ و آجر بود دلیل بود که خداوند خواب در امل و عمل مغرور گشته بود و اگر بیند که درهای آسمان گشاده
شده دلیل کند که دعا در آن سال مستجاب گردد و باران بسیار بارد و آبها فراوان بود قوله تعالی فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ
مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ و اگر بیند که در آسمان دری از بهر وی یا از بهر مردم آنجا باز
گشاده گردید دلیل کند که بر خیر و نعمت مردمان آن دیار خاصه که با گشادن آن در اثر خیر ظاهر گردد و اگر بیند که آسمان
بیفتاد دلیل کند که ایزد تعالی با وی بخشم بود و امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید اگر بیند که آسمان بگونه سبز بود دلیل بود که در آن
دیار خیر و صلاح و ایمنی بود و اگر بیند که بگونه سفید بود دلیل که در آنموضع رنج و بیماری بود و اگر بیند که آسمان سرخ بود دلیل کند که در آن
دیار جنگ و خون ریختن بود و اگر بیند که آسمان سیاه بود دلیل که در آن دیار بلا و فتنه عظیم بود و اگر بیند که آسمان روشن تر از آن
بود که بود دلیل کند که او را حق تعالی روشنی تمام در دین حاصل گردد و اگر بیند که برای او در آسمان گشاده شد دلیل کند بر خیر و روزی
بر او گشاده گردد و عالم و حکیم گردد و از وی روزی بسیار بمردم رسد و اگر بیند که در آسمان علامتهای سرخ بود یا کردار عمودها
دلیل کند که پارسایان آنموضع را علامت و نصرت بود و اگر بیند که آسمان را سپید دلیل کند که بد دین و گمراه گردد اسمعیل اشعث
گوید اگر کسی بیند که از آسمان سنگ چون باران می آید دلیل کند که بلای سخت و عذاب باهل آنموضع رسد قوله تعالی وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً
مِنْ سِجِّيلٍ و اگر بیند که از آسمان گندم و جو بسیار بارید دلیل کند که اندران دیار نعمتهای الوان بیفتد بسیار و خلق را ایمنی و کسب معیشت بود **آستانه**
ابن سیرین گوید اگر بیند که آستانه خانه وی بلند گردید دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت یابد و شرف منزلت و اگر بیند که آستانه خانه او بیفتاد دلیل که از شرف و
منزلت بیفتد و نزد مردمان خوار گردد و اگر بیند که آستانه خانه وی آب صافی چون باران همی بارید دلیل که بقدر آن مال و نعمت باشد و اگر بیند که از آستانه خانه وی مار و کژدم
همی فتاد دلیل که از پادشاه یا از بزرگی او را غم و اندوه رسد کرمانی گوید اگر بیند که آستانه خانه بزرگی بیفتاد و در زیر آن گرفتار گردید دلیل کند که او را بیم هلاک بود قوله تعالی

فخرّ علیهم السّقف من فوقهم و اگر بیند که آستانهٔ خانهٔ او برنگهای ملوّن و منقّش بود دلیل کند که بزینت و آرایش دنیا
مشغول گردد **آسیاب** دانیال گوید اگر بیند که در آسیاب غلّه برد و آرد همی کرد دلیل کند که از خداوند آسیاب بدو خیر و منفعت رسد
اگر بیند که سنگ آسیاب بشکست و از کار بیفتاد دلیل که خداوند آسیاب هلاک گردد و اگر بیند که سنگ آسیاب بشکافت یا خللی در وی
پدید آمد دلیل که در معیشت خداوند آسیاب سستی و خللی پدید آید اگر بیند که سنگ آسیاب را کسی بدزدید دلیل که خداوند آسیاب را
منفعت او مضرّت شود و ابن سیرین گوید که دیدن آسیاب بخواب جنگ و خصومت بود و اگر کسی خود را در آسیاب بیند دلیل کند که او را با کسی
جنگ و خصومت افتد و اما اگر داند که آسیاب ملک او بود آسان‌تر بود و اگر بیند که در آسیاب غلّه نداشت لیکن نگاه میکرد که آسیاب چگونه میگردد
دلیل که بسفر شود و اگر بیند که سنگ آسیاب از مس یا از برنج یا از آهن بود و این جمله دلیل بر جنگ و کارزار بود و اگر بیند که سنگ آسیاب
از آبگینه بود دلیل که خصومتش با زنان بود و اگر بیند که آسیاب سنگ یا آهن بجای غلّه آرد میکرد دلیل کند که او را با کسی جنگ و خصومت سخت
افتد و لیکن اگر بیند که آسیاب را بدست میگردانید دلیل کند که او را انبازی سخت دل بود و بواسطهٔ او کارش بنظام نباشد حضرت صادق علیه السّلام فرماید که آسیاب
در خواب دیدن دلیلش بر پنج وجه بود اوّل پادشاه دوم رئیس سیم توانگری چهارم مرد دلیر جلد پنجم خوانسالار پادشاه و دیدن جایگاه آسیا جای
رئیس بزرگ بود و اگر بیند که آسیاب را خراب همی کرد دلیل که اندر آن چیزی که بآسیاب منسوب است خراب گردد **آسیابان** در خواب کسی
بود که روزی اهل خانه بسبب آن بود که میگردد و چیزی بدست می آورد تا اهل آن خانه بدان تعیّش کنند ابن سیرین گوید که دیدن
آسیابان در خواب مردی بود که مردم را در دست او روزی بود و چون آسیابان جوان بود تا دلیل نیکو باشد و اگر بیند که آسیا بحجر
میگردید یا با شتر و آرد نیکو فرو می آمد دلیل بود که آسیابان از دولت و اقبال بود و اگر بوقت گردیدن آسیابان بانگ سنگ آسیاب
می شنود دلیل کند که کار وی قوی گردد **آشتی کردن** ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی آشتی کرد دلیل که عمرش دراز گردد و اگر
بیند که در آشتی کسی را بفساد دین خواند دلیل که وی را بصلاح خیر و راه دین خواند اگر بیند که در خشم کسی را بصلاح دین میخواند
دلیل که وی را بفساد و راه شر خواند حضرت صادق علیه السّلام میفرماید که آشتی کردن در خواب دلیل کند بر سه وجه اوّل درازی عمر
دوم بر قوّت سیوم بر سیرت اعتقاد پسندیده **آغوش گرفتن** کرمانی گوید اگر کسی بیند که معروفی در آغوش گرفت دلیل
کند که اگر آنکس مستور بود و مصلح از وی خیر دین یابد و اگر بیند که کودکی را در آغوش گرفت دلیل بود که خواستگار و محبّ
فرزند بود و اگر بیند که شیری را در آغوش گرفت دلیل بود که با دشمن صلح کند **آفتاب** دانیال گوید که آفتاب در خواب
پادشاه بود یا خلیفهٔ بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان فرا گرفت یا وی را بملک خویش گرفت دلیل که پادشاهی و
بزرگی یابد یا دوست و مقرّب پادشاه گردد و اگر بیند که خود آفتاب شد دلیل کند که پادشاه گردد و بر قدر روشنائی
آفتاب اگر از اهل آن نباشد بر قدر و همّت و اصل خویش بزرگی و حشمت یابد و اگر بیند که با آفتاب بجنگ بود دلیل که
پادشاه با او جنگ و خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب جایگاه ماه مقیم شد دلیل که پادشاه گردد و مملکت بر وی
مقیم گردد و قرار گیرد و اگر بیند که نور آفتاب بستد دلیل که ملک از پادشاه بزرگ بستاند و اگر بیند که آفتاب را

فرا گرفت لیکن نه از آسمان و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره هم نبود دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر بیند که آفتاب
تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کارهای وی شود ابن سیرین گوید که آفتاب در خواب پادشاه بزرگوار بود
و ماه وزیر او و زهره زن پادشاه و عطارد دبیر پادشاه و مریخ پهلوان پادشاه و ستارگان دیگر لشکر او بود جابر مغربی گوید که
آفتاب در خواب پدر بود و ماه مادر بود و ستارگان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه حقتعالی در کلام خود در قصهٔ یوسف ع یاد کرده است
قوله تعالی إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ و هر زیادت و نقصان که در آفتاب و ماه
بیند دلیل بر پدر و مادر و برادران بود و اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه بر آمد و در خانهٔ وی تافت دلیل کند که از خویشان خود زن خواهد
اگر بیند که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب را بپوشانید دلیل که حال بر پادشاه متغیر گردد و احوالش بد شود خاصه وقتی که بیند که آفتاب منکسف گردید
و اگر بیند که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد لیکن زود به شود و اگر بیند که بر جرم آفتاب رسنی یا رشتهٔ فرو هشته بود
و او دست بر آن رسن زد دلیل که از پادشاه او را یاری و قوت بود و اگر بیند که آن رسن بگسست و او بیفتاد دلیل که از بزرگی و
منزلت بیفتد و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجده کرد دلیل که گناه یا خطائی از او ظاهر گردد و اگر بیند که آفتاب یا ماه یا جملهٔ ستارگان
در یکجا جمع شدند و او جمله را بگرفت و نور ایشان بستد دلیل که پادشاهی جهان بگیرد و پادشاهان جهان جمله مطیع او شوند و اگر بیند که
آفتاب و ماه و ستارگان را بگرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل کند که بینندهٔ خواب هلاک گردد خاصه که ظالم و ستمگر بود کرمانی گوید
اگر بیند که در میان آفتاب نقطهٔ سیاهی بود دلیل کند که پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود و اگر بیند که دو پادشاه را با هم جنگ و
خصومت بود دلیل که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آفتاب بر زمین فرود آمد و هیچ نور نداشت دلیل بود
که پادشاه آنجا یا معزول گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش دید سیاه گردیده دلیل که پادشاه را غمی بزرگ
رسد و او را نیز از آن بهره بود و اگر بیند که آفتاب در سوراخی فرو شد و ناپدید گردید دلیل که پادشاه از دنیا رحلت کند و عامهٔ مردم
را غم و اندوه رسد و اگر بیند که ابر آفتاب را و ستارگان را همی بپوشانید دلیل که پادشاه و لشکرش از پیش دشمنش بهزیمت شوند و اگر
بیند که آفتاب را همی پرستید دلیل که با پادشاهی بزرگ مقرب گردد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی دید بر فلک نشست و روی با آفتاب
کرد پس دیگر باره روی از آفتاب بگردانید دلیل که آنکس نخست کافر بود و پس مسلمان گردد و بعاقبت کافر گردد و اگر بیند که آفتاب
بارز دیدن دلیل بود که پادشاه آنجا یار را بجهت چیزی جزئی رنجی رسد از جائیکه امید ندارد و اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت دلیل
کند که از پادشاه جاه و حشمت و بزرگی یابد حضرت صادق علیه السّلام میفرماید که تاویل دیدن آفتاب بر هشت وجه بود اوّل
خلیفه دوّیم سلطان بزرگ سیّم رئیس چهارم عامل بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم منفعت رعیت هفتم مرد را زن و زن را شوی
هشتم کار روشن نیکو و هم او گوید اگر بیند که آفتاب را سجده کرد دلیل که سلطان او را بنوازد و مقرب خود گرداند و کار وی بالا
گیرد و عدل و انصاف و رئیس و امیران دیار پدید آید و شعاع آفتاب بخواب دیدن ضد آن بود که گفتم آفتاب ابن سیرین گوید که آفتاب در خواب
زن خادمه بود یا کنیزک که چراغ خانه بود و تسلیم کنند و بعضی از معبران گفته اند که آفتاب خادم قومی بود که آن قوم بطاعت او گروآیند و از معصیت بپرهیزند

کنند واگر بیند که آفتابه نو داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا خادمه یا کنیزکی حاصل گردد بدین صفت که گفتیم واگر بیند که آفتابه
بشکست دلیل که خادمه یا کنیزک بیمار گردد و یا بمیرد واگر بیند که آفتابه او ضایع گردید دلیل که خادمه یا کنیزک او بگریزد یا ازاو جدا گردد
حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آفتابه در خواب بر نه وجه بود اوّل زن دوم خادم سیم کنیزک چهارم قوام پنجم تن ششم عمر
دراز هفتم مال ونعمت هشتم خیر وبرکت نهم راحت از جهت زنان **الج** بدانکه الج را بتازی رعرور گویند اگر کسی در خواب
بیند که الج همی خورد دلیل که او را رنج وبیماری رسد بقدر آن کرمانی گوید که اگر بیند که الج داشت یا بکسی داد یا آنرا از خانه بیرون
ریخت وازاو نخورد دلیل که از رنج وبیماری ایمن گردد وعلی الجمله خوردن الج در خواب در او هیچ خیر ومنفعت نباشد **آماس**
ابن سیرین گوید که دیدن آماس در خواب مال بود واگر بیند که بر تن او آماس پدید آمده بود دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل گردد
خاصه چون که در آن آماس ریم بیند که بسیار بود کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آماس بود چنانکه او را رنج نماید دلیل که بقدر آن
مال حلال یابد واگر آماس چنان نباشد که بدو رنج نماید دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آماس بر تن
پنج وجه بود اوّل مالش زیاده گردد دوم زنی با منفعت خواهد سیم پسر آورد چهارم حاجتش روا گردد پنجم ایمن گردد از غمها
واگر همه تن خود را آماس بیند دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل گردد **آهک** دانیال گوید که اگر کسی بیند که با آهک موی
از تن بسترد دلیل که اگر مال دارد بقدر آن موی که بسترده بود او را مال حاصل گردد واگر غمگین بود از غم فرج یابد واگر وام
دارد وامش گذارده گردد ابن سیرین گوید آهک کردن در خواب توانگر را زیادتی مال بود ودرویش را گذاردن وام
کافر از ایشان مسلمانی باشد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آهک در خواب بر سه وجه بود اوّل خبر بد بود دوم سخنهای
زشت ناخوش سیم کارهای دشوار وعمارت کردن با آهک در تاویل بد بود **آهن** ابن سیرین گوید که آهن معمول بخواب دیدن
خادم بود واگر نه معمول بود چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آهن واگر بیند کسی که آهن بوی داد دلیل که از متاع دنیا بقدر آن
آهن کسی چیزی بدو بخشد کرمانی گوید که هر آهن که کسی بخواب بیند که آن بسبب صلاح دارد از منسوب بپادشاه بود چنانکه خدای عزّ وجلّ
در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ واگر بیند که آهن از سنگ
بیرون می آورد دلیل کند که او را سختی پیش آید قوله تعالی قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ
جابر مغربی گوید اگر کسی بخواب بیند که آهنگری میکرد ونه از اهل آن کار بود دلیل که او را با کسی خصومت افتد واگر آهنگر بود دلیل کند
بر خیر ومنفعت وبعضی از معبران گفته اند که آهنگر بتاویل پادشاه بزرگ بود واگر ابن سیرین گوید که دیدن آهنگر بخواب چون معروف
بود دلیل پادشاه بود واگر معروف نبود تاویل نیک وبد آنچه دیده بود با آهنگر باز گردد واگر بیند که آهن یا مس همی گداخت دلیل کند که این کس مردمانرا
غیبت کند ودرشتی گوید حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر چیز که از آهن بخواب بیند که از سوزن بود و آن هم منفعت وقوت وولایت وتوانائی و
ظفر یافتن بر دشمن بود **آهو** دیدن کرمانی گوید اگر بیند که آهو را فرا گرفت دلیل که کنیزک خوبروی او را حاصل گردد واگر بیند که گلوی آهو را ببرید دلیل که
دوشیزگی دختر را ببرد واگر بیند که آهو را از قفا گلو ببرید دلیل که با کنیزکی بخلاف شریعت مجامعت کند واگر بیند که پوست آهو را بکند دلیل که

با زنی غریب زنا کند و اگر بیند که پوست آهو را همی خورد دلیل که او را از زنی خوبروی مالی حاصل گردد و اگر بیند که پوست آهو
یا گوشت یا پیه او را جا یافته شد دلیل که او را از زن مالی رسد و اگر بیند که آهو را انگشت زد دلیل که از قبل زن اندوهگین گردد ابن سیرین
گوید اگر بیند که بی آنکه گرد آهو رود بیفکند دلیل کنیزکی یا زنی را دوشیزگی ببرد و اگر بیند که آهو را وقت شکار بیفکند دلیل که غنیمت
یابد و اگر بیند که آهو در خانهٔ او بمرد دلیل که از جهت زن غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که آهو را بسنگ یا بتیر زد دلیل که سخنی ناسزا گوید
زنی را جابر مغربی گوید اگر بیند بچه آهو را گرفت یا کسی بدو داد دلیل که وی را از کنیزکی فرزند آید حضرت صادق علیه السّلام فرماید که دیدن
آهو در خواب بر چهار وجه بود اوّل زن دویم کنیزک سیم فرزند چهارم منفعت از زنان آواز ابن سیرین گوید که آواز مرد در
خواب چون بلند بود دلیل کند که در میان مردم بزرگی یابد اگر کسی بیند که آوازش بلند گشته بود دلیل کند بر قدر بلندی آواز دو
نام و بانگش بلند گردد اگر بیند که آوازش ضعیف گشته بود دلیل که بانگ و نامش ضعیف گردد چنانکه کس یاد او نکند
کرمانی گوید بلندی آواز مردان را دلیل شرف و بلندی نام کند اما بلندی آواز زنان در خواب نیکو نباشد بخلاف آواز مردان
بود و بسیاری آویختن دانیال گوید اگر کسی بیند که پادشاه فرمود تا او را بیاویزند دلیل که از پادشاه حشمت و جاه و بزرگی یابد
لیکن دلیل که در دینش خلل افتد و اگر بیند که هنگام آویختن مردمان نظر در وی میکردند دلیل که بر عدد آن قوم مهتری و
فرمان روائی یابد اگر بیند که گروهی جمع شدند و ویرا بیاویختند دلیل که بر آن قوم مهتر و فرمان روا گردد و اگر بیند که پیری مجهول
ویرا بیاویخت و مردمان بنظارهٔ او همی بودند دلیل که بر خلق جهان فرمان روا گردد چون بیند که خویشان بنظارهٔ او همی بودند
و اگر بیند که خویشتن را بیاویخت و هیچکس در وی نظاره نکرد بلکه خود در آن آویخته همی دید دلیل کند که خواهد بر خویشان خود مهتری کند ولیکن کسی
مطیع او نگردد جابر مغربی گوید چون ویرا آویخته بود و بند ریسمان ببرید و بیفتاد دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت بیفتد آئینه ابن سیرین گوید
که آئینه در خواب جاه و ولایت بود و اگر بیند که آئینه داشت یا کسی آئینه بوی داد دلیل کند که بقدر بزرگی آئینه جاه و منزلت و ولایت و نعمت
یابد و اگر بیند که آئینه بکسی داد دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی نهد و اگر بیند که در آئینه سیمین نگاه میکرد دلیل که از حرمت و جاه خویش
کراهت بیند زیرا که معبران آئینه سیمین را مکروه دانند کرمانی گوید که اگر مردی در آئینه آهنین همی نگرید دلیل که اگر زن وی حامله بود پسر
آورد که بهمه چیزها ماند پدر بود و اگر زن بیند که در آئینه می نگریست و آبستن بود دلیل که دختری آورد که بهمه چیز مانند مادر بود و اگر
زن آبستن نباشد دلیل که شوهر او را طلاق دهد و زن دیگر بخواهد و آن زن شوهری دیگر کند و اگر پسر بیند که در آئینه نظر میکرد
دلیل که او را برادری آید و اگر دختری نگاه کند ویرا خواهری آید و اگر پادشاه یا عاملی نگاه کند معزول گردد و ولایت از دست او
برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابر مغربی گوید که روی نیکو در خواب اگر در آئینه دید چون معروف بود پادشاه بود و اگر معروف نباشد
تاویل نیک و بد هر چه دیده باشد با آئینه باز گردد حضرت صادق علیه السّلام فرماید که دیدن آئینه بخواب شش وجه بود اوّل زن دویم پسر
سیم جاه و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم انباز ششم کار روشن و هم او گوید اگر مردی غریب آئینه در خواب بیند دلیل که زن خواهد بزرگی
یابد و اگر دختر بیند دلیل که شوهر خواهد و بشوهر عزیز و گرامی بود و اگر بیند که مردی مجهول آئینه بدو داد و در وی نگریست دلیل که بدیدن دوستی

آواز

آویختن

آئینه

غایب شادمان کردد **ابر دیدن در خواب** دانیال کوید که ابر بخواب دیدن بر شش نوع بود اوّل ابر سفید دوم سیاه و زرد
و سرخ و ابر بارنده و نابارنده و هر یکی را تعبیر مخصوص است و اگر کسی خویشتن را در زیر ابر سفید بارنده دید دلیل که خدای عزّوجل ویرا
علم و حکمت ارزانی دارد و مردمان را از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر بیند که در زیر ابر زرد بود دلیل که بیمار کردد و بعضی از
معبران کفته اند که زنی خواهد و از وی رنج و غم و اندوه کشد اگر بیند که در زیر ابر سرخ بود دلیل که بر محنت و بلا گرفتار کردد زیرا که
خدای عزّوجل بهر قومی که عذاب فرستادی نخست ابر سرخ بر فراز آن ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز ابر سر راست بایستاد دلیل که بقدر
آن فرمان روائی یابد و اگر بیند که ابر بر سر او میگذشت دلیل که او را با کسی نیکو جاه و نیکو عهد صحبت افتد و مرادش از وی حاصل کردد
ابن سیرین کوید اگر بیند که ابر را در هوا همی راند دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را پادشاه بیند دلیل که در ولایت
خویش رسولان و صاحب خبران فرستد و اگر بیند که ابر را از هوا گرفت و بزمین آورد دلیل که کارش نیکو کردد و بزرگی یابد و علم
حاصل شود و اگر بیند که ابر بر سر وی سایه همیکرد دلیل که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد قوله تعالی وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ
وَاَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى كُلُوْا اگر بیند که از ابر جامه در دوخته بود و در پوشیده دلیل کند که چندان علم حاصل کند که
کس را نبود و اگر بیند که ابر همه جهان را بپوشید و هیچ باران نبود دلیل که بد بود کرمانی کوید که اگر بیند که ابر را جمع کرد یا برداشت
یا بخورد دلیل که در میان حکیمان ممتاز شود و در دانش یگانه کردد جابر مغربی کوید اگر بیند که ابر را میخورد دلیل کند که معیشت
او از حکمت بود و اگر بیند که ابر سیاه بر فراز موضع جای کستر ده بود دلیل بر خشم و عذاب حقتعالی بود در آن دیار پس هر که اندران
ابر نزدیک تر بیند در عذاب حقتعالی نزدیک بود و اگر با ابر باران بیند دلیل بر رحمت و خیرات کند اگر بیند که از ابر باران همی خورد
دلیل که بقدر آن ویرا رحمت و نیکوئی رسد و اگر با ابر باران و رعد سخت بود دلیل کند بر ترس از دعای مادر و پدر یا از دعای
مسلمانان و اگر با رعد برق بیند این عذابها سخت تر و قوی تر بود و اگر بیند با برق صاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر بیند که در
خانهٔ وی و جایگاه نشستن ابر کستر ده شده است دلیل کند که فرزند و اهل بیتش را حکمت بود و دانش نیز حاصل کردد بر قدر
تنکی و تاریکی حضرت صادق علیه السّلام فرماید که ابر بخواب دیدن بر نُه وجه بود اوّل حکمت دوم ریاست سیم پادشاهی چهارم
رحمت پنجم پرهیزکاری ششم عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه اسمٰعیل اشعث کوید که ابر سیاه بخواب دلیل بیم و ترس و سختی بود
و ابر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن ابر که از کنارهٔ دریا آرند که بتازی آنرا اسفنج خوانند دیدن وی
در خواب غنیمت بود بر قدر آنچه دیده بود **ابروها** ابن سیرین کوید ابروها دیدن بخواب دین بود و اگر بیند که ابروهایش تمام بود و هیچ
نقصان در آن نبود دلیل کند که زینت وی تمام و کمال بود و اگر بیند که ابروهایش فرو ریخت تاویلش بخلاف این بود کرمانی کوید
اگر بیند که ابرو نداشت یا موی ابرویش فرو ریخت دلیل که آهنک چیزی کند که از آن چیز وی را بدنامی و فساد دین حاصل کردد و اگر بخلاف این
بیند دلیل که قصد چیزی کند که ویرا نیک نامی و صلاح دین حاصل آید و اگر بیند که ابروهایش سفید گشته بود دلیل که علم و همشکی وی زیاده کردد لیکن مالش نقصان
بود جابر مغربی کوید اگر یک ابروی خویش ریخته دید و یک دیگر پراکنده دید دلیل کند که در مال و جاه وی نقصان افتد و بعضی کفته اند که دلیل

دلیل بر نقصان زینت دین وی کند **ابریشم** بدانکه تاویل ابریشم همچو تاویل قز بود و در حرف قاف گفته خواهد شد

ابلیس لعنة الله علیه دانیال گوید که دیدن ابلیس بخواب دلیل بر دشمنی بود بد دین و دروغ زن و فریبنده و بی شرم و نومید از
نیکی و مردمان را همه بدی آموزد و شر و فساد و اگر بیند که با ابلیس در جنگ و نبرد بود و او را قهر کرد دلیل که وی را الخیر و صلاح میل بود و اگر بیند که
ابلیس بر وی غلبه کرد دلیل کند که براه شر و فساد مایل بود و اگر بیند که ابلیس با وی سخن میگفت دلیل کند که او را از راه بگرداند و او را از طاعت
باز دارد و اگر بیند که ابلیس او را نصیحت میکرد و وی را خوش می آمد دلیل که او را هم بمال و هم بتن مضرت رسد و اگر بیند که ابلیس دست
او بگرفت و بجائی میبرد و او گفت که لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ دلیل که بگناه بزرگ مبتلا گردد و بعد از آن بنصیحت
کسی از آن گناه باز ایستد و اگر بیند که ابلیس را برگردن غل نهاد دلیل که اهل دین و صلاح را شادی رسد اگر بیند که ابلیس ضعیف و درمانده بود دلیل که
علما و مردمان مصلح را قوت بود کرمانی گوید اگر بیند که ابلیس را مطیع شد دلیل که بهوای نفس مبتلا گردد و اگر بیند که ابلیس چیزی بوی عطا داد اگر آن چیز نیک بود دلیل که
مال حرام یابد و اگر آن چیز بد بود دلیل بر فساد دین کند و اگر بیند که ابلیس شاد و خرم بود دلیل که کار مردمان بفساد قوی گردد و اگر بیند که ابلیس را خواست که
بشمشیر زند و هلاک کند بگریخت دلیل کند که ولایتی بدست آورد و عدل و انصاف کند اگر بیند که ابلیس را بکشت دلیل که نفس خود را
قهر کند و راه صلاح ورزد **ارزیز** ابن سیرین گوید اگر بیند که ارزیز بسیار داشت دلیل که بقدر آن وی را چیزی از متاع دنیا
حاصل گردد که در زیر آن تنها بود چون کاسه و طبق و مانند این و داند که ملک اوست دلیل که بقدر آن وی را خدمتکار و چاکر بود کرمانی گوید اگر
بیند که ارزیز همی گداخت دلیل بود که در زبان مردم افتد ببدی حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن ارزیز در خواب بر سه وجه بود
اول منفعت دوم خدمتکار سیم متاع خانه **ارش** ابن سیرین گوید اگر بیند که ارش یا چیزی دیگر بارش همی پیمود او را سود و منفعت
بود جابر گوید اگر بیند که رسن یا جامه پشمین بود دلیل که در سفر مال حرام بقدر آن بدست آورد **اره** ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که باره
درختی را کند دلیل کند که از صحبت مردی که تعلق بدان درخت دارد مفارقت جوید و او را بیازارد و تاویل هر درختی در حرف دال بیان کنیم
و اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر خویش را باره بدو پاره ببرید دلیل که مانند آن وی را فرزندی دیگر بیاید یا برادر یا خواهر کرمانی گوید
اگر بیند که اره فرا گرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل که اگر پسر دارد وی را پسری دیگر آید و اگر دختر دارد وی را دختری دیگر آید
و اگر فرزند ندارد چهار پای دارد دلیل که چهار پائی مثل آن وی را حاصل گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که اره در خواب دیدن بر سه وجه
بود اول فرزند دوم خواهر یا برادر سیم انباز **ایزار** ابن سیرین گوید که ایزار در خواب زن بود و اگر بیند که ایزار در میان بست دلیل که
زن خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که ایزار وی ضایع شد دلیل که از زن جدا گردد و اگر بیند که ایزارش بدرید دلیل نقصان و
عیب زن بود و اگر بیند که ایزار وی بآتش بسوخت دلیل آفت و بیماری زن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که ایزارش
پشمین یا پنبه بود دلیل که زن او ستیزه و دنیادار بود و اگر بیند که ایزار کهن و چرکین داشت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که ایزار
قز بود یا ابریشمین داشت دلیل که وی را زنی معاشر یا متکبر بود **پیغمبری** دانیال گوید اگر بیند که او پیغمبری شد از جمله پیغمبران و
خلق را بخدا میخواند و راه توحید همی نمود دلیل که نخست بمحنت و بلا گرفتار گردد و بعد از آن بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که [illegible] مفتاح داشت

همین دلیل کند لکن محنت وبلای وی در دنیا کمتر ازان بود واگر بیند که او محتشم وتوانگر گردید بنعمت دنیا بروی فراخ گردد اما دین او تباه گردد کرمانی گوید اگر بیند که نام وی متغیر شد چنانکه اورا بنام نیک خوانند چون محمد ومحمود وسعد وسعید وصالح وعلی ومثل این دلیل بود که اورا بذکر خیر ونیکی یاد سازند واگر بخلاف این بیند مردمان ویرا بشر وبدی یاد کنند واگر بیند که او پادشاه یا امیر یا قاضی شد دلیل که در شغل خویش عدل وانصاف نگاه دارد واگر بخلاف این بیند دلیل شر وبدی بود وجابر مغربی گوید اگر بیند که از حال صلاح بفساد مبدل شده دلیل کند بر بدبختی وادباری وی واگر بخلاف این بیند دلیل بود بر سعد واقبال ودین ودنیای وی **اژدها** ابن سیرین گوید اژدها را بخواب دیدن دشمن بزرگ واند دشمنی قوی بود واگر بیند که اژدهائی داشت دلیل که با بزرگان بپیوندد اگر بیند که با اژدها جنگ ونبرد میکرد وبر او چیره شد دلیل که با دشمن اورا جنگ وخصومت افتد وسرانجام دشمن را قهر کند اگر بیند که اژدها را بکشت وگوشت وی بخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد ومال بستاند وبهره گیرد جابر مغربی گوید که اگر اژدها ویرا فرو خورد دلیل که بیم از دشمن بود که دشمن ویرا هلاک گرداند اگر بیند که بر پشت اژدها نشسته بود واژدها مطیع وفرمان بر او بود دلیل که دشمنی بزرگ وی را مطیع وفرمانبردار گردد وکارهای او بنظام گردد **اسپندان** کرمانی گوید اگر اسپندان بیند دلیل غم بود واگر بیند که اسپندان همی خورد دلیل که بقدر آن ویرا غم واندوه رسد اگر بیند که کسی اسپندان بدو داد دلیل که غمی از آنکس بر دل وی حاصل گردد اگر بیند که اسپندان او بکسی داد غمی از وی بر دل او حاصل گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اسپندان داشت لیکن نخورد وبکسی داد یا از خانه بیرون افکند دلیل که اورا غم واندوه کمتر بود **اسپ** دانیال علیه السلام گوید که اسپ تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی وعز وجاه بود واگر بیند که بر اسپ تازی نشسته بود وآن اسپ مطیع وبفرمان او بود دلیل که عز وبزرگی ودولت یابد بر قدر نیکوئی وقیمت اسپ اگر بیند که اسپ را فرا گرفت ونه تازی بود یا کسی بدو داد وبروی نشست دلیل که شرف وبزرگی یابد لیکن کمتر ازان که در اسپ تازی گفتیم واگر بیند که ازان اسپ چیزی کم بود یا زین یا نمد زین یا لگام دلیل که بر قدر آن نقصان در بزرگی او بود واگر بیند که اسپ اورا ذنب انبوه ودراز بود دلیل که بر قدر آن ویرا خادمان باشند وچاکران واگر بیند که ذنب اسپ او بریده بود دلیل که ویرا خادمان وچاکران نباشند اگر بیند چیزی از اندام اسپ او ناقص بود دلیل که بقدر آن از عز وشرف او نقصان بود واگر بیند که با اسپ جنگ ونبرد همی کرد واسپ غالب بود وفرمان بروی نبود دلیل که معصیت وگناه کند محمد ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که بر اسپ برهنه نشسته بود دلیل که مصیبت ومعصیت وگناه او بیشتر شود اگر آن اسپ از کسی دیگر بود وآنچه گفتیم خداوند اسپ را بود واگر بیند که اسپ برهنه بود لکن مطیع او شد دلیل بر بزرگی وشرف او بود واگر بیند که بر اسپی نشسته بود وآن اسپ بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود دلیل آنچه گفتیم از گناه بیشتر وصعبتر کند واگر بیند بر اسپی نشسته بود وآن اسپ در هوا می پرید یا بیند که اسپ را پرها بود چون مرغ همی پرید دلیل که ویرا شرف وبزرگی بود در دین ودنیا وباشد که خداوندش سفر کند کرمانی گوید اگر بیند که بر اسپ ابلق نشسته بود دلیل که کاری کند که بروی گواهی دهند واگر بیند که بر اسپ سیاه نشسته بود دلیل که کاری کند که ویرا مال ومهتری حاصل گردد واگر بیند

که بر اسپ کمیت نشسته بود دلیل که از پادشاه قوت و بزرگی یابد و اگر بیند که بر اسپ اشقر بود دلیل کند بر صلاح دین و حرمت او
از پادشاه و اگر بیند که بر اسپ زرد بود دلیل که اندک بیماری یابد و بر اسپ سمند همین دلیل بود و اگر بیند که بر اسپ جرمه بود دلیل
کند بر خیر و صلاح و اگر بیند که بر اسپ سلیس بود دلیل که زن خواهد و اگر بیند از اسپ فرود آمد دلیل که از شرف و بزرگی بیفتد و اگر بیند
که از اسپ برهنه فرود آمد دلیل که از گناه و معصیت باز ایستد و اگر بیند که بر اسپ نشسته بود و سلاح تمام پوشیده بود دلیل که شرف و
بزرگی یابد چنانکه کس را از آن مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیابد و اگر بیند که اسپ را همی تاخت تا جنگ کند دلیل که از وی گناهی در
وجود آید یا ترس و بیمی بدو رسد بقدر تاختن اسپ و اگر بیند که بر اسپ نشسته بود و اسپ او را در مسجد برد دلیل که هیچ خیر اندرین نبود
اگر بیند که اسپ او را از آنجا بیرون آورد و اگر بیند که اسپ او را مراغه همی کرد دلیل که مال و دولت یابد و اگر بیند که اسپ با وی
سخن گفت دلیل که کاری کند که مردمان از آن بشگفت آیند و اگر بیند که اسپ بیگانه در سرای وی درآمد یا در کوچهٔ وی دلیل
که مردی شریف نامدار در سرا یا در کوچهٔ او وی درآید بقدر و قیمت اسپ در آنجا مقام سازد و اگر بیند که اسپی از کوچهٔ او بیرون رفت
دلیل کند که مردی شریف نامدار در کوچهٔ او غایب گردد یا بمیرد جابر گوید اگر بیند که اسپ مادیان فرا گرفت یا کسی بدو داد و
بر وی نشست دلیل کند که زن خواهد و بر وی مبارک بود و اگر بیند که آن مادیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و
نامدار باشد و اگر بیند که آن مادیان ابلق بود دلیل کند که زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر آن مادیان جرمه باشد دلیل کند
که آن زن خوب روی و با جمال بود و اگر آن مادیان سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پرهیزکار باشد و اگر اشقر بود دلیل که
آن زن عزیز و خداوند جاه بود و اگر کمیت بود دلیل که آن زن معاشر و طرب دوست بود و اگر بیند که آن مادیان کرّه داشت دلیل
کند که زن را فرزند بود چنانکه اگر کرّهٔ او نر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود و اگر بیند که گوشت
اسپ همی خورد دلیل که پادشاه او را خواستگار گردد و بخویشتن نزدیک کند و اگر بیند که در پس کسی بر اسپ نشسته بود دلیل کند که آن مرد که
در پس وی نشسته بود تابع او گردد و اگر بیند که اسپان بسیار پیرامن سرا یا کوچهٔ او بودند دلیل که در آن موضع باران یا رود یا سیلاب
روان گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بر اسپ رهوار نشسته بود دلیل که زن توانگر با صلاح بزنی بخواهد و اگر اهل آن نباشد زیرا که
با چنین زنی مصاحبت افتد و از او منفعت و نیکوئی یابد و اگر بیند که گوش اسپ او بریده بود دلیل کند که پیغام مهتران از وی
بریده گردد و اگر بیند که اسپ بسر درآمد و رود برخاست دلیل کند که در بعضی از شغل وی خلل افتد و دیگر بار بصلاح باز آید و اگر بیند
که اسپی خرید بی دم و بر او نشست دلیل کند که زنی بی اصل را بزنی بخواهد و اگر بیند که با اسپ بر هوا بر شد و بعد از آن از هوا فرود آمد دلیل
کند که بر دست پادشاه هلاک گردد و اگر بیند که اسپ وی را لگد زد یا بگزید دلیل که عیالش بنهانه مشغول گردد و اگر بیند که کسی اسپ
وی را بدزدید بیم بود که عیالش هلاک گردد و اگر بیند که اسپ وی گم شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که اسپ خویش را بفروخت دلیل
که عز و جاه او کم گردد یا عیال از وی جدا گردد و اگر بیند که بر اسپ واژگون نشسته بود دلیل که از وی بقصد کاری منکر
پدید آید که در آن وی را مضرت و ملامت بود جابر گوید که اسپ در خواب هوای بلند نفس خواب بود و اگر اسپ خویش را کشت

ببیند دلیل کند که هوای نفس او سرکش باشد و اگر ببیند که اسپ خویش مطیع و فرمان بر بود دلیل که هوای نفس او صعب تر بود ببدی و بدانکه هر
اندامی از اندامهای اسب را نشانی بود از پادشاه و اگر خون پادشاه را بر اسب ببیند عز و رفعت او بود و مردم عامه را اسب بخواب دیدن عز و
بخت بود و اگر ببیند که اسبی مجهول از محلّه بیرون آمد دلیل که یکی از بزرگان محلّه از دنیا برود و اما خالد اصفهانی گوید که اسب پالانی بخواب بخت
مرد بود و هر چند پالانی فرمانبردارتر باشد بخت او مطیع تر و فرمانبردارتر بود و اگر ببیند پالانی در شهری یا در دهی یا در سرائی شد دلیل که مردی
غریب عجمی در آنجا پدید آید و اگر ببیند که بر اسبی دراز دم نشسته بود دلیل کند که وی را طبع زیاده گردد و بقدر درازی دم اسب و اگر بخلاف
این ببیند دلیل که حال بروی بد گردد و عیش بروی تنگ گردد حضرت صادق علیه السّلام فرماید دیدن اسب در خواب بر پنج وجه بود اول عز
دویم مرتبت سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم خیر و برکت چنانکه رسول خدا فرمود الحدیث الخیر معقود بنواصی الخیل والبرکت
الی یوم القیمة والذّل فی ادبار البقر و اگر ببیند که بوزینه بر اسب او نشسته بود دلیل که جهودی با زن وی فساد کند و اگر ببیند که سگی بر اسب او
نشسته بود دلیل کند که مغی با زن او فساد کند **استر** ابن سیرین گوید که چون استر در خواب ببیند اگر مطیع بود مردی بدخوی و چون مطیع
بود نیک بود و اگر ببیند که بر استری بی زین نشسته بود و ندانست که استر از آن کیست دلیل کند که بسفر رود و اگر ببیند که بر استر خویش نشسته بود
چون سفر کند با سود و منفعت آید و اگر ببیند بر استر زین یا پالان یا عماری نهاده بود دلیل کند که زن او نازاینده بود خاصه که داند استر ملک او
بود یا کسی بر او بخشیده بود کرمانی گوید اگر ببیند که بر استر ماده سیاه نشسته بود و بلند بالا بود دلیل که زنی خواهد که خداوند حرمت بود و اگر استر را
بگونه سفید ببیند آن زن که خواهد با جمال و خوب روی بود و اگر استر بگونه سبز ببیند دلیل که آن زن دین دار و پرهیزکار بود و اگر استر بگونه سرخ ببیند
دلیل که آن زن مطرب و معاشر دوست بود و اگر استر بگونه زرد یا اشقر ببیند دلیل که آن زن بیمار گون و زرد روی بود و اگر استر را برهنه و رام کرده ببیند
دلیل کند بر مردی ضعیف جابر مغربی گوید که استر ماده در خواب مولا زاده بود و اگر استر نر بود سفر بود و بعضی از استادان این صناعت گفته اند
که استر نر مرد بود و استر ماده زن و اگر ببیند که از کسی استر ماده بخرید دلیل که از کسی کنیزک بخرد و اگر ببیند که استر ماده بفروخت دلیل که کنیزک
بفروشد یا از کنیزک جدا گردد و اگر ببیند که بر استر ماده نشسته بود دلیل که زنی کند که هرگز وی را فرزند نیاید و اگر ببیند که بر استر نشسته بود
دلیل که عمر وی دراز بود و مرادش حاصل گردد و اگر ببیند که استر از پس وی میدوید دلیل که وی را غمی رسد اسمعیل اشعث گوید اگر ببیند استر نوحه
همی کرد دلیل کند بر زیادتی مال از جهت زنان و اگر ببیند که استر وی سخن گفت دلیل کند که کار عجب وی را پیش آید که مردمان از آن شگفت
آید اگر ببیند که استر بر او بگشت دلیل کند که مال یابد و اگر ببیند که استر وی بمرد یا ضائع شد دلیل کند یا از زن یا از کنیزک جدا گردد و اگر
استر نر بود دلیل که از صحبت مردی جدا گردد و بدانکه گوشت و پوست استر مال بود و بعضی از معبّران گفته اند که گوشت استر بیماری بود
و اگر ببیند که شیر استر همی خورد دلیل کند بر دشواری و ترس و بیم وی بقدر شیر که خورده بود حضرت صادق علیه السّلام فرماید که دیدن
استر در خواب بر پنج وجه بود اوّل سفر باشد دویم زندگانی دراز سیم ظفر بر دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مرد احمق بود
و استر ماده زن نازاینده بود و استر کره منفعت و یافتن مراد بود و **استخوان** ابن سیرین گوید که استخوان در خواب مالی بود
که مردم بدان معیشت کنند و اگر ببیند که استخوان فرا گرفت و بر آن استخوان گوشت بود دلیل کند بر قدر آن گوشت خیر و مال یابد

و اگر بیند که بی گوشت بود دلیل کند که اندکی خیر بدو رسد و اگر بیند که او کسی استخوان داد دلیل که از او بدانکس خیر رسد کرمانی گوید اگر بیند
که استخوان کسی را شکسته بود می بست دلیل کند به بزرگی و صنعتهای گوناگون یابد و کردار نیک کند و بعضی از معبران گفته اند که کار بینوائی از وی
بنوا گردد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن استخوان بخواب بر هفت وجه بود اوّل اہل و مال دوم خویشان سیم فرزندان چهارم قیم خانه
پنجم مال ششم برادران هفتم یار و انباز بود **استغفار** بدانکه استغفار کردن استغفر الله بود بمعنی آمرزش خواستن از خدای عزّ و جلّ
ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب استغفار میکرد دلیل که خداوند تعالی بر او مال و فرزندان ارزانی دارد چنانکه در کلام مجید فرموده است
قوله تعالی وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِّدْرَارًا وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ حضرت صادق
علیه السلام فرماید که استغفار کردن در خواب بر چهار وجه بود اوّل مال دوم فرزند سیم آمرزش از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناهان
اسطرلاب کرمانی گوید اسطرلاب در خواب بتاویل اصحاب سلطان بود و مهتر بزرگ اگر بیند که اسطرلاب داشت یا از کسی بخرید یا کسی بدو داد
دلیل که از اصحاب سلطان گردد و مهتر قومی گردد و اگر بیند که اسطرلاب او ضائع گردید یا بشکست دلیل کند که جاه و منزلتش نقصان یابد
جابر مغربی گوید اگر بیند که در اسطرلاب بآفتاب نگاه میکرد دلیل که بشغل سلطان یا بشغل امیران وی مشغول گردد و از ایشان خیر و
منفعت بیند و بعضی از معبران گفته اند که اسطرلاب در خواب مردی بود که ویرا ثباتی نباشد و بر کارها پاینده نبود **اسفاناخ** ابن سیرین
گوید دیدن اسفاناج در خواب دلیل اندیشه و غم بود و خوردن وی دلیل بر مضرت و نقصان مال بود اما اگر بیند که بگوشت پخته بود و در روغن
و از او همی خورد دلیل بر خیر و منفعت کند بر قدر آنچه خورده بود **اشتر** ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر اشتری مجهول بیند که بشتاب همی رفت
دلیل کند که بسفر رود و اگر بیند که بر اشتری جولان همی کرد دلیل که غمگین و متفکر گردد و اگر بیند که بر اشتری نشسته بود و راه گم کرده میراند و ندانست
که راه راست کجا است دلیل که در راه خویش فرو ماند و هیچ تدبیر او نتواند ساخت و اگر بیند که ماده شتری یافت دلیل کند که زن خواهد اگر
شتر با بچه بود آن زن که خواهد با فرزند بود و اگر بیند که اشتر از پس او همی دوید دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که اشتر از وی روی گردانید
و مطیع او نشد دلیل که اندوهگین گردد دانیال گوید اگر بیند که بر اشتر مست خشم آلود نشسته بود دلیل که مردی بزرگ غلبه کند و اگر بیند
که با اشتر جنگ و نبرد میکرد دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود مر او را با وی خصومت افتد و اگر بیند که رمهٔ اشتر از آن همی چرانید و دانست
که از ملک او بود دلیل کند که ویرا ولایتی بود و بر مردم آن ولایت فرمان روا گردد اگر بیند که اشتر را همی دوشید دلیل که از پادشاه مال
یابد بر قدر آن شیر که دوشیده بود و اگر بیند که بجای شیر از پستان شتر خون آمد دلیل که آن مال که بدو رسد حرام بود و اگر بیند که ماده
شتری کسی بدو بخشید یا از کسی او بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک بخرد اگر بیند که ماده شتری که از او بود دیگر بگریخت یا دزد ببرد دلیل
که از زن جدا شود یا در میان ایشان خصومت افتد و اگر بیند که ماده شتر او بمرد دلیل کند زنش بمیرد اگر بیند که شتر بچه آورد
دلیل که زنش بچه آورد و مالش زیاده گردد و اگر بیند که ماده شتری دید با میدی که دارد برسد و اگر بیند که گوشت اشتر میخورد
دلیل که بیمار گردد کرمانی گوید اگر بیند که گوشت اشتر بسیار بدو داد دلیل که مال یابد بمقدار گوشت اشتر و اگر بیند که اشتر را
قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان گردد یا بمیرد و اگر بیند که اشتری مجهول

در پس او همی آمد دلیل که سرگشته و متفکر گردد و اگر بیند که اشتر برا قهر و زبون خویش کرد دلیل که دشمن را مقهور و زبون خویش
گرداند و اگر بیند که رمه اشتران در زمینی یا در وهی جمع میکرد دیدند دلیل که دران جا دشمن جمع شود یا سیل در آنجا خرابی کند یا بیماری
در مردم آن موضع مستولی گردد و اگر بیند که اشتران بار گندم و جو داشتند دلیل که ازان دشمن در آنجا خیر و برکت بود جابر گوید اگر بیند
که بر اشتر یکسال نشسته بود دلیل که اندوهگین گردد و اگر بیند که از اندام اشتر وی خون زایل شد دلیل که سعادت و نعمت دنیا یابد بقدر آن
خون و اگر بیند که مهار اشتری میکشید دلیل که با مردی فرمانبردار او را خصومت افتد اگر بیند که در بیابان اشتر بسیار یافت دلیل که بزرگی و
فرمان روائی یابد بر جماعت بیابان گرد و اگر بیند که دو اشتر بیافت دلیل که مال یابد و اگر بیند که کسی وی را اشتری داد دلیل که بقدر و قیمت
آن اشتر منفعت یابد از کسی اگر بیند که قومی اشتری بکشتند و گوشت آنرا قسمت کردند دلیل کند که در آن موضع مردی بزرگ بمیرد
و مال وی را قسمت کنند بمیراث اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اشتران بسیار داشت و دانست که آن جمله ملک وی است و از اشتران
اعرابی بودند دلیل که در دیار عرب پادشاه گردد و اگر اشتران عجمی بودند دلیل که در دیار عجم پادشاه گردد و اگر زنی بیند که اشتر بخورد
دلیل که از پادشاه مال و نعمت یابد و بدانکه پوست اشتر نیز همین دلیل دارد و بعضی از معبران گفته اند که میراث یابد اگر بیند که اشتر با او سخن
گفت دلیل که خیر و نیکی بدو رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن اشتر در خواب بر ده وجه بود اول پادشاه عجمی دوم مردی امیر سیم
مرد مؤمن چهارم سیل پنجم فتنه ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال و اشتر عربی دلیل بر مردم عرب کند و اشتر عجمی دلیل بر
مردم عجمی و بدانکه اشتربانی تاویل خداوند تدبیر و ولایت بود و راست کننده کارها بود و همچنین است **اشتر مرغ** ابن سیرین گوید
که اشتر مرغ در خواب مرد بیابانی بود و اگر اشتر مرغ ماده بود زن بیابانی بود اگر بیند که اشتر مرغ ماده گرفت یا کسی بدو داد دلیل که زنی بدین
صفت که گفتیم بخواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که بر اشتر مرغ نشسته بود دلیل کند که بسفر بیابان رود و بعضی از معبران گفته اند که بر مردی بیابان نشین
غالب گردد و بکاری بزرگ رسد کرمانی گوید اگر بیند که اشتر مرغ را بکشت دلیل که بر مردی بیابانی دست یابد و او را قهر کند و اگر بیند که
خایه اشتر مرغ یا پر یا استخوان او داشت دلیل که از مردی بیابانی وی را مال حاصل گردد و اگر بیند که بچه اشتر مرغ داشت دلیل کند که فرزند
مرد بیابانی او را حاصل گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که با اشتر مرغ بنشست و آن اشتر مرغ او را مطیع بود و او را در هوا برد و دیگر باره
از هوا بزمین آمد دلیل که با مرد بیابانی بسفر دور شود و باز آید با سود و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بیند بد بود **اشتر غار** ابن سیرین
گوید که دیدن اشتر غار بخواب دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که اشتر غار فرا گرفت یا کسی بدو داد از وی همی خورد دلیل کند که بقدر
آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که وی آنرا بکسی داد یا بفروخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد اگر بیند که اشتر غار داشت و بخورد
اشتر غار همی داد دلیل که آنکس از بهر آن اشتر اندوهگین گردد **اشک** کرمانی گوید اگر بیند که اشک سرد از چشم او همی بارید
دلیل کند که شادی و خرمی یابد اگر بیند که اشک گرم بارید دلیل که غمگین و دردمند گردد و اگر بیند که بی گریستن اشک
بر روی او بود دلیل که وی را بسخن طعنه زنند اگر بیند که در چشم وی بجای اشک گرد و خاک جمع شده بود دلیل که بقدر آن
مالی حلال بی رنج بدو رسد و اگر بیند که اشک بر روی او فرود آمد دلیل که مال خویشتن را هزینه کند حضرت صادق

علیه السلام فرماید که در خواب دیدن اشک که از چشم آید بر سه وجه بود اوّل شادی و خرمی دویم غم و اندوه سیم نعمت بود **اشنان** ابن سیرین
گوید دیدن اشنان بخواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن او دلیل بر بیماری **اصلع** بدانکه اصلع بفارسی داغ سر بود ابن سیرین گوید
اگر کسی اصلع سر بخواب بیند که بر سر او موی رسته بود دلیل که او را مالی اندک حاصل گردد و اگر بیند که او اصلع شد دلیل که از غم و اندوه رسته گردد
اما اگر زنی بیند که اصلع شد دلیل که در زینت و آرایش او نقصان پذیرد کرمانی گوید که اصلع دیدن بخواب بازرگان را فائده بود و پیشه
کار را کسب و صناعت و پادشاه را نفکر و زنان را نقصان زینت بود **افروشه** ابن سیرین گوید که افروشه آن بهتر بود که در وی زعفران
نباشد چون اندک بیند سخن خوب و لطیف و خوش بود و چون بسیار بیند مالی بود که برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که اندک افروشه کسی باو داد
و بخورد دلیل کند که از آنکس سخن لطیف شنود چنانکه موافق طبع بود و اگر بیند که افروشه بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن مال برنج و سختی حاصل
گردد حضرت صادق علیه السّلام فرماید که خوردن افروشه بخواب بر سه وجه بود اوّل سخن لطیف دویم مال سیم مراد یافتنی که در دل بود **افسرده** کرمانی
گوید که خوردن افسرده در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که چیزی افسرده همی خورد دلیل که بقدر آن وی را غم و اندوه رسد اگر بیند که افسرده کسی
بدو داد و از وی بخورد دلیل کند که با کسی او را جنگ و خصومت افتد و اگر از وی هیچ نخورد اندوهی بوی نرسد جابر مغربی گوید که خوردن افسرده
در خواب دلیل کند که او را جنگ و خصومت افتد و علی الجمله هیچ خیر در خوردن افسرده نباشد **افسون** ابن سیرین گوید که افسون کردن
در خواب فریفتن مردم بود مگر آن افسون که بنامهای خدای عزّوجل و بآیات قرآن بود و چون افسونگر در خواب بیند که از آن وی را یا کسی دیگر برا
شفا و راحت پدید آمد دلیل که از غم و راحت کام دل رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید که افسون کردن بخواب کار باطل
بود چون بوقت افسون ذکر خدای عزّوجل را نگوید و اگر افسون بقرآن و نامهای حقتعالی کند دلیل که آنکس کاری کند بحق و راستی و از آن
وی را خیر و صلاح دو جهانی رسد **افیون** ابن سیرین گوید که دیدن افیون بخواب دلیل کند بر غم و اندیشه و خوردن وی دلیل بر غم و اندوه
و مصیبت کند **آله** دیدن در خواب دانیال گوید که آله در خواب پادشاه قومی با هیبت و ستمگر بود چنانکه همه کس از او ترسد اگر بیند که آله را
فرا گرفت یا کسی بدو داد و آن آله فرمان بر و مطیع او بود دلیل که در نزد پادشاه خاص و مقرب گردد اگر بیند که آله او را برگرفت و بر هوا
برد دلیل که بفرمان پادشاه سفری کند و در آن سفر بزرگی و ناموری یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که آله بکوچهٔ فرود آمد دلیل که پادشاه
در آن کوچه فرود آید اگر بیند که مردم آن کوچه آله را بکشتند آن از مملکت معزول گردد یا هلاک شود و اگر بیند که آله وی را برگرفت دلیل
کند که در پناه پادشاه شود و اگر بیند که آله از دهان چیزی بدر آورد و بدو داد دلیل کند که بقدر آن چیز از پادشاه عطا یابد و اگر
بیند که آله از دست او بپرید رشته یا چیزی دیگر در دست او بماند دلیل که پادشاه بر وی خشم گیرد و او را از خود دور گرداند
و چیزی از مال او بستاند کرمانی گوید اگر بیند که از آله شکار همی گرفت دلیل که مال و خزانهٔ پادشاه در تصرّف او در آید اگر بیند که
آله وی را بمنقار یا بچنگال بزد دلیل که او را از پادشاه زحمت و بلا رسد و مالش بستاند و اگر بیند که با آله جنگ و نبرد همی کرد
دلیل که او را با پادشاه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که آله بخورد یا پر او را بکند دلیل کند که بقدر آن از پادشاه
مال و نعمت یابد و اگر بیند که آله بر سر و روی وی نشسته بود دلیل کند که وی را پسری آید و پادشاه گردد حضرت صادق

فرماید که آلو در خواب دو وجه بود اوّل پادشاه ظالم و ستمگر و خونخوار دویم عالم بی دیانت و حیلتی بود و بعضی گفته اند اگر کسی بیند که
آلو داشت دلیل که عمر او دراز بود **آلوی سرخ** ابن سیرین گوید اگر در خواب آلوی سرخ و سیاه را بوقت خود بیند دلیل بر مال و
خواسته بود و آلوی زرد دلیل بیماری کند اگر بیند که آلوی زرد یا سرخ و سیاه که بطعم شیرین بود فرا گرفت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل کند
که بقدر آن مال خواسته بیابد اگر بیند که آلوی زرد خورد و وقت آن نبود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر بطعم ترش
بود بهتر بود ابن سیرین گوید **امامت کردن** اگر بیند که در پیش قومی امامی کرد و امام نبود دلیل کند که در آن قوم مهتر گردد و جمله تابع او
شوند چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر بیند که جماعتی انبوه در نماز بودند و ویرا گفتند که ما را امامی کن و پادشاه فرمود با و که امامی کن و او در پیش رفت
و امامت کرد دلیل کند که در آن دیار میر و فرمان روا گردد و با ایشان عدل و راستی کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز برکوع و سجود
و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان کرد دلیل کند که بر ایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود ابن سیرین گوید اگر بیند که امامی
میکرد و لیکن نشسته بود دلیل که بیمار گردد و اگر پهلو نشسته بود و در نماز چیزی بخواند دلیل کند که زود بمیرد و آن قوم بروی نماز کنند
و اگر امامی را بخواب دید دلیل که شرف و منزلت یابد بقدر و شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را او لایتی همی داد یا با امام در خانه
رفت یا امام او را چیزی بخشید یا با امام طعام خورد دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بدو رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که با امام بر جهاد بود دلیل
کند که با دولت و ولایت با وی شریک بود یا در مسجدی یا در دهی یا در شهری اسمعیل اشعث گوید هر چیز که او را امام در خویشتن زیادت
بیند در ولایت و بزرگی او زیاده گردد و هر چه در آن نقصان بیند در مال و نعمت او نقصان گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید
که امامی کردن در خواب بر شش وجه بود اوّل فرمان روائی دویم پادشاهی بعدل و انصاف سیم علم چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم
منفعت ششم ایمنی از دشمن و اگر بیند که امامی زنان کرد دلیل کند بر گروه ضعیفان والی گردد و اگر بیند که امامی از آسمان فرود
آمد و قومی را امامت کرد دلیل کند که رحمت بود بر اهل آن زمین و اگر بیند که بر مرده نماز میکرد دلیل که از پادشاه فرمان روائی یابد
امرود ابن سیرین گوید که خوردن امرود بوقت خود چون سبز و شیرین بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر بگونه زرد بود بیماری
بود اگر بیند که امرود میخورد و زرد بود دلیل کند که بیمار گردد و اگر نه بهنگام او بود و اگر امرود بگونه سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین
بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر ترش و ناخوش بود اندوه بود کرمانی گوید امرود سبز و شیرین بوقت خود دیدن یافتن مراد بود و اگر
بیند که امرود همی خورد دلیل بر منفعت بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن امرود در خواب بر پنج وجه بود اوّل مال حلال
دویم توانگری سیم زن چهارم یافتن مراد پنجم منفعت و اگر بیند که پادشاه امرود میخورد دلیل کند که از مردی بزرگوار
منفعت یابد بقدر آنکه خورده بود **انار** دانیال علیه السلام گوید که اصل انار بخواب مال بود لیکن بقدر قیمت مردم خاصه که
بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود بد بود و اگر بیند که انار از درخت ببرید و بخورد دلیل کند از زنی
با جمال منفعت یابد ابن سیرین گوید اگر انار شیرین بخواب بیند مال جمع کرده بود و بعضی از معبران
گفته اند که یک انار شیرین خوردن بخواب هزار درم بود که بیابد و انار ترش غم و اندوه بود انار ی

که ندانند ترش یا شیرین بود تعبیرش چون انار شیرین بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت همی خورد دلیل کند که هزار
درم بیابد یا اینکه کمترش پنجاه درم بود که بیابد و باشد که آنچه دینار گفتیم درم بیابد پس معبر باید که بقدر همت و بزرگی مردم تاویل کند
واگر بیند که انار زمستان همی خورد دلیل که بعدد هر دانه او را چوبی بزنند در همه چیز انار ترش خوردن در وقت و بیوقت بد بود و حکم
انار شیرین میانه بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت خود میخورد اگر بازرگان بود قماش و متاع او رواج گردد و اگر مسافر
بود دلیل که سفرش مبارک بود و با سود و منفعت بود اگر بیند که دانهای انار یافت یا کسی بدو داد دلیل که بوقت آن و برا رنجی رسد
اگر بوقت بود و اگر بیوقت و اگر انار شیرین با پوست و پیه آن میخورد دلیل که از همه چیز برخوردار یابد حضرت صادق علیه السّلام
فرماید که خوردن انار شیرین در خواب بر سه وجه بود اوّل مال جمع کرده بود دوم زن پارسا سیم شهر آبادان ولیکن انار ترش غم بود
اسمعیل اشعث گوید اگر پادشاه بیند که اناری داشت ولایت یا شهر یابد و رئیس راه‌ی بود و بازرگان را ده هزار درم و بازاری را
هزار درم و مردم درویش را ده درم یا یک درم بود **انجیر** ابن سیرین گوید که خوردن انجیر بخواب اگر وقتش بود و اگر بیوقت بد بود اگر
بیند که انجیر می خورد و یا جمع میکرد یا کسی بدو بخشید دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد و باشد که کاری کند که از ان پشیمانی خورد کرمانی
گوید که انجیر زرد بخواب دیدن و خوردن دلیل بیماری کند و انجیر سیاه دلیل بر غم و اندوه و انجیر سبز خوردن بوقت چون لطعم
شیرین بود زیانی ندارد **انجیل** ابن سیرین گوید اگر بیند که انجیل همی خواند دلیل کند که از حق بباطل فریفته گردد و خودرای شود ابن
سیرین گوید اگر بیند که از کتاب انجیل همی خواند دلیل کند بر او کسانی از ملت عیسیٰ باشند خیر اندک بدو رسد و اگر از بر میخواند دلیل که از حق
بباطل گردد و دوستدار ترسایان شود **انداختن مردم** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بینداخت دلیل که خصم بروی چیره
گردد و اگر بیند که بر کسی سنگ انداخت دلیل کند که سخنی سخت بکسی گوید و بعضی از معبران گفته اند که دلیل آنکه او را بزنا یا بگناهی متهم گردانند
و اگر کسی بیند که سفال انداخت هم سخن درشت بود که بکسی گوید و معبّران گویند اگر کسی بیند که شکر یا بادام یا قند بینداخت اگر آن کس
معروف بود دلیل کند از وی بدان مقدار عطا یابد و اگر مجهول بود بدان مقدار که بکسی انداخت حیثیت و عطا یابد و اگر کسی بیند از بن خود دینها
که گفتیم سوی چهار پایان انداخت دلیل که مال خویش بر جاهلان هزینه کند **اندامها** ابن سیرین گوید که اندامهای قوم را اگر بیند که افزون شد دلیل
کند خویشان و اهل بیت او زیاده گردند و او در موضع خویش مقیم بود و اگر بیند که اندامهای او بریده شد یا از تن او بیفتاد دلیل کند که بسفر رود و خویشان
او پراکنده گردند و اگر بیند که اندام خویش میبرید و پراکنده میکرد دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود را در شهرها پراکنده کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که پارهٔ
گوشت از اندامش ببرید دلیل کند که آنکس را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل که کسی از مال او چیزی بستاند بزور و اگر بیند که گوشت
از اندام خویش می برید و در پیش مرغی می افکند دلیل که از مال خود چیزی بکسی بخشد جابر مغربی گوید اگر بیند که اندامی از تن وی با او سخن گفت دلیل بود که در خلق رسوا گردد
قوله تعالی قَالُوا اَنْطَقَنَا اللّٰہُ الَّذِیْ اَنْطَقَ کُلَّ شَیْءٍ واگر بیند که اندامی خویش بر اهی همیرفت دلیل که کاری کند که بر آن اعتماد دارد و اگر بیند که اندامی
از تن وی جدا شد دلیل کند که کسی از خویشان او بغربت افتد و اگر بیند که اندامهایش آزرده بود دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که مرغی از اندام وی پارهٔ
گوشت ببرید دلیل که مال او را چیزی بزور بستانند و اگر بیند که گوشت خویش همی برید و در پیش مرغ می افکند دلیل کند که از مال خویش چیزی بکسی دهد جابر مغربی گوید که اندامی اندامهای او با او گفت دلیل کند

که برراست نبوده ام فضل گوید که برسول خدا عرض کردم یا رسول الله خوابی منکر دیده ام فرمود چه دیده عرض کردم بخواب
دیدم که پارهٔ از اندام تو ببریدند و برکنار نهادند رسول خدا فرمود که فاطمه را پسر آید که در کنار تو بزرگ شود و بعد از آن از فاطمه حسین بوجود
آمد و در کنار او بزرگ شد و او را می پرورید

انگبین

انگبین کرمانی گوید که انگبین در خواب غنیمت بود از مالها و نیکی بود از کردارها زیرا که در وی
شفای دردهاست و شهد روزی بسیار بود چنانکه حقتعالی در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ حضرت
صادق علیه السلام فرماید که خوردن انگبین در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دویم منفعت سیم کام دل یافتن و بر انگبین روزی
بود که بی منت بدو رسد قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ

انگشتان

انگشتان ابن سیرین گوید پنج انگشت دست راست در
تاویل پنج نماز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان و برادر بود و بعضی از معبران گفته اند که انگشت مهین دلیل نماز بامداد و انگشت
سبحه در نماز دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان دلیل بر نماز دیگر و انگشت بنصر دلیل بر نماز شام و انگشت خنصر دلیل بر نماز خفتن و
صلاح در نمازها بود و اگر بیند که انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزند یا برادرش بمیرد و بعضی گویند که فرزند برادرش را مصیبت
رسد کرمانی گوید اگر بیند که انگشتان را بهم گذاشته داشت دلیل که تنگ دست گردد و اگر بیند که انگشتان را با هم جمع کرد دلیل که کار
برادران و فرزندش را بصلاح آورد و اگر بیند که انگشتان را گرد و مشت در هم بسته بود دلیل کند که کارها بروی بسته گردد و بهم اهل بیت
او جابر مغربی گوید که اگر بیند که انگشت مهین او بریده است دلیل که قوت مالش بود و اگر بیند که انگشت سبحه او بریده است دلیل که در فریضه
نمازها تقصیر کند و اگر بیند که انگشت میان او بریده است دلیل که در شهر وی پادشاهی یا بزرگی بمیرد و اگر بیند که انگشت بعد از میان
او بریده است دلیل کند که وی را در مال زیان افتد و اگر بیند که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزندزادهٔ او بمیرد اسمعیل اشعث
گوید که انگشتان پای در خواب دیدن دلیل بود زینت و آرایش و اگر انگشتان پای را درشت و قوی بیند دلیل کند که کار کدخدائی او ساخته گردد و اگر
بخلاف این بیند کار وی ناساخته گردد و اگر بیند که انگشت پای او را آفتی رسید چنانکه رفتن نتوانست دلیل کند که وی را غمی سخت رسد
بسبب رفتن مال و اگر انگشتان دست و پای را کسر بیند دلیل کند که کار وی بازگونه شود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن انگشتان
در خواب بر شش وجه بود اول فرزند دویم برادرزادگان سیم خادمان چهارم یاران پنجم قوت ششم پنج نماز و اگر بیند که انگشتان
وی بیفتاد یا بریده شد دلیل کند که از انگشتان که گفتیم او را مفارقت افتد و اگر بیند که انگشت او بشکست دلیل کند که یکی از
اهل بیت او بمیرد خلف اصفهانی گوید اگر بیند که از انگشت مهین او شیر می آمد یا از انگشت سبابهٔ او خون همی آمد دلیل که آنکس با مادر
زن خویش فساد کند و اگر بیند که از انگشت او آواز بر آمد دلیل کند که در میان خویشان او گفتگو رود

انگشتری

انگشتری دانیال گوید که
چون بیند نقش و صفت انگشتری دلیل که از خداوندش بد و خیر و نیکی رسد و اگر بیند که انگشتری کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل
که از آنچه لایق او باشد برخی بیابد یعنی اگر لایق پادشاهی باشد پادشاهی بیابد و اگر توانگر بود مال یابد بقدر و قیمت نگینش
و اگر بیند در مسجدی یا در نماز یا در غزا کسی انگشتری بوی داد و اگر آنکس زاهد و عابد بود و اگر بازرگان بود نصیب او نفع تجارت
بود و جمله بهمین قیاس بود و اگر بیند که انگشتری سلطان بوی داد دلیل کند که از مملکت سلطان بوی دهد یا دلیل که از مملکت

سلطان بدی بدو رسد یا بخویشان وی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که انگشتری او ضایع شد یا دزد ببرد دلیل بود که در کارهای او
آفت و دشواری پدید آید و اگر بیند که انگشتری او بشکست و نگین او بماند دلیل که بزرگی و جاه او بشود و آبرو و هیبتش بر جای بود و اگر بیند که انگشتری
نگین او بشکست دلیل کند که آبرو و هیبتش بشود و جاه او بر جا ماند و اگر بیند که انگشتری خود را بکسی بخشید دلیل که از آنچه دارد از مال و ملک
برخی از آن بخشد و اگر بیند که انگشتری خویش را بفروخت و بها بستد دلیل کند که از آنچه دارد جمله بفروشد و هزینه کند و اگر بها نستد آنچه دارد
برخی از آن بفروشد کرمانی گوید اگر بیند که صناعت انگشتری او ناپسندیده است دلیل کند که از مالی که دارد چیزی بشود و یا پادشاه بروی خشم
گیرد و اگر بیند که انگشتری او از سیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده حلال بود و اگر انگشتری از زر بیند دلیل که آنچه دارد از مال
مکروه و حرام حاصل کند و اگر انگشتری از آهن بیند آنچه دارد اندک و حقیر بود و اگر بیند که انگشتری از هفت جوش یا از سپیدروی بود
دلیل بود بر آنچه در آهن گفتیم اگر بیند که انگشتری او از زیور بود و تبر بود و حقیرتر از آن جمله بود که گفتیم جابر مغربی گوید اگر بیند که در انگشت وی
انگشتری آهن بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بیند که از برنج یا از مس بود دلیل کند از مردمان بی اصل منفعت یابد و اگر بیند که
بلور است دلیل کند که از مردم عامه چیزی بدو رسد و اگر بیند که از سیم است از جائی چیزی بدو رسد و اگر بیند که انگشتری خویش نزد کسی بامانت
نهاد و یا وبرا بخشید و آنکس هم انگشتری بدو رد کرد دلیل کند که زنی بنکاح بخواهد و اجابتش نکند و زن بدو ندهند و اگر بیند که انگشتری
خویش را بشکست دلیل کند که در میان او و عیالش جدائی افتد و اگر بیند که انگشتری او دو نگین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو نگین
موافق یکدیگر اند دلیل که خداوند انگشتری غلام زاده بود و اگر بیند که از آن دو نگین یکی بیفتاد دلیل کند که از دو گناه یکی را توبه کند و اگر بیند که
نامه نوشته بود و با انگشتری خویش مهر کرد دلیل کند که چیزی پنهان بدو رسد و اگر بیند که نامهٔ کشاده را مهر کرد دلیل کند که چیزی آشکارا بدو
رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که انگشتری سیمین در خواب بر چهار وجه بود اول مملکت دوم زن سیم فرزند چهارم مال و انگشتری زرین
نیک بود و اگر زنی بیند که انگشتری با نگین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت و جاه او بشود یا فرزندش بمیرد یا مالش تلف گردد و اگر والی بود معزول
گردد و اگر زن بیند شوهرش بمیرد یا فرزندش انگور دانیال ع گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بیوقت ترس و بیم بود
و معبران گفته اند بعدد هر دانهٔ انگور که خورده بود زخم چوب یا تازیانه بر او زنند و خوردن انگور سفید بوقت خود نعمت و خیر دنیا بود و بیش از آنکه
امید دارد و بغیر وقت دلیل کند که از دهان خداوند خواب سخن چیزی بیرون آید و دلیلش بر صرف مال بود و اگر انگور سرخ بیند همین دلیل
کند ابن سیرین گوید که انگور سفید بوقت خود خوردن دلیل بر مالی کند که بدشواری بدست آید و انگور سرخ بوقت خود خوردن دلیل بر
منفعت اندک بود و هر انگوری که پوست او سخت بود دلیل که مالی بدشواری بدست آید و هر انگوری که پوست او روشن بود دلیل بر مال حلال کند
و هر انگوری که آب او تیره بود دلیل بر مال حرام بود و هر انگوری که بدیدار سرخ نماید دلیل بر عز و جاه کند و هر انگوری که بدیدار سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند
و هر انگوری که شیرین تر و پاکیزه تر بود دلیل بر مال و جاه نماید و عز وی بیشتر گردد جابر گوید اگر کسی بیند که انگور در معصر چوبین همی فشرد دلیل که خدمت
پادشاه ستمگر کند و اگر بیند که آن معصر از خشت و گل بود دلیل که خدمت پادشاه با دیانت کند و اگر معصر از خشت پخته یا از گچ و سنگ و آهک
بود دلیل که خدمت پادشاه با سیاست و با هیبت کند و اگر بیند که انگور در طشت همی فشرد دلیل که خدمت زنی بزرگ کند

واگر بیند که انگور در کاسه همی فشرد دلیل که خدمت شخصی خسیس کند و اگر بیند که انگور همی فشرد و شیره‌های آن در خمها همی جمع کرد دلیل
که از جهت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بیند که انگور در معصره با اهل و عیال همی فشرد دلیل که او را و عیال او را
در خدمت پادشاه منفعت رسد و اگر بیننده خواب در حضر خدمت پادشاه نباشد دلیل که کاری از سبب مردی حاصل کند و کرده
حضرت صادق علیه السلام فرماید که انگور سیاه و سفید بوقت خود و بی‌وقت بر سه وجه بود اول فرزند نیک دوم علم فرائض سیم مال
حلال و فشردن انگور در خواب هم آنحضرت گوید که بر سه وجه بود اول مال با خیر و برکت دوم فراخی نعمت سیم از قحط امان یافتن
قوله تعالی عامٌ فیه یُغاثُ النّاسُ وفیه یَعصِرونَ **افتادن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بروی در افتاد دلیل
تشویش او بود خاصه در جنگ و خصومت و اگر بیند که از جایگاهی بزیر افتاد چنانکه از کوهی یا از بامی یا از دیواری دلیل کند که آرزوئی
در وی بود تمام بسر نشود و مرادش حاصل نگردد کرمانی گوید اگر کسی بیند که از جایگاهی بزیر افتاد دلیل بود که امیدی دارد بنا امید
و ناامید گردد و اگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که حالش بدگردد و بقدر افتادن بزمین او را رنج رسد و اگر بیند که زخمی سخت بوی رسید
و خون از آن عضو روان شد دلیل که بقدر آن زخم زیانی رسد و اگر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد دلیل کند که رنج و المی بدو رسد
و اگر بیند که بیفتاد و رنجی بدو نرسید دلیل کند که سهل و آسان بود و اگر بیند که از آستانه خانه او مار و کژدم و گزندگان بیفتاد دلیل کند که
او را از پادشاه یا از کسی بزرگ غم و اندوه رسد و اگر بیند که بام خانه یا دیوار بر او افتاد دلیل کند که مال بسیار بدو رسد از آنجا که امید
ندارد و بدان سبب خرم و شادان گردد و کارش گشاده شود والله اعلم بالصواب **حرف الباء من کتاب کامل التعبیر**
بادام ابن سیرین گوید که بادام در خواب دیدن نعمت و روزی بود لیکن بخصومت بدست آید اگر بیند که بادام فراگرفت دلیل
بود که بقدر آن ویرا نعمت و روزی بود و دشوار بدست آید و معبران گویند که تاویل بادام در خواب علم بود و شفا از رنج و چون مغز او
بیند بهتر بود کرمانی گوید اگر بیند که بادام با پوست داشت یا کسی بوی داد دلیل که از مرد بخیل چیزی یابد بسختی اگر بیند که از مغز بادام تلخ روغن
بیرون آورد دلیل کند که از مردی بخیل ویرا بقدر آن روغن منفعت رسد جابر مغربی گوید که دیدن بادام در خواب مال و نعمت بود
اما اگر بادام با پوست بیند دلیل کند که از مال قدری برنج و سختی بدست آورد و چون بادام با پوست بیند دلیل که مال بآسانی
بدست آورد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بادام در خواب بر دو وجه بود اول مال نهانی حاصل کردن دوم از بیماری شفا
یابد بدانکه **پادشاه** ابن سیرین گوید که دوازده چیز است که بیننده خواب دلیل بر پادشاهی بود اول آنکه بیند که پیغمبر علیه السلام او را امام کرد
دوم آنکه بیند که علم شریعت ورزد سیم آنکه گوش پیغمبر پیش خود بیند یعنی منتظر اقامت و نماز بود چهارم آنکه بر منبر او علیه السلام خطبه کرد پنجم آنکه جامه
رسول ص پوشید ششم آنکه انگشتری می‌بیند که در انگشت دارد هفتم آنکه بیند که او آفتاب یا ماهتاب گردید هشتم آنکه بیند
که تن او در و دیوار خانه شده است نهم آنکه بیند که چشم او در دیوار شهر گشته است دهم آنکه بیند که چشم او محراب مسجد
جامع شده است یازدهم آنکه پادشاه مرده او را انگشتری دهد دوازدهم آنکه بیند که چشم او مانند گاوی شده است
این دوازده چیز در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی دانیال گوید اگر بیند که پادشاه او را جامه داد و کلاه

افتادن

بادام

پادشاه

داد دلیل که بر مردمان خویش رئیس و والی گردد و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود پاکیزه دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح
کار و درازی عمر او و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه چرکن و دریده بود دلیل کند بر بدی حال پادشاه و اگر بیند که بر سر پادشاه
دستاری بود چنانکه در روزگار رسول ع بر سر صحابه بود دلیل بود که پادشاه عدل و انصافی برسد و اگر بیند که پادشاه را باد بگرفت و بفرمان
شد دلیل که مملکت جهان بگیرد و بر آن قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه گردید دلیل که بیننده خواب توانگر گردد و اگر بیند که پادشاه
در کوچه یا در سرائی او درآمد چنانکه در آمدن او بزاری و انکار بود دلیل کند که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قوله تعالی
إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً و اگر بیند که در آمدن او آنجا چیزی
منکر نبود دلیل بود که هیچ مضرت و زیان باهل آن موضع نرسد کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بمرد و دفنش نکردند و بروی
نگریستند و کفن نساختند و جنازهٔ او برنداشتند دلیل که بعضی از سرای او خراب گردد و باشد که متفکر دل و رنجور گردد و اگر پادشاه
بخواب بیند که کعبه سرای او بود یا سرای او کعبه بود دلیل بود که هرگز مملکت او را زوال نباشد و از دشمن ایمن بود و اگر بیند که بکسی سلام
میکرد و یا کسی سلام بدو کرد دلیل ایمنی بود از غم و اندوه و خلود مراد چنانکه حقتعالی فرموده سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا
خَالِدِينَ و اگر پادشاه بیند که رسن در دست داشت یا دست در رسن زده بود دلیل بود که براه راست رود بر جادهٔ عدل و
انصاف اقامت نماید قوله تعالی وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا جابر مغربی گوید اگر بیند که در نزد پادشاه بزرگ بودی
دلیل بود که از پادشاه بهره و نصیب یابد و اگر پادشاه را در لباسی نیکو بیند در سرائی یا در کوچه که منسوب با و بود دلیل کند بر زیادتی
و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاه وی و خدم و حشم و مال و خزاین او و اگر بیند که پادشاه را نقصانی بود تاویلش بخلاف
این بود کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بروی خفته بود دلیل که پادشاهی بروی نماند و اگر پادشاه بیند که بر زمین فرو شد دلیل
که از مردی پادشاه او را حرمت و منزلت بیفزاید حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر کسی پادشاه را گشاده روی و خرم بیند دلیل
بود که کار او گشاده گردد و اگر کسی وزیر پادشاه را بخواب بیند دلیل کند که کار می کند که زود بصلاح باز آید و اگر حاجب پادشاه
بیند دلیل که از شغلها فرو ماند و بعاقبت بمراد برسد و اگر ندیم پادشاه را بیند دلیل که او را از کسی ملامت رسد و اگر ملازمان پادشاه
را بیند دلیل که شغل و عمل او بصلاح آید و اگر اعوان و ندیمان پادشاه را بیند دلیل که کار او گشاده گردد و اگر وزیر
پادشاه را بیند دلیل کند که کسی او را ملامت کند و چیزی که از دست او رفته بود بدست او باز آید و اگر چاکران دلیل
را بیند دلیل کند که کسی او را ملامت کند که از شغل دون عاجز گردد و اگر پرده دار پادشاه را بیند دلیل بود که کار بستهٔ او گشاده
گردد و اگر مقنعهٔ زن پادشاه را بیند دلیل که کسی او را وعده دهد بدروغ و اگر زندانیان پادشاه را بیند دلیل بود که
غمگین و مستمند گردد و اگر جلاد پادشاه را بیند دلیل کند که مراد او زود حاصل گردد و اگر دبیر پادشاه را بیند دلیل
کند که آنچه میجوید بیابد و اگر سلاح پادشاه را بیند دلیل کند که از زنی منفعت یابد و اگر رکابدار
پادشاه را بیند دلیل کند که سخنی دروغ و بیحاصل شنود و اگر غاشیه دار پادشاه را بیند دلیل که او را

غم و اندوه رسد و اگر جامه دار پادشاه را بیند دلیل که کار او نیکو گردد و اگر دوات دار پادشاه را بیند دلیل که او را از زنان چیزی
حاصل گردد و اگر خانسالار پادشاه را بیند دلیل که خرّم گردد و مال حاصل کند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که پادشاه بشهری در آمد
و بر پادشاه آنشهر غلبه کرد دلیل کند که کار آنشهر نقصان و آفت پذیر بود و اگر بیند که پادشاه در شهر او یعنی خانه او بخفت دلیل
کند که پادشاه را بدان حاجت افتد و شغل و عملش فرماید **پاتیله** ابن سیرین گوید که پاتیله در خواب دیدن کد بانوی خانه بود
و اگر بیند که پاتیله نو بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که کد بانوی خانه را آفت رسد کرمانی گوید اگر بیند که در پاتیله چیزی بود از خوردنی
دلیل بود که او را از کد بانوی خانه خیر و منفعت رسد و اگر بیند که در پاتیله چیزی ناخوش بود از طعامها دلیل بود که او را از کد بانوی
خانه ضرر رسد ابن سیرین گوید که دیدن پاتیله در خواب چیزی زیاده نبود **باد** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که باد سخت همی جست
دلیل بود که مردم آندیار را بیم و ترس بود و اگر بیند که باد چنان سخت بود که درختان را همی کند و خرابی همی کرد دلیل کند که اهل
آن دیار را بلا و مصیبت از علّت طاعون و سرخه و مانند این کرمانی گوید که باد سموم در خواب دلیل بر بیماریهای سرد کند و باد
معتدل سرد دیدن در خواب دلیل بیماریهای شوریده بود در آن دیار و باد معتدل دیدن دلیل بر تندرستی بود و از مردم آندیار
و موجب نیکوئی و کسب آندیار کند و اگر بیند که باد او را از جای بجای همیبرد دلیل کند که سفری دور کند و در آن سفر جاه و بزرگی یابد بقدر
آنکه او را باد بزمین برده باشد و اگر بیند که باد با گرد و تاریکی بود دلیل کند بر ترس و بیم و اندیشه آن قوم جابر مغربی گوید اگر
بیند که او را بادی سخت بسوی آسمانها برد دلیل که اجل او نزدیک بود و اگر بیند که او را باد از آسمان بزمین آورد دلیل بود که بیمار
گردد و عاقبت شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باد در خواب بر نُه وجه بود اوّل بشارت دوّیم فرمان روائی سیّم مال
چهارم مرگ پنجم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم راحت و اگر بیند که بر باد نشسته بود دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی
یابد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که باد مغرب نرم جست دلیل که مردم آندیار را مال و نعمت زیاده گردد و اگر بیند که باد شمال
نرم همی جست دلیل کند بر شفا و راحت آندیار و اگر بخلاف این بود دلیل خیر نباشد و اگر بیند که آواز باد همی شنید دلیل که خبر پادشاه
بزرگ در آن دیار گسترده گردد و اگر بیند که باد مردم آندیار را برگرفت و بر هوا برد دلیل بود که آن مردمان شرف و بزرگی
یابند **باد رها کردن** ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که درمیان مجمع مردمان باد رها کرد چنانکه مردمان آواز آنرا بشنیدند
دلیل که سخنی زشت گوید که مردم بروی افسوس کنند و بسبب آن درمیان مردمان رسوا گردد و اگر بیند که باد نرم رها کرد
و آواز آنرا نشنیدند تاویلش بخلاف این بود و اگر این خواب مردی هندو بیند دلیل که او را خرمی رسد کرمانی گوید
اگر بیند که بادی رها کرد و آواز بلندی و بوی ناخوشی داشت دلیل کند که کاری کند که مردم بر او
تشنیع کنند و او را ملامت کنند و بدی او گویند و اگر بیند که آواز داشت و بوی ناخوش نداشت دلیل کند
که آن کاری بیفایده جدا گردد و خیرش در آن بود و اگر بیند که بر قصد بادی رها کرد و مردمان بر او بخندیدند
و او شرم میداشت دلیل بود که از کاری بی شغل معیشت او ساخته گردد حضرت صادق علیه السلام

فرماید که بادرها کردن در خواب بر چهار وجه بود اوّل سخنی زشت دوم تشنیع سیم کاری بملامت چهارم رسوائی اگر بیند که
بادر اقصدارها کرد دلیل بود که آنکس بددین و بدمذهب بود **بادروک** نوعی است از ترها ابن سیرین گوید اگر بیند که
بادروک همی خورد دلیل بود که حاجت او روا گردد و مراد بیابد زیرا که رسول خدا فرمود الحدیث مَا اَطْیَبَكَ وَمَا
اَطْیَبُ رِیْحَكَ یعنی بوی خوش و چه خوش بوئی تو حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن بادروک در خواب
سه وجه بود اوّل حاجت روائی دوم کام یافتن سیم دیدار غایب دیدن **بادریسه** بدانکه بادریسه مهره دوک بود کرمانی
گوید اگر بیند زنی که بادریسه بیافت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را خادمه یا کنیزکی حاصل گردد و اگر بیند زنی بادریسه
از دوک او بیفتاد دلیل که مهر او از شوهر بریده گردد **بادنجان** ابن سیرین گوید که بادنجان خوردن در خواب اگر بوقت
بود و اگر بیوقت و اگر پخته بود و اگر خام دلیل بر غم و اندوه بود بقدر آنکه خورده بود و دلیل تر و خشک او یکسان بود کرمانی
گوید اگر بیند که بادنجان بسیار داشت لیکن جمله را بخشید یا بفروخت یا از منزل خود بیرون انداخت و از آن نخورد دلیل
بود که از غم و اندوه رسته گردد **بارکشیدن** ابن سیرین گوید اگر بیند که بر پشت بار سبک داشت دلیل که بقدر جنس آن
بار و برا منفعت رسد و اگر بیند که بر پشت بار گران داشت دلیل که گناه و معاصی بسیار کند قوله تعالیٰ لِیَحْمِلُوْآ اَوْزَارَهُمْ کَامِلَةً
یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَمِنْ اَوْزَارِ الَّذِیْنَ کرمانی گوید اگر بیند که بار بسیار داشت و دانست که از ملک اوست دلیل بقدر جنس بار
و برا منفعت رسد یا مضرت و بدی و اگر بیند آن بار ملک آن نبود خیر و شر آن بخداوند خواب باز گردد **باران** دانیال گوید که باران
در خواب رحمت و برکت بود از خدا یتعالی بر بندگان چون باران عام بود و بهمه جا برسد قوله تعالیٰ وَهُوَ الَّذِیْ یُنَزِّلُ
الْغَیْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوْا وَیَنْشُرُ رَحْمَتَهٗ و خواب دیدن باران بوقت خویش نیکوتر بود بوقتی که مردمان باران خواهند
بهتر باشد اما اگر آن باران خاص بود چنانکه بسرآن کوچه آن باران سخت می بارید و جز آنجا جای دیگر نباریدی چنین دلیل کند
بر رنج و بیماری بر اهل آن موضع و سختی که بایشان رسد و اگر بیند که باران آهسته می بارید دلیل کند بر خیر و منفعت اهل آن موضع
و اگر بیند که اوّل سال یا اول ماه باران بارید دلیل کند که در آنسال یا در آن ماه فراخی و نعمت زیاده پیدا گردد و اگر بیند که باران
تیره و سخت بود که میبارید دلیل کند بر بیماری که در آن هلاک گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که باران سخت نه بوقت خویش می بارید
دلیل بود که در آن ایام از لشکر رنج و بلا رسد و اگر بیند که با آب باران مسح میکرد دلیل کند که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر
بیند که باران بر سر وی می بارید دلیل بود که بسفر رود و با سود و منفعت باز آید و اگر بیند که باران بر سر مردمان
چون طوفان می بارید دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجات نعوذ بالله پدید آید و اگر بیند که از هر قطرهٔ باران
آواز همی آمد دلیل کند آواز عزت جاه او زیاده گردد و اگر بیند که بآب باران مسح همیکرد دلیل بود که از ترس و بیم
ایمن گردد و اگر بیند که باران عظیم می بارید چنانکه جویها از آن روان بود و زیانی بدو نرسید دلیل که پادشاه
تعصب کند و شر وی از خود باز دارد و اگر بیند که از آن جویها نتوانست گذشت دلیل که شر پادشاه از خود

دفع سازد واگر بیند که آب از هوا همی آمد گرداگرد باران دلیل کند که عذاب حق تعالی و بیماری در آن موضع پدید آید کرمانی گوید
اگر بیند که بجای باران انگبین همی بارید دلیل که نعمت و غنیمت در آن دیار بسیار باشد و هر چیز که بیند از آسمان می بارد تاویلش از جنس
آنچیز بود واگر بیند که آب باران همی خورد و آب آن صافی و روشن بود دلیل کند که بقدر آن خیر و راحت بدو رسد واگر بیند که آب باران تیره و
ناخوش بود دلیل که بر قدر آن رنج و بیماری کشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باران در خواب بر دوازده وجه بود اول رحمت
دویم برکت سیم فریاد خواستن چهارم رنج و بیماری پنجم بلا ششم کارزار هفتم خون ریختن هشتم فتنه نهم قحط دهم امان یافتن
یازدهم کفر دوازدهم دروغ **بارانی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تن او بارانی بود و او در خدمت پادشاهی بود دلیل بود که
نام نیک او و مدح و ثنای او در پیش مردمان فاش کردد واگر بارانی از جهت جامه بر او بود دلیل است که او را فائده دین و دنیا
حاصل کردد کرمانی گوید اگر بیند که بارانی او از پشم بود یا از کتان یا از پنبه و نیکو و سبز بود دلیل بر نیکوئی بود اما بارانی زرد دلیل
بر رنج و بیماری بود واگر بارانی کبود بود دلیل بر گناه و معصیت بود واگر بارانی را سفید بیند دلیل بود بر خیر و منفعت که از جائی
بدو رسد **باره** ابن سیرین گوید که باره شهر و قلعه و دژ دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و معبران گویند که باره شهر
دلیل بر پادشاه بود باره ده دلیل بر خداوند ده کند اگر بیند که باره شهر قوی و بلند بود دلیل بر قوت و نیکی حال پادشاه
واگر بیند که باره شهر بیفتاد و خراب شد اگر جمله بیفتاد دلیل بر هلاک پادشاه کند واگر برخی از آن بیفتاد دلیل بر هلاک والی
بود واگر بیند که باره را نو کردند دلیل بود که پادشاه نو در آن شهر مقیم کردد واگر بعضی از باره شهر را نو کرده بیند
دلیل کند که والی نو در آنجا مقیم کردد کرمانی گوید که باره شهر آنچه نزدیک دروازه شهر بود تاویلش عشر و امین
بود و آنچه در پس آن شهر بود و باشنده و هر نیک و بد و زیاده و نقصان که در باره بیند دلیل بر این پنج گونه بود که ذکر
کرده شد **باز** ابن سیرین گوید اگر بیند که بازی بگرفت یا کسی بوی داد و آن باز مطیع او بود یعنی بر دست وی نشست
دلیل کند بر بزرگی قدر و افزونی جاه و منزلت او واگر بیند بازی سفید بر دست او نشست دلیل که از پادشاه قدر و
منزلت یابد واگر بیند که باز از دست او بیفتاد و بمرد دلیل بود که از منزلت بدرویشی و بیچارگی افتد
کرمانی گوید اگر بیند که بازی سفید بیافت اگر از مردان پادشاه بود دلیل که از پادشاه ولایت و حرمت
یابد واگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند واگر بیند که بازی کسی بوی بخشید دلیل که او را فرزندی آید
صاحب جمال حسن و جاه واگر بیند که بازی بر بام او نشست دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد و از او خیر و
منفعت یابد واگر بیند که باز بگریخت و در خانه پادشاه یا در زیر دامن زنی پنهان کردید دلیل که آن زن را پسری خوبروی پدید
آید واگر بیند که بر پای آن باز زنگله زرین یا سیمین بود دلیل که آن زن را دختری آید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بازی بیافت و او را
بکشت دلیل که اگر آنکس از مردم پادشاه بود معزول کردد از عمل واگر مردم پادشاه نبود او را رنجی و غمی رسد از جهت اهل بیت واگر
بیند که باز از دست او بپرید و باز نیامد واگر این خواب را پادشاه دیده بود دلیل که مملکت از دست او برود واگر

بارانی

باره

باز

بازبیاید و بردست او نشست تاویلش آنکه مملکت و قدرت یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که چون بیند که باز مطیع او بود
تاویلش بر پنج وجه بود اوّل رامش دوّیم شادی سیّم بشارت چهارم فرمان پنجم یافتن مراد و مال النقد و قیمت باز ازدوهزار
درم خاصه چون باز سفید و مطیع او بود و چون مطیع نباشد تاویلش بر چهار وجه بود اوّل پادشاه ستمگر دوّیم حاکمی که میل کند بدی سیّم
فقیه خاین چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر نبرد **بازوی** ابن سیرین گوید که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست
معتمد یا انباز اگر بیند که بازوی قوی بود دلیل بود که ویرا از ایشان منفعت و قوت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که
او را هیچ فایده و قوت از ایشان نباشد و اگر بیند که بازوی او افتاد یا اگر کسی بازوی او را ببرید دلیل کند که برادر یا
دوست یا انباز او از دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جوید حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بازو در خواب
بر شش وجه بود اوّل برادر دوّیم فرزند سیّم انباز چهارم دوست پنجم پسر عم ششم همسایه **بازوبند** کرمانی گوید بازوبند
زرین اگر بیند که در بازو داشت دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراهت رسد و اگر بازوبند سیمین داشت دلیل
کند که دختر خود را یا دختر خواهر خود را بشوهر دهد و اگر این خواب زنی بیند دلیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر بیند که بازوبند
سیمین یا آهنین داشت دلیل بود که او را از برادر قوت و یاری بود و اگر بیند که بازوبند بشکست یا ضایع شد تاویلش
بخلاف این بود **پاس داشتن** ابن سیرین گوید که پاس داشتن در خواب بر دو وجه بود اگر بیند که پاس اهل صلاح
میداشت دلیل بود بر خیر و منفعت دو جهانی و اگر بیند که در سرای پادشاه پاسبانی میکرد دلیل کند که از پادشاه خیر و منفعت
یابد و اگر بازرگانی این خواب را بیند در تجارت سود بسیار کند و اگر بیند که پاس اهل صلاح و ورع میداشت دلیل که از
ایشان خیر و منفعت دنیا بیند و پاسبان در خواب دیدن خداوند قدر و منزلت و ولایت بود و تیمار کارها دارد
و مردم در اهتمام او باشند **پاشنهٔ پای** ابن سیرین گوید پاشنهٔ پای در خواب دلیل بر نظام کار و کسب مردم کند
و اگر بیند که پاشنهٔ پای او بشکست دلیل بود که بکاری مشغول گردد کاری که از آن پشیمانی حاصل گردد و اگر بیند که
پاشنهٔ پای او بشکافت یا مجروح شد همین تاویل دارد اما ندامتش از آن کمتر باشد جابر مغربی گوید اگر کسی
بیند که پاشنهٔ پای خود می برید و بجور و سباع و درنده میداد دلیل کند که آنچه بکسب حاصل کرده بود بجور و
و بدشمنان دهد و اگر بیند که پاشنهٔ پای او بیفتاد دلیل که او را کار و کسب نباشد و درویش و بیچاره گردد"
باغ دیدن دانیال گوید که دیدن باغ بخواب زن بود و اگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل که با زن
خویش مجامعت کند و اگر بیند که باغ را آب میداد و ترنمی شد دلیل کند که زن او از شوهر مجامعت طلبد
و اگر بیند که در باغ گل و ریحان میکشت دلیل کند که فرزند صالح بیاورد و اگر بیند که در باغ شفتالو
میکشت دلیل کند که او را فرزندی آید که زود علم و ادب بیاموزد و اگر بیند که در باغ او ریحان دسته بود
و بالا کشیده و بوی او بدماغ میرفت دلیل بود که او را فرزندی بود دلیر دانا و خردمند و بوی ریحان دلیل

بانہہ

بازوبند

پہرہ دینا

ایڑی

باغ دیکھنا

هر فرزند کند و اگر باغ خود را سبز و آبادان و آب روان و کوشک بیند و از میوهٔ درختان میخورد و از میوه‌ها داشت و با
زن خود در تماشا بود دلیل که ایشان از اهل بهشت باشند و اگر بیند که در باغ آبادان بود و از میوهٔ درختان میخورد دلیل
بود که زنی توانگر بخواهد و از او مال و نعمت یابد و اگر بیند که در فصل خزان در باغی مجهول شد و از درختان برگها میریخت
دلیل کند که غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که در باغ کوشکها بود و سبزه‌ها و آب روان و درختان زنی صاحب جمال او را
بخواند دلیل بود که بهشت و حور العین در آخرت بیابد و دلیل کند که درجهٔ شهیدان حاصل کند و اگر بیند که باغی داشت
یا کسی بدو داد و میوهٔ آن باغ میخورد دلیل کند که زنی مالدار بخواهد و مال او را بخورد و اگر بیند که در باغ بود و میوه‌ها
از درخت بلند بروی همی افتاد دلیل بود که با مردی شریف او را خصومت افتد و بروی غالب گردد و اگر بیند که در
باغ بر سر درخت خفته بود دلیل بود که نسل و فرزندان او بسیار باشد کرمانی گوید که باغ در خواب مردی بود بزرگوار با مال و
جمال و اگر بیند که در وقت بهار یا تابستان باغ خرم گشته بود و در او میوه‌ها رسته بود و گل و ریاحین شکفته و
آب روان و او در میان باغ نشسته دلیل بود که مرگ او بر شهادت بود زیرا که جمله صفات بهشت است و اگر در تابستان
باغی بیند معروف یا مجهول و میوه‌های آن شیرین بود و برگهای درختان ریخته بود دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد چنانکه
پادشاه از خدم و حشم بازمانده باشد و اگر بیند که باغی در تابستان سبز و پر میوه و آب رود بیامد و باغ را از اصل برکند و
خراب کرد دلیل که پادشاه آن دیار را بیم هلاک بود یا بسبب سلطانی بزرگ از پادشاهی معزول گردد و اگر بیند که آتشی بیامد
و درختان آن باغ را بسوخت دلیل که پادشاه را مرگ مفاجات رسد و اگر در خواب بدید که در باغ اشتران بودند دلیل بود
که پادشاه آن ملک بر دشمنان ظفر یابد و اگر در باغ گوسفندان دید دلیل که از پادشاه مال و نعمت حاصل کند و هیبت عظیم
پادشاه را بود و اگر در آن باغ پرندگان بیند دلیل که لشکر پادشاه بر عهد و وفا باشند اما برایشان اعتماد نبود و اگر بیند که
از آن باغ میوه جمع میکرد و بخانه میبرد دلیل بود که بقدر آن وی را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که در باغ هیمه جمع میکرد
دلیل منفعت بود از پادشاه لیکن بسختی و رنج بیابد جابر مغربی گوید که اصل باغ در خواب شغل مردم بود بقدر همت و اگر در
باغ سبزه بیند دلیل بود که کارش نیکو گردد و شغل وی آراسته شود و اگر باغ از سبزه و میوه خالی بیند دلیل کند که کار او نیکو گردد
و اگر باغی خرم و آراسته دید کسی او را گفت که این باغ از آن فلان است و او میوه از آن باغ میخورد دلیل که بقدر آن از خداوند
باغ منفعت یابد و اگر در وقت بهار یا تابستان باغی خراب دید چنانکه در وی هیچ سبزه و درختان ندید دلیل بود که
پادشاه بر رعیت جور و ستم کند و اگر بیند که بدست خود باغی نو ساخت و درخت نشاند و میوه برآمد دلیل بود که زنی توانگر بزنی
خواهد و مال و نعمت و فرزندان حاصل کرد و اگر در آن باغ بوقت خویش انگور دید دلیل بود که مال و منزلت یابد بقدر همت
خویش **حکایت** آورده اند که مردی پیش سلیمان ؑ آمد و گفت ای پیغمبر خدا بخواب دیدم باغی آراسته و در وی
میوه‌های بسیار بود و در آن باغ دیدم که خوکی بزرگ نشسته بود و مرا گفتند که این باغ ملک آن خوک است من از آن

حال متحیر گردیدیم و در باغ خوکان بسیار دیدیم که میوه میخوردند و گفتند که این خوکان میوه بفرمان این خوک میخورند سلیمان
گفت این خوک بزرگ پادشاه ظالم و ستمگر است و خوکان دیگر دانشمندان حرام خواره که مطیع و فرمان بر پادشاه ظالم اند و دین را
بدنیا فروشند و از عذاب حقتعالی نترسند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باغ در خواب بر هفت وجه بود اوّل زن خوب
دویم فرزند نیک سیم عیش خوش چهارم مال پنجم بلندی ششم شادی هفتم کنیزک و باغ در خواب دیدن قیم زن بود و اگر کسی بیند که
باغبانی میکرد دلیل کند که زنی توانگر کند و بشغل او مشغول شود و با ایشان سازکاری کند و بعضی از معبران گویند که دیدن باغ
بر سه وجه بود اوّل کدخدائی سرای دویم قیم زن سیم فرزند قرة العین **بافتن جامها** ابن سیرین گوید که بافتن جامها در
خواب سفر بود و بافنده مسافر بود و اگر بیند که جامه یا چیزی میبافت دلیل بود که بسفر رود و آورده اند که بافتن جامها در خواب
خصومت بود و اگر بیند که جامهٔ بافته ببرید دلیل بود که انکار با خصومت ها برطرف شود و بریدن آن هم از سبب سفر بود و اگر رسنها
یا ریسمانها را تاب میداد دلیل کند که بسفر شود کرمانی گوید اگر بیند که بجای ابریشم ریسمان یا کتان می بافت دلیل بود که بد بود زیرا که
نشان خیانت بود و اگر بیند که جامه را تمام ببافت و ببرید دلیل بود که بسفر شود و کار وی تمام گردد و اگر بیند که تمام نبافته بود
دلیل بود که کار او تمام نگردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بافندگی همیکرد دلیل بود که او را با مردم خصومت افتد و حالش نیکو گردد
اما از مردمان او را سرزنش و ملامت رسد **باقلا** ابن سیرین گوید که دیدن باقلا در خواب وقت خود خوردن و بیوقت خوردن
اگر پخته باشد یا خام دلیل بر غم کند و حکم تاویل آن در تر و خشک یکسان است و اگر بیند که بخورد غم و اندوه کمتر بود کرمانی گوید اگر کسی
بیند که کسی باقلا بدو داد و بخورد دلیل بود که اندوهگین گردد و باشد که آنکس خصومت کند و معبران گویند اگر بیند که باقلا داشت
یا کسی بدو داد یا از خانه بیرون ریخت و از آن هیچ نخورد دلیل که او را زیان ندارد خاصه چون بوقت خویش دیده بود **بالا رفتن**
محمد بن سیرین گوید اگر بیند که بر بالای کوهی نشسته بود یا بر بام یا بر کریوهٔ یا بر کوشک و بر مانند اینها و بالا رفتن دلیل کند که آنچه جوید
بیابد و حاجتش روا گردد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که بدشواری بر بالا همیرفت دلیل که آنچه میجوید برنج و دشواری بیابد و اگر بیند که
بر نردبان بالا می شد دلیل بود که در دین شرف و منزلت یابد خاصه که نردبان او از گل بود و اگر بیند که نردبان از گچ و سنگ بود دلیل
بود که در دین او خلل باشد کرمانی گوید که از نردبان بر بالا رفتن از گچ و سنگ دلیل که شرف و بزرگی یابد در این جهان
و اگر بیند که از خشت خام و گل بود دلیل بود که قدر و منزلت یابد در آن جهان و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت
و باز نیامد دلیل بود که اجل او نزدیک باشد و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت بیمار گردد و
سرانجام شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بر بالا شدن بر پنج وجه بود اوّل روائی حاجت
دویم زن خواستن سیم قرب و بزرگی چهارم مراد یافتن پنجم بالا رفتن کار **پالان** ابن سیرین گوید که پالان
دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا از کسی به بها بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که پالان
بر پشت داشت دلیل که مطیع و فرمان بردار زن گردد و وی مستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که

بافتن جامها
باقلا
بر بالا رفتن
پالان

زن از وی جدا گردد یا طلاقش دهد جابر مغربی گوید اگر بیند که پالان پاکیزه نو داشت دلیل بود که زن مستور سازگار بخواهد و از خیر و
منفعت یابد و اگر بیند که پالان درشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازکار و از وی مضرت بیند
بالش ابن سیرین گوید که بالش در خواب خادم بود بیننده خواب را اگر بیند که بالشی نو فرا گرفت و آن بالش سبز بود یا کسی
بوی داد دلیل که او را خادم یا خدمتکاری مصلح پارسا پدید آید و اگر بیند که بالش او کهن و چرکن و زرد و سیاه بود تاویلش بخلاف
این بود و اگر بیند که بالش او بدرید یا بسوخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع گردد یا بگریزد یا رنج و
بلائی بدو رسد و بسبب آن از وی جدا گردد کرمانی گوید اگر بیند که کسی از خانه او بالش بدزدید دلیل بود که کسی از پی زن او
میگردد که او را بفریبد یا از پی کنیزک وی و معبران گویند که دیدن بالش در خانه دلیل بود که کسی از آن خانه بمیرد و اگر مردی بیند که
بالش بسیار یافت دلیل بود که بقدر آن بالشها او را خادمان و کنیزان حاصل گردد و اگر بیند که آتش در افتاد و بالش او
بسوخت دلیل بود که خادمان و کنیزان او بروند یا بگریزند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بالش در خواب بر پنج وجه بود
اول خادم دویم کنیزک سیم ریاست چهارم دین نیکو پنجم پرهیزکاری و عدل **بام** اگر بیند که بر بام خانه مهول بود دلیل
بود که زنی خواهد بر قدر بلندی بام با قدر و رفعت اگر بیند که بام آن خانه معروف بود دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و کارش
بر نظام گردد جابر مغربی گوید که اگر بیند که بر بام خانه پادشاه بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که از بام بیفتاد از
جاه و منزلت بیفتد و او را اندوه رسد **بانگ داشتن جانوران** محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران و مردم
بخواب دلیل بود بر غم و مصیبت در آن موضع و اگر بیند که او را بانگ میکردند از جائی دور و اگر جواب داد دلیل بود که زود بمیرد و اگر بیند که
جواب نمیدهد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که آواز گریستن می آید دلیل بود که شادمان گردد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل
بود که چیزی ناخوش شنود و اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که حاجت او روا گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بانگ و دشنام
شنود کراهیتی بوی رسد و زود زایل گردد کرمانی گوید اگر بیند که اسپی بانگ میکرد دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از
معبران گویند که البته مکروهی بوی رسد از بهر آنکه سپاهی دروغ نگوید و اگر بیند که خر بانگ میکرد از دشمنی و جاهلی فریاد و دشنام
شنود قوله تعالی إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ و اگر بیند که شتر بانگ میکرد دلیل که بحج رود یا به تجارت و
در آن وی را سود و منفعت یابد و اگر بیند که گوسفندی بانگ میکرد دلیل که از بزرگی وی را چیز و منفعت رسد و اگر بیند که از بزغاله
بانگ شنید دلیل بر خرمی و شادی و نعمت کند و اگر بیند که آهو بانگ میکرد دلیل بود که او را کنیزکی حاصل گردد و اگر بیند که شیر
بانگ میکرد دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بیند که پلنگ بانگ میکرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد
و اگر بیند که یوز بانگ میکرد دلیل که کسی بر وی خشم گیرد و بر وی کبر کند و اگر بیند که گرگ بانگ میکرد بر دشمن ظفر
یابد و اگر بیند که شغال بانگ میکرد دلیل بر غم و اندیشه کند از سبب زنان و اگر بیند که روباهی بانگ
میکرد دلیل بود که مردی دروغ زن با وی مکر و حیله کند و اگر بیند که گربه بانگ میکرد دلیل بود که او را

از دزد وبیم بود واگر بیند که اشتر مرغ بانگ میکرد دلیل کند که خادم دلیر بیاید واگر بیند که کرکس بانگ میکرد دلیل بود که از خبر مردی
بزرگ غمگین گردد واگر بیند آله بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه شنود واگر بیند که کبوتر بانگ میکرد دلیل بود که خبر سرهنگان پادشاه
شنود واگر بیند که کلاژه بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود واگر بیند که خروس بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی جوانمرد شنود
واگر بیند که حجل بانگ میکرد دلیل که خبر اندوه ومصیبت شنود واگر بیند که بوم بانگ میکرد دلیل همین بود واگر بیند که فاخته بانگ میکرد
دلیل که خبر دروغ شنود واگر بیند که تذرو بانگ میکرد دلیل که خبر زنی با جمال شنود واگر بیند که طاوس بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه
عجمی شنود واگر بیند که کلنگ بانگ میکرد دلیل که خبر مردی درویش شنود واگر بیند که لک لک بانگ میکرد دلیل که خبر مردی دهقانی
شنود وازان خرم گردد واگر بیند که کبک بانگ میکرد دلیل که خبر زنی نیکو شنود واگر بیند که بانگ کبکان همی شنود دلیل کند که خبر زنی مستور
شنود واگر بیند که بانگ کلاغ می شنود دلیل که خبر مردی حرام خواره شنود واگر بیند که گنجشک بانگ میکرد خبر خوش شنود واگر بیند
که بلبل یا هزاردستان بانگ میکرد خبر مطربی یا نوحه گری شنود واگر بیند که سار بانگ میکرد دلیل همین بود واگر بیند که مرغ آبی
بانگ میکرد دلیل که غم واندوه بوی رسد واگر بیند که بط بانگ میکرد خبر مصیبت کسی شنود از اهل او واگر بانگ بچگان مرغ شنود
ماتم ومصیبت رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که بانگ همه مرغان در خواب شنیدن نیکو بود مگر مرغی که او را بفال بد آرند
که بانگ او اندوه ومصیبت بود وبانگ مار ترس وبیم بود واز دشمن اما بانگ زنبور وملخ دلیل بر ترس وبیم بود وبانگ وزغ دلیل کند که
در منفعتی فزود آید جابر مغربی گوید اگر بیند که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانگ سهمگین می آید دلیل بر غم واندوه ومصیبت پادشاه بود
وهر چند معبر خیر وشر بود **حکایت** آورده اند که مردی پیش ابن سیرین آمد وگفت که بخواب دیدم که دابه جنبنده با من سخن میگفت
ابن سیرین گفت که ترا اجل نزدیک آمده است قوله تعالی وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ
أَنَّ النَّاسَ وچون یکهفته بر آمد آن مرد از دنیا رحلت کرد **بانگ نماز** ابن سیرین گوید که هر بنده که مصلح ومؤمن ومستور چون بیند که

بانگ نماز

در جایگاهی معروف بانگ نماز شنود یا بانگ نماز دهد دلیل کند که حج بیت الله بگذارد قوله تعالی وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ
يَأْتُوكَ رِجَالًا واگر بانگ نماز در جایگاهی مجهول بود گروهی ناپسندیده بدو رسد واگر این خواب را مردی فاسق بیند دلیل که
او را بدزدی بگیرند واگر بیند بانگ نماز را از مسجد یا از مناره دهد دلیل بود که مردمان را بخدا میخواند واگر بیند که در بستر خفته بانگ نماز
میداد دلیل بود که با زن خود الفت دارد واگر بیند که بانگ نماز در خانهٔ خود میداد دلیل بود که مفلس ودرویش گردد وگویند کسی از
اهل بیت او هلاک گردد واگر بیند که بانگ در چاه یا در سردابه میداد دلیل بود که آنکس زندیق یا منافق بود واگر بیند که بانگ نماز
در کوچه میداد دلیل بر جاسوسی کند کرمانی گوید اگر مردی بیند که با زن خود بانگ نماز میداد دلیل بود که از دنیا رحلت کند
بزودی واگر بیند در کلمهای بانگ نماز زیادت ونقصانی را دلیل بود که بر مردمان ستم وبیداد کند
واگر بیند که کودکی بانگ نماز میداد دلیل بود که پدر ومادر او دروغ گویند واگر بیند که بانگ نماز در گرمابه میداد دلیل
بد حالی او بود در دین ودنیا واگر بیند که بانگ نماز در قافله یا در لشکرگاه میداد تاویلش بد بود واگر بیند که مجوسی در

زندان بانگ نماز میداد و اقامت کرد از زندان رهائی یابد و اگر بیند که بانگ نماز بلهو و بازی میداد دلیل که هلاک گردد و اگر بیند که
بر سر کوهی بانگ نماز میداد دلیل بود که پادشاه سخن راست گوید و او را لحمد الله تعالی خواند و اگر بیند که در مناره بانگ نماز میداد دلیل بود که بزرگی
و فرمانروائی یابد و اگر بیند که در کنج خانه بانگ نماز داد دلیل که در کار حق خیانت کند و اگر بیند که در سرداب بانگ نماز داد دلیل بود که بسفر
زود شود و در آن سفر رنج و بلا کشد و دیر بماند و اگر بیند که در میان کوهی بانگ نماز کرد دلیل بود که در میان قومی منکر گرفتار آید
و با وی خیانت کنند و اگر بیند که بر کرسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده بلهو بانگ نماز میکرد دلیل که عقل از او زایل گردد و اگر بیند که
دیگری بانگ نماز کرد و او شنید دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کاهل بود و کسی او را لحمد الله تعالی خواند و اگر بیند که بانگ اقامت شنود
دلیل بود که در کارهای حق توفیق یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که بانگ نماز در خواب بر دوازده وجه بود اول حج دوم سخن
سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر هفتم مردن هشتم مفلسی نهم خیانت دهم جاسوسی یازدهم منافقی و بد دینی
دوازدهم بریدن دست **پا بیند** ابن سیرین گوید که یکپاره پا بند در خواب دیدن سخن خوش و لطیف بود یا بوسه بود که بفرزند و عیال
یابد یا بدوستی دهد و اگر پا بند بسیار بیند نعمت و روزی حلال بود بقدر آنکه دیده و اگر بیند که پیره زنی بخروارها پا بند بدو بخشید دلیل بود
که مال و نعمت دنیا بیابد و بقدر آن کارش نظام گیرد و اگر بیند که پا بند بسیار داشت و جمله را بخشید یا از وی ضایع شد دلیل است
که اگر نعمت دارد جمله را نفقه کند یا از وی ضایع گردد **پای** دانیال گوید اگر کسی بیند که یک پای او بریده بود یا شکسته دلیل بود که نیمه مال
از وی ضایع گردد و اگر هر دو پای بریده یا شکسته بیند دلیل بود که جمله مالش برود یا خود بمیرد و معبران گویند که اگر کسی هر دو پای خود را
بریده یا شکسته بیند دلیل بود که بسفر شود و اگر بیند که پای او آهنین یا سیمین بود دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند و اگر بیند که پایش آبگینه
بود دلیل که عمرش زود سپری گردد و مالش نماند زیرا که آبگینه را بقا و قوت نبود و اگر بیند که پایش شل یا مبتلا شده بود دلیل بود بر سستی
و ضعف حال او با آنچه طلب کند از خیر و شر ابن سیرین گوید که اگر صالحی بیند که پایش شل شده بود دلیل بود بر زیادتی دین او قوله تعالی وَلَا
عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ و اگر بیند که پایهای او برسن بسته بود دلیل بود که از کسی منفعتی بوی رسد و اگر بیند که پایش نبود و بچوب راه میرفت
دلیل بود که اعتماد بر کسی کند و از آنکس وفا نیابد و اگر کسی عامل یا پادشاه بیند که هر دو پای او بریده بود دلیل بود که از عمل
معزول گردد و مالش تلف شود و اگر بیند که پای او آهنین بود دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر بیند که پایش سیمین بود دو کفش
زرین یا سیمین دلیل کند و اگر بیند که پای او درد مند بود دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند که پای او ستونی بسته بود این تاویل بهتر بود
زیرا که درخت چون مردی بود و ستون چون مرده و اگر بیند که پای او در دامی گرفتار شده بود یا در جائی فرو رفته بود دلیل بود
که در مکر و حیلتی گرفتار گردد بقدر آنکه پای وی در آن سخت شده بود و اگر بیند که پای در جای چاهی یا در گوری بلغزید دلیل بود که
از کار دین و دنیا باز ماند یا کسی سختی بدو گوید که از آن رنجور گردد و اگر بیند که پای بر ستوری یا بهیمی جنبانید دلیل بود بر غایت طلب آنکار که میجوید
کرمانی گوید که هر دو پای تاویل مادر و پدر باشد و هر ضعفی و نقصانی که در پا بیند همین دلیل بر پدر و مادر کند و اگر بیند که پای بسیار داشت
دلیل کند بسفر شود و اگر درویش بود توانگر گردد و دیدن پشت پای خود دلیل زینت مرد بود و حصول مال و طاعت که

پای

کرده بود جابر مغربی گوید که اگر بیند که پای او چون پای شتر یا پای گاو بود دلیل بود که قوة و مالش زیادت گردد و اگر بیند که
پای او چون پای اسپ بود یا پای خر دلیل بود که قوت و جاه او افزون گردد و اگر پای خود چون پای درندگان یا دد ان بیند چیزی
حرام حاصل کند و اگر پای خود را چون چنگال مرغان بیند دلیل بر قوت و کسب معیشت او بود و بر دشمن ظفر یابد حضرت صادق ع فرماید
که دیدن پای در خواب بر هفت وجه بود اول عیش دوم عمر سیم سعی کردن چهارم طلب مال پنجم قوة ششم سفر هفتم زن و پای کوفتن
در خواب غم و مصیبت بود **پای اورنجن** ابن سیرین گوید که اگر مردی در خواب بیند که پای اورنجن در پای داشت دلیل بود
که او را رنج بود و اگر بیند که سیمین بود در رنج و سختی او کمتر بود کرمانی گوید که پای اورنجن زنانرا شوی و زنانرا نیک بود و پیرایهای زرین
زنانرا ملک بود و مردانرا حرام و اگر بیند که اورنجن از پای بیرون کرد یا از وی ضایع شد دلیل بود که آنکس از وی رنجور دل گردد
بند نهادن ابن سیرین گوید که اگر بند بر پای خود نهاده بیند دلیل بود که ترسان و هراسان گردد و اگر بیند که در پای او دو
بند نهاده بود و او در مسجد بود دلیل بود که او را در دین ثبات بود یا در نماز یا در غزای یا در کاری که در آن صلاح دین بود کرمانی گوید اگر
بیند در خواب بند را که در پای خویش بند بود و او را عزم سفر افتاد دلیل که در آن سفر دیر بماند و در آنجا مقیم گردد و هر چند که بر پای بند
قوی تر و محکم تر بیند دلیل که اقامتش در آنجا بیشتر بود و اگر بند فراخ بود بهتر باشد که تنگ بود و اگر بیند که بندش از مس بود همین دلیل
کند و اگر بندش از آهن بود دلیل بود بر آنچیزها که نخست یاد کرده شد و اگر بیند که بندش از رسن بود مقیم شدن از بهر دین بود و اگر
بیند که او چون چوب بود مقیم شدن او از بهر فساد دین بود و جابر مغربی گوید اگر بیماری بیند که بر پای او بند بود دلیل بود که از آن زحمت
خلاصی یابد و اگر پادشاه بیند که بر پای او بند بود دلیل که پادشاهی بروی پایدار بود و حضرت صادق ع فرماید دیدن پای بند در خواب
بر سه وجه بود اول ثبات در دین دوم زن خواستن سیم از سفر باز آمدن و علی الجمله هر که در خواب بیند که در پای او بند بود اگر در نیکی بود
نیکی در وی پایدار بود و اگر در بدی بود همچنین **پای تابه** ابن سیرین گوید که پای تابه در خواب چون نهاده بیند مال بود و چون
بر پای پیچیده بیند سفر بود و اگر بیند که پای تابه بر پای چنانکه مسافران آهنگ بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود دلیل بود
که زود از دنیا رحلت کند و اگر بیند که پای تابه خویش بفروخت یا بکسی بخشید دلیل بود که مال او ضایع گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که
پای تابه در خواب بر سه وجه بود اول مال نخواسته بود دوم سفر سیم مرگ بود کسیکه بر پای پیچیده و تنها عزم بیابان کرده **پاچه** ابن سیرین
گوید اگر کسی در خواب بیند که پاچه گوسفند همی خورد دلیل بود که چیزی و نعمتی بدو رسد بقدر آنکه خورده بود و اگر بیند که پاچه گاو
همی خورد دلیل بود که در آن سال او را فراخی و نعمت بود بر اندازه خوردن او جابر مغربی گوید که خوردن پاچه در خواب دلیل بود بر خوردن
مال یتیمان بقدر آنچه خورده بود خاصه چون بیند که خام میخورد **پایندانی کردن** ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که کسی را پایندانی
همی کرد دلیل بود که در کار آنکس مقیم و پایدار بوده از او جدا نگردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پایندی کردن در خواب
بر سه وجه بود اول مقیم شدن آنکس که پایندانی او کرده دوم عنایت کردن با وی سیم خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که
از پایندان کسی بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود **ببر** ابن سیرین گوید که ببر جانوریست درنده و از جمله سباع است

ودشمن شیر است و دیدن وی در خواب دشمن قوی دلیر بود ولیکن کریم و مهربان بود و اگر بیند که با ببر در نبرد و جنگ بود و او را
قهر کرد دلیل بود که بر دشمن چیره گردد و اگر بیند که ببر وی را قهر کرد دلیل بود که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که ببر از وی ترسان
بود و میگریخت از دشمن ایمن گردد کرمانی گوید که پوست و استخوان و موی ببر در خواب دیدن مال و منفعت بود که از دشمن بدو رسد
بقدر آنچه دیده بود و اگر بیند که بر ببر نشسته بود و او مطیع بود دلیل بود که دشمن مطیع او گردد **بت** ابن سیرین گوید اگر بیند که بت
می پرستید دلیل بود که بر خدای تعالی دروغ گوید و بر راه باطل بود و اگر بیند که بت از چوب بود که او را می پرستید دلیل بود که
منافق بود در دین و اگر بیند که آن بت از سیم بود دلیل بود که از بهر هوای نفس تقرب کند بزنی که با وی میل دارد و اگر بیند که
آن بت از زر بود دلیل بود که میلش بکار مکروه و جمع مال بود و اگر بیند که آن بت از آهن بود یا از مس یا از ارزیز دلیل بود که
غرضش از دین صلاح دنیا و طلب متاع او بود کرمانی گوید که اگر آن بت از جواهر بیند دلیل که غرضش از دین پادشاهی و خدم و حشم
بود و اگر بیند آن بت از جواهر دور شد دلیل بود که غرضش از دین جمع کردن مال حرام بود و اگر بیند که بت در خانه بود از عقل و
دانش خود فرماند و متحیر گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بت در خواب بر سه وجه بود اول دروغ باطل دوم مکار
منافق سیم زن مفسد فریبنده **بخشش کردن** ابن سیرین گوید اگر بیند که مال خود را بکار خیر بخشش میکرد دلیل کند که فرزند
خود را زن خواهد یا کسی را از خویشان خود بزن دهد و مال خود بر ایشان قسمت کند و اگر بیند که مال خویش براه فساد بخشش میکرد
دلیل کند که سوی فساد و حرام گراید و اگر بیند که مال خویش بر بیگانگان بخشش میکرد دلیل کند که حالش هم بمرگ او و هم بزندگانی
او پراکنده گردد کرمانی گوید اگر بیند که مال کسی را بخشش میکرد برضای خداوند مال دلیل خیر و شر آن بخداوند مال باز گردد
بخور کردن ابن سیرین گوید که بخور کردن بخواب مال بود از مردی بزرگوار و اگر بیند که از بوهای خوش چیزی بخور کرد
دلیل بود که قدر آن از مردی مال حاصل کند جابر مغربی گوید که بخوری که آن خوشبوی تر بود بیننده را خیر و منفعت بیشتر بود و اگر بخور خوشبوی
نبود خداوند خواب را تاویلش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که تاویل بخور کردن بخواب بر سه وجه بود اول مال بسیار دوم عیش
خوش سیم نام نیکو **پر** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که او را پرها بود چون پر مرغ دلیل بود که او را مهتری و بزرگی بود بقدر پرها
و بعضی از معبران گویند که پر دیدن بخواب قوة و پناه بود کرمانی گوید اگر بیند که پرها داشت که می پرید دلیل بود که بسفر رود و کارش نیکو بود و اگر بیند
که با خود پر مرغ داشت دلیل بود که بقدر آن وی را خیر و منفعت حاصل گردد و اگر بیند که پرهای او بیفتاد دلیل بود که از بزرگی و جاه بیفتد و مالش
نقصان گردد **پیراهن** ابن سیرین گوید که پیراهن دیدن بخواب دلیل بود بر اندیشه و غم و خوردنش دلیل بر مضرت بود **بربط** ابن سیرین گوید
که بربط بخواب لهو باطل دنیا بود و سخن دروغ و محال گویند اگر بیند که بربط میزد دلیل بود که سخن دروغ و محال گوید و کسی را بدروغ مدح و
ستایش کند اگر بیند که کسی پیش او بربط میزد دلیل که سخن محال و باطل شنود و اگر بیند که با بربط چنگ و چغانه میزد و نای بود این جمله دلیل بر غم و مصیبت
کند که با اهل آن موضع رسد اگر بیند که بربط او بشکست یا بیفکند دلیل بود که از دروغ و باطل گفتن توبه کند و اگر بیند که بیمار بود و بربط میزد دلیل بر
مرگ او بود کرمانی گوید اگر بیند که بربط استوار و استاد وار میزد و او بربط زدن نداند اگر بیننده خواب عالم بود دلیل کند

که مردمان را علم و بیان نیکو گوید و باشد که این هر سه علم را بداند اول تفسیر دویم فقه سیم قصص و اگر بیند آنکسی که جاهل بود کاری کند که
از آن شغل او را از مردم ملامت و سرزنش رسد و اگر بیند که آواز بربط می شنید دلیل بود که خبر زنی بزرگ شنود و با آن زن و برا دوستی افتد
بر جستن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جائی بجائی می جست دلیل بود که حال او بگردد و اگر بیند که بجائی دوری جست دلیل بود که
بسفر دور شود و اگر بیند که در وقت جستن عصا در دست داشت دلیل اعتماد وی بر مردی قوی بود کرمانی گوید اگر بیند که از جائی
بیرون جست دلیل است که از حال بد بحال نیک گردد و اگر بیند که بهر جائی که میخواست می جست دلیل بود بر قوت و توانائی وی جابر
مغربی گوید اگر بیند که از جائی پاکیزه بجست دلیل بود که از حال فساد بحال صلاح آید و اگر بخلاف بیند از حال صلاح بافساد آید
بردار کردن ابن سیرین گوید که روزی مردی نزد من آمد و گفت که بخواب دیدم که مردی را هر دو دست ببریدند و دیگری را
بردار کردند گفتم که اگر این خواب راست میگوئی امروز امیر شهر را معزول کنند و امیری دیگر بجای او بنشانند پس همان روز
چنان شد و دیگری بجای او بنشست کرمانی گوید که اگر بیند که کسی را بردار کردند و مردم در وی نظاره میکردند دلیل بود که
بر چندین مردمان مهتر گردد و اگر بیند که کسی بنظارهٔ او نبود شرف و بزرگی یابد لیکن در راه دین مدبر و فاسق بود و اگر بیند که
گوشت کسی را بردار کرده بودند میخوردند دلیل کند که مال از کسی که بر مردم مسلط بود بخورد خاصه که چون بیند که او را اثری بود و اگر
بیند که او را بردار کرده بودند و خون از وی روان شد دلیل که غیبت مردم کند و گناه بسیار از او بوجود آید حضرت صادق
علیه السلام گوید که بردار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول مهتری دویم مال سیم بزرگواری چهارم غیبت مردم کردن **پر** ابن سیرین گوید که
بهترین جامها بود و اگر بخواب بیند که پردار بینه بود و بگونه سبز و سفید بود و یا جامهٔ نو از پر دلپوشیده بود دلیل بود که فراخی نعمت یابد
بقدر آنکه جامهٔ نیک بود و آنرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که جامهٔ تنگ داشت و بگونه سیاه و کبود بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید پر فروش
مردی بود که دین را بدنیا اختیار کرده باشد خاصه چون پردار بینه بود و اگر بیند که در وی ابریشم بود دلیل بود که هم طالب دین
بود و هم طالب دنیا **پرده** ابن سیرین گوید هر که پرده بخواب بیند که بر در آویخته اگر تنک بود و اگر سطبر غم و اندوه بود و ترس
بیم و در آخر کارها ایمن گردد و اگر بیند که پرده بر در سرائی بزرگ یا بر در مسجد یا در میان بازار غم و اندوه بود و ترس عظیم کرمانی گوید
اگر بیند که پرده ضایع شد دلیل که خداوندش از غم و اندوه فرج یابد و از ترس و بیم ایمن گردد و چون پرده بیند و معروف نبود
غم و اندوه صعب تر بود و اگر معروف بود آسان تر بود جابر مغربی گوید که پردهٔ نو پادشاه را نیکو بود و رعیت را بد بود و پردهٔ
کهن بهمه حال نیکو نباشد **پرده داری** محمد بن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که پرده داری میکرد دلیل که حاجتی که دارد روا گردد و جاه
و عزتش زیاده گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که پرده داری پادشاه مصلح عادل میکرد دلیل کند که وی بصلاح و بخیر گراید و مال حلال یابد و اگر
بیند که پرده داری پادشاه مفسد و ظالم میکرد دلیل بفساد مایل گردد و مال حرام یابد **پرستو** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که پرستو داشت یا کسی بوی
داد دلیل بود که از کسی که از او جدا شده بود مؤانست گیرد و در مقام او قرار گیرد و اگر بیند که پرستو از انگشت یا از دست بیفکند دلیل بود که با کسی
که مؤانست دارد جدائی جوید و دور شود کرمانی گوید که دیدن پرستو در خواب مردی توانگر با خرد بود و اگر بیند که پرستو

ماده بیند زنی توانگر یا خرد بود و اگر بیند که پرستو از وی بپرید دلیل بود که از مردی توانگر جدا گردد و اگر بیند که پرستو در دست او بمرد
دلیل بود که یار او بمیرد و رنج و اندوه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند پرستوئی فرا گرفت دلیل که از غمها فرج یابد و از ترس و بیم ایمن گردد

برف ابن سیرین گوید که برف بخواب دیدن غم و اندوه و عذاب بود و مکر اندکی دیده بود و اگر در زمستان برف بیند یا بجایگاهی
که پیوسته در آنجا برف بود دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید که دیدن برف بخواب لشکر هزیمتی بود خاصه که
با برف بیند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن برف بخواب بر شش وجه بود اوّل روزی دویم زندگانی سیم مال بسیار چهارم
لشکر بسیار پنجم بیماری ششم غم و اندوه اگر بیند که بتابستان برف جمع میکرد دلیل که مال حلال جمع میکرد دلیل کند که بعیش خوش
گذارند و منفعت بسیار یابد کرمانی گوید که برف بخواب دیدن در سردسیر دلیل بر خیر و نیکی کند و در گرمسیر دلیل بر غم و اندوه و قحط و
بیماری بود و اگر بیند که برف بوقت خود میخورد بهتر از آن بود که بیوقت بود

برق ابن سیرین گوید که برق در خواب خزانه دار پادشاه
بود و بعضی از معبران گفته اند که برق وعده کردن پادشاه بود و بیدی مرد طامع الطبع وی اگر بیند که برق را از هوا یا از ابر فرا گرفت
دلیل که کاری کند که در آن خیلی حیران بود و اگر بیند برق همی درخشید دلیل که در آنسال نعمت فراخ بود خاصه که با برق باد آهسته
بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که برق در خواب بر پنج وجه بود اوّل خزانه دار پادشاه دویم وعده بد سیم عتاب چهارم رحمت پنجم کار را است

برگشودن ابن سیرین گوید که برگشودن در خواب استواری و محکم کاری بود و اگر بیند که بر اسپی یا بر گستوان نشسته بود دلیل بود که
کار وی محکم و استوار گردد و بر دشمن ظفر یابد و خصم را قهر کند جابر مغربی گوید اگر بیند که بر اسپی یا بر گستوان در میان رزم میدوید
دلیل بود که کار بمراد و بخت و دولت مساعد او گردد و اگر بیند که بر گستوان از اسب او در افتاد یا ضایع گردید دلیل بود که نامرادی
یابد و در دست خصمان مغلوب گردد

برنج ابن سیرین گوید که برنج دیدن بخواب مالی بود که برنج حاصل کرد بقدر آنکه دیده بود
کرمانی گوید اگر بیند که برنج پخته همی خورد دلیل بود که حاجت او روا گردد و خیر و نیکی بدو رسد و اگر بیند که برنج با گوشت پخته همی خورد
دلیل بود که بهتر بود و نیکوتر بود و برنج با شیر خوردن بغایت نیکو بود و اگر بیند که برنج با دوغ پخته همی خورد دلیل بر غم و اندوه
بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن برنج در خواب بر سه وجه بود اوّل مال دویم حاجت سیم خیر و منفعت که بدو رسد

پرنده
ابن سیرین گوید اگر بیند که پرنده داشت و از دست او بپرید و دیگر بار بدست او آمد دلیل بود که حاجت او روا گردد و اگر بیند که بپرید دلیل بود که
بعضی از مال او برود

پرنیان بدانکه پرنیان در خواب چون تاویل دیبا بود و شرح آن در حرف دال بیان کرده شود

برّه ابن سیرین
گوید که برّه در خواب اگر نر بود و اگر ماده بود فرزند بود و اگر بیند که بره فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را فرزندی آید و آن فرزند
بروی بود و اگر بیند که بره را بکشت دلیل بود که فرزند او بمیرد و اگر بیند که گوشت برّه را بخورد او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد کرمانی گوید که
دیدن برّه در خواب خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بقدر بزرگی و کوچکی او و اگر بیند که بره داشت او را مال و غنیمت رسد
بقدر آن و اگر بیند که بره یا بزغاله را بکشت و آنرا بخورد و نه از بهر گوشت کشت دلیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت
صادق علیه السلام فرماید که دیدن بره در خواب بر چهار وجه بود اوّل فرزند دویم مال حلال سیم معیشت چهارم غم

برف برق برگشودن برنج پرنده پرنیان بره

واندوه بود **برهنگی** محمد بن سیرین گوید اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند دلیل بود که حج طلب
کند و اگر بیند در خواب مردی مستور صالح بود گناهش عفو کرده و اگر خداوند خواب صالح نباشد دلیلش بد بود کرمانی گوید اگر کسی خود را برهنه
بیند در طلب دنیا بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که ازاری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت مجتهد گردد جابر
مغربی گوید برهنگی در خواب دلیل محنت و رسوائی بود اما اگر عورت را پوشیده بیند مرد صالح را نیکو بود و فاسق را بد بود حضرت صادق
علیه السلام فرماید که برهنگی در خواب مرد صالح را خیر و نیکی بود و مرد مفسد را بدی و رسوائی و بیحرمتی **پروانه** ابن سیرین گوید که پروانه در
خواب دیدن مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنادانی در هلاک اندازد کرمانی گوید اگر بیند که پروانه از پس پشت او بپرید و
اینکس او را بگرفت دلیل که بکنیزکی دوشیزه دراز کند و از وی پسری آید اگر بیند که پروانه را بکشت یا در دست او هلاک شد دلیل
که فرزندش هلاک گردد **بروت** در خواب دیدن دلیل بر هیبت مرد کند اگر بیند که کسی بروت او را بمقراض بپیراست تاویل
نیکو بود و او را مضرت نرسد و اگر بیند که بروت او در وقت پیراستن از تن ببرید یا بستر و دلیل نقصان هیبت مرد بود کرمانی گوید
اگر بیند که بروت او دراز شده بود دلیل که او را قوتی بود و اگر بیند که کسی بروت او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند
که بروتش سفید گردیده بود دلیل که از کار ناکردنی باز ایستد و اگر بیند که او را بروت بود اگر زن بود دلیل بر غم و اندوه بود
و اگر اندک بود دلیل بر عز و جاه و مراد کند **برج** دانیال گوید که دیدن حمل و اسد و قوس لشکر پادشاه بود و دیدن ثور و
سنبله و جدی پسر پادشاه و دیدن جوزا و میزان و دلو قاضی و صاحب تدبیر پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب و
حوت دیدار صاحب شرط و شراب دار پادشاه بود ابن سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب بیند با مردی محتشم او را کاری افتد
و حاجت او روا کند و اگر ثور را بیند با مردی جاهل و نادان او را کاری افتد و حاجت او روا گردد و اگر جوزا را بیند او را با مردی فصیح یا
زبان دان کاری افتد و حاجتش روا گردد و اگر سرطان را بیند او را با مردی بی اصل کاری افتد و حاجتش روا گردد و بزرگی و جاه یابد و اگر
سنبله را بیند او را با مردی کشاورز بیوفا کاری افتد و مرادش بر نیاید و اگر میزان را بیند او را با مردی قاضی کار افتد و هر وعده که
دهد وفا کند و اگر عقرب را بیند با مردی دشمن یا با زنی مفسد بد کاری افتد و او را زحمت رسد و غمگین گردد و اگر قوس را بیند او را
با مردی سالار سپهر کاری افتد و حاجت او روا گردد و خلق او را دوست دارند و اگر حوت را بیند او را با مردی غریب ساده دل
و نیک رای مهربان کم سخن کاری افتد و حاجت او روا گردد **پری** بدانکه معبران را درین خلاف است بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی
گفته اند بخت است و کام روائی در آن کار که بود ابو هریره گوید از رسول خدا مرویست که دیدار پری در خواب دولت و بزرگی بود
و دست در دست او نهادن و با او سخن گفتن دلیل خرمی بود محمد بن سیرین گوید که پری بخواب دیدن که خوشخوی و شادمان و خوبروی بود دلیل که عز و
دولت یابد و اگر او را زشت و غمگین بیند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر پری خویش را مرده بیند کار او شوریده گردد و اگر با پری جنگ میکرد دلیل که کار او آشفته گردد کرمانی
گوید که پریان بعضی مسلمانند در خواب دیدار دوست و بخت و دولت بود و آنچه کافر باشند دیدار ایشان دیدار دشمن و ادبار و اندوه بود و دانیال گوید اگر کسی در خواب بیند که در میان
پریان بود دلیل بود که بسفر شود و آن سفر او را مبارک بود و اگر بیند که پری او را در گردن گرفت و میرفت دلیل بر عز و جاه و بزرگی بود و اگر بیند که پری او را

ازکردن بنواخت ازجاه وبزرگی بیفتد واگر ببیند که پریان بلطف سخن میگفتند دلیل بود که کارش نیکو گردد واگر پری را در جامه
نیکو بیند حالش نیکو گردد واگر پری را در جامهٔ بد به بیند حالش بد گردد واگر ببیند که پری او را چیزی داد از زر وسیم وآنچه بدین ماند دلیل بود که
دولت واقبالش زیادت گردد جابر مغربی گوید که اگر پری را بیمار یا مرده بیند دلیل بود که حال او بد گردد واگر ببیند که پادشاه پریان او را
بنواخت دلیل بود که دولت یابد ومقرّب پادشاه گردد واگر ببیند که پری جایگاه خویش را بدو نمود وخود را بدو عرضه کرد وگاه خود را
پنهان دلیل بود که زنی با وی مکر وخیانت سازد واگر ببیند که در خانهٔ پریان شد وایشان را می شناخت ودید دلیل بود که بغربت افتد و
شهرها بیند واگر بیند که پری او را همی برد دلیل بود که حاجت او روا گردد از جائی که امید ندارد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پری در خواب
بر پنج وجه بود اوّل دوستی عزیز دوم بخت ودولت سیم کاری که دارد از آن کامرانی یابد چهارم بزرگی وحشمت بود پنجم خبر دروغ
وکارهای باطل بود **پرواز کردن** دانیال گوید اگر ببیند که چون مرغ از جائی بجائی میپرید دلیل بود که بسفر رود بقدر بلندی و
پریدن وی از زمین بلندی وشرف یابد واگر ببیند که راست بآسمان میرفت دلیل بود که او را مضرت رسد واگر ببیند که چندان پرواز
میکرد در هوا که بآسمان رسید ودر آسمان ناپدید شد وازآنجا ناپدید شده بزمین نیامد دلیل کند که زود از دنیا رحلت کند محمّد بن
سیرین گوید که اگر کسی ببیند که از جانب قبله بپرید وباز بجای خویش آمد دلیل کند که از سفر زود باز آید با منفعت بسیار خاصه چون
ببیند که پرها دارد واگر ببیند که بی پرهاهمی پرید دلیل بود که از حال خود بگردد واگر ببیند که از بام خویش بر بامی دیگر می پرید دلیل کند که
زن را طلاق دهد وزنی دیگر خواهد یا کنیزکی خرد کرمانی گوید اگر ببیند که بعنان آسمان بپرید دلیل کند که حج کند واگر ببیند که از سرای خود
بسرائی مجهول بپرید دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد وباید از گناه توبه کند اگر ببیند که پرها داشت لیکن بخلاف پر مرغان
دلیل کند که بیمار گردد ونزدیک هلاک رسد وعاقبت شفا یابد واگر ببیند که از جائی بجائی پرواز همیکرد دلیل کند که سفر نزدیک کند
حضرت صادق علیه السلام فرماید که پریدن بخواب بر پنج وجه بود اوّل سفر دوم حج سیم بزرگی چهارم تغیر حال پنجم بیماری ومرگ نعوذ بالله
بریان محمد بن سیرین گوید که بریان در خواب خداوند نعمت بود ودر فراخی طلب روزی وگوشت پخته بتاویل بهتر از گوشت
خام بود کرمانی گوید اگر کسی ببیند که بریان از گوشت گوسفند خورد دلیل کند که بقدر آن مال بر نج وسختی بدست آورد واگر ببیند که بریان
از گوشت گاو خورد دلیل بود که از ترس وبیم ایمن گردد واگر ببیند که برّه بریان همی خورد دلیل بود که او را مالی اندک حاصل گردد
وبعضی از معبّران گفته اند که خوردن برّه پخته در خواب دلیل آمدن بسری کند جابر مغربی گوید اگر ببیند که سر بریان میخورد دلیل بود که
او را از مهتری منفعت رسد واگر ببیند که مرغ بریان میخورد دلیل بود که مالی از جهت زنی بمکر وحیلت بدست آورد واگر ببیند که ماهی
بریان کرده میخورد دلیل بود که بسفر شود وبه طلب علم یا بصحبت مردی بزرگ پیوندد اگر خداوند خواب مستور بود واگر مفسد بود دلیل
بر رنج وغم واندوه بود ودشمن وماهی بریان کرده چون تازه بود بهتر از شور بود وماهی بزرگ بهتر از خرد بود ودیدن بریان
فروش در خواب مردی بود که بسبب وی دیگران فراخ روزی گردند **بزاز** بفارسی جامه فروش بود ودیدنش مردی
بود عظیم خطرناک زیرا که بهای جامه درم ودینار بود که دهند وستانند وتاویل درم ودینار مکروه واندیشه بود ودر آن

پرواز کردن
بریان
بزاز

هیچ خیر نباشد لکن اگر بهای جامه خز درم و دینار چیزی دیگر ستاند نیک و بدش دلیل بر نوع آنچیز کند که ستاده بود که مانی گوید اگر کسی بخواب بیند که
بزازی همیکرد و بهای کالا درم و دینار می ستد دلیل کند که او را اندوهی و زیانی رسد و اگر بیند که کالای دیگر بعوض کالای خویش بستد دلیل کند که مراد
حاصل کرد و حضرت صادق ع م فرماید که دیدن بزاز در خواب زینت دنیا بود و بز ابن سیرین گوید که بز در خواب مردی بود بزرگ و ماده بز زنی بود

بز

در خواب هم بدینسان اگر بیند بزی مجهول را بکشت دلیل بود که مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که پوست بز را بکند دلیل کند که مال بسیار بستاند و نیز چنین کند
و اگر بیند که از گوشت او بخورد دلیل کند که مال بخورد و اگر بیند که بروی نشست و از هر جانب می راند دلیل بود که با مردی بزرگ مکر و حیله کند و چنانچه
که خواهد او را گرداند و اگر بیند که بز او را از پشت خود بیفکند دلیل کند که آن مرد او را از جاه و حرمت بیفکند و اگر بیند که هر دو سرون بز را شکست
دلیل کند که آن مرد را از عمل منع کند و اگر بیند که سرونهای بز دراز و قوی شده بود یا در عدد زیاده گردیده بود دلیل بود که در عمل خود
مهتر و قوی گردد و بر ایشان ظفر یابد و اگر بیند که موی او زیاده شده بود دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر بیند که پشم او بستد دلیل کند
که بقدر آن مال از فرزند بستاند و اگر بیند که ماده بزی را بیافت یا کسی بدو بخشید دلیل که زنی بخواهد که مانی گوید اگر بیند که ماده بز بزاید و شیر
و شیر او را بخورد دلیل که از زنی مال یابد و اگر بیند که ماده بز را بکشت و گوشت او را بخورد دلیل که از آن زن حاجت او روا گردد و اگر
بیند که ماده بز را نه از بهر گوشت بکشت دلیل کند که زنی بنکاح بخواهد و از او فایده نه بیند و اگر بیند که ماده بز از خانه او بیرون شد دلیل که زن را
طلاق دهد و اگر بیند که رمه بز در خانه داشت یا بجای دیگر داشت که ملک او است دلیل که بقدر آن ویرا مال و نعمت و غنیمت بدست
آید و اگر بیند که رمه بز و گوسفند در صحرا می چرانید و بهر جا که میخواست میبرد دلیل بود که بولایتی از عرب یا از عجم حاکم گردد جابر مغربی گوید که
اگر بیند که از گوشت ماده بز میخورد دلیل کند که بیمار گردد و زود شفا یابد و پوست و پشم و شیر بز در خواب خیر و برکت و مال بود که بدو رسد و اگر
بیند که بزغاله بدو دادند یا بیافت یا بخرید دلیل کند که ویرا فرزندی مبارک آید و اگر بزغاله را بکشت دلیل که فرزند او هلاک گردد و اگر بیند که گوشت
بزغاله را بخورد دلیل که از مال فرزند چیزی بخورد و حضرت صادق ع م فرماید که نر بز در خواب مقدمه لشکر بود اگر بیند که نر بز بیافت و بروی نشست
دلیل بود که این مرد مقدم لشکر گردد و اگر از مردم عامه بود دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد و توانگر گردد حضرت صادق ع میفرماید که
از پیغمبر شنیدم که فرمود که هر که بز را بخواب بیند که بخرید و بخانه برد جهل و درویشی از وی دور گردد و دیدن بز فروش در خواب مردی بود که
مردان و زنان را جمع کند که مانی گوید که بز ماده در خواب دیدن و گوشت او خوردن مالی جمع کردن بود و بعضی از معبران گویند که مالی جمع کرده
او را حاصل گردد جابر مغربی گوید که بز ماده دیدن و خوردن دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود دلیل بر
غم و اندوه کند بذر قطونا ابن سیرین گوید که دیدن بذر قطونا در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود

بذر قطونا

بساط دیدن آنکه بساط در خواب شادروان بود و اگر بیند که بساطی بگسترد و بروی نشست دلیل بود که روزی بروی فراخ گردد و عمرش

بساط

دراز بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بساط پاکیزه و نو داشت و بزرگ فراخ دلیل بود که نعمت و مال او بسیار گردد خاصه که گسترده بیند
که بساط خویش بفروخت یا بکسی بخشید دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بیند که بساط او بسوخت دلیل کند
که روزی بروی بسته گردد و حالش بد شود و حضرت صادق ع م فرماید که دیدن بساط در خواب چون بزرگ و نو بود و در نیک و چه بود اول عز و جاه

دوم بزرگی و رفعت سیم مرتبت چهارم مال پنجم عمر دراز ششم ثنا بقدر بزرگی بدانکه چون بساط فروش بها بستاند خلاف این بود
بستر ابن سیرین گوید که بستر در خواب زن بود و نیک و بد آن تعلق بزن دارد و اگر بیند که بستری یا بستر را بدل کرد یا از آن بستر
به بستر دیگر شد دلیل بود که زن دیگر خواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر از حال خود متغیر گردید دلیل بود که زن او از حال
بحال دیگر گردد و اگر بیند که بستر وی با بستر دیگر شد بهتر از آن یا کمتر از آن دلیل کند که زنی بخواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر خویش را
بفروخت یا در نوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی بمیرد کرمانی گوید اگر کسی خود را بر بستر مجهول بیند دلیل
که بقدر و قیمت آن او را زیانی رسد و اگر بیند که بستر وی بر تختی مجهول گسترده بود و بر وی نشسته بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و
دشمنان را قهر کند جابر مغربی گوید که بستر در خواب ولایت و تن آسائی بود قوله تعالی مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ و اگر بیند
که بستر را از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن طلاق رجعی افتد و اگر خویشتن را بسه بستر یا چهار بستر یکی افتاده
بیند دلیل کند که بشماره هر بستری زنی بخواهد یا کنیزک خرد و اگر بستر خود را در چاهی بیند یا در مغاکی که از آنجا بیرون نتوانست آورد دلیل بود
که زنش رنجور گردد و از آن رنج خلاصی نیابد و اگر خویشتن را بر بستر نرم گسترده بیند که خفته بود دلیل بود که آنسال بروی مبارک گردد و اگر بیند که بستر او
از پشم آکنده بود دلیل بود که زن توانگر خواهد و اگر بیند که بستر او دریده بود یا سوخته بود دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و
عیالش را دین و دیانت و شرم نباشد اگر بیند که بستر او ابریشمین بود یا بستر کرباسین بدل کرد دلیل بود که زن فاسقه را دست بداده
زن مستوره بخواهد و اگر بیند که در بستر او موش سوراخ کرده بود دلیل بود که میان زن او و کسی ناسزا معاملتی اتفاق افتد و بفساد رضا دهد و اگر بسترش
در هوا معلق بود دلیل بود که بستر او در جایگاهی بلند گسترده گردد و شغل او بالا گیرد و دولت یابد و اگر بیند که بستر وی از هوا بزمین افتاد دلیل کند که زنش بیمار
گردد و بعاقبت شفا یابد دانیال علیه السلام گوید اگر بستر خود را سبز بیند دلیل بود که زنی خواهد دیندار و پارسا و اگر بستر خود را سرخ بیند دلیل بود که زن او بدخو و ناسازگار
گردد و اگر بیند که بسترش کهنه بود و نو شد دلیل بود که زنش از خلق بد بخلق نیک باز گردد و اگر بیند که کهنه شد همچنین دلیل کند که از خلق نیک بخلق بد باز گردد
و اگر بیند که بستر او سبز بود و سرخ شد دلیل بود که زن وی از صلاح بفساد مایل گردد و اگر خلاف این بود از فساد بصلاح باز آید و اگر بیند که بستر او سرخ
بود و سفید گردید یا زرد شد دلیل بود که زنش از گناه توبه کند و بیمار گردد چنانکه بیم مرگ بود و اگر بیند که بستر او بود و در زیر خود گسترده بود و بالشها
نهاده بود دلیل بود که زن کند یا کنیزکان و خادمان خرد و اگر بر بستر خویش بالشها دید نهاده دلیل بر خادمان کند قوله تعالی وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ
اگر بیند که بستر بجای مجهول دید دلیل بود که زمینی بخرد و از آن کشاورزی کند و معبران گویند که میراث یابد و اگر بیند که بر بستر خفته بود دلیل که راحت و آسانی یابد و اگر بیند که
بستری داشته در هوا بروی او خفته بود دلیل است که بسبب زن جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که بسترش دریده بود دلیل که زنش نابکار بود و معبران گویند که زنش بمیرد
و اگر بیند که آتش در بستر او افتاد و بسوخت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا بمیرد حضرت صادق ع فرماید دیدن بستر در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم
کنیزک سیم ولایت چهارم معیشت و منفعت و تن آسائی کبست ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که کبست میخورد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورد
و اگر دید که کبست بکسی داد یا بفروخت دلیل بود که از وی بدانکه داد غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که کبست داشت و از خانه بیرون
ریخت یا بکسی بخشید و هیچ از آن نخورد دلیل بود که از غم رسته گردد و از آن خلاصی یابد بستان افروز ابن سیرین گوید که بستان

افزون در خواب دیدن شادی بود لکن بدین بد بود و اگر بیند که پستان افزون فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بر خرمی و شادی بود بد
که خرم گردد و اگر بیند که پستان افزون بکسی داد دلیل بود که او را خرم گرداند کرمانی گوید که پستان افزون چون بوقت خود بیند مشتری بود و بعضی از
معبران گویند که زن با زرگان توانگر بود با جمال و خوش طبع و اگر بیند که پستان افزون در خواب در جایگاه خویش میکرد دلیل که او را با زرگانی
دوست و مصاحب افتد و اگر بیند که از زمین بر کند دلیل که از صحبت مردی جدا گردد

پستان

پستان در خواب دختر بود و آنچه در پستان بیند از زیادت
و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران کند و اگر بیند که از پستانش شیر روان گردید دلیل که بر دخترش نعمت و روزی فراخ گردد
و مال حلال یابد و اگر بیند که بدل شیر از پستانش خون روان شده بود دلیل بود که مال حرام یابد و اگر بیند که پستان بیش از اندازه فرو آویخته
بود دلیل بود که او را دختری آید و اگر مردی بیند که در پستان او شیر جمع گردیده بود و اگر زن ندارد زن خواهد و فرزندش آید و اگر زن دارد
توانگر گردد و اگر این خواب را عجوزه بیند دلیل بود بر درویشی وی و اگر زن جوان این خواب را بیند دلیل بود که عمرش دراز بود و اگر دختری
بیند دلیل بود که هم در خوردی بمیرد کرمانی گوید اگر مردی بیند که پستان مردی می مکید دلیل بود که بیمار گردد و اگر زنش آبستن بود دلیل پسر آورد
و اگر زن بیند که از پستان شیر میخورد دلیل کند که کار دنیا بروی بسته گردد جابر مغربی گوید که پستان مرد در خواب زن او بود و

پستان

پستان زن دختر وی را
و اگر زنی بیند که پستان او بریده بود دلیل بود که دخترش بمیرد و اگر مردی بیند که پستانش بریده بود دلیل بود که زنش بمیرد و اگر زنی
بیند که در زیر پستان پستانی دیگر بر آمد دلیل بود که دختر آورد و اگر بیند که هر دو پستانش بزرگ شده بود دلیل بود که احوال فرزندانش
نیکو گردد و یا دختر را بشوهر دهد و اگر بیند که از هر دو پستان خود شیر میخورد دلیل بود که او را غم و ملامت رسد و اگر بیند که از پستان وی شیر بشکم او
می شد دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند که یک پستانش با آتش بسوخت دلیل بود که دخترش بشغلی افتد از پادشاهی و اگر بیند که بر همه تنش پستانها
بود دلیل بود که اهل و فرزندش بسیار گردد و اگر فرزند ندارد دارائیش زیادت گردد لیکن با مردمان بملامت بود و اگر زنی بیند که او را از پستان آویخته بود
دلیل بود که از حرام پسری آورد و حضرت صادق ع فرماید که دیدن پستان در خواب بر پنج وجه بود اول فرزندان خورد دوم دختران سیم خادمان چهارم
دوستان پنجم برادران

پستان بند

پستان بند ابن سیرین گوید که دیدن پستان بند در خواب زن را عز و مرتبت و کامرانی بود و مرد را از خرم تازیانه و
غم و اندیشه بود اگر زنی بیند که پستان بند نو و تازه داشت دلیل بود که عز و مرتبت یابد و بکام رسد و اگر زنی بیند که پستان بند داشت دلیل
بود که مال و نعمت یابد و شادمان گردد و اگر مردی بیند دلیل بود بر خذلان و نامرادی از همگنان

پشت

پشت ابن سیرین گوید که پشت در خواب
دیدن مردی بود که از او قوة و پناه و یاری طلبد و اگر بیند که پشت او بشکست دلیل بود که آنکس که پشت و پناه او بود از دنیا رحلت کند
و اگر بیند که زخمی به پشت او رسید دلیل بود که رنجی و آفتی بدو رسد که پشت و استظهار او بود کرمانی گوید مهرهای پشت قوة و فرزند بود
و هر صلاح و فساد که در مهرهای پشت بود تاویلش بر قوت فرزندان بیننده خواب رسد و اگر بیند که پشت او درشت و با قوة بود دلیل بود
که او را فرزندی تن قوی و دانا و عاقل بود و اگر بیند که چیزی بر پشت گرفت دلیل بود که بقدر آن گرانی و غم و اندوه بوی رسد اگر بیند که
مرده بر پشت گرفت دلیل بود که مونت کسان مرده بوی بود و اگر بیند که پشت او بر گشت دلیل بود که حال او بد گردد جابر مغربی گوید که پشت
دشمن بخواب دیدن ایمنی بود از شر دشمن و دیدن پشت زن دلیل بر گشتن دنیا بود اسماعیل اشعث گوید که پشت بخواب دیدن

برادر بود و اگر بیند که پشت او بشکست دلیل که برادرش بمیرد و اگر بیند که پشت او درد همی کرد دلیل بود که وی را از برادر یا از مهتر غم و اندوه
رسد و اگر بیند که بسبب علتی پشت او را داغ کردند دلیل بود بر صلاح دین و دنیای وی و اگر بیند که پشت بدیوار باز داد دلیل بود که بسفر شود
و مال حاصل کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که پشت بخواب دیدن بر دوازده وجه بود اوّل قوة دویم برادر سیم یار چهارم پادشاه پنجم وزیر ششم حجت
هفتم پدر هشتم برادر نهم پسر دهم مال یازدهم یاری دادن دوازدهم جد یعنی پدر پدر و معبران گفته اند که دیدن پشت کافر را ایمان بود و
فاسق را توبه و حاجت ور اسلام و منافق را اخلاص **پشته** ابن سیرین گوید که اگر کسی دید در پشته زمین هامون نشسته بود یا بر پشته
کوهی دلیل بود که بر مردی بزرگوار مشرف و منزلت یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن زمین بود که پیرامن کوه است و اگر بیند که بر
سر آن پشته ایستاده بود دلیل بنزدیک مردی بزرگ شود و از وی مال و حرمت یابد و اگر بیند که آن پشته ملک و موضع او بود دلیل بود که مردی
بزرگ او را قهر کند و نعمت و مال او بستاند و بجای او مقیم گردد و اگر بیند که بعضی از آن پشته ملک او است دلیل بود که بقدر آن نعمت و بزرگی
یابد و اگر بیند که از آن بزیر افتاد یا کسی او را بزیر انداخت دلیل بود که بسبب مردی بزرگوار بیحرمت گردد و مضرت بیند و اگر بیند که بر آن
پشته بدشواری و زحمت بالا همی رفت دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پشته دیدن بخواب بر چهار وجه بود اوّل بلندی دویم
مال سیم قوت چهارم تنومندی **پشم** ابن سیرین گوید که پشم در خواب دیدن از همه وجهی مال حلال و روزی بود و پشمی که بافته نباشد بهتر بود و
نیکوتر و اگر بیند که پشم داشت یا کسی بدو داد یا بخرید یا بموضع خویش بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد قوله تعالی
وَمِنْ اَصْوَافِهَا وَاَوْبَارِهَا وَاَشْعَارِهَا اَثَاثًا وَّمَتَاعًا اِلٰى حِيْنٍ کرمانی گوید که پشم از خویشتن دور همی انداخت دلیل بود که
مال خود را تلف کند و اگر بیند که پشم همی سوخت دلیل بود که مال خود را هزینه کند و اگر بیند که بر تن وی جامهٔ پشمین بود دلیل بود که او را از زنان
مال حاصل گردد و اگر بیند که جامهٔ پشمین یا پنبه بخرید یا بستری از پشم داشت دلیل کند که زنی توانگر بخواهد جابر مغربی گوید که پشم اشتر در خواب مال بود
از قبل پادشاه و معبران گویند که میراث بود **پشه** ابن سیرین گوید که پشه مردی ضعیف و خوار و ناکس بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر بیند که
با پشه جنگ میکرد دلیل بود که با مردی ضعیف خصومت کند و اگر بیند که پشه بگلوی او فرو شد دلیل بود که با مردی حقیر بکاری حقیر مشغول
گردد و از او اندک چیزی بدو رسد و اگر بیند که پشه بسیار بر تن او جمع شدند و او را میگزیدند دلیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از
ایشان بوی مضرت رسد و باشد که او را زیان رسد زیرا که پشه خون مردم را مکد و اگر بیند که پشه در گوش یا در بینی او فرو شد و از او رنج و گزند
یافت دلیل بود که از مردم ضعیف بدو رنج و گزند رسد کرمانی گوید اگر بیند که پشه بسیار بخانهٔ او در آمدند دلیل بود که او را غم و اندوه رسد
و اگر بیند که پشه گان غلبه کردند و در خانهٔ او جمع شدند دلیل بود که بر دشمن ضعیف ظفر یابد اگر بیند که پشه در بینی او شد و بیرون نیامد دلیل بود که در محنت و
بلا گرفتار گردد **بط** ابن سیرین گوید که بط در خواب دیدن مال و نعمت بود که بدو رسد بقدر آنکه دیده بود خاصه که در خانه و ملک خود دیده بود و اگر
بیند که بطان بسیار در سرا یا در کوچهٔ او جمع شده بودند و بانگ همی داشتند دلیل بود که در آن موضع مصیبت افتد اگر بیند که با وی
سخن گفتند دلیل بود که بسبب زنی توانگر سفر کند و در آن سفر حرمت و منفعت یابد کرمانی گوید بط در خواب مردی بود
بزرگ از اهل بیت با مال و حشم بسیار اگر بیند که از اندام چیزی یافت دلیل بود که از مردم بدین صفت که گفته شد چیزی یابد حضرت

صادق ع فرماید که بط سفید در خواب مال بود یا زن توانگر و بط سیاه در خواب کنیزک بود و اگر بیند که بط را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل بود که مال زن بمیراث ستاند و بهره یابد **بغل** ابن سیرین گوید که بغل دیدن بخواب دلیل بر ملامت و زشتی بود که بدو رسد و موی بغل دلیل کند بر یافتن مراد و غالب شدن دشمن بروی کرمانی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد دلیل بود که مال حرام یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد هم مال حرام یابد و اگر کسی بیند که دستها در زیر بغل داشت دلیل بود بر یافتن مراد و قهر دشمن قوله تعالی وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ و بعضی از معبران گویند که دلیل بود بر داشتن مروت و جوانمردی و هر که بیند که در بغل او نقصانی نیست دلیل بود که نامرادی کشد و دشمن بروی غالب گردد و اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد دلیل بود که مال بوی رسد اما بدشواری و اگر بیند که از زیر بغل عرق روان شد دلیل بود که بقدر آن عرق از مال چیزی نقصان کند **بقالی کردن** ابن سیرین گوید که بقالی کردن در خواب جهد کردن بود در کارها و چیزی حاصل کردن بجهت معیشت اگر بیند که بقالی همی کرد دلیل بود که بکار و کسب دنیا مشغول گردد و بقدر آنچه داشت وی را از متاع دنیا حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که متاعهای بقالی را بزر و درم میفروخت دلیل کند بر غم و اندوه زیرا که زر و درم بتاویل غم و اندوه بود حضرت صادق ع فرماید که بقالی کردن در خواب بر سه وجه بود اول کسب کردن دوم منفعت یافتن سیم غم و اندوه چون بیند که متاعها را میفروخت بزر و درم **بلانکبینی** ابن سیرین گوید که بلانکبینی در دست داشتن بخواب دلیل بود که او را از کسی مدد و قوت نباشد و اگر بیند که بلانکبینی از چوب نرم جسته بود تاویلش بخلاف این بود که گفته شد **پلاس** در خواب دیدن درویشی بود مصلح و پارسا و دین دار از اقوال و افعال با امانت اگر بیند که پلاسی نو پوشیده داشت دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و از او خیر و منفعت آخرت یابد و اگر بیند که پلاس بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و معبران گویند که پلاس مالی حلال بود و اگر بخواب بیند که پلاس نو یافت دلیل بود که زن پارسای توانگر بخواهد و از او خیر و منفعت بیند و اگر مردی بیند که پلاس نو بخرید دلیل بود که کنیزک پارسا بخرد و از او خیر و منفعت یابد **بلبل** دیدن کرمانی گوید بلبل در خواب دیدن فرزند کوچک و غلام بود و از او در خواب کلام خوش و سخن لطیف بود اگر بیند که بلبلی بپرید دلیل بود که فرزند یا غلام او ضایع گردد و اگر بیند که بلبل در دست بمرد دلیل بود که فرزند یا غلامش بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلبلان بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن غلامان بخرد و اگر بیند که بلبلان را بکشت و از گوشت آنها بخورد دلیل بود که غلام او بمیراث یابد **بلبله** کرمانی گوید که بلبله در خواب دیدن کنیزک بود و ابن سیرین گوید زن او بود و اگر بیند که بلبله خرید یا کسی بوی داد دلیل بود که کنیزک خرد یا زن خواهد و اگر بیند که از آن بلبله آب همی خورد دلیل بود که با زن مجامعت کند و اگر بیند که آن بلبله بشکست دلیل بود که زن یا کنیزک وی بمیرد **حکایت** کنند از ابو خلده که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیامد و گفت بخواب دیدم که از بلبله آب میخوردم و آن بلبله را دو در بود از یکی آب شیرین خوش میخوردم و از یکی آب شور و تلخ ابن سیرین گفت تو زنی داری و خواهر زنی و هر دو را بکار میداری توبه کن و از خدا تعالی بترس مرد گفت چنین است که تو گفتی توبه کردم و بخدا باز گردیدم **بلغم دیدن** ابن سیرین گوید که بلغم در خواب مالی بود که بوجه صلاح آن مال را نفقه کند اگر کسی بخواب بیند که بلغم بجای کاهی جز که انداخت تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که بلغم

سفید از گلو بر انداختن بجای پاکیزه دلیل کند که مال بوجه صلاح نفقه کند کرمانی گوید اگر بیماری بیند که بلغم را بر افکند دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که بلغم سیاه بر افکند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که بلغم خون آلود بود دلیل بود که از مال وی چیزی نقصان گردد اگر بیند که بلغم بدرون خانه خود انداخت دلیل بود که مال بر بیگانگان نفقه کند و اگر بیند که بلغم در مسجد افکند دلیل بود که مال نه بوجه صلاح بر بیگانگان نفقه کند **برگ** ابن سیرین گوید که در خواب دیدن برگ درخت بر درخت خلق و خوی بیننده خواب بود خاصه بهنگام وی و اگر بیند که برگ سبز از درخت پاره فرا گرفت یا کسی باو داد دلیل بیننده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو کرمانی گوید اگر کسی بیند که از درخت برگ تازه فرا گرفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل گردد جابر مغربی گوید که برگ درختان در خواب که میوه شیرین بود دلیل بر خلق نیکو بود و برگ درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برگ درختانیکه بار نیاورند دلیل بر درم و دینار بود و معبران گویند که برگ درختانیکه میوه دارند دلیل بر درم و دینار کند **پلنگ** ابن سیرین گوید که پلنگ در خواب دشمنی قوی و توانا بود و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه بود یعنی اگر پلنگ بروی غلبه کرد دشمن بروی غالب گردد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب گردد و اگر بیند که گوشت پلنگ همی خورد دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن مظفر گردد و شرف و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند که بر پلنگ نشست دلیل بود بر عز و جاه وی و دشمن را قهر کند و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد و هیچکدام بر یکدیگر ظفر نیافتند دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بدو رسد یا بیماری صعب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که شیر پلنگ را همی خورد دلیل بود که از دشمن ترسی بدو رسد و سرانجام ایمن گردد و اگر بیند که پوست پلنگ یا استخوان یا موی او را فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیابد و اگر بیند که پلنگی انگشت دلیل بود که از اسلام روی بگرداند و در او هیچ خیر نباشد حضرت صادق فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی دوم مال یافتن از دشمن سیم ترس از پادشاه **بلور** بدانکه بلور در خواب زنی بی اصل بود و اگر بیند که بلور داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که زنی بی اصل بزنی بخواهد و اگر بیند که بلور داشت یا ضایع شد دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب گردد و اگر بیند که بلور بسیار داشت دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلور میفروخت دلیل بود که دلالگی زنان بی اصل کند و اگر بیند که بعضی از آن بلور که میفروخت بعضی سوراخ نداشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلالگی دختران دوشیزه و زنان بیوه بی اصل کند **بلوط** ابن سیرین گوید که دیدن بلوط در خواب روزی حلال بود بقدر آنکه خورده بود و اگر بیند که در خانه وی انبانهای بلوط بود دلیل بود که مال و نعمت بسیار او را از انسان حاصل گردد و چون داند که آن بلوط ملک وی نیست و اگر بلوط در خانه دیگران بود دلیل که مردمان پیش او امانتها نهند حضرت صادق فرماید که دیدن بلوط در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیم معیشت نیکو **پلیته** کرمانی گوید که پلیته افروخته در خواب کار فرمائی بود که در پیش مردمان بود و پیرامن وی گردند و خدمتش کنند اگر پلیته افروخته نباشد تاویلش بخلاف این بود **بناگوش** در خواب دیدن پسری خوش روی مبارک بود و هر دو بناگوش دو پسر بود کرمانی گوید که دیدن بناگوش در خواب دلیل بر قدر و جاه او بود و زیادتی و نقصان که بیند در بناگوش دلیل بر قدر

وجاه صاحب خواب بود حضرت صادق فرماید که دیدن بناگوش در خواب بر چهار وجه بود اول پسری نیکوروی دویم قدر وجاه
سیم دین و دیانت چهارم منفعت از سبب فرزند **پنبه** ابن سیرین گوید که پنبه در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده بود از اندک و بسیار و پنبه دانه
بخواب دیدن دلیل بر مال بود که او را آسان بدست آورد بی رنج و تعب حضرت صادق فرماید که پنبه در خواب بر سه وجه بود اول مال حلال دویم
منفعت سیم ستر بودن **پنبه دانه** ابن سیرین گوید پنبه دانه در خواب مرد با خصومت و بیهوده گو بود **بنجشک** دانیال گوید که بنجشک در خواب
دیدن مردی با قدر و جاه بود اگر صاحب مستور بود و اگر مستور نبود و بیند که او را بدام یا بحیلتی بگرفت دلیل بود که با مردم بقدر بمکر و حیلتی بسازد
و او را قهر کند و اگر بیند که بنجشک ماده بگرفت دلیل بود که زنی با قدر و روی ظفر یابد و اگر بیند که از گوشت وی بخورد دلیل بود که از مال آن مرد بدان قدر که
گوشت وی خورده بود بدو رسد و اگر بیند که بنجشک از آشیانه بیرون آورد دلیل بود که بدو رنج و ملامت رسد کرمانی گوید که ابن سیرین گوید
اگر بیند که بچگان بنجشک را شکار میکرد و گردن ایشانرا فرو می شکست و در انبان می نهاد دلیل بود که معلمی کودکان بکند و اندام ایشانرا
بچوب خورد کند و اگر بیند که بنجشک سرخ را صید کرد دلیل بود که زنی خوبروی خواهد یا کنیزکی با جمال بخرد و اگر بیند که بنجشکی زرد یافت دلیل بود که زنی
بیمار گونه زرد رنگ کند و معبران گویند که بنجشک یافتن در خواب فرزند بود یا غلام اگر بیند که بنجشکی کور داشت دلیل بود که با مردی بدکردار
بدفعل دوستی کند و گفته اند که یافتن بنجشک در خواب دلیل بود که اگر درویش بود شش درم بیابد و اگر توانگر بود شش هزار درم بیابد و خانه بنجشک
در خواب دیدن دلیل بر خیر و خرمی و ایمنی بود و اگر بیند که بچگان بنجشک را از خانه بیرون آورد دلیل بود که او را فرزندان باشند از حلال و حرام
و اگر بخواب بیند که بنجشک آواز میکرد و آواز او را می شنید دلیل بود که سخنهائی شنود که او را از آن شگفت آید و معبران گویند که آواز بنجشکان در خواب تسبیح کردن
بود و اگر بیند که بنجشکان او را بسیار حاصل شدند دلیل بود که بر قومی سروری کند و مال بسیار یابد کرمانی گوید که بنجشک در خواب چون یکی بیند فرزند بود و اگر بیند که
بنجشکان بسیار با بانگ می بودند دلیل بود که او را با مردمان غوغا کاری افتد و اگر بیند که بنجشک در دهان نهاد و فرو برد دلیل بود که او را فرزندی
آید و اگر بیند که بنجشک بسیار می بود و بخشید دلیل بود که بقدر آن مال یابد اگر بیند که بنجشک را انگشت یا در دست او بمرد دلیل کند که زیانی بدو رسد و فرزندش
بمیرد و اگر بیند که خانه بنجشک را فرا گرفت دلیل بود که او را فرزند آید درشت و بزرگ اندام حضرت صادق فرماید که دیدن بنجشکان در خواب بر نه وجه بود اول
پادشاه دویم والی سیم مردی بزرگ قدر چهارم غلام خوبروی پنجم قاضی ششم بازرگان هفتم مرد راه زن هشتم مرد با خصومت نهم مردی بجماع کردن مولع
بود حکایت ابو خلده حکایت کرد که پیش محمد بن سیرین بودم که مردی بیامد و گفت که بخواب دیدم که در آستین بنجشکان داشتم و یکیک را بیرون
می آوردم و میکشتم و شهادت میگفتم و آنرا در چاه می انداختم تاویلش چگونه بود ابن سیرین گفت خانه کجا داری گفت فلان محله و فلان کوچه ابن سیرین
گفت که یکساعت بنشین تا باز آیم پس برخاست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد که حال چنین است و در ایذای مردم است و مردان
پادشاه را در خانه او در آورد و در آنجا جست و جو کردند دیدند که قریب به پنجاه مرد کشته و در آنجا انداخته بدانستند که آن مرد ایشانرا بحیله بدانجا میبرد
مال ایشانرا میگرفت و ایشانرا میکشت و در خانه می انداخت و پادشاه وقت بفرمود تا او را بکشتند و مردم از تعبیر این شگفت ماندند
بنجشک بچه تعبیر بنجشک در خواب کودک خورد بود تاویلش از نیک و بد آن بر کودک خورد بود و بنده زادگان ابن سیرین گوید که اگر مردی بیند که
کسی مصلح را پند میداد که در آن پند او را اصلاح دین و رستگاری آخرت بود دلیل بود بر بشارتی که در آن خیر دین و دنیای او بود

والر بخلاف بیند دلیل بر فساد و تباهی دین و دنیای او بود جابر مغربی گوید که پند دادن در خواب کسی راکه در او صلاح دین او دنیک بود
وپند دهنده فرشته مقرب بود که بشارت دهد صاحب خواب را بخیرات که بدو خواهد رسید تا شکر آن بجای آورد و پند دادن که در او فساد دنیا
بود پند دهنده آن دیو رجیم بود که او را خبر میدهد از تباهی و فساد کار او را توبه باید کردن و بخدا باز گشتن تا او را از شر و فساد نگاهدارد و از
عذاب حقتعالی رسته گردد **بند نهادن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بند آهنین در پای داشت دلیل بود که دین او بخلل بوده داد و دعوی
مسلمانی کند بدروغ و مردی بخیل بود و از و چیزی بکسی نرسد و بعضی از معبران گویند که چون مردی مصلح بر دست خود بند بیند دلیل بود که از
کارهای بد و ناسازه باز ماند و از و دست بدارد و اگر بند دست از چوب بیند آنکه گفتیم کمتر و آسان تر بود کرمانی گوید اگر کسی در گردن خود بند از
چوب بیند دلیل که امانتی در گردن او بود و او امانت نمیگذارد و اگر بند چوبین بر پای خود بیند دلیل بود که از طاعت حقتعالی و اگر آنکس
در سفر بود بسلامت باز آید و اگر بیند که بند گردنش از سیم بود دلیل بود که او را بسبب زن رنج و زحمت بود و اگر بیند که بندش از زر بود رنج و
زحمتش از جهت مال بود و اگر بیند که بندش از مس بود دلیل بود که بسبب رنج او از کسب و معیشت دنیا بود و اگر بیند که بند او بشکست بیم
خلل بود او را بردین خاصه که بند او بر دست بود و اگر بیند که بند از پای او بر داشتند دلیل بود که از عمل پادشاه خلاصی یابد و اگر بر پای خود
لنگر بند نهاده بیند دلیل بود که او را با مردی منافق صحبت افتد و اگر پای خود را بر بن بسته بیند دلیل بود که از کسی او را منفعت رسد دانیال گوید
که اگر امیری بیند که بر پای خود بند آهنین داشت دلیل که از ولایت خویش بسفر شود و دران سفر بماند و اگر کسی بیند که بر هر دو پایش بند نهاده بود
دلیل بود که ولایت یابد و اگر بیند که چهار بند بر پای داشت دلیل بود که او را چهار پسر آید و اگر بیند که بند از پای او بر داشته اند دلیل بود که از
غمها فرج یابد و اگر اسیری بیند که پای او در بند و زنجیر بود دلیل بود که او را از ترسایان منفعت رسد و بعضی از معبران گویند که کار وی آسان گردد و
اگر بیند که بند او از سیمین بود دلیل بود که زنی بنکاح خواهد یا بزنی عاشق گردد و اگر بیند که بند او زرین بود دلیل که بسفر شود و یا بیمار گردد و اگر بیند
که بند او آهنین بود دلیل که سفر دور کند جابر مغربی گوید که بند در خواب ثبات دین بود بقول جناب پیغمبر که فرموده اند أُحِبُّ الْقَيْدَ فِي النَّوْمِ وَلَا
أُحِبُّ الْغُلَّ لِأَنَّ الْقَيْدَ ثَبَاتٌ فِي الدِّيْنِ یعنی دوست دارم پای بند را در خواب و غل را دوست ندارم زیرا که بند پای بندگی بود در دین
حضرت صادق ع فرماید که دیدن بند در خواب بر چهار وجه بود اول کفر دویم نفاق سیم بخل چهارم از معصیت دست برداشتن و بعضی از معبران گویند
که غل در دست بخواب دیدن پادشاه ظالم را کوتاه دستی بود از ظلم **بنده** ابن سیرین گوید که هر که بنده نا بالغ را بخواب بیند که بالغ شده است دلیل بود که
آزاد گردد و اگر کسی بیند که بنده خود را آزاد کرد دلیل بود که زود از دنیا برود و اگر بنده را بیند که خواجه را بفروخت دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و اگر
بیند که بنده را بفروخت دلیل بود که شادمان گردد **بنفشه** محمد بن سیرین گوید بنفشه در خواب دیدن بوقت خود دلیل بود که از زنی یا
کنیزکی چیزی بدو رسد یا او را فرزندی آید و اگر وی را از درخت خویش جدا بیند دلیل بود که غم و اندوه خورد کرمانی گوید اگر زنی بیند که بنفشه از درخت بکند و
بشوهر خویش داد دلیل بود که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که کسی دسته بنفشه بدو داد دلیل بود که میان ایشان مفارقت افتد جابر مغربی گوید
که درخت بنفشه در خواب کنیزکی بود بدخوی و ناساز کار **بنیاد نهادن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بنیاد نو نهاد و فائده دنیای
وی بیند از خاص و عام بقدر آنکه دیده بود و اگر بیند که بنیادی نهاد وی نهاد در جائی مجهول دندانند که از آن کیست

بند نهادن

غل

بنفشه

بنیاد نهادن

دلیل کند که ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر بیند که بنیاد را بر زمین و ملک خود نهاد دلیل بود که فایده و روزی حلال یابد کرمانی گوید
اگر بیند که بنیاد از خشت پخته و گچ نهاد دلیل بود که مال او از حرام حاصل کرده و اگر بیند که بنیادی از خشت خام بر هوا نهاد دلیل بود که همه او
بلند بود در کار دین و اگر بیند که بنیاد دیوار از خشت پخته نهاد و برآورد دلیل بود که در اول و کارهای دنیا مغرور بود و اگر بیند که خراب
بنا کرده بود و مزد ستاند دلیل بود که منفعت یابد و اگر بیند که بنیاد را از خشت پخته برآورد دلیل بود که منفعت یابد از پادشاه و اگر بیند
که بنیاد از خشت خام و گل برآورد دلیل بود که منفعت از مردم عام یابد حضرت صادق ع فرماید که اگر کسی بیند که شهری بنا کرد دلیل بود که
جماعتی از مردمان او را پناه خود گیرد و اگر بیند که قلعه بنا کرد دلیل بود که از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیند که کوشکی بنا کرد دلیل بود که
بکار دنیا مشغول گردد و اگر بیند که سرائی بنا کرد و در وی بنشست دلیل بود که نفعها و چیزها بیند و اگر بیند که مسجد را بنا کرد دلیل بود
که جمعی را بکار صلاح جمع آورد و اگر بیند که بنای مناره نهاد دلیل بود که نام او بخیرات منتشر گردد و اگر بیند که طرازی بنا کرد دلیل
بود که زنی خواهد و اگر ماده بنا کرد دلیل که در غم و رنج افتد و اگر بیند که باغی بنا کرد دلیل بود که زنی توانگر پارسا بخواهد و اگر بیند که
گورستانی را بنا کرد دلیل بود که بکار آخرت مشغول گردد و اگر بیند که قبه بنا کرد دلیل بود که قدر و منزلت جوید بدانکه هر بنیادی
که بنهد و تمام کند دلیل بود که کار دنیا و دین او تمام گردد و اگر بیند که آن بنا تمام نکرد کارش ناتمام بماند **پنیر** محمد بن سیرین
گوید که پنیر در خواب اگر خشک بود مال اندک بود که از سفر حاصل گردد بیننده خواب را و پنیر تر مال بسیار بود که در حضر بدست
آید جابر مغربی گوید که پنیر تر مال و نعمت بود که بآسانی بیابد و پنیر خشک سفری بود و باندک منفعت اگر کسی بخواب بیند که نان
با پنیر میخورد دلیل بود که در سفری او را مالی اندک با غم و اندوه حاصل گردد و بعضی از معبران گویند که علتی بدو رسد لکن از آن زود
خلاص گردد **به** بدانکه استادان این فن در تاویل به در خواب دیدن خلاف است بعضی گویند که مهتری بزرگ یابد و از آن خیر و منفعت
بیند و ثنای نیکو و بعضی گویند که فرزند بود و بعضی گویند که بیماری بود و آنکه حکم بیماری کرد چنین گوید که آن چون بگونه زرد است دلیل بر بیماری
کند و آنکه گوید که سفری دراز بود و با رنج تن بدان معنی که گفت جبرئیل آدم را در وقت بیرون آمدن از بهشت به بوی داد حکم بسفر دراز با غم و
اندوه و رنج زیرا که سفر آدم از بهشت بدنیا بود و با چندین غم و اندوه که بوی رسید و آنانکه حکم وی بفرزند کرده اند بدان معنی که گفتند که چون آدم علیه السلام
بدنیا آمد از خوردن آن منی وی زیاده شد لاجرم از وی چندین فرزندان در وجود آمدند و آنانکه گفتند که از مهتر بزرگ خیر و منفعت بیند یا ثنای نیکو
بدان معنی گفتند که دهنده آن جبرئیل بود و ستاننده او آدم و از بوی خوش ثنای نیکو بود و چنان دانند که هر خوابی که استادان تعبیر کرده اند
از گزاف نگفته اند ابراهیم گوید به بخواب بیماری بود خواه بوقت و خواه بیوقت و هر چند که بگونه زردتر بود بیماری صعبتر بود حضرت صادق ع
فرماید که دیدن به بخواب چون بوقت خود بود و بگونه سبز بود بتاویل فرزند بود و چون نه در وقت خود بیند که بگونه زرد بود بیماری بود **بهار** ابن
سیرین گوید که بهار در وقت بهار پادشاه بود اگر در خواب بیند که فصل بهار بود و هوا نامعتدل چنانکه از گرمی و سردی مردمان را مضرت و رنج
رسیدی دلیل بود که اهل آن دیار را از پادشاه رنج و مضرت رسد و بیند و اگر بیند که هوا معتدل بود و جهان خرم گشته از گل و
شکوفه مردم را هیچ رنج و مضرت نبود دلیل که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود باعتدال

پنیر

بهار

ببیند دلیل کہ جاه و عز و رفعت بود و مردم عامه را از پادشاه قوت و نصرت بود و دلیل و انصاف پادشاه بود و تاویل فصل

بهشت

یا نیز همین بود **بهشت** ابن سیرین گوید که بهشت بخواب دیدن دلیل خرّمی و مژده بود از خدا تعالی لقوله تعالی اُدْخُلُوهَا

بِسَلَامٍ آمِنِينَ و اگر بیند از میوهای بهشت فرا گرفت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل بود که آن قدر که میوه بهشت خورده بود

علم و دانش آموزد و سیرت دین بداند لیکن سود ندارد و اگر بیند که با حوران بهشت بهمی بود دلیل بود که نزع بروی آسان

گردد و اگر بیند که در بهشت مقیم شود لیکن وی را نگذاشتند دلیل بود که در دنیا میلش بفساد و عصیان بود و اگر بیند که در بهشت

برروی او بسته کردید دلیل بود که مادر و پدر از وی ناخوشنود باشند و اگر بیند که بنزدیک بهشت شده باز گردید دلیل بود که بیمار

گردد بحال مرگ لیکن از آن شفا یابد و اگر بیند که فرشتگان دست وی را گرفتند که در بهشت برند و آن برفت و در زیر درخت طوبی

بنشست دلیل بود که مراد دو جهانی یابد لقوله تعالی طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ و اگر بیند که وی را از خوردن شراب و شیر منع

میکردند دلیل بود بر تباهی دین وی لقوله تعالی وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ و اگر بیند که از میوهای

بهشت کسی بدو داد دلیل بود که آنکس را از علم وی بهره بود و اگر بیند که در بهشت آتش انداخت دلیل بود که از باغ کسی بحرام

چیزی خورد و اگر بیند که از حوض کوثر آب خورد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که کنگرهای بهشت را بکی بوی دادند

دلیل بود که دلارامی یا کنیزکی بزنی بخواهد جابر مغربی گوید اگر بیند که رضوان در برابر او خرّم و شادمان بود دلیل که از کسی خرّم و

شادمان گردد و نعمت یابد لقوله تعالی سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ و اگر بیند که بر جایگاه بلند نیکو بود که صورت

بهشت داشت و او پنداشت که بهشت است دلیل بود که با پادشاه عادل پیوند گیرد یا با توانگری یا با عالمی بزرگوار و اگر بیند که سوی

بهشت میرفت دلیل بود که براه حق پیوسته بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن بهشت در خواب بر نه وجه اوّل علم دویم زهد سیم منت چهارم

شادی پنجم بشارت ششم ایمنی هفتم خیر و برکت هشتم نعمت نهم سعادت و اگر بخواب بیند که در بهشت بود دلیل مرادات دو جهانی بود و

بدست او خیرات بسیار رود اما چون مصلح بیند دلیل بود که به بیماری یا به بلائی مبتلا گردد چنانکه ثواب اهل بهشت بیابد و عالم گردد و مردمان

پهلو

از علم او منفعت یابند **پهلو** ابن سیرین گوید پهلو در خواب زن بود و اگر بیند که پهلوی چپ او آماس کرده دلیل بود که زن و کنیزک او بیرده

آبستن شوند و اگر بیند که پهلوی او سرخ شده بود و پاره گوشت خون آلود از پهلوی او بیفتاد دلیل بود که زن او بچه بهنگام بیفکند

و اگر بیند که هر دو دست بر پهلو نهاده بود دلیل بود که وی را غمی سخت رسد کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود دلیل

بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که پوست پهلوی چپ وی جدا شد و بیفتاد دلیل بود که مال و عیالش هر دو تلف

گردند و اگر بیند که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل که عیالش رنجور گردد و اگر بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن گوهری یا

لولوئی بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی عالم آید پارسا و اگر بیند که هر دو پهلوی او فراهم آمد دلیل بود که وی را غم و اندوه رسد و اگر بیند

که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود بر درستی دین و قوت عیال او و اگر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود تاویلش

بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی گوید که پهلوها در خواب دلیل بر زنان بود زیرا که زنان از پهلوی مردان آفریده

شده اند پس هر خیر و شر که در پهلو بیند باو یا آن برزنان باز گردد و اگر بیند که او را پهلوهای بسیار بود دلیل بود که بقدر آن زنان و کنیزان
حاصل کرد و اگر بیند که از پهلوی او ماری بیرون آمد دلیل بود که او را فرزند آید حضرت صادق ع فرماید که دیدن پهلو در خواب بر پنج وجه بود اول زن
دوم دختر سیم کنیزک چهارم خادم پنجم پیره زنی که در خانه بود **بوتیمار** ابن سیرین گوید که بوتیمار در خواب روزی بود و مال حلال که از زن بدو
رسد و اگر بیند که بوتیمار را بگرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بقدر آن از زن مال بخورد کرمانی گوید اگر بیند که بوتیمار را بکشت و از گوشت وی
بخورد دلیل بود که بقدر آن از مال زن بخورد کرمانی گوید که بوتیمار دیدن در خواب دلیل بود بر بزرگی و اگر بیند که بوتیمار را بگرفت و در
خانه آورد دلیل بود که از خویشان خود زنی خواهد و از و مال و منفعت حاصل کند **بوریا** ابن سیرین گوید اگر کسی بوریا بکند بر مردی مشغول و
خسیس بود و نیز دلیل بود بر آنکه زن خواهد بی اصل و ضعیف حال و از مردم ملامت یابد و اگر بیند که بوریا بیافت و سپری شد دلیل بود که
شغل خویش را تمام کند و اگر بیند که بوریا از برای خانه می بافت دلیل کند که بکدخدائی خود مشغول گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بوریا داشت
یا کسی بدو داد دلیل بود که او را از زنی منفعت رسد بقدر کوچکی و بزرگی بوریا حضرت صادق ع فرماید که بوریا در خواب بر سه وجه بود اول
منفعت دوم خواستن زن سیم بکدخدائی خود مشغول بودن **بوزینه** ابن سیرین گوید که بوزینه در خواب دلیل بر دشمنی فریبنده ملعون
بود و اگر بیند که با بوزینه نشسته بود و آن بوزینه مطیع او بود دلیل بود که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند و اگر بیند که با بوزینه نبرد
میکرد و بروی چیره شد دلیل بود که بیمار گردد و از آن شفا یابد یا عیبی بر تن او پدید آید که از آن خلاصی یابد کرمانی گوید اگر بیند که بوزنه را
بکشت دلیل بود که بر دشمن قهر کند و اگر بیند که گوشت او را بخورد دلیل بود که در رنجی و عیبی گرفتار آید و اگر بیند که کسی بوزنه بوی بخشید دلیل
بود که کسی دشمنی او ظاهر کند جابر گوید اگر کسی بیند که بوزنه ابکشت دلیل بود که بیمار گردد و زود شفا یابد و اگر بیند که بوزنه بر اسب نشسته بود
دلیل بود که جهودی با زن او فساد کند و بوزنه ماده زنی مفسده جادو بود و اگر بیند که بوزنه بخانه در آمد دلیل بود که در آن خانه زنی او را
جادو کند و اگر بیند که بوزنه با وی سخن گفت دلیل بود که زن با وی در آن زیانی کند و اگر بیند که بوزنه او را بگزید دلیل
بود که بیمار گردد یا از عیال خود دشنام شنود و اگر بیند بوزنه بوی چیزی داد یا بخورد دلیل بود که مال خویش از اهل بیت
هزینه کند **پوست** دانیال ع گوید که پوست تن مردم در خواب آرایش و کدخدائی مردم بود ابن سیرین گوید اگر بیند که
پوست هر مردم ستر و مال و برکت بود و اگر کسی پوست تن خود را برخاسته بیند و افتاده دلیل بود که ستر در از وی گشاده
گردد و مال او تلف گردد و اگر پوست تن خود را کبود یا سیاه بیند دلیل بود که غم و اندوهی بوی رسد و اگر بیند که پوست
پایش روشن بود دلیل بود که کارش خواسته گردد کرمانی گوید که پوست جمله چهارپایان بخواب دیدن مال بود و پوست شتر میراث
بود از مردی بزرگ و پوست گوسفند صاحب را روزی بود و اگر پوست درخت سبز بیند خداوندش روزه دار بود و اگر بیند که پوست
از مسلوخ باز کرده دلیل که از آنکس که بدان منسوب بود مالی بستاند و اگر بیند که سرائی بنا کرد از بهر پوست باز کردن دلیل بود که
اگر آنکس قصاب بود در سرای او دیوار نهند و اگر معلم بود بر کودکان ستم کند جابر مغربی گوید اگر بیند که پوست گوی باز
میکرد دلیل بود که آنکس شغلهای کهن و چیزهای تباه شده را بصلاح باز آورد و از جهت پادشاه میانجی کند چون

امیران و بزرگان لشکر پادشاه خلاف کنند و کارهای بسیار **پوستین** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که پوستین
پوشیده بود و وقت زمستان بود دلیل بود که چیزی بوی رسد که وجه معیشت او بود و اگر در وقت تابستان بود همین دلیل کند لیکن
سرانجام غمناک گردد کرمانی گوید اگر بیند که پوستین بره یا بزغاله داشت دلیل بود که زنی توانگر خواهد و از آنمال یابد و اگر بیند که
پوستین سمور پوشیده داشت دلیل بود که زنی بخواهد که توانگر و مالدار بود و اگر بیند که پوستین روباه از نو پوشیده داشت دلیل
بود که زنی خواهد توانگر و پارسا لیکن فریبنده و حیله گر بود و اگر بیند که پوستین خرگوش پوشیده داشت دلیل که زنی نابکار بدفعل
بخواهد و از و رحمت بیند و اگر بیند که پوستین سنجاب پوشیده داشت دلیل بود که زنی ناسازکار بزنی بخواهد و اگر بیند که پوستین
گربه پوشیده بود دلیل بود که زنی بدخو بزنی بخواهد و دزد و بی امانت بود و اگر بیند که پوستین وشق پوشیده بود دلیل بود که
زنی اصیل دین دار بزنی کند و اگر بیند که پوستین موش پوشیده داشت دلیل که زنی پلید بزنی بخواهد و اگر بیند که پوستین
وی دریده یا سوخته یا ضایع شده بود دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود **بوسه دادن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
کسی را بوسه داد دلیل بود که آنکس را دوست و خواستگار بود و اگر آنکس مجهول بود دلیل که از جائی که طمع ندارد خیر و منفعت
بیند و اگر بیند که معروفی او را بوسه میداد دلیل است که از آن کس خیر و منفعت بیند کرمانی گوید اگر بیند که مرد بر الشهوت بوسه
میداد دلیل بود که از بهر مرده خیر کند یا او را بدعای خیر یاد آورد و اگر بیند که مرده وی را بوسه میداد دلیل بود که
طالب و خواستگار وی بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که مراد و مقصود دنیا یابد حضرت صادق ؑ فرماید که بوسه
دادن در خواب دلیلش بر چهار وجه بود اوّل خیر و منفعت دویم حاجت روائی سیم بر دشمن ظفر یافتن چهارم سخن
خوش شنیدن **بوق زدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بوق میزد و بوق زدن را نمیدانست دلیل
بود که مردم را از سر خود آگاه کند و اگر بیند که بوق میزند دلیل بود که در میان مهتران دروغ گوید و آن دروغ را سبکبار راست کند
و بعاقبت ظاهر گردد که آن دروغ بود جابر مغربی گوید که بوق زدن تاویل مردان را مصیبت بود و زنان را رسوائی و ظاهر شدن
راز ایشان حضرت صادق ؑ فرماید که بوق زدن در خواب بر چهار وجه بود اوّل خبر دروغ دویم سخن نکرده سیم ظاهر شدن راز چهارم
معصیت بود **پل ساختن** ابن سیرین گوید که پل در خواب پادشاه بود یا مردی بزرگ که مردمان بسبب او بمراد رسند کرمانی
گوید که پل در خواب تاویلش آن بود که نیکو باشد اگر بیند که از پل بگذشت دلیل بود که از پادشاه او را عزّ و جاه رسد و از و منفعت
بیند و اگر بیند که بنیادی بر پل می نهاد و عمارت میکرد دلیل بود که ولایت و پادشاهی یابد و مال بسیار او را جمع گردد قوله
تعالی وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ حضرت صادق ؑ فرماید که پل در خواب بر چهار وجه بود اوّل مردی بود که همه
مردمان را بکار آید و حاجت همه کس روا کند دویم پادشاه سیم نیکوئی و کامرانی یافتن چهارم مال بسیار حاصل کردن اگر بیند که
پل بیفتاد و خراب شد دلیل بود بر تباهی حال پادشاه و نقصان ملک او **بوم** بخواب دیدن مردی دزد
نابکار مفسد بود و حسود و اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر همه حال

دیدن بوم نیکو باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که بوم می داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که مردی دزد را قهر کند و اگر بیند که گوشت
بوم میخورد دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از مردی دزد بخورد و اگر بیند که بچه بوم داشت دلیل کند که غلام کوچک دزد یا شاگردی
از دزد او را حاصل گردد **بوی های خوش** ابن سیرین گوید که بوی های خوش و ناخوش ثنای نیک و مدح و ذم و سخن ناصواب
بود و اگر بیند که بوی خوش شنید دلیل بود که او را نکوهش کنند و اگر در خواب بوی خوش بسیار شنود دلیل بود بر مرگ زیرا که
مرده را از بوی خوش و حنوط ناگزیر بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که او را خوشبوی کردند دلیل بود که او را ستایش کنند و ثنا گویند
و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که او را پیش مردم عیب و نکوهش کنند و نام او بزشتی منتشر گردد **پی** ابن سیرین گوید که پی
در خواب جمع کننده حال و کار او بود و اگر بخواب بیند که پی بر اندام او خشک شد یا بگسست دلیل بود که دوستی که جمع کننده
حال و کار او بود از و غایب گردد یا از دنیا رحلت کند اگر بیند که پیها بر تن او خشک شدند دلیل بود که از دوستان مفارقت
جوید کرمانی گوید که پیهای تن دلیل بر خویشان و اهل بیت بود و اگر بیند که پیهای او درشت و قوی بودند دلیل بود که خویشان و
اهل بیت او بد حال و ضعیف گردند **بیابان** دانیال گوید که بیابان در خواب قسمت و روزی بود بقدر بزرگی و فراخی
آن اگر بیند که در بیابان تنها بود دلیل کند که از کسب خویش مال فراوان حاصل کند اگر بیند که با گروهی در بیابان میگشت
دلیل بود که مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی گشاده گردد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بیابان بیرون آمد
دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که در بیابان شد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد حضرت صادق ؑ فرماید که دیدن
بیابان در خواب بر چهار وجه بود اوّل روزی و قسمت دوم حیرت و سرگشتگی سیم عنا و رنج چهارم بیم و خطر و هلاک مگر از وی
زود بیرون آید **پیاز** کرمانی گوید که پیاز در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و زشت اگر بیننده خواب مصلح و
مستور بود و بجهد خود را از خوردن آن دفع کند و اگر بیننده خواب مصلح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته در روی
سخنان زشت گویند خاصه چون پیاز سرخ بود و اگر پیاز پخته خورد دلیل بود که سر انجام از حرام خوردن توبه کند و
بخدا تعالی باز گردد حضرت صادق ؑ فرماید که پیاز در خواب خوردن بر سه وجه بود اوّل مال حرام دوم غیبت و سخن
زشت سیم پشیمانی در کارها **پیاله** محمد بن سیرین گوید که پیاله در خواب کنیزک بود که با وی عشرت و طرب کند
اگر بیند که از پیاله آب یا جلاب میخورد دلیل بود که با کنیزکی بحلال جمع شود و از وی فرزند مصلح بیاورد و اگر بیند که
آن جلاب یا آن آب از پیاله بریخت دلیل بود که فرزند وی بمیرد حضرت صادق ؑ فرماید که پیاله در خواب بر دو وجه بود اوّل
کنیزک دوم خادم **پیراهن** دانیال گوید که پیراهن سفید در خواب دین مرد بود و بعضی از معبران گویند که پیراهن زن
بود و دلیل حال و کار او بود در کسب معیشت اگر بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده بود دلیل بود بر صلاح کار و نیکوئی
احوال و اگر بیند که پاره از پیراهن او دریده بود تاویلش میانه بود در نیکی و بدی و اگر بیند که پیراهن وی کهنه و چرکن
بود دلیل بود که درویشی و بیچارگی و رنج و غم بدو رسد و هر چند پیراهن را کهنه تر و دریده تر بیند بلا و مصیبت

وهمیشه بیشتر بود که خداوند خواب هلاک گردد و اگر کسی بیند که پادشاه او را پیراهن خود داد و پوشید دلیل بود که پادشاهی
از دی بستاند کرمانی گوید اگر کسی بیند که پیراهن نو پوشیده بود دلیل بود که بظاهر نیکو بود و باطن بد و اگر بیند که پیراهن او تنگ و ترش
جمله چرکین بود و کهن دلیل بود که اگر توانگر بود درویش گردد و در غم و اندوه گرفتار گردد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیراهن نو فراخ پوشیده
داشت دلیل بود که عیش بر وی فراخ گردد و اگر بیند که پیراهن تنگ بود دلیل بود که عیش بر وی تنگ گردد و اگر بیند که پیراهن او دریده بود
دلیل بود که رازش آشکارا گردد و اگر بیند که پیراهن بی گریبان بود و بی آستین و یکدرز بود و پوشیده دلیل بود که اجلش نزدیک
آمده باشد و اگر بیند که پیراهن دراز داشت دلیل که کارش بد گردد و مرادش بر آید و اگر بیند که گریبان پیراهن از سوی پس دریده بود
دلیل بود که او را بدروغ تهمت نهند قوله تعالی وان کان قمیصه قد من دبر فکذبت و اگر بیند که پیراهن بکسی داد و آنکس
پیراهن را بوی فرو مالید دلیل بود که بنجم گردد و از جایگاهی او را بشارت رسد قوله تعالی اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه
علی وجه ابی یات بصیرا و اگر بیند که پیراهن خون آلود در دست داشت دلیل بود که روزگار دراز در غم و اندوه بماند و اگر
بیند که پیراهن دریده پوشیده بود دلیل بود که کارش پراکنده گردد و رازش آشکارا شود حضرت صادق فرماید که دیدن پیراهن
در خواب چون نو و فراخ بود دلیلش بر شش وجه بود اوّل دیدن مردم دوم ستر سیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم رامش و خرمی
ششم بشارت **بیت المعمور** خانه ایست در آسمان چهارم برابر کعبه و آن حج گاه فرشتگان بود ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که در بیت المعمور شد دلیل بود که در میان مردم بامانت یا بعلم ظاهر گردد و حج کند و از شر دشمنان ایمن گردد و اگر
بیت المعمور را بر زمین بیند دلیل بود که بپادشاه عالم عادل پیوسته گردد و اگر بیند که در بیت المعمور خانه ساخت یا بخفت
دلیل بود که اجل وی نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیرامن بیت المعمور طواف میکرد و همین دلیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر
بیت المعمور را اگر دار مسجدی دید و در وی نماز کرد دلیل بود که همه حاجات او روا گردد کرمانی گوید اگر کسی بیند که از زمین تا بیت
المعمور راه گشاده بود دلیل بود که مردمان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بیند که بیت المعمور آراسته است و فرشتگان
بروی طواف میکردند دلیل بود که علما و اهل دین بنظام شوند و عز و جاه یابند **پیرایه** ابن سیرین گوید که پیرایه در خواب
دلیل بر مال و زینت زنان و کنیزک کند بر قدر و قیمت پیرایه که دیده بود کرمانی گوید اگر بیند که پیرایه وی آراسته بود بجواهر
و پوشیده بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حلال حاصل گردد و اگر بیند که پیرایه او ضایع گردید دلیل بود که او را غم و اندوه
رسد و اگر مردی بیند که پیرایه زنان داشت دلیل بود که غمگین گردد **پیروزه** ابن سیرین گوید که پیروزه در خواب
دیدن ظفر و قوة و حال روائی بود و اگر بیند که پیروزه از وی ضایع گردید دلیل بود که مرادش بر نیاید جابر مغربی
گوید اگر بیند که پیروزه بجز و دار داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد و شرف و بزرگی
یابد حضرت صادق رضی الله عنه فرماید که دیدن پیروزه در خواب بر چهار وجه بود اوّل ظفر و
نصرت دوم حاجت روائی سیم قوت چهارم ولایت **پیر شدن** ابن سیرین

بیت المعمور

پیرایه

پیروزه

کوید اگر کسی بخواب بیند که پیر گردید و محاسن او سفید شد دلیل که عزّ و شرف یابد و اگر پیری مجهول را بیند که خرم و شادمان بود
دلیل که از دوستی مرادهای او بر آید و از غم رسته گردد و اگر پیری معروف را بیند که خرّم و شادمان بود دلیل بود که از وی چیزی بدو
رسد و اگر او ترش روی و غمگین بیند دلیلش بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر پیر را بیند که جوان شد دلیل بود که در عزّ و
بزرگی او نقصان باشد و در دنیا مغرور گردد و اگر جوانی یا کودکی بیند که پیر شد دلیل بود که عز و بزرگی یابد و بکار آخرت
مشغول گردد **پیسی** ابن سیرین گوید که پیسی در خواب مال و توانگری بود و اگر بیند که تن او پیس گردید دلیل بود که بقدر آن
او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از معبّران گویند که پیسی در خواب میراث بود حضرت صادق ع فرماید که پیسی در خواب بر چهار وجه
بود اوّل مال دوم میراث سیم منفعت چهارم پدید آمدن کار مشکل جابر مغربی گوید اگر بیند که با مردی پیس او را صحبت بود و اگر
آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او را منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد و بخیل دلیل بود که او را از حرام منفعتی رسد
پیشانی ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده باری تعالی است و بعضی گویند که پیشانی دلیل
بر فرزند بود که از اهل بیت او توانگر گردد و اگر بیند که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که خداوندش در باب دینی و پرهیزکاری مشهور
گردد و اگر بیند که کسی زخمی بر پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده گردد و اگر بیند که پیشانی او کوچک گردید
تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که پیشانی او از حال خود بگشت دلیل بود که زیانی بوی رسد و اگر بیند که بر پیشانی او موی رسته است
دلیل بود که وام دار گردد و اگر بیند که آن موی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن وامش از جهت عیال بود و اگر بیند که پیشانی او آماس
داشت دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر بیند که از پیشانی او مار یا کژدم یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که بقدر آن او را الم و
گزند از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی بیند که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که بکار کدخدائی او بیدار گردد و اگر بیند که در پیشانی
چشمهای بسیار داشت همین دلیل کند که او در مصالح خود بیداری تمام بود و اگر بیند که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود دلیل بود که
او را فرزندی آید عالم و پرهیزکار و اگر بیند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود گردد
و مرگ او بر شهادت او بود و اگر بیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود نباشد
و تاویل بخلاف این بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اوّل جاه و قدر دوم عزّ و
بزرگی سیم فرزند توانگر چهارم معیشت پنجم ریاست ششم جود و نیکی **پیشی گرفتن** ابن سیرین گوید اگر بیند که در کاری پیشی
گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غزا و آنچه بدین ماند دلیل بود که در آخرت رستگاری یابد و او را نزد
خدای تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیائی پیشی گرفت دلیل بود که عز و اقبال و مال یابد حضرت صادق ع فرماید که پیشی گرفتن
در خواب در کارهای خیر و صلاح دو جهانی بود و اگر بیند که پیشی گرفت در کار شر و فساد دلیل کند بر فساد دو جهانی **پیشه**
ابن سیرین گوید که پیشه در خواب دیدن اگر بیند که پیشه خود را رها کرد و به پیشه از آن بهتر مشغول گردید دلیل بود که کارش
و حالش بهتر گردد و در کسب و کار وی نیکی پدید آید و اگر بیند که پیشهای گوناگون همی کرد اگر آن پیشها نیکو بود دلیل بر خیر

پیسی
پیشانی
پیشی
پیشه

و نیکوئی کار کند و اگر بد بود دلیل کند بر شر و بدی و اگر بیند که بعضی از بیشه‌ها بد بود و بعضی نیک هر کدام قوی‌تر بود حکم بدان کند ابن سیرین
گوید که بیشه و درختان در خواب زنی بود بیابانی اگر بیند که در بیشه شد و آن بیشه سبز بود و درختان میوه‌دار در آن بود خاصه در وقت آن
و از میوهٔ آن بیشه همی خورد دلیل بود که زنی خواهد که اصل او بیابانی بود یا کنیزکی خرد که در بیابان او را پرورده باشند و از آن زن او را خیر و
منفعت رسد و اگر آن بیشه را خالی از آنها دید دلیل بر شر و مضرت کند و اگر بیند که در آن بیشه بجای درختان خار بود و از آن خارها او را گزند رسد
دلیل کند که او را غم و اندوه بجهت زنان رسد حضرت صادق ع گوید که دیدن بیشه در خواب بر چهار وجه بود اول زن بیابانی دوم کنیزک سیم
منفعت چهارم غم و اندوه بود. **بیع** ابن سیرین گوید اگر بیند که مصحف بفروخت دلیل بود که دین او زد و او خفیر بود و خوار اگر بیند که
بندهٔ خویش را بفروخت دلیل بود که کار بروی تنگ آید و متحیر گردد و اگر بیند که زن خویش را بفروخت دلیل بود که حرمت و بزرگی او
زایل گردد و زشت نام شود مگر بجز این زن که بفروخت او را زنی دیگر بود دلیل بود که کارش بصلاح باز آید کرمانی گوید هر چیز که در
دین عزیز بود فروختن آن بخواب در کار بد بود و خریدن آن نیکو بود **پیکان** در خواب دیدن مردی بزرگ خطر بسیار بود اگر بیند
که پیکانی تیز یافت یا کسی بوی بخشید دلیل بود بر درستی کار که بدو رسد جابر مغربی گوید که دیدن پیکان در خواب قوت بود و سختی
که بیننده خواب با خصم گوید خاصه که پیکانش از پولاد و روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته بیند تاویلش بخلاف این بود
پیغمبر بدانکه تاویل پیغامبران در فصل شانزدهم یاد کرده‌ایم از آنجا مطالعه باید کرد **پیکر** ابن سیرین گوید پیکر بخواب زن
بود اگر بیند که او را پیکری بود دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که پیکر از کسی بها بخرید دلیل بود که کنیزک خرد بخرد و اگر بیند که پیکری داشت از وی
ضایع شد یا از دست او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن را طلاق دهد یا زنش از دنیا رحلت کند و اگر چهرهٔ پیکر خود را بصورت دیگر بیند دلیل بود که
احوالش بگردد و هم بر آن هیات که آن چیز دیده بود کرمانی گوید اگر پیکر خویش را بصورتی زشت بدل کرده بیند دلیل که حال او متغیر گردد و اگر بیند که
بحال و صورت خود برگردید دلیل بود که بحال خود و بسوی خدا باز گردد و اگر پیکر خویش را با شکوه بیند دلیل بود که هر روی از وی بگردانند و بروی جفا
کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیکر آدمی یا پیکر حیوانی بدل همی کرد دلیل بود که آنکس بد مذهب و دروغ گو بود یا در صفات خدای تعالی چیزی گوید و اگر بیند
که پیکر کسی بگونهٔ دیگر که نه از جنس او بود بگشت دلیل بود که بیننده را کار صعب پدید آید و در آن متحیر بماند و صورت در خواب دیدن مردی بود که بر خدای تعالی دروغ
گوید **پیل** ابن سیرین گوید که معبران گویند که فرق نیست هیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا در پیل اگر کسی در خواب بیند که بر پیل نشسته است دلیل بود که زنی
خواهد یا بکار دارد و اگر این خواب را بروز بیند دلیل بود که زن را طلاق دهد یا کنیزک را بفروشد اگر بیند که پیل را بکشت دلیل کند که پادشاهی بر دست او کشته گردد یا
حصاری محکم را بگشاید و اگر بیند که پیل پای بر سر وی نهاد و او را بکشت دلیل بود که هلاک نزدیک گردد و حالش بد گردد و اگر بیند که بر سر پیلی نشسته بود و آن
پیل دیگری داشت دلیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود کرمانی گوید اگر بیند که بر پیل نشسته بود و آن پیل صلاح داشت و نیک مطیع او
بود دلیل کند که پادشاه عجم گردد یا پادشاه عجم را قهر کند و اگر بیند که از گوشت پیل همی خورد دلیل بود که بقدر آن گوشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بیند که
از استخوان پیل یا از پوست او چیزی با خود داشت همین دلیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدو رسد و اگر بیند که بهنگام رزم بروی نشسته بود دلیل بود که دشمنی
بزرگ را قهر کند و بر این قول قصهٔ اصحاب الفیل را دلیل آورده‌اند و اگر بیند که از پشت پیل بیفتاد دلیل بود که در بلای سختی افتد اگر بیند که پیل در میان جنگ بیفتاد و بمرد دلیل

بیشه و درختان
بیع
پیکان
پیغمبر
پیکر
پیل

دلیل بود که پادشاه آید یا بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که از بهر تماشا بر پیل نشسته بود و آن پیل بروی قادر بود دلیل بود که
زن عجمی بنکاح خود بخواهد و آن زن بروی قادر گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که بر زن قادر گردد و اگر بیند که پیلی صلاح پوشیده بود و
از آن شهر بشهر دیگر میرفت دلیل بود که بر مملکت آن دیار از پادشاه بپادشاهی دیگر افتد یا او را هلاک کند حضرت صادق می فرماید که دیدن پیل
در خواب بر شش وجه بود اول پادشاه عجمی دوم مرد غلام سیم مرد مکار چهارم مرد با قوت و هیبت پنجم مرد حسود ششم ستمکاری خونخواره **پیل گوش**
گیاهی است که برگ بزرگ پهن دارد و آنرا شکوفه زرد است دیدن آن در خواب زنی بود خادمه قوی اصل و دون همت اگر کسی بخواب بیند که پیل گوش داشت
یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با چنین زنی صحبت افتد و از و منفعت بیند **پیلور** ابن سیرین گوید که پیلور در خواب مانند طبیب بود و مانند فقیه
زیرا که طبیب بیمار را معالجه کند و فقیه مردمان را راه دین نماید و اگر بیند که پیلور داروها را فروشد و از وی هر سه گروه مردمان خیر و راحت رسد و بدین
سبب دلیل بر خیر و سعادت کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیلوری همی کرد دلیل بود که از آن کس خیر و منفعت بهر کس برسد و نامش
بنیکی در آن دیار منتشر گردد **بیل** ابن سیرین گوید که بیل در خواب خادمی بود که کارها کند کرمانی گوید که بیل در خواب خادمی بود که کارها
بنفاق کند و بعضی گویند که بیل در خواب کاری بود که از رنج و عنا حاصل گردد و اگر کسی بیند که بیل دارد و از آن کاری کند دلیل بود که
آن کار تمام گردد و اگر بدان کار نکند دلیل بود که آن کار بریده گردد **بیماری** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که بیمار است دلیل بود
که دین او بفساد بود و گفتار او با مردم بنفاق بود و بعضی گویند که در آن سال بمیرد و اگر بیند که از بیماری تندرست شده بود و در خانه نبود و با کس سخن نمیگفت
دلیل کند که بیماری بروی دراز گردد و بر خطر بوده باشد که بمیرد اما اگر بیند که با مردمان مجالست میکرد و سخن میگفت دلیل کند که زود از بیماری شفا یابد
کرمانی گوید اگر بیند از بیماری برهنه بود دلیل بود که زود بمیرد و معبران گفته اند که بیماری در خواب دلیل بر فسق و فجور کند و غم و اندوه که از قبل سلطان یا از
قبل عیال بدو رسد جابر مغربی گوید که بیماریهای گوناگون در خواب دلیل بود بر خوار شدن فریضها و سنتها حضرت صادق فرماید اگر کسی بیند که بیمار بود و
از علت خویش همی نالید دلیل بود که از غم ایمن گردد و اگر از بیماری قانع و راضی و شاکر بود تا عیش بنیکی و صحت بود و اگر بیند که بیمار و برهنه بود دلیل که اجلش نزدیک
آمده باشد قوله تعالی لقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مرة **پیمانه** ابن سیرین گوید که پیمانه در خواب نظام کار بود و انصاف و راستی بود با مردمان خاصه
چون پیمانه او شکست یا بسوخت دلیل بود که خداوندش را بیم مرگ بود و اگر بیند که از پیمانه چیزی می پیمود اگر اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر از اهل علم نباشد دلیل
که از بهر داوری بقاضی محتاج گردد و بقول دیگر پیمانه در خواب مردی بود راست گوی و منصف که داد مردمان دهد **بینی** دانیال گوید که بینی در خواب دلیل بر جاه و منزلت
بیننده بود و هر زیاده و نقصان که در وی بیند دلیل قدر و جاه بیننده بود و اگر بیند که بینی او کوتاه شده بود دلیل بود بر نقصان قدر و منزلت او و اگر بیند که
بینی آن افتاده بود دلیل کند که از جاه و منزلت بیفتد و اگر بیند که سوراخ بینی او فراخ شده بود دلیل بود که معیشت بروی فراخ گردد و اگر تنگ شده بود
دلیل که معیشت بروی تنگ گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که مغز از بینی او بیرون آمده بود دلیل بود که از مهتری منفعت یابد و اگر بیند که جانوری
از بینی وی بیرون آمد چون کرم و مگس و مانند این دلیل بود که او را فرزندی آید و اگر بیند که در بینی او سوراخ بود و
مهار در بینی او کرده بود دلیل بود که مردمان را تواضع کند یا با زنی بزرگ جمع گردد و از وی مال و نعمت یابد و اگر بیند که سر بینی او
بسته بود چنانکه دم زدن نتوانست دلیل بود که کار بروی بسته گردد و اگر بیند که سخن در بینی میگوید دلیل بود که دولتش زایل گردد

و اگر بیند که پوست سر بینی او رفته بود دلیل بود که او را زیانی افتد جابر گوید اگر کسی در خواب بیند که از بینی او خون می آید و معبر گوید
که بخواب دیدم که از بینی من خون می آمد دلیل که مال بسیار یابد اگر گوید که دیدم خون از بینی من بچکید دلیل کند که مالش برود باید که چون
سایل سخن گوید معبر بر لفظ او تعبیر کند و حدیث او را بفال نگاه دارد و اگر کسی بیند که هر دو سوراخ بینی او یکی شده بود دلیل بود که با زن عاقله
جمع گردد و اگر بیند که سر بینی او بریده بود دلیل که فرزند خویش را ختنه کند و بعضی گویند که در جاه و منزلت او نقصان شود جابر گوید اگر کسی
بیند که چیزی بکراهت در بینی او شد دلیل بر خشم و تنگی بود و اگر بیند که خون از بینی او بیرون آمد چنانکه جملهٔ تن او خون آلود گردید دلیل بود که
مالی حرام بوی رسد و اگر بیند که خون سبز و اندک از بینی او بیرون آمد دلیل بود که او را فرزند از شکم مادر بیفتد بقول معبران درویش گردد
و اگر بیند که خون از بینی او بیرون آمد و خون آلود گشت دلیل بود که فرزند یا زن از خانه بیرون کند یا بایشان گزند رسد و اگر بیند که بینی او
بر زمین افتاد دلیل بود که او را دختری رسد و اگر بیند که او بینی خود را همی شست دلیل بود که مردی زن او را بفریبد و اگر بیند که از بینی وی مرغی
بیرون آمد دلیل بود که چهارپای دارد و بچه آورد و بقول بعضی از معبران خون آمدن از بینی مال بود که از پادشاه آن دیار بوی
رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بینی وی بر مثال خرطومی بزرگ شده بود یا کم از آن دلیل بود که بقدر آن بر عز و جاه وی
بیفزاید و از آن خویشان نیز زیاده گردد و اگر بیند که در بینی او بوی خوش رفت دلیل بود که او را فرزندی مصلح بود و اگر بیند که در بینی او
بوی ناخوش رفت تاویلش بخلاف این بود جاحظ گوید اگر بیند که بینی ندارد دلیل بود که کسی از خویشان وی بمیرد و اگر بیند که او را
دو بینی بود دلیل بود که در میان او و عیال خلاف افتد و اگر بیند که کسی بوی خوش فرا بینی او داشت دلیل بود که او را از آن کس منفعتی رسد
و اگر بینندهٔ خواب زن بود دلیل بود که او را پسری مصلح آید و اگر بیند که شخصی بوی ناخوش در زیر بینی او داشت دلیل بود که از آن کس خشمی فرو خورد
حضرت صادق ع فرماید که دیدن بینی در خواب بر پنج وجه بود اول عز دوم مال سیم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش **پیه خوردن** ابن سیرین
گوید اگر کسی بخواب بیند که پیه میخورد دلیل بود که خیر و نعمت و فراخی یابد و اگر بیند که پیه گوسفند داشت و میخورد دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد
و اگر بیند که پیه جانوری میخورد که گوشت او حلال بود دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیه در خواب بر سه وجه بود اول نعمت و
فراخی دوم مال و منفعت سیم گشایش کارهای بسته **بیهوشی** کرمانی گوید اگر کسی بیند که بیهوش گردید چنانکه عقل از وی زایل گردید دلیل بود که او را کاری پیش آید
که در آن سرگشته و متحیر گردد لیکن سرانجام کارش نیکو گردد حضرت صادق ع فرماید که بیهوشی در خواب بر دو وجه بود اول دشواری کارها دوم تحیر و سرگشتگی و فرومانندگی
و بیچارگی **حرف التاء من کتاب کامل التعبیر** **تاب دادن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که رسن را تاب میداد یا ریسمان را دلیل بود که سفر
شود و سفرش بقدر درازی و کوتاهی رسن یا ریسمان بود اگر دراز بود سفر دراز کند و اگر کوتاه بود سفرش کوتاه و زود بود و اگر برای چیزی دوختن ریسمان را
تاب میداد دلیل بود که از بهر مصلحتی کاری کند یا از بهر راحت نفس ریاضت کشد حضرت صادق ع فرماید که تاب دادن رسن و ریسمان بر سه وجه بود اول
سفر و تحویل دوم ریاضت نفس سیم گشایش کارهای فروبسته **تابستان** ابن سیرین گوید که تابستان بخواب دیدن پادشاه سخت بود و اگر
گرمای سخت بود چنانکه مردم را از آن زیان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و صلاح رسد تابستان را بوقت خویش بخواب
دیدن بهتر بود کرمانی گوید اگر کسی تابستان را بخواب ببیند بوقت چنانکه جهان خرم بود و درختان پربار دلیل بود که عز و دولتش زیاده

پیه خوردن
بیهوشی
تاب دادن
تابستان

گرود و کارش بمراد رسد و مردم عام پادشاه را بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر پادشاهان را نه بوقت خویش بیند تاویلش بخلاف این
بود **تاج** محمد بن سیرین گوید که تاج در خواب دیدن پادشاهان را ملک و ولایت بود و زنان را شوهر و مردم عامه را نیکوئی حال و اگر بیند که بر سر تاج
داشت از زر و مرصع دلیل بود که قدری بلند و منزلتی عظیم یابد ولکن در دین و راه شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زنی بیند دلیل بود که شوهری کند
صاحب حشمت و جاه و شغل دنیا کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بر مردی تاج نهاد دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کامروائی بود و اگر بیند که پادشاه
تاج بوی داد و او بر سر نهاد دلیل بود که زنی توانگر خوب روی بخواهد و از و کام دل و داد یابد و اگر بیند که تاج از سر او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن را
طلاق دهد و اگر کسی بیند که تاج از سر وی برگرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و اگر بیند که تاج از سر وی بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن او بمیرد یا
کسی از اهل بیت او بمیرد و از دنیا رحلت کند حضرت صادق ع فرماید اگر زنی بیند که تاج بر سر دارد و شوهر ندارد دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد
دلیل بود که بر زنان مهتر گردد و اگر زنی بیند که تاج از سر او برگرفتند دلیل بود که شوهر او زنی خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که تاج
مرصع بگوهرها بر سر پادشاه بود و جاه و حرمت حاصل کند و او را حرمت بیفزاید **تاراج** ابن سیرین گوید که اگر بیند که مال و نعمت کسی را بتاراج
برد دلیل بود که آنکس را غم و اندوه و زیان رسد بقدر آنکه از وی برده بود حضرت صادق ع فرماید که تاراج کردن دلیل بود بر چهار وجه
اول شغب دویم زیان سیم غم و اندوه چهارم ارزانی نرخ مگر که غنیمت بود **تاریکی** ابن سیرین گوید که تاریکی در خواب ضلالت بود در راه دین
و اگر بیند که تاریکی فرا گرفت یا کسی بد و داد دلیل بود که بر قدر آن ضلالت و گمراهی یابد اگر بیند که در تاریکی بود و آن تاریکی
باز بروشنائی مبدل گردید دلیل بود که توبه کند و راه دین بر وی گشاده گردد کرمانی گوید اگر بیند که در تاریکی فرو بود و آن تاریکی باز
بروشنائی شد و دیگر باره بتاریکی شد دلیل بود که این منافق بود قوله تعالیٰ و اذا اظلم علیهم قاموا و لوشاء جابر گوید که تاریکی بخواب غم و اندوه
بود و اگر بیند که هوا سخت تاریک گردید دلیل که بمردم آن دیار غم و اندوه رسد و کار ایشان تبه گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و تاریکی ابر ناگاه پدید آمد
دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجات ظاهر گردد حضرت صادق ع فرماید که تاریکی در خواب بر پنج وجه بود اول کفر دویم تحیر سیم فرو بستن کار
چهارم بدعت پنجم در ضلالت افتادن اسمعیل اشعث گوید اگر بخواب بیند که از تاریکی بروشنائی آمد دلیل بود که از درویشی بتوانگری رسد
و از غم فرج یابد و کار بروی گشاده گردد و از راه ضلالت دور بود **تازیانه** دانیال گوید اگر کسی بیند که تازیانه بخرط کرده در دست
دلیل بود که کارش نه بر مراد و نظام او بود و اگر بیند که تازیانه او مخرط نکرده بود دلیل بر شرف و بزرگی بود بقدر آن تازیانه و بعضی
گویند که تازیانه در خواب دلیل بر مال اندک بود و بر قدر بیننده خواب اگر بیند که دوال تازیانه او بگسست دلیل بود که مال و بزرگی از وی
جدا گردد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بتازیانه بزد دلیل بود که بکاری مشغول گردد و از آن کس کسب فائده بدو نرسد
و اگر بیند که تازیانه از دست بینداخت دلیل بود که انکاری که در دست دارد بیندازد و اگر بیند که چون او را بتازیانه بزد خون از تن وی روان شد
دلیل بود که سخنهای ناخوش شنود و اگر بیند که خون از وی نرفت دلیل بود که بهر تازیانه درمی یابد کرمانی گوید اگر بیند که او را بتازیانه بزد
دلیل بود که از آن کس مال حرام یابد اگر بیند که بر زخم تازیانه خون از وی روان شد دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که زخم تازیانه بر تن او نهاد دلیل
بود که سخنهای ناخوش شنود و اگر بیند که او را بتازیانه بزد و ندانست که کسی زد دلیل بود که ناگاه مال یابد جابر گوید اگر کسی بخواب بیند که در دست

تازیانه نیکو داشت یا علاقه ابریشمین دلیل کند که او را فرزندی آید و اگر بیند که تازیانه از چوب بود دلیل بود بر قوت حال وی و اگر بیند که
تازیانهٔ او از چرم یا از دوال بود دلیل بود که خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که تازیانه در دست او بشکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از
کار خود معزول گردد و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و بتازیانه میزد دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بر وی منت نهد و اگر بیند
که بر پشت کسی تازیانه زد و از آنجا خون برآمد دلیل بود که آنکس مال حرام یابد یا زننده او را متهم کند بگناهی و اگر بر پشت خود زخم تازیانه
بیند و نداند که چه کس زده دلیل بود که شغل دینی و دنیائی او تمام گردد و اگر بیند که بر کسی تازیانه زد چنانکه پاره پاره گردید دلیل کند که اهل او
متفرق گردند اگر کسی را بی اندازه تازیانه زد دلیل بود که وی را غم و اندوه رسد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که در خانه خود بدست خود تازیانه
کوتاه بود و پس از آن دراز گردید دلیل بود که زبان او بر خصم دراز گردد و اگر بیند که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بر وی غلبه
کند حضرت صادق ع فرماید که تازیانه در خواب بر پنج وجه بود اول شغل دویم جدل کردن سیم روشن شدن کاری مشکل چهارم سفر و
مفارقت پنجم بزرگی و مال **تاوه** ابن سیرین گوید که تاوه در خواب خدمتکار خانه بود که آنچه بر کدخدای خانه بود جمله بر عیال خود و دیگران
نفقه کند و اگر بیند که تاوه نو داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که خدمتکاری مصلح او را حاصل گردد یا از وی جدا گردد جابر مغربی
گوید اگر بیند که در تاوه چیزی می پخت دلیل کند که کار خدمتکار او نیکو گردد و اگر بیند که از تاوه چیزی میخورد دلیل بود که از خدمتکار
خیر و منفعت بدو رسد بقدر خوردنی و اگر بیند که آن خوردنی ترش و ناخوش بود دلیل بود بر غم و اندوه وی **تب** ابن سیرین گوید
اگر کسی بخواب بیند که او را تب پیوسته بود چنانکه زمانیش رها نمیکرد دلیل کند که پیوسته بفساد و گناه مشغول بود و توبه باید کرد
تا از عقوبت نجات یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که تنش درست و عمرش دراز بود و اگر بیند که وی را تب
اندک بود تاویلش بخلاف این بود **تبر** ابن سیرین گوید که تبر در خواب خدمتکاری بود که بخواهد که کاری کند و اگر او را کاری فرماید
خواهد که او را کسته گرداند تا دیگر کارش نفرماید جابر گوید که تبر در خواب مردی ترسنده بود و اگر یاری خواهد از مرد منافق بود و در میان
مردم جنگ و جدائی افکند و اگر بیند که تبری داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که او را با مردی بدان صفت دوستی افتد اگر بیند که تبر او بشکست
یا ضایع گردید دلیل کند که آن مرد را اجل فرا رسد **تبیره** بفارسی طبل بود دیدن آن در خواب خبر نکوه و سخن دروغ بود و کاری پیدا و روشن
و این جمله دلیل بر زننده آن کند ابن سیرین گوید اگر بیند که با تبیره پای کوبد و رقص کند دلیل بود بر غم و اندوه و مصیبت و اگر بیند که او
تبیره مفرد همی زد دلیل بود که سخن باطل گوید یا کاری ناصواب کند که بدان مشهور گردد و بعضی از معبران گویند که تبیره در خواب آواز خوش
بود لاکن باطل بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که تبیره میزد دلیل کند که کارهای باطل کند با شغلی که در آن هیچ اصل نباشد
و با مردمان هر وعده که دهد جمله دروغ باشد حضرت صادق ع فرماید که تبیره زدن در خواب کاری بود که بنادانی کرده شود و
عاقبت انکار ظاهر گردد که باطل است و تبیره زدن در خواب مردی بود که دروغ شیرین و آراسته گوید بظاهر و در باطن مردمان را
غیبت کند و سخنان زشت گوید **تتماج** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تتماج بگوشت بره یا با گوشت گوسفند و ماست شیرین میخورد
دلیل کند که بقدر آن از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بیند که با گوشت گاو یا با گوشت خرگوش کشک و ماست ترش

منخورد دلیل بود که منفعت اندک از مردم سفله دون بدو رسد جابر گوید که تتماج با گوشت خرگوش یا چیزی ترش دلیل بر غم و اندوه بود

تخت محمد بن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چیزی گسترده نبود دلیل کند که بسفر شود اگر بیند که بر تخت خفته بود و بر آن چیزی گسترده بود دلیل بود که بزرگی یابد و بقدر و قیمت تخت دشمنان را قهر کند اما از دین غافل بود اگر این کس از اهل فساد بود دلیل بود که بردار کنند خاصه که خود را بر تخت خفته بیند و اگر بیند که تخت بشکست و او بیفتاد دلیل کند که از جاه و بزرگی بیفتد و حالش بد گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن تخت در خواب بر هفت وجه بود اول عز و جاه دویم سفر سیم مرتبه چهارم بلندی پنجم ولایت ششم قدر و جاه هفتم عالی شدن کارها

تخم کاشتن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که از آنجا که کاشته بود منخورد دلیلش از این نیکوتر بود و اگر بیند که از آنچه کشته بود چیزی حاصل نگردید و یا ندانست که باران چیست و نیز اندک و بسیار را آنرا ندانست دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که گندم همی کاشت دلیل کند که او را خیر و نیکوئی رسد و اگر بیند که جو همی کشت دلیل بود که او را مال جمع گردد و اگر بیند که گاورس همی کاشت دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که عدس و باقلی و لوبیا و مانند آن همی کاشت دلیل بر غم و اندوه کند دانیال گوید اگر در زمین خویش تخم همی کاشت دلیل کند که زنی خواهد و کارش ساخته گردد و اگر زمین کشته خویش را ناکشته بیند دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجائی مجهول تخم همی کشت و برآمد دلیل بود که غزا کند و غزا بروی آسان گردد و خیرها کند و اگر بیند که در زمین خویش کشت میکرد دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که جو یا گندم یا درخت در زمین خود میکشت دلیل که جاه و عز او زیاده گردد بقدر آنکه کشته بود حضرت صادق ع فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی دویم فساد سیم مال حرام چهارم نفع در بازرگانی

تخمه ابن سیرین گوید اگر بیند که او را تخمه بود دلیل بود که او مال ربا خورد و فساد کند باید که از این گناه توبه کند تا از عقوبت حقتعالی نجات یابد و باتفاق معبران آنست که در خواب تخمه دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق ع فرماید تخمه در خواب بر چهار وجه بود اول مال ربا دویم فساد سیم مال حرام چهارم متابعت هوای نفس کند

تخمها کرمانی گوید که تخمها در خواب دیدن آنچه ترش و تلخ و ناخوش بود جمله دلیل بر غم و اندیشه کند خاصه خوردن بد و صعبتر بود اما آنچه بطعم شیرین و خوش بود خوردن آن در خواب منفعت اندک بود جابر مغربی گوید که تخمها در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد مگر آن تخم که پوسیده یا کرم خورده بود

تذرو ابن سیرین گوید که تذرو مرغیست در خواب مردی غدار بود و تذرو ماده زنی فریبنده بود معبران گویند که تذرو مال حرام بود که بحیله بدست آورد و اگر بیند که با تذرو در نزاع بود دلیل بود که با کسی غدار او را خصومت افتد و اگر بیند که تذرو ماده او را حاصل گردید دلیل کند که زنی خواهد که در روی هیچ خیر نبود و اگر خانه تذرو بیند دلیل است که زنی خوبروی بنکاح خواهد بر قدر سفیدی و پاکیزگی آن خانه کرمانی گوید که اگر بیند که تذرو در خانه داشت و بمرد دلیل کند که زن او هلاک گردد یا بجهت زنان او را مصیبتی افتد و اگر بیند که تذرو از خانه او بپرید دلیل بود که زن را طلاق دهد جابر مغربی گوید که تذرو در خواب زن پارسا بود با جمال و مال و اگر بیند که تذرو یافت یا گرفت دلیل بود که زنی خواهد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که تذروی در کنار او افتاد و بخفت دلیل بود که کسی با عیال او سر و کاری دارد و او را می فریبد حضرت صادق ع

فرماید که ترازو در خواب بر چهار وجه بود اوّل زن دوم مال حرام سیم معیشت چهارم کام دل جستن **ترازو** ابن سیرین گوید که
ترازو در خواب قاضی بود اگر بیند که ترازوی نو داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که در آن موضع قاضی بود و فقیهی پاک دین و کفه
ترازو سمع قاضی بود و در مها که در آن بود خصومت بود که نزد قاضی کند و سنگهای ترازو عدل و داد بود که قاضی در میان
خصمان کند بوقت حکومت و اگر بیند که ترازو او را ایستاده بود چنانکه هیچ میل نداشت دلیل که قاضی عدل کند و اگر بیند که ترازو
درست نبود دلیل که قاضی راست و منصف نبود و در حکومت میل کند کرمانی گوید اگر بیند که عمود ترازو بشکست دلیل بود که
قاضی آن دیار بمیرد و اگر بیند که ترازو زیاده و نقصان بود دلیل بود که در عدل و انصاف قاضی زیاده و نقصان بود جابر گوید
بلکه کردن ترازو در خواب رستن قاضی بود از عذاب دوزخ **ترازو** گر بخواب دیدن پادشاه عادل بود و ترازوی راست قاضی
راست حکم بود یا وزیر عادل حضرت صادق ع فرماید که ترازوی قیامت بخواب دیدن بر شش وجه بود اوّل قاضی دوم پادشاه
سیم فقیه چهارم میانجی پنجم حکم راست ششم کج اگر بیند که کردار نیک وی در ترازوی قیامت بیش از کردار بد وی بود دلیل است
که بهشت یابد و از عقوبت رسته گردد قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ و اگر بخلاف این بود
دلیل بود که مستوجب عقوبت دوزخ بود قوله تعالی ومن خفّت موازینه فاولئك الذین خسروا انفسهم فی جهنّم
خالدون **ترب** کرمانی گوید که ترب بخواب دیدن غم و اندوه بود خاصه که خورند اگر بیند که میخورد دلیل بود که بقدر آن غم و
اندوه بدو رسد و اگر بیند که کسی ترب بدو داد دلیل بود که از آن کس غم و اندوه بدل او رسد و اگر بیند که او ترب بکسی داد یا از خانه
بیرون افکند و هیچ از آن نخورد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد **ترید** ابن سیرین گوید که ترید در خواب دیدن دلیل بر غم و اندیشه
کند اگر بیند که خورد دلیل بر زیان مال کند بقدر آنکه خورده بود **ترخون** ابن سیرین گوید که مردی بدگوهر بدکردار بود زیرا که اصل وی
سپندیست و سپند را البته که تیز بها غازند و مدتی رها کنند تا طبع و طعم وی از حال خود بگردد بعد از آن وی را بکار برند چون بر آید ترخون بود
و اگر بیند که ترخون داشت یا کسی بوی داد دلیل باشد که از آن مرد وی را مضرت و زیانی رسد و اگر بیند که ترخون بکسی داد یا از خانه
بیرون انداخت دلیل بود که از صحبت چنین مردی جدائی جوید و از وی دور شود **ترسائی** کرمانی گوید اگر بیند که مسلمانی ترسا شده دلیل بود که
او را در راهی بدعت و گمراهی پدید آید و اعتقاد در دین مسلمانی ندارد جابر گوید اگر کسی بیند که دشمنی دارد بروی نصرت یابد زیرا که ترسا نصرانی
بود و او مشتق از نصر است و اگر ترسائی بیند که مسلمان شد دلیل بود که مسلمان گردد یا بمیرد حضرت صادق ع فرماید که اگر کسی بیند
که با ترسایان صحبت داشت دلیل بود که دوستدار و هواخواه او بود و اعتقادش در دین اسلام ضعیف بود **ترسیدن**
ابن سیرین گوید ترسیدن در خواب ایمنی بود و هر که در خواب بیند که می ترسید از کسی و نداند که ترس او از کیست دلیل بود که گروهی
از آن ترسانند بوی رسد حضرت صادق ع فرماید که ترسیدن در خواب نصرت بود چنانکه رسول خدا فرموده النصرة بالرعب
یعنی نصرت یافتم بترسانیدن و اگر بیند که از دزدی یا از جانوری همی ترسید دلیل بود که از کسانی که باو منسوب اند
وی را مضرت رسد **ترشیها** ابن سیرین گوید که ترشیها خوردن در خواب هم و اندیشه و غم بود خاصه میوه‌های ترش

ترازو
ترازو کردن
ترب
ترید
ترخون
ترسائی
ترسیدن
ترشیها

و اگر بیند کسی چیزی ترش بوی داد دلیل کند که از او بوی رنج و غم و اندوه رسد و اگر بیند که او چیزی ترش بکسی داد دلیل بود که بسبب او
غم و اندوه بوی رسد فی الجمله خوردنی ترش هیچ خیر نباشد **ترف** ابن سیرین گوید که ترف دیدن در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که
ترف همی خورد دلیل بود که وام دار گردد و بسبب آن غمگین گردد که ترف بطعم ترش و بدیدار تیره جابر گوید که دیدن ترف در خواب مال اندک
بود و خوردن او غم و اندوه بود **ترنج** دانیال گوید که ترنج اگرچه بگونه زرد است اما بوی خوش دارد و بطعم و بدیدار پاکیزه بود و گویند که
از میوهای بهشت است و دیدن او بخواب نیک است دانیال گوید اگر کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب بیند تاویلش فرزند بود و اگر
بسیار بیند مال و نعمت حلال یابد و ترنج سبز دیدن در خواب بهتر از ترنج زرد بود کرمانی گوید که ترنج در خواب مردی بود توانگر و با جمال
و بمردمان نزدیک چنانکه همه کس او را دوست دارند و اگر بیند که ترنجی داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد
و اگر ترنج در کنار خود دید دلیل بود که او را فرزندی خوب روی آید و اگر بیند که ترنج را بخورد دلیل بود که او را از مال خود یا از مال بزرگی
بهره رسد و اگر بیند که ترنج را پنهان کرد و در پیچید دلیل بود که فرزندش هلاک گردد و اگر بیند که در خانه ترنج بسیار داشت و بکسی بخشید
دلیل کند که در حق کسی نیکوئی کند و اگر بیند که ترنج در آستین نهاد دلیل بود که او را فرزندی از کنیزک آید و اگر بیند که از آستین بیفتاد
دلیل بود که او را فرزندی حاصل گردد حضرت صادق فرماید که دیدن ترنج در خواب بر چهار وجه اوّل زن نیکوروی دوم کنیزک پاک
سیم دوست توانگر چهارم فرزند شریف صالح **ترنگبین** ابن سیرین گوید که ترنگبین در خواب مال حلال بی منت بود قوله تعالی
وَاَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى كُلُوْا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ اگر بیند که ترانگبین بسیار داشت یا کسی بدو داد دلیل
کند که روزی بسیار یابد از انجا که امید ندارد و کارهای او بنظام شود حضرت صادق فرماید اگر ترانگبین در خواب دید یا خورد دلیلش
بر سه وجه بود اوّل مال و روزی حلال بی منت خلق دوم معیشت و گشایش کارها سیم کام دل یافتن **تره دوغ** ابن سیرین گوید که
خوردن تره دوغ بخواب دلیل بر غم و اندوه کند **تره** ابن سیرین گوید که از تره آنچه بطعم تلخ و ناخوش بود دلیل بر مضرت کند **تره فروشی**
اگر کسی بخواب بیند که تره فروشی کردی تاویلش نیکو بود زیرا که بدست او کاری رود که همه خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن بخواب
بیماری و مفلسی و غم و اندوه بود **تریاک** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تریاک از بهر بیماری خورد دلیل بود که از رنج برهد و کارها
بروی گشاده گردد و اگر بخلاف این بود دلیل بر غم و اندوه کند و اندیشه و نقصان بود **تزویج** ابن سیرین گوید اگر بیند که زن
خواست دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر عزب بود دلیل بود که زنی توانگر خواهد و اگر بیند که زن را طلاق داد دلیل که شرف
بزرگی او زایل گردد و اگر مرده زن را بزنی کرد و با وی جمع کردید دلیل که از ملک و مال آن زن او را چیزی حاصل
گردد و اگر بیند که با آن زن جمع نشد دلیل بود که چیزی اندک از مال او او را حاصل گردد و اگر زنی بیند که او را مرد
مرده او را زن کرد و در سرای زن با وی جمع کردید دلیل کند که مال زن نقصان شود یا حال وی متغیر گردد و اگر بیند
که زن خواست لکن زن را ندید و نامش را ندانست دلیل بود که اجلش نزدیک شده باشد و اگر زن را بیند و سرای مجهول
بود و آن سرا از آن شخص مرده بود و آن مرده با وی جمع کردید دلیل بود که آن زن بمیرد و اگر آن سرا معروف بود دلیل بر نقصان

ترف
ترنج
ترنگبین
تره دوغ
تره
تره فروشی
تریاک
تزویج

زن کند کرمانی گوید اگر زن شوهری دارد و در خواب بیند که دیگر شوهری دارد و عروسی راند بید دلیل کند بر شرف و عزت و زیادتی مال
او و اگر بیند که عروسی خواست کردن و عروسی راند بید و نشناخت بیم مرگ بود و از العبضی گویند شخصی بر دست او هلاک گردد و اگر
بیند که بیمار بود و زنی مجهول خواست و یا کسی دید که زن او شوهری کرد و آن شوهر را بخانه برد دلیل بود که مال بسیاری
ازین ممر بشوهر رسد و اگر بیند که زنی نابکار بزنی بخواست و با وی جمع شد دلیل بود که کاری دشوار بر وی آسان گردد
و اگر با وی جمع نشد آنچه گفتیم کمتر بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که دختری دوشیزه را بزنی کرد و دوشیزگی او ربستد دلیل بود
که اندران سال او را زنی یا کنیزکی حاصل گردد و از پادشاه خیر و نیکی بیند و اگر بیند که بحرام دوشیزگی دختری بستد دلیل بود
که مالی حرام بدست آورد حضرت صادق ؑ فرماید که زن خواستن در خواب بر چهار وجه بود اوّل بزرگی دویم زیادتی مال
سیم رامش چهارم خرمی و شادی **تسبیح کردن** ابن سیرین گوید تسبیح کردن بخواب مطیع بودن بر فرمان حق تعالی اگر
بیند که تسبیح میکرد دلیل بود که مطیع بود بر فرمان حق و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که تسبیح بخواب با خود داشت غم و
اندوه بدو رسد و لکن او را در آن اجر و ثواب بود و اگر بیند که با تسبیح شکر حق تعالی میکرد دلیل کند که در دین قوی گردد و مالی
یابد و این خواب اگر والی بیند دلیل بود که او را آبادانی ولایت رسد قوله تعالی لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ **طشت** کرمانی
گوید که طشت در خواب زنی خادمه بود و ابن سیرین گوید که طشت در خواب کنیزکی بود که حوائج خانه بدو تسلیم کنند و اگر بیند که طشتی
فراگرفت یا کسی بدو داد یا بخرید دلیل بود که زنی خادمه بخانه آورد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که طشت بشکست یا ضایع
شد دلیل کند که آن کنیزک بگریزد یا از دنیا رحلت کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که طشتی خرید دلیل است که زنی خادمه را بزنی خواهد یا
کنیزکی حضرت صادق ؑ فرماید که دیدن طشت در خواب بر سه وجه بود اوّل زن خادمه دویم کنیزک سیم منفعت از زنان
تشنگی ابن سیرین گوید که سیرابی در خواب بهتر از تشنگی بود و اگر بیند که بغایت تشنه بود و او آب نمی یافت دلیل کند که رنجی و زحمتی
بدو رسد از بهر دین یا از بهر دنیا و اگر بیند که تشنه بود و آب می یافت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل کند که از رنج و بلا رسته گردد و سرانجام بمراد رسد جابر
گوید که تشنگی در خواب فساد بود در دین و اگر بیند که در تشنگی آب یافت و بخورد دلیل کند که گنه کند و سرانجام توبه کند و مصلح و پارسا گردد
تعویذ ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تعویذ با خود داشت از نامهای خدا تعالی دلیل کند که از سختی و غم برهد و اگر وام دار بود
وامش گذارده گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر زندانی بود رهائی یابد و اگر در سفر بود بسلامت باز آید کرمانی گوید اگر کسی بیند که
تعویذ می نوشت و بمردم میداد دلیل بود که از وی بمردم منفعت رسد و اگر بیند که تعویذ می نوشت و بمردم میداد و بهامی ستد دلیل بود که
اندوهگین گردد و متفکر **تغار** دیدن تغار زنی بود غمگسار و صالحه که خانه او را بصلاح دارد و راه خیر بمردم آموزد و از شر و فساد
توبه کند کرمانی گوید اگر بیند که تغار او بشکست یا ضایع گردید دلیل کند که آن زن از و جدا گردد یا از دنیا رحلت کند بقول بعضی معبران تغار
کنیزک بود و خادمه **تفشله** بدانکه تفشله بفارسی عدس پخته بود و اگر کسی آنرا بخواب بیند دلیل بر غم و اندوه کند ابن سیرین گوید اگر بیند
که تفشله همی خورد دلیل کند که غم و اندوه خورد یا او را با کسی خصومت افتد بدان سبب رنجور گردد و علی الجمله در تفشله

خوردن هیچ خیر و منفعت نباشد **تکبیر کردن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که تکبیر میکرد دلیل کند که از شر
دشمنان ایمن گردد و در خیرات بروی گشاده گردد و حضرت صادق ع فرماید که دیدن تکبیر کردن در خواب بر چهار وجه بود اول ایمنی
از دشمن دوم رستگاری از بلا و فتنه سیم خیر و برکت چهارم گشایش کارهای بسته **تگرگ** ابن سیرین گوید که تگرگ در خواب
دیدن عذاب و تنگی دنیا بود مگر اندک بود و اگر بوقت خود بود دلیل که اهل آن موضع فراخی و نعمت بود لکن تگرگ دیدن نه بوقت
خود دلیل بر غم و اندوه بود اهل آن موضع را حضرت صادق ع گوید که دیدن تگرگ در خواب بر پنج وجه بود اول بلا دوم خصومت
سیم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری **تل** بفارسی پشته بود و شرح و تحویل آن در حرف با بیان کردیم **تمام شدن کارها**
ابن سیرین گوید که هر که بخواب بیند که کارهای دنیائی او بنظام گشت و کامکار شد دلیل کند که احوالش متغیر گردد قوله تعالی
حَتّٰی اِذَا اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّیَّنَتْ و هر که بیند که کارش تمام نشد دلیل بر تغیر حال او بود دوم بیم بود که عمرش
سپری گردد و هم بیادگر بود که از او انتقام کشند **تن مردم** ابن سیرین گوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل غم و اندوه بود که
معیشت مردم بود و هر زیادت و نقصان که در تن بیند دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر بیند که تنش لاغر و نحیف بود دلیل
بود بر درویشی و بستگی کارها و اگر تن را فربه بیند دلیل کند بر توانگری و گشایش کارها و اگر بیند که از تن او رشته بیرون آمده
دراز میگردید دلیل کند که زندگانی بعیش و فراخی گذراند و مالش زیاده گردد و اگر بیند که آن رشته گسسته شد تاویلش بخلاف این
بود و اگر بیند که تن او آهنین شده یا مسین دلیل بود که عمرش دراز بود و روزی و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بیند که تن او
آبگینه بود دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد کرمانی گوید اگر بیند که تن او درست و قوی بود دلیل بود که کارش بنظام شود و راز
او پوشیده بماند و اگر بیند که تن او ضعیف است دلیل بود که درویش گردد و رازش آشکارا گردد حضرت صادق ع میفرماید که اگر تن
خویش بزیادتی بیند دلیل کند بر قوت و توانگری و ظفر یافتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی بیند دلیلش بخلاف این بود و اگر
بیند که همه تن او آماس داشت دلیل بود که بیمار گردد **تندر** بلغت پارسی رعد بود و دیدن او در خواب ترس بود از عامل و از عوام
ابن سیرین گوید اگر بیند که غریدن تندر را با باران دلیل بود که مردمان را ترس و بیم کمتر بود و نعمت و خیر فراوان و اگر بیند که باران سخت
بارد و تندر سخت بارید دلیل بود بر ترس کاری بیننده خواب از دعای پدر و مادر کرمانی گوید که غریدن رعد اندک و باریدن باران اندک
دلیل بر ترس کاری از اهل بود و از دعای زاهدان و صالحان حضرت صادق ع فرماید که دیدن تندر بر پنج وجه بود اول عذاب دوم حکمت
سیم رحمت چهارم صولت پنجم خشم پادشاه اگر بیند که آواز تندر بوقت باریدن می شنید دلیل بود که در آن دیار خیر و برکت پدید آید و اگر بیند که
باران و رعد و برق بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه ترس و بیم بود و اگر بیند که باران ژاله همی بارید دلیل بود که در آن دیار
فتنه و عذاب و هلاکت پدید آید و اگر بیند که تندر سخت بغرید دلیل بود که بانگ و هیبت پادشاه در آن دیار گسترده گردد
و اگر بیند که هم تندر بود و هم برق و هوا تاریک بود دلیل که پادشاه ستمگر پدید آید **تندلیسها** ابن سیرین گوید که تندلیسها که سایه
آن بر زمین افتد چون بخواب بیند غم و اندوه بود خاصه که بگونه سیاه بیند و آنچه در دیوار نگاشته بیند حضرت صادق ع

فرماید که تنگیها در خواب بر سه وجه بود اول غم و اندوه دوم نقصان قدر و جاه سیم بی امانتی در کارها **تنگی** ابن سیرین گوید
اگر بیند که از تنگی بفراخی آمد از جایگاهی و بیم او بجایگاهی ایمنی شد دلیل بود که کارهای او بنظام شود و از رنج براحت و آسانی شود
و اگر بخلاف این بیند بد بود جابر گوید اگر بیند که در جایگاهی تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد
و اگر بیند که در انجا طعام تنگ بود دلیل بود که عیشش و روزی بر او تنگ گردد و تنگی همه چیزها در خواب نیکو نباشد **تنور**
ابن سیرین گوید که تنور در خواب مهتر بود و کدخدای خانه و بعضی از معبران گویند در که بانوی خانه بود و اگر بیند که تنور در دست
داشت دلیل کند بر تن درستی و نظام کار کدخدائی خانه و اگر بیند که تنور بیفتاد و خراب شد دلیل کند بر رنج و آفت و بیماری
و آفت کدخدای و بدی وی و اگر بیند که تنور نان می پخت دلیل کند که بر قدر آن نانها روزی حلال بیابد و کار بر وی نیکو
گردد کرمانی گوید اگر بیند که در تنور لختی آتش است بیرون شنائی و بر بالای تنور شعاع آتش می تافت و دود نبود دلیل بود که بسفر
بیت المقدس رود یا حج کند قوله تعالی من شاطئ الوادی الایمن فی البقعة المبارکة یعنی مکه و بیت المقدس و بعضی گفته اند
که آنرا خیر و منفعت رسد حضرت صادق ع فرماید که دیدن تنور در خواب بر دو وجه بود اول خیر و منفعت بود خاصه که نو بود دوم
مردی با هیبت شود و تنفت **توبره** ابن سیرین گوید که توبره در خواب خیر و منفعت بود خاصه که نو بود و اگر بیند که توبره داشت
با کسی بوی داد دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که توبرهای او ضایع گردید تاویلش بخلاف این بود **توبه کردن**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که توبه کرد دلیل کند که از همه گناهان و معصیت پشیمان گردد و کردار نیکو کند که در آن خوشنودی
خدای تعالی بود و دست از دنیا بدارد و طلب آخرت کند حضرت صادق ع فرماید که توبه کردن در خواب بر چهار وجه بود اول
پشیمانی از گناه دوم رضای خدا سیم راه آخرت چهارم سعادت **توتیا** کرمانی گوید توتیا در خواب دیدن مال بود و اگر کسی بیند که
توتیا در چشم کشید و مقصود از توتیا روشنائی چشم بود دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر مقصود وی بخلاف این بود دلیل
کند که خود را بنفاق بدین داری بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که توتیا بدو دادند دلیل کند
که بقدر آن وی را مال حاصل گردد و اگر بیند که توتیا همی خورد دلیل کند که مستمند و غمگین گردد حضرت صادق ع فرماید اگر
بیند که توتیا در زیر بغل داشت از برای دفع بوی ناخوش همی مالید دلیل کند که کاری کند که در آن او را مدح و ثنا و نیکوئی
گویند **توت** توت شیرین خوردن در خواب روزی بود و خوردن خرتوت غم و اندوه بود ابن سیرین گوید که توت شیرین
بهنگام خود خوردن دلیل کند که بقدر آن از کسب خویش روزی یابد و اگر این خواب بهنگام رسیدن توت بیند نیکوتر بود و اگر نه
بوقت آن بود دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که توت شیرین همی خورد دلیل بود که از مردی جوانمرد صله و عطا یابد
اگر بیند که خرتوت همی خورد دلیل است که غمگین و متفکر گردد حضرت صادق ع فرماید که توت در خواب بر سه وجه بود
اول مال دوم منفعت از کسب خویش سیم منازعه بهرزنان **توراة** ابن سیرین گوید اگر بیند که تورات همی خواند
بظاهر دلیل کند که وی را قوتی پدید آید از مردم محتشم و اگر بیند که تورات خواند بظاهر دلیل کند که با کسی خصومت

کند و بروی ظفر یابد و مرادش حاصل کردد و اگر بیند که کسی را تعلیم تیر میکرد دلیل کند که از آنکس خیر بدو رسد تیر دانیال گوید
که تیر در خواب دیدن مردیست راست گو که از آنکس خبر بمردم رسد بقول بعضی از معبران غیبت بود و اگر بیند که کسی تیر بوی می انداخت
دلیل کند که پیغامی بدو فرو رسد خاصه چون بیند که بغرض انداخت اگر بیند که تیر بغرض انداخت دلیل بود که نام بد آنکس فرستاد **حرف
الجیم من کتاب کامل التعبیر** **چادر** ابن سیرین گوید چادر در خواب دیدن ستر پوش زن بود و اگر بیند که چون زنان
چادر پوشیده بود دلیل که در آنکار خیر و شر بود لکن انکار از آن مکروه دارند و اگر کسی بیند که چادر را بدرید یا بسوخت دلیل
بود که در آن وقت ستروی دریده کردد کرمانی گوید که چادر شب در خواب دیدن زن بود اگر بیند که چادر شب فرا گرفت یا کسی
بدو داد دلیل کند که زن نو خواهد و اگر بیند که چادر نو بخرید دلیل کند که کنیزی بخرد و از و فرزند آید و اگر این خواب از زنی بیند دلیل
کند که او را شوهر آید و اگر زنی بیند که چادر شب او بسوخت دلیل بود که شوهرش بمیرد یا او را طلاق دهد حضرت صادق فرماید چادر
در خواب بر سه وجه بود اول قدر و جاه دوم مرد را زن و زن را شوهر سیم کدخدای سرای **جادوئی کردن** ابن سیرین
گوید که جادوئی کردن در خواب کار باطل بود و اگر بخواب بیند که جادوئی میکرد دلیل کند که کاری کند بیهوده و باطل و بقول
بعضی از معبران جادوئی فتنه بود آنکس را که از بهر او جادوئی کنند جابر مغربی گوید که جادوئی کردن در خواب از بهر کسی تهمت بود
بدروغ که مردمان را بدو فریبد و جادوئی در خواب دشمن فریبنده بود و حضرت صادق فرماید که جادوئی کردن در خواب بر شش
وجه بود اول فتنه دوم فریب سیم مکر چهارم سگالش بد پنجم باطل و دروغ ششم کاری که در آن اصلی نبود **چهارپای**
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که چهارپائی را فرا گرفت و آن چهارپا مطیع و فرمان بردار بود دلیل بود که بقدر قیمت آن
چهارپای از مردی بیابانی او را منفعت رسد و اگر بیند که رمه چهارپایان دشتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل
کند که گروهیکه مسکن ایشان در بیابان بود مطیع او شوند کرمانی گوید اگر بیند که چهارپایان دشتی را می پرستید دلیل کند که مردمان
دانا را خدمت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که چهارپائی شده بود دلیل کند که از وی عقل زایل کردد اگر بیند که چهارپائی با او سخن میگفت
دلیل بود که بزرگی یابد و اگر بیند که چهارپائی گوشت میخورد دلیل بود که بقدر آن مال یابد **جاروب** ابن سیرین گوید
که جاروب بخواب دیدن خادم و خدمتکار بود و جاروب در شب خادمی بود که تقاضای چیزها کند و اگر بیند که خانه را
بجاروب میرفت دلیل کند که مالش ضایع کردد و اگر بیند که خانه کسی میرفت دلیل کند که مال کسی بدو رسد خاصه که
بیند خاک رفته را بخانه خود آورد حضرت صادق فرماید که جاروب دیدن بخواب بر سه وجه بود اول خادم
دوم منفعت سیم متقاضی چیزها که با مردم بود و بدو رسد **جام** کرمانی گوید اگر بیند که جام پر آب با جلاب
فرا گرفت یا کسی بدو داد و از آن بخورد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد و او را فرزندی پارسا آید که از و راحت
بیند و اگر بیند که آب از جام بریخت و جام بماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و مادرش بماند و اگر بیند که جام را شکست و
آب بماند دلیل کند که زنش بمیرد و فرزندش بماند و اگر جام شکست و آب بریخت دلیل بر هلاک فرزند بود و مادر هردو

جابر مغربی گوید اگر بیند که جامها در خانه او در دیوار نشانده بود دلیل بود که بعدد آن جامها او را کنیزکان و زنان بوند و اگر جام
سفید یا سبز بیند دلیل کند که او را زنان مصلح پارسا باشد و اگر جامهای سرخ بیند دلیل کند که او را زنان معاشره مفسد بود و اگر
جامها زرد بیند دلیل بود که زنان او بیمار و زرد گون باشند و اگر جامها سیاه بیند دلیل بود که او را زنان اندوهگین و مصیبت
زده باشند **جامه** دانیال گوید جامه در خواب کسب و کار مرد بود و اگر جامه خود را نیکو بیند دلیل که کسب و کارش بد شود و
و اگر پادشاه در خواب جامه خود را سیاه بیند دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر رعیت جامه خود را سیاه بیند دلیل بود بر غم و
اندوه و جامه زرد در خواب بیماری بود و جامه سرخ در خواب خرّمی بود و توفیق طاعت دلیل بر آنکه جامه سبز حله بهشتیان است
آن نیز خوب بود قوله تعالی عالیهم ثیاب سندس خضر و استبرق و جامه سفید شسته ساختگی کار مردم بود و جامه
کبود دلیل بر مضرّت بود و جامه سوخته دلیل زنان بود و از سبب پادشاه و جامه دریده دلیل ظاهر شدن راز بود و جامه ابریشمین
و نمدین و پلاس از پشمین این جمله دلیل بر مال و خواسته او را حاصل گردد و جامه مرقع دلیل بر درویشی و تنگدستی بود و جامه
چرکین از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل بر ملامت و شناعت کند و جامه که از پوست چهارپایان
بود دلیل بر خیر و منفعت بود که بدو رسد و جامه سبز زر بشکل کفن دلیل که شغلهای وی در دین تمام گردد و لکن عمرش به آخر
رسیده باشد و اگر بیند که پوست خر پوشیده بود دلیل بود که عز و جاه یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه مهتری پوشیده است
اگر از اهل آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی گردد و اگر بیند که جامه وزیری پوشیده است دلیل که مال بسیار یابد اما از
خلق ملامتش بود و اگر بیند که جامه حاجبی پوشیده بود دلیل بود که از عطای بزرگان محروم ماند اگر بیند که جوانی جامه عوانی
پوشیده است دلیل کند که کسی او را یاری دهد بعطا رسانیدن بوی و اگر بیند که جامه جلادی پوشیده است دلیل است
که منفعت یابد و اگر بیند که جامه صاحب ده پوشیده است دلیل است که با امانت و زبان آور گردد و بمهمات ساختن خلق
مشغول گردد و اگر بیند که جامهٔ صوفیان پوشیده است دلیل بود که دین او زیاده گردد و اگر بیند که جامه زاهدان پوشیده است
دلیل بود که با امانت بود و اگر بیند که جامه بازرگان پوشیده است دلیل بود که کار و کسب دنیائی او نیکو گردد و اگر بیند
که جامه اهل صلاح داشت دلیل بود که کار دینش بصلاح آید و اگر بیند که جامه اهل فساد پوشیده است دلیل بود که او را
از اهل فساد غم و اندوه رسد و اگر بیند که جامه مزدور کارکن داشت دلیل بود که متفکر و رنجور گردد و اگر بیند که جامهٔ
طبیبان داشت دلیل بود که کارش نیکو گردد و در میان مردمان مشهور گردد و اگر بیند که جامه جهودان داشت دلیل
بود که بمکر و حیله کسی را هلاک کند و سرانجام کارش بد شود و اگر بیند که جامه ترسایان داشت دلیل کند که کاری کند که بسبب
آن از دوست ایمن نباشد و اگر بیند که جامه کشیشی داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و میلش بکفر و ضلالت
بود اگر بیند که جامه مغان داشت دلیل بود که میلش بجانب بددینان و جاهلان بود و اگر بیند که جامه مبارزان
پوشیده است دلیل بود که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که جامه مرتدی پوشیده داشت دلیل بود که

کسی عطائی بدهد و باز ستاند و اکر بیند که جامهٔ بت پرستی داشت دلیل بود که بخدمت پادشاه مشغول کردد یا خدمت مهتری
و اکر بیند که جامهٔ زنی پوشیده داشت دلیل بود که از مهتر خویش دور کردد و اکر بیند که جامهٔ مردان زندانی پوشیده داشت
دلیل بود که بسبب کاری غمکین و مستمند کردد و اکر بیند که جامهٔ حمالی پوشیده بود دلیل بود که امانت کذار شود و انکشت نمای
کردد و اکر بیند که جامهٔ کورکنی داشت دلیل کند که بخدمت مردی سفله دون همت مشغول کردد و اکر بیند که جامهٔ کشتیبانی پوشیده
داشت دلیل بود که از کسی مصلح روزی حلال باو رسد و اکر بیند که جامهٔ قصابی داشت دلیل بود که ویرا زیانی و اندوهی رسد و اکر
بیند که جامهٔ باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که با زن صحبت دارد نه براست کرمانی کوید اکر بیند جامه نو داشت و او قصاره
نکرده بودند نیکو بود و جامهٔ تنک و دون دیدن و جامه جام از جامهٔ کازری کرده بهتر بود و جامهٔ زربفت زن خردمند
و کنیزک بافرهنک بود و جامهٔ بردو مخطط خیر و منفعت بود و جامهٔ رسنی که مجهول بود زخم تازیانه بود یا غمی سخت که بدو
رسد و جامهٔ معین مال و خواسته بود و جابر کوید که تاویل دیدن جامه بر دو یک کونه است یکونه بدین تعلق دارد و یک کونه
بدنیا و جامهٔ سفید دین است و جامهٔ نو عامهٔ دنیا اکر کسی بیند که جامهٔ سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود و اکر جامه
سبز و تنک بیند هم دین را بد بود و هم دنیا را و چون جامه را چرکن و دریده بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامهٔ سرخ
زنان را نیکو بود در دنیا و مردان را هم نیکو بود و پیراهن و ازار و طیلسان و قبا و دستار از جملهٔ مردانرا غم و اندوه بود
یا جنک و خصومت و جامهٔ زرد مردانرا بیماری بود و بقول بعضی از معبران اکر بیند زنی که جامهٔ زرد پوشیده بود
دلیل کند که او را شوهری آید و اکر دارد بیمار کردد و جامهٔ سبز زنان و مردانرا دین بود و اکر بر زنده بیند صلاح دین بود
و اکر بر مرده بیند دلیل رستکاری آخرت بود و جامهٔ سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشد نیکو بود اما آنکه پیوسته سفید پوشد
جامهٔ سیاه دیدن نیکو نباشد نه دین و نه دنیا را و جامهٔ سیاه بقول بعضی از معبران خطیب و قاضی و پادشاه را نیکو بود اما
رعیت را غم و اندوه بود و جامهٔ کبود دیهان و غم و مصیبت بود اکر کسی بیند که جامهٔ ملون داشت یعنی سبز و سرخ و زرد دلیل
بود که از پادشاه یا والی آن ولایت سخنی سخت شنود که او را خوش نیاید اسمعیل اشعث کوید اکر کسی بخواب بیند که جامه داشت
که رویش از زنکی و پشتش از زنکی دلیل بود که با اهل دین و دنیا بمذلت زندکانی کند اکر بیند که جامهٔ خویش همی خورد دلیل کند
که از مال خود نفقه بسیار کند و اکر بیند که جامهٔ ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بهر کاری ویرا زندان
کنند و اکر بیند که جامهٔ او ضایع کردید یا از وی بستدند و او برهنه بماند دلیل بود که قدر و جاهش کم کردد و حقیر و خوار کردد
اکر بیند که جامهٔ خویش را ببرید دلیل است که اندوهکین کردد و با زن خویش خصومت کند و اکر بیند که جامهٔ وی بدریدند
دلیل کند که از آنکس جدا شود و اکر بیند که جامهٔ خود را با جامهٔ اهل خود راموی کرد دلیل کند که او را با خویش خود خصومت افتد
یا از دوستی و اکر بیند که جامهٔ او کسی ببرد و برهنه بماند دلیل کند که از حرمت و منزلت بیفتد و اکر بیند که جامه در نوشته از هم
باز کرد دلیل است که بسفر رود و اکر بیند که جامه باز کرده را در نوشت دلیل بود که غایبش از سفر باز آید و اکر بیند که جامه

زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده گردد اما ترسی عظیم بدو رسد و بقولی او را غم و اندوه رسد و بحرمت گردد و اگر بیند که
جامه مردان پوشیده داشت دلیل کند که چیز و نعمت بدو رسد و جامه یافتن در خواب سفر بود بقدر درازی و کوتاهی جامه
در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد دلیل بود که از غم باز رهد اصفهانی گوید که بهترین جامها در خواب جامه ایست که از پنبه بود
و در وی قز یا ابریشم نباشد و جامه عنابی از پنبه و ابریشم بود و جامه خز هر دو دلیل بر مال حرام و فساد کند در دین و جامه دیبا
حریر و ابریشم مردان را بد بود و زنان را نیک و جامه کهن غم و اندوه بود از قبل پادشاه و اگر کسی بیند که جامه کهنه فروشد نیک
بود و اگر بیند که جامه کهن می خرد دلیل بد بود و جامه کهن پوشیدن بد است و جامه کهن از تن بیرون کردن نیکست جابر
مغربی گوید اگر بیند که جامه شسته بود و پوشید دلیل بود که با تب گردد و اگر بیند که جامه چرکن داشت درویش گردد و اگر بیند که
جامه رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود او را نیک بود و اگر بیند که جامه با شکوه داشت دلیل بود که او را منکری
پدید آید حضرت صادقؑ فرماید که دیدن جامه نو در خواب بر چهار وجه بود اوّل زن دوم پادشاه سیم مال چهارم خیر و
منفعت و هم او گوید اگر کسی بیند که جامه خود را بمقراض ببرید دلیل کند که چیزی بدو رسد و اگر بیند که دزدان جامه او را بیرون
کردند دلیل بود که فسادی در میان زنان وی افتد **جامه خواب** ابن سیرین گوید که جامه خواب دیدن تاویل
زن بود و اگر بیند که جامه خواب سفید و پاکیزه بود دلیل که عیالش دیندار بود و مستور و اگر بیند که جامه خواب او سیاه بود
دلیل بود که از عیالش اندوه و رنج بدو رسد و بعضی از معبّرین گویند که جامه سیاه در خواب پادشاه را نیکو بود و رعیت را بد بود
و اگر جامه خواب را کبود بیند دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند که جامه خوابش چرکن و دریده بود دلیل
بود که زن او چرکن و پلید ناسازگار بود و اگر بیند که جامه خوابش ضایع گردید یا بدزدید دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از و مفارقت کند
و اگر بیند که جامه خوابش بسوخت دلیل کند که عیالش بمیرد حضرت صادقؑ فرماید که دیدن جامه خواب بر سه وجه بود اوّل زنی نیک دوم
راحت و آسانی سیم رنج و اندوه و مصیبت **جان** محمد بن سیرین گوید که جان بخواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر
بیند که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش تلف گردد یا خود هلاک گردد و اگر جان خویش بصورت
مردی نیکو بیند دلیل بود که ویرا فرزندی نیکو بیاید و حالش نیکو گردد یا بخدمت پادشاه خوش طبع و جوانمرد پیوندد و حالش نیکو گردد و اگر
جان خود را بصورت مردی زشت خو بیند بخلاف این بود که گفتیم **حکایت** در خبر آمده است که مردی پیش رسول خداؐ آمد و گفت یا رسول اللهؐ
در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا در کنار گرفت و بعد از ان باسمان رفت رسولؑ فرمود که وصیت کن که جان
تو بمکان خویش رسید پس هم در آن روز آن مرد از دنیا رحلت کرد کرمانی گوید اگر کسی بیند که جان خود را در کف خود دید دلیل بود که
بکار مخاطره مشغول گردد که در آن ویرا بیم جان بود و اگر بیند که جان از کف او باسمان شد دلیل است که زود بمیرد و اگر بیند که
رنگ جان او زرد بود دلیل کرد در بیماری صعب بمیرد و اگر جان را بگونه سرخ و یا سفید بیند عاقبتش نیکو بود و از غم رستگاری
یابد و اگر بیند بگونه سیاه بود دلیل است که مستوجب عذاب حقتعالی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که مرده جان همی کند و خویشان

جامه خواب
جان

اوبروی نوحه وزاری میکردند دلیل بود که اهل بیت مرده راغم واندوه رسد واگر بیند که خویشان وی آهسته میگریستند
دلیل بود که جانش در عقوبت بود **چاه** ابن سیرین گوید که چاه در اصل تاویل زن بود واگر بیند که در جایگاهی چاه میکند دلیل بود
که زن خواهد اگر بیند که بکندن چاه کسی اورا مدد میکرد دلیل کند که میان او و آن زن کسی متوسط است و خواهد که بمکر وحیله آن زن ازبنی
وی دهد زیرا که کندن چاه مکر وحیله بود و در امثال گویند که فلان چاه برای فلان میکند یعنی باوی بدی و مکر خواهد کرد و آب چاه
درخواب مال زن بود واگر کسی بیند از چاهی آب خورد دلیل بود که مال زن بخورد واگر از چاهی آب خورد که از خشت پخته برآورده بود
هم دلیل بر مال زن کند واگر بیند که کسی چاه کند و آب برنیامد دلیل بود که زنی درویش خواهد کرمانی گوید اگر بیند که آب چاه خوردن طعم
خوش بود دلیل بود که مال زن بکراهیت بستاند واگر بیند که آب چاه گرم همی خورد دلیل بود که بجهت مال زن جفا یابد و
بقول بعضی از معبران بیمار گردد واگر بیند که آب چاه خنک وخوش بود دلیل بود که از زن خیر و منفعت بیند واگر بیند که آب چاه
بسیار بود دلیل که زن جوانمرد وسخی بود واگر بیند که آب چاه اندک بود دلیل بود که زن سفله و دون بود واگر بیند که چاه بکند و آب
زود برآمد دلیل بود که زن بیمار گردد و مال خود در بیماری بخورد واگر از چاه آب سیاه برآمد یا کبود دلیل بود که غم واندوه بدو رسد واگر
بیند که از چاه آب سفید برآمد دلیل بود که میراث یابد واگر بیند که آب چاه بقعر فرو رفت و هیچ نماند دلیل بود که زن هلاک گردد و
مالش تلف شود واگر بیند که چاه در زیر زمین فرو رفت هم دلیل بود بر هلاک زن کرمانی گوید اگر کسی بیند که دلو در چاه کرد تا آب
برآورد دلو در چاه افتاد و ریسمان گسست شد دلیل بود که اورا فرزندی آید ناتمام **حکایت** در خبر است که مردی از عبدالله بن
عباس پرسید که بخواب دیدم که دلو در چاه کردم تا آب برآرم ریسمان بدو پاره گشت و آن دو پاره را یکی برآوردم و یکی در چاه بماند
عبدالله گفت که تو از عیال خود غایب بودی و ترا فرزندی آمد شش ماه که ویرا دفن کردند آن مرد گفت که مرا از ان سخن عجب آمد
دانیال ع گوید اگر کسی بیند که در جایگاهی معروف چاهی میکند دلیل کند که با کسان خود مکر وحیله سازد و بقول بعضی از معبران کندن چاه
و برآمدن آب حکم نکاح دارد واگر بیند که چاه از بهر کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط بود کسی را بنکاح کردن جابر گوید اگر بیند که آب از
چاه میکشید دلیل بود که بمکر وحیل مال جمع کند خاصه که چاه خود کنده باشد اگر بیند که بدلو آب همی کشید و در سبو میریخت دلیل
بود که مال خود نیکو نگاهدارد واگر بیند که آن آب را بر کشید و بر زمین ریخت دلیل بود که مال را نفقه کند بخیر واگر بیند که در چاه افتاد دلیل کند
که در مکر وحیل افتد واگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل کند که بمالی که حاصل کرده است زن خواهد یا کنیزک خرد واگر بیند که در آن باغ میوه
بود دلیل بود که اورا فرزندی آید و بعضی گویند که اگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل کند که با زن خود مجامعت کند واگر بیند که آب بر سر چاه آمد
و روان شد دلیل کند که زنی توانگر بزنی خواهد و از ان زن اورا مال و نعمت حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن چاه درخواب بر
شش وجه بود اول زن دویم کنیزک سیم عالم چهارم توانگری پنجم مکر ششم مکر وحیله و مرد چاه کن درخواب مکر وحیل بود **جبه**
ابن سیرین گوید که جبه درخواب زن بود اگر بیند که جبه فراخ و پاکیزه داشت دلیل کند که زن او نیک رای و نیک سیرت
بود واگر بخلاف بیند دلیل کند که زن او بدخوی و ناسازگار بود واگر بیند که جبه او بدرید یا بسوخت دلیل که میان ایشان جدائی

افتد حضرت صادق ع فرماید که دیدن جبه در خواب که ببینند در زمستان در تن داشت نیکوتر بود و آن بر چهار وجه بود اول
زن دوم قوت سیم شادی چهارم منفعت و جبه کهنه و چرکین غم و اندوه بود و جابر گوید اگر بیند که جبه نو داشت یا کسی بدو
داد برنگ سبز بود دلیل بود که زن پاک دین بخواهد و اگر بیند که جبه سفید نو داشت زنی پارسا و با امانت بود و اگر زرد بیند زنی
بیمارگون بود و اگر کبود بود زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بیند زنی معاشر بود و با او سازکاری کم کند **چتر** ابن
سیرین گوید اگر کسی بیند که بر بالای سر او چتر میزدند دلیل بود که اگر از اهل آن بود پادشاهی یابد و اگر از اهل آن
نباشد دلیل که بزرگی یابد و اگر بیند که چتر پادشاه در دست داشت دلیل که مقرب حضرت پادشاه گردد حضرت صادق ع
فرماید که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود اول سلطنت دوم عزت سیم مرتبه چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت
هفتم صحبت با بزرگان **چراغ** کرمانی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و معبران گویند که کدبانوی خانه بود و اگر
در خواب بیند که در خانه او چراغ پاکیزه روشن بود دلیل که بانوی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود و اگر بیند که چراغ
تاریک می سوخت دلیل بود بر رنج کدبانوی خانه یا زن یا خادم اگر بیند که چراغ فرو مرد دلیل بود که خانه مهتر کدبانوی
خانه بمیرد و جابر گوید اگر بیند که از آتش زنه چراغ برافروخت دلیل که اگر زن دارد فرزندش آید و اگر عزب بود زن کند یا
کنیزک خرد و اگر در سفر غایب دارد بسلامت باز آید و اگر بیند که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه و ولایت عادل
بود و قاضی منصف و مردم شهر را عشرت و نشاط بسیار بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که چراغ بسیار در دست داشت
دلیل بود که او را فرزندی آید که عزت و دولت یابد و اگر بیننده خواب فاسق بود دلیل که بخدای تعالی باز گردد و توبه کند و
اگر مشرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد قوله تعالی وسراجا منیرا وبشر المؤمنین بان لهم
من الله فضلا کبیرا و اگر بیند که چراغ بمرد دلیل بود که فرزندش هلاک گردد یا عز و دولتش نقصان پذیرد و اگر بیند که
در هر دو دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد دینی و دنیائی او ساخته گردد و اگر بیند که در دست یک چراغ داشت
که در وی دو سوراخ و دو فتیله افروخته بود دلیلست که او را دو فرزند نیک بود که بیک شکم آیند حضرت صادق ع فرماید
که دیدن چراغ در خواب بر چهارده وجه بود اول پادشاه دوم قاضی سیم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سرای
هفتم مهتر هشتم شادی نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش خوش دوازدهم کنیزک سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه
بیند همچنان بود **چراغ پایه** ابن سیرین گوید که چراغ پایه در خواب خدمتکار خانه بود و اگر بیند که چراغ پایه
داشت یا کسی به او داد دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر چراغ پایه زنگ گرفته بود دلیل بود
که زن خادمه متکبر و خودبین بود و دینش ضعیف بود و اگر بیند که چراغ پایه چوبین بود زن خادمه سفله و دون
بود و بر قول او اعتماد نبود **چراغدان** در خواب زن بود و معبران گویند که خدمتکار خانه بود و قبیله و
چراغدان کارفرمای بود کرمانی گوید اگر بیند که چراغدان آهنین بود دلیل بود که اصل آن خدمتکار

کبر بوده باشد و اگر سفالین بیند اصل آن خدمتکار مسلمان بود و دین دار و با امانت بود و اگر بیند که چراغدان از دست او
چراغ
بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن یا خدمتکار او بمیرد **چراغ** ابن سیرین گوید که چراغ در خواب پادشاه بود و اگر چراغ وحشی بیند
دلیل فرزندی بود که بحد بلوغ و مردی رسد و اگر بیند که چراغ را بگرفت و بدو شکار میکرد دلیل بود که پادشاه بر او ستم و بیداد کند
و اگر بیند که پادشاه چراغ بدو داد و شکار میکرد دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی یابد و بر دیگران ستم کند و اگر بیند که چراغ
شکار میکرد و او را بگرفت دلیل بود که او را فرزندی آید نافرمان اگر بیند که از گوشت آن چراغ چیزی میخورد دلیل بود که از فرزند
رنج و بدی بیند کرمانی گوید که چراغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با هیبت و قوت بود و اگر بیند که چراغ در خانهٔ وی
یکبار یا دو بار بانگ میکرد دلیل بود که او را زیانی رسد و اگر سه بار بانگ کرد هیچ زیانش نرسد و بعضی از معبران گویند که چراغ مردی
چرک
دزد بود که بشب کارها کند **چرک** ابن سیرین گوید هر که در خواب بیند که جامه چرکین داشت دلیل کند فساد کار بود و اگر
کسی بیند که جامهٔ او بچرک یا چیزی دیگر آلوده بود دلیل بود بر تباهی دین و دنیای او و اگر بیند که چرک جامه او بسبب مردگان
بود دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود کرمانی گوید که چرک در خواب دیدن بر سر و تن غم و اندوه بود و دیدن چرک بر تن هیچ
جزع
خیر و منفعت نباشد **جزع** در خواب زنی بود مختلف حال و پراکندگی احوال و مولی زاده اگر بیند که جزع داشت
یا کسی بدو داد دلیل بود که زنی بدین صفت که گفتیم بخواهد و اگر بیند که جزع او ضایع گردید دلیل بود که زنش بمیرد یا طلاق
دهد جابر مغربی گوید که جزع سفید روشن بود دلیل بود که زنی مستور با امانت و خوبروی بخواهد و اگر بیند که جزع تیره و سیاه
جستن
بود تاویلش بخلاف این بود **جستن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جای میجست دلیل بود که از حالی که دارد بحال دیگر شود
و اگر جستن دور بود دلیل بود که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی یا نیزه در دست داشت و بدان از جائی بجائی بجست دلیل
بود بر مردی قومی اعتماد کند تا او را مددی دهد در کاری تا انکار بمراد وی برآید و اگر بیند که از دیواری فرو جست و بر سنگ و ریگ نشست
دلیل بود که هلاک گردد و اگر بیند که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فرو رفت و بمرد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و باز
پیش وی آید و اگر بیند که از زمین بهوا برجست و روی بقبله آورد و بعد از ان خود را در حرم دید یا در مکه یا در مدینه این
جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرائی مجهول بسرائی مجهول برجست دلیل بود که هلاک گردد و اگر بیند که با
شکوه همی جست و معلق همی زد دلیل بود که کار وی با شکوه بود و عیش بر وی تباه گردد و اگر بیند که بهوا
برجست و مرغی را بگرفت دلیل کند که زن خود را بگذارد و زن دیگر خواهد و اگر بیند که بچوبی یا بعصائی از جائے
چشم
بجائی همی جست دلیل بود که از رنج و اندیشه برهد و کارش بنظام شود **چشم** ابن سیرین گوید که چشم بخواب دیدن
مرد بینائی بود که بدان راه هدی یابد و چشم ازرق بدعت بود و چشم شهلا فرزند بود و اگر بیند که نابینا شده است
دلیل بود که از راه هدی گم شده بود یا فرزند وی بمیرد و اگر بیند که یک چشمش کور شد دلیل بود که یک نیمهٔ دین او رفته بود
یا گناهی بزرگ کرده بود و یک دست یا یک پای یا یک اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کاری از ان وی

کرمانی گوید اگر بیند که در چشم سرمه کشید دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بیند که از سرمه مقصودش زینت و آرایش است ر
دلیل بود که خویشتن را با امانت و دین دار بمردمان نماید تا عزیز گردد و اگر بیند که سرمه بوی دادند تا در چشم کشید دلیل بود که
بقدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنائی چشم او ضعیف بود و بظاهر و باطن دوروی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار
بود و همه چیزها را بکمال میدید دلیل بود بر زیادتی صلاح وی در دین و بجای آوردن سنّت و فرایض شریعت و اگر کسی بیند که
کسی چشم او برکند دلیل بود که چیزی که چشم او بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب گردد چنانکه دیگر باز نه بیند
جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم از آهن است دلیل بود که پرده او دریده گردد و اگر بیند که هر دو چشم او آماسیده بودند چنانکه چشم باز
نمی توانست کرد دلیل بود که با مردی مخالف صحبت کند و اگر نور چشم را ضعف بیند دلیل بود که او را بطاعت کردن زیانی
افتد و اگر هر دو چشم خود را کنده بیند دلیل بود که از دین شریعت بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است
دلیل بود که بر زبان او سخن ناسزا رود در باب دین و اگر بیند که چشمهای او روشن است و مردمان بیندارند که او کور است یا
شب کور دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و ازرق شد دلیل بد بر گشتن حال او
بود قوله تعالی ونحشر المجرمین یومئذ زرقا و اگر بیند که هر دو چشم او سفید شد و دیگر باره سیاه گشت دلیل بود که بیمار
گردد یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که همه چشم او سیاه گشت چنانکه سفیدی نداشت دلیل بود که متکبر گردد و اگر بیند که یک چشم او
آفت رسید دلیل بود که فرزندان او را آفت رسد و اگر بیند که کسی دست فراز کرد و یک چشم او را برکند دلیل کند که فرزند او را از راه
ببرد و اگر بیند که کسی چشم او را ببست یا بدست بگرفت دلیل بود که فرزند او را زیادتی رسد یا مالش برود یا گناهی کند و اگر بیند که از
دیده او خون همی رفت دلیل بود که بجهت فرزند غمی بوی رسد یا نقصان مال او شود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که چشم او
گوش گشت و گوش او چشم گشت دلیل بود که زنی خواهد که او را دختری بود و با هر دو مجامعت کند و اگر بیند که چشم بر قفایش
بود دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که در چشم او سفیدی بود دلیل بود که او را غم و اندوه رسد قوله تعالی وابیضت عیناه من الحزن
حکایت چنین گویند که مردی پیش دانیال علیه السلام آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من بوسه بر چشم چپ من میداد گفت
ای مرد از خدا بترس و توبه کن و بعد ازین با زن همسایه خیانت مکن تا از عقوبت حقتعالی ایمن گردی مرد گفت که توبه
کردم که بعد ازین زن کنم حضرت صادق ع فرماید که چشم در خواب بر هفت وجه بود اول روشنائی دویم دین هدی سیم اسلام
چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی در دین و مال **چشمه** ابن سیرین گوید که چشمه آب در خواب مهتری بود و جوانمرد بخشنده
چون آب خوش طعم و خوش بوی بود قوله تعالی فیها عین جاریه و اگر آبش تیره و گنده و ناخوش بود دلیل بود که انجام
غم و بیماری و مصیبت بود و اگر بیند که از آن چشمه مسح همی کرد دلیل بود که از غمها فرج یابد و اگر بیند که آب چشمه زیاده
شد دلیل بود که جاه و عزت و در آن دیار جوانمردی زیاده گردد و اگر بیند که آب چشمه نقصان کرد تاویلش
بخلاف این بود و اگر بیند که آب چشمه خشک گردید دلیل بود که مهتری جوان مرد از آن دیار

رحلت کند کرمانی گوید اگر بیند که در خانه او یا در دکان او چشمه آب پدید آمد دلیل بود که او را غم و اندوه و گرلیستن بود
برقدر وقوت آن چشمه و اگر آب را تیره و ناخوش بیند غم و اندوه بود صعب تر و اگر بیند که در آن چشمه دست و روی بشست
دلیل بود که اگر بنده بود آزاد گردد و اگر غمگین بود از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود
و اگر گناه کار بود توبه کند و اگر حج نکرده باشد حج کند جابر گوید که آب چشمه بخواب دلیل بر عمر صاحب خواب بود بآن قدر که در
چشمه آب بیند خاصه که دست در آن آب زند و آب ایستاده تاویل ضعیف تر از آب روان بود و بعضی از معبران گویند که چون
آب چشمه ایستاده بود بتاویل دلیل بر خیر و صلاح دین کند و چون روان بود دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق فرماید که
دیدن آب چشمه در خواب بر پنج وجه بود اول مهتری جوانمردی دوم غم و اندوه سیم مصیبت چهارم بیماری پنجم عمر و زندگانی
یافتن **چغانه** ابن سیرین گوید که چغانه در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر بیند که چغانه میزد دلیل که سخن باطل و
دروغ گوید یا او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که پادشاه وی را چغانه داد دلیل بود که از پادشاه وی را غم و اندوه رسد و اگر
بیند که چغانه را بشکست و بیفکند دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بیند که چغانه بر سر میزد و چغانه نداند زد دلیل بود
که اگر صاحب علم بود مردمان را تعلیم کند و از ان علم فایده بمردمان رساند و باشد که از شکوه علم گوید تفسیر و علم حدیث و فقه و اگر
این کس جاهل بود شغلی پیشه کند که از ان شغل او را سرزنش کنند و اگر بیند که با چغانه چنگ و نای و رقص بود دلیل بر غم و
اندوه و مصیبت کند **چغد** در خواب مردی بود نابکار و حسام و حرام بود و اگر بیند که کسی چغد همی گیرد دلیل بود که او را با چنین
مردی خصومت افتد و دیگر بهمه حال دیدن چغد در خواب مبارک نباشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که آواز چغد همی شنید دلیل بود که
در آنجا نوحه و شیون بود بقدر بانگ چغد و اگر بیند که بچه چغد بود دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بیند که گوشت چغد همی خورد
دلیل بود که از مال مردی دزد نابکار بقدر آن چیزی بخورد **چغندر** ابن سیرین گوید که چغندر در خواب دلیل بر غم و اندوه بود
و اگر کسی بیند که چغندر همی خورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که چغندر را از خانه بیرون انداخت دلیل بود که از
غم فرج یابد ابن سیرین گوید که چغندر در خواب منفعت اندک بود از جهت زنان و چغندر پخته هم از زنان منفعت یابد اندکی
چک محمد بن سیرین گوید که اگر چک مهره بومی داد یا مهره کرده بیافت دلیل بود که مال و منفعت یابد اگر کسی بیند که
کسی بر وی چک یا خط یا قباله می نوشت دلیل بود که حجامت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که چک مهره کرد یا داشت مهر از و
برگرفت دلیل است که در مال او نقصان افتد اگر بیند که چک از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل بود که وی ضایع گردد
چکاوک بفارسی قبره خوانند و تاویلش در خواب فرزند یا غلام بود اگر در خواب بیند که چکاوک نر گرفت یا کسی بوی داد
دلیل است که غلامش یا فرزندش آید چنانکه اگر چکاوک نر بود غلام پسر آید و اگر ماده بود غلام را دختری آید کرمانی گوید چکاوک
در خواب مردی بود شیرین سخن غریب و کم از و چرب زبانی اگر کسی بیند که چکاوکی وی را عطا داد یا بگرفت دلیل بود که با چنین
مردی او را صحبت افتد **جگر** ابن سیرین گوید که جگر در خواب مال پنهان کرده بود اگر بیند که جگر مردم بود

دلیل بود که مال پنهان کرده بیابد و هزینه کند و اگر بیند که بسیار جگر پخته یا بریان کرده او را حاصل گردید یا خام دلیل کند که گنج بیابد
و جگر گاو و گوسفند هم دلیل بر مال و نعمت بود و بعضی از معبران گویند که جگر بخواب دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول ص فرمود
اولادنا اکبادنا کرمانی گوید که بیرون آمدن جگر پیدا شدن مال پنهان بود که پیدا کرده و جگر بسیار اگر پخته یا خام بود دلیل کند
بر یافتن گنج و بر علم غیب حضرت صادق ع فرماید که دیدن جگر در خواب بر سه وجه بود اوّل فرزند و مال دوم دوست که بجای فرزند
بود سیم علم و اگر بیند که از خانه او جگر بیرون میکردند یا آتش جگرها را بسوخت دلیل بود که پادشاه گنج و مال او بستاند و اگر این
خواب را عالمی بیند دلیل بود که علمها را جمله فراموش کند **جماع** دانیال ع گوید که جماع در خواب روا شدن حاجت بود خاصه چون
بیند که منی از وی جدا گردید اگر کسی بیند که با کسی جماع کرد دلیل بود که از آن کس نیکی یابد و حاجت او روا گردد و اگر بیند که کسی با او
جماع کرد دلیل بود که خاندان او توانگر گردند و اگر بیند که با زن خود مجامعت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند
که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت بیند ابن سیرین گوید اگر بیند که با زن خود یا زن دیگر از راهی دیگر مجامعت کرد دلیل که
مردی مبتدع بود بر طلب کار ناسزا و در آن کار او را مصلحت نباشد و سنت رسول ع را نگاه ندارد و اگر بیند که با مادر یا با خواهر
یا با کسی دیگر که بر وی حرامست مجامعت کرد دلیل بود که شفقت خویشی از وی بریده گردد و اگر زنده بود یا مرده دلیل بر غم خوردن
و بعضی از معبران گویند که اگر زنده بود و از وی خیر و نیکی بیند و باشد که حج اسلام کند اگر بیند که با زنی که مرده بود مجامعت کرد دلیل
بود که غمگین و مستمند گردد و اگر بیند که با زن مرده بیگانه جماع کرد دلیل بود که کاری کند که از آن کار نومید شده باشد
تمامی بیابد مرده که بیگانه بود و اگر بیند که با جوان مجهول مجامعت کرد و میان ایشان خصومت بود دلیل بود که بصحبت انجامد
و از وی خیر و نیکی بیند و اگر آن مرده جوان معروف بود بر وی ظفر یابد و اگر بیند که جماع با مردی پیر میکرد دلیل بود که خیر و نیکی از
بخت خود بیند کرمانی گوید اگر بیند که دختری بدوشیزگی بستد دلیل بود که در آن سال زنی خواهد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که
بحرم پادشاه شد و مجامعت کرد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که با وی جماع کرد همین دلیل کند و کارش
بمراد شود و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم بوی رسد و اگر بیند که با مرغی مجامعت کرد دلیل کند که با کسی که بدان
منسوب باشد ظفر یابد اگر بیند که با ترسائی یا جهودی یا گبری مجامعت کرد دلیل بود که کارهای دنیای او بنظام شود
و اگر مردی پیر که بکلی شهوتش زایل شده بود در خواب بیند که شهوتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود دلیل کند
که در کار دین نیک راغب گردد و اگر بیند که با زنی نابکار جماع کرد دلیل کند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر
این خواب زنی بیند همین تاویل دارد جابر مغربی گوید اگر بیند که با شتر جماع کرد دلیل بود که از سختی برهد و بر دشمن ظفر
یابد و مالش بسیار و نامش بلند گردد و اگر بیند که با پادشاهی جماع کرد دلیل است که محرم و نزدیک او گردد و اگر بیند که
با زن پادشاه جماع کرد دلیل بود که از و منفعت یابد و اگر بیند که با زن حایض مجامعت کرد دلیل که کارش بد شود
و اگر بیند که با زن مجامعت کرد که مرده بود دلیل که کارش بد گردد یا با خویشان او بپیوندد و وصلت کند و اگر آن زن زنده

بود از خویشان او مفارقت کند و بعضی از معبران گویند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای دنیائی بود اسمعیل
اشعث گوید اگر کسی بیند که با زن او که کنیزک بود مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که با مردی معروف
جوان جماع کرد دلیل است که از وی خیری بدو رسد اگر بیند که با مردی مجهول جوان جماع کرد دلیل بود که از پادشاه حاجت او روا
گردد و اگر بیند که با مردی مرده جماع کرد دلیل بود که از برای او دعائی یا خیراتی کنند و اگر زنی بیند که با زنی دیگر جماع کرد دلیل
بود که از وی نیکی بیند و حاجتش روا گردد و حضرت صادق ع فرماید که در خواب جماع کردن که از وی غسل واجب گردد تاویلش نباشد
جلاب ابن سیرین گوید که جلاب خوردن مال حلال و دین پاک بود اگر کسی بیند که او را جلاب داد و بخورد دلیل بود که او را
بقدر آن مال حاصل گردد و دلیل است بر دین پاک و اعتقاد درست او و اگر بیند که کسی با او جلاب داد دلیل بود که از آنکس
خیر و منفعت یابد اگر بیند که جلاب نخورد و بر زمین ریخت تاویلش بخلاف این بود **جنازه** اگر کسی بیند که جنازه حتی بر بند
دلیل بود که خداوندش را بر چندان مردمان که از پس جنازه بودند ایشان را فرمان روا گردد لکن بر ایشان ظلم کند و اگر بیند که او بمرد
و او را در جنازه نهادند و او را می بردند و مردمان از پس جنازه او میرفتند دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و لکن دین او بفساد
بود و با آن قوم که از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر بیند که جنازهٔ مردهٔ برداشت و میبرد دلیل بود که بخدمت پادشاه
پیوندد و از وی خیر و نیکی بیند و اگر بیند که قومی از پس جنازهٔ او میرفتند و در هوا می شدند دلیل که مردی بزرگ از آن شهر در سفر
بمیرد و اگر خویشتن را در جنازه بیند که آن جنازه بر زمین همیرفت دلیل کند که بسفر شود گرمانی گوید اگر بیند که زنده را بر جنازه میبردند
و در پس جنازه او کسی نبود دلیل بر نقصان عز و جاه و کار وی کند و اگر بیند که مردمان در پس جنازه او بودند تاویلش بخلاف این
بود اگر بیند که بر جنازه گران بود دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل بود که بر مردمان سبکبار بود و حالش
نیکو گردد و اگر بیند که از جنازه بیفتاد و یا کسان که او را می بردند از جنازه بینداختند دلیل بود که از عز و جاه بیفتد و کار او بسته گردد و حضرت
صادق ع فرماید که جنازه در خواب دیدن بر سه وجه بود اول بزرگی دویم ولایت سیم عز و جاه و رفعت **جنب بودن** اگر بیند که جنب
بود دلیل بود که در حرام آشفته و سرگشته شده باشد و بعضی از معبران گویند که سفر کند و مراد دنیا بیابد و کارش تباه گردد و اگر بیند که
خود را از جنابت بشست و جامه بپوشید دلیل بود که سرانجام از آن کار رسته گردد و کار بسته گردد و اگر بیند که خود را بتمامی نشست
دلیل بود که کارش بر تمام نگردد یعنی که تمام بر نیاید کرمانی گوید اگر کسی در خواب جنب بیند خود را و برهنه دلیل بود که در کار خود متحیر و عاجز
گردد و اگر بیند که خود را در گرمابه بشست و بیرون آمد و جامهٔ پاکیزه در پوشید دلیل بود که بخدا باز گردد و توبه کند **چنگال** اگر کسی خود را
چون مرغان چنگال دار بیند دلیل کند که او را قوت بود در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بیند که چنگال مرغان در دست داشت
دلیل بود که بقدر و قیمت آن مرغ خیر و منفعت بدو رسد حضرت صادق ع فرماید که چنگال در خواب بر سه وجه بود اول قوت دوم
ناتوانی در کارها دویم معیشت سیم کسب کردن **چنگاله** در خواب مردی بود بدکردار و عذاب کننده و چنگاله از الفاظ سی
معلاق خوانند اگر بیند چنگاله داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که با مردی بدین صفت او را صحبت و دوستی

افتد و اگر بیند که چنگال اندام او را بخست دلیل بود که او را از مردی بدکردار مضرت و زیان رسد و اگر بیند که چنگال او ضایع
گردید یا بشکست دلیل بود که از صحبت مردی بدکردار جدا گردد **چنگ زدن** ابن سیرین گوید که چنگ زدن در خواب
سخن دروغ بود و اگر بیند که چنگ میزد دلیل سخن باطل و دروغ بود و امیدواران غم و اندوه و زیان رسد و اگر بیند که پادشاه
او را چنگ داد دلیل بود که او را از پادشاه عطا و بزرگی رسد و اگر از اهل آن بود از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که چنگ را بشکست
یا بیفکند دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بیند که کسی چنگ میزد و او سماع میکرد دلیل بود که شنونده دروغ و باطل بود
و بعضی از معبران گویند که چنگ زدن در خواب دلیل بر عمر دراز بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که چنگ میزد دلیل بود که بزنی بزرگ از
مهتران بپیوندد و از عز و جاه یابد هم مال و هم سخن روائی و آخر کار آن زن را بنکاح بخواهد و اگر بیند با چنگ و چغانه
و نائی و رقص هم از انجمله دلیل بود بر غم و مصیبت جابر مغربی گوید اگر کسی در بیماری بیند که چنگ و چغانه میزد دلیل بود بر وفات او
جنگ کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او جنگ کرد با مردمان یا حیوان دیگر چون هر دو از یک جنس باشند آنکه
غالب بود بر دشمن ظفر یابد **جهود شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که او جهود شد دلیل بود که بر راه بدعت
بود و جهودان را یاری دهد و قول ایشان را راست دارد و ابن سیرین گوید اگر بیند که او جهود شد یا ترسا یا مشرک یا بت پرست
دلیل بود بر ضلالت و گمراهی او و بر خدای تعالی بهتان و دروغ گوید و اگر بیند که از آن کیش برگشت و مسلمان شد دلیل که
گناهی بزرگ از او در وجود آید و سرانجام توبه کند و بسوی حق تعالی بازگردد و اگر بخواب بیند که نداند از کدام دین است یا
از کدام قبله نماز می باید کرد دلیل بود که سرگشته و متحیر و سرگردان شود و فرو ماند حضرت صادق ع فرماید اگر کسی بیند که جهود شد
دلیل بود که صاحب خواب را کاری مشکل پیدا گردد و بر مخالف شریعت سنت یابد زیرا که یهود مشتق است از هدی و اگر
معنی را بخواب بیند دلیل بود که صاحب خواب را بکارهای دنیا فریفته گردد و غافل بود از کار آخرت جابر گوید اگر جهودی
بخواب بیند که مسلمان شد دلیل بود که زود بمیرد یا مسلمان گردد **جو** کرمانی گوید اگر بیند که جو تر یا خشک یا پخته همی خورد
دلیل بود که چیزی اندک بوی رسد و اگر کسی بیند که جو داشت یا کسی بوی بخشید دلیل بود که بقدر آن چیز و نیکوئی بدو رسد
و دلیل بر تن درستی بود و اگر بیند که جو در زمین میکشت دلیل بود که وی را مال جمع گردد و کاری کند که خدای تعالی از او خشنود
گردد حضرت صادق ع فرماید که جو در خواب دیدن مال بود که آسان بدست آید و جو فروش بخواب دیدن مردی بود که دنیا را
بر دین اختیار کند **جوال دوز** ابن سیرین گوید که جوال دوز در خواب مردی بود که کارهای مردم بهم پیوندد خاصه
کارهای کوچک اگر بیند که جوال دوز فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با مردی بدین صفت که گفتیم صحبت افتد و اگر جوال دوز
او بشکست یا ضایع شد دلیل بود بر هلاک آن مرد **جوان شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که جوان گردیده و محاسن سفید او سیاه
گردید دلیل بود که فرومایه گردد و اگر جوان مجهول را بیند دلیل بود که از دشمن خواری بیند و مرادش بر نیاید و اگر بیند که جوانی پیر شده است
دلیل بود که حرمتش زیاده گردد و زنان نیز در این همه چون مردان باشند جابر مغربی گوید که اگر جوانی در خواب بیند که پیر گردیده بود

دلیل بود که علم و ادب آموزد و شرح آن در حروف میم بیان کنیم **چوب** کرمانی گوید که چوب در خواب دیدن نفاق بود و بعضی از
معبران گویند که چون چوب بیند در خواب مردی بود که در نفاق بود و اگر بیگانه دهد آنکس با وی نفاق کند و چوب کج در خواب دیدن تاویل
آن چون تاویل چوب راست بود و اگر چوب کج بود که سوختن را شاید مرد منافق و دروغ زن بود **جوراب** ابن سیرین گوید که جوراب
در خواب خادمی بود و از شمار زنان اگر بیند که جوراب نو از ابریشم یا از ریسمان پوشیده بود دلیل بود که او را خادمی بود اصلی و از او برخوردار
گردد و اگر بیند که جوراب پشمین یا نقشین داشت دلیل بود که کنیزکی خوبروی بخرد یا زنی با جمال بخواهد و اگر بیند که جوراب زرد داشت
دلیل که او را خادمی بیمار گون پیدا گردد و اگر بیند که جوراب او سرخ بود دلیل بود که او را خادمی شوخ بی‌شرم بود و اگر بیند که جوراب او سیاه بود
اگر بیند مصلح بود نیکو بود و اگر مفسد بود بد بود و اگر بیند که جورابش کهنه و چرکن بود دلیل بود که خادمش را به فسادی متهم کنند
و اگر بیند که جورابش ضایع شد یا بسوخت دلیل بود بر مرگ خادم و بعضی از معبران گویند که جوراب در خواب مال و خواسته بود و اگر جوراب بوی بد
دلیل بود که زکوة مال بدهد و اگر بوی جوراب ناخوش بود دلیل که زکوة مال ندهد و زبان مردم بر وی دراز گردد کرمانی گوید اگر بیند که
جوراب او از پوست بود و نبیند که از کدام پوست است اگر پوست شتر بود دلیل بود که خادم او بزرگ همت و اصل بزرگ بود و اگر از پوست
گوسفند بود که خادم او از مردم عامه بود و اگر از پوست اسپ بود دلیل بود که خادمش از اصل مهتر و سپاهیان بود و اگر بیند که از پوست
نخچیر بود خادم او از مردم بیابانی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که جوراب در پای داشت دلیل بود که مال نگاهدارد و اگر بیند که جوراب سفید پاکیزه در پای
داشت دلیل بود که زکوة مال داده بود حضرت صادق ع فرماید که جوراب پای مال مرد بود و نگاهدار مال زکوة بود و اگر بیند که از جوراب او بوی خوش
می آمد دلیل بود که در مرگ و زندگانی او را ثنا گویند و اگر بوی ناخوش کند او را ملامت و نفرین کنند و اگر بیند که جوراب او ضایع شد دلیل بود که زکوة ندهد
و مال او ضایع گردد **جوشن** محمد بن سیرین گوید که پوشیدن جوشن در خواب پشت و پناه بود بقدر روشنی و پاکیزگی آن و اگر بیند که جوشن داشت
دلیل است که او و اهل بیت او ایمن شوند از دشمنان و اگر بیند که جوشن پوشیده است دلیل بود بر حصار تن او از شر دشمنان که بر وی ظفر نیابند و اگر
بیند که با جوشن دیگر سلاح داشت دلیل بود که از مکر منافق و از شر عامه ایمن گردد و بعضی از معبران گویند که جوشن در خواب زیادتی دین او بود
هر که جوشن در خواب بیند دلیل که پوشیده در حفظ خدای عزّ و جل بود حضرت صادق ع فرماید که جوشن در خواب بر شش وجه بود اول بزرگی دوم
پناه سیم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم زندگانی و زیادتی در دین و جوشن در خواب دیدن مونس مردم بود **چوگان زدن** ابن سیرین گوید
اگر بیند که چوگان در دست داشت و گوی میزد دلیل که آنچه میجوید بیابد و قدر و منزلتش بیابد اما در دین و طاعت سست بود کرمانی گوید اگر
چوگان او در خواب بدست پادشاهی دید دلیل بود که بر دشمنان ظفر یابد و چوگان چون در دست مردم عامه بیند دلیل بود که با مردم جنگ و خصومت کند و
سخن زشت شنود از قبل زنان و معبران تشبیه کرده اند گوی را بدلها و چوگان را بزبان **جولاهی** ابن سیرین گوید که جولاه در خواب مردی مسافر یا پیک بود که
در عالم همی گردد و اگر بیند که جولاهی جامه همی بافت با کسی او را جنگ و خصومت افتد زیرا که کرباس بافتن تاویل جنگ و جدل بود کرمانی گوید بافتن جامه در خواب در حرف
با در بافتن چیزها بیان کردیم اگر بیند که جامه را تمام بافت دلیل کند که اندوهگین گردد **جوهر** بفارسی گوهر فروش گویند ابن سیرین گوید اگر بیند که گوهر مروارید
می فروخت و آن گوهر ملک او بود دلیل بود که خداوند علم و دین بود و با همه کس نیکی و احسان کند و اگر خداوند دین

نباشد دلیل بود که خداوند غلامان گردد و بقدر و قیمت گوهر او را مال حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید اگر مصلح و مستور بود و دید که گوهرها
میفروخت دلیل بود که او را علم و دین حاصل گردد **جوی آب** ابن سیرین گوید که جوی آب در خواب دیدن چون آب خوش طعم بود
و پاکیزه دلیل که زندگانی او خوش بود و اگر بیند که از جوی مجهول آب صافی میخورد و آنکس در سفر بود یا در جایگاهی بیگانه دلیل بود که در
کاری مجهول مشغول گردد و عمر خود را دراز گذارد و بمقدار آن آب که در جوی خورده بود منفعت یابد و اگر آب جوی شور و تلخ و
ناخوش بود دلیل بود بر تلخی معیشت و زندگانی او ابن سیرین گوید که جوی در خواب دیدن اصل جوی وکیل بود که مقرب گردد و اگر کسی
آب جوی روان و صافی بیند دلیل که مقرب گردد و اگر کسی آب جوی را روان و صاف بیند دلیل بود که کار وی روان کرده شود و
و اگر بیند که آب جوی تیره بود دلیل بود که کارش تباه و بی نظام شود و بهر جای که آن جوی بیند دلیلش بر وکیل ناحیه بود و هر زیاده و
نقصان که در جوی بود در وکیل باز گردد و اگر بیند که بر تختی نشسته بود و در زیر آن تخت آب روان بود دلیل بود که دولت و اقبال روی
بوی نهد و احوال دو جهانی او نیکو گردد قوله تعالی تجری من تحتها الانهار لهم فیها ما یشاؤن و اگر بیند که در جوی آب صافی
نشست دلیل بود که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده گردد و اگر در سفر بود زود باز آید جابر گوید که
جوی در تاویل مردی بود محتشم با منفعت اگر بیند که آب جوی برداشت دلیل است که بقدر آن از مردی محتشم مال یابد و جوی
خور زندگانی بود والله اعلم بحقایق الامور

حرف الحاء من کتاب کامل التعبیر

حبر ابن سیرین گوید که حبر در
خواب طلب کردن معیشت و یافتن مال بود و اگر بیند که حبر بخرید یا کسی بوی داد دلیل بود که معیشت بر وی فراخ گردد و مرادش حاصل گردد
و اگر بیند که حبر بریخت یا از وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که حبر بر جامه او بریخت دلیل بود که او را زیانی رسد
و اگر دبیر بود او را زیان ندارد اگر بیند که بحبر چیزی می نوشت اگر آنچه نوشت از قرآن یا از نام خدای تعالی بود دلیل بر خیر و صلاح او
کند و اگر بخلاف این بود که بیند دلیل بر شر و فساد او کند **حب خوردن** ابن سیرین گوید که حب خوردن در خواب اگر بیند که از برای
بیماری خورد و دید که خوردن او شفا و منفعت یابد دلیل بر خیر و منفعت کارها کند و اگر بیند که از دارو خوردن او را منفعت نبود
تاویلش بخلاف این بود **حج گذاردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بحج رفت حق سبحانه و تعالی حج گذاردن او روزی گرداند
و اگر بیماری این خواب بیند شفا یابد و اگر وامدار بیند وامش گذارده شود و اگر سفری بیند بسلامت بمقام خود برسد و اگر بخواب بیند که بحج
رفت و حج از وی فوت شد دلیل که عمرش دراز گردد و کارش بنظام بود کرمانی رح گوید اگر بخواب بیند که بحج رفت و در حرم لبیک میزد
دلیل که او را از ترس و بیم بود و اگر بیند که حج بروی واجب شد لیکن در رفتن قصد نمیکرد دلیل که خیانت کند و اگر بیند که روز عرفه است
دلیل که با کسی صلح کند و اگر بیند که در خانه کعبه نماز میگذارد دلیل که از بزرگان منفعت یابد و کارش نیکو شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید
حج گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی تزویج کردن دویم کنیزک خریدن سوم زیارت پادشاه داد کردن چهارم نیکوئی پنجم سعی
نمودن در کار خیر ششم مزد ثواب یافتن هفتم بصحبت اهل علم رسیدن **حجر الاسود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که بر حجر الاسود دست مالید دلیل که از اهل حجاز او را منفعت رسد و اگر بیند که حجر الاسود را بر کنده داشت دلیل که

بدمذهب باشد و بی اعتقاد و ناپاک بود و اگر بیند که حجر الاسود را باز بجای خود نهاد دلیل که باز بر راه صلاح آید و اگر بیند که
آب زمزم میخورد دلیل که چیزی که از وی کم شده باشد باز بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حجر الاسود را بوسه میداد و بر روی
روی میمالید دلیل که خیر و صلاح دین وی زیاده شود و با علما پیوندد **حجامت کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
حجامت او حجامی بیگانه در جائی بیگانه کرد دلیل که امانتی در گردن خود کند و اگر بیند که حجامت کننده دوست بود دلیل که
امانتی بدو سپارد و از شر دشمن ایمن شود و از غم فرج یابد اگر جوانی این خواب بیند همین تاویل دارد و اگر پیری بیند بزرگی یابد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیر بیرا حجامت کرد دلیل که کارش نیکو شود و اگر بیند که پادشاه را حجامت کرد دلیل که مقرب
پادشاه شود و اگر بیند که چون حجامت کرد خون از وی نیاید دلیل که زن از وی بناکام جدا گردد و یا او را طلاق دهد یا بمیرد
مغربی رحمة الله علیه گوید که حجام پیر بخت بیننده خواب بود و حجام جوان دشمن او باشد و اگر بیننده خواب خداوند علت دلیل
که مستوفی شود یا دبیر پادشاه گردد و اگر جاهل بود در قرض غرق شود حضرت جعفر صادق ع فرماید حجامت کردن در خواب
بر هفت وجه بود یکی امانت گزاردن دویم شروط خواندن سوم ولایت یافتن چهارم عز و بزرگی پنجم مرتبت ششم سنت
پیغامبر علیه السلام هفتم آنکه اگر عامل بود از عمل معزول گردد و بعضی از معبران گویند اگر حجام جوان بود دلیل که محاسب خرج بود
یا بیانیده چیزها و کار مردم بدست وی گشاده گردد **حله زدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حله زدن در خواب دلیل
بر فراهم آمدن کار زنان باشد اگر بیند که او را حله میزدند دلیل که بقدر آن کار فراهم آورد و اگر بیند که او کسی حله زد تاویلش بخلاف
این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را از بهر گناهی حله زد اگر بیننده خواب مصلح بود بشغل دنیا مشغول شود و اگر
بیننده خواب مفسد بود دلیل بر غم و اندوه بود **حربه** نیزهٔ کوتاه بود و اگر بخواب بیند که حربه داشت دلیل که او را فرزندی آید و اگر
زن ندارد مال یابد و اگر بیند که با حربه سلاحی تمام داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حربه بدو داد دلیل که از پادشاه
منفعت یابد و اگر بیند که حربه خود بکسی داد دلیل که از آن کس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حربه بدست او بود و بشکست دلیل که از دشمن
نصرت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که حربه در خواب دیدن بر شش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم
ظفر پنجم ریاست ششم منفعت **حرم** جای ایمن بود و اگر بیند که در حرم کعبه بود دلیل که از آفات دنیا ایمنی یابد و او را حج روزی
شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگی رفت دلیل که از همه شرها ایمن گردد و باشد که از پادشاه چیزی بوی رسد
و بعضی معبران گویند که او را حاجت افتد با اهل آن حرم و اگر بیند که پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد دلیل که در کار پادشاه
شروع کند و کاری کند که او را از انکار بدنامی حاصل آید و اگر بیند که بحرم پادشاه ظالم رفت همین تاویل دارد **حریر و خز**
و دیبا در حرف دال بیان کنیم **حساب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که حساب میکرد دلیل که در محنت و
عذاب افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در قیامت حساب با وی آسان میکرد امید هست که
رستگاری یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در زحمت افتد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید حساب قیامت بخواب

دیدن بر شش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و رنج چهارم بدحالی پنجم اندوه ششم عمر کوتاه **حصار** اگر بیند که
در حصاری شد دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
در حصاری محکم بود و آن حصار از آن او بود دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد بخلاف این بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر خود را در حصار بیند دلیل که نعمت و روزی بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی احوال او و فرو بستگی کارها
باشد **حصیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که حصیر داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یابد اگر
بیند که حصیر می بافت دلیل که بر زنی عاشق شود و اگر بیند که حصیر کم بها بود که می بافت دلیل که آن زن بی اصل و درویش بود و
اگر بیند که حصیر قیمتی و پاکیزه بود دلیل که زنی محتشم با اصل بخواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حصیر می بافت و میفروخت دلیل که
او را غمی رسد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم منفعت سوم خواستگاری
که از آن او را نعمت بود **حقنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حقنه در خواب در خشم شدن باشد از جائی بجائی شدن چنانکه
از سختی آن بیهوش شود و بعضی از معبران گویند حقنه در خواب کاری بود بر بیننده ه بار گردد حضرت جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر بیند که او را حقنه کردند و از آن رنج دید دلیل بر بدی احوال او بود و اگر بخلاف این بیند خیر و منفعت یابد **حقه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حقه در خواب زن باشد یا کنیزک اگر بیند که حقه نو فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل که زن
خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که حقه بشکست یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حقه بزرگ
منقش است دلیل بود که زنی توانگر بخواهد و از و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که زنی زشت روی درویش بخواهد
حکمت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که علم حکمت میخواند دلیل که قرآن خوان شود و اگر بیند که کتاب حکمت
بسوخت دلیل بر تباهی دین وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد دلیل که علم حکمت بسیار
خواند و اگر می بیند که اوراق میدرید دلیل که بیننده خواب نماز نگذارد و اگر بیند که کتاب حکمت میخواندند و او می شنید دلیل که علم خواند
حلاج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که حلاج در خواب مردی قوی بود که کارهای مردم بر دست وی گشاده گردد و
اگر بیند که حلاجی میکرد دلیل که با مردی چنین که گفتیم او را صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب بر دو وجه بود
یکی منفعت دوم گشایش **حلیت** انگوزه بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود **حلوا** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید حلوا در خواب مالی بود که بر دست پادشاه گذشته بود و حرام گشته حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید حلوا
در خواب مال بسیار بود و دین خالص و یک لقمه از حلوا بوسه بود که بفرزند دهد و یک لقمه لوزینه نیکو بود و حلوائیکه مغز
بادام یا مغز جوز در و باشد منفعت بود که بدو رسد از مردی بخیل مغربی رحمة الله علیه گوید حلوا کردن در خواب دلیل که
بقدر آن مال حلال و روزی حلال یابد و اگر بیند که در وی زعفران بود بهتر بود و حلوا فروش در خواب مردی
شیرین سخن بود **حمال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حمال در خواب خداوند جاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری

سنگین است که آن بار ملک او بود دلیل که بقدر آن بار او را راحت و خیر و منفعت رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود
که او را از آن بار گزند رسید دلیل که گناه کند و عاصی شود قوله تعالی لیحملوا اوزارهم کاملة یوم القیمة مغربی رحمة الله گوید اگر
بیند که حمالی از بهر دیگران میکرد بی اجرت دلیل که با خلق خدای خیر و احسان کند و اگر بیند که حمالی میکرد و مزد میگرفت با وی غم و اندوه
بود **حنا** کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که بر دست و پای حنا نهاده دلیل که خویشتن را بیاراید و لیکن در دین کراهیت بود و بعضی
معبران گویند که حال خویشان از وی پوشیده نماند و اگر این خواب کسی دیگر بیند که او را خضاب بستن نشاید دلیل که غم بوی رسد و زود
فرج یابد حضرت صادق رضی الله عنه گوید خضاب بستن در خواب بر سه وجه بود یکی آرایش خویشان دوم ستر اهل بیت سیم غم و اندوه
حنوط بوی خوش باشد که بر مرده کنند ابن سیرین رح گوید اگر بیند که حنوط بر وی پراکندند دلیل که تایب گردد و در پناه حقتعالی
باشد و اگر این خواب کسی مصلح بیند از غم و اندوه فرج یابد و از ترس ایمن گردد کرمانی رح گوید که حنوط خوش بوییدن ستایش مردم
بود با خطر بجهت آنکه بعضی از معبران گویند که نیکنامی بود بر اهل میت بر اندازه حنوط **حوض** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اصل حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند در حوض آب پاک صافی خورد دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خود را
بآب حوض می شست دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصیان باز ایستد و اگر بیند که آب حوض همه خورد دلیل که عمر بسلامت
گذراند و دانش زیاده شود کرمانی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در حوض بشست دلیل که اهل بیت او توبه کنند و براه دین
در آیند و اگر بیند که جامه در حوضی می شست و پلیدی در زیر آب ظاهر شد دلیل که بعلم کار نکند و اگر بیند که بکناره حوض سبزه
رسته بود دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض ملک او بود و اگر بیند که آب حوض
زیاده شد بی آنکه از جائی در حوض آب آید دلیل که مال و علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض تیره و تلخ
بود دلیل بر غم و اندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آب حوض میخورد دلیل که مال یابد از مردی توانگر و عاقبت
وی محمود بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حوض در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی با منفعت دویم مردی توانگر سوم
مال جمع کردن چهارم عالمی که مردم از علم وی نفع یابند **حوض کوثر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که قیامت برخاست و
خلق را بنزدیک حوض کوثر طلب میکردند دلیل که پادشاهی پیدا شود که میان خلق عدل و داد پیدا کند و اگر بخواب بیند که از حوض کوثر یکجام آب
خورد دلیل که مرگ وی بر مسلمانی بود و اگر بیند که پیرامن حوض کوثر می گشت و آب میخواست و او را آب ندادند دلیل که دشمن یاران پیغمبر صلی الله علیه وسلم
باشد و اگر بیند که پیغامبر صلعم او را از حوض کوثر آب داد و بخورد دلیل که از شفاعت پیغمبر صلی الله علیه وسلم بهره یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نام وی بر
حوض کوثر نبشته بود و جامی بستد و آب میخورد دلیل که او را با عالمی صحبت افتد و از وی منفعت دو جهانی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از
حوض کوثر آب میخورد و آب تیره بود دلیل که بیننده خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر بخواب بیند که حوض کوثر
بدان صفت بود که در اخبار آمده است و او از جمله آب کوثر بخورد دلیل که او را نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محلی باشد و از جمله
بزرگان دین گردد **حیض** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حیض در خواب مردان را ابتلا باشد در معیشت و زنان را زیادتی

این آیه در سوره نحل

حنا

حنوط

حوض

حوض کوثر

حیض

مال اگر بیند که حائض شد دلیل بر فساد و حرام باشد و معبران گویند اگر بخواب بیند که حائض شد دلیل بر اندوه و سختی بود و اگر زنی
بیند که حائض شد دلیل که بقدر خون حیض مال حرام حاصل کند و اگر مردی بیند که زنش حائض شد دلیل که کار دنیا بروی بسته شود و اگر
بیند که صاحب خواب مستور بود دلیل که در دین تحیر کرده و اگر بیند که زنش از حیض پاک شد و غسل کرد دلیل که کارهای دنیا بروی
گشاده گردد والله اعلم **حرف الخاء** **خاج** ابن سیرین گوید اگر بیند که خاج بخرید یا کسی بوی داد دلیل که در دین
وی خلل باشد و میلش بکافران بود و اگر بیند که خاج در گردن داشت دلیل که اعتقادش نادرست بود و اگر بیند که خاج
می پرستید دلیل که در ذات خداوند تعالی مشرک گردد و اگر بیند که خاج بدو دادند و او بشکست یا از خانه بیرون انداخت دلیل که
دین اسلام در دل وی محکم و استوار گردد و کافران را دشمن گردد و اگر بیند که خاج را بوسه داد و عزیز داشت بخلاف این بود **خار** در خواب
وام بود و اگر بیند که خاری در اندام او شد یا کسی خاری بوی زد دلیل که از کسی وامی بستاند و بقدر رنج خار از وی سخن تلخ شنود
و اگر بیند که او خار در اندام کسی زد دلیل که او کسی را وام دهد و سخن تلخ آنکس را گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خار بسیار
داشت و پایش را از آن خارها گزند میرسید دلیل که وام دار شود و عاقبت وام ها بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید خار
در خواب بر سه وجه بود یکی وام دوم دشنام سیم دشواری کارها **خارپشت** جابر مغربی رحمة الله علیه گوید خارپشت در خواب
دشمنی زشت دیدار بود و اگر بیند که خارپشت را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت خارپشت بخورد دلیل که بقدر آن
مال دشمن میخورد و اگر بیند که خارپشت او را بگزید دلیل که او را از دشمن مضرت رسد خاصه چون بیند که از آن زخم خون میرفت
خارش تن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خارش تن پدید آمد دلیل که طلب خویشان کند و از بهر ایشان
غم و اندوه خورد کرمانی رحمة الله گوید خارش اندام دلیل بر جستن احوال خویشان و اهل بیت و غم و رنج کشیدن از ایشان باشد
جعفر صادق رضی الله عنه فرماید خارش تن اگر زحمت دهد او را از خویشان مضرت رسد **خاشاک** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید خاشاک بخواب دیدن مال و نعمت بود مردم عامه را اگر بیند که خاشاک در خانه ایشان بسیار بود و او در میان خاشاک مقیم شد
دلیل که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که خاشاک او را باد برد یا آتش بسوخت دلیل که پادشاه مال وی را بستاند و اگر بیند که خاشاک در زیر
دیگ یا زیر تنوری می سوخت دلیل که مال خود هزینه کند و اگر بیند که خاشاک از صحرا می آورد و بخانه می برد دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر
بیند که در شهری یا در کوچه باد خاشاک می آورد دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن نیز خیر و منفعت رسد **خاک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاک در خواب
دیدن اندک و بسیار درم بود و اگر بیند که در خانه او خاک بود دلیل که بقدر آن خاک درم یابد ولی رنج بوی رسد و اگر بیند که بر خاک میرفت یا خاک
میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر میداشت اینجمله دلیل بر مال بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خاک از خانه میکشید و به بیرون خانه پراکنده میکرد
دلیل که مال خود تلف کند و اگر بیند که خاک از دست می افشاند دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معبران گویند که از مال تهی دست بماند جعفر
صادق رضی الله عنه فرماید خاک در خواب بر پنج وجه بود یکی مال دوم منفعت سیم شغل چهارم فایده از قبل پادشاه پنجم فایده از قبل
رئیس **خاکستر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاکستر در خواب مال باطل بود از قبل سلطان که بر کسی باقی نباشد

و معبران گویند که علمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید خاکستر در خواب بر نه وجه بود یکی علم
نا پذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت پنجم فسق ششم مکر و حیلت هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاری که در آن خیر نبود
قوله تعالی مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ **خامه** قلم باشد اگر بیند که قلمی فرا گرفت
یا کسی بوی داد دلیل که علم حاصل کند و کارش راست شود و مرادش بر آید و اگر بیند که بقلم چیزی می نبشت اگر آن نبشته خیر بود دلیل بر
نیکوئی کند و اگر شر بود دلیل بر فساد کند اگر بیند که بد و قلم می نبشت دلیل که غایبی که در سفر دارد زود باز آید کرمانی علیه الرحمه گوید اگر
کسی در دست خود قلم نبشتن بیند اگر از اهل علم بود دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر بیند که بقلم چیزی می نبشت و میخواند
دلیل بر مرگ وی بود قوله تعالی اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا و اگر آنچه نبشت موافق کتاب اهل سنت و
جماعت بود دلیل که عز و جاه یابد و اگر بیند که قلم در دست وی بشکست اگر عالم بود دلیل که حرمتش کم شود و کارش بی رونق گردد و اگر
بیند که بقلم شکسته می نبشت و اگر آنچه نبشت از شمار چهار پایان بود و یا از شمار پرنده گان تاویل آن بگوهر و صورت و طبع وی باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید قلم در خواب بر هفت وجه بود یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرهنگ پنجم ولایت ششم راست تدبیر هفتم
چیزها بکام و مراد **خانه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خانه مرد در خواب زن بود اگر بخواب بیند که خانه با ستون ها از جای بر خاست
دلیل که زنی خواهد که با مروت و کرم بود و اگر بیند که در خانه نو شد دلیل که زن توانگر خواهد و توانگر شود و اگر بیند که خانه مفرد بگچ اندوده
بود و ندانست که آن خانه از آن کیست دلیل که صاحب آنخانه از دنیا برود و اگر بیند که در خانه گریخته بود و در آن خانه غلق کرده بود
و آن خانه بخانهای دیگر پیوسته دلیل که از رنج و سختی رسته گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر بیند که در خانه خود بشکست دلیل که مال هزینه
کند و اگر بیند که خانه وی از آن بزرگتر شد که بود دلیل که مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بود دلیل که مال و نعمت بر وی
تنگ گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خانه او بیفتاد یا دیوار خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر بیند که خانه وی بی سببی
خراب شد دلیل که مال و درمش حاصل شود و اگر بیند که خانه آهنین است دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که در خانه او سیمین بود دلیل که او را
توبه باید کرد قوله تعالی لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ و اگر توانگر بود دولت وی زیادت شود و اگر بیند که پیرامن
خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تباه گردد **خرابی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی
از بالا بر شدن است و اگر بیند که در خرابی فرو شد دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمها فرج یابد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر در سرائی یا در خانه خانهای بسیار پدید آمد دلیل که در آنجا غم و اندوه و مصیبت بود **خاکبیز** مشارقه بود
دلیل دیدن خاکبیز در خواب بر قومی منهی کند و اگر بیند که خاکبیزی بسیار داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را با منهیان قومی صحبت
افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خاکبیز کسی را بزد و منهی را مقهور کند و اگر بیند که خاکبیز او ضایع شد دلیل که از منهی
جدا افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی آهنگری نداند و بیند که خاکبیز بر سندان میزد دلیل که میانه دو منهی سخن چینی
کند و دشمنی افکند **خایه مرغ** دانیال علیه السلام گوید خایه مرغ بخواب دلیل بر کنیزک بود و اگر بخواب بیند که ماکیان پیش او خایه

این آیه در سورهٔ ابراهیم است

خامه

این آیه در سورهٔ بنی اسرائیل است

خانه

این آیه در سورهٔ زخرف

خرابی

خاکبیز
بیختن سرند

خایه مرغ

کرد مجهول ببیند و نداند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روزگاری در آن زن باشد و اگر بیند که خایه مرغ پخته میخورد دلیل که
برنج و تعب مالی بدست آورد و اگر بیند که خایه مرغ نیم پخته میخورد دلیل که مال حرام خورد و رنج و غم بوی رسد و اگر بیند که خایه با پوست
خورد دلیل که کفن مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه همی کرد دلیل که زن بسیار بخواهد و بجماع حریص بود و اگر بیند
که بر خایه نشست چنانکه مرغان نشینند دلیل که با زنان نشیند و فایده یابد و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ آن
خایه بیرون افکند دلیل که کار مرده او زنده گردد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مومن بود و اگر بیند که خایه بشکست
دلیل که دختر بیاید و شیر کی بستاند و اگر بیند که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آیند و خایه بط فرزند
درویش و بیچاره بود و خایه پنجشک دلیل بر خرمی بود **خایه آدمی** ابن سیرین گوید اگر بیند که خایه او بزرگ شد دلیل که قوت و
فرزند و مالش زیادت شود و اگر بیند که هر دو خایه او کوچک شدند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که خایه او بریده است دلیل که دشمنان
بروی ظفر یابند و اگر بیند که خایه خود بکسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرامزاده بود که نسب وی از کسی دیگر باشد و اگر بیند که
خایهاش آماسیده بود و یا باد برشده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را از دشمن بیم بود و اگر بیند که خایهاش دراز شد چنانکه بر
زمین میکشید دلیل که مال بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که خایهای کسی بخشید دلیل که هر دو با زنان یکدیگر فساد می کنند و اگر بیند
که پوست خایه خود بخشید دلیل که کسی بر فرزند وی ستم کند و اگر بیند که کسی خایه وی سخت بگرفت دلیل که خبر مرگ فرزند شنود و اگر او را
فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بیند که خایه از بن ببرید دلیل که قوتش بریده شود و اگر بیند که خایهای وی بریسمان
یا بچیزی دیگر بسته بودند دلیل که کارها بر وی بسته گردد مغربی گوید خایه مردم در خواب دلیل بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود
اگر بیند که خایه وی نقصان بود دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که خایه چپ وی بیرون کشیدند دلیل که هلاک شود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم مال سوم اهل بیت چهارم عز پنجم بزرگی ششم طالب
حاجت هفتم مراد یافتن **خایه مرغ آبی** بر چهار وجه بود یکی مراد یافتن دوم زن خواستن سوم کنیزک خریدن چهارم فرزند آوردن
خبه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خبه کرد دلیل که غمگین شود و در عملی معزول گردد و اگر بیند که کسی را خبه کرد دلیل بر غم و
اندوه بود و بعضی از معبران گویند تنگ عیشی بود **ختنه کردن** ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که ختنه کرد دلیل که سنتی بجای آورد که او را پاک
گرداند از گناهان و اگر بیند که بهنگام ختنه خون از وی روان شد دلیل که در آن سنت ثابت بود و از گناهان توبه کند و اگر بیند که چون ختنه میکرد و
نظر بر ختنه داشت دلیل که غم و اندوه وی را بسیار رسد کرمانی گوید اگر بیند که او را ختنه کردند دلیل که از گناهان پاک گردد و اگر ختنه کرده باشند
دلیل که راه مسلمانی و سنت پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیادت شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید ختنه کردن در خواب بر پنج وجه
بود یکی سنت بجای آوردن دوم فرزند سوم نیکوئی چهارم رامش پنجم جدائی از زن و فرزند **خربزه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خربزه در
خواب بیماری بود و سبز و شیرین بعافیت و منفعت بود چون بوقت خود بیند و خربزه خرد نیکوتر از بزرگ بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید خربزه سبز در خواب دلیل بر زوال غم و اندوه بود و اگر بیند که خربزه بسیار پیش وی نهاده بود دلیل که باندهی

خایه آدمی
خایه مرغ آبی
خبه کردن
ختنه کردن
خربزه

گرفتار گردد مغربی رح گوید خربزه در خواب چون بوقت خود بیند زنی بود با منفعت بسیار و عیش خوش جعفر صادق رضی الله عنه گوید
خربزه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت پنجم عیش خوش خاصه که چون خربزه شیرین بود **خرچنگ**
در خواب دلیل بر مرد دون همت بود اگر بیند که خرچنگی بگرفت دلیل که با کسی دون همت بدخوی مصاحب گردد و اندک مایه از وی نفع یابد
و اگر بیند که خرچنگی را بکشت یا دور انداخت دلیل که از بدخوئی دون همت جدا گردد و اگر بیند که گوشت خرچنگ میخورد دلیل که بقدر آن
مال حاصل کند کرمانی رح گوید اگر بیند که خرچنگی داشت دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشخوی باشد که از وی نیکی باشد **خر**
دانیال علیه السلام گوید خر در خواب دیدن بخت و بزرگی بود و نیکی و بدی خر به بیننده خواب بازگردد اگر بیند که خری ملک وی شد یا در وثاق
وی آمد و او خر را بگرفت و ببست دلیل که در خیر بروی گشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خر بسیار بیند دلیل که نعمت و مال او زیاده
گردد و بهترین خرهائی که بخواب بیند آنست که مطیع او بود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بر خری سیاه نشسته بود دلیل که مهتری و
بزرگی یابد و اگر بیند که بر خر سیاه نشست دلیل که عز و جاهش بیفزاید و اگر بیند که بر خری سبز نشست دلیل که عابد و زاهد گردد و اگر بیند
که بر خری سرخ نشست دلیل بر عیش و عشرت بود و اگر بیند که بر خری زرد نشست دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بر خر ماده آبستن
بنشست دلیل که خیر و خرمی بود و اگر بیند که گوشت خر میخورد دلیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر بیند که خر خود بکشت و گوشت او
بخورد دلیل که مال خود هزینه کند و اگر بیند که از نشست او خر بمرد دلیل که او بزودی بمیرد و اگر بیند که از خر خویش بیفتاد دلیل که
درویش و تنگ عیش شود و اگر بیند که از خری که ملک او بود بیفتاد دلیل که از کسی مضرت و زیان یابد و اگر بیند که از خر فرود آمد و دیگری
بر خر نشست دلیل که مال خود در نفقه کند و اگر بیند که از بهر کاری از خر فرود آمد دلیل که کاری و حاجتی که طلب کند زود مهیا گردد
کرمانی رح گوید اگر بیند که شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و اگر بیند که خری خرید و بهای او نداد دلیل که راحتی یابد بسبب بختی
که با بزرگی بگوید و اگر بیند که خر وی یک چشم داشت یا چشمش ضعیف بود دلیل که بدشواری طلب معیشت بود و اگر بیند که خری داشت و آن
خر هر دو چشم نداشت دلیل که مالیکه دارد ضایع شود و اگر بیند که دست و پای خر وی بسیار بود و دراز شد دلیل که او را تبع بسیار شود و اگر
بیند که خر وی بمرد و او بر خری دیگر نشست یا خری که داشت بفروخت و خری دیگر بخرید دلیل که معیشت وی از حالی بحالی گردد و اگر
بیند که خر وی استر شد دلیل که معیشت وی از سلطان بود و لیکن بظلم و اگر بیند که خری گوسفندی شد دلیل که مال حلال یابد و اگر بیند
که خر وی مرغی شد دلیل که معیشت وی از چیزی باشد که بدان مرغ منسوب باشد و اگر بیند که خر وی دزد ببرد دلیل که زن وی
بفساد شهوت یابد و کار او با زن بفراق انجامد و اگر بیند که خر وی قوی و توانا بود دلیل که کار و کسب دنیا بر وی آسان گردد
و اگر بخلاف این بیند دلیل که کار و کسب دنیا بر وی تنگ شود و دشوار گردد و اگر بیند که بر خر خرواری بار نهاد و او بالای بار نشسته بود دلیل که
توانگر گردد و اگر بیند که با خری مجامعت کرد دلیل که مرادهای خود بیابد و اگر بیند که خر را برپشت بگرفت و از آبی بگذرانید دلیل بر
قوت حال و بزرگی بر بخت و اقبال بود و اگر بیند که خری بانگ کرد دلیل که نیکو نباشد قوله تعالی اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ
الْحَمِيْرِ مغربی رح گوید اگر بیند که بر خری نشسته بود و آن خر زیر او بانگ میکرد دلیل که عیالش بدخوی باشند

واگر بیند که خری داشت و با خر دیگر بدل میکرد و از خر وی بدتر بود دلیل که حالش بدتر گردد و اگر از خر وی بهتر بود حالش نیکوتر شود
و مالش زیاده شود و اگر بیند که خر خود با اسپی یا استری بدل کرد دلیل که از پادشاه مال و منفعت یابد و اگر بیند که با ودی بدل کرد دلیل که از پادشاه
ستمگر چیزی بوی رسد و اگر بیند که خر خود با مرغی بدل کرد دلیل که بقدر و قیمت مرغ چیزی بوی رسد جعفر صادق ع گوید که دیدن خر در خواب
بر ده وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم فرمان روائی چهارم ریاست پنجم مال ششم زن یا کنیزک هفتم شادی هشتم اقبال نهم
بزرگواری دهم مرتبت و خر بنده در خواب دیدن خداوند ولایت و تدبیر بود و راست کننده کارها و مهیا دارنده معیشت **خر گور**
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خر گوری بوی رسید دلیل که غنیمتی بوی رسد و اگر بیند که خر گور نشسته بود و آن خر گور مطیع او بود دلیل که عاصی
و گنهکار بود و اگر بیند که خر گور را دید جنگ و نبرد میکرد دلیل بر سختی کار و رنجی بود که بوی رسد و اگر بیند که خر گور شکار بگرفت دلیل
بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که دو خر گور با هم جنگ میکردند دلیل که دو مرد فاسق از بهر وی با همدیگر جنگ کنند و اگر بیند که خر گوری
بخانه آورد دلیل که فاسقی را بخانه آورد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن خر گور در خواب مردی جاهل احمق بود و او را علم و خرد نباشد
قوله تعالی أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ اگر بیند که گوشت خر گور میخورد دلیل که مال بسیار یابد و اگر بیند که بر خر گوری نشسته بود
و بصحرا دوید دلیل که کاری طلب کند و نیابد و اگر بیند بر خر گوری نابینا نشسته بود دلیل که مالی بی اندازه یابد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن پوست
و گوشت خر گور در خواب غنیمت و مال بود و عز و جاه اگر بیند که مغز خر گور بیافت دلیل که هزار درم یابد یا او را با مهتری صحبت افتد و از وی خیر و
منفعت بیند و اگر بیند که سر خر گور میخورد دلیل که عبادت بسیار میکند و راه دین ورزد و اگر بیند که خر گور از وی میگریخت دلیل که از مسلمانان
مفارقت جوید **خردل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خردل در خواب دلیل بر اندوه و اندیشه باشد و اگر بیند که خردل خورد دلیل که نقصان
مال بود یا برنج و بیماری گرفتار شود و مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن خردل در خواب دلیل بر مصیبت و خصومت و بیماری بود **خرس**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرس در خواب دشمن فرومایه و احمق بود و اگر بیند که بر خرس نشسته بود دلیل که از پادشاه خواری یابد و اگر بیند
که خرس را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که گوشت خرس میخورد و پوست با خود داشت دلیل که بیمی بوی رسد کرمانی رحمة الله
علیه گوید که خرس نر در خواب مردی بدبخت و دیوانه باشد و خرس ماده زنی بهمین شکل و خصلت بود و اگر بیند که خرس ماده
بگرفت دلیل که زنی بدین صفت بخواهد و اگر بیند که خرس بخانه وی در آمد اگر نر بود مردی بدین صفت در خانه او در آید و دیدن
خرس در همه حال نیکو نباشد **خرگاه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرگاه بخواب دیدن نیکو بود و اگر بیند که بخرگاه نشسته بود
دلیل که از متاع دنیا چیزی یابد و اگر بیند که خرگاه ملک او بود دلیل که زنی خواهد و اگر خرگاه سبز یا سفید بود دلیل
بر خیر و نیکوئی بود و اگر خرگاه معروف بود و سبز بود و در آن نشسته بود دلیل که دیندار گردد و اگر خرگاه مجهول
بود دلیل که شهید گردد و خرگاه سپید دلیل بر مال و نعمت کند و اگر خرگاه سرخ بود دلیل که بلهو و طرب مشغول
گردد و اگر بیند که خرگاه کبود بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و خرگاه سیاه منفعت اندک بود و اگر خرگاه از آن
او بود تاویل بدو باز گردد **خرگوش** ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که خرگوش گرفت یا کسی بوی داد

دلیل که زنی بد بخواهد یا کنیزکی نابکار بخرد و اگر بیند که پوستین خرگوش پوشید یا گوشت او خورد دلیل که چیزی از زنی بوی رسد و اگر بیند که بچه خرگوش داشت دلیل که او را مالی حاصل شود که در آن خیر نبود و بعضی گویند که رنج و بیماری و اندوه وی از فرزند بود مغربی رح گوید خرگوش در خواب زنی پارسا و خاموش بود و اگر بیند که خرگوش او بمرد یا بکشت دلیل که سبب هلاک زن او بود یا بسبب عیال او را زحمتی برسد و اگر بیند که گردن خرگوش از روی قفا در پیچید چنانکه او را خبه کرد دلیل که زن خود را از راهی دیگر مجامعت کند **خرما** ابن سیرین رح گوید که خرما در خواب مال و خواسته بود و اگر بیند که خرما خورد اگر از اهل علت دلیل که علتش زیاده گردد و اگر بازرگان باشد دلیل که مالش زیاده شود و اگر بیند که خرما خورد و دانه اش بیرون انداخت دلیل که احکام شریعت بجای آورد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که خرما خورد دلیل که میراث یابد و اگر بیند که خرما نارسیده خورد دلیل که میراث فرزند خود خورد و اگر بیند که در خانه او درخت خرما بود و بار بسیار داشت دلیل که با بزرگی پیوستگی کند و از وی منفعت یابد و اگر بیند که آن درخت خرما از بن خشک شد دلیل که میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که در سرای او خرما خشک بود و سبز گشت اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد و اگر بیند که بن خرما ببرید دلیل که کسی از اهل او بیمار گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خرما تازه داشت دلیل که مال بسختی حاصل کند و معبران گویند که خرما در خواب منفعت باشد که از شهری بوی رسد و اگر بیند که در خانه و منزل خود خرما بسیار داشت دلیل که بقدر خرما متاع و مال حاصل کند و اگر بیند که خرما تازه یا خشک میخورد دلیل که حلاوت ایمان یابد و کارش بنظام گردد و اگر بیند که بن خرما می برید دلیل که کار یکی در دست دارد از دستش بریده شود مغربی رح گوید اگر بیند که خرما داشت دلیل که زنی توانگر خواهد و بقولی دیگر مال یابد و اگر بیند که از خرما انگور بسیار بود و فرا گرفت دلیل که از کنیزکی سیاه فرزندی آرد و اگر بیند که از خرمای خشک خرمای تازه فرا گرفت دلیل که سخنی لطیف از مردی منافق شنود و بعضی گویند که از مردی جاهل سخن مفید شنود و اگر صاحب خواب غمگین بود از غم فرج یابد قوله تعالی بجذع النخلة تساقط علیك رطبا جنیا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرما در خواب مال حلال از قبل رئیس کریم بود و خرما خشک در خواب دلیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرمای تازه روشنائی چشم و مال حلال و فرزند نیکی بود **حکایت** شخصی پیش ابن سیرین رحمة الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت فردا ترا اینجا چهل چوب بزنند و چنان بود و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت چهل هزار درم بیابی گفت پار سال تعبیر این خواب بگونه دیگر بود امسال چون است که بخلاف آنست گفت پارسال خرما بر درخت نبود تاویل آن چوب بود و امسال خرما بر درخت است و درختان سبز و تازه اند تعبیر آن چنین باشد بعد از یکهفته آن شخص چهل هزار درم یافت **خرمن گرفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و تعب مال حاصل کند و آن مال بگزاف هزینه کند و اگر بیند که کشت و درود در خرمن در آورد دلیل که مال برنج حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خرمن غله بخرید یا کسی بوی داد دلیل که زنی خواهد و بعضی گویند که او را با مردی صحبت افتد که مال برنج و تعب حاصل کند **خرنوب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرنوب در خواب مردی باشد که مال بسختی و رنج بدست آورده باشد اگر بیند که خرنوب خورد دلیل که مال خود برنج حاصل

کرده باشد و بخورده و اگر بیند که خرنوت از وست جمع میکرد دلیل که از مردی بخیل بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که خرنوت
بآتش می سوخت دلیل که پادشاه مال و ملک بستاند **خروس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خروس داشت و دانست که
ملک اوست دلیل که مرد عجمی که بنده زاده او بود او را قهر کند و اگر بیند که خروس را بکشت دلیل که بر بنده زاده ظفر یابد و اگر بیند که با خروس
جنگ میکرد دلیل که با مرد عجمی خصومت کند و اگر بیند که از خروس او را گزندی رسید دلیل که از عجمی او را مضرت رسد و اگر بیند که خروس بچه یافت
دلیل که غلامی کوچک یا پسری از کنیزک او را حاصل آید و اگر بیند که بانگ خروس می شنید دلیل که نیکی و خیرات کند و اگر بیند که خروس
بروی می جست دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و خایه خروس در خواب غلام بود و اگر بیند که کسی خروس بچه بوی داد دلیل که غلامی
بوی بخشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که خروسی داشت دلیل که او را پسری آید یا او را با مردی مؤذن صحبت افتد چنانکه
رسول صلّی الله علیه وسلّم فرمود اَلدِّیکُ مُحِبِّیْ وَهُوَ یَدْعُوْ اِلَی الصَّلٰوۃِ یعنی خروس دوست منست که مردم را بنماز میخواند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بر خروس دست یافت دلیل که بر مهتر زاده دست یابد و بروی غلبه کند و اگر بخواب بیند که
تخم خروسی یافت و بشکست دلیل که بر مهتری و یا خوردی دست یابد **خرید و فروخت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرید و فروخت
در خواب نیک باشد زیرا که بدرم و دینار کنند و اگر کالا بکالای معاوضه کند دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد **خز** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید خز در خواب جبه دستار و کلاه آنچه درین ماند جمله مردان را پسندیده باشد و رنگ این جامها اگر بر یک صورت بود نیکو
بود و اگر نبود دلیل غم و اندوه بود و رنگ سبز بر جامها نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خز در خواب کسی را که شرای خز بود
بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دوم خیر و برکت سوم عز و جاه چهارم مرتبت باندازه و قیمت پنجم ریاست و بزرگی کرمانی ر
گوید پوشیدن جامه خز در خواب دلیل بر مال حرام کند معبران گویند مردان را ابریشم در خواب دیدن بد باشد و زنان را نیک باشد و مرد
خز فروش کسی باشد که دنیا را بدین اختیار کند **خسته کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن او را کسی بخست و از وی خون
بیرون آمد دلیل که خسته کننده او را سخنی راست گوید چنانکه باشد که جواب نتواند کرد و اگر بیند که از آن جراحت خون نیامد دلیل که
او را سخنی گوید که دروغ باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تیغ بر وی دو نیم کرد او را دلیل که پیش او سخنی گوید و بر وی طعنه زنند
و اگر کسی در خواب خستگی بسیار بر تن خود ببیند دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید خستگی بسیار بر تن نقصان
مال بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید خستگی در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم منفعت سوم سخن ناخوش **خشت** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید خشت در خواب مال جمع و مجموع باشد چنانکه هر خشتی هزار درم نهاده اند اگر بیند که خشت بسیار جمع کرد دلیل که او را مال
بسیار جمع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خشت از دیوار می تراشید دلیل که مال خداوند دیوار ببرد و اگر بیند که
خشت پاره پاره کرد و پراکنده دلیل که مال خود را پراکنده و تلف کند مغربی رحمة الله علیه گوید خشت پخته در خواب بد بود
زیرا که آتش بوی رسیده است بدان سبب دلیل بر غم و اندوه بود **خشم گرفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسی
خشم از بهر دنیا گرفت دلیل که کار دین را حقیر و خوار دارد و بدنیا مغرور شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پدر و مادر بروی

خروس
خرید و فروخت
خز
خسته کردن
خشت
خشم گرفتن

خشم گرفتند دلیل که از جائی بلند افتد قوله تعالی وَمَنْ یَحْلِلْ عَلَیْهِ غَضَبِی فَقَدْ هَوَی **خصومت** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که با کسی خصومت کرد و بر وی غالب شد دلیل که سرانجام کار غالب گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که دشمن بر وی غالب شد
تاویلش بخلاف این بود کرمانی علیه الرحمه گوید اگر بیند که با والی اندیار خصومت کرد و بر وی غالب شد دلیل که از والی بدو خیر و منفعت
رسد و اگر بخلاف این بیند از والی رنج بیند و اگر بیند که پیش پادشاه بخصومت رفت دلیل که حاجتش روا گردد مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که با مردم بی سببی خصومت کرد دلیل که مردم از وی اندوهگین گردند زیرا که آزار مردم جوید **خصی کردن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود را خصی کرد دلیل که حاجتش روا گردد و بعضی معبران گویند که فرزندش بمیرد والا بطاعت باری
سبحانه و تعالی راغب باشد و توانگر شود و اگر کسی مجهول خصی بیند دلیل که آنکس پسندیده و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد
که او را براه خیر و صلاح خواند یا بخیرات مژده دهد زیرا که فرشتگان را شهوت نیست و اگر بیند که در سخنش علم و حکمت نیست
آن کس فرشته نباشد و اگر آن کس که دید خصی بود و معروف بود آنچه از نیک و بد دید تاویلش بر وی باز گردد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که خایه وی بریده شد و بیفتاد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی معبران گویند بریدن خایه در خواب بریدن دختران
بود یعنی پس از آن او را دختری نبود زیرا که خایگان دختر بود و اگر بیند که خایه خود بدر آورد و بکسی داد دلیل که دختران بکسی دهد مغربی
علیه الرحمه گوید اگر بیند که بی سببی خصی شد دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضیبش از تن بریده شد همین تاویل دارد و نامش از میان
مردم گم شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خصی در خواب بر سه وجه بود یکی دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم عبادت +
خضاب کردن دانیال علیه السلام گوید خضاب کردن بریش پوشیدن کارها باشد اگر بیند که سر را یا ریش خضاب کرد و
رنگ نمیگرفت دلیل که ظاهر بمردم نماید و اگر بیند که خضاب کرد دلیل که کارش نیکو شود اما کارهای او پوشیده ماند ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خضاب چیزها میکرد که مردم آنرا میکردند دلیل که خود را بچیزهای محال و کارهای ناپسندیده دهد و اگر بیند که دست
پای بحنا خضاب کرد دلیل که مال از دست رفته او باز آید و اگر بیند که هر دو دست بحنا خضاب کرد دلیل که فرزندان خود را بیار
بازایستی که خلاف شرع بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست خود را نگار کرد و بحنا خضاب کرد دلیل که خداوند مکر و حیلت بود
در کسب و عمل خویش و اگر بیند که نگار روی ناهم شده بود دلیل بود که او را عزیزی بمیرد یا خود هلاک شود و اگر این خوابها زنی بیند شادی
و خرمی بیند اسمعیل اشعث علیه الرحمة گوید اگر بیند که دست و پای خود بحنا خضاب کرد دلیل کاری کند که مردم بروی افسوس کنند و
اگر بیند که سر انگشتان را خضاب کرد دلیل که تسبیح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی
کار شایسته دوم آرایش حال دنیا سوم طلب عز و جاه چهارم معروف شدن بدروغ **خطبه خواندن** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که بر سر منبر خطبه میخواند و از اهل خطابت بود دلیل آنکس عز و بزرگی یابد و اگر از اهل خطابت نبود دلیل که بسفر رود و دو رنگ
بسیار کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر توانگر بود درویش گردد و اگر بیند که بی دینی خطبه میخواند دلیل که مسلمان شود یا بمیرد کرمانی
گوید اگر بیند که پادشاهی بر سر منبر خطبه میخواند اگر پادشاه مصلح بود دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود دلیل که تائب

کرددواگر بیند که زنی بر سر منبر خطبه میخواند ومردم را پند میداد دلیل که شوهر او رسوا شود وفضیحت شود ومغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند

که درمیان خطبه تروتیج میخواند دلیل که با همه کس خیر واحسان کند وخیر وصلاح ومنفعت یابد **خطمی** ابن سیرین رحمة الله

علیه گوید خطمی بوقت خود درخواب دیدن منفعت بود وبیوقت غم واندوه بود وخوردن آن مضرت ونقصان بود وسر شستن بآن

دلیل بر توبه وپاک دینی بود **خفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خفتن درخواب مرده را وکسی را که پوشیده بود راحت ورستگاری

بود واگر بیند که بر تختی خفته بود دلیل که بزرگی یابد وازراه دین وپرهیزکاری بی‌خبر بود زیرا که خفتن غفلت بود درراه دین واگر

بیند که درجایگاهی بر بستر خوابیده بود دلیل بر حقارت وخواری بود وکرمانی علیه الرحمة گوید خواب ترسنده را ایمنی بود ومرده را

آمرزش وبیمار را شفا وزندانی را خلاصی بود ومغربی رح گوید اگر بیند که درمیان مردگان خفته بود ومردم او را دیدند دلیل که

درمیان مردم شهرت یابد بقوله تعالی وتحسبهم ایقاظا وهم رقود **خلال کردن** ابن سیرین رح گوید خلال کردن در

خواب نیکو نباشد زیرا که دندانها درخواب اهل بیت بود وخلال مانند جاروب که مال اهل بیت میرود واگر بیند که خلال میکرد دلیل که

بقدر آن که از دندان بیرون می آید نقصان اهل بیت می باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آنچه بخلال از بن دندان برون

آورد وبکسی داد دلیل که از مال اهل بیت خویش بناحق بستاند وبکسی دهد **خلعت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلعت

درخواب چون پاکیزه وخوب بود دلیل عزت یافتن ومرتبت ریاست ومملکت باشد وزن وکنیزک وحکم تاویل بقدر قیمت

خلعت دهنده بود وکرمانی رح گوید اگر بیند که پادشاه بدو خلعت داد دلیل که از آن پادشاه بقدر آن خلعت مال یابد واگر بیند که

عالمی وی را خلعت داد دلیل که از آن عالم وی را علم ودانش حاصل گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند خلعتی بدو داد سفید

بود یا سبز دلیل که عز وجاه دینی یابد واگر دیبا یا جامهٔ ابریشمین بود دلیل که عز وجاه دینی ودنیا یابد **خرقه** جامهٔ کهنه وپوشیدن

آن غم واندوه بود واگر بیند که جامهٔ خرقگان از تن خود بیرون کرد دلیل که غم واندوه از وی دور شود وهمه چیزها نو بخواب دیدن نیکو

باشد مگر موزه کهنه که از نو بهتر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی درخواب خرقه فروشی کند بد باشد واگر جامه نو خود بفروشد نیکو باشد

وخرقه فروش درخواب مردی بود که بدی از خود دور کند **خلم** مخاط باشد که از بینی بیرون می آید اگر بیند که از بینی او خلم می آید دلیل که وام گذارده

شود واز غم واندوه رسته گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلم درخواب دلیل بر فرزند بود واگر بیند که خلم بر جامهٔ وی افتاد دلیل که او را

پسری آید واگر بیند که خلم از بینی وی بر زمین افتاد دلیل که او را دختری آید واگر بیند که خلم بر زمین انداخت دلیل که زنش آبستن گردد

وفرزند از شکم بیندازد واگر بیند که زنش خلم بر وی انداخت دلیل که بر زن همسایه فساد کند واگر بیند که خلم خورد دلیل که مال فرزند را خورد بوجهی

نیک **خلیفه** ابن سیرین رح گوید اگر کسی درخواب خلیفه روی گشاده بیند دلیل که خیر دینی ودنیاوی بوی رسد واگر بیند که خلیفه او را کاری

فرمود از کارهای خاص دلیل که عز وبزرگی ومرتبت یابد واگر بیند که خلیفه او را ولایتی داد واگر از مسلمانان بود دلیل که شرف وبزرگی یابد واگر

بیند که درسرای خلیفه شد دلیل که از مقربان وی شود واگر بیند که خلیفه از متاع دنیا چیزی بوی داد دلیل که منزلت یابد ودرمیان

بزرگان نامدار شود وکرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه با وی خصومت کرد از بهر کاری که بشرع تعلق دارد

دلیل که حاجتش روا شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در بستر بجای خلیفه خفته بود دلیل که خلیفه او را زنی یا کنیزکی با مال دهد و اگر بیند که در پس اسپ خلیفه نشسته بود دلیل که در خلافت با او شریک بود و اگر بیند که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه او میرفت دلیل که مقدم در شغلهای وی باشد و اگر بیند که خلیفه با وی ترشروی بود دلیل که در دین وی خلل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه شده است و او از اهل آن نباشد دلیل که او را بکاری فرستند و اگر بیند که خلیفه او را بکاری فرستاد دلیل که وی خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر خلیفه مرده یا زنده بیند و شادمان بود و با وی سخن گفت دلیل که مراد وی حاصل شود و عز و دولت یابد و اگر خلیفه را غمگین بیند تاویلش بخلاف این بود **خم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خم در خواب زنی بود که از قبل او فایده بخانه رسد بقدر بزرگی خم کرمانی رحمة الله علیه گوید خم سیکی یافتن در خواب گنج بود و خم آب زن بود اما زن توانگر باشد و اگر بیند که در خانه خود خم پر آب بود و از آن آب میخورد دلیل که مال بسیار یابد و در راه خیر خرج کند و خم سرکه در خواب مردی پرهیزکار بود و خم سکه و روغن دلیل بر زیادتی مال حلال بود و خم آب کامه دلیل بر مردی بیمار بود و خم نفت دلیل بر مردی فرومایه و جوان بود و خم در خواب دیدن دلیل بر سلطان کند و ریاست اصحاب سلطان **خمیر کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرشتن آرد تباه دل و سستی دین باشد و سرشتن آرد گندم مالی بود که از تجارت حاصل شده باشد و انکه خمیر برخاسته بود دلیل بر فساد کند و سرشتن آرد کاورس در خواب نفع اندک که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خمیر فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد اگر خمیر جوین بود درستی دین و صلاحیت بود و اگر خمیر گندم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خمیر کاورس بود دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خمیر در خواب بر سه وجه بود یکی زیادتی در دین دوم منفعت سوم مال حلال **خبزه** در خبزه سه قول است بعضی گویند خادمه بود و بعضی گویند پیغام بشهرها برد و اوردو بعضی گویند زن بود و اگر بیند که خبزه آبگینه در خانه او ست دلیل که زن را طلاق دهد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خبزه داشت یا کسی بوی داد دلیل که زنی خادمه یا کنیزکی بقدر خبزه او را حاصل شود یا او را با زنی خادمه صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که خبزه او ضایع شد تاویلش بخلاف این بود **خنجر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خنجر در دست داشت دلیل که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که خنجر او بشکست یا ضایع شد دلیل که جنگ و خصومت و عداوت از میان ایشان برخیزد و بصلح انجامد و اگر بیند که خنجر در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد و اگر با خنجر سلاح بسیار داشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و کارش بنظام گردد **خنده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خنده در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که بقهقهه می خندید دلیل که غمش زیاده گردد قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَّلْيَبْكُوا كَثِيرًا و اگر بیند که آهسته خندید دلیل که اندوهش کمتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خندیدن در خواب آهسته دلیل یافتن مراد و بشارت باشد قوله تعالی فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا جعفر صادق رضی الله عنه گوید خنده آهسته در خواب دلیل بر فرزند بود قوله تعالی فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ و خنده قهقهه در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و شگفت آمدن از کار ایزدی قوله تعالی أَفَمِنْ هَٰذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ **خوان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خوانی داشت و در آن مائده بود از آن

خم

سیکی شراب مثلث یعنی سه آتشه ۱۲

نفت قسم روغن ۱۲

خمیر کردن

خبزه

خنجر

خنده

خوان

میخورد دلیل که بقدر آن غنیمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید خوان آراسته در خواب نیک بود چون ناخورده بردارند غم و اندوه
باشد و بسیار خوردن طعام دلیل بر درازی عمر کند و اگر بیند که در خوان طعام سه گونه بود دلیل که روزی او فراخ شود قوله تعالی
ربنا انزل علینا مائدة من السماء و بعضی گویند عز و جاه و شادی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خوان در خواب
بر پنج وجه بود یکی غنیمت حاضر دوم مردی شریف سوم قوت چهارم نظام کارها پنجم عز و خرمی **خود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که خود پولاد بر سر داشت دلیل که جاه و فرزندی بود و قوت او زیاده گردد بقدر روشنی خود و اگر بیند که خود بر سر داشت
دلیل از مهتری قوت گیرد و اگر بیند که خود خود بکسی داد دلیل که آنکس را قوت و حشمت بود و اگر بیند که خود خود بشکست یا ضایع
شد دلیل که عمرش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خود در خواب بر پنج وجه بود یکی قوت دوم مال سوم فرزند
چهارم بقا و نکوئی پنجم خود را از مکر نگهداشتن **خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر خورشی که بوی خوش دارد در خواب
خوردن آن خیر و خرمی بود و اگر بوی ناخوش بود دلیل که شر و بدی بود و سیر و پیاز و گندنا خوردن غم و اندوه بود و
اگر بیند که خورشی تلخ و ناخوش بود دلیل بر درویشی و بیماری بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خورش چون لطیف و شیرین بود خرمی
و شادی بود و چون ترش و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و خوردنی فروش در خواب تاویل خداوند سخن بود **خوشه** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید خوشه در خواب دیدن چون تازه بود فرزند بود و برکت زیادتی مال و چون خوشه خشک بیند فرزندی
بود دلیعمر دراز اما در آنسال تنگی و قحط باشد و خوشه خرما و خوشه انگور بهتر بود خاصه چون بوقت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که خوشه سبز میخورد دلیل که در آنسال او را فراخی عیش بود و اگر خوشها زرد و خشک بیند دلیل که قحط و تنگی بیند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوشه سبز در خواب دلیل بر فرزندان و برکت بود قوله تعالی سبع سنابل فی کل سنبلة
و خوشه خشک قحط بود **خوک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوک در خواب مردی توانگر بقوت بود و لیکن دون همت و بی خیر باشد
و اگر بیند که خوکان در جای نگه میداشت و رها میکرد که پراگنده گردند دلیل که مال بسیار جمع کند کرمانی رحمة الله علیه گوید محافظت
کردن با خوک دنیا را نیک بود و دین را بد و بچه خوک در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که خوک میخورد دلیل که ربا خورد و اگر بیند که
خوکان را از جای بجای میبرد دلیل که احوال دنیای وی نیک گردد و احوال آخرت او نیک نباشد و اگر بیند که در میان خوکان
میگردید دلیل که بجهت مالی که از حرام جمع کند خرم شود و گویند که خوردن شیر خوک در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و اگر بیند که در میان
خوکان نشسته بود دلیل که دشمن غالب آید اگر بیند که خوکی پس از وی در آمد و از پیش روئیش بیرون شد دلیل که مراد وی پلید او را
حاصل آید و اگر بیند که پوست خوک یافت یا کسی بوی داد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که شبان خوکان بود دلیل که بر گروهی
بد دیانان و بدفعل مهتر گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با خوک بصحرا جنگ میکرد دلیل که با مردی دون و منکر او را
خصومت افتد و اگر بیند که موی خوک یا پوست یا استخوان خوک داشت دلیل که بقدر آن مال حرام یابد
خون آمدن ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که بی جراحت خون از تن وی می آید دلیل که زیان رسدش

و اگر بیند که او را بشمشیر زدند و خون روان شد دلیل که زبان بروی دراز
و اگر بر تن خود جراحتی یابد دلیل زبان مال و غم و اندوه بود و اگر بیند
که خون جراحت جامهٔ آلوده کرد دلیل که مالی حرام حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
کرده و او را از آن ثواب بود و اگر بیند که در تن او سوراخی بود که از وی خون یا ریم روان شد و جامهٔ او را
که خون میخورد دلیل که مال حرام خورد یا خون ناحق کند و اگر بیند که از قضیبش خون بیرون آمد دلیل که او را فرزندی ماده بیفتد و اگر بیند که از
آلوده کرد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که از بن دندان او خون می آید دلیل که از خویشان غم و اندوه خورد و اگر
مقعدهٔ او خون می آید دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و اگر بیند که خون بسیار از زمین
بیند که در کوچهای شهر خون همی رفت دلیل بر خون ریختن بسیار بود در آن موضع دانیال علیه السلام گوید اگر
وی آید دلیل بر یافتن مال حرام بود خاصه چون جامه آلوده گشت دلیل که درویش بود مالش نقصان پذیرد **خیار** ابن سیرین

خیار

رحمة الله علیه گوید خیار در خواب اگر در وقت خود بخواب بیند دلیل که سخن خوش شنود یا زنی بوی رغبت نماید و اگر بیند که از آن خیار
بخورد دلیل که از آن زن مرادش حاصل آید و حکم خیار و بادرنگ هم برین قیاس بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خیار
در خواب بر سه وجه بود یکی پشیمانی از کار دوم شادی و رامش سوم منفعت از قبل خویشان و دوستان **خیک** ابن سیرین

خیک

گوید دیدن خیک در خواب شیروا از روی بود که بر دستش مال حرام خرج رود و خیک انگبین مرد عالم بود و دانش آموز و
راه نماینده بود و اگر بیند که خیکی داشت یا بخرید دلیل که او را با مردی چنین صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند و اگر بخواب بیند که
خیک از وی بدزدیدند یا ضایع شد دلیل که از صحبت چنین مردی او را جدائی افتد **خیری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خیری را

خیری

بوقت خود بیند بخیر بود و اگر بغیر وقت خود بیند همین تاویل دارد **خیمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خیمه از بهر خود بزد یا

خیمه

از بهر او کسی بزد و آنجا بنشست دلیل که اگر خیمه سیاه بود مال یابد بقدر بزرگی و کوچکی خیمه و اگر با زرگان باشد دلیل که سفر کند و مال
یابد و اگر بزرگی این خواب را بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر خیمه کهنه باشد مضرت بیشتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از خیمه
بیرون رفت شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که پادشاه بر در خیمه نشسته بود دلیل که کارش نیکو شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که پادشاه
او را در خیمه خود خواند و آنجا بنشست دلیل که از پادشاه قدر و بزرگی یابد و کارش نظام شود **خیو** ابن سیرین گوید اگر بیند که خیو انداخت

خیو
آب دهن را گویند

دلیل که سخنی گوید که او را حلال نبود و اگر بیند که خیو در مسجد انداخت دلیل که سخن در دین گوید و همچنین در هر موضع که خیو انداخت دلیل که
سخن در اهل آن موضع گوید و اگر بیند که خیو در دیوار انداخت دلیل که مالی خرج کند که رضای خدای تعالی جل و علا در آن نبود
و اگر بیند که خیو در زمین انداخت ضیاع خود بیند و اگر بیند که خیو در درخت انداخت دلیل که عهد بشکند و سوگند بدروغ خورد
کرمانی رحمة الله علیه گوید که خیو گرم دلیل بر عمر درازی باشد و خیو سرد دلیل بر مرگ بود و منعکس بالعکس و خیو سیاه دلیل بر غم و
اندوه بود و خیو زرد دلیل بر بیماری بود و آب دهن چون از دهن بیرون آید بی آنکه جامه بیالاید دلیل که علمی باطل و دروغ
تقریر کند و اگر نه اهل آن باشد و اگر بیند که بلغم از گلو برآورد و با آستین بگرفت دلیل که مال خود بر عیال خرج کند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خیو کسی با خون در روی او انداخت دلیل که در اهل او طعنه زنند و اگر بیند که خیو

خون آمیخته بود دلیل که حرام خورد و دروغ گوید و بر وعده وفا ننماید **حرف الدال** ❖ **دارو** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی از بهر بیماری دارو خورد و او را موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر بیند که دارو خورد و موافق نبود دلیل که
صلاح دین از وی زایل شود و اگر بیند که دارو از بهر تندرستی خورد دلیل که بقدر موافقت دارو صلاح دنیا طلب کند و اگر
بخواب بیند که از بهر مردمان دارو ساخت دلیل که بر خلق خدا تعالی احسان کند و اگر بیند که داروی خشک میسّید دلیل که از غم و اندوه
خلاصی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دارو بخورد و اسهال بسیار آمد دلیل که او را مضرت رسد و اگر بخلاف این بیند منفعت
بود و اگر بیند که دارو بخورد و عقل و هوش از وی برفت دلیل که از غم و اندوه فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپر دارو که
زرد بود بیماری و رنج باشد و آنچه بخوردن مکروه بود دلیل بر بیماری باشد **دارچینی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که دارچینی خورد دلیل که غم و اندوهش بیشتر شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دارچینی از بهر علت خورد و
او را سود داشت دلیل بر خیر و منفعت باشد **داغ کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که داغ کردن در خواب
مال و گنج بود و اگر بیند که داغ کردند دلیل که بقدر آن مال در راه خدا تعالی صرف کند و در عقبی از عقوبت رستگاری
یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نشان داغ خون و ریم می آید دلیل که در حضرت پادشاه مقیم شود و اگر خون و
ریم نباشد دلیل که از پادشاه هیچ منفعت نیابد دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که داغی بر تن کسی نهاد تاویلش سخن زشت
باشد یا بر وی تهمت نهند و اگر بیند که بجهت علتی بر پشت وی داغ نهادند دلیل بر صلاح دین و دنیا باشد و بعضی
معبران گویند داغ کردن بنیاد باشد در کار پادشاه جعفر صادق رضی الله عنه گوید داغ کردن در خواب منع زکوة بود
و مشغولی با پادشاه قوله تعالی یَوْمَ یُحْمٰی عَلَیْهَا **داس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که داس در دست
داشت دلیل که آلتی سازد که او را از آن آلت مال حاصل آید اگر بیند که داس او ضایع شد دلیل که نقصان مال او بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که داس زرین یا سیمین داشت دلیل که از مال حرام چیزی حاصل کند و اگر بیند که بدان داس چیزی زرین درود
دلیل که مال و نعمت حاصل کند **دام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دام در خواب مکر و حیلت بود و اگر بیند که پای او بدام گرفتار شد
تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جانوری بدام گرفت آنکس که بدان جانور منسوب بود بمکر و
حیلت بدست آورد **دانها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دانها در خواب اگر پخته یا خام بیند دلیل غم و اندوه بود کرمانی رحمة
الله علیه گوید اگر خواب بیند که دانها بر زمین ریخته بود دلیل که نرخش ارزان گردد و هر چیز از دانها که دید و در خانه خود برد یا در جوال کرد
دلیل که آن چیز گران گردد و اگر بیند که مردگان دانها بمردم میدادند دلیل که آن دانها ارزان شوند **دباغی کردن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید دباغی کردن در خواب گذاردن شغل و فرمان بود اگر بخواب بیند که دباغی میکرد دلیل که پیشه دباغی کند
کرمانی علیه الرحمه گوید دباغی تاویل والی بود و پوست در خواب میراث باشد مغربی رحمة الله علیه گوید دباغ در
خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد **دبه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دبه روغن در خواب

دارو
دارچینی
داغ کردن
داس
دام
دانها
دباغی کردن
دبه

مردی امین بود و اگر بیند دبه روغن داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی امین او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند
بقدر آن دبه روغن و اگر دبه چرکین و کهنه بود دلیل که بیننده را مضرت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دبه در خواب
بر نه وجه بود یکی مرد امین دوم زن سیم خادم چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال نعمت هشتم خیر و برکت
نهم میراث از جهت زنان **دبیری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دبیری میکرد دلیل که مال مردکان بحیلت
ستاند و کارهای ناکردنی کند و اگر بیند که دبیری پادشاه میکرد دلیل که از قوم پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که دبیری مردم
عام میکرد دلیل که دلهای مردم بر خود گرم کند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که نویسنده شد دلیل که بمکر و حیلت روزی از مردم
بدست آورد و اگر دبیر دانا بود که دبیری میکرد دلیل که خیر و منفعت بسیار یابد و اگر بیننده خواب عملدار بود دلیل که معزول
شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیثها می نبشت دلیل که خیر و منفعت آنجهانی یابد و اگر بیند که غزل و شعر
می نبشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر بیند که نامه می نبشت و مداد نیک بود دلیل که قباله را بنویسد و اگر بیند که آنچه
می نبشت خلاف شریعت بود دلیل که عاقبتش بد بود **دبیرستان** بخواب دیدن جای اندوه بود ولیکن عاقبت بخیر
بود و دلیل منفعت و بزرگی بود **دجال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دجال را در جائی معروف دیدن دلیل که در آنجا
فتنه افتد و دروغ زنان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد **دختر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دختر بخواب دیدن
فرح و شادی بود و اگر بخواب بیند که او را دختری آمد یا کسی دختری بوی داد و یا بخشید دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او را مال و
خرمی و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که دختر بمرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دختری چرکین و ناقص
بود دلیل بر غم بود و اگر بیند که دختر در بر گرفته بود و بمرد دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که دختر خود بکسی داد دلیل که از وی خرمی بر کس
رسد **دخنه** اگر بیند که در زیر خود دود عود میکرد یا از بویهای خوش چیزی داشت دلیل که پیشه بیاموزد و از آن منفعت یابد
و با مردم عیش خوش گذارند و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دخنه در خواب بر سه وجه بود
یکی کسب و معیشت دوم خیر و منفعت سوم بنای نیک **ددکان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ددکان داشت
جمله خر شدند یا یکی خر شد و یکی گاو یا یکی گوسفند دلیل که روزی بروی فراخ شود لیکن او از زیان دارد و اگر بیند که چهارپایان وی ددکان
شدند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ددکان در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه
ظالم سوم زنان سلیطه چهارم همسایه مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت ددان میخورد دلیل که مال مردم بحیلت
بدست آرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بصورت ددی گشته دلیل که عقل از وی زایل گردد و اگر بیند که ددکان با
وی سخن گفتند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که ددکان را میکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد **دراج** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید دراج در خواب زنی خوبروی بود بدمهر که با شوهر بسیار کاری نکند و اگر بیند که دراجی بگرفت یا کسی
بوی داد دلیل که زنی بدین صفت خواهد و اگر بیند که گوشت دراج بخورد دلیل که بمقدار آن مال زن بستاند مغربی رحمة الله

علیه گوید اگر بیند که دراج بسیار داشت و دانست که ملک اوست دلیل که بقدر آن زنان وکنیزکان او را حاصل آید و اگر بیند که دراج از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد **دراعه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دراعه نو و بزرگ و فراخ و سبز پوشیده بود دلیل که بقدر آن او را جاه و قوت و شرف در دین بود و اگر بیند که دراعه چرکین و تنک پوشیده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دراعه سپید پوشیده بود دلیل که مال و نعمت و بزرگی یابد و اگر دراعه سرخ پوشیده بود دلیل که مصیبت بود و اگر سیاه بود دلیل غم و اندوه باشد لیکن دراعه سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد و اگر بیند که دراعه از تن وی بیرون کردند دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دراعه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرح دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم نظام کارها هفتم زن **در** بخواب دیدن زن بود و اگر بیند که درهای بسته از جای معروف یا مجهول در برابرش گشادند و آن درها که گشاده شد بر جانب راه بود دلیل که مالی که وارد خرج کند و اگر بیند که در سرائی در برابرش گشاده شد دلیل که مالی از پادشاه بیابد و بر عیال نفقه کند و اگر بیند که در سرای او بشکست دلیل مصیبت و رنج عظیم بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در سرای او بکندند و بردند و کس ندانست که کجا بردند دلیل بر محنت و مصیبت صاحب خانه بود و اگر بیند که در سرای او بنا شستند دلیل بر مصیبت اهل سرای بود و اگر بیند که در وی کوچک بود دلیل که آفت بعیال او رسد و اگر بیند که در سرایش چنان فراخ بود که هیچ دری بدان فراخی نبود دلیل که قومی بی فرمان در سرای او روند بقوت و مصیبت با خصومت اگر بیند که حلقه در سرای او می جنبانید اگر جوابش دادند دلیل که دعای او مستجاب کردد و باشد که گنجی بیابد و اگر بیند که چون حلقه بجنبانید زود در آن سرای را بگشادند دلیل که خدای تعالی البته دعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در نو محکم بربست و قفلی بر و نهاد دلیل که زنش بمیرد یا زن را طلاق دهد اگر بیند که در ود کر بر او فرمود تا در نو بر در خانه او نهادند دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بیند که در خانه وی را غلق نبود دلیل که زنی بیوه بخواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ددان بر در خانه وی میجهیدند و بانگ میکردند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند و اگر بیند که در آسمانها گشاده شد دلیل که بر مردم آید یا درخیرات بگشایند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سه وجه بود یکی خداوند سرای دوم زن سوم خادم **دروازه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر که دروازه شهری بخواب بیند دلیل که حاجب و دربان پادشاه بود و دربان در خواب دیدن مردی بزرگ بود **دربانی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که دربانی میکرد دلیل که حاجتی که دارد بزودی روا شود و از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بیند که دربانی میکرد و در نبود دلیل که حاجت بر وی بسبب کسی بود و روا شود اما او جاه نیابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دربانی پادشاه میکرد دلیل که مقرب پادشاه گردد **دربر گرفتن** شرح دربر گرفتن در حرف الف گفته ایم **درختان** دانیال علیه السلام گوید درختی که پیش مردم عزیز است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود و اگر درختی بیند که پیش مردم خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر درختی که میوه دار بود دلیل که مردی توانگر بود و درخت بی بر دلیل بر مردم درویش بود و درختی

که در دیار عرب بود دلیل بر مردم بیابانی بود و هر درختی که در عجم باشد دلیل بر مردم عجمی باشد و درختی که در باغ بیند دلیل بر اهل
بود بخداوند باغ اگر بیند که درختی از بن بکند دلیل که مردی را از جاه و نعمت افکند **درخت خرما** اگر درخت خرما بخواب بیند دلیل بر مردی
شریف و عالم بود و اگر ببیند که درخت خرما در خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود خرما چون با باغ بیند دلیل که تاویل بخداوند خواب
باز گردد **درخت آبنوس** دلیل بر مردی فرومانده شود در کار خویش و بعضی گویند زن بود یا کنیزک **درخت آلو**
مردی طبیب بود که از وی نفع بهر کس رسد **درخت بادام** زنی خوبروی صاحب جمال بود **درخت انار** مردی توانگر بود
با منفعت **درخت بلیل** دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند **درخت بر** دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود **درخت**
نرنج دلیل بر مردی مخالف و خودرای کند **درخت زیتون** دلیل بر مردی با اصل و نسب باشد **درخت حنظل**
دلیل بر مردی درویش بددین کند **درخت زردآلو** دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند **درخت سرو** دلیل بر مرد
عجمی خوش طبع کند **درخت سنجد** دلیل بر مردی سبکروح و محتشم باشد **درخت سیب** دلیل بر مردی بازرگان باشد
درخت شمامه دلیل بر مردی تیز دولت کند که زود هلاک شود **درخت شفتالو** دلیل بر مردی بزرگوار بود که لشم
باشد **درخت عود** دلیل بر مردی نیکوروی و خوش زبان باشد **درخت فستق** دلیل بر مردی توانگر بخیل بود
درخت گل دلیل بر مردی شادکام باشد **درخت فندق** دلیل بر مردی غریب سخت دل بود که لهو دوست دارد
درخت بلوط دلیل بر مردی بی‌خبر منافق بود **درخت جوز** دلیل بر مردی شریف و جوانمرد بود **درخت جوز هندی**
دلیل بر مرد عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بیند که بالای درخت بود دلیل که با مردی بزرگ پیوندد و ازو منفعت
و بزرگی یابد **درخت لیمون** دلیل بر مردی بود که جادو کند یا منجم بود **درخت مورد** دلیل بر مردی گران طبع و ناسازگار
بود **درخت نی** دلیل بر مردی بدخوی و سخن‌چین بود و هر درختی که میوه دارد دلیل بر قیاس میوه او بود و اگر بیند که از درختی میوه دار
میوه میخورد دلیل که بقدر قیمت آن میوه مال و نعمت یابد و معبران گویند دیدن درخانه خود درخت در خواب نیک بود و هر درخت که در خانه پادشاه
بیند دلیل که خدمتکار پادشاه باشد و اگر درختان بیند که ساق ندارد همچون درخت خیار و خربوزه تاویلش بر مردان دون بود کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر رگهای درخت قوی بیند دلیل که زکوة مال داده باشد و اگر بخلاف این بود و پوست درخت دلیل بر روزی بود که خداوند درخت
را بود و شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان بود و اگر بیند که درخت برگها بسیار داشت دلیل که خداوندش خوش طبع بود و اگر بیند
که بارهای اندک دارد تاویلش بخلاف این بود و میوه درخت دلیل بر خداوندش که پرهیزکار و دین دار بود و اگر بیند که درخت
ببرید و بیفتاد دلیل بر مرگ خداوندش بود و مغربی علیه الرحمه گوید اگر بیند که درختی بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل
بر مردی مصلح و پاک دین بود و اگر بیند که درختی میوه ناخوش دارد و خار دارد دلیل بر مردی مفسد بی دیانت باشد و اگر
بیند در سرای او یا در سرای دیگران کوتاه درخت بود دلیل بر مصیبت بود در آن سرای افتد و اگر بیند که در سرای خود تخمی
می‌کشت دلیل که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بیند که درخت در زمین بیگانه می‌نشاند دلیل که با مردم بیگانه

اورا صحبت افتد وشرف وبزرگی یابد واگر بیند که در سرای خود درختی می نشاند دلیل که دامادی آورد واگر بیند که بربالای
درخت بلند می شد دلیل که کار وی بزرگ شود واگر بیند که برگ درختان جمع میکرد دلیل که بقدر آن درم حاصل کند واگر بیند که از
درختان میوه حاصل میکرد دلیل که فرزندان ونسل وی زیادت شود واگر درختان میوه دار بسیار بیند ودانند که ملک اوست دلیل که اورا
عمری دراز بود وظفر وبزرگی یابد واگر بیند که درخت رامی برید دلیل که بیمار گردد یا از آن وی کسی بمیرد واگر بیند که در وقت خزان
در باغ مجهول بود ومیدید که برگ از درختان می افتاد دلیل غم واندوه بود واگر بیند که درخت باوی سخن گفت دلیل که کاری
کند که مردم را از آن عجب آید واگر بیند که درخت از جای بکند دلیل که بیمار شود یا از آن موضع که درخت کند کسی بمیرد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند دلیل که مردمان بد دین باشد وهر درختی که نیکوتر بیند دلیل که دین او نیکوتر باشد
وهر چه در درخت نقصان بیند دلیل بر نقصان وی بود واگر بیند که در سایه درخت نشسته بود یا خفته بود دلیل که در سایه مردی
رود که بدان درخت منسوب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درخت در خواب بر ده وجه بود یکی پادشاه دوم زن سوم بازرگان
چهارم مردم مبارز پنجم عالم ششم مومن هفتم کافر هشتم عوان نهم خصومت دهم مال شبهت **درد اندامها** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که اندامهای وی درد میکرد دلیل که مال از دست وی برود واگر بیند که سرش درد میکرد دلیل که
گناه بسیار کرده بود وتوبه کند وصدقه دهد بقوله تعالی فمن كان منكم مريضا او به اذى من راسه ففدية من صيام
او صدقة او نسك واگر بیند که پیشانی وی درد میکرد دلیل بر فساد دین وغم واندوه بود واگر بیند که چشم خود درد کرد دلیل که او را کسی راه
نماید بحق واگر بیند که دوش درد میکرد دلیل که از هر کس سخنهای زشت شنود واگر بیند که بینی وی درد میکرد و یا دندان وزبان وی نقصان بود دلیل
که سخنی گوید که بوبال باز گردد واگر این خواب بازرگانی بیند دلیل که در تجارت دروغ گوید واگر زبان خود بریده بیند دلیل که بر صلاح وپارسائی
بود واگر بیند که کامش درد میکرد وآماس داشت دلیل که از حق کسی منکر شود واگر بیند که دهانش درد میکرد دلیل که از خویشان اندوه یابد
واگر بیند که گردن او درد میکرد دلیل که امانتی در گردن وی باشد ونمیگذارد واگر بیند که شکمش درد میکرد دلیل که مال حرام خورده واگر
بیند که پشت او درد میکرد دلیل که از شهر خود آزرده گردد واگر بیند که پهلوی او درد میکرد دلیل که بسبب خویشان درد بیند ورنجور شود واگر بیند که
جگر او درد میکرد دلیل که بر فرزندش مشفق بود واگر درد دست بیند دلیل که برادر همسایه جفا بکند واگر بیند که درد انگشت داشت دلیل که کینه دار
بود واگر درد ناف بیند دلیل که عیال از بر نجاند واگر بیند که عورت او درد میکرد دلیل که بفساد در آید واگر بیند که مقعد او درد میکرد دلیل که فساد و
حرام کند واگر بیند که سرین وی درد میکرد دلیل که بر خویشان ودوستان جفا کند واگر بیند که پای وی درد میکرد دلیل که بر زیردستان
شفقت نکند واگر بیند که تن وی را داغ میکردند دلیل که مال یابد **درم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طبعهای مردم مختلف
بود ومردی باشد که درم را بخواب بیند دلیل بر حاصل شدن درم است در بیداری وبعضی معبران گویند هر که درم در خواب بیند دلیل
که سخن خوش شنود یا توحید باری سبحانه تعالی گوید اگر بیند که درم سفید بود دلیل که خوبتر واگر درم سیاه باشد وبد ان نقش و
صورت بود دلیل بر جنگ وخصومت بود وبعضی از معبران گویند اگر بیند که درم کوچک یافت دلیل بر فرزند

درد اندامها

این آیه در سوره بقره در جزو دویم است

درم

کوچک بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که درم ضایع شد یا کسی از وی دزدید دلیل که از فرزندی خورد بار بر دل او آید و اگر بیند که درم
کوچک کم کرد و باز یافت دلیل که آن رنج از دل وی زایل گردد و اگر باز نیافت دلیل که فرزند او هلاک شود کرمانی رحمة الله علیه
گوید درم در خواب بدست داشتن سخن نیکو بود و درم شکسته سخن پراکنده و درم بسیار مال باشد و اگر بیند که در خانه با عیال خود درمها
در دست قسمت کرد دلیل که میان ایشان داوری افتد و اگر بیند که درم در خانه بنهد و داشت بقدر آن مال یابد و اگر بیند که درم بسیار جمع
کرد دلیل که مردم را از حق و باطل باز دارد قوله تعالی جمع مالاً وعدده یحسب انّ ماله اخلده اگر بیند درم سپید در کف خود بیند
دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که آن درم از وی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بدرهای درم و دینار یافت دلیل که مال و
نعمت حلال جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر درم سفید در خواب بیند درم سیاه یابد و بسیار مردم در خواب درم بیند و در بیداری
همان یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب صفای دین بود و درم شکسته خصومت بود و اگر بیند که پادشاه
او را درم داد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم در خواب بر یازده وجه بود یکی سخنهای درست
دوم گذاردن حاجت سوم ولایت چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزند هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم ایمنی دهم
کنیزک یازدهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب مستور بود و اگر مستور نبود دلیل که زحمت فرزندان و غم و اندوه بود اما
درم شکسته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن زشت دوم جنگ و خصومت سوم بند و زندان چهارم گفتگوی **درمنه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درمنه در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر نقصان مال و عیال بود
دروغ گفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ گفتن در خواب دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر بیند که گواهی
دروغ میداد دلیل که دین وی تباه شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه دروغ گفت دلیل که مردم نکوهش و بدی او
گویند و جراحت و آبروی او برود **درودگری کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درودگری در خواب نیکو خواه مردم بود و لیکن
صحبت با مردم منافق و بدمذهب باشد و بمراد ایشان رود زیرا که اهل چوب بخواب دیدن دلیل بر نفاق باشد قوله تعالی کانّهم خشب
مسنّدة جعفر صادق علیه السلام گوید درودگر در خواب معلم کودکان باشد که مرد جاهل و نادان را دانش و فرهنگ آموزد و مدبر و مصلح
کارهای مردم باشد و راه نفاق و فساد از ایشان زایل گرداند مغربی رحمة الله علیه گوید درودگر معلم کودکان باشد **درویشی** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید درویشی در خواب بهتر از توانگری بود خاصه که در راه دین و صلاح بود و اگر بیند که درویش شده بود دلیل بر صلاح دین
بود و اگر بیند که توانگر شده بود دنیاویش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با درویش مسلمان خیرات کرد دلیل که از غم و
رنج رسته گردد و اگر بیند که بر درها میگشت و نان میخواست دلیل که خیر و منفعت بدو رسد **دریا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دریا در خواب
پادشاه بود یا عالمی بزرگ اگر بیند که آب دریا روشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که پادشاه پارسا و عادل و دادگر بود و اگر بیند که آب دریا ناخوش و
تلخ بود دلیل که پادشاه مفسد و ظالم بود و اگر بیند که آب دریا بخورد دلیل که از پادشاه جاه و بزرگی یابد یا از عالمی بهره مند
گردد و اگر بیند که آب دریا بر میگرفت و در سبوی میکرد دلیل که بقدر آن از پادشاه او را منفعت رسد و اگر بیند که در دریا

درمنه
دروغ گفتن
درودگری کردن
درویشی
دریا

فرو شد چنانکه تن او بگل آلوده گشت دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بیند که تن خود را از گل بشست دلیل که غم و اندوه
از وی زایل گردد و اگر بیند که در آب دریا شنا کرد دلیل که پادشاه او را محبوس دارد و اگر بیند که از دریا باشنا بیرون آمد دلیل که
از زندان خلاصی یابد و اگر بیند که در دریا غرق شد و بمرد دلیل که در کار دین غرق شود و اگر بیند که از دور دریا دید و نزدیک نرفت
دلیل که بدانچه امید بسیار دارد برسد و اگر بیند که فراز دریا میرفت و پای او تر نمی شد دلیل که از آتش دوزخ ایمن گردد و کارهای دنیا بروی آسان
گردد و اگر بیند که در دریا بود بقول کرمانی رحمة الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه رود و مطیع و فاضل گردد و اگر بیند که درمیان دریا رفت
دلیل که کار وی با خطر باشد و اگر بیند که از دریا بیرون آمد دلیل که بیغم شود و اگر بیند که از دریا آب خورد و سیر نبود و بیننده خواب
عالم بود دلیل که بهره تمام یابد و اگر بیننده خواب عالم نبود بخلاف این بود قوله تعالی قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد
البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و اگر بیننده خواب از مردان پادشاه باشد دلیل که از معتمدان پادشاه گردد و اگر بیند که
آب دریا خورد البته دلیل که از پادشاه ایمن گردد و اگر بیند که آب دریا خورد و گرم بود دلیل که گناهی کند قوله تعالی وسقوا
ماء حمیما فقطع امعاءهم و اگر بیند که آب دریا بخورد و گنده و ناخوش بود دلیل که او را خصمی بزرگ پیش آید چنانچه او را بیم بود
قوله تعالی یتجرعه ولا یکاد یسیغه جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که در آب دریا میرفت دلیل که توفیق طاعت
یابد و امانت گذارد و اگر بیند که از دریا بگذشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که آب دریا زیادت شد دلیل که لشکر پادشاه
زیادت شود و اگر بیند که آب دریا خشک شد پادشاه و لشکر هلاک شوند و اگر بیند که آب دریا و رودها بهم جمع شدند در یک جای
دلیل که پادشاه آنجا بار مال و خزانه خویش بیک جا جمع کند و اگر بیند که از جهان موجها برخواست و جهان از ابر تاریک شد دلیل
بر گناه و عصیان اهل آن دیار باشد قوله تعالی من فوقه موج ومن فوقه سحاب و اگر بیند که از دریا شکار میگرفت
دلیل که روزی حلال یابد و عیش بر عیال او فراخ گردد قوله تعالی احل لکم صید البحر وطعامه متاعا لکم اگر بیند که آب
دریا شور بود دلیل که کسب حرام کند و اگر بیند که آب دریا تیره بود و از و شکار میگرفت دلیل بر هلاک وی باشد قوله تعالی واسئلهم
عن القریة التی کانت حاضرة البحر و اگر بیند که از دریا یاقوت و مرجان برآورد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گردد و اگر
اهل علم باشد علمش زیادت شود و اگر بیند که از دریا نهنگی را بگرفت و بکشت دلیل که دشمن پادشاه بردست وی هلاک شود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن دریا در خواب بر شش وجه بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مال پنجم عالم ششم کاری
بزرگ دژ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دژ بنا کرد دلیل بر صلاح وی بود و اگر بیند که دژ خود را خراب کرد
دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید دژ در خواب اگر بگچ و آجر میکرد دلیل که صاحب دوزخی
و اگر بیند که از گل و خشت میکرد دلیل که از عامل اهل بهشت بود و اگر در دژ محکم مقیم بود دلیل بر صلاح دین بود
و ثبات راه و اگر بیند که بهر زبان از دژ بیرون آمد و باز درون می شد دلیل که در کار دین کامل نباشد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر خود را در دژ بیند بقول مغربی دلیل بر صلاح دین بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی و ضعف

دژ

در دین وی بود **دزدی کردن** اگر بیند که مال کسی دزدید و چیزی خرج کرد دلیل که او را بکشند و اگر بیند که نیت داشت که بدزدد
اما ندزدید دلیل که بکسی گروهی رساند و بعضی گویند که بیمار شود و اما شفا یابد و اگر بیند که از خانه وی چیزی بدزدیدند دلیل که رنجی و آفتی
بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که او در دست دزد اسیر شد دلیل که حال وی بد شود و در غم و اندوه گرفتار شود و اگر
بیند که دزدان بروی راه زدند دلیل که غم و اندوه بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر دزدی کالاء کسان برد دلیل که عیش بر
خداوند خواب تباه شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دزدی بخواب بیماری بود معبران گویند آنجا که دزدی کنند دلیل وبائی
باشد یا بیسپری در وجود آید و اگر خداوند خواب غایبی دارد بسلامت باز آید دانیال علیه السلام گوید دزد در خواب دیدن
خیانت و حیلت بود **دستارچه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستارچه از کتان بر دست داشت
دلیل که او را از مردی پارسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بیند که دستارچه از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل که او را
زیانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دستارچه در خواب بر سه وجه بود یکی منفعت دوم کنیزک سوم
عطاء اندک **دستار سر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دستار بخواب دیدن دین بود و اگر بیند که دستار
سفید یا سبز بود یا از کتان یا از پنبه بود دلیل صلاح دین بود اگر بیند دستار سفید و پاکیزه داشت دلیل صلاح دین و
دنیا بود دستار قز و ابریشم دلیل نیکوئی حال اینجهان بود و اگر بیند که با دستار وی دستار دیگر پیوسته شد دلیل که بزرگی
و مهترئش بیشتر گردد و اگر بیند که دستار از وی بیفتاد و ضایع شد دلیل بر نقصان دین و بیحرمتی او باشد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر دستار خود دو زده بیند دلیل بر نقصان قدر و جاه او بود و اگر بیند که دستاری پیچیده خوب
داشت دلیل با صحاب دین و دنیا سازکاری کند و اگر بیند که دستار طراز داشت دلیل که در میان سفر در مردم مشهور گردد
و اگر بیند که دستار و جامهاش جمله سبز بود دلیل که بشهادت از دنیا برود مغربی رحمة الله علیه گوید هر چند که دستار بزرگتر
باشد عز و جاهش بیشتر بود و اگر بیند که دستار خورد و چرکین بود دلیل بر نقصان عز و جاهش بود و اگر دستار سرخ بیند دلیل
که بر کسی ستم کند و اگر زرد بیند دلیل که بیمار شود و اگر کبود بیند دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سیاه بیند دلیل که زیان و مضرت بیند
مگر خطیب و قاضی و اگر بر سر دستار ابریشمین بیند دلیل که منصف و دادگر بود و مردم او را عزیز دارند و اگر بیند که دستار دراز
پیچیده بود دلیل که از سفر زود باز آید و دستار ابریشمین دلیل بر فساد دین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستار در خواب
بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانائی هفتم سفر و دستار حمامی در حرف میم بیان
کنیم انشاء الله تعالیٰ **دست آس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست آس در خواب از فکر رستن بود و اگر بیند که دست
آس داشت دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سنگ آس دست بشکست دلیل که خداوند آس دست هلاک شود
یا در محنت افتد و اگر بیند که سنگ آس دست بدزدیدند دلیل که بیمار شود و اگر بیند که با آس دست حنا و غیره خورد میکرد دلیل
بر خصومت بود **دست** دانیال علیه السلام گوید دست راست تاویل برادر بود و دست چپ خواهر بود

دزدی کردن
دستارچه
دستار سر
دست آس
دست

واگر بیند که دست راست وی دراز شد دلیل که کار برادرش یا انبازش نیکو گردد واگر بیند که هر دو دستش باز کوته شده دلیل که برادر و خواهر از وی روی بگردانند واگر بیند که هر دو دستش کوتاه شد دلیل که نفع از برادر و خواهر باز گیرد واگر بیند که هر دو دستش بریده و افتاده بود دلیل که برادر و خواهر بمیرند یا از وی جدا شوند واگر بیند که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بجهت دوستان خود غم خورد واگر بیند که میان گروهی بود و دست میزدند دلیل که در انجا عروسی کنند واگر بیند که تنها دست میزد و شادی میکرد دلیل غم واندوه بود واگر بیند که قاضی یا سلطان دست راست او ببرید بقول ابن سیرین رحمة الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندش بمیرد واگر هر دو دستش بریده دلیل که از کسب و مراد خود باز ماند واگر بیند که یک دست از دست دیگر پوست باز میکرد دلیل که بر کسان خود ظلم و بیداد کند واگر بیند که دست خود را بکارد می برید دلیل که با کسی خصومت کند یا دل وی بکسی مشغول بود قوله تعالی فقطعن ایدیهن[1] واگر بیند که کف دستها بر یکدیگر میسود دلیل که خویشی بنکاح آورد واگر بیند که یکی دستش بریدند و او را بر دار کردند دلیل که امیران آنموضع معزول کردند واگر بیند که مانند چهارپایان بچهار دست و پای میرفت و بازگونه روی باسمان داشت دلیل که آرزوی محال جوید و بدشواری برآید واگر بیند که دست وی مادرزاد خشک بود دلیل که از صدقه دادن و کار خیر فرو ماند کرمانی علیه الرحمه گوید اگر بیند که دستهایش بسوزن نیک کرده بود دلیل که همتش بر تعلیم علم و دانش بود واگر بیند که دستش بریده بود و ندانست که دست راست یا دست چپ بود دلیل که او را مصیبتی رسد واگر بیند که چون دستش بریده شد او قرآن میخواند دلیل که دستش از معصیت باز دارد و معبران گویند دست بریده دلیل که عمر دراز گردد و عصیان را ترک کردن و بکار خیر مشغول بودن واگر بیند که دست راست او از بهر گناهی بریده اند دلیل که دروغ گوی بود و لی دیانت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست خویش چون چنبر در گردن کرده بود دلیل بر کردار نیک و نماز و طاعت و حج و غزا کردن و کردار نیک بجای آوردن بود واگر بیند که دست راست او برید ند دلیل که سوگند بدروغ خورد واگر بیند که دست از تن وی تحویل کرد بر تن پادشاهی وقت اگر آن پادشاه مصلح بود دلیل بر خیرات و صلاح دین بود واگر آن پادشاه مفسد بود و بدین دلیل که شر و فسادش در دین بود واگر بیند که یک دست وی از دست دیگر دراز شد دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب میکند بیابد واگر بیند که بر دو دست میرفت دلیل بر کار خود اعتماد نماند و معبران گویند که از خویشان منفعت یابد واگر بیند که دست و پای سخن گفت با دلیل که معیشت او نیکو شود واگر بیند که از بهر دو دست خود مروارید بسته داشت دلیل که جمله قرآن بظاهر بخواند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان شده بود دلیل که بزرگی و پادشاهی یابد واگر بیند که دست راست او زرین شده بود دلیل که دولتش زایل گردد واگر بیند که دست خود باشنان و صابون می شست دلیل که نا امید شود واگر بیند که جانوری که در تاویل نیکو باشد از دست چپ او بیرون آمد و بدست راست او در شد یا از دست راست بدر آمد و بدست چپ بیرون شد دلیل که از غم رسته شود و عاقبتش محمود گردد واگر آن جانور بتاویل بد باشد دلیل که بر ضعیفی ستم کند واگر بیند که دست وی خشک شد دلیل بر فساد صحبت کند واگر بیند که دست وی در دست گرفت یا دست در گردن او زد وآنکس زنده است یا مرده دلیل که عمرش دراز بود واگر بیند که بدست مشرکی دستینها میکرد دلیل که آن مشرک

[1] این آیه در سورهٔ یوسف سیپاره ومامن دابة ۱۲

بدست وی مسلمان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر دوم خواهر سوم انباز چهارم
دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم پیشه و صنعت **دست**
و رنجن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست و رنجن در خواب زنان را شوهر بود و مردان را غم و اندوه بود و اگر بیند که
دست و رنجن سیمین داشت دلیل که اندوهش کمتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی دست و رنجن بدو داد دلیل که
او را فرزندی آید یا برادری و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که هر دو
دست و رنجن داشت دلیل که او را مال و نعمت برنج حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست و رنجن در خواب بر پنج وجه
بود یکی ریاست دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند **دست و روی شستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که دست و روی به آب صافی بشست دلیل که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود
و اگر بیند که دست و روی ناشسته نماز می گذارد دلیل که دینش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که بهر دو دست روی می شست دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی می شست و او را حدثی
پدید آمد و وضوئش باطل شد دلیل که در کار و کسب خود بیچاره گردد و اگر بیند که او را حدث افتاد دیگر دست و روی شست و نماز
آغاز کرد اما نماز تمام نکرد دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کسی دست و روی او را بشست
و او تأمل در آن میکرد دلیل که مرادش حاصل آید **دستینه** در خواب مردان را بهتر از زنان باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
دستینه از آهن در دست داشت دلیل که او را توانگری و قوت بود و بر دشمن ظفر یابد خاصه که دستینه از پولاد بود و اگر دستینه زرین
یا سیمین باشد تاویلش چون دست و رنجن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستینه در خواب بر سه وجه بود یکی قوت و توانائی
دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای دنیاوی **دشمن** اگر بخواب بیند که او بر دشمن غلبه کرد دلیل که مرادش حاصل آید و اگر
دشمن بر وی غلبه کرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که دشمن او را بخورد دلیل که در بلا و مصیبت افتد توبه باید کردن تا بلا دفع
شود حضرت صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی بستگی کارها دوم غم و اندوه سوم خسران مال
دشنام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کسی او را دشنام میداد دلیل که او را حال نیکو بود و آنکس بر دشنام
دهنده ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را دشنام داد دلیل که آنکس بروی چیره و کامگار شود **دعا کردن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دعا کردن در خواب روائی حاجت بود و اگر بیند که خود را دعا کرد و آمرزش میخواست دلیل که خاتمه و کارش
بخیر بود و حاجتش بر آید و اگر بیند که مصلحی را دعا کرد دلیل که از ظلم و فساد نگراید و امر معروف بجای آورد و اگر بیند که خلق او را دعا میکرد دلیل که نیکخواه
خلق بود و حاجتهای وی روا کرده و اگر بیند که دعای خاص میخواند دلیل که فرزندش آید قوله تعالی اذ نادی ربه نداء خفیا کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلح و پارسا بود دلیل که حقتعالی او را بیامرزد و حاجت وی روا کرده و اگر بیند که آن خواب مفسد بود او را توبه
دهد و اگر کافر بود اسلام آرد **دف زدن** ابن سیرین رضی الله عنه گوید دف زدن در خواب دلیل امر معروف کردن است

واگر بیند که دف میزد دلیل که بترک کار صلاح کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دف زد استاد وار دلیل که زنی بدکردار بخواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز دف در خواب شنیدن نشاط بود و چون از کنیزکی و زنی شنود بهتر بود و اگر از مردی شنود دولت و بندگی یابد و چون از جوانی شنود دلیل ظاهر شدن کارها بود

دلالی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی مصلحت کردن در میان مردمان دوم راه راست سوم کردار نیک چهارم امر معروف بجای آوردن و دلال مردی بود که راهنمای مردمان باشند بخیر و اگر کسی بخواب بیند که دلالی میکرد دلیل که راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود که بالا ذکر رفته است

دل بدانکه دل پادشاه شهر تن است و تن بفرمان او قایم است و دل خزانه عقل است در نهان و آشکارا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دل بخواب دیدن جمع کردن مالیست که بوی رسد و اگر بیند که دل بیرون از تن وی بود دلیل بر صلاح و نکوئی بود قوله تعالی حتّی اذا فزّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربّکم قالوا الحقّ اگر بیند که دل وی تنگ شد دلیل که کارها بروی دشوار شود و اگر بیند که دل او شادمان بود دلیل که کارها بروی کشاده کرده و اگر دل را فروبسته بیند دلیل که از گناه توبه باید کرد قوله تعالی افلا یتدبّرون القرآن ام علی قلوب اقفالها اگر دل را بر دست نهاده بیند دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که دل بهر دو دست گرفته بود دلیل که کارهای وی برآید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دلش درد میکرد دلیل که مالش زیاده گردد و اگر بیند که چشمهای دل وی کشاده بود دلیل که بکارهای هر دو جهان راغب و حریص بود و اگر بیند که از دل وی خون بیرون می آمد دلیل که از کار ناکردنی توبه کند و بخداوند تعالی باز گردد و اگر بیند که از دل وی صفرا بیرون آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که بر دل وی خستگی رسید دلیل که بیغم شود و اگر بیند که از دل وی گوهر بیرون آمد و آن گوهر از دهان افکند دلیل که کافر گردد و اگر بیند که گوهر از زمین بر گرفت و بخورد دلیل که باز مسلمان گردد و اگر بیند که گوهر از دل بر آورد و گرد او مروارید بسته بود و مروارید بر زمین ریخت و گوهر فرو خورد دلیل که بترک پنج نماز بگوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دل او پاره پاره شد دلیل که دل را بهوسهای محال مشغول گردانید و اگر بیند که دل وی روشن و منوّر بود دلیل بر صلاح دین کند و اگر بیند که دلش تاریک بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دل در خواب بر ده وجه بود یکی مال دوم ریاست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم جوانمردی ششم حرص هفتم قوت هشتم نصرت نهم شهوت دهم نهان داشتن احوال خویشتن

دنبال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چون اسب و خر و گاو دم داشت دلیل که مالش زیاده گردد و زندگانی او براحت گردد اما در راه دین سست بود و اگر بیند که دم او چون دم سگ یا چون دم گرگ یا شغال بود دلیل مال حرام یابد و مردم او را ملامت کنند و اگر بیند که در دست دم اسب یا گاو یا خر داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت او حرام بود دلیل که مال حرام یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دنبال بخواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بیع دوم یاران سوم مال چهارم راحت و عیش

دنبل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دنبل داشت دلیل که مالش زیاده شود و بقدر دنبل و اگر بیند که دنبل وی بشکافت و خون آمد دلیل که چیزی از مال وی تلف شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دنبل خون و ریم می آمد و می مکید دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و اگر بیند که دارو بر دنبل نهاد و جامه

دلالی کردن

دل

این آیه در سوره سبا سیپاره ومن یقنت ۱۲ در سوره محمد سیپاره حم

دنبال

دنبل

دنبه
دندان

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دنبه در خواب بدره مال بود که یکی نگه میدارد یا مال زن
از خون لشست دلیل که از حرام توبه کند دنبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دنبه در خواب بدره مال بود که یکی نگه میدارد یا مال زن
از خون لشست دلیل که از حرام توبه کند و اگر بیند که دنبه پخته میخورد دلیل که دشمنش از مال
بود بر قیاس زیادت و کمی او و اگر بیند که دنبهٔ خام میخورد دلیل که مال شبهه خورد و اگر بیند که دنبه پخته میخورد دلیل که دشمنش از مال
وی بخورد کرمانی علیه الرحمه گوید اگر بیند که او را چون گوسفند دنبه بود دلیل که او را فرزندی آید که خداوند دولت و اقبال بود و
روزی فراخ کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دنبه در خواب دیدن بدره زر بود **دندان** دانیال علیه السلام گوید دندان
در خواب دیدن اهل خاندان بود و دندانهای بالا دلیل بر زینه بود و دندانهای زیرین دلیل بر مادینه بود و دندانهای پیشین
دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود و یا پدر و مادر و دندانهای که بر جنب آن باشند دلیل بر عم و عمزادگان بود و دندانهای
پسین دلیل بر خویشان دور بود و سفیدی و پاکیزگی دندان دلیل بر قوت و جاه اهل بیت بود و بعضی معبران گویند که دندانهای
پیشین آنچه از سوی راست است دلیل بر پدر و خویشان او بود و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خویشان مادر بود
و اگر بیند که دندانهای پیشین وی می جنبد دلیل برین جماعت که وصف کردیم یکی بیمار گردد و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که دندان پیشین او بر کف دست یا بر کنار یا بر زمین افتاد و بخاک آلوده نگشت دلیل که او را فرزندی آید یا برادری یا خواهری و اگر
بیند که دندان وی در خاک افتاد یا ضایع شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی بمیرد و اگر بیند که دندان وی بشکست یا پوسیده شد
دلیل از اینها که گفتیم یکی را آفتی رسد و اگر بیند که دندان پیشین او کوفته شد دلیل که او را با چنین کسان خصومت افتد و اگر بیند که
از دندان یکی بکند بد دلیل که آن جماعت او را سخنی زشت بگویند و از وی مفارقت جویند و اگر بیند که دندان پیشین وی از
شد دلیل که از اینها که گفتیم یکی در خرمی و راحت باشد و اگر بیند که در جنب دندان او دیگر برست اگر از زیر بود دلیل که او دختری
آید و اگر از بالا بود دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که دندان پیشین خود برکند دلیل که تاوان خود از اینها که گفتیم بستاند و اگر
بیند که جمله دندان بیفتاد و در حال پدید شد دلیل بر هلاک اهل خاندان او باشد و اگر بیند که دندانها بر کف دست یا در کنارش افتاد
دلیل که اهل خاندانش بسیار گردند و اگر بیند که همه دندان او از سوی زیر بود و اگر بیننده خواب اهل صلاح بود دلیل بر خیر و نیکی
او بود و اگر از اهل شر بود دلیل بر شر و فساد او بود و اگر بیند که دندانهای از سیم بود یا از آبگینه بود یا از سفال دلیل بر هلاک او بود
و معبران گویند که افتادن دندان گذاردن وام بود و بعضی گویند دلیل بر جنگ و خصومت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید دندان بالا که در مقابله
چشم است دلیل بر زینه کند و دندان زیر دلیل بر مادینه کند و اگر بیند که جمله دندانهاش در کنار افتاد و جمله در کف دست بگرفت دلیل که
خویشان خود را جمع کند و نگذارد که از وی جدا شوند و اگر بیند از دندانها بوی خوش می آمد دلیل که خویشانش ثنا گویند و اگر بخلاف این
بیند دلیل که غیبت وی کنند و اگر بیند که دندانهاش درد میکرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که دندانهاش زرد بود دلیل
آنکس که بدان منسوب بود بیمار گردد و اگر بیند که دندانهای او سیاه شد دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که دندانهاش
افتاده بود و در کوه پاره بسته دلیل که عمرش دراز گردد چنانکه همه خویشان خود بگور کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
که دندان وی درد میکرد و بدست خود برکند و بهر دو دست بگرفت دلیل که مال فراوان یابد و اگر بیند که از دهان

دندان خون آلود بدست بگرفت دلیل منفعت او را بود که دندان برگرفت اما او را مصیبت رسد واگر بیند که بعضی از دندانها پدید
شد دلیل که بعضی از خویشان بغربت روند وبسلامت باز آیند واگر بیند که همه دندانهای او در میان زبان جمع شدند ودیگر هیچ
دندانی بجای خود باز نشد دلیل که از خویشان تنگی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دندان در خواب بر شش وجه بود یکی
اهل بیت دوم مال سوم منفعت چهارم غم واندوه پنجم مفارقت ششم مضرت **دهان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دهان در
خواب کلید کارها وخاتمه کار وی وهرچه از دهان بیرون آید دلیل بر جوهر وکلام بود اگر نیک باشد واگر بد باشد آنچه در دهن
بود دنیاوی بود واگر آن بکراهیت در دهان بود دلیل بر محنت ورنج بود در معیشت وآنچه در دهان شیرین بود وبآسانی
فرو رود دلیل بر معیشت وراحت وعیش بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دهان وی سخت بسته بود دلیل که هلاک
شود واگر بیند که دهانش از آرد جو یا گندم آگنده بود دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد واگر بیند که دهان او فراخ شد
چنانکه طعام بسیار درو بگنجید دلیل که بقدر آن او را نعمت وروزی برسد واگر بیند که دهان او نیکو بود دلیل که سخنهای نیکو
شنود واگر بیند که گوشت دهان او بیفتاد دلیل که ویرا زیانی رسد واگر بیند که از دهانش خون بیرون آمد دلیل که با کسی
گفتگوی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دهانش کرم یا جانوری بیرون آمد دلیل که یکی از عیال او
جدا شود واگر بیند که از دهان وی پلیدی بیرون آمد دلیل که هرچه بجائی برده باشد بسبب منت نهادن باطل شود واگر
بیند که از دهان وی مروارید بیرون می افتاد ومردم برمیگرفتند دلیل که مردم از علم وی بهره یابند واگر بیند که از دهان خود
پلیدی می انداخت ومردم از آن می گریختند دلیل که شاعر بود ومردم را هجو گوید واگر بیند که کسی در دهان وی مهر نهاد وبند است
که کیست دلیل که رسوا شود قوله تعالی اَلْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰی اَفْوَاهِهِمْ وَتُکَلِّمُنَا اَیْدِیْهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ حافظ معبر رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که چیزی خوب از دهان وی بیرون آمد دلیل که سخنی گوید نیکو معنی دار واگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود واگر
بیند که چیزی در دهان نهاد وآن چیز نیکو بود دلیل که چیزی حلال خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دهان در خواب بر هفت
وجه بود یکی منزل دوم خزانه سوم گشایش کارها چهارم مال پنجم حاجت ششم وزیر هفتم دربان **دهل زدن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دهل زدن در خواب کلام باطل وخبر مکروه ودروغ وکارهای پیدا وروشن بود وتاویل این جمله زننده دهل بد باشد اگر
بیند که با دهل نای زدند وپای کوفتند دلیل بر غم واندوه بود واگر بیند که دهل تنهائی می زدند دلیل که کلام باطل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دهل زدن در خواب خبرهای مختلف بود ودر آن هیچ فایده نبود **دهلیز** کرمانی رحمة الله علیه گوید دهلیز در خانه خادم بود واگر بیند که
دهلیز آبادان بود ونیکو بود دلیل بر تندرستی بود ونظام خادم خانه بود واگر بیند که دهلیز خراب است تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که دهلیز خانه را دیوار از خشت وگل بود دلیل که اگر خشت وگل بود خادم خانه مفسد وبیدین بود **دوال**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند دوال از دلیل خیر ومنفعت بود وبقدر قیمت آن جانور که دوال از پوست وی بود بد بود واگر بیند که
دوال پاره پاره کرد یا ضایع شد دلیل که بقدر آن مضرت بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوال بسیار داشت وآن دوالها

این آیه در سوره یس سیپاره وما لی ۱۲

دهان
دهل زدن
دهلیز
دوال

از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال باشد دلیل که مال حلال یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال حرام یابد **دوختن**
جامه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که جامه خود میدوخت دلیل که کارش بمراد شود و حالش بصلاح آید و اگر جامه
عیال خود میدوخت همین تاویل دارد و اگر بیند که جامه زنی بیگانه میدوخت دلیل که غمی و زیانی بدو رسد و اگر بیند که جامه مردی
میدوخت دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بیند که سوزن در دست و جامه تمام دوخت دلیل هر شغلی که پیش گیرد تمام کند و اگر بیند که
جامه دوخته در خانه بسیار داشت دلیل که عیش وی فراخ گردد و مال تمام از میراث یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که پیراهنی از بهر خود بدوخت و تمام کرد دلیل که با عیال سازگار بود و اگر بیند که شلواری بدوخت و نیفه آن تمام نکرد دلیل که
زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بیند که قبای بدوخت دلیل که بخدمتی مشغول گردد و اگر بیند که جامه عیال میدوخت
دلیل که بگفتگوی عیال در مانده شود و اگر بیند که از بهر جامه رشته می تافت دلیل که عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بیند که از
بهر عیال خود جامه ابریشمین دوخت دلیل که غمگین گردد و بتهمت گناهی اندوه یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درزی در
خواب کسی بود که کالای پراگنده بدست وی جمع شود و باصلاح آید **دود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دود در خواب
پادشاه ستمگر بود و اگر بیند که از جانب مشرق یا مغرب دودی عظیم بود دلیل که مردم آن دیار از دست پادشاه جور و ستم کشند و
اگر بیند که دود در عالم برخاسته بود و آتش زبانه میزد دلیل که فتنه در عالم افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهری یا در
ولایتی بی آنکه آتش بود دود بود دلیل که آنموضع را از حق سبحانه و تعالی بیم بود و اگر بیند که از خانه یا از دهان وی دود می آمد
دلیل که پادشاه ظالم او را مضرت یا مصادره کند و مال وی بزور بستاند **دوزخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
در دوزخ بود و بیرون نیامد دلیل که عاصی و بدکردار باشد توبه باید کردن و اگر دوزخ را دید و از آن گزندی بوی نرسید
دلیل که در رنج و غم گرفتار آید و عاقبت سلامتی یابد و اگر بیند که در دوزخ مقیم بود و ندانست که کی آنجا رفت دلیل که پیوسته
در دنیا در بی روزی بود و اگر بیند که طعام و شراب اهل دوزخ میخورد و در آتش می سوخت دلیل که در دنیا کردار بد کند و در آخرت
وبال بود و اگر بیند که فرشته از موی پیشانی او گرفت و در دوزخ انداخت دلیل که بیننده خواب را علامت بدبختی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را
در دوزخ بیند دلیل که بر گناه کردن دلیر بود و اگر بیند که از زقوم و حمیم خورد دلیل که بعلمی باطل مجهول مشغول گردد و اگر بیند که شمشیر برکشید و در دوزخ
رفت دلیل که سخن فحش و منکر گوید و اگر بیند که در دوزخ چیزی میخورد دلیل که مال الیتیم را بخورد و اگر بیند که نزدیک دوزخ آتش
می افروخت دلیل که کاری صعب او را پیش آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که او را کشان بدوزخ میبردند
دلیل که عاقبتش بکفر کشد قوله تعالی یوم یسحبون فی النار علی وجوههم ذوقوا مس سقر و اگر بیند که
بدوزخ رفت و بیرون آمد دلیل که از گناهی که کرده باشد توبه کند و اگر بیند که او را در دوزخ می بردند و فریاد
نمی توانست کرد دلیل که بر کفر بود قوله تعالی قال اخسئوا فیها و لا تکلمون و اگر بیند که بانگ از دوزخ می شنید
دلیل که هیبت و سیاست پادشاه بدو رسد و اگر بیند که نزدیک دوزخ قرار گرفت دلیل که جهان

بروی تنک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دوزخ در خواب بر شش وجه بود یکی خشم حق تعالی دوم مبتلای گناه سوم جور سلطان
چهارم تا ششم مصیبت و رنج **دوشاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوشاب در خواب مال و نعمت بود ولیکن نه بسیار
واگر بیند که دوشاب میخورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل گردد واگر بیند که دوشاب می ساخت دلیل که کاری کند که از آن خیر و منفعت
یابد واگر بیند که دوشاب در دهان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوشاب سپید و پاکیزه
میخورد دلیل که او را فرزندی خوبصورت آید **دوش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوش در خواب زینت مرد بود و
اگر بیند که دوش راست او ضعیف شد یا شکسته بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوش وی قوی و
درست بود دلیل که امانتی در گردن وی بود و مال یابد از جائی که امید ندارد **دوشیزگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که دوشیزگی زنی بنکاح بسته دلیل که مال حرام یابد واگر زنی دوشیزه نباشد و در خواب بیند که دوشیزه است دلیل بر ستر و
عفت وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوشیزگی ببسته دلیل که در آن سال زن خواهد یا کنیزکی خرد **دوغ**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خریدن دوغ در خواب غم و اندوه بود و خوردنش بیماری و معبران گویند که خوردن دوغ در خواب
مال حرام بود زیرا که مسکه از وی بیرون کرده اند واگر بیند که دوغ بکسی داده دلیل که آنکس غمناک گردد **دکان** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد واگر بیند که دکان را خراب کرد دلیل که زن را طلاق
دهد واگر بیند که دکان بیفتاد دلیل که زنش بمیرد واگر بیند که بر صفای خداوند دکان دار بر دکان نشست دلیل که بعیال
مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم عیش سوم عز و جاه چهارم
نکوئی پنجم بلندی ششم چون دکان نو بود مرتبت باشد **دوک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوک در خواب دلیل
بر دختر بود واگر مردی بیند که دوکی فرا گرفت و در وی دو مهرهٔ دوک بود دلیل که دختر بشوهر دهد واگر بیند که دوک وی
بشکست دلیل که دختر یا خواهر بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید دوک در خواب مردی مسافر بود واگر زنی بیند که دوکی فرا گرفت یا کسی
بوی داد دلیل که مردی مسافر را شوی کند واگر بیند که مهرهٔ از دوک وی بیفتاد دلیل که مهرش از شوهر بریده شود مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر مردی بیند که دوک میرشت دلیل که اندوهگین شود واگر این خواب زن بیند دلیل که بغم گردد و نیز گویند که دوک دلاله بود **دولاب**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دولاب در خواب خزانه بود و خانه پر نعمت و آبادان اگر بیند که دولابی می ساخت اگر از اهل آن
بود دلیل که خزانه از خانه او بسازند یا از اهل آن باشد که خزانه خود بسازد واگر بیند که پادشاهی یا بزرگی وی را دولابی داد
دلیل که از پادشاه یا از خانه خود بدو سپارد واگر بیند که از دولاب آب میخورد یا جمع میکرد دلیل که از خزانه دار او را
منفعت رسد **دلو** کرمانی رحمة الله علیه گوید دلو در خواب مردی بود که مالها ناشناخته بیرون آورد واگر بیند که
دلو پر آب کرد یا بدلو آب میکشید دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آرد واگر بیند که دلو پر آب صافی داشت
یا کسی بوی داد دلیل که او را مالی آسان بدست آید واگر بیند که بدلو آب از جوی بر میگرفت دلیل که بقدر آن مال یابد

دوشاب
دوش
دوشیزگی
دوغ
دکان
دوک
دولاب
دلو

وآن مال بمکر وحیلت بدست آرد واگر بیند که آب از دلو بر زمین ریخت دلیل که مال را بچیزی خرج کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
اگر بیند که دلوی بزرگ داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی مالدار دوستی کند وازوی منفعت یابد **دوات** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دواتی داشت یا کسی بوی داد دلیل که با کسی از خویشان خویش خصومت کند واگر بیند که بدوات
می نبشت دلیل که بدی ازوی بکفایت رسد واگر بیند که دوات بشکست یا بدزدیدند یا ضایع شد دلیل که زن بمیرد بکراهیت
بخواهد واگر بیند که بقلم سیاهی در دوات میکرد دلیل که او را فرزندی نرینه بشود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوات زرین
بود دلیل که متفکر شود واگر بیند که دوات سیمین بود دلیل که زن خواهد یا کنیزکی خرد واگر بیند که دوات او برنجین بود دلیل که
منفعت یابد واگر دوات آهنین بود دلیل که در کارها قوت یابد واگر دوات مسین بود دلیل که چیزی کمتر بوی رسد
دویدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که میدوید یا ستور میدوانید دلیل که بسفر رود وهرچند دویدن او
بلندتر بود سفرش دورتر بود واگر بیند که بر اسب یا لالی سوار بود ومیدوانید دلیل که با عیال بسفر رود ومال یابد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دویدن بر کسی سبق بگرفت دلیل که بحرص مال ازوی سبق گیرد واگر بیند که در دویدن مانده شد
وآرام گرفت دلیل که دنیا را ترک گیرد وقانع گردد **دیبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیبا در خواب خیر وصلاح این
جهانی بود واگر زنان بینند بهتر بود واگر مردی بیند که قبای دیبا و پرنیان پوشیده بود وتغار گرد دلیل که عز وجاه یابد در دین و
دنیا مغربی علیه الرحمه گوید اگر زنی بیند که جبه ولباچه اطلس سبز پوشیده بود دلیل که آن زن دین دار و با دیانت بود واگر بیند که
اطلس سفید پوشیده بود دلیل بر پارسائی او کند واگر اطلس کبود بود دلیل که او را مصیبت رسد واگر بیند که اطلس سیاه بود
دلیل که اندوهگین گردد ودیبا باف در خواب مردی ساز بود باصلاح دنیا وفساد دین وتاویل پرنیان چون تاویل دیبا
بود **دیگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیگ در خواب زن بود ومعبران گویند که دیگ کدخدای خانه بود واگر
بخواب بیند که دیگ فرا گرفت یا کسی بوی داد وبر آتش نهاد وخوردنی می پخت دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال ومنفعت
بدو رسد واگر بیند که دیگ مسین یا دیگ سنگین داشت دلیل که بقدر وقیمت دیگ فایده یابد واگر دیگ سفالین بود دلیل که کاری
کند که بدان کار از مهتر خانه چیزی بوی رسد واگر دیگ بر آتش نهاد ودر وی هیچ طعام نبود دلیل که مرد مرا بکاری بدارد که
در آن کار او را کراهت باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیگ در خواب کدخدای خانه یا کدبانو بود واگر بیند که در دیگ گوشت و
خوردنی بود دلیل که روزی بیرنج بوی رسد واگر بیند که دیگ وی بشکست دلیل که کدخدا وکدبانو بمیرد وبمیرند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن دیگ در خواب بر پنج وجه بود یکی کدخدای خانه دوم کدبانو سوم رئیس چهارم خادم پنجم موکل بر حوایج **دیگدان**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیگدان در خواب بر دو وجه بود یکی کدخدا دوم کدبانو اگر بخواب بیند که دیگدانی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که کدبانوئی بخانه آورد
واگر زنی بیند که دیگدان بشکست دلیل که کدخدای خانه بمیرد مغربی رح گوید دیگدان کدخدای خانه بود یا مردی قوی حال که از کسی نخواند شد **دینار** دانیال علیه السلام
گوید اگر بیند در دست دینار داشت که بعدد بیش از چهار بود دلیل که او را آسیبی رسد یا سخنی شنود که ورا دشوار آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

اگر پنج عدد درم باشد دلیل که کاری پسندیده و نیکو کند و اگر با وی یک دینار بود یا هزار دینار دلیل که علمی اختیار کند که او را
مال حاصل آید لیکن عدد وی باید که جفت بود و اگر بیند که دینار بکسی داد یا ضایع شد دلیل که از جهت فرزند او را مصیبت رسد
و اگر بیند که دینارهای بسیار داشت دلیل که رنجی بوی رسد و معبّران گویند که دینارها در خواب امانتها بود که گذارد قوله تعالی
وَمِنْهُمْ مَنْ اِنْ تَأْمَنْهُ بِدِيْنَارٍ لَا يُؤَدِّهٖ اِلَيْكَ اگر در کف دست خود پنج دینار بیند دلیل که پنج نماز فریضه بجای آورد و
اگر بیند که دینارهای بسیار داشت و بجای محکم نهاد دلیل که امانت مسلمانان نگهدارد و اگر بیند که دینارها قسمت کرد دلیل که
میان مردم امر معروف کند و امانت گذارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یک دینار یافت دلیل که بر روی قباله نویسند از بهر امانتی
که بدو سپارند و بسیار بود که در خواب دینار یابد و در بیداری هم دینار یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید که دینار در خواب
دیدن دین بود و راه راست مادام که بدان دینار صورت نقش نکرده باشد و اگر بیند که دینار داشت و بر رویش نام خدای عزّ و جلّ
بود و بر روی دیگر صورت اگر بیند که صاحب خواب مسلمان بود دلیل که مرتد شود و اگر کافر بود مسلمان شود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دینار در خواب بر پنج نماز بود اگر بیند که بعدد جفت بود دلیل که دین پاک و علم با منفعت بود و اگر بیند که بعدد
طاق بود تاویلش بخلاف این بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید دینار در خواب زن و فرزند و کنیزک بود و دینار بسیار دلیل
بر مالی بود که برنج و خصومت بدست آرد **دیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در دیهی بود و نام آن دیه
نداند دلیل خیر و نیکی بود و اگر نام آن دیه داند دلیل بر بدی باشد و اگر بیند که از دیه بیرون آمد دلیل بر نکوئی باشد و اگر بیند
که در دیه رفت دلیل بر بدی باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که از شهری بدیهی آبادان شد که در وی نعمت بود
دلیل بر خیر و برکت و عز و اقبال کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و ادبار بود و اگر بخواب بیند که در دیهی گم شده بود دلیل
بر خیر بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کسی دیهی مجهول بوی داد یا بخرید یا عمارت کرد دلیل که بقدر عمارت دیه
خیر و منفعت بیند و اگر بخلاف این بود دلیل که مضرت یابد **دیوار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که دیوار حال بیننده خواب
باشد و اگر بیند که دیوار محکم و نیکو بود دلیل بر نیکوئی حال او بود در دنیا و اگر بیند که دیوار کهنه بود و خراب میگردد دلیل که مال یابد
و اگر بیند که دیوار نو بود و خراب میگردد دلیل بر غم و اندوه بود بقدر خرابی دیوار و اگر بیند که دیوار سست و تنک بود دلیل که حالش
در دنیا ضعیف گردد و اگر بیند که بر دیوار بر پای بود دلیل که حالش مستقیم باشد و اگر بیند که دیوار آویخته بود دلیل بر پراکندگی
احوال و زوال عیش وی بود و اگر بیند که دیوار بیفتاد دلیل که از معیشت و صنعت بیفتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
دیوار شهر یا دیوار مسجد جامع بیفتاد دلیل که والی آن شهر هلاک شود و اگر بیند که بدست خود دیوار از گل و خشت کرد بقول جعفر
صادق رضی الله عنه دلیل بر پاکی دینی بود و اگر از گچ و آجر بود دلیل بر تباهی حال او بود در دین و اگر دیوار از آهک و سنگ
بود دلیل که بدنیا فریفته شود و طالب آخرت نباشد **دیو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیو در خواب دشمنی بزرگ باشد
فریبنده و مکار و اگر بیند که دیو او را وسوسه کرد دلیل که از کارهای ناصواب توبه باید کردن تا دشمن بر وی ظفر

دیه

دیوار

دیو

باشد قوله تعالی اِنَّ الَّذِیْنَ اتَّقَوْا اِذَا مَسَّهُمْ طٰٓئِفٌ مِّنَ الشَّیْطٰنِ تَذَكَّرُوْا فَاِذَا هُمْ مُّبْصِرُوْنَ واگر بیند که با وی جنگ کرد
واو را غلبه کرد دلیل که دین وی درست باشد واگر خلاف این بود دلیل که از ضعف دین باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر دیو را خرم بیند
دلیل که بهوا و شهوت مشغول گردد واگر دیو را غمگین بیند دلیل که بعبادت وصلاح دین مشغول گردد واگر بیند که دیو جامه از تن
وی بکشد اگر عامل بود دلیل که از عمل معزول گردد واگر این خواب دهقانی بیند دلیل که او را مضرت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که دیوار پای او فراز شد دلیل که دشمن بروی ظفر یابد واگر بیند که او بدست دیو اسیر شد واو را ببرد دلیل که برسوائی مشهور گردد
واگر بیند که با دیو صحبت کرد دلیل که گناهی بزرگ از وی صادر شود واگر بیند که با دیو گفتگو میکرد دلیل که با دشمن با صلاح یکی
شود وایزد تعالی جل وعلا مراد ایشان بدهد قوله تعالی اِنَّمَا النَّجْوٰی مِنَ الشَّیْطٰنِ لِیَحْزُنَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَلَیْسَ
بِضَآرِّهِمْ شَیْــًٔا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که با دیو طعام و شراب میخورد دلیل که براه فسق و
فساد در آید و مطاوعت دیو کند واگر بخلاف این بیند دلیل براه خیر وصلاح باشد و قانع راه دین بود واگر بیند که دیو را گرفت
یا در شکم دیو در رفت دلیل که از راه فساد دور شود و توبه کند و بطاعت مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیو در
خواب بر شش وجه بود یکی دیدار دشمن دوم فساد سوم شهوت ومعصیت وهوای نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم
از اهل خیر وصلاح دوری جستن ششم چیزهای حرام **دیوانگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیوانگی در خواب مال حرام بود
بر بیننده خواب بقدر دیوانگی کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیوانه بود دلیل که بحرام افتد و ربا خورد قوله تعالی اَلَّذِیْنَ
یَاْكُلُوْنَ الرِّبٰوا لَا یَقُوْمُوْنَ اِلَّا كَمَا یَقُوْمُ الَّذِیْ یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطٰنُ مِنَ الْمَسِّ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با
دیوانه هم صحبت بود دلیل که با مردی رباخوار مفسد مصاحب گردد واو را ملامت و بدنامی حاصل گردد

حرف الدال

ذکر دانیال علیه السلام گوید قضیب در خواب فرزندی مبارک و نام آور باشد واگر کسی بخواب بیند که او را دو قضیب بود دلیل
که او را فرزند بود و هم بزرگی میان مردم یابد واگر بیند که قضیب وی بریده شد دلیل که فرزندش بمیرد واگر بیند که قضیب وی خود بریده
دلیل که فرزندش نباشد واگر بیند که قضیب وی سست شد دلیل که فرزندش بیمار شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بزرگی قضیب
دلیل بر بسیاری فرزند و نام آوری بود و کوچکی قضیب بخلاف این بود واگر بیند که قضیب وی چون قضیبهای دیگر بازند شاخها
پدید آمد دلیل بر بسیاری فرزند و فرزند زادگان باشد واگر بیند که از قضیب وی ماهی بیرون آمد دلیل که او را دختری
آید از زنیکه آن زن از کنار دریای مشرق باشد واگر بیند که از قضیب وی گربه بیرون آمد دلیل که او را فرزندی دزد و راهزن
پدید آید واگر بیند که از قضیب او مرغی بیرون آمد تاویلش از جوهر آن مرغ باشد واگر بیند که از قضیب او موشی بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید که
در وی خیر نباشد اگر بیند که از قضیب او ماری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید که او را دشمن باشد واگر بیند که از قضیب او کژدم بیرون آمد همین تاویل را
دارد واگر بیند که از قضیب او کژدم و مور بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید دون همت و فرومایه و ضعیف ترکیب بود واگر بیند که از قضیب
او نان بیرون آمد دلیل که فرزند و عیال او گرسنه و تنگدست شوند واگر بیند که از قضیب او کنجد بیرون آمد

دلیل که کسی پنهانی عیال او را دوست میدارد و اگر بیند که از قضیب او ریم بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که از قضیب او منی بیرون آمد دلیل که او را بقدر آن مال و خواسته باشد و اگر بیند که خون بیرون آمد دلیل که با زن حایض جماع کند و اگر بیند که از قضیب او آتش بیرون آمد و نیمه بطرف مشرق رفت و نیمه بطرف مغرب دلیل که او را فرزندی آید که پادشاهی مشرق و مغرب کند و اگر بیند که از قضیب او سرگین بیرون آمد دلیل که میلش بلواطت بود و اگر بیند که قضیب وی برخاست و سخت شد دلیل که بخت و اقبال او قوی گردد و اگر بیند که قضیب وی سخت و دراز شد دلیل که او را فرزندان بسیار شود و اگر بیند که پیرامن قضیب وی پرها رسته بود دلیل که نامش در آن دیار مشهور گردد و حرمت و جاهش بیفزاید و اگر بیند که بدست خود خایه بیرون کشید و باز بجای خود نهاد دلیل که فرزندش بمیرد و او را فرزندی دیگر آید و اگر بیند که قضیب خود در دهان کسی نهاد و می مکید دلیل که از وی بدان کس منفعت رسد و اگر بیند که بر قضیبش موی رسته بود دلیل که بجهت فرزند شادمان گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قضیب از وی جدا شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود و حرکت قضیب در خواب دلیل بر قوت و فراخی نعمت کند و اگر بیند که قضیب وی بشکافت و خون روان شد دلیل بر زیان مال و مرگ فرزند بود و اگر بیند که قضیبش آماس گرفت دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیند که گروهی بر قضیب وی زدند دلیل بر تباهی عیش وی بود و اگر بیند که قضیب در میان بسته بود دلیل که گواهی که دارد نهد و اگر بیند که زنی قضیب داشت اگر آن زن آبستن بود دلیل که پسری آرد و لیکن بمیرد و اگر آبستن نبود دلیل که آبستن گردد و اگر بیند که قضیب او باریک بود همین تاویل دارد و اگر بیند که قضیب وی برخی بریده بود دلیل که فرزندش بمیرد یا مال و جاه وی کم شود و اگر بیند که از سوراخ قضیب وی مروارید یا جواهری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قضیب در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم اهل خانه سوم مال چهارم عمر پنجم بزرگی ششم طلب حاجت هفتم جاه و حرمت و نیکوئی حال

حرف الراء

رازیانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رازیانه در خواب در وقت و بیوقت غم و اندوه بود و خوردنش مضرت باشد و اگر بیند که در زمینی که ملک او بود رازیانه بسیار بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود **راسو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راسو در خواب دزد بود و اگر بیند که راسو را بگرفت یا بکشت دلیل که دزد را بگیرد و بر وی ظفر یابد و اگر بیند که گوشت راسو میخورد یا چیزی از اندامهای وی در دست داشت دلیل که مال دزدیده از دزد بستاند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راسو او را بگرفت و بگزید دلیل که بیمار گردد و عاقبت شفا یابد و اگر بیند که با راسو جنگ میکرد و بر وی غالب آمد دلیل که بر دزد چیره گردد و او را قهر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید راسو در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی دزد دوم غم و اندوه سوم بیماری **ران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ران در خواب قوت خویشان وی باشد و اگر بخواب بیند که ران او بشکست یا بیفتاد دلیل که وی از خویشان جدا شود و بتن ضعیف گردد و بغربت هلاک شود و اگر بیند که ران کسی بدرید آنکس را همین تاویل باشد کرمانی علیه الرحمة گوید ران راست دلیل بر خویشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خویشان مادری کند و اگر بیند که ران وی باریک شد دلیل که کار خویشان وی ضعیف شود و اگر بیند که ران وی بریده شد دلیل که از خویشان

جدائی جوید و اگر بیند که ران وی بشکست دلیل که از شهری ذل و خواری بدو رسد و اگر بیند که گوشت رانهای وی افتاده بود
دلیل که مال خویشان وی ضایع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رانهایش بر ریسمان بسته بود دلیل که از خویشان جدا شود
و پیوستگی بنکاح کند و اگر بیند که گوشت ران خود میخورد دلیل که بقدر آن مال خویشان بخورد **حکایت** چنین گویند که مردی
پیش ابن سیرین رحمة الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که ران مرا سوراخ شده بود و بر وی موی رسته بود گفتم که موی ران
من بتراش ابن سیرین رحمة الله علیه گفت که تو وامی داری و از خویشان تو کسی وام تو را بگذارد و هم در آن ماه کسی از خویشان
آن شخص پیدا آمد و دویست دینار وام بگذارد و جعفر صادق رضی الله عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی اهل بیت
دوم دوستان که بر ایشان اعتماد باشد سوم مال چهارم خشم

راه

راه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راه بخواب دیدن دلیل دین و
استقامت بود و جستن راستی در راه دین و اگر بیند که در شاهراه میرفت دلیل که براه دین بود و اگر بیند که گروهی را براه راست
رهبری میکرد دلیل که قومی را براه راست و صلاح دین رهبری کند و راه نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد دلیل که در راه دین
یا در کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که دزدان کالای او را از راه ببردند دلیل که بقدر آنچه بردند غرامت کسی دیگر بگذارد
و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده می شد دلیل که حق خود بدشواری از کسی بستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست براه کج برد
دلیل که بمعصیتی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بیند که بشب تاریک میرفت و راه بر وی مشکل بود و گمان آن داشت
که راه راست است دلیل که استقامت و راه راست یابد و اگر راههائی بیند و نداند که از کدام راه می باید رفت دلیل که در دین خود
متحیر بود و صحبت با مردمان بددین دارد و اگر بیند که راه بر وی مشکل شده ندانست که کجا میرود و بقول پیغامبر صلی الله علیه وسلم
جانب دست راست گرفت دلیل که راه حق بر وی پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست بجسو میرفت دلیل که بر دشمن مکر و
حیلت سازد و اگر بیند که براه راست میرفت و از برای حشمت کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بمحالات
مشغول شود و بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت و زنی پیش آمد و بسبب آن زن از راه گشت و بیکسو رفت دلیل
که خلل در دین او پیدا شود و بدنیا فریفته شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در راه وی سبزه بود و بناهای نیکو دلیل بر نیکوئی و
پاکدینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده بگمان میرفت دلیل که در دین بدعت آورد یا در کار خود سرگشته شود قوله تعالی
إِنَّ هٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ و اگر بیند که کسی او را از راه ببرد دلیل که بر فساد دین وی بود وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید راه راست در خواب مسلمانی بود و راه کج بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن راه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا
دوم رامش سوم کار نیکو چهارم خیر و برکت پنجم آسانی و رحمت

راهزن

راهزن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راهزن در خواب مردی بود که
با مردم جنگ کند و اگر بیند که راهزن مال وی بستد دلیل که با مردی پیوندد که او را عزیز و گرامی کند و از وی فائده یابد بقدر آنچه
راهزن برده باشد و اگر بیند که راهزنان بر وی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند بردن دلیل که اگر بیمار شود شفا یابد
کرمانی علیه الرحمه گوید اگر بیند که راهزنان از وی چیزی بدزدیدند دلیل که آن راهزن با وی دروغ گوید و اگر بیند که راهزنان کلاه او را

بردند دلیل که بمصیبتی آلوده گردد معبّری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راهزنی کرد و کالای کسی را برد دلیل که آنکس با وی خشم گیرد و اگر خود راه زد و کالای کسی را برد دلیل که آنکس بیمار گردد و شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راهزنی در خواب بر سه وجه بود یکی جنگ دوم خصومت دوام و دروغ گفتن سوم تباهی عیش و بیماری **رهبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رهبا در خواب دیدن آنچه خوش طعم و خوشبوی بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر مضرت و رنج و اندوه بود و نخجین رب در خواب چون شیرین بود دلیل بر کار خیر و منفعت بود و چون ترش بود تاویلش بخلاف این بود **رباب** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رباب در خواب دلیل بر سخن باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر بخواب بیند که رباب میزد دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را مدح و ستایش بدروغ کند و اگر بیند که در پیش وی رباب میزدند دلیل که سخن باطل رضا دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با رباب چنگ و چغانه فنای بود این جمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که رباب بشکست یا ضایع شد دلیل که از دروغ توبه کند و اگر بیمار بیند که رباب میزد دلیل که بمیرد یا بیماری بروی سخت شود **رخسار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رخسار در خواب روشنائی بود و شرف مردم باشد و اگر بخواب بیند که رخساره او سرخ بود و پاکیزه دلیل که در میان مردم روشنائی گردد و اگر بیند که رخساره سیاه یا زرد گشته بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید رخساره در خواب آرایش مردم و کدخدائی بود و اگر رخساره حلبی بیند دلیل که نقصان کدخدائی بود و اگر بخلاف اینها بود دلیل نیکی کدخدائی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکوئی حال و شادی مردم بود و زشتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند **رز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رز در خواب دلیل بر زنی کریمه نیکوکار بود و اگر بیند که رزی داشت که درختان سبز و پاکیزه بود در هنگام وی دلیل که زنی نیکوکار بزنی کند و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که درختان رز را هیچ برگ نبود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند برگهای رز زرد گشته بود دلیل که بیمار شود و اگر ملک او نبود تاویلش بخداوند رز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رز در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی زن کریمه نیکوکار دوم منفعت سوم رنج و اندوه و اگر رز را خراب بیند دلیل بر بدی حال خداوند رز بود **رستخیز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت آمنا و صدقنا برخواست دلیل که حقتعالی جلّ و علیٰ در آن دیار عدل بگستراند و اگر پادشاه آن دیار ظالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بدیشان فرستد و اگر مظلوم باشد دلیل که ایشان را بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش خدایتعالی ایستاده اند دلیل که خشم خدایتعالی بدیشان فرستد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت برخاست دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت و اندوه باشد دلیل که خلاصی یابد و اگر بیند که علامتی از علامتهای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآمد یا یاجوج یا دجال علیهم اللعنه پیدا شدند تاویلش آنکه توبه کنند و بحق تعالی باز گردد و اگر بیند که بشمارگاه رفت نشان غفلت باشد قوله تعالی اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ و اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیانی رسد قوله تعالی فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا و اگر بیند

که کردار وی میکشید بد و نیکی او زیادت برآمد دلیل که سرانجام او نیکو شود قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ واگر بیند که بدی وی زیادت شد دلیل که جایش در دوزخ باشد قوله تعالی فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُم بِمَا
كَانُوا الآية واگر بیند که نامهٔ کردار بد وی دادند و بدست راست بگرفت دلیل که بدست راست رود و امید است که در راه دین راست باشد
قوله تعالی وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ واگر بیند که نامه کردار او بدو دادند و گفتند که این را بخوان چون از اهل صلاح بود دلیل
که کارش نیکو گردد و اگر از اهل فساد بود کارش در خطر باشد قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا
واگر خود را بر صراط دید دلیل که بر راه راست باشد واگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت دلیل که بر راه خطا بود و توبه باید کردن تا
حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود گردد **رسن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رسن در خواب عهد و پیمان بود واگر بیند که دست در رسن
رسن
زده بود و از هوا معلق آویخته بود دلیل که بقدر بلندی رسن منزلت یابد واگر بیند که رسن در دست او بماند و او بیفتاد دلیل که از
قدر و منزلت بیفتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رسنی از آسمان آویخته بود و او دست در آن زده بود دلیل که پیمانی بود میان او
و حق تعالی چنانکه مثلاً اگر بیمار بود و بگوید اگر خدا تعالی مرا شفا بخشد چنین کنم واگر بیند که بر رسن بر پای ایستاده بود دلیل کند آن
پیمان بود که با وی حق سبحانه و تعالی کرده باشد واگر بیند که دست در رسن زده بود دلیل که دست در دین زده باشد قوله تعالی
وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا بعضی از معبران گویند که رسن پیمان بود که با حق سبحانه و تعالی کرده باشند و هم با خلق خدای واگر بیند که
رسن در گردن وی کرده بودند دلیل پیمانی که با کسی کرده باشد و در گذاردن وی تاخیر میکند واگر بیند که مشعبد بازی میکرد دلیل که
در اعتقادش خلل بود واگر بیند که از بام یا از جائی بلند خود را برسن فرو هشت دلیل که ترک مقصود و حاجتی که دارد بگوید از ترس جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن رسن در خواب بر چهار وجه بود یکی عهد و پیمان دوم دین سوم امانت چهارم روائی حاجت
رضوان بدانکه رضوان دربان بهشت باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رضوان بخواب دید دلیل که از عذاب
رضوان
ایمن گردد واگر بیند که رضوان در بهشت ایستاده بود دلیل که از دنیا برود و بعضی معبران گویند که رضوان در خواب دلیل
خزینه دار سلطان بود که بوی صحبت افتد زیرا که رضوان خازن بهشت است اگر بیند که او را رضوان یاقوت و گوهر و مروارید داد
دلیل که او را فرزندی آید دانا و عالم چنانکه نامش بعلم مشهور گردد **رفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از شهر خود
رفتن
میرفت و ندانست که کجا میرود دلیل که بیچاره و سرگشته گردد واگر زن و فرزندان همراه داشت دلیل که مجموع سرگشته و حیران گردند
اگر بیند که مانند اشتری میرفت دلیل که سعادت دنیا یابد واگر بیند که مانند ددی میرفت دلیل که تاویلش بد باشد واگر بیند که مانند کژدم میرفت
تاویلش همین بود واگر مانند مرغان شکاری میرفت دلیل بر خیر و نیکی بود واگر مانند کسی که از تاریکی بود و بروشنائی میرفت
دلیل که از راه باطل براه حق گراید واگر از خرابی بآبادانی میرفت دلیل که از تنگی به فراخی رسد واگر بیند که
از آبادانی بخرابی میرفت دلیل بخلاف این بود واگر بیند که بجایگاهی بد رفت بد بود واگر بجایگاهی نیک میرفت
رفو کردن
دلیل بر خیر و نیکی بود **رفو کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رفو کردن در خواب جامه را و دیگر

چیزها را دلیل بر جنگ و خصومت بود و اگر بیند که جامه یا مقنعه خود را فو کرد دلیل که او را با کسی از خویشان خصومت افتد یا با
دوستی که در وی خیر نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه خود را فو میکرد دو نتوانست دلیل که از جهت عیال خود غم و اندیشه
کند و رفو کرد در خواب خداوند جنگ و خصومت بود و بجهد کار خود را باصلاح آرد و از خصومت برهد **رقص کردن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید پای کوفتن در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معبّران گویند که بیماری بود و بعضی گویند که مرد را از زندان
خلاصی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید رقص کردن در خواب زنان را رسوائی بود و مردان را مصیبت امّا صوفیان را و کسانیکه رقص
بسیار کنند ایشان را غم و اندوه نبود و رقاص در خواب مردی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید رقص کردن در خواب غم و مصیبت بود **رگ کشادن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را رگ
کشادند دلیل که از دوستی سخنی شنود و یا مالش تلف شود و اگر بیند که رگ کشاد و خون از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان
او را زحمتی رسد و اگر بیند که خون اندک بود دلیل که اندک زحمت باشد و بقدر خون زحمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که عالمی او را رگ زد و خون بسیار آمد و در جائی گرد دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسمٰعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ از دست راست کشاد دلیل زیادتی مال و خواسته بود و اگر از دست چپ کشاد دلیل بر
زیادتی مال دوستان بود و اگر بیند که معروفی او را رگ کشاد اگر زنش آبستن نبود دلیل که آبستن شود و اگر آبستن بود دلیل که
دختری آرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل که او را سخنی حق گویند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید رگ زدن در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی کشادن کار دوم سفر سوم خصومت چهارم از جهت مال انبازی کردن و اگر
بیند که رگ زد و خون بیرون نیامد دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که خون بیرون آمد چنانکه در تن خون نماند دلیل بر خصومت
بود و اگر بیند که بجراحتی خون آلوده گشت دلیل که چیزی بوی رسد و معبّران گویند که رگ زدن در خواب اگر بیننده خواب مستور بود
دلیل بر خرّمی و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شر و فساد کند **رگها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رگهای تن دلیل
بر اهلبیت و خویشان بود و اگر بیند که رگی را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه خورند
و هر رگی که معین است که بکی تعلق دارد بر رگهای پیشانی دلیل بر مهتران کند و رگهای دست و بازو دلیل بر
فرزندان و رگهای شکم دلیل بر خویشان مادر و رگهای پشت دلیل بر خویشان پدر کند و رگهای سر چیز
وران دلیل بر اهلبیت و زن و دوستان و رگهای ساق دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بیند که رگها بکشاد
و بر پهنا رود بریده شد یا خشک شد دلیل که از خویشان وی یکی که بدان تعلّق دارد از دنیا برود و بعضی از
معبّران گویند که غمی و اندوهی بخویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان جدا ماند و اگر بیند که
کسی او را رگ زد دلیل که از خویشان خود سخنی درشت شنود و بعضی گویند که بقدر آن خون که از وی رفته باشد
مال یکی از خویشان خود تلف کند دانیال علیه السّلام گوید اگر بیند که رگ قیفال بکشاد دلیل که کار وی بسته گردد و

اگر بیند که رگ با سلیق کشاد همین تاویل دارد و چون سایل گوید که از رگ من خون می آمد دلیل که هر که باشد مال یابد واگر گوید
از دست من خون همی رفت دلیل که او را زیانی رسد و معبر باید که در لفظ گوینده خواب نگاه کند و تعبیر بر موجب لفظ او کند واگر بیند که
رگ او پهن و کبود بود دلیل که او را اندوهی رسد **رکاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که رکاب از زین جدا بود
دلیل بر فرزند یا غلام بود واگر رکاب با زین بود دلیل فرزندی بود که در وی هیچ خیانت نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
رکاب او زرین بود دلیل که فرزندی خویشتن بین و متکبر آورد واگر بیند که رکاب سیمین بود دلیل که فرزند بمال دنیا فریفته شود
واگر بیند که رکاب مسین بود یا برنجین دلیل بر فرزند دون همت بود واگر رکاب آهنی بود دلیل که بقدر روشنی و پاکی او را قوت
در کار دنیا بود واگر رکاب او چوبین بود دلیل که فرزند او بد رای و فرومایه بود و رکاب در خواب نیکو بود زیرا که او مهتران
نزدیک است **رنگها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رنگ سفید بخواب دیدن در جامه و غیر آن دلیل بر پاکی دین او بود و رنگ
سرخ مردانرا کراهیت و رنج بود و زنان را نیک بود و رنگ سبز زنان را و مردانرا نیک باشد در دین و دنیا و رنگ سیاه
مصیبت باشد مگر کسانیکه پوشند و رنگ کبود زنان را و مردان را نیک نباشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید رنگ سبز و
سفید دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس اهل بهشت است **روباه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روباه در خواب
مردی فریبنده باشد یا زن یا کنیزک دروغگو واگر بیند که روباه در بر او بود دلیل که او را با مردی خصومت افتد واگر بیند که
روباه می جست دلیل که از پریان ترسنده شود واگر بیند که با روباه بازی میکرد دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف
بود کرمانی علیه الرحمه گوید اگر بیند که روباهی سانه میکرد دلیل که با کسی حیلت کند و او را ظفر بود واگر بیند که روباهی پیش او چاپلوسی
میکرد دلیل که غریبی با او مکر و حیلت کند و پوست روباه مالی بود که بحیلت بدست آرد و شیر روباه بخواب خوردن دلیل شفا از
بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و بعضی از معبران گویند که شیر روباه خوردن دلیل بر بیماری بود یا ترسی که
بوی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید روباه در خواب دیدن زن دروغگو باشد واگر بیند که روباه بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی
فریبنده و دروغزن خواهد واگر بیند که روباهی در خانه وی آمد و قرار گرفت دلیل که زنی خواهد که دوستدار او بود واگر بیند که روباه
از وی بگریخت دلیل که وامدار او بگریزد **رود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رود بزرگ در خواب مردی بزرگ بود واگر بیند که در
رود بزرگ صافی شد دلیل که با مردی بزرگ با دیانت پیوندد و از وی خیر و منفعت یابد واگر بیند که از رود بیرون آمد دلیل
که از بلا و غم رسته گردد واگر بیند که در رودی بزرگ رفت و آبش تیره بود دلیل که با مردی بزرگ ستمگر پیوندد واگر بیند که در
آن رود غرق شد دلیل که تا مرگ از آن رستگاری یابد دانیال علیه السلام گوید رود بزرگ وزیر بود واگر بیند که رود
بزرگ خشک شد دلیل که وزیر معزول گردد واگر آب رود زیادت بیند دلیل که از وزیر عطا یابد واگر آب رود تیره
بیند دلیل که مال حرام یابد واگر آب تلخ بود دلیل که رشوت ستاند واگر آب رود گنده بیند دلیل که بیمار گردد واگر آب
رود سرد و خوش بود دلیل که از وزیر نواخت یابد واگر بیند که در جوئی خون بود و میرفت دلیل که در آن

خونریزیش بسیار شود و اگر بیند که آب رود سفید و خوش بود دلیل که مردم عام شمالی و زیر گویند و اگر بیند که آب رود بزمین فرو رفت و هیچ نماند دلیل بر عقوبت باشد در آن دیار بقوله تعالی قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غوراً فمن یاتیکم بماء معین و اگر بیند که باب رود خود را بشست دلیل که از شر پادشاه و وزیر ایمن گردد و اگر بیند که زیر آب غوطه میخورد دلیل که از راز وزیر آگاه شود و اگر بیند که جامه خود را بشست دلیل که او را اهل بیت او را از پادشاه و وزیر ایمنی بود و اگر بیند که در رود میرفت و جامه آلوده گشت دلیل که از قبل بازرگانی غم خورد و اگر رود دجله بخواب بیند بقول کرمانی رحمة الله علیه خلیفه بود و رود جیحون پادشاه خراسان بود و رود سیحون پادشاه هند بود و فرات پادشاه شام بود و بعضی گویند پادشاه روم بود و رود نیل پادشاه مصر بود و رود رود کر پادشاه ارمن بود و آب خوردن و شستن خود را در آن خیر و منفعت بود و بقدر آن آب از آن پادشاه چیزی بوی رسد که خورده باشد و اگر خود را در رودی از تیر بیند دلیل که در فتنه افتد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن رود در خواب بر هفت وجه بود یکی حج دوم بندگی سوم پادشاهی چهارم تجارت پنجم مال ششم ریاست هفتم ظفر و علم رود بار وادی را گویند اگر بیند که در رود باری شد دلیل که در غمی و اندوهی گرفتار شود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر از رود باری بیرون آمد دلیل که از غم و اندوه بیرون آید کرمانی رحمة الله علیه گوید رود بار در خواب حج اسلام بود قوله تعالی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم مغربی رحمة الله علیه گوید رود بار در خواب دلیل بر گفتن شعر بود والشعراء یتبعهم الغاوٗن الم تر انهم فی کل واد یهیمون روده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که روده فرا گرفت و بخورد دلیل که از خویشان خیر و منفعت بیند و اگر بیند که روده های وی از درون پیدا شد دلیل که فرزندی از خویشان وی مهتر گردد و اگر بیند که روده کسی میخورد دلیل که بقدر آن مال کسی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید آشکارا شدن روده کان در خواب مال نهاده بود که پیدا گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روده ها از دهانش بیرون آمد دلیل که مرگ بر فرزندانش بود و اگر بیند که روده کسی بیرون آورد دلیل که بقدر آن مال نهان کرده کسی را بیابد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید روده در خواب بر شش وجه بود یکی مال حرام دوم سخنهای ناخوش سوم دشنام چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم کار کردن خویش روزها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روز آدینه بود و روز شنبه بود دلیل که کاری شروع کند و پندارد که در آن کار خیر است و آن شر بود و اگر بیند که روز شنبه بود در روز آدینه بود بخلاف آن بود و اگر بیند که شب است و روز باشد دلیل بر نیکی باشد و اگر بیند که روز شنبه بود دلیل که دوست جهودان باشد و اگر یکشنبه بخواب بیند دلیل که دوست ترسایان باشد و اگر شنبه را آدینه پندارد دلیل که هوا خواه اهل نعمت و توانگر باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید بهتر همه روزها روز آدینه بود و روز شنبه و روز پنجشنبه بعد از آدینه و روز هر چند روشن تر و صافی تر باشد بهتر بود روزه داشتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که روزه میداشت و تسبیح و تهلیل و قرآن میخواند دلیل که از گناه و حرام توبه کند و اگر بیند که روزه داشت و غیبت مردم میکرد و با فحش میگفت دلیل که او طاعت بریا میکند و در راه دین صادق نیست کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه روزه بود دلیل بر گرانی و تنگی طعام بود و بعضی گویند که دلیل بر درستی دین بود و از غم فرج یافتن باشد و گذاردن وام خاصه

رود بار

روده

این آیه در سوره ابراهیم علیه السلام است

روزها

روزه داشتن

که چون در ماه رمضان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید روزه داشتن در خواب بر ده وجه بود یکی بزرگی دوم ریاست سوم
تن درستی چهارم مرتبت پنجم توبه ششم ظفر هفتم نعمت هشتم حج نهم غزا دهم پسر اما روزه گشادن اگر فراموشی دلیل بر نیکمردی و
روزی حلال بود و چون روزه بقصد گشاید دلیل که در سفر بلا کشد یا بیمار گردد و اگر بیند که دو ماه روزه داشت دلیل که از
گناه توبه کند و اگر بیند که روزهٔ تطوّع میداشت دلیل که از بیماری ایمن گردد و اگر بیند که یکسال تمامی و پیاپی روزه داشت
دلیل که حج بگذارد و اگر بخواب بیند که روزهٔ عاشوره داشت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **روستا** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر روستا خود را در جایگاهی مجهول دید دلیل بر خیر بود و اگر در جایگاهی معروف بیند دلیل نیک نباشد و اگر
بخواب بیند که از روستائی بشهرستان رفت انشاء الله تعالی از فتنه و عذاب ایمن گردد و کارش بنظام شود و اگر بیند که از شهر
بروستا میرفت تاویل آن بخلاف این بود مغربی علیه الرحمة گوید اگر بیند که در روستائی ملک او بود یا کسی بوی داده بود دلیل که
بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیکی بدو رسد و اگر روستا خراب بیند تاویلش بخلاف این بود **روشنائی** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید روشنائی در خواب دین و هدی بود و اگر بیند که روشنائی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که کسی را علم دین بیاموزد
و راه راست نماید و تاریکی در خواب گمراهی و بد دینی بود قوله تعالی الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روشنائی بسینهٔ او افتاده بود دلیل که پارسا و با دین بود قوله تعالی افمن شرح الله صدره
للاسلام فهو علی نور من ربه اگر بخواب بیند که پیرامن وی روشنائی بود دلیل بر خیر و عافیت بود جعفر صادق رضی الله عنه
فرماید دیدن روشنائی در خواب بر چهار وجه بود یکی دین و هدی دوم علم سوم راه راست چهارم اعتقاد پاک **روغن** دانیال
علیه السلام گوید روغن در خواب مال و نعمت بود و بعضی گویند که میراث باشد و اگر بخواب بیند که روغن گاو داشت و از آن بخورد دلیل
که بقدر آن مال و نعمت یابد و میان مردم عزیز شود و اگر روغن گوسفند بیند همین تاویل دارد اما روغن گاو بهتر از روغن دنبه
و روغن بادام و روغن کنجد مال و نعمت بود و روغنهای دیگر را نمایه چون روغن بلسان و روغن بنفشه و روغن زیتون دلیل
که جمله منفعت بود از دهقان و روغن زیتون منفعت باشد از عرب و روغن نرگس منفعت باشد از روستا ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که همه تن وی بروغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر میمالید دلیل بر آرایش
بود و اگر بیند که روغن خوشبوئی بود چون بنفشه و یاسمین دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغنها چون خوش بود
دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی او ناخوش و گنده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن زیت
در خواب مال و نعمت بود و اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن می مالید دلیل که با وی مکر و حیلت سازد
مغربی رحمة الله علیه گوید روغن در خواب بر خود مالیدن دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بیند
که بروغن سینه چرب میکند دلیل که سوگند بدروغ خورد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید روغنها همه تاویل بد بود
مگر روغن زیت که بخوردن دلیل مال و بمالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامهٔ او بروغن آلوده شد دلیل که

روستا

روشنائی

این آیة در سورهٔ بقره است

این آیة در سورهٔ زمر است

روغن

اندوهگین کرد و جعفر صادق رضی الله عنه فرماید روغن خوش بخواب بر شش وجه بود یکی زن خوبروی دوم کنیزک سوم
ثنای نیکو چهارم منفعت پنجم سخنهای خوش ششم طبعهای نیکو و روغن گنده دلیل بر سه وجه بود یکی زن روسپی دوم فسق
سیوم سخنهای زشت **روناس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روناس در خواب و دیدن دلیل بر آرایش دنیا بود
و خوردنش دلیل بر مضرت و رنج بود و اگر بیند که جامه خود بروناس سرخ کرد دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد و راه
دین فرو گذارد **روی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بجمال تر از آن که هست دلیل که شرف و منزلت او زیاده
گردد و اگر روی خود زشت و ناخوش بیند منزلتش کم گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر گونه روی خود سرخ و پاکیزه بیند دلیل که
روشناس گردد و اگر بیند که گونه روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود واما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة
الله هم فیها خالدون و اگر بیند که گونه روی او زرد شد دلیل که بیمار گردد و اگر گونه روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق رسوا
گردد و اگر بیند که با سیاهی روی جامه سفید پوشیده بود دلیل که او را دختری آید قوله تعالی واذا بشر احدهم بالانثی ظل
وجهه مسودا وهو کظیم اگر بیند که با سیاهی روی او گرد آلوده بود دلیل که مشرک بود و اگر بیند که رویش خون آلوده بود
یا زرد آب از رویش می آمد و او را بر روی جراحت نبود دلیل که زیان مال او بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل بر تباهی حال وی
بود و اگر بیند که پیش روی او خال بود دلیل که وام دار شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب نیکو بیند در آب یا در
آئینه یا کسی او را گوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر زشت بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که روی
او سرخ بود دلیل که او را با کسی مناظره افتد و خشم فرو خورد و اگر روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه
بیند دلیل غم و اندوه بود و مخاطره کفر بود قوله تعالی واما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم و اگر بر روی خود
جراحتی بیند دلیل که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بیند دلیل که در کار و کدخدائی وی خلل افتد و اگر خود را دو روی بیند
دلیل منافق بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن روی در خواب بر هشت وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم خواری و حقارت سیوم
نظام کارها چهارم دین و دیانت پنجم اندوه و رسوائی ششم وام هفتم نیکوئی هشتم توفیق طاعت **ریحان** اگر بیند که ریحان
سبز و خوشبوی بود دلیل بر فرزند بود و کندن ریحان از زمین دلیل گریستن و اندوه بود و ابن سیرین گوید اگر ریحان در جایگاه خود بیند دلیل
که خداوند خواب کارهای نیکو کند و دانیال گوید ریحان بخواب دیدن اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند و توفیق بکار خیر یابد جعفر صادق
گوید دیدن ریحان بخواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم کنیزک سیوم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیک اگر بیند که در
سرائی یا باغ او ریحان بود دلیل بر خیر و منفعت کند مغربی رحمة الله علیه گوید ریحان فروش در خواب بوقت خود بغایت نیکو بود و
ریسمان در خواب سفر بود و اگر بیند که از پشم یا موی ریسمان میرشت چنانکه زنان ریسمان ریسند دلیل که کاری حلال
کند و اگر ریسمان بجولاهه برد تا جامه بافد دلیل که در تدبیر کاری باشد که او را از آن خصومت بود و کرمانی علیه الرحمه گوید
اگر بیند که زنی مانند موی ریسمان از پشم یا موی می رشت دلیل که او را غایبی از سفر بیاید و اگر بیند که بوقت رشتن

روناس

روی

این آیة در سورة آل عمران است

این آیة در سورة نحل است

ریحان

ریسمان

ریسمان گسسته شد دلیل که غایبش در سفر دیر ماند و اگر بیند که ریسمان بسیار داشت دلیل که عمرش دراز بود و بقدر ریسمان خیر و منفعت از خویشان یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریسمان در خواب بر پنج وجه بود یکی سفر دوم مزد کار سوم عمر دراز چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب حلال

ریواس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریواس بخواب اندوه بود و بقدر خوردن آن اگر بیند که ریواس بینداخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که ریواس شیرین بود دلیلش که مضرت کمتر بود والله اعلم

ریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریش در خواب آرایش مردم و کدخدائی او باشد و در خبر آمده است که حقسبحانه وتعالی را فرشته ایست که تسبیح او اینست سبحان من زین الرجال باللحی والنساء بالذوائب یعنی پاک است آن خدائی که بیاراست مردان را بریش و زنان را بگیسو و اگر بیند که ریش او دراز شد دلیل که کار کدخدائی او ساخته گردد اما چون بدرازی از ناف گذشته باشد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که ریش خود را بناخن بیاراست دلیل که کدخدائی خود را بیاراید و اگر بیند که ریش خود را خضاب کرد دلیل که حال خود را بمردمان بنماید و نیکو شد و اگر بیند که ریش خود بزمین می کشید دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که ریش او بریده بود دلیل که زیان مال و خواسته و جاه او بود و اگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بردباری و آهستگی او زیادت شود لیکن غمگین شود و اگر بیند که ریش بدندان می برید دلیل که اهل بیت وی را زیان رسد و اگر بیند که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل که او را از مرگ مفاجات بیم باشد و مال و آبرویش برود و اگر بیند که ریش را شانه کرد و بخور و گلاب بر وی ریخت دلیل که شغلی کند که مردم شکر کنند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریش او دراز شد چنانکه بر زیر ناف بود دلیل که مال یابد و اگر بیند که دست بر ریش فرا گرفت و پاره ریش بدست او بماند و آنرا بینداخت دلیل که مال از دستش برود و اگر بیند که پاره ریش در چیزی نهاد و نگاهداشت دلیل که مال نگاهدارد و اگر بیند که ریش او کوچک و کوتاه بود اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود و اگر غمگین بود دلیل که بغم گردد و اگر بیند که ریش او بر زمین افتاده بود دلیل که بمیرد و اگر بیند که ریش او کنده شد دلیل که حرمتش بیکبار برود و اگر بیند که موی سپید از ریش خود برکند دلیل که او مخالفت سنت پیغامبر صلی الله علیه وسلم باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را در حرم بموسم حج سر تراشیدند اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود و از غم خلاصی یابد و اگر بیند که سر و ریش را بیکبار بستردند دلیل که حرمت و آبروی او بیکبار برود و اگر بیند که بی سببی اندک اندک ریش او می افتاد و نقصان در وی ظاهر شد دلیل که از رنج و سختی فرج یابد و اگر بیند که ریش وی تمام سفید شد دلیل که اندکی در حرمتش نقصان شود و اگر زنی بیند که او را ریش بود دلیل غمگین شود و کاری کند که از آن رسوا گردد و اگر مردی بیند که او را ریش برآمد دلیل که او را اگر فرزند نباشد و اگر فرزند آید محتشم و قوی گردد و اگر کودکی نابالغ خود را با ریش بیند دلیل که در غم و اندوه افتد و اگر بیند که ریش کسی گرفت و بکشید دلیل که از آن کس مال و میراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید ریش در خواب بر ده وجه بود یکی [illegible] دوم عز و جاه سیوم مرتبت چهارم هیبت پنجم مروت ششم نیکوئی هفتم تزویج هشتم مال نهم فرزند دهم گرامی شدن قوله تعالی ولقد کرمنا بنی آدم اما ریش ستردن بخواب حاجیان را و زندانیان را نیکو باشد

ریگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریگ در خواب دلیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بیند که در میان ریگ می شد دلیل که از بهر کسب شغلی مشغول گردد بقدر رنج و پیش و اگر بیند که ریگ میخورد یا جمع میکرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریگ در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سیوم منفعت چهارم رفعت لیکن با رنج **ریش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی ریشی بود و در آن ریم جمع شده بود دلیل که بقدر آن ریم او را مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال او را نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن وی بیرون آمد و باز بجای خود شد دلیل بر نقصان مالش بود و عاقبت نیک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که ریم مکید و می خورد دلیل که مال حرام خورد فی الجمله جمع شدن ریم در اندام دلیل جمع مال بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از تن وی ریم می آمد دلیل که بقدر آن مال او نقصان شود و ریم در تن اگر جمع شود دلیل که مال بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جمله اندامهای ریش بود دلیل که غم و اندوه بود **ریم** ابن سیرین گوید ریم در خواب مالی بود بر خداوند خواب اگر بیند که از تن او ریم می آمد دلیل که مال او را نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن او بیرون می آمد و باز بجای خود میرفت دلیل که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریم می مکید و میخورد و ریم و سیم و آهن و غیره دلیل بر غم و اندوه بود **ریوند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریوند بسیار داشت دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که از بهر علاجی ریوند خورد و از آن تندرستی حاصل شد دلیل بر صحت و تندرستی و خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر رنج و بیماری بود والله اعلم

حرف الزاء

زن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر زنی بخواب بیند که او را دختری بود یا دختری داشت دلیل که خبری بوی رسد و از خویشان خورم شود و اگر بیند که مردی پسری زاد و او را و نش آبستن شود دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که دختری زاد دلیل که او را پسری آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زن پادشاهی بیند که دختری بزاد او را دلیل که شوهرش گنجی یابد و اگر بیند که پسری بزاد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که دختری بزاد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که پسری بزاد دلیل که کارش خوب شود و اگر دختر دوشیزه بیند که دختری بزاد دلیل که تاویل آ از زن دارد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر کسی بخواب بیند که پسری بزاد و هم در آن روز با وی سخن گفت دلیل بر مرگ بیننده بود و اگر بیند که دختری بزاد دلیل که فرزندی از نسل وی آید که مهتر قوم گردد **زاغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زاغ در خواب مردی فاسق بد دین و دروغ زن بود و اگر بیند که زاغی را بگرفت دلیل که بکسی بد دین پیوندد که صفت او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بیند که زاغی را بکشت دلیل که در آنجا دزدان و فاسدان و فاسقان گرد آیند و اگر بیند که زاغی شکار کرد دلیل که از جائی بباطل مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زاغ را بخواب بیند کنیزک هندی تاویل آن باشد و زاغهای بسیار در خواب دیدن لشکر بود و اگر بیند که زاغی را پوست برکند دلیل که با زنی غریب زنا کند و اگر بیند که زاغی را بکشت دلیل که اهل بیت او را مضرت رسد و اگر بیند که زاغهای بسیار در هوا می آمدند و میگذشتند دلیل که در آن دیار لشکری پدید آید بقدر

آن زاغها مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که زاغ و تذرو مرده در شلوار او بود دلیل که با کنیزک فساد کند و اگر بیند که با
زاغی مجامعت میکرد دلیل که مردی دزد را بند کند **زاکها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید از جمله زاکها زاک سبز بهتر بود و دیگر
زاک سپید و زاک زرد بیماری بود و زاک سیاه مصیبت بود و خوردن زاک دلیل بر برگ بود و رنگ جامه و غیره بدین تاویل
باشد و در دیدن زاک هیچ منفعت نبود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زاک در خواب بر چهار وجه بود یکی غم و اندوه دوم بیماری
سیوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زنان **ژاله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند در شهری یا در مقامی ژاله میبارید دلیل
که مردم آن شهر را از پادشاه رنج رسد و اگر بیند که باران یا رعد یا برق و یا ژاله بود دلیل که در آنجا قحط و تنگی و مضرت بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید ژاله با باران بخواب دیدن دلیل بر نعمت و فراخی و ایمنی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ژاله در خواب دیدن
بر پنج وجه بود یکی بلا دوم خصومت سیوم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری **زلو** جانوریست که در آب می باشد بپارسی او را دیوچه
گویند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زلو در خواب دیدن دشمن طامع بود و اگر بیند که زلو خون از اندام می مکید دلیل که دشمن بر وی
چیره گردد بقدر خونی که خورده باشد از مال وی نقصان شود و اگر بیند زلو در گلوی وی شد دلیل که دشمن از درون خانه با وی
مجالست کند و اگر بیند که زلو را از اندام خود جدا کرد و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید زلو عیالی باشد که مال
دیگران خورد و اگر بیند که زلو بسیار جمع شدند و خون وی را می مکیدند دلیل که مال وی نقصان شود بقدر آن خون مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که زلو بر اندام وی بود و خون می مکید دلیل که از دشمن او را مضرت رسد **زانو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اصل زانو
در خواب معیشت بیننده خواب بود و اگر بیند که زانوی او قوی و بزرگ بود دلیل که کار وی قوی گردد و عیش بر وی فراخ شود
و اگر بیند که بزانو براه میرفت دلیل که کار او ضعیف گردد و معیشت بر وی تنگ شود و اگر بیند که چشمه زانوی وی ضعیف یا شکسته بود
دلیل که کار وی تباه گردد و اگر بیند که چشمه زانوی او افتاد دلیل که مایه که دارد از دست او برود کرمانی رحمة الله علیه گوید زانو در خواب
کسب معیشت مردم بود و اگر بیند که زانوی وی سخت و قوی گشت دلیل که کسب و معیشت وی زیادت گردد و اگر بیند که زانوی او
ضعیف بود دلیل که کسب و معیشت وی ضعیف شود و منقطع گردد مغربی رحمة الله علیه گوید زانو در خواب جایگاه رنج و عنا باشد
و جای اندوه و هر چه زیادت و نقصان در زانو بیند تاویلش چنین بود که یاد کردیم **زباد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که زباد با خود داشت یا کسی بوی داد دلیل که با ادب و فرهنگ بود و مردمان مدح و ثنای او میگویند و اگر بیند که
از آن زباد بوی خوش می آمد دلیل که مردمان نکوهش وی کنند و اگر بیند که از آن زباد هیچ بوی نیامد دلیل که با کسی
نیکوئی کند که از وی هیچ منت ندارد و اگر بیند که زباده میخورد دلیل که فرزندان وی با ادب و فرهنگ باشند جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید زباد در خواب بر چهار وجه بود یکی ادب دوم فرهنگ سیوم نام نیکو چهارم کردار پسندیده **زبان**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبانش بریده شد و ناقص گشت بی آنکه با کسی خصومت داشت و بوقت
حجت زبانش بسته شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که زبانش در طول و عرض زیادت شده بود دلیل که زبانش بوقت حجت

زیادت شود و بر خصم روان گردد و ظفر یابد و اگر بیند که زبان وی دراز شده بجنگ دلیل که سخن گفتن دراز شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که او را دو زبان بود دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و دانش روزی کند و اگر بیند که زبان خود ببرید قصداً سخن
نگوید دلیل که از گفتن باطل توبه کند و اگر بیند که بر زبانش خطا رفت دلیل که سخنی گوید که حق سبحانه و تعالی جل و علا در آن راضی نباشد
و اگر بیند که کسی زبان در دهان وی نهاد دلیل که او را از کسی قوتی و حجتی باشد در سخن و اگر بیند که زبان کسی می مکید دلیل که از آن کس
علم و دانش حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبانش گنگ شده بود دلیل بر فساد دین و دنیای وی بود و اگر بیند که
زبان درویشی ببرید دلیل که چیزی بدرویش دهد و اگر بیند که زبان زنی ببرید دلیل که بسترش کند و رازش آشکارا کند و اگر بیند
که زبانش بکام گرفته بود دلیل که وام دار شود و دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که زبان وی قوی و سطبر شد دلیل که بر خصم غلبه کند
و اگر بیند که زبانش ریش گشت دلیل که بر کسی بهتانی نهد و یا دروغ گوید و اگر بیند که بر زبان وی موی بر آمده بود دلیل که از
سبب گفتارش در بلائی افتد و اگر بیند که زبان وی آماسیده بود دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبان وی دو شاخ شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که زبان نداشت دلیل که از همه شغلها
فرو ماند و اگر کسی بیند که سر زبان نداشت و بریده بود چنانکه سخن نتوانست گفت دلیل که شغل وی بدست وکیل بر آید و اگر بیند
که زبانش خشک شده بود دلیل که در تاویل بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زبان در خواب بر شش وجه بود
یکی حکمت دوم ریاست سیوم ترجمان چهارم حاجت پنجم وکیل ششم یار و سخن گفتن در زبانها در حرف سین یاد خواهیم کرد
زبرجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زبرجد در خواب دیدن دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر بیند که زبرجد بسیار داشت
دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که زبرجد از وی ضایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه
فرماید دیدن زبرجد در خواب بر سه وجه بود یکی خرمی دوم مال سیوم منفعت **زبور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بیند که زبور میخواند دلیل که بخداوند تبارک و تعالی باز گردد و بکار خیر رغبت نماید و اگر بیند که زبور را بظاهر میخواند دلیل که زهد و
خیرات بریا و نفاق کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبور می نوشت دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر
بیند که زبور میخواند دلیل که کار و کردار او نیکو گردد **زجر** فال گرفتن ببانگ مرغان بود و اگر بیند که ببانگ مرغان فال میگرفت تاویلش
غرور و باطل دنیا باشد و در خواب و بیداری از راه تاویل نکوهیده بود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که ببانگ مرغان فال میگرفت دلیل که بباطل دنیا
مایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رح گوید اگر کسی ببانگ مرغان فال میگرد اگر فرد باشد دلیل که نیکو بود و اگر بعدد زوج باشد دلیل که بیمار
گردد و شفا یابد **زخم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر تن زخم داشت و از خون پیدا نبود دلیل که بر خصم زننده ظفر یابد و خیر و منفعت
یابد و اگر بیند که از زخم او خون روان بود و اندام او آلوده شد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که اندامش آلوده نگشت دلیل که زننده
او را بجنایتی یا بتهمتی متهم گرداند و اگر بیند که زخم خورد و تن او خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمة الله علیه که در مال وی
نقصان افتد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زخم در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی ظفر یافتن دوم خیر و منفعت

سیوم نقصان مال **زدن** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که او را تازیانه زدند چنانکه اثر زدن پدید آمد یا او را بستون بستند و
چندان زدند که خون از وی بیرون آمد تا وطش بد باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را تازیانه زدند دلیل
که مالی حرام بحاصل او آید خاصه چون بیند که از اندامش خون آمد و اندام خون آلوده گشت و اگر خستگی بر تن وی پدید نشد دلیل که
بقدر آن از هر کسی فایده یابد و بعضی از معبران گویند که جامه نو پوشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تازیانه بر پشت وی زدند و
خون بیرون آمد دلیل که آنکس مال حرام یابد و اگر بیند که بر پشت خود تازیانه دید و ندانست که او را که زد دلیل که شغل دین و دنیای وی
نیکو باشد و اگر بیند که تازیانه بر کسی زد چندانکه تازیانه پاره پاره گشت دلیل که اهل خاندان وی پراکنده گردند و اگر بیند که
کسی او را تازیانه بسیار زند دلیل که او را غمی رسد و اگر کسی در خواب او را تازیانه زد دلیل که غمگین شود بسبب مردی بد دین
و منافق و اگر بیند که محتسب او را بدره بزد دلیل که سلطان او را عمل دهد و کارش نیکو گردد و اگر بیند کسی او را بکلوخ زد دلیل که
از آنکس منفعت یابد و اگر بیند که کلوخی بر پشت وی زدند دلیل که کسی او را فضیحت کند و اگر بیند که طپانچه بر روی وی بزد دلیل که
از کسی سخنی زشت شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده او را بمیزد دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز
یابد و اگر بیند که مرده بود و او را میزدند دلیل که قوت دین بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زدن در خواب بر شش وجه بود
یکی منفعت دوم جدال سیوم روشن شدن کار مشکل چهارم سفر پنجم شرف و بزرگی ششم مال حرام **زر** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید زر بخواب دیدن مردان را دلیل غم و اندوه بود و زنان را نیکی و پسندیدگی باشد و اگر بیند که زر یافت یا کسی
بوی داد دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زر یا سیم میگداخت دلیل که در زبان مردم
افتد و اگر بیند که زر میفروخت و میخرید دلیل که او را غمی و اندوهی رسد و اگر بیند که زر بخروار بخانه برد دلیل که مال یابد و اگر بیند که زر
میخورد دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند مغربی رحمة الله علیه گوید زرینه در خواب مردان را بد بود اگر کسی زر و سیم بر یک جا
بهم یابد دلیل که عز و جاه یابد و اگر کان سیم بیند دلیل که دختر بزرگی خواهد و گویند زر بخواب مردی باشد در دروغ زدن و اگر بیند
که پیش زرگری نشست و با وی معاملت میکرد دلیل که او را با دروغگوئی سر و کار افتد **زردآلو** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید زردآلو بوقت خود چون شیرین بود بهر زردآلوئی که خورده باشد دلیل که دیناری حاصل کند و اگر زردآلو ترش بود دلیل
بیماری و غم بود و بعضی معبران گویند که زردآلو بخواب دیدن کنیزک بود یا مال کرمانی علیه الرحمه گوید اگر بیند که استخوان آن بشکست
و تلخ بود دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زردآلو بوقت بیماری بود و بیوقت و ترش غم و
اندوه بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد **زرد پها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زردپها در خواب دیدن بیماری
بود از میوها خورد و جامها **زرشک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زرشک در خواب غم و اندوه بود و
خوردن آن همچنین و اگر بیند که زرشک از درخت جمع میکرد دلیل که او را با مردی بخیل خصومت افتد **زرنیخ** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زرنیخ میخورد دلیل بر بیماری و هلاک بود و اگر بیند که زرنیخ فروخت یا بکسی داد دلیل که

از بیماری ایمن گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زر تیخ یافت دلیل که مال بسیار بدست آرد و به بیماری بخورد و اگر بیند که زر تیخ در جای جمع کرد دلیل که در سفر بیمار گردد **زره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زره پوشیده بود دلیل که از دشمن ایمن گردد و اگر بیند که زره ضایع شد دلیل که دشمن بروی چیره گردد و اگر بیند که کسی زرهی بوی داد و او پوشید دلیل که با او قهر کند یا بقهر کردن دشمن باوی یار گردد و وعده و نصرت وی خواهد و بعضی معبران گویند که زره حصن دین است کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زره داشت دلیل که او را و اهل بیت او را ایمنی بود از شر دشمنان و اگر بیند که زره با سلاح پوشیده بود دلیل که از شر عامه و منافق ایمن گردد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید زره در خواب دیدن بر شش وجه بود یکی ایمنی از دشمن دوم حصن دین سوم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم نیکوئی و زره گر در خواب مردی بود که مردمان را ادب آموزد **زعفران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که زعفران داشت دلیل که مردم را مدح و ثنا گوید و اگر بیند که زعفران بر تن و جامه او بود دلیل که بیمار شود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زعفران ناکوفته بود که بوی دادند دلیل که ثنائی توانگر خواهد و اگر بیند که زعفران بخروار داشت و میخورد دلیل که او را مال و نعمت حاصل گردد **زغن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زغن در خواب دلیل بر پادشاه آن موضع کند و اگر بیند که زغن مطیع او گشت دلیل که او را علامتی باشد و به بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آبستن بیند دلیل که پسری آورد که مقرب پادشاه گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زغن از دست بپرید اگر زنش آبستن بود دلیل که فرزند مرده آورد یا از دنیا برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زغن در خواب بر چهار وجه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگواری سوم فرزند چهارم مال **زفت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زفت در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زفت داشت یا کسی بوی داد دلیل که در رنج و اندوه گرفتار آید و اگر بیند که زفت میخورد دلیل که غم و اندیشه او را از بهر عیال باشد و اگر بیند که زفت را بفروخت یا بکسی داد و یا از خانه بیرون افگند دلیل که از غم و اندوه رستگاری یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زفت در جراحت نهاد و درست شد دلیل که از کسی خیر و راحت بیند و اگر بیند که جامه وی بزفت آلوده گشت دلیل که از وی کاری آید که او را از آن زشتی و بدنامی حاصل آید **زکوة** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوة مال میداد دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیند که زکوة فطر میداد دلیل که نماز و روزه و تسبیح زیاده کند و رستگاری یابد و اگر وام دارد گذارده شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمنی دارد بروی ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوة مال میداد دلیل که مال او در حصن او آید و بلا از وی دفع شود بقول حضرت رسول صلی الله علیه وسلم حصنوا اموالکم بالزکوة یعنی حصن سازید و لهای خود را بزکوة مال دادن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوة مال میداد دلیل بر فزون شدن مال باشد قوله تعالی و ما اوتیتم من زکوة تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوة و صدقه دادن در خواب بهشت وجه بود یکی بشارت دوم خیر و برکت سوم روشن شدن کار مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنائی ششم فراغ از غم هفتم زیادتی هشتم ظفر یافتن بر دشمن **زنگار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر بیند که زنگار از کسی بستد دلیل

زره
زعفران
زغن
زفت
زکوة
زنگار

که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که زنگار بر آتش نهاد و آتش نیک افروخت دلیل که با پادشاه معاملت کند و از وی فایده یابد
کرمانی رحمة الله علیه گوید زنگار در خواب دلیل بر مال و خواسته بود و اگر بیند که جامه یا اندامش بزنگار شد دلیل که او را از سلطان مضرت رسد
و اگر بیند که زنگار میخورد دلیل که مال حرام خورد و سر انجام او را از پادشاه غم و اندوه رسد **زکام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را
علت زکام بود دلیل که چند روز بیمار شود و هر چند که زکام بیشتر بود بیماری بیشتر بود کرمانی علیه الرحمه گوید اگر بیند که او را زکام بود دلیل که
بر کسی خشم گیرد و زود صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زکام در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری اندک دوم خشم گرفتن سیوم
منفعت یافتن **زلابیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زلابیه در خواب دلیل بر گوشتش بیرون از اندازه و یافتن مال بسیار و شادی
بود و اگر بیند که زلابیه داشت دلیل که بقدر آن او را مال حاصل آید و اگر بیند که اندک زلابیه بوی داد و یا در دهان وی نهاد دلیل که از
کسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زلابیه زعفران میخورد دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که با زعفران میخورد
دلیل بیماری بود **زلزله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین می جنبید دلیل که مردم آن دیار را از پادشاه رنج و ملامت رسد
بقدر جنبیدن زمین و معبران گویند که آفت بمردم رسد و در آن دیار بیماری افتد و اگر بیند که زمین بر گردید و زیر و بالا شد دلیل که در آن
دیار فتنه و بلا افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین آهسته جنبید و یک نیمه فرو رفت دلیل که در آن دیار پادشاهی آید و اهل آن دیار را
عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زلزله در خواب و خسف و زمین فرو شدن محنت و بلای عظیم از قبل پادشاه بود قوله
تعالی فخسفنا به وبداره الارض بهمه حال زلزله در خواب دلیل بر عقوبت و ملامت بود با اهل آن دیار **زمرد** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید زمرد در خواب دلیل بر فرزند و برادر باشد یا مال حلال اگر بیند که زمرد داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید یا
برادری که از و منفعت یابد و اگر بیند که زمردی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مال او تلف شود کرمانی رحمة الله علیه گوید زمرد در
خواب دیدن دلیل بر مذهب و دین پاک بود و هر زیادت و نقصانی که در زمرد بود دلیل آن بمذهب پاک او باز گردد مغربی رحمة الله
علیه گوید زمرد بخواب دیدن سخن نیکو بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمرد در خواب بر پنج وجه بود یکی فرزند دوم برادر سیوم مال حلال
چهارم کنیزک پنجم غلام نیکو و هر چند که زمرد نیکوتر باشد این دلیلها که گفته شد بهتر بود **زمستان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
زمستان در خواب پادشاه بود اگر بخواب بیند که زمستان بود چنانکه مرغان را از ان مضرت میرسد دلیل که اهل آن دیار را از
پادشاه مضرت رسد و اگر بیند که زمستان بود و هوا سرد بود و کسی را مضرت نمیرسید و کسی را زیانی نمیداشت دلیل که مردم آن دیار
از پادشاه خیر و منفعت یابند و زمستان در خواب بوقت خود دیدن دلیل نصرت و ظفر باشد **زمین** دانیال علیه السلام گوید زمین
در خواب زن بود و اگر بیند که زمینی داشت فراخ و نیک و بزرگ خاک پاک دلیل که او را زنی باشد بستر و صلاح چنانکه میان اقربا او را فضل
منزلت باشد بقدر بزرگی و فراخی زمین اگر بیند که در آن زمین سبزه و نبات مجهول بود و داند که از ان اوست دلیل که آنکس دیندار و مسلمان
باشد و سبزه در خواب اسلام بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین سبزه و نبات بود و جائی معروف بود دلیل که او را فضل و دیانت باشد
و اگر در زمین بنائی نهاد و عمارتی کرد دلیل که او را فضل دین و دنیا باشد و سر انجام ثواب راه آخرت یابد و اگر بیند که او را در میان

صحرا از زمینی بود مانند بیابان و آن زمین را نشناخت دلیل که سفری دور کند و اگر بیند که زمین میکند و میخورد دلیل که بقدر خوردن
خاک مال یابد و اگر بیند که در زمینی فرو رفت بی آنکه چاهی یا مغاکی در آن جا بود و در آنجا ناپدید شد دلیل که بمیرد و اگر بیند که زمین
را مانند چاه و سرداب میکند دلیل که در اندوه و مصیبت افتد یا از قبل آن مالش تلف شود و اگر بیند که در زمینی فراخ بود و در زمینی تنگ شد و
میرفت در آنجا دلیل که در آنجا از کاری نیک بکاری مجهول افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که زمین با وی سخن گفت و
بخیر و صلاح او را مژده داد دلیل که در دنیا نیکی بسیار کند و بعد از وفات او را به نیکی یاد کنند و اگر بیند که زمین او را فراخ و بزرگ شده
دلیل بر درازی عمر و فراخی معیشت او کند و اگر بیند که زمین می پیمود دلیل که بسفر رود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین
از بهر کشت می شکافت دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و از قبل زن منفعت یابد و اگر بیند که زمین خویش را آبادان میکرد دلیل
که کارش آبادان و نیکو گردد و اگر زمین را خراب بیند تاویلش بخلاف این بود و او را با کسی خصومت افتد و اگر خود را در زمین کشته بیند دلیل
که او را با کسی انبازی بود یا زنی را بنکاح در آورد و اگر بیند که آبی آمد و زمین را غرقه کرد و آن کشته را تباه کرد دلیل که از پادشاهی
ملامت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمین را در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیوم مال چهارم ولایت

زنان

زنان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زن جوان در خواب شادی بود و زن پیر دنیا و شغل این جهانی و نیز دیدن زنان در
خواب بقدر خوبی و جمال و فربهی و لاغری بود و بهترین زن که در خواب بیند زنی باشد معروف و زن فربه و معروف
فراخی روزی بود و زن زشت و لاغر قحط و تنگی بود و زنان شادمان و آراسته مراد این جهانی بود و پیره زن چرکین دلیل
بر نامرادی و بدحالی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که او را قضیب بود همچون مردان دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند
بر قوم و خاندان بزرگ و سرور گردد و اگر زنی جوان بیند که پیر شده بود دلیل بر خیر و صلاح دین و دنیا کند و اگر زنی بیند که
قضیب داشت و مجامعت کرد دلیل که حرمت و بزرگی او کم شود و اگر بیند که زنی جامه مردانه پوشیده بود و اگر آن زن مستوره بود
دلیل که خیر و صلاح بود و اگر مفسده بود دلیل بر شر و فساد بود مغربی رحمة الله علیه گوید دوستی زنان در خواب اهل دنیا را
زیادتی مال بود و اهل صلاح را علم و زن غریبه را تاویل بهتر از زن آشنا باشد و اگر بیند که بر زن وی کسی دست درازی
کرد دلیل که اهل آن زن توانگر شوند و اگر بیند که زن وی بفساد نزد بیگانه رفت دلیل که بسیری آورد و خیر و منفعت یابد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنان در خواب بر شش وجه بود یکی شادی دوم دنیا سیوم شغل این جهانی چهارم فراخی نعمت پنجم قحط

زنار

ششم توانگری **زنار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زناری در دست داشت دلیل که در دین ضعیف بود و اگر بیند که زنار بر میان بسته بود و اگر بیننده مستور
نبود دلیل که کافر شود و اگر بیننده مستور بود انصاف از خصم بستاند و اگر بیند که زنار ببرید و بیرون انداخت دلیل که از کار بد توبه کند و بخدای تعالی باز گردد و راه صلاح اختیار کند

زنبور

زنبور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنبور در خواب مردی دون و بی فعل بود و اگر بیند که زنبور او را بگزید دلیل که از مردی دون او را رنجی رسد و اگر بیند که زنبور بسیار بر وی جمع شدند دلیل که
میان مردم دون گرفتار گردد خاصه جوق زنبور و زنبور گزیدن کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنبور گزید دلیل که او را با زنان دون و سخن چین کار افتد و اگر بیند که زنبور
را بکشت دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که از هوا زنبوران بسیار بیقیاس گرد آمده بود دلیل که در آن دیار لشکری برسد

جعفر صادق رضی الله عنه گوید زنبور در خواب بر شش وجه بود یکی غوغا دوم مردودون سیوم لشکر چهارم ملخ پنجم دشمن ششم فرزندان
زنبیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنبیل در خواب زن بود یا کنیزک واگر بیند که زنبیلی داشت دلیل که او را خادمی حاصل شود و بعضی گویند که زنبیل مال و نعمت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنبیل در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم توام پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت
زنجبیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنجبیل در خواب دلیل بر غم و اندوه و خوردن آن مضرت و زیان و بعضی معبران گویند زنجبیل در خواب دلیل بر حکمت و گفتگوی کند و دیدن و خوردن زنجبیل در خواب دلیل بی نفعی بود
زنجیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنجیر در خواب معصیت و گناه بود و اگر بیند که زنجیر بشکست و بینداخت دلیل از گناه توبه کند و بخدای تعالی باز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنجیر در گردن داشت دلیل که در مال کسان دست درازی کند و از حرام نپرهیز نشد و اگر بیند که زنجیر در پایها داشت دلیل که در خانهای مردم معصیت کند و دیدن زنجیر در خواب مردی عاصی و گنهکار بود
زنخ در خواب مهتر خانه بود و خداوند عقل بسیار و اگر بیند که زنخ او بزرگ شد دلیل که از بهر اهل خانه خوار گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی بازنخ بر زنخ او میزد دلیل که مهتر خاندان با وی سخن گوید که از آن رنجور شود و اگر بیند که از زنخ وی خون بیرون شد دلیل که بقدر آن از مهتران خاندان او را زیان رسد و بعضی از معبران گویند که در کسب و کار وی نقصان افتد
زندان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زندان بود و اهل زندان هرگز ندیده بود دلیل بر هلاک وی بود و اگر زندان معروف بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که زندان بر پای داشت دلیل که بر عملی که وارد دیر بماند و در غم و فکر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خواب مستور باشد از شغلهای دینی و برا غم و اندوه رسد و اگر بیند که مردی با پائی بند معروف دلیل که کار بسته او بگشاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید زندان در خواب دیدن چون معروف باشد دلیل بر یافتن مراد و عاقبت نیکو بود قوله تعالی
قال رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه و چون زندان مجهول بود گور باشد و غم و اندوه بود چنانکه مهتر یوسف علیه السلام
فرمود السجن قبر الاحیاء و منزل البلوی و تجربة الاصدقاء و شماتة الاعداء یعنی زندان بخواب گور زندگان است و منزل بلاست و آزمایش کردن دوستان است و خرم کردن دشمنان است اگر بیند که در زندان شد و زود بیرون آمد دلیل که مراد تمام بیابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زندان در خواب گور بود
زنگله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگله در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیند که زنگله داشت دلیل که با کسی جنگ کند و اگر بیند که کسی آشنا زنگله زرین یا سیمین بوی داد دلیل که با توانگری خصومت کند و اگر بیند که زنگله سیمین بود یا برنجین دلیل که وی را با کسی عام خصومت افتد
زنار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زنار کرسیت و زنار شت که هرگز مولی نبود دلیل که کار روی بسته شود و اگر بیند که بر زنار روی رنجی بود یا دردی دلیل که بقدر رنج او را زحمت رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زنار در خواب بر دو وجه بود یکی زن دوم مال و هر زیادت و نقصان که در زنار بود تاویل آن بر زن و مال باز گردد
زهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زهر در خواب خوردن مال حرام بود یا خوردن بباطل و ناحق ریزد و اگر بیند که از خوردن زهر تن وی آماس گرفته بود دلیل که مال حرام حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن وی زهر آلوده بود دلیل که در کاریکه بود سخت حریص بود و بعضی از معبران گویند که سختی

گوید وبدان اقدام نماید واگر بیند که تن او را از زهر گزندی رسید یا آماس داشت دلیل که بقدر آماس او را غم و اندوه رسد واگر بیند
که زهر خورد دلیل که از کسی خشم فرو خورد **زهره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زهره مردم میخورد دلیل که خشم فرو خورد و
اگر بیند که زهره چهارپائی میخورد دلیل که بدخوئی و خشمناک شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن وی بزهره مردمان آلوده
گشت دلیل که آزار مردمان جوید واگر بیند که تن وی بزهره چهارپایان آلوده گشت دلیل که لباس حرام بپوشد واگر بیند که تن
وی بزهره دادن آلوده گشت دلیل که صحبت با کسی دارد که بدخوی و ناساز کار بود **زوبین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که زوبین در دست داشت و چیزی دیگر غیر زوبین با وی نبود دلیل که او را فرزندی آید واگر بیند که با زوبین
سلاحهای دیگر داشت دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زوبین
انداخت دلیل که کسی را سخن بد گوید واگر بیند که بزوبین کسی را مجروح کردانید دلیل که بر کسی بهتان نهد **زیتون** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید زیتون در خواب غم و اندوه بود واگر بیند که زیتون داشت یا کسی بوی داد و میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد
کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن زیتون در خواب دلیل خیر و برکت باشد واگر بیند که روغن زیت می پالود و میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه
خورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زیتون تلخ بنود و با نان میخورد دلیل که او را منفعت بسختی حاصل شود **زیره باج**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره باج در خواب چون ترش نباشد و میل بشیرینی دارد دلیل بر خیر و منفعت باشد و چون میل
بترشی دارد دلیل غم و اندوه بود و چون در وی زعفران بود دلیل بر بیماری بود و بعضی از معبران گویند که خوردن زیره باج در
خواب دلیل بر مصیبت و غم و اندوه بود **زیلو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیلو در خواب چون گسترده باشد دلیل بر درازی عمر و ساختگی
کار دنیا کند و هر چند زیلو درازتر باشد بهتر بود و چون زیلو پیچیده باشد دلیل بر نقصان عمر کند واگر بیند که بر زیلوی کوچک نشسته بود
و آن زیلو در زیر وی فراخ شد دلیل که عیش و روزی فراخ شود واگر زیلو بدست خود پیچیده و در کنج خانه نهاد دلیل که عز و دولت
خود را تباه کند واگر بیند که زیلو بر پشت نهاد دلیل که امانت مردم بر گردن وی باشد واگر بیند که زیلو پیچیده و بکسی دیگر داد دلیل که
عمرش بآخر رسیده باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زیلوی سبز داشت و پاکیزه بود دلیل که نعمت بروی فراخ گردد و
اگر بیند که زیلوی کهنه و دریده بود دلیل که عیش بروی دشوار شود واگر بیند که زیلوی مجهول افکنده بود دلیل که آنچه در دست
دارد از دست او برود واگر بیند که زیلوی نو بوی دادند و در خانه بگسترد دلیل که دولت و اقبال یابد و عمرش دراز گردد
حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن زیلو در خواب بر شش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیوم روزی
فراخ چهارم عز و دولت پنجم دشواری عیش ششم گناه **زیره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره در خواب
چون بسیار بیند دلیل منفعت دین و دنیای وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید زیره در خواب چون
اندک بیند منفعت کمتر بود **زین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زین بخواب چون بر پشت چهارپای نباشد زن بود
واگر بیند که بر پشت چهارپای بود دلیل که حکم نیک و بد آن بر راکب باشد واگر بیند که زینی بخرید یا کسی بوی داد دلیل

زهره
زوبین
زیتون
زیره باج
زیلو
زیره
زین

که کنیزکی بخرد یا زنی بخواهد و خداوند مال بسیار شود و باشد که میراث یابد و اگر بیند که زین وی بشکست دلیل که زن بمیرد و یا بیمار
شود و اگر بیند که زین وی بزر و سیم آراسته بود دلیل که زنش خویشتن بین و متکبر بود و اگر بیند که زین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت
دلیل که زنش پارسا و دیندار بود و زین کرد در خواب زن دلاله بود و دلالی کار او بود والله اعلم بالصواب

حرف السین

سار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سار مرغی است و اگر بخواب بیند که ساری داشت دلیل که مردی مکار یابد که سفر بسیار کند
و اگر بیند که ساری بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی مسافر او را صحبت افتد و اگر بیند که گوشت سار میخورد دلیل که بقدر آنچه
خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیند که
سار بسیار بروی جمع شدند دلیل که میان کافران گرفتار شود **ساطور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی
شجاع و دلیر بود و اگر بخواب بیند که ساطور داشت دلیل که با چنین مردی او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر
بیند که ساطور بشکست یا ضایع شد دلیل که از چنین مردی او را جدائی افتد مغربی رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی بود که
کارهای دشوار بسبب او آسان گردد خاصه که ساطور بزرگ بود **ساعد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساعد دست در است و
انباز معتمد بود و اگر بیند که ساعد دستش قوی بود دلیل که او را از انبازان و دوستان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ساعد وی بشکست
دلیل که انباز و دوست از وی جدا شوند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر ساعد دست وی موی بسیار بود دلیل که دوستان
از وی جدا شوند و غمگین گردند و اگر بیند که موی از ساعد خود بستر د دلیل که وامش گذارده شود **ساق** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید ساق در خواب مال و معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معبران گویند که ساق مردم را عز و جاه باشد و اگر بیند که ساق وی قوی
بود دلیل که کارش نیکو شود و اگر ساقش ضعیف بود دلیل که حال و کارش ضعیف و بی نظام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ساقش آهنین
یا رویین بود دلیل که عمرش دراز شود و مالش باقی بماند و اگر بیند که ساق او بشکست دلیل که بر تن او بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن
ساق در خواب مرد از زن بود و زن از شوی اگر بیند که ساقهای وی بر یکدیگر می پیچید دلیل هم هلاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار
بود دلیل که وامدار گردد و اگر بیند که موی از ساق بسترد دلیل که وامش گذارده شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن ساق در
خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم معیشت سوم عمر دراز چهارم مرد از زن و زن از شوی **سایه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سایه در خواب
بزرگی و هیبت بود و سایه پادشاه در تاویل هم پادشاه بود و سایه دیوار مردی بزرگ بود و سایه درخت بلی بر دلیل بر فساد کند کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که در جائی زیر سایه نشسته بود دلیل که مرگش نزدیک بود قوله تعالی الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله
ساکنا جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیر سایه نشستن در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم هیبت سوم پناه چهارم منفعت پنجم
مرگ **سایه بان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه فرومایه بود و اگر بیند که زیر سایه بان نشسته بود
دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بیند که سایه بان بروی افتاد و او را گزندی نرسید دلیل که پادشاه بروی خشم گیرد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سایبان پشمین یا کرباس بود و لون آن سبز یا سپید بود دلیل که خدمت پادشاه ظالم

درسورهٔ فرقان جزو 19

کند **سپر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپر در خواب در دست داشتن دلیل که از کسان پادشاه او را پناه بود و اگر بیند که با سپر سلاح
دیگر بود دلیل بر مردی بود که دوستان و برادران را از شر نگاه دارد و اگر بیند که سپر بر زمین نهاد دلیل که او را با مردی فاضل صحبت افتد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سپر در خواب بر شش وجه بود یکی برادر دوم یار سوم قوت چهارم لشکر پنجم ایمنی ششم پشت و پناه
بقدر بزرگی سپر **سپرز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپرز در خواب دیدن مال و شادی بود و اگر بیند که سپرز گاو داشت
دلیل که او را در آن سال چیزی حاصل گردد و اگر بیند که سپرز داشت دلیل که وی را از مردی بزرگ مال حاصل آید و اگر بیند که سپرز چهارپای وحشی
داشت دلیل که او را از مردی غریب مال حاصل شود و اگر سپرز دوان داشت دلیل که بقدر آن مال از زنی یابد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید
دیدن سپرزهای مجموع در خواب مال بود و سپرز جانوری که گوشت او حلال بود مال حلال باشد و آنچه گوشت وی حرام باشد مال حرام
بود **سبزه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبزه در خواب دین بود خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی بخواب بیند که زمینی داشت
و در آن سبزه بسیار بود دلیل بر صلاح و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در آن زمین گیاه مجهول بود و آن گیاه را نشناخت
و به تعجب در آن می نگریست و دانست که در آن زمین ملک وی است این جمله دلیل بر دین و دیانت بیننده کند و اگر بیند که در آن زمین
گیاه معروف بود دلیل بر فراخی نعمت و مال وی بود و مغربی رحمة الله علیه گوید سبزه در خواب چون بوقت بیند دلیل از زهد و ورع بود
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبزه زار در خواب نیک بود اگر بیند که در سبزه زار مقیم شد دلیل که در راه دین مقیم شود و اگر بیند که مرده در میان
سبزه زار مقیم بود دلیل بر عاقبت و ثواب آخرت او بود کرمانی علیه الرحمه گوید اگر سبزه زار پاکیزه و خرم بیند و داند که ملک وی است دلیل بر
دین پاک و ورع و دیانت او باشد و اگر سبزه زار بزرد و پژمرده بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در میان سبزه زاری
بود که ملک دیگران بود دلیل که صحبت او با مردمان پارسا با دیانت باشد و اگر بخلاف این بیند دلیل که صحبت او با مردان مفسد
بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید سبزه در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام دوم دین سوم اعتقاد پاک چهارم پرهیزکاری
سبل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چشمهای وی سبل داشت چنانکه نمی توانست دیدن دلیل که بقدر تاریکی در دین وی نقصان باشد
و اگر چشمهای ازرق بود و سبل در آن بود دلیل که در راه بدعت بماند و اگر چشمهای شهلا داشت و سبل در آن بود دلیل که فرزندش
بیمار بود و اگر بیند که سبل از چشم وی برگرفتند دلیل که توبه کند و بعضی گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غربت بود دلیل که
بسلامت در وطن خود باز رسد **سبو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبو در خواب مرد منافق بود که بر دست وی مال ضایع شود کرمانی رحمة
الله علیه گوید سبو در خواب کنیزک یا خادم بود و اگر بیند سبوی نو فرا گرفت یا بخرید دلیل که کنیزک بخرد یا خادمی او را حاصل شود و اگر بیند که
سبو ضایع شد یا بشکست دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد و اگر بیند که سبوی او سوراخ شد دلیل که کنیزک یا خادم او بیمار شود و اگر بیند که
سبو از آب صافی پر بود دلیل که از کنیزک یا خادم منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبو در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی مزدور
منافق دوم زن سوم خادم چهارم کنیزک پنجم قوام دین **سبوس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبوس در خواب دلیل بر نیازمندی بود
و اگر بخواب بیند که مردی نان سبوس میخورد دلیل که در آن دیار قحط و تنگی افتد و اگر بیند که سبوس را از خانه بیرون ریخت دلیل

بر نعمت و فراخی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبوس در خواب بر سه وجه بود یکی نیازمندی دوم قحط سیوم تنگی معیشت

سپیداب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپیداب بخواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که سپیداب داشت یا کسی بوی داد دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته غمگین باشد و اگر بیند که سپیداب بر روی داشت دلیل که بقدر او را متاع دنیا حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید سپیداب روی خدمتکار بود و بعضی از معبران گویند که کدخدای خانه بود و نیک و بد آن بکدخدای خانه باز گردد

سپید مهره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سپید مهره بدید دلیل که راز نهان وی ظاهر گردد و اگر بیند که سپید مهره نتوانست زدن دلیل که کاری کند که آنکار نداند مغربی رحمة الله علیه گوید سپید مهره در خواب دیدن مرد از رنج و سختی بود و زنان را رسوائی و ظاهر شدن راز بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید سپید مهره در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر مکروه دوم سخن دروغ سیوم ظاهر شدن راز چهارم رنج و سختی

ستارکان دانیال علیه السلام گوید ستارکان در خواب دلیل بر بزرگان و امیران و آفتاب بر پادشاه و ماه دلیل بر وزیر بود و اگر زحل را بخواب بیند دلیل که او را با مردم دهاقین شغل افتد و از اهل نعمت از و حاصل آید و اگر مشتری را بخواب بیند دلیل که او را با مهتری پارسا و مصلح و نیکخواه کار افتد و اگر مریخ را بخواب بیند تاویل آن بر زنان خوبروی محتشم و خادمان پیوندد و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطارد را بخواب بیند دلیل که او را با مردم حکیم متکلم پیوستگی افتد و از و فایده یابد و اگر بیند که بعضی از ستارکان با وی سخن گفتند دلیل که بزرگی و منزلت یابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ستارکان نامه چون عیوق و عقیق و سهیل و کلیل که بعضی از مشرکان می پرستیدند اگر یکی از ایشان بخواب بیند دلیل که او را با مشرکان صحبت افتد و اگر بیند که ستاره روشن بزمین افتاد و ناپدید شد دلیل عالمی از آن دیار را از دنیا برود قوله تعالی وعلامة وبالنجم هم یهتدون اگر بیند که ستارکان بهم میکردند دلیل که فتنه و آشوب در بزرگان افتد و اگر بیند که ستاره بدست گرفت دلیل که او را پسری آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره بیند دلیل که او را فرزندان بسیار شوند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ستارکان در آسمان متفرق شدند دلیل که تفرقه در میان پادشاه افتد و اگر بیند که ستارکان سعد بهم جمع شدند دلیل که حالش نیک شود و اگر بیند که ستارکان از خانه وی بر آمدند دلیل که فرزندان وی مقرب پادشاه گردند و اگر بیند که ستارکان مطیع وی شدند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که ستارکان سخن میگفتند دلیل که پادشاه وقت دادگر باشد و اگر خلاف این بیند دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر بیند که ستارکان باهم جنگ میکردند دلیل که در آن دیار جنگ و کارزار باشد و اگر بیند که ستارکان در آستین خود نهاد دلیل که مال بسیار حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از ستارکان یکستاره در برابر او متحرک شد و در کنار وی افتاد دلیل که وی را فرزندی عزیز و گرامی آید و اگر بیند ستاره که خداوند طالع اوست و در منزلت خویش است دلیل که نسلش زیاده شود و اگر بیند که ستاره می پرستید دلیل که خدمت بزرگی یا عالمی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید ستارکان که مردم در بیابان بدو راه می برند در خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارکانیکه مردم آنرا می پرستند دلیل بر شر و مضرت بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن ستارکان در خواب بر نه وجه بود یکی فقها دوم علما سیوم قضات چهارم خلفا

این آیة در سورهٔ نحل سیپاره چهاردهم ۱۴

پنجم وزرا ششم ویران هفتم خزانه دار هشتم مردمان جنگجو نهم شاگردان **حکایت** آورده اند که در بغداد مردی بخواب دید که ستاره روشن بر زمین افتاد معبران گفتند عالمی بمیرد در آن هفته امام اعظم رح از دنیا رحلت کرد **ستون** ابن سیرین رح گوید ستون در خواب خداوند اقبال و دولت بود اگر بخواب بیند که ستونی داشت و قوی بود دلیل که از مردی مقبل مالی حاصل کند و اگر بیند که ستون خانه وی بیفتاد و یا بشکست دلیل بر هلاک او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید ستون در خواب اسلام بود اگر بیند که ستون خانه بیفتاد و یا بشکست دلیل که خداوند خانه هلاک شود و اگر بیند که ستون خانه وی باریک بود دلیل بر ضعف دین وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ستون در خواب بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرگ سیوم مرد محتشم چهارم قوت در کارها پنجم ولایت **سجاده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سجاده در خواب دیدن بخیر بود اگر بیند که در مسجدی بر سر سجاده نشسته بود دلیل که بسفر حجاز رود قوله تعالی واتخذوا من مقام ابراهیم مصلّی خاصه چون بیند که در مسجدی معتکف شد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سجاده پشمین بافته داشت دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بیند که سجاده او بسوخت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که سجاده وی ابریشمین بود دلیل که طاعت وی ریائی بود **سجده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باری سبحانه و تعالی را سجده کرد دلیل که بر مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که غیر خدای تعالی را سجده کرد دلیل که مرادیکه دارد بر نیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مهتری را سجده کرد دلیل که او را از سلطان زحمت رسد قوله تعالی فتعبدون من دون الله ما لا ینفعکم ولا یضرکم **سختن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ترازو در دست داشت و چیزی می سنجید دلیل که میان مردم داوری کند و اگر بیند که راست می سنجید دلیل که حکم براستی کند قوله تعالی وزنوا بالقسطاس المستقیم اگر بیند که راست سنجید اگر از اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر عالم نبود دلیل که بقاضی محتاج گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست سختن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم راست دوم نکوئی سیوم محتاج شدن بداوری چهارم حاکم شدن و اگر آن کج سنجد تاویلش بخلاف این بود **سخن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سخن گفتن در خواب و شنیدن تاویل بر زبانها مختلف بود و اگر بیند که بزبان عربی سخن گفت دلیل که از مهتران عز و جاه یابد و اخبارهای حضرت رسول صلی الله علیه وسلم استماع کند و اگر بزبان پارسی سخن گفت یا شنید دلیل که با مهتران او را صحبت افتد و از ایشان نیکی یابد و اگر بزبان عبری سخن گفت یا شنید دلیل که میراث یابد و اگر بزبان هندی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی اصل دون همت و یرا کاری افتد و اگر بزبان ترکی سخن گفت یا شنید دلیل که او را با دهاقین صحبت افتد و اگر بزبان خوارزمی سخن گفت یا شنید دلیل که خبری مکروه شنود و اگر بزبان سقلابی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی انصاف او را شغلی افتد و اگر بزبان یونانی سخن گفت یا شنید دلیل که بمعقولات مشغول گردد و اگر بزبان رومی سخن گفت یا شنید دلیل که او را از صحبت نادانی غم و اندوه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهمه زبانها سخن گفت یا شنید دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از آن منفعت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بهر زبان که در خواب سخن گوید و شنود اگر خواب خیر و صلاح بود تاویل آن خیر و صلاح باشد و اگر شر و فساد گوید تاویل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که بر اندامی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که

برخویشتن گواهی راست دهد قوله تعالی یوم تشهد علیهم السنتهم وایدیهم وارجلهم بما کانوا یعملون
وهر اندامی که بدان سخن گوید دلیل بر ستم وبیداد باشد **سراب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سراب در خواب خصومت و
داوری بود واگر بیند که سراب داشت یا کسی بوی داد دلیل که با کسی خصومت کند واگر بیند که سراب میخورد همین تاویل دارد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سراب زرد شده بود ومیخورد دلیل که بیمار گردد واگر بیند که سراب بکسی داد یا از خانه بیرون
افکند دلیل که از جنگ وخصومت خلاصی یابد ودر دیدن سراب بخواب هیچ منفعت نباشد **سر** دانیال علیه السلام گوید
سر بخواب دیدن مهتر قوم بود واگر بیند که سر بریده ببست دلیل که مهتر برا دوست دارد واز وی خیر ومنفعت یابد واگر بیند که
بیند خصم بتیغ سرش از تن جدا کردند اگر وام دار باشد دلیل که وامش گذارده شود واز غم فرج یابد واگر این خواب بنده
بیند دلیل که آزاد گردد واگر رنجور بیند شفا یابد واگر مهتری بیند ولایت یابد واگر آزاد بیند دلیل که زنی خواهد اما توانگر
باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی سرهای بریده بسیار بیند دلیل که مهتران آنجا بسیار جمع شوند واگر بیند که از آن سرها موی
یا پوست یا مغز برداشت دلیل که از آن مهتران مال یابد واگر بیند که پوست سرها میخورد دلیل که از مهتران ورئیسان مال
حاصل کند واگر بیند که پوست سرهاء مردم میخورد دلیل که مهتری با وی عتاب کند واگر بیند که سر مردی معروف میخورد دلیل که سرمایه
خود را بخورد واگر بیند که سر چهارپای وحشی میخورد دلیل که مال یابد واگر بیند که سر مردی مجهول میخورد دلیل که سرمایه کسی بخورد واگر
بیند که سر مرغی میخورد دلیل که بقدر آن مال پادشاه بخورد واگر بیند که مردی سری یا سرها پیش او آورد دلیل که سروران گرده گردد
واز ایشان خیر ونیکی بیند واگر در خواب سر زنی بیند دلیل که از زنان توانگر راحت یابد واگر بیند که سر گوسپندی میخورد دلیل که عمرش
دراز گردد ومال حلال یابد واگر بیند که سر گاوی میخورد دلیل که آن سال مال ونعمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب سر خود بزرگ بیند دلیل
که جاه ومرتبت یابد واگر بیند که او را دو سر بود دلیل که کارش قوی گردد واگر سر خود برهنه بیند دلیل که از شغلیکه دارد بیفتد وغمگین شود واگر
بر سر خود جراحتی بیند که از آن خون می آمد دلیل که با کسی داوری افتد واگر بیند که از سر وی مغز بیرون آمد وبر زمین افتاد دلیل که سرمایه
از دست وی برود واگر بیند که مغز باز جای خود نهاد دلیل که مایه باز بدست آورد واگر بیند که سر وی چرب بود دلیل که کارهای خیر کند
واگر بیند که سر بریده در دست داشت دلیل که مال بسیار یابد وولایتی مهتر گردد وفرمان روا گردد واگر بیند که سر وی سخن نیکو گفت دلیل که
نیکوکار باشد ودر کارها انصاف نگاهدارد واگر سخن بد گفت تاویلش بخلاف این بود واگر سر خود را بدو نیم بیند چنان که یک نیمه در دست
راست داشت ویک نیمه در دست چپ داشت دلیل که مادر وپدر وی بمیرند واگر بیند که سر خود در دست خود داشت دلیل که از مهتری
خیر ومنفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سر وی چون سر پیل شد دلیل که ولایت یابد واگر بیند که سر وی چون سر اشتر شد دلیل که
بفساد وحرام گراید واگر بیند که سر وی چون سر اسپ شد دلیل که از پادشاه مال یابد واگر بیند که سر وی چون سر خر شد دلیل که از بخت خود کامکاری
یابد واگر بیند که سر وی چون سر گاو شد دلیل که نزد خلق خوار گردد واگر بیند که سر وی چون سر گوسفند شد دلیل که جاهل بر وی غالب
گردد واگر سر خود چون سر شیر بیند دلیل که فرمان روائی یابد ودشمن را قهر کند واگر سر خود را چون سر سگ بیند

دلیل

دلیل که ذل وخواری یابد واگر بیند که سر خوک خورد میلش بکفر باشد نعوذ بالله منها واگر بیند که سروی آبگینه شد دلیل بر هلاک وی
بود واگر بیند که سر او زرین یا سیمین شد دلیل که مال یابد واگر بیند که سر او آهنین یا سنگین بود دلیل که خدمت مهتری سفله کند واگر
بیند که سر او چوبین بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد واگر بیند که سر او سفالین بود دلیل که خدمت مردی لاف زن کند
واگر بیند که سروی چون سر مرغان شد دلیل که بسفر رود واگر بیند که سر خود بریده داشت دلیل که او را بردار کنند واگر بیند که سر او از تن جدا
کردند وباز بر جای نهادند ودرست شد دلیل که عاقبت درجهٔ شهدا یابد واگر بیند که سری داشت وزنش آبستن بود دلیل که
او را پسری آید واگر زنی خود را سر تراشیده بیند دلیل که شوهرش بمیرد واگر بیند که سر بریان میخورد دلیل که مال یابد واگر بیند که سر
بریان بخرید یا کسی بوی داد واز آن بخورد دلیل که از مهتری فایده یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان بتاویل رئیسی یا
مهتری کردن باشد واگر بیند که سر خام میخورد دلیل که مهتر بر او غیبت کند وسر پخته بهتر از خام بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید سر مردم
بخواب پدر بود یا مهتر یا پسر واگر سر خود را بریده بیند دلیل که از پدر ومادر بریده شود واگر سر خود را بدست خود بیند دلیل که
با ایشان پیوندد واگر سر خود را باز بگردن خود بست دلیل که از کسی بضاعت بستاند یا وام کند واگر بیند که سرهای بریده در پیش
داشت ودر قص میکردند دلیل که مهتران دیار را غم واندوه ومصیبت رسد واگر سر پادشاه بر دوش خود بیند دلیل که ده هزار درم یابد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر مردم بخواب دیدن بر دوازده وجه بود یکی رئیس دوم مهتر سیوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم
موذن هفتم عالم هشتم ده هزار درم نهم پسر دهم غلام یازدهم زن دوازدهم توانگری اگر بخواب بیند که سر بزرگ کرد وجامه پاک
پوشیده بود دلیل که او را با مهتران صحبت افتد واگر جامه چرکین بود که پوشید دلیل که از مهتری غم واندوه یابد واگر بیند که
سرها در تنور نهاد دلیل که از مهتران ومخادیم کارش افتد **سراب** تاویلش سخن باطل باشد وعلمی که در او منفعت نبود
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین سرابی مقیم شد دلیل که بعلم باطل وسخنی که در او خیر نباشد مشغول گردد واگر بیند که از
زمین سراب میخورد دلیل که از علم باطل نان جمع کند **سراپرده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خود را در سراپرده بیند ودانند که
ملک او بود دلیل که بزرگی ومنزلت یابد وباشد که مهتر لشکر شود واگر بیند که در سراپردهٔ پادشاه مقیم شد دلیل که از پادشاه
حرمت وجاه یابد واگر بیند که سراپردهٔ پادشاه بیفتاد دلیل که زوال مملکت وی بود واگر بیند که سراپردهٔ پادشاه بسوخت دلیل که
پادشاه بمیرد واگر بیند که پادشاه او را از سراپرده بیرون آوردند دلیل که پادشاهی بیابد وملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن سراپرده در خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت دوم ریاست سوم ولایت چهارم دولت پنجم سرهنگی **سرا**
دانیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بیند که در سرای بیگانه شد وهیچ نشناخت ودر آنجا مردگان دید دلیل که آن سرای آخرت است وصاحب
خواب را وقت اجلش باشد واگر بیند که در آنجا شد وبیرون آمد دلیل بر بیماری او بود ولیکن شفا یابد واگر بیند که بسرای معروف شد وبنیادش
از گل بود دلیل که روزی حلال یابد واگر بیند که بنیادش از گچ وآجر بود دلیل که مال حرام یابد واگر بیند که آن سرای بزرگ وفراخ بود دلیل
که روزی بر وی فراخ گردد واگر سرای کوچک بود تاویلش بخلاف این بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سرائی

خود میکند دلیل که راه صلاح بر خود ببندد و عبادت نکند و اگر بیند که سرای کهنه را میکند دلیل که در خیرات بروی گشاده شود و اگر بیند
که سرای نو و پاکیزه بود دلیل بر تندرستی و عمر دراز مادر و پدر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بسرای نو و پاکیزه در شد و دانست که
ملک وی است دلیل که روزی بروی فراخ گردد و عز و جاه یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سرای در خواب بر هفت وجه بود یکی مرد را
زن و زن را شوی دوم توانگری سیم ایمنی چهارم عیش پنجم مال ششم ولایت هفتم امانت و عزت **سرب** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر کسی بخواب بیند که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی دون او را حاصل شود و اگر بیند که سرب میگداخت دلیل که بدی
در زبان مردم افتد **سرخی جامه** بدانکه در جامه مردان سرخی کراهیت بود و رنج و اندیشه و زنان را خیر و خرمی و اگر مردی
بیند که همه جامه وی سرخ بود دلیل که فتنه و خون ریختن را دوست دارد و بر مردم ستم کند لفقه سرخی جامه **سرخچه** در خواب دیدن
دلیل بر زیادتی مال بود و اگر بیند که بر تن وی سرخچه بیرون آمد دلیل که مالی برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که سرخچه از تن او ناپدید شد
تاویلش بخلاف این باشد **سرفه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرفیدن در خواب بر پنج وجه بود یکی سرفه تر دوم سرفه خشک سیوم
سرفه بلغم چهارم سرفه که خون برآرد پنجم سرفه که صفرا برآرد و اگر بخواب بیند که بگاه سرفیدن بلغم برآورد دلیل که پیش کسی شکایت کند
از بلائی که بوی رسد یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر بیند که سرفه خشک داشت دلیل که شکایت وی از محال و بیهوده بود و
اگر بیند که سرفه تر داشت دلیل که شکایت وی از خویشان بود و اگر بیند که سرفه خون داشت دلیل که شکایت وی از فرزندان بود
و اگر بیند که سرفه صفرا داشت دلیل که مردی بود که از همه شکایت کند و اگر بیند که مهتری می سرفید دلیل که غمخوار دین بود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بیند که او را سرفه می آمد دلیل بر ناتوانی باشد و اگر بیند که سرفه در گلوی او بماند دلیل که وقت مرگش باشد اگر بیند که او را
سرفه پیران پیدا شد چنانکه بلغم می انداخت دلیل که از غم و محنت فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بخواب بیند که می سرفید دلیل که
از پادشاه بوی آفت رسد **سرکه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرکه در خواب مال حلال بود با برکت و خوردنش بتاویل هم
نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه الصلوة والسلام فرموده اند نعم الادام خل و بعضی معبران گفته اند که سرکه ترش در خواب غم و
اندوه بود و سرکه فروش در خواب مردی خصومت طلب بود **سرگین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرگین اسب و گاو در خواب
مال و نعمت بود و اگر بیند که سرگین بسیار جمع آورد دلیل که او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که سرگین مردم بود دلیل بر مال
حرام بود و اگر بیند که در آب خانه سرگین می انداخت دلیل که گروهی بوی رسد و نقصان مال وی بود و اگر بیند که در بستر پلیدی بکرد
دلیل که از مال خود بعضی بعیال دهد و اگر بیند که سرگین افگند و آن سرگین را بخاک پوشید دلیل که مال در زمین پنهان کند کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که سرگین مردم میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که بجایگاهی مجهول سرگین افگند دلیل که مال خود بجائی خرج
کند و اگر بیند تن خود را بسرگین بیالود دلیل که در گناه افتد و اگر بیند که اسهال پیدا شد دلیل که مال با اسراف خرج کند دانیال
علیه السلام گوید سرگین مردم مال حرام بود و سرگین چهارپایان مال حلال بود و سرگین ددان مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی
رحمة الله علیه گوید هر پلیدی که از مردم جدا شود دلیل زیان باشد و اگر بیند که در میان پلیدی می رفت و غرق شد دلیل که او را

سرب
سرخی جامه
سرخچه
سرفه
سرکه
سرگین

از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر بیند که پای بر پلیدی می نهاد و بغلتاد و جامه و اندامش آلوده گشت دلیل که از حاکم مضرت بیند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید سرگین در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حرام دوم گشایش سیوم نفقه کردن با عیال چهارم زوال غم **سرگین**
گردان یعنی جعل باشد مردی بود که مال جمع کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جعل بگرفت دلیل که او را با مردی حرام خوار
صحبت افتد و اگر بیند که جعل را بکشت دلیل که مردی حرام خوار بکشد و اگر بیند که بخورد دلیل که مال حرام خوار بخورد **سرما** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید سرما در خواب رنج و مضرت بود و اگر بیند که سرما بیافت دلیل که بقدر سرما درویشی و تنگدستی او را بود و اگر بیند که سرما او را
مضرت رسانید دلیل که از خویشان او را مضرت رسد **سرمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرمه در خواب مال بود و اگر بیند که سرمه
در چشم کشید دلیل که صلاح دین جوید و اگر بیند که سرمه کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سرمه
در خواب مال و جاه بود مرد و زن را و بعضی معبران گویند که سرمه در خواب یافتن راه حق و صواب بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید سرمه فروش در خواب مردی بود که در صلاح دین جوید زیرا که چشم دین بود و سرمه روشنائی باشد **سرمه دان** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید سرمه دان در خواب زنی بود که پیوسته با خدای تعالی باشد و مردانرا براه دین خواند اگر بیند که سرمه دان
وی بشکست دلیل که زن وی بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید سرمه دان در خواب زن دیندار بود اگر بیند که سرمه دان وی
ضایع شد دلیل که از صحبت زنی جدا شود و اگر بیند که سرمه دانی بخرید دلیل که کنیزک دیندار بخرد **سرنج** کرمانی رحمة الله علیه گوید
سرنج در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که سرنج داشت یا کسی بوی داد دلیل که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که سرنج میخورد دلیل
که بیمار شود و اگر بیند که سرنج بکسی داد یا بفروخت دلیل که از غم رسته گردد **سرود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرود در خواب
دلیل بر سخن باطل و مصیبت بود و اگر بیند که سرود با نواهای دیگر چون دف و چنگ و نای میزدند دلیل که اندوه و مصیبت بیشتر
بود و اگر بیند که سرود می شنید دلیل که سخن باطل شنود کرمانی رحمة الله علیه گوید چون بخواب بیند که سرود میگفت اگر در بازار بود دلیل
که توانگران را رسوائی باشد و درویشان را غم بود معبران گویند سرود گفتن در خواب یا شنیدن بر شش وجه بود یکی کلام باطل دوم
غم و اندوه سیوم مصیبت چهارم رسوائی پنجم جنگ ششم علم و حکمت **سرونها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرونها بخواب دیدن
همه نیک باشد اگر از آن بد باشد از بزرگی خیر و منفعت بیند و اگر سرون گاو ماده بیند دلیل که در آن سال او را منفعت
بسیار بود و اگر بزرگتر باشد حاصل بیشتر باشد و اگر بیند که سرونی در هوا معلق آویخته بود دلیل که بمردم آن دیار خیر و منفعت
رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بر سر خود دو سرون داشت دلیل که از بزرگی قوت یابد و اگر بر سر خود سرونهای
بسیار بیند دلیل بر غم و اندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سرون داشت دلیل که صلاح در کارش باز پدید
آید و غم در خرمی بگذراند و اگر بیند که مردم را بدان سرون میزد دلیل که بمردم بدی رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
سرونهای چهارپایان دشتی دلیل بر خیر و منفعت بود و سرون چهارپایان شهری دلیل بر خلاف این بود **سریش**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سریش در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن مضرت و نقصان باشد و اگر بیند که

بسرکش چیزی می چسبانید دلیل که کاری کند که باز بصلاح آورد **سرشیم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سرشیم داشت
یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن وی را راحت رسد و اگر بیند که سرشیم میخورد دلیل که بسبب عیال کاری کند که محکم و استوار باشد
سرین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرین در خواب دیدن یکی از خویشان بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر پسر کند و
سرین چپ دلیل بر دختر کند و اگر بیند که سرین وی محکم و قوی بود دلیل که فرزندش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک
بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که سرین وی بشکست دلیل که فرزندش بمیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سرین
در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم قوت سیوم باغ چهارم یکی از خویشان **سطل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سطل در
خواب دلیل بر خدمتکار بود و اگر بیند که سطلی نو بخرید دلیل که کنیزک بخرد و اگر بیند که سطل وی سوراخ شد دلیل که عیبی بر کنیزک
ظاهر شود **سعتر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سعتر در خواب غم و اندوه بود و خوردن آن خصومت و بعضی گویند که خوردن
آن نقصان مال باشد و دیدن سعتر در خواب خیر نباشد **سفر کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سفر کرد و دانست
که آن مقام بهتر از اینست که بود دلیل که حالش نیکو شود و الا بخلاف این بود و اگر بیند که سفر کرد و ندانست که کجا رفت دلیل که
از عیال خود دور کردد و یا از آن سرای نقل کند و اگر بیند که بوداع قومی میرفت یا گروهی بوداع او می آمدند دلیل که حال
حال و کار بروی متغیر کردد و باز بحال خویش آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با برگ و ساز تمام بسفر رفت دلیل که کارش
نیک شود و اگر بخلاف این بیند کارش بد شود **سفره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سفره نو و پاکیزه داشت یا بخرید دلیل که
کنیزک زشت روی بود و اگر بیند که سفره بر نان و نعمت بود دلیل که از آن کنیزک منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سفره بخواب
سفری با منفعت بسیار باشد اگر سفره کوچک و تهی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بیند که سفره او بسوخت یا ضایع شد دلیل
که کنیزکش بمیرد یا مالش تلف شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کنیزک دوم خدمتکار سوم سفر چهارم
کسب معیشت **سفوف** خوردن آن در خواب غم و اندوه بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سفوف خورد و از خوردن
آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر بود **سقا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سقا مردی بود که بر دست وی خیرات بود خاصه که اگر
بیند که بر مردمان آب بی طمع میداد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سقائی میکرد بی طمع دلیل که بکار آخرت راغب باشد و اگر بیند
که مشک پر آب کرد و بکسی نداد دلیل که مال جمع کند و الا راحت از آن نیابد و اگر بیند که آب بخانه کسان می برد دلیل که بجهت کسان مال
جمع کند و او را از آن هیچ تمتع نباشد **سقنقور** ماهی است که در میان ریگ می باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
سقنقور داشت دلیل که او را کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما در دین ضعیف بود و معبران گویند که ماهی سقنقور در خواب مکروه باشد
سقمونیا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سقمونیا در خواب دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود و اگر بیند که از بهر علتی خورد و از آن شفا
یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که از خوردن سقمونیا مضرت یافت دلیل بر نقصان مال بود **سگ** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید سگ در خواب دشمنی فرومایه بود و مهربان باشد و سگ سیاه دشمنی از عرب بود و سگ سفید دشمنی

سرشیم
سرین
سطل
سعتر
سفر کردن
سفره
سفوف
سقا
سقنقور
سقمونیا
سگ

از عجم باشد واگر بیند که سگی او را بگزید دلیل که از دشمن گزند یابد واگر بیند که جامهٔ او بآب دهان سگ آلوده شد دلیل که از دشمن بسخن خسته گردد واگر بیند که سگ جامهٔ او بدرید دلیل که در مال او نقصان آید واگر بیند که گوشت سگ میخورد دلیل که دشمنی را دفع کند واگر بیند که نان بسگ داد دلیل که روزی بروی فراخ شود واگر بیند که سگی باوی نزدیکی کرد دلیل که دشمنی بوی طمع کند واگر بیند که سگ بروی تکبیر کرد دلیل که بر دشمنی فرومایه اعتماد کند واگر بیند که شیر سگ میخورد دلیل که ترسی و بیمی بوی رسد واگر بیند که سگ از وی میگریخت دلیل که دشمنی بر حذر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده سگی در خانهٔ وی آمد دلیل که زنی دون همت و فرومایه بزنی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید سگ شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بیند که بسگ شکاری شکار میکرد دلیل که او را از دشمن که دعوی دانش کند خیری بدو رسد واگر بیند که گوشت سگ شکاری میخورد دلیل که میراث یابد واگر بیند که سگ شکاری از وی دور گشت دلیل که از دشمن با منفعت جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه طامع سیوم دانشمند چهارم مرد غماز **سکبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سکبا اگر بگوشت گوسپند و حوایج نیکو پخته بود دلیل بر عیش خوش و عز و جاه بود واگر بگوشت گاو پخته بود دلیل بر یافتن مال و خواسته بود واگر بگوشت مرغ پخته بود دلیل بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود **سکوره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سکورهٔ نو بدو دادند دلیل که سخنی لطیف شنود واگر بیند که سکوره بشکست یا ضایع شد دلیل که سخن باطل شنود و بعضی از معبران گویند که سکوره در خواب کنیزک بود واگر بیند که سکورهٔ نو خرید دلیل که کنیزک نومی خرد واگر بیند که سکوره بشکست دلیل که کنیزک او هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سکوره در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال هشتم سخن خوش نهم میراث از جهت زنان **سکنجبین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سکنجبین در خواب چون شیرین بود دلیل بر مال و روزی حلال بود که آسان بدست آید واگر ترش بود دلیل بر غم و اندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بیند که سکنجبین خورد اگر شیرین بود دلیل که شفا یابد واگر ترش بود دلیل که بیماری او دراز شود **سلاح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاح پوشیده در میان خلقی بیگانه بود دلیل که عوام زبان بروی دراز کنند ولیکن مکروهی بوی نرسد واگر بیند که گروهی آشنا بودند دلیل بر دشمنان ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را با تیر و کمان بیند دلیل که بزرگی یابد واگر بیند که از آن آلتهای که بدان جنگ کنند چیزی بشکست یا ضایع شد دلیل بر نقصان بزرگی وی بود واگر بیند که با کسی جنگ و نبرد میکرد دلیل که در جنگ و خصومت افتد واگر بیند که کسی او را ربود دلیل که آنکس را مضرت رساند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را زخمی بزد و نداند که آنکس که بود دلیل که او را مضرت رسد واگر بیند که در آن زخم ریم جمع شد دلیل که بقدر آن مال جمع شود واگر بیند که بدان زخم که زد گوشت و استخوان ببرید دلیل که از آنکس مال و نعمت رسد واگر بیند که در حرب دست کسی ببرید دلیل که او را سخنی سخت گوید و میان ایشان جدائی افتد واگر بیند که سر یکی ببرید دلیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سلاح در خواب بر شش وجه بود

یکی قوت دوم بزرگی سیوم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن و سلاح کرد در خواب پادشاه بزرگ دادگر بود **سلام**
کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد دلیل که آن دوست از وی شادی بیند و اگر بیند که دشمنی بروی
سلام کرد دلیل که دشمن دوست وی شود و اگر بیند که کسی مجهول بروی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که غریبی با وی دوستی و آشنائی
گیرد و اگر بیند که پیری بروی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که از عذاب حق تعالی ایمن گردد و اگر بیند که پیری آشنا بروی سلام کرد دلیل
که زنی خوبروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز نداد دلیل که میان ایشان جدائی افتد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی جوان بروی سلام کرد دلیل که اقبال دنیا یابد و اگر بیند که در نماز بود و سلام بجانب چپ داد دلیل که کارش
شوریده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی دوم شادی سیوم اقبال چهارم منفعت مال
سلطان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلطان در سرای یا در مسجدی یا در شهری یا در دیهی شد دلیل که رنجی و مصیبتی
بدان مقام رسد قوله تعالی ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها اگر بیند که در جنگ با سلطان غلبه کرد دلیل آنکه
حاجتی که دارد روا شود و بمقصود برسد و اگر بیند که سلطان دست راستش ببرید دلیل که سوگندش دهند و اگر بیند که
سلطان از تخت بیفتاد یا تخت بشکست یا اسب او را لگد زد یا شمشیر وی بشکست یا کلاه سر وی بروی زد و او را
مجروح گردانید این همه دلیل بر زوال مملکت وی بود و اگر سلطان دادگر بیند دلیل بر شرف و بزرگی وی بود و بقدر آنکه عدل کند و اگر
بیند که سلطان بساطی بزرگ بگسترد دلیل که ملک دنیا او را شود و عمرش دراز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر سلطان
کار خویش نیکو بیند دلیل که عمر و جاهش زیادت گردد و اگر سلطان مرده را گشاده روی و خرم بیند و با وی سخن گفت دلیل که کار
او نیکو شود و شغلهای مرده او زنده گردد **سمارغ** گیاهیست که او را کلاغ خوانند دیدن وی بخواب زنی بود که در وی
خیر نباشد و اگر زیاده از سمارغ بیند دلیل بر مال و نعمت بود که از زنی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر سمارغ بزرگ بود
دلیل که او را پسری آید و اگر کوچک بود او را دختری آید **سماق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سماق در خواب دیدن دلیل بر
جنگ و خصومت بود و اگر بیند که سماق خورد دلیل که کسی گفتگو کند و در خوردن سماق هیچ خیر نبود **سمانه** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید سمانه در خواب پسری غلام بود و اگر بخواب بیند که سمانه بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که غلامش را فرزندی آید و اگر بیند که
سمانه در دست وی بپرید فرزند غلامش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب مال و روزی حلال بود
قوله تعالی وانزلنا علیکم المن والسلوی اگر بیند که گوشت سمانه میخورد دلیل که روزی حلال یابد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سوم منفعت
چهارم خیر و مال **سمور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی کافر و ظالم و راهزن بود و اگر بیند
که با سمور نبرد میکرد دلیل که با مردی بدین صفت خصومت کند و قوت او را بود که غالب آید و اگر بیند که گوشت سمور
میخورد دلیل که مال مردی ظالم بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی غریب توانگر بود و گوشت و پوست

وموی وی در خواب مال وخواسته بود واگر بیند که سمور را بکشت وگوشت او بر زمین افتاد دلیل که مال مردی غریب تلف کند

سنان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنان بر تن خصم زد واو را بیفکند دلیل که خصم را بحجت غلبه کند و بر وی ظفر یابد واگر بیند که سنان وی بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنان پولاد درفشنده داشت اگر از اهل آن باشد دلیل که ولایت یابد واگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت بیند واگر بیند که سنانش زنگ گرفته بود دلیل که نفعش اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنان در خواب بر شش وجه بود یکی حجت دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم ظفر پنجم ریاست ششم منفعت بقدر قیمت سنان

سنب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنب در خواب فرزند بود واگر بیند که سنبی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید واگر بیند که سنبی داشت واز وی ضایع شد دلیل که فرزندش غایب شود یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید سنب خرد در خواب مال بود واگر بیند که سنبها فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند واگر بیند که بر پای او سنب بود دلیل که عمرش بخوشی وخرمی گذرد واگر بیند که سنب بیفتاد تاویلش بخلاف این بود

سنبل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب دید که سنبل داشت دلیل که بقدر آن مال ونعمت حاصل کند واگر بیند که سنبل خشک داشت تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنبل تازه میخورد دلیل که مال حلال بدست آرد یا فرزندی آیدش که در آن دیار مشهور گردد واگر بیند که سنبل بر آتش می سوخت دلیل بر نقصان مال بود

سنجاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنجاب در خواب مردی غریب وتوانگر ونا آمیزنده بود وپوست وموی واستخوان وی مال وخواسته بود وگوشت وی مال غریبی بود واگر بیند که سنجاب را بکشت وگوشت او بخورد وبیفکند وپوست او پاره کرد دلیل که مال مردی غریب تباه کند ویا بغصب بستاند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنجاب را خفه کرد واز گردنش خون روان شد دلیل که دوشیزگی دختر ببرد

سنجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنجد در خواب مال صالح بود که برنج بدست آرد واگر بیند که سنجد خرید یا کسی بوی داد دلیل که مال بسیار حاصل کند واگر بیند که سنجد میخورد دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سنجد در خواب بر سه وجه بود یکی مال برنج دوم مال بی رنج سیوم منفعت از مردم بدخوی

سندان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سندان بخواب دیدن رئیس بزرگ بود واگر بیند که سندان فرا گرفت یا کسی بوی داد ودانست که ملک اوست دلیل که از رئیسی خیر ومنفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سندان در خواب دلیل که با مهتری صحبت افتد واز وی راحت یابد واگر بیند که سندانی بکسی داد یا ضایع شد دلیل که از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن سندان در خواب بر پنج وجه بود یکی مهتری دوم منفعت سیوم قوت چهارم ولایت پنجم اقبال در کارها

سنگها کرمانی رحمة الله علیه گوید در خواب دیدن سنگها بر دو وجه بود یکی مال دوم مهتری ودر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر باشد اگر بیند که سنگی سپید بگرفت دلیل که با مهتری خوش خلق او را صحبت افتد واز وی منفعت یابد واگر بیند که سنگی سیاه بگرفت دلیل که با مهتری از عرب او را صحبت افتد واگر بیند که سنگی سرخ بگرفت دلیل که از مهتری مفسد او را رنجی باشد واگر بیند که بر کوهی برفت وسنگهای بسیار در دامن کوه بگرفت وبیاورد ونگریست اگر آن سنگها سپید یا سیاه بود دلیل بر منافقی کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن سنگها در خواب سختی باشد واگر

سنان
سنب
سنبل
سنجاب
سنجد
سندان
سنگها

ببیند که سنگ از زیر آب جمع میکرد دلیل که مال بمکر و حیلت جمع کند و اگر بیند که سنگ از کوه منتزع شد دلیل که مال از بزرگی جمع کند و اگر بیند که سنگ از بیابان جمع میکرد دلیل که از سفر مال جمع کند و اگر بیند که سنگ بر کسی انداخت دلیل که بکراهیت از مال خود بکسی چیزی دهد و اگر بیند که کسی سنگ بر او انداخت دلیل که بقدر آن مال یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسی سنگ انداخت دلیل که بر وی تهمت کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم مهتری سوم سختی در کارها چهارم کسب برنج **سنگ خواره** مرغیست که سنگ ریزه میخورد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنگ خواره گرفت دلیل که در کار دشواری افتد و از آن خبر نه بیند یا او را با مردی ابله کار افتد و اگر بیند که سنگ خواره از دستش بپرید یا در دستش بمرد دلیل که از کاری دشوار برهد و خلاصی یابد و اگر بیند که گوشت سنگ خواره خورد دلیل که از کسب دشواری چیزی بدست آرد **سواری کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سواری میکرد دلیل که از پادشاه اسپ و سلاح و نعمت یابد و اگر بیند که با سواران میگشت و سواران مطیع او بودند دلیل که بر گروهی فرمان روائی یابد و اگر بیند که سواران مجهول از متاع دنیا چیزی او را دادند دلیل که او را از کسی غریب منفعت رسد و اگر بیند که سواران معروف چیزی بوی دادند دلیل که او را از آشنائی یا دوستی منفعت رسد و اگر سواران را با جامه کبود و بر اسپان لاغر و چرکین بیند تاویلش بخلاف این بود **سورهای قرآنی خواندن در خواب** **سورة الفاتحة** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفاتحة میخواند دلیل که عمرش دراز باشد و خاتمت کارش با ایمان بود **سورة البقرة** اگر بخواب بیند که سورة البقرة میخواند همین تاویل دارد و از شر دشمنان ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید میان خلق راستگوی باشد و اگر درویش باشد توانگر گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شاد گردد و اگر بنده بود آزاد گردد **سورة آل عمران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة آل عمران میخواند دلیل که از همه بلیها ایمن گردد و پاک شود و عاقبت خیر گردد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر بیند که آیه شهد الله میخواند دلیل که بقضای حق تعالی راضی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر وامی دارد بگذارد و مردم او را عزیز دارند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آیه **قل اللهم مالک الملک** در خواب میخواند دلیل که بزرگی و عز و جاه یابد و حاجتهای او روا گردد **سورة النساء** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة النساء میخواند دلیل که میراث یابد و خویشان و اهل بیت او بسیار شوند کرمانی رحمة الله علیه گوید مال و نعمت او بسیار شود **سورة المائدة** جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر بیند که سورة مایده میخواند دلیل که شرف و بزرگی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید خواندن سورهٔ مایده دلیل بر زیادتی مال و نعمت بود و معبران گویند که خواندن سورهٔ مایده در خواب دلیل بر صحت و سلامتی بود **سورة الانعام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که سورة الانعام میخواند دلیل که سعادت دنیا و آخرت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید چهار پایان بسیار حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که باحسان و سخاوت توفیق یابد **سورة الاعراف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاعراف میخواند دلیل که دیندار و مؤمن بود و عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید خواندن سورهٔ اعراف در خواب دلیل که کوه طور را زیارت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خواندن سورهٔ اعراف در خواب دلیل که همه خلق از وی خوشنود گردند و امانت نگاه دارد

سورة الانفال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانفال میخواند دلیل که بخیر و صلاح بود سورة التوبه
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التوبه میخواند دلیل که از گناه توبه کند کرمانی رحمة الله علیه گوید سر انجام کارش
بخیر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین یگانه بود سورة یونس ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ یونس
میخواند دلیل که روزی او فراخ گردد و کارش براو شود کرمانی رح گوید که مکر کافران و کید حاسدان ازوی دفع شود و بر دشمن غالب
گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لفظ و عبادتش نیکو شود سورة هود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که سورهٔ هود میخواند
دلیل که روزی او از کشت و زرع بود کرمانی رح گوید کارش نیکو گردد و در کارها اقبال یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه
دین یگانه شود سورة یوسف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بخواب بیند که سورهٔ یوسف میخواند دلیل که سفر بسیار کند و مال یابد
کرمانی رحمة الله علیه گوید پس از رنج و محنت عز و بزرگی یابد و کارش با لاگیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و با امانت
باشد سورة الرعد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الرعد میخواند دلیل که پیوسته بعبادت و قرآن خواندن
مشغول گردد کرمانی رح گوید که بکار خیر طاعت راغب گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلیل که عمرش کوتاه باشد سورة ابراهیم
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ ابراهیم میخواند دلیل که مدام بطاعت و کارهای خیر مشغول باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید نزد حق تعالی عزیز و گرامی بود و عاقبتش محمود گردد سورة الحجر ابن سیرین رح گوید اگر بیند که سورة الحجر میخواند دلیل که نزد حقتعالی
جل و علا پسندیده بود کرمانی رح گوید که هر امیدی که دارد حاصلش آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید حضرت باری سبحانه و تعالی او را علم
روزی کرداند و حاجتش بیفزاید سورة النحل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النحل میخواند دلیل که روزی حلال
یابد و دوستدار اهل دین باشد کرمانی علیه الرحمه گوید که از محنت و آفت ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حق سبحانه و تعالی او را
علم روزی کند سورة بنی اسرائیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره بنی اسرائیل میخواند دلیل که نزد حقتعالی قرب
یابد و در دنیا جاه و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید بر دشمن ظفر یابد و بکام دل برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دین و
اعتقادش پاک شود سورة الکهف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الکهف میخواند دلیل که از همه بلاها
ایمن گردد و در راه دین یگانه و مخلص بود کرمانی رحمة الله علیه گوید عمرش دراز گردد و سعادت عقبی یابد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید
که چندان عمر بیابد که مراد رسد سورة مریم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ مریم میخواند دلیل که در قیامت از عذاب
در کنف باریتعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید راه خیرات گیرد و سنت پیغامبر صلی الله علیه وسلم بجای آورد سورة طه ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ طه میخواند دلیل که با دشمنی سخنی گوید و دشمن را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید نامش در دیار بخیرات
منتشر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین یگانه و نامدار گردد سورة الانبیاء ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
سورة الانبیا میخواند دلیل که حق تعالی جل و علا او را سیرت انبیا بخشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اقبال دو جهانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید عالم و دانا شود و از مشقت آسانی یابد سورة الحج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که سورة الحج می خواند

سورة الانفال
سورة التوبه
سورة یونس
سورة هود
سورة یوسف
سورة الرعد
سورة ابراهیم
سورة الحجر
سورة النحل
سورة بنی اسرائیل
سورة الکهف
سورة مریم
سورة طه
سورة الانبیاء
سورة الحج

دلیل که مال خود را در راه خدا تعالی صرف کند کرمانی رحمة الله علیه گوید کردارهای پسندیده اختیار کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید در زهد یگانه و در راه دین مجتهد بود **سورة المؤمنون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المؤمنون میخواند دلیل که با مومنان در بهشت رود کرمانی رحمة الله علیه گوید درجات دینش قوی گردد و سیرت پسندیده اختیار کند **سورة الفرقان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفرقان میخواند دلیل که براستی حق از باطل جدا شود کرمانی رحمة الله علیه گوید میان خلق منصف و داد گر گردد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید از راه باطل براه حق گراید **سورة النور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النور میخواند دلیل که دلش بعلم و حکمت منور گردد **سورة الشعرا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الشعرا میخواند دلیل که در پناه حق تعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید از گناه پاک شود و در راه دین مجتهد گردد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید باری سبحانه و تعالی او را از فواحش نگاه دارد **سورة النمل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النمل میخواند دلیل که بزرگی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید دولت بخشش مساعد گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید مال و نعمت فراوان یابد **سورة القصص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القصص میخواند دلیل که مال و نعمت یابد و بذکر حق تعالی مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید پیوسته در راه دین و صلاح کوشد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید درهای رحمت بروی گشاده گردد **سورة العنكبوت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة العنكبوت میخواند دلیل که تا بوقت مرگ در امان خدا تعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید از رنج و بلا ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خلق را از صلاحیت و نعمت او نصیب بود **سورة الروم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الروم میخواند دلیل که بر دست وی شهری از روم گشاده گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید در کار دین و غزا و جهاد مجتهد گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مردم را از دین و صلاح وی بهره باشد **سورة السجده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة السجده میخواند دلیل که در سجده باشد که از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید که سجود حق تعالی بسیار کند جعفر صادق علیه السلام فرماید که عاقبت کارش محمود باشد **سورة الاحزاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاحزاب میخواند دلیل که مال یابد و بخصم ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الاحزاب میخواند دلیل که صد دینار یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که سورة الاحزاب میخواند متابعت باری سبحانه و تعالی یابد **سورة السبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة السبا میخواند دلیل که زاهد و عابد گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت صلحا گزیند **سورة فاطر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة فاطر میخواند دلیل که عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید پیوسته در طاعت مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در نعمت بروی گشاده گردد **سورة یس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة یس میخواند دلیل که عاقبتش بخیر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید که عمرش دراز باشد از حق تعالی جل و علا رحمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه

وسلم در دلش مستقیم شود **سورة الصّافات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الصّافات میخواند دلیل که بهدایت دین از باری سبحانه و تعالی توفیق یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که براه صلاح در آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که فرزندی صالح آید **سورة ص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة ص میخواند دلیل که مالش زیاده گردد و بزرگ شود **سورة الزّمر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الزّمر میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی گناهش عفو کند کرمانی رحمة الله علیه گوید خاتمت کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دینش قوی گردد **سورة مؤمن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ مؤمن میخواند دلیل که مومن مخلص بود کرمانی رحمة الله علیه گوید شریعت نگاه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رحمت و غفران باشد **سورة فصلت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ فصلت میخواند از مقربان حق گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید پیوسته در صلاح دین گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید داعی بود بحق و اجابت کند ویرا **سورهٔ حم عسق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ حم عسق میخواند دلیل که در آخرت از عذاب رسته گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید تاویلش همین باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید عمرش دراز گردد **سورة الزخرف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الزخرف میخواند دلیل که نماز و طاعت بسیار کند و پیوسته روزه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و خوب افعال بود **سورة الدخان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید راست کوشی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید توانگر گردد **سورة الجاثیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الجاثیه میخواند دلیل که توبه کند و بخداوند تعالی باز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بزه کار بود توبه کند **سورة الاحقاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاحقاف میخواند دلیل که فرمان مادر و پدر بجای آورد کرمانی گوید با مادر و پدر احسان کند و عجایبها بسیار بیند **سورهٔ محمد علیه السلام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ محمد علیه السلام میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید از آفت و بلا ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در جهان توفیق یابد **سورة الفتح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفتح میخواند دلیل که در همه باب او را فتح و نصرت باشد **سورة الحجرات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحجرات میخواند دلیل که مردم را بالقاب خواند و غیبت نکند کرمانی رحمة الله علیه گوید که آزار کس نجوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با مردم پیوندد **سورة الذاریات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الذاریات میخواند دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که با خلق خدای جود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بروی روزی فراخ گردد **سورة قاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد کرمانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از کسب خود بهره یابد **سورة الطور**

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الطور میخواند دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که حقتعالی جلّ وعلا او را یاری دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در مکه مجاور شود **سورة النجم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النجم میخواند دلیل که حقتعالی جلّ وعلا در رحمت بروی گشاده گرداند کرمانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمن ظفر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که حق سبحانه وتعالی او را پسری صالح دهد **سورة القمر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القمر میخواند دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان کرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جادو بروی کار نکند **سورة الرحمن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الرحمن میخواند دلیل که از دروغ وحرام اجتناب کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که بسیرت نیکو راه دین گزیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین جهان مال یابد ودر آن جهان نعمت **سورة الواقعه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الواقعه میخواند دلیل که از گناهان توبه کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در طاعت سبقت کند **سورة الحدید** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحدید میخواند دلیل که روزی با رنج وسختی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که راه آخرت گزیند و رضای حقتعالی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه دین ستوده گردد **سورة المجادله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المجادله میخواند دلیل که او را با زنان خصومت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید که در راه دین با خلق مجادله کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید با اهل خود خصومت کند **سورة الحشر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحشر میخواند دلیل که حشر وی با مخلصان باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید که صحبت او با دینداران واهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر یابد **سورة الممتحنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الممتحنه میخواند دلیل که آزمایش کار براستی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که صحبت او با اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بمحنتی گرفتار شود که هلاک او در آن باشد **سورة الصّف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الصّف میخواند دلیل که در راه خدای عزّ وجلّ غزا کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که پیوسته در رضای خدای تعالی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که آخر عمر شهادت یابد **سورة الجمعه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الجمعه میخواند دلیل که حق سبحانه وتعالی او را توبه روزی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که توفیق خیرات یابد **سورة المنافقون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المنافقون میخواند دلیل که منافق باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از منافقی توبه کند **سورة التغابن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التغابن میخواند دلیل که صدقات بسیار دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید که دستگیری ضعیفان بکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که راست قول ومقیم احوال باشد **سورة الطلاق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الطلاق میخواند دلیل که با زنان گفتگوی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که بسیرت

حق نگاه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گفتگوی از بهر کار دین کند **سورة التحریم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التحریم میخواند دلیل که در خانه خود سخن بنفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید از حرام توبه کند و دور باشد

سورة الملک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الملک میخواند دلیل که اورا عذاب گور نباشد کرمانی رح گوید که عاقبتش محمود باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی یابد **سورة القلم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القلم میخواند دلیل که صدقه و خیر کردن دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خدای عزوجل اورا حلم روزی کند **سورة الحاقه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحاقه میخواند دلیل که فریضهای خدایتعالی بگذارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیرت حق گزیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر جادهٔ شرع باشد **سورة المعارج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المعارج میخواند دلیل که خیر و نیکی بسیار کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که بخیرات و حسنات گراید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از ترس و بیم ایمن گردد

سورة نوح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة نوح میخواند دلیل که توبه کند و عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که تا دلیش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید امر معروف کند **سورة الجن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الجن میخواند دلیل که توبه کند و از آفت جن ایمن باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیو و پری مضرت اورا نرساند **سورة مزمل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المزمل میخواند دلیل که نماز شب دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد **سورة مدثر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المدثر میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک و راه راست یابد **سورة القیمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القیمه میخواند دلیل که بشهادت از دنیا برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که تایب گردد **سورة الانسان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانسان میخواند دلیل که درویشان را طعام دهد و رضای حقتعالی عزوجل جوید کرمانی رحمة الله علیه گوید که بر سخاوت و شکر نعمت توفیق یابد **سورة المرسلات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة المرسلات میخواند دلیل که از دروغ گفتن توبه کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بر وی فراخ گردد **سورة النبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النباء میخواند دلیل که ترسکار و متوکل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود **سورة النازعات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النازعات میخواند دلیل که بوقت جان کندن از مرگ نترسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که توبه کند و از عقوبت ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دلش از مکر و حیلت و خیانت پاک گردد **سورة عبس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند

که سورهٔ عبس میخواند دلیل که بر مردم روی ترش کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که روزه بسیار دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
که خیرات کند **سورة التکویر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التکویر میخواند دلیل که از درد چشم بترسد کرمانی
رحمة الله علیه گوید که سفر بسیار کند از جانب مشرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه بترسد ایمن شود **سورة الانفطار**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانفطار میخواند دلیل که از خدای تعالی ترسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که میل
وی بمال دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملوک عزیز و محترم باشد **سورة المطففین** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المطففین میخواند دلیل که کیل و پیمانه راست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که
راستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همه کس منصف بود **سورة الانشقاق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که سورة الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامهٔ اعمال وی در دست راست وی دهند کرمانی رحمة الله
علیه گوید که حساب و شمار قیامت به آمنا و صدقنا بر وی آسان گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نسلش بسیار
گردد **سورة البروج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البروج میخواند دلیل که در دنیا اندوهگین
باشد و عاقبت کارش محمود گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع الدرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
که از غمها فرج یابد **سورة الطارق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الطارق میخواند دلیل که او را
فرزندی صالح آید کرمانی رحمة الله علیه گوید او را فرزندی خوب روی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بسبب فرزند مقبل و
خرم شود **سورة الاعلی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاعلی میخواند دلیل که تسبیح و تهلیل بسیار خواند
کرمانی گوید زبانش بذکر حق مشغول و جاری گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار دشوار بر وی آسان گردد **سورة
الغاشیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الغاشیه میخواند دلیل که از هول قیامت ترسد و توبه کند و از آن
ترس ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که در رضای حق تعالی عز و جل ثابت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل او
بزرگ شود **سورة الفجر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد
کرمانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هیبت و شکوه او کم شود **سورة البلد** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البلد میخواند دلیل که صدقه دادن بر وی واجب باشد و دوست دارد کرمانی رحمة الله
علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بخواب بیند که سورة البلد میخواند دلیل که از آفات و بلیات ایمن گردد
سورة الشمس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الشمس میخواند دلیل که بر دست او کاری فاسد رود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلاها ایمن گردد **سورة اللیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة اللیل
میخواند دلیل که سائل را منع نکند و زکوة مال دهد **سورة الضحی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
سورة الضحی میخواند دلیل که چیزی بخواهند کان بدهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریبان را عزیز دارد

سورة الم نشرح ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سوره الم نشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان گردد کرمانی رحمة الله علیه کوید که کارهای بسته بروی کشاده کرد وجعفر صادق رضی الله عنه کوید که مراد دو جهانی یابد سورة التین ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة التین میخواند دلیل که نیک سیرت و خوبروی و خوب کردار گردد کرمانی رحمة الله علیه کوید که خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که از سختی فرج یابد سورة العلق ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن روزی کند کرمانی رحمة الله علیه کوید که عالم و فصیح گردد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که متواضع و نیکو خصال بود سورة القدر ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة القدر میخواند دلیل که از دنیا بیرون نرود تا ثواب شب قدر نیابد کرمانی رحمة الله علیه کوید که عمرش دراز گردد و مراد یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که جاه و قدرش عالی گردد سورة البینة ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة البینة میخواند دلیل که با توبه از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه کوید که مردم را راه خیر و صلاح دارد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که همین تاویل دارد سورة الزلزلة ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة الزلزلة میخواند دلیل که او را با کسی کاری افتد و عدل و انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید که قومی از کافران هلاک کند سورة العادیات ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة العادیات میخواند دلیل که اهل بیت او و اقربا او دوست وارند کرمانی رحمة الله علیه کوید که لشکر آراید و جعفر صادق رضی الله عنه کوید که غزا کند و مظفر گردد سورة القارعة ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة القارعة میخواند دلیل که در قیامت ترازوی اعمال وی از کردار نیک گران آید کرمانی رحمة الله علیه کوید که در کار خیر کوشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که مردم را گرامی دارد سورة التکاثر ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة التکاثر میخواند دلیل که زیارت جمعی صالحان کند کرمانی رحمة الله علیه کوید که او را با قومی دروغ زن صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که دست از دنیا بدارد سورة العصر ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة العصر میخواند دلیل که در کارها صابر و شکیبا گردد کرمانی رحمة الله علیه کوید که او را زیانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که از تجارت کارش نیک شود سورة الهمزة ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة الهمزة میخواند دلیل که سخن بسیار کوید و پیش مردم روشناس گردد کرمانی رحمة الله علیه کوید که بمال حریص بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که در راه خدای تعالی مال نفقه کند سورة الفیل ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة الفیل میخواند دلیل که ظالم را یاری دهد کرمانی رحمة الله علیه کوید که بر دشمن ظفر یابد و مرادش حاصل گردد جعفر صادق رضی الله عنه کوید که بدست او فتحی برآید و بر دشمن ظفر یابد سورة القریش ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب بیند که سورة القریش میخواند دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه کوید که با کسی صحبت دارد که او را نصیحت کند در راه دین جعفر صادق رضی الله عنه کوید که با خلق احسان کند سورة الماعون ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بخواب

بیند که سورة الماعون میخواند دلیل که نماز گذارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که حذر باید کردن از صحبت بددینی جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که بر دشمن ظفر یابد **سورة الکوثر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الکوثر میخواند دلیل که مال و نعمت
یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که از بزرگان عطا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات بسیار کند **سورة الکافرون**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الکافرون میخواند دلیل که براه بدعت رود و بدنیا مغرور گردد کرمانی رحمة
الله علیه گوید که اگر در غم بود فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اجل او فرا رسیده باشد زیرا که چون این سورة نازل شد
حضرت رسول صلی الله علیه وسلم آخر عمر بود **سورة النصر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النصر
میخواند دلیل که در راه خدای تعالی متوکل گردد **سورة تبت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة تبت میخواند
دلیل که مکاره فریبنده بود و از عقوبات خدای تعالی در خطر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید که او زانی بدکردار باشد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید که گروهی به بدی وی کوشند **سورة اخلاص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة
اخلاص میخواند دلیل که در راه دین موحّد و یگانه گردد و توفیق طاعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که پاک دین و نیک اعتقاد
باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد دو جهانی یابد و عیش بر وی خوش گردد **سورة الفلق** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که سورة الفلق میخواند دلیل که جادو بر وی کار نکند کرمانی رحمة الله علیه گوید که از شر بدکرداران ایمن گردد
سورة الناس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الناس میخواند دلیل که او را حقتعالی از چشم بد
نگاهدارد و روزی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم میگفت دلیل که مال و خواسته یابد
و اگر بخواب بیند که آیتی از قرآن میخواند که تاویل آن بحرف قاف بیان کنیم انشاء الله تعالی **سوزن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که سوزن داشت و چیزی دوخت دلیل که شغلهای پراکنده وی جمع شود و حاجتش روا شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که جامه میدوخت دلیل که احوال او نیکو گردد و اگر بیند که سوزن او گم شد دلیل که احوالش بد بود مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که کسی سوزنی بوی بخشید دلیل آنکس مشفق احوال او باشد و اگر بیند که سوزن بسیار داشت دلیل
بر خیر و صلاح کار او بود **سوسمار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوسمار وی را بگزید دلیل که مضرت یابد و اگر
بیند که سوسمار را بکشت دلیل که بر دشمن قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که خوردن گوشت سوسمار در خواب دلیل بر منفعت
بود که بوی رسد و اگر بیند که سوسمار در خانه وی بانگ کرد دلیل که از خانه وی آواز شیون برآید **سوسن** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید سوسن در خواب بوقت خود دیدن دلیل که خبری بوی رسد و او را فرزندی آید و بیوقت دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر زنی بیند که سوسن از درخت
بکند و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی دسته سوسن بوی داد دلیل که میان ایشان گفتگوی خیزد مغربی
رحمة الله علیه گوید که درخت سوسن در خواب کنیزک بود **سوگند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوگند خورد دلیل که
کاری نیک بر دست وی برآید یا امانتی گذارد یا خیراتی کند و از آنچه میترسد ایمن گردد و اگر بیند که سوگند بدروغ

خورد دلیل بر خشم خدای تعالی بود و در رحمت افتد مگر توبه کند و در دوام غرق شود و از پادشاه زیان بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که سوگند راست خورد دلیل که او را توبه باید کرد از گناه و خطا تا رستگار شود و اگر بیند که سوگند دروغ خورد دلیل که دینش تباه شود
و اعتقادش خلل پذیرد قوله تعالی و یحلفون علی الکذب وهم یعلمون مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوگند
براست خورد دلیل که اندوه و مضرت بیند **سوراخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوراخی بود و در آن سوراخ
شد دلیل که از راز پادشاه آگاه گردد و اگر بیند که در اندام وی سوراخی بود و از آن خون میرفت دلیل که او را زیانی رسد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود دلیل که از عیال خود نا ایمن بود و اگر بیند که در سنگی سوراخ میکرد دلیل
که در مسلمانی پایدار بود و اگر بیند که در درختی سوراخ میکرد تاویلش بخلاف این بود و معبران گویند که بقدر آن سوراخ مال او
نقصان شود **حکایت** در خبر است که مردی پیش امیر المؤمنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت بخواب دیدم که از
سوراخی کوچک گاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که باز بسوراخ رود نتوانست رفت گفت آن سوراخ دهن است
و آن گاو سخن است چون گفته شد باز بجای خود نرود **سوهان** در حرف میم بیان کنیم **سیب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
سیب بخواب دیدن چون سبز باشد دلیل بر فرزند بود و چون سرخ باشد منفعت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از
بازرگان بود و چون زرد و ترش بود دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که سیبی سپید بدو نیم کرد دلیل که شرکت با کسی که دارد
از وی جدا شود و اگر بیند که سیبی سرخ از درخت باز کرد و خورد دلیل که او را دختری آید کرمانی رحمة الله علیه گوید سیب در خواب
دلیل خیر بود و اگر سیب ترش بود دلیل خبر ناخوش باشد و اگر بیند که سیب شیرین بود دلیل که خبر خوش شنود دانیال علیه السلام گوید
اگر بخواب بیند که سیب داشت و خورد دلیل که نفع یابد و سیب همت بیننده خواب باشد در شغل و صفت وی اگر پادشاه سیب
بخواب بیند دلیل که مملکت یابد و اگر بازرگان بیند دلیل که تجارت نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیب در خواب
بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم منفعت سوم بیماری چهارم کنیزک پنجم مال ششم فرمان روائی هفتم همت خداوند خواب در خبر
غایب و حاضر **سیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود کرمانی رح گوید خوردن سیر در خواب
خبر زشت بود که از پس مردم گویند اگر بیند که سیر پخته خورد دلیل که از سخن زشت توبه کند مغربی رح گوید که سیر در خواب رنج و گرستن
باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب بر پنج وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سوم غم و اندوه چهارم گرستن
پنجم سختی دیدن **سیری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در خواب سیری بیند دلیل که بی نیاز شود ولیکن در راه دین ضعیف
بود و اگر خود را گرسنه بیند دلیل که معصیت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب آنست که خود را نه گرسنه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف
طبع اند و آنچه خلاف طبع بود از وی مزاج برنج آید **سبز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سبزی داشت دلیل که نامش بخیر و
نیکی منتشر گردد و اگر بیند که در زمین او سبزه بود بوقت خود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند دلیل بر مضرت باشد
سیکی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیکی در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سیکی شد دلیل که در فتنه افتد

واگر بیند که سکبی میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام یابد واگر بیند که سکبی می پخت و می خورد دلیل که مالی حرام برنج و سختی بدست
آورد واگر بیند که در خانه سکبی بسیار داشت دلیل که بقدر آن از دهقان منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سکبی
می آمیخت و میخورد دلیل که مالی یابد که بعضی حلال باشد و بعضی حرام بود واگر بیند که سکبی میفروخت دلیل که چیزی حرام فروشد و
ربا دهد و سکبی خوردن خیر نباشد و والی را دلیل بر عزل بود و سکبی خرما غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سکبی در خواب
بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم تزویج کردن سوم نعمت این جهانی و سکبی فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه
طلب کند

سیل

سیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیل در خواب دشمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود واگر بخواب بیند که
سیل را از خود دفع کرد و بجائی دیگر افتاد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و غم و اندوه وی کم شود واگر بیند که سیل میگریخت دلیل
که از دشمن بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیل در خواب در روز یا سرد سیر غم و اندوه بود و در دیار گرم سیر دلیل بر
منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جهان پر سیل بیند و نداند که این سیل از کجاست دلیل که حق سبحانه و تعالی عذابی
بران دیار فرستد قوله تعالی فارسلنا علیهم الطوفان و بعضی از معبران گویند که چون بخواب بیند که سیل جائی خراب
میکند دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس و بیم مصادره بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیل در خواب بر چهار وجه
بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه ستمگر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی

سیماب

سیماب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بخواب بیند که در معدن سیماب درون شد یا از آنجا سیماب برگرفت دلیل که زنش در کار بد افتد واگر بیند که سیماب بفروخت
یا بکسی داد دلیل که از مکر و حیلت زن ایمن گردد واگر بیند که در چشمه سیماب غرق شد دلیل که زنان بر وی جادو کنند

سیم

سیم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بسیار مردم باشند که در خواب سیم بینند و در بیداری سیم یابند و بسیار بود که در خواب
سیم بینند و در بیداری غم و اندوه بود و بسبب طبیعتهای مختلف کرمانی رحمة الله علیه گوید سیم درست در خواب خیر است
باشد و سیم شکسته خبر دروغ باشد اگر سیم در کیسه بود دلیل که کسی پیش او ودیعتی نهد دانیال علیه السلام گوید اگر کاسه یا
آفتابه یا طشت سیمین بخواب بیند که بی اندازه آلات سیمین بیافت دلیل که بقدر آن گنج یابد واگر بیند که از معدن سیم پاره
بیافت دلیل که از آن دیار زنی خواهد و سیم پاره در خواب مردی بود که در خلق و سخن زشت گوید

سیمرغ

سیمرغ ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر در خواب سیمرغ نر بیند دلیل که با مردی خوش طبع و بزرگوار دوستی کند واگر سیمرغ ماده بیند دلیل که زنی با جمال و خوردی بود
واگر بیند که سیمرغ با وی سخن گفت دلیل که وزیر پادشاه گردد واگر بیند که با سیمرغ جنگ میکرد دلیل که با مردی بزرگ خصومت کند
واگر بیند که گوشت سیمرغ میخورد دلیل که بقدر آن از مردی بزرگ مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیمرغ ماده گشت
دلیل که دوشیزگی دختری بستاند واگر بیند که سیمرغ از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد واگر بیند که بچه سیمرغ
بگرفت دلیل که او را فرزندی آید مغربی رحمة الله علیه گوید سیمرغ در خواب پادشاه بود واگر بیند که سیمرغ در کوچه
فرود آمد و اهل کوچه سیمرغ را بکشتند دلیل که پادشاه آنجا یا هلاک شود واگر بیند که از سیمرغ بترسید دلیل که پادشاه

سینه

او را اعتقاد بد ✱ **سینه** ✱ ابن سیرین رح گوید سینه در خواب شریعت بود قوله تعالی افمن شرح الله صدره للاسلام
اگر بخواب بیند که سینه وی فراخ شد دلیل که کارهای وی ساخته گردد و اگر بیند که سینه وی تنگ شد دلیل که در دینش خلل
بود و اگر بیند که بر سینه وی خطی سبز نبشته بود دلیل که حق با وی کرامت کند و اگر بیند که بر سینه وی خطی کبود نبشته بود دلیل که در
دین او خلل افتد و لی شهادت بمیرد و اگر بیند که از سینه موی سترده بود دلیل که وامش گذارده شود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که سینه وی دم گرفته بود چنانکه دم نتوانست زدن دلیل که دین و دنیا بروی گشاده شود و اگر بیند که سینه
وی گرم بود و باقی اندام سرد دلیل که دل او متعلق بکسی بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که سینه او تنگ بود دلیل که تنگدل
گردد و اگر سینه خود فراخ بیند دلیل که خرم و شاد گردد و بعضی معبران گویند اگر کافر سینه خود را فراخ بیند دلیل که مسلمان شود
فَمَن یُرِدِ اللهُ اَن یَّهدِیَهٗ یَشرَح صَدرَهٗ لِلاِسلَامِ جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سینه در خواب بر هفت
وجه بود یکی علم و حکمت دوم سخاوت سیوم ایمان چهارم کفر پنجم امان ششم مرگ هفتم بخل

حرف الشین

شادی

شادی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر شادی در خواب بیند غم و اندوه بود و اگر بیند که کسی شادمان شد دلیل که از آنکس غم و
اندوه رسد و اگر مرده را در خواب شاد و خرم بیند دلیل که حالش نیکو گردد و خاتمتش بسعادت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
اگر بخواب بیند که بی سببی شادمان بود دلیل که اجلش فرا رسیده بود قوله تعالی حَتّٰی اِذَا فَرِحُوا بِمَا اُوتُوا اَخَذنٰهُم بَغتَةً

شادروان

شادروان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شادروان نو و فراخ در خواب گسترده بود و دانست که ملک اوست دلیل که
بقدر بزرگی و فراخی آن عیش و عمر دراز یابد و اگر بیند که بشادروان با دوستان در شهر خود یا جای بیگانه نشسته بود دلیل
بر مال و نعمت و درازی عمر و روزی بود و اگر بیند که در جایگاهی بیگانه از بهر او شادروان گسترده بود و ندانند که شادروان
از آن کیست دلیل که احوال بروی متغیر گردد و در غربت بمیرد و اگر شادروان کوچک در خواب بیند دلیل بر روزی اندک و عمر
کوتاه بود و اگر بیند که شادروانی پیچیده برخود گرفته بود دلیل که از جای خود بجایی بیگانه رود و اگر بیند که بر شادروان صورت
مردی نگاشته بود و آن مرد را می شناخت و با وی سخن گفت دلیل که آن مرد را بدروغ ستایش کند و اگر بیند که شادروان
بفروخت یا بکسی داد تاویلش بد بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که شادروان گسترده بود دلیل که بر درازی عمر و ساختگی کار او بود
و اگر بیند که شادروان کوچک بود و در زیر او فراخ شد دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که روزی او
تنگ شود و اگر بیند که شادروانی فراخ گسترده بود و بدست خود در نوشت بکنج خانه نهاد دلیل که دولت و اقبال خود تباه
کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروان کهنه و دریده بود دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد و اگر بیند که شادروان سیاه
یا کبود بود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که شادروان زرد بود دلیل بر بیماری بود و اگر شادروان سپید بیند دلیل بر نعمت و فراخی
روزی حلال بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروانی مجهول در جایگاهی مجهول افکنده بود دلیل که آنچه
دارد از دستش برود و اگر بیند که شادروان معروف در خانه کسی گسترده بود دلیل که خداوند خانه را روزی د

نعمت بود و اگر بیند که در خانهٔ مجهول شادروانی انداخته بود و او بر آن نشسته بود دلیل که بسفر رود و در آن سفر مال و نعمت
حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شادروان در خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال دوم عمر سیوم منفعت چهارم معیشت
شاخ ابن سیرین رحمة الله گوید دیدن شاخها در خواب بر خداوند خواب دلیل بر برادران و فرزندان و خویشان بیننده
خواب کند و اگر بیند که شاخهای درخت بسیار و انبوه بود دلیل که خویشان او بسیار بوند و اهل بیت او بسیار گردند و اگر بیند که بخلاف
این بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود ببرید دلیل که از اهل بیت خود کسی را دور کند و اگر بیند که شاخ
درخت وی خشک شد دلیل که از خویشان او یکی هلاک شود و اگر بیند که درخت از آن دیگران بود تاویلش بدیگران باز گردد کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که شاخ درخت خرما بوی دادند یا بیافت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ چیزی بخورد دلیل که بقدر آن مال از فرزند
خورد **شانه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانه در خواب مردی بود که او را حسب و نسب نبود در دین او نفاق باشد و اگر بخواب بیند که
سر و ریش را شانه میکرد دلیل که از غمها فرج یابد و وامش گذارده شود و بمراد برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
ریش را شانه میکرد و یکان موی برون می آورد دلیل که زکوة مال بدهد مغربی رحمة الله علیه گوید شانه در خواب یاران موافق در
کار خیر باشند و موی را شانه کردن یافتن مراد بود و شانه تراش مردی بود که غم و اندوه از دلش ببرد و وام بگذارد و بعضی
معبران گویند که مردم خوبروی باشند که از دیدار ایشان چشم روشن گردد **شانهٔ آدمی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانهٔ آدمی در خواب
دیدن زن بود و اگر بیند که شانهٔ وی قوی و بزرگ بود دلیل که زنی بخواهد و اگر بیند که شانهٔ گاو یا گوسفند یافت سهم او را از زنی حاصل شود و اگر
بیند که دوش وی بشکست دلیل که زنش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شانه باز میکرد و در کهابد بود دلیل که در آن سال رنج
بسیار بود و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در آن شانه سیاهی بود دلیل که در آن سال آفت و بلا باشد و اگر در آن شانه سرخی و یا
سیاهی بیند دلیل در آن سال نرخها ارزان باشد و اگر در آن شانه زردی بیند دلیل بر بیماری بود و اگر بر کنارهٔ او خطهای بسیار بیند دلیل که در آن سال مرگ
بسیار بود **شاه رود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شاه رود در خواب دلیل بر لهو و طرب دنیا و سخن دروغ و محال بود و اگر بیند که شاه رود میزدند
دلیل که بدروغ رضا دهد و اگر بیند که با شاه رود چنگ و چغانه و نای بود دلیل بر مصیبت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود بشکست
یا بیفکند دلیل که از سخن دروغ توبه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه رود میزد دلیل که با زنی بزرگ پیوندد و از وی عز و جاه
یابد **شاه اسپرغم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه اسپرغم سبز و پاکیزه و خوشبوی بود دلیل بر بزرگی باشد و اگر زرد و پژمرده بود
دلیل بر بیماری بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید شاه اسپرغم در خواب بر شش وجه بود یکی عز و بزرگی دوم فرزند سیوم دوست چهارم سخن خوش
پنجم مجلس علم ششم نام نیکو و ثنا و مدح **شاهین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شاهین را بگرفت یا کسی بوی داد
و آن شاهین مطیع او بود دلیل که او را از پادشاه یا از بزرگی ظالم منفعت و جاه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید شاهین در خواب
مردی بسیار دان بود و اگر بیند که شاهین بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را با مردی دانا صحبت افتد و از وی خیر و
منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاهین در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرزند

سیوم مال ونعمت چهارم فرمان روائی **شب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شب تیره وناخوش بود تاویل آن غم واندوه
بود واگر بخواب بیند که شب روشن ومهتاب بود دلیل که عیش وخرمی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شب تیره میرفت
وراه بروی مشکل بود وبنیافت راه راست معرفت دلیل که اورا در دین استقامت بود **شب یمانی** که آنرا اک سپید
گویند دیدن آن درخواب غم واندوه بود وخوردن آن دلیل بر هلاک بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر شب یمانی را روشن چون
آفتاب درخشنده بیند دلیل بر خیر وگشایش در کارهای وی بود واگر بخلاف این بود دلیل بر مضرت وبستگی کارها بود **شبان**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شبانی گاو وگوسفند واسپ وخر ومانند آن کرد هر چیزی را بقدر روی تاویل بود
شبان اسپ دلیل بر ولایت وبزرگی بود وشبان خر دلالت بر تخت کند وشبان گاو دلالت بر رسالت ونعمت وفراخی بود
وشبان گوسفند دلیل بر روزی حلال ومال ونعمت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شبانی میکرد وگرگ از گله وی گوسفندی
ربود دلیل که پادشاه آن دیار را خراب کند واحوال رعیت تباه گردد دانیال علیه السلام گوید شبانی گوسپند کردن دلیل که بر عدد آن گوسفندان اورا
بر جمعی مهتران مهتری بود واگر بیند که شبانی چیزی بوی داد دلیل که اورا از بزرگی فایده رسد ومنفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شبان
درخواب مردی ناصح بود وحافظ مال مردمان باشد چنانکه صواب کارها هر کسی باز نماید **شب بازی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید شب بازی کردن درخواب لهو وطرب اما دروغ ومحال باشد واگر بیند که شب بازی با بربط ونای میکرد دلیل بر غم واندوه بود
شب پرک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شب پرک درخواب مردی گمراه ومحروم بود واگر بیند که شب پرک داشت دلیل که
اورا با گمراهی صحبت افتد واگر بیند که شب پرک میخورد دلیل که از کار آنکس بروی نفع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شب پرک
از درخت وی بپرید یا بمرد دلیل که از صحبت مردی گمراه اورا جدائی افتد وصلاح او در آن باشد **شپش** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که شپش را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند واگر بیند که شپش بیگانه بود دلیل که دشمن او ضعیف باشد واگر بیند
که شپش بسیار بروی جمع شدند واورا میگزیدند دلیل که در زبان مردم افتد یا اورا نقصان مال بود واگر شپش خون مردم میخوردند
وخون تاویل مال بود **شپشه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شپشه جانوری بود که در تابستان در جامه پشمین وپوستین افتد وتباه کند و
بر سوسن هم خوانند دیدن وی همسایه بود واگر بیند که شپشه جامه وی بخورد دلیل که در مال او نقصان افتد واگر بیند که شپشه اسباب پشمین تباه
کرد دلیل که از خانه وی دزد چیزی ببرد واگر بیند که شپشه را بکشت دلیل که دزد را بگیرد ومال بستاند **شبه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که شبه داشت یا بخرید وسوراخ کرده بود دلیل که اورا دختری آید واگر دختر نباید غمناک شود ودیدن شبه کبود وسیاه خیر نبود مغربی
رحمة الله علیه گوید شبه سپید وسبز بخواب دیدن دلیل بر خیر ومنفعت کند وبعضی گفته اند که شبه زرد دلیل بر بیماری بود **شتافتن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکاری می شتافت دلیل که از آنکار پشیمانی یابد واگر بیند که از آن پشیمان شد و
شتافتن دلیل که در آن کار شتاب کند مغربی رحمة الله علیه گوید در همه کاری شتافتن دلیل درنگ بود
ودرنگ دلیل بر شتافتن بود **شتالنگ** یافتن درخواب جنگ وخصومت بود اگر بخواب بیند که با شتالنگ بازی میکرد

شب
شب یمانی
شبان
شب بازی کردن
شب پرک
شپش
شپشه
شبه
شتافتن
شتالنگ

وبانگ وشغب بسیار است دلیل که او را خصومت افتد واگر بهنگام بازی خاموش بود مال حرام یابد **شراب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن شرابهائی که بطعم شیرین بود چون شراب سیب وشراب انار وشراب ترنج ومانند این برشش وجه بود یکی دین دوم منفعت سوم علم مفید چهارم عمر دراز پنجم عیش خوش ششم ذکر حقتعالی اما شرابهائیکه بوی آن ترش بود چون شراب ریواس وشراب لیمو وشراب نارنج ومانند آن خوردن آن درخواب غم واندوه بود واما شرابهائیکه تلخ باشد چون شراب مورد وشراب زوفا خوردن آن درخواب دلیل بر فایده دین ودنیا بود واما شرابهائیکه بطعم معتدل و خوشبوی بود چون شراب عود وشراب بنفشه وشراب گل خوردن آن درخواب دلیل بر خیر وخرمی بود وستایش کند مغربی رحمة الله علیه گوید شرابهائیکه از برای دارو خورند درخواب خیر وصلاح دینی بود وآنچه بجهت دارو بکار نبرند دلیل بر صلاح وخیر دنیاوی کند **شرابی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شرابی بخرید دلیل که کنیزک بخرد و معبران گویند که شرابی درخواب خادم خانه بود واگر بیند که شرابی وی بشکست یا ضایع شد دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شرابی درخواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح دنیا ششم عمر دراز هفتم مال ونعمت هشتم خیر وبرکت نهم مال از قبل زنان **شرم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شرم از ایمان باشد چنانچه حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود الحیاء من الایمان مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درکاری شرم داشت دلیل که در آن کار خیر وصلاح بود وزیادتی ایمان وشرم داشتن از کاریکه در آن شر و فساد بود دلیل بر نقصان ایمان بود **شستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شستن درخواب بآب جوی وکاریزه وحوض ودریا دلیل است بر نجات از غم واندوه واگر این خواب محبوس بیند دلیل که از زندان خلاصی یابد واگر وام دارد وامش گذارده شود واگر بیمار بیند شفا یابد واگر تن خود تمام نشست دلیل که کارش تمام نشود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده خود را نشست دلیل که خویشان او از غم واندوه خلاصی یابند واگر بیند که بآب شور خود را می شست دلیل که رنجی بوی رسد واگر بیند که جامه پاک بآب چرکین می شست دلیل بر تباهی کار وفساد دین بود واگر بیند که بآب سرد یا بآب چرکین خود را می شست دلیل که توبه کند مغربی گوید شستن بآب سرد بر چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم ایمنی از ترس وشستن بآب گرم غم واندوه بود ودست وروی شستن درخواب بر هشت وجه بود یکی حصول مراد دوم شفا از بیماری سوم یافتن مال چهارم حج پنجم فرج ششم ایمنی هفتم دنیا پاک هشتم روا شدن حاجت **شش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شش درخواب شادی وخرمی بود واگر بیند که کسی شش بدو داد وآنکس معروف بود دلیل که از وی خرمی بیند واگر شش بکسی داد دلیل که خیر بدانکس رساند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شش خام یا پخته میخورد از جانوریکه گوشت وی حلال بود دلیل که بقدر آن مال حاصل کند **شطرنج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شطرنج باختن درخواب بهتان وسخن دروغ بود واگر بیند که شطرنج باخت وخصم را غلبه کرد دلیل که بباطل کسی را غلبه کند وبهتان نهد کرمانی رحمة الله گوید اگر بیند که شطرنج می باخت دلیل که جنگ ومنازعت کند ومعبران گویند شطرنج باختن خیر ومنفعت نبود **شعر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شعر یا غزل میخواند یا مدح کسی یا هجوی میخواند دلیل که سخنی باطل گوید قوله تعالی والشعراء یتبعهم الغاوون اما اگر توحید یا نعت

یا سخن حکمت میخواند پسندیده بود و بزه کار نشود **شغال** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بطلب شغال میگشت و متحیر بود و نتوانست
گرفت دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شغال با وی بازی کرد دلیل که بر زنی عاشق شود و اگر بیند که گوشت شغال بخورد دلیل که
بیمار شود و شفا یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و موی و پوست و استخوان شغال در خواب همه مال بود **شفتالو**
ابن سیرین رح گوید شفتالو در خواب اگر زرد بود دلیل بر بیماری بود و اگر بوقت باشد مضرت کمتر بود و اگر بیند که شفتالو
شیرین بود و زرد نبود کنیزک باشد و اگر بوقت خود بود و مالی باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید شفتالو در
خواب بر پنج وجه بود یکی کنیزک دوم پسر سیوم علت چهارم مال پنجم منفعت از قبل مردی غریب و اگر بیند که استخوان شفتالو
بشکست و بخورد و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر شیرین بود دلیل که از مردی بی اصل بقدر آن مال و منفعت باشد
شکار کردن ابن سیرین رح گوید اگر بیند که گوسفندان یا گاو کوهی یا خر گور را مانند این شکار میکرد و گوشت وی میخورد
همه دلیل نیکوئی بود و اگر بیند که شکار میفکند دلیل که غنیمتی یابد کرمانی رح گوید شکار که بدام گیرند یا بچاه طلبند دلیل که زیان
بود و بعضی معبران گویند که شکار کیبر در خواب جوینده معاش بود **شکر** ابن سیرین رح گوید پاره شکر در خواب سخنی لطیف
بود یا بوسه که بکسی بدهد چون فرزند و برادر و دوست و اگر شکر بسیار بود دلیل بر مال و روزی حلال بود مغربی رحمة الله علیه
گوید شکر بسیار نکوه بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شکر
در خواب بر پنج وجه بود یکی سخن لطیف دوم بوسه دادن سیوم منفعت چهارم فرزندان پنجم مال **شکر گذاردن**
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که شکر خدا تعالی گذارد دلیل بر درستی دین و قوت و جاه و مال و سعادت دو جهانی بود قوله تعالی
لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ **شکستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی بشکست دلیل که بقدر آن
او را زیان رسد و اگر آنچیز که شکست از آن دیگری بود دلیل که مضرت آن بر بیننده باز گردد و اگر بیند که اندامی از اندامهای
وی بشکست دلیل بر غم و مصیبت خویشی که بدان اندام تعلق دارد بود و اگر بیند که از آلات چون چنگ و رباب و طنبور و نای
چیزی بشکست دلیل بر خرمی بود **شکم** در تعبیر معبران سه قول است دانیال علیه السلام گوید شکم ظاهر و باطن مال بود ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید فرزند بود کرمانی رحمة الله علیه گوید شکم در خواب دلیل بر خویشان باشد اگر بیند که شکم وی بزرگ
شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خویشان کند و اگر بیند که شکم وی کوچک بود و از پوست وی چیزی نقصان شد
دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر بیند که هر چه در شکم بود جمله بیرون آمد و بشست و باز بجای نهاد دلیل که حال او
نیکو شود و مقصودش حاصل کرده و اگر مردی بیند که از شکم وی فرزندی بیرون آمد دلیل که از قبل وی کسی پدید آید که اهل بیت
او را جاه و حشمت بیفزاید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را آماسیده بیند دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را
شکافته بیند دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر کسی بر شکم خود موی رسته بیند دلیل که او را از قبل عیال وام افتد و اگر کسی از
شکم خود موی سترده بیند دلیل که بنعیم گردد و وامش گذارده شود و اگر کسی بیند که سوراخی در شکم داشت دلیل که

شغال
شفتالو
شکار کردن
شکر
شکر گذاردن
شکستن
شکم

عیال بال او بخور و جعفر صادق رضی الله عنه گوید شکم در خواب بر چهار وجه بود یکی جای علم دوم خزینه سوم نظام کار چهارم فرزند **شکنبه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکنبه در خواب از جانوری که گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال بود و اگر بیند که شکنبه بر سر کسی بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که شکنبه پخته خورد دلیل که خیر و منفعت بیند **شکنجه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکنجه در خواب دلیل بر خواری و بیچارگی بود و اگر بخواب بیند که او را از شکنجه المی رسید دلیل بر همان بود و اگر بیند که او را از شکنجه رحمت رسید تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که پادشاه او را در شکنجه کرد دلیل که از پادشاه گزند بیند **شکوفه درختان** شکوفه درختان بتاویل بوقت خویش بهتر بود و شکوفه زرد بتاویل کمتر از سرخ و سپید بود و گلنار در خواب عروسی نیکو بود و شکوفه درختان بقدر کوتاهی و بلندی درخت سخن لطیف بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهنگام شکوفه درختان میخورد از گروهی که بدان درختان نسبت دارند سخنی لطیف شنود و از ایشان خیر و منفعت بیند و اگر بیند که شکوفه می بوئید دلیل که مردم او را مدح و ثنا گویند **شل شدن** ابن سیرین رحمه گوید اگر بیند که اندامی از ان او شل شد و بکنج خانه افتاده بود و نتوانست برخاست دلیل که از کارهای بد توبه کند و شر خود از مردم باز دارد و اگر بیند که خواب مفسد بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندامی از اندامهای او خسته بود دلیل آنکس را از خویشی که بدان نسبت دارد آفتی رسد **شلغم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلغم در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که شلغم بکسی داد دلیل که بدان کس رنج رساند مغربی رحمة الله علیه گوید شلغم پخته در خواب به از خام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شلغم از خود دور کرد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **شلوار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلوار در خواب کنیزک عجمی بود یا زنی دون که بخواهد و اگر بیند که شلوار نو خرید و پوشید دلیل که کنیزک عجمی بخرد و اگر زنی بیند که شلوار پوشیده بود دلیل بر زنی ستیزه بود و اگر بیند که او را شلوار بخشیده اند دلیل که او را خادمی زیادت شود و اگر بیند که شلواری نو یافت دلیل که خادمی نو یابد و اگر بیند که شلواری چرکین داشت دلیل که عقوبت از حقتعالی جل و علا یابد قوله تعالی سرابیلهم من قطران و تغشی وجوههم النار اگر بیند که شلوار سرخ در پای داشت دلیل که زنی با حرمت یابد و اگر بیند که شلوار زرد داشت دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شلوار سبز داشت دلیل که مردم او را ملامت کنند و زنان را شلوار رنگین نیکو باشد اگر زنی بیند که شلوار نو خرید دلیل که شوهر کند و اگر بیند که شلوار وی گم شد دلیل که کنیزک یا خادم او بگریزد و اگر بیند که شلوار زنی در پای داشت دلیل که او را از زنی خواری رسد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید شلوار در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم خانه **شلوار بند** دلیل بر عورت مردم بود اگر بیند که شلوار بند سخت و محکم داشت دلیل بر سختی و محکمی قضیب کند و اگر شلوار بند کهنه بیند دلیل بر ضعیفی قضیب باشد **شمار کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی شمار میکرد دلیل که در محنت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید هر شمار که آسان تر بود محنتش کمتر بود و تاویل عددها از یکی تا صد و هزار در حرف عین بیان خواهیم کرد **شمشیر** دانیال علیه السلام گوید شمشیر در نیام بودن زن باشد و لی نیام مال و خواسته

شکنبه شکنجه شکوفه درختان شل شدن شلغم شلوار شلوار بند شمار کردن شمشیر

و فرمان روائی بود و اگر بیند که شمشیر در دست داشت دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که شمشیر از نیام بیرون بود تا وقتش
همچنین بود و اگر بیند که شمشیر در نیام بود و نیام بشکست و شمشیر بسلامت بود دلیل که فرزند بسلامت بود و مادرش بمیرد و اگر
بیند که شمشیر برهنه در دست داشت و بالا برد تا بکسی زند دلیل از سخنی اندیشیده بود که بکسی گوید و اگر بیند که شمشیر بکسی زد و
کارگر نبود دلیل که زبان در حق آنکس گشاده باشد و اگر بیند که شمشیر بکسی زد و کارگر بود دلیل که آنکس که زخم خورده باشد
نسلش منقطع شود و اگر بیند که شمشیر در گردن حمائل داشت دلیل که ولایتی در گردن او بود و اگر حمائل شمشیر دراز بود دلیل
که احتمال ولایت ندارد و اگر بیند که حمائل شمشیر کوتاه شد دلیل که آن ولایت بدو سپارند و اگر حمائل شمشیر کوتاه بود و گسست
دلیل که آن ولایت از دست وی برود و اگر بیند بی آنکه جنگ بود کسی را شمشیر زد دلیل که آنکس مشهور گردد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که بدست خود شمشیر آویخته بود دلیل که او را فرزندی آید و اگر فرزند نبود فرمان روائی یابد و اگر بیند که کسی او را شمشیرها
داد دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که شمشیر با نیام هر دو بشکست دلیل که فرزند و مادر هر دو بمیرند و اگر بیند که کسی او را شمشیر زد و خون
از وی روان شد و جامه وی آلوده گشت دلیل که او را بمال حرام تهمت کنند و اگر بیند که شمشیر از وی بستدند دلیل بر عملی که دارد
از وی بستانند و اگر بیند که شمشیر بر میان بست دلیل که عمرش دراز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شمشیر آهنین داشت
دلیل که کارش قوی گردد و اگر بیند که شمشیر از بلور داشت دلیل که از زنی بزرگ خیر یابد و اگر بیند که شمشیر از مروارید داشت دلیل
که از علمای اهل دین قوت یابد و اگر بیند که شمشیر از چوب داشت دلیل که کارش ضعیف شود و اگر بیند که شمشیر از سفال داشت
دلیل که از زنان پادشاه قوت یابد و اگر بیند که نیام آن شمشیر شکسته بود دلیل که یکی از اهل بیت او بمیرد و اگر بیند که شمشیر وی
دو روی بود دلیل که کارش روان گردد و اگر بیند که شمشیر لاجورد بود دلیل که کارش پایدار باشد و اگر بیند که شمشیر او چون آئینه بود
و میدرخشید دلیل که از مهتری نواخت و حرمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمشیر در خواب بر پنج وجه بود یکی فرزند
دوم ولایت سوم حجت چهارم منفعت پنجم ظفر یافتن بر دشمن و شمشیر گر در خواب مردی بود قوی و فصیح زبان

شمع

ابن سیرین رح گوید شمع در خواب دولت و عز و جاه و فراخی عیش و نعمت بود و اگر بخواب بیند که شمع افروخته داشت دلیل که دولت و نعمتش
زیادت شود و اگر بیند که شمع افروخته در خانه خود نهاده بود و همه خانها از وی روشن بود دلیل که در آن سال نعمت بر وی فراخ گردد
و تجارت وی روان شود و بعضی گویند که او را زنی با جمال ستوده باشد و اگر بیند که شمعی افروخته او را دادند دلیل که عز و دولت یابد و اگر
بیند که او را شمعی با شمعدان سیمین بود دلیل که زنی یابد که اصل نیک باشد و اگر بیند که شمعدان زرین بود دلیل که زنی از نزدیکان
پادشاه بخواهد و اگر شمعدان از ارزیز بود دلیل که زنی از قبیله متوسط خواهد و اگر بیند که شمعدان از مس بود دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر
بیند که شمعدان برنج بود دلیل که زنی از اصل کبار خواهد و اگر بیند که شمعدان از آهن بود دلیل که زنی از اصل قوی خواهد و اگر بیند که
شمعدان از سفال بود دلیل که زنی از مردمان عامه باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شمعی افروخته و بر دست داشت
ناگاه بمرد زنش بمیرد و اگر بیند که شمع افروخته در دست داشت و کسی بکشت دلیل که آنکس حسد برد و برد و اگر بیند که

روشنی شمع کم شد دلیل که عز و جاه و دولت او کم شود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند شمع افروخته در دست داشت دلیل که اگر زن دارد او را پسری آید و اگر در شهری شمعهای افروخته بسیار بیند دلیل که پادشاه آنجا عادل و دادگر باشد و قاضی منصف و دانشمند و زاهد و خرمی در آن شهر بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بیند دلیل که مردمان آن موضع بطاعت و تعلم علم مشغول باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمع در خواب بر چهارده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم فرزند چهارم عروس پنجم فرمان روائی ششم مهتری هفتم سرای هشتم شادی نهم توانگری دهم علم یازدهم عیش دوازدهم کنیزک سیزدهم زن چهاردهم دلیل بر بیننده **شنا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شنا کردن در خواب در آب صافی طلب معیشت کردن بحیلت و تدبیر بود و اگر بیند که در آب صافی شنا کرد و غرق شد دلیل که در مال دنیا غرق شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دریا شنا کرد و بکنار نتوانست رفت دلیل که پادشاه او را از عمل باز دارد و اگر بیند که شنا کردن بروی آسان بود دلیل که کار وی آسان گردد و اگر بیند که شنا بر وی دشوار بود دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر کناره دریا نمی دید دلیل که در حبس افتد و اگر بیند که آب غلبه کرد و او در میان آب بمرد دلیل که در دست خصمان هلاک شود و اگر بیند که از غرق شدن امان یافت دلیل که از شغلهای این جهانی سلامتی یابد و در کار آخرت در آید و اگر بیند که آب او را بزمین فرو برد دلیل که او را غمی پیش آید و اگر بیند که از زیر آب بر زمین آمد از غم فرج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دریا بشنا بیرون آمد و جامه در پوشید دلیل که از شغلهای پادشاه خلاصی یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که تاویلش بازگونه بود و اگر بیند که از رودی بزرگ بشنا بکنار آمد دلیل که از شغلی بزرگ رسته گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در آن شغل بماند **شنگرف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شنگرف در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که شنگرف داشت دلیل که اندوه یابد و اگر بخواب بیند که شنگرف خورد دلیل که بیمار شود و اگر بخواب بیند که بشنگرف صورت می نگاشت دلیل بلهو باطل دنیا فریفته شود و اگر بیند که بشنگرف چیزی می نبشت اگر قرآن یا دعا یا توحید بود دلیل نیکوئی بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مضرت یابد **شهادت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهادت بر می آورد دلیل که از غمها فرج یابد و عاقبت کارش محمود بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مصلح بود و بیند که شهادت بر می آورد دلیل که بوقت مرگ شهادت یابد و اگر بیننده مفسد بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بیننده خواب مشرک بود دلیل که مسلمان گردد و عاقبتش بخیر بود **شاه بلوط** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت و میخورد دلیل که غمگین گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت یا بکسی داد دلیل که بقدر آن از مردی بخیل منفعت یابد **شهد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهد با موم بود تاویل میراث بود یا غنیمت حلال بود اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن از جائی میراث حلال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن علم و دانش حاصل کند و اگر بیند که از آن شهد مردم را میداد و میخوردند دلیل که مردم از علم او فایده یابند

شنا کردن
شنگرف
شهادت
شاه بلوط
شهد

واگر بخلاف این بیند منفعت نیابد و معبران گویند که شهد دلیل بر قرآن کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب شهد دلیل بر پنج
وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود **شهرستان** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که بشهرستان اندر شد دلیل که دین وی استوار بود و عاقبتش محمود گردد و اگر بیند که در شهرستانی
ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شهرستان در خواب بر هفت
وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم عامه چهارم قوت دین پنجم ایمنی ششم ظفر یافتن هفتم دلیل بر استواری
کارها **شهر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهری شد دلیل که دینش قوی گردد و اگر کاری در دینش
دارد تمام شود و بمراد برسد و اگر بیند که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد دلیل که تاویلش بخلاف این بود
اگر کسی خود را بر کنگره یا بر روی شهر بیند دلیل بر هلاک او بود و اگر بیند که از شهری بشهری او را کردند دلیل که زن را طلاق
دهد و زن وی شوی دیگر بکند و اگر بیند که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر بیند که از شهر مسلمانان
بشهر کافران تحویل کرد دلیل که از دین راست بدین باطل گراید و باشد که زنی کافره بزنی کند و اگر در شهری گرم سیر برف
و یخ بیند دلیل بر قحط و تنگی بود و اگر در شهری سردسیر بیند دلیل بر فراخی و ارزانی نعمت بود و اگر بیند که در شهری رفت
و آن شهر او را خوش آمد دلیل که عز و جاه یابد و اگر بیند که از روستا بشهری رفت دلیل که خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند
که از شهر بروستا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید قوله تعالی رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا
و اگر در شهری گم شده بود تاویلش نیکو بود و اگر بیند که زنان در شهری رفتند دلیل که در آن شهر فتنه و بلا افتد و اگر بیند
که زنان در آراسته بشهری رفتند دلیل که در آن دیار نعمت و فراخی بود و اگر بیند که زنان بشهر درون شدند دلیل که غلامان
پادشاه آنجا روند و بر اهل آنجا ظلم و بیداد کنند و اگر بیند که روی بسته بشهری درون شدند دلیل که در آن شهر خبرهای
ناخوش رود و اگر در خواب در شهری جانب مشرق بیند دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغربی گوید اگر در خواب خود را
بشهر هندوستان بیند دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهرهای ترکستان بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را در شهرهای
بلغار و سقلان بیند دلیل که بر وی خیانت بود و کارها بر وی پوشیده گردد و اگر خود را در شهرهای ماوراء النهر بیند دلیل که
عز و جاه و ایمنی یابد و اگر خود را بخوارزم بیند دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهرهای عراق بیند دلیل که دولت
و کامرانی یابد و اگر خود را در شهرهای خراسان بیند کار او بآسانی تمام گردد و اگر خود را در شهر فارس بیند
دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را بشهرهای کرمان بیند دلیل که عیالش بسیار شود و اگر
خود را در شهرهای حجاز بیند دلیل که حج کند و اگر خود را در شهر یمن بیند دلیل بر سلامتی و ایمنی بود و اگر خود را
در شهرهای مصر بیند دلیل که شادمان و خرم گردد و اگر خود را در شهرهای آذربایجان بیند دلیل که در آن
کارها رنج و بلا کشد و اگر خود را در شهر ارمینه بیند دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را بشهرهای مغرب بیند دلیل که

که در کارش نقصان افتد و اگر خود را در شهرهای فرنک بیند دلیل که کار دنیائی او نیک گردد اما در دین ضعیف باشد و اگر خود
را در شهرهای شیروان بیند دلیل که کار او نیکو باشد **شهرهای مفرد دیدن** کرمانی رح گوید اگر خود را در مکه بیند دلیل که عز و جاه
و نصرت یابد و اگر خود را در مدینه بیند دلیل که او را با تجار صحبت افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر خود را در شهر یمن بیند دلیل که از
ترس و بیم ایمن گردد و اگر خود را بطایف بیند دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد و اگر خود را به بصره بیند دلیل که از علما بهره مند
گردد و اگر خود را بواسط بیند دلیل که دیندار و پارسا شود و اگر خود را بکوفه بیند دلیل که از عام نیکوئی یابد و اگر خود را به بغداد بیند
دلیل که توانگر شود و بازرکانی او را خیر رساند و اگر خود را بحلوان بیند دلیل که معیشت خوش گذارند و اگر خود را باصفهان بیند
دلیل که او را با بزرگی صحبت افتد و اگر خود را بموصل بیند دلیل که بمراد رسد و اگر خود را بدمشق بیند دلیل که روزی بروی فراخ گردد
و اگر خود را بحلب بیند دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر خود را بانطاکیه بیند دلیل که از مهتری منفعت یابد و اگر خود را به بیت
المقدس بیند دلیل که عز و کامرانی یابد و اگر خود را باخلاط بیند دلیل که کارش شوریده شود و اگر خود را بقیصر بیند دلیل که
منفعت یابد و اگر خود را در رقیه بیند دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را به تفلیس بیند دلیل که کارش نقصان گیرد
و اگر خود را بگنجه بیند دلیل که نعمتش زیادت گردد و اگر خود را بخوی بیند دلیل که مالش کم شود و اگر خود را بمراغه بیند دلیل که امان
راحت یابد و اگر خود را به تبریز بیند دلیل که از رنج رسته گردد و اگر خود را بزنگان بیند دلیل که اندوهگین شود و اگر خود را بهمدان
بیند دلیل که جاه و منفعت یابد و اگر خود را بقزوین بیند دلیل که او را با مهتری صحبت افتد و اگر خود را در ری بیند دلیل که
او را سوگند افتد و اگر خود را بگرگان بیند دلیل که او را خصومت افتد و اگر خود را بدهستان بیند دلیل که متفکر شود و اگر خود را
به بطام بیند دلیل که خرمی یابد و اگر خود را بساوه بیند دلیل که مالش نقصان یابد و اگر خود را بمرو بیند دلیل بر شغلی که ساخته بود
بجائی بماند و اگر خود را به نیشاپور بیند دلیل که بمردی بزرگ او را صحبت افتد و اگر خود را بطوس بیند دلیل که خیر و منفعت یابد
و اگر خود را به بلخ بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را بسمرقند بیند دلیل که در میان مردم نامدار شود و اگر خود را بغزنین بیند
دلیل که از بزرگان خیر و منفعت یابد و اگر خود را بکاشغر بیند دلیل که اندوهگین شود و اگر خود را باسکندریه بیند دلیل که
کاری در پیش گیرد و از آن پشیمان شود و اگر خود را باندلس بیند دلیل که با وی خیانت کنند و اگر خود را در حصاری بیند دلیل که کارش
فرو بندد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شهرها در خواب بر چهار وجه بود یکی دین دوم آشکارا شدن سیوم عیش خوش
چهارم زنی که جفت وی باشد **شوربا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شوربا در خواب اگر بگوشت باشد و طعم و بوی
خوش داشته باشد دلیل بر منفعت بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر غم و اندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
شوربا با گوشت باشد و خوب پخته باشد نیکو باشد و اگر بگوشت غلیظ باشد دلیل که غم و اندوه بود
شونیز ابن سیرین رح گوید شونیز در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردنش دلیل بر مضرت کند و نقصان بود
و اگر بیند که شونیز بسیار داشت دلیل که در اندوه گرفتار شود **شیراز** ابن سیرین رحمة الله علیه

گوید شیر از درخواب غم واندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صعبتر باشد و اگر بیند که شیر از بفروخت یا بکسی داد و ازان هیچ نخورد دلیل که خورمی بیند کرمانی رح گوید خوردن شیر از درخواب سختی بد بود که ازان برنجد **شیر** دانیال علیه السلام گوید شیر درخواب هر چند که تازه تر و خوبتر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود تاویلش بخلاف این باشد و اگر بیند که شیر تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی بیند که شیر در پستان وی جمع شد دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی بیند که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی بیند که شیر میدوشید و عوض وی شیر خون می آمد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که از پستان خود شیر میخورد دلیل که در کسب و معیشت خود زیان کند و اگر مردی بیند که کودک شده بود و شیر میخورد دلیل که مرادش بر نیاید و اگر زنی بیند که کودکی را شیر میداد دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر زنی بیند که کودک از شیر باز گرفته بود و باز شیر داد دلیل که زیان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید شیر چهار پایان وحشی در مال اندک بود و اگر بخواب بیند که شیر گورخر میخورد دلیل بر توبت و صلاحیت کند و اگر بیند که شیر شتر میخورد دلیل که از بزرگی مال یابد و اگر بیند که شیر آهو میخورد دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که شیر بز میخورد دلیل که از زن مال و نعمت یابد و اگر بیند که شیر پلنگ میخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که شیر ببر میخورد دلیل که از مردی بزرگ مال حرام یابد و اگر بیند که شیر گاومیش میخورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که شیر خرگوش میخورد دلیل که از زنی منفعت یابد و اگر بیند که شیر خوک میخورد دلیل که ابله و بی خرد گردد و اگر بیند که شیر روباه میخورد دلیل که با کسی مکر و حیلت سازد و اگر بیند که شیر گرگ میخورد دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که شیر گوسفند میخورد دلیل که مال حلال یابد مغربی رحمة الله علیه گوید شیر دوشیدن درخواب از جانوری که گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال کند و حیوانیکه گوشت او حرام بود دلیل بر غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید شیر درخواب بر سه وجه بود یکی روزی حلال دوم مال و فرزند سیوم غم و اندوه **شیره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیره انگور درخواب خیر و منفعت دنیاوی بود و قوله تعالی یغاث الناس وفیه یعصرون اگر بیند که شیره انگور می فشرد دلیل که بپادشاهی بزرگ نزدیک شود و اگر بیند که شیرهٔ تازه میخورد دلیل که بقدر آن روزی حلال یابد و اگر بیند که شیره بطعم ترش بود دلیل که روزی برنج و محنت آورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیره داشت دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که انگور و شیره می دوشید و تلف میکرد دلیل که مال بسیار یابد و شیره هر چند که تازه تر و شیرین تر بود منفعت آن بیشتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیره درخواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم نعمت بسیار سوم علم و حکمت چهارم منفعت بی رنج **شیرینیها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیرینیها درخواب شادی و خرمی و روزی حلال باشد و اگر بیند که کسی شیرینی بوی داد دلیل که از آنکس روزی یابد و اگر بیند که شیرینی خورد دلیل که منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید شیرینی درخواب کنیزک نیکو بود و اگر بیند که شیرینی سفید بود دلیل که پارسا بود و اگر شیرینی سرخ بود دلیل که طرب و عشرت دوست دارد و اگر

زرد بود دلیل که کنیزک بیمار صفت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر بینی در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم مال حلال سیوم علم و ادب و فرهنگ و حکمت و ثنای نیکو چهارم کنیزک خوبروی **شیر** ابن سیرین رح گوید شیر در خواب دشمن بود واگر بیند که با شیر جنگ میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و از هر دو آنرا که ظفر بود غالب او باشد و اگر بیند که بر اثر شیر رفت دلیل که از پادشاه بترسد و اگر بیند که از شیر میگریخت و شیر او را طلب میکرد دلیل که از آنچه میترسد ایمن گردد و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که از پادشاه مال یابد و بر دشمن مظفر گردد و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که از پادشاه خلعت یابد کرمانی رح گوید شیر در خواب پادشاه بود و اگر بیند که از اندام شیر چیزی بیافت یا کسی بوی داد و خورد دلیل که از مال دشمن چیزی بخورد و اگر بیند که با شیر مجامعت میکرد دلیل که از سختیهای بد رسته گردد و مراد یابد و اگر بیند که شیر او را بر گرفت دلیل که با دشمنی آشتی کند و اگر بیند که شیر نر بادی مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خواری بیند و اگر بیند که شیر از پس او در آمد و از پیش وی بیرون شد دلیل که از پادشاه او را مضرت رسد دانیال علیه السلام گوید اگر بخواب بیند که سر شیر یافت دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که پادشاهی او را شیر داد دلیل که پادشاهی خود بدو دهد یا ولایتی از آن خود او را پادشاه گرداند و اگر بیند که بر سر شیر نشست دلیل که دولت و مرتبت او را زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه گوید شیر نر در خواب پادشاه بود و شیر ماده زن پادشاه بود و اگر بیند که شیر شیر میدید و شنید دلیل که و بیر پادشاه گردد و اگر زنی بیر این خواب را بیند دلیل که دایه پسر پادشاه شود و اگر بیند که شیر را بر پشت گرفته بود دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که شیر او را بگزید دلیل که از دشمنی مضرت رسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیر او را در بر گرفت دلیل که مقرب پادشاه گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر خشم پادشاه بود و اگر بیند که با شیر طعام خورد دلیل که معتمد پادشاه شود اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمن بود و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که دشمن را بآسانی بدست آورد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه دوم مرد دلیر سیوم دشمن قوی **شیر خورشت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر خورشت در خواب روزی حلال بود و اگر در خواب بیند که شیر خورشت جمع میکرد دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر بیند که شیر خورشت میخورد دلیل که مال بر عیال نفقه کند و عوض باز یابد و اگر بیند که شیر خورشت داشت دلیل که مال از بازرگانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر خورشت در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم فراخی عیش سیوم کام دل یافتن **شیشه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیشه در خواب زن باشد و گویند خادمی بود که خدمت زنان کند و لیکن ثباتش نباشد و اگر بیند که شیشه خالی بود که بوی دادند دلیل که زنی درویش خواهد و اگر بیند که در آن شیشه روغن گل و بنفشه دلیل بر زنی دیندار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید زن توانگر باشد و اگر بیند که از آن روغن چیزی بسر مالید دلیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر بیند که از شیشه شرابی میخورد چون شراب سیب و شراب انار و غیره دلیل که بقدر آن مال زن خورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیشه آبگینه داشت و سپید و پاکیزه بود دلیل که زنی خوبروی و پارسا خواهد و اگر بیند که شیشه

بشکست دلیل که زن او هلاک شود و اگر بیند که شیشه ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیشه داشت و در وی جلاب یا چیزی شیرین بود دلیل که زنی سازگار خوش طبع خواهد و اگر جلاب ترش بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در شیشه چیزی خوش بود دلیل که زنی مستوره و خوبروی خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیشه در خواب بر سه وجه بود یکی زنی با جمال دوم کنیزک سیوم خادم خانه **شبطرج** دارویست که در خوردن آن هیچ ضرر نباشد

حرف الصّاد

صابون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که جامه خود را بصابون می شست دلیل که از کارهای بد باز گردد و اگر بیند که جامه کسی بصابون می شست دلیل که کسی را از کردار بد باز دارد و اگر بیند که صابون میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که صابون بکسی داد که بخورد دلیل که مال خود را بخورد کسی دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صابون بسیار داشت و جامه خود را بشست دلیل که او را خواسته حاصل گردد و اگر بیند که دست خود بصابون بشست دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمة الله علیه گوید صابون در خواب خریدن به از فروختن بود اگر صابون سپید بود و از آنش بوی خوش می آمد بغایت نیکو بود و صابون گر زنی مهتر بود **صرّافی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صرّاف در خواب عالم بود و اگر کسی بخواب بیند که صرّافی میکرد و معبر نگاه کند تا سایل را چه مرادست اگر بیننده مستور و بیدار بود دلیل که آنچه که موافقت دین بود و آنرا اختیار کند و اگر سایل چیزی بشستن نداند تاویلش آنست که مردی متحیر باشد بخرافات مشغول بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صرّافی میکرد دلیل که بخیانت و غیبت مردم مشغول بود و گویند صرّاف در خواب مردی خرافات گوی باشد که همه آن کند که او زیان دارد **صاروج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاروج کرد دلیل که با مردم سخن لطیف گوید و صاروج گر در خواب مردی خوش بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاروج از بهر کسی کرد دلیل که آنکس را امداد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صاروج کردن در خواب بر سه وجه بود یکی سخن لطیف دوم امداد کردن سیوم رضای آنکس جستن **صاعقه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صاعقه آتشی بود که از ابر جهد اگر بخواب بیند که از ابر صاعقه افتاد دلیل که بقدر آن صاعقه عذاب خدای تعالی با اهل آن مقام رسد قوله تعالی وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا اهل آن دیار را توبه باید کرد تا عذاب از ایشان دفع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتشی از هوا مانند باران می بارید دلیل بر بلا و فتنه و خون ریختن از جهت پادشاه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاعقه بیفتاد و او را بسوخت دلیل که از عقوبت پادشاه هلاک شود **صبح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صبح صادق بدمید و جهان روشن شد دلیل که اهل آن دیار را ایمنی حاصل شود و اگر بیند که بعد از صبح تاریکی پیدا شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صبح دمید و سرخ بود چنانچه زمین از عکس آن سرخ شد دلیل که در آن دیار قتل و خون ریختن شود و اگر رنگ صبح زرد بود دلیل بیماری بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صبح در خواب دلیل بر قوت و صلاح دین مردم آن دیار بود **صبر** در خواب عالمی بود که غرض از علم و جذب مال بود اگر بیند که صبر میخورد دلیل که عالمی دینی بود عاشق شود و اگر بخورد

تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید صبر خوردن در خواب دلیل بر غم و اندوه بود که بوی رسد **صحبت**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر صحبت با مردم مصالح و پارسا میداشت دلیل بر دیانت و صلاح زندگانی او باشد و اگر
بخلاف این بیند دلیل بر فساد و تباه کاری او باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که همراهی با پادشاه میکرد دلیل که از
پادشاه او را خیر و منفعت برسد و اگر بیند که همراهی با مردی عالم میکرد دلیل که علم و دانش یابد و کارش بنظام شود
و اگر بیند که با مشرکی همراهی میکرد توبه باید کرد و اگر بیند که با زنی همراهی میکرد دلیل که بدنیا مغرور شود **صحرا** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید دیدن صحرا در خواب خرمی و نیکوئی بود اما تعلق پادشاه بقدر بزرگی صحرا اگر صحرائی بی اندازه بیند و در آن
خار و خس بسیار باشد و او در آنجا میگشت دلیل که او را با پادشاه ستمگری ظالم صحبت افتد و مقرب وی شود و اگر صحرائی
بیند که در و سبزه بود دلیل که با مرد فاضل و عالم صحبت افتد و فایده یابد **صحف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که صحف ابراهیم علیه السلام میخواند دلیل که او را کسی راه صواب نماید و از خطا منع کند خاصه که از کتاب خواند و اگر بیند که
صحف از ظاهر میخواند دلیل که صحبت او با مردم منافق در یابد مغربی رح گوید اگر بیند که مسلمانی مصحف و اگر دو صحف
ابراهیم علیه السلام میخواند دلیل که اعتقادش در دین مسلمانی بود و کبران و جهودان را دوست دارد و میل تمام با ایشان
بود **صحیفه** سه معنی دارد یکی نامه دوم کاغذ سوم پرده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر صحیفه چیزی می‌نوشت
دلیل که میراث یابد و اگر بیند که بر صحیفه کسی از بهر خود چیزی می نوشت دلیل که از مردی دیندار با امانت چیزی یابد و اگر
بیند که بر صحیفه بخط سبز چیزی می نبشت دلیل که از مصیبت زده چیزی یابد و اگر بر صحیفه چیزی ننوشت دلیل که بمیراث
نرسد **صدف** کرمانی رحمة الله علیه گوید صدف در خواب زن بود و اگر بخواب بیند که صدفی داشت دلیل که زنی
خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که صدف ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد **صدقه دادن** خلافست معبرانرا
درین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عالمی صدقه بیداد دلیل که از علم وی بمردم نفع رسد و اگر بیند
که پادشاه صدقه داد دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر بیند که پیشه وری صدقه داد دلیل که شاگردانرا کار آموزد
کرمانی رحمة الله علیه گوید صدقه دادن در خواب ایمنی بود و خلاصی از رنج و سختی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر وامداری بیند که صدقه
داد دلیل که وامش گذارده شود و اگر بنده بیند که صدقه داد دلیل که آزاد گردد و اگر زندانی بیند که صدقه داد دلیل که خلاصی
یابد و اگر ملحد بیند که صدقه داد دلیل که مسلمان شود فی الجمله صدقه دادن در خواب دلیل بر سعادت دو جهانی باشد **صراط** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر صراط ایستاده بود دلیل که کارهای کج بر دست وی راست گردد زیرا که صراط راه راست است
قوله تعالی وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که از بلائی بزرگ و مرگ ایمن گردد و اگر بیند که از صراط در دوزخ افتاد
دلیل که در رنج و بلا و مصیبت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت اختیار کند و عمل صالح کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن صراط در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صعبی کار سوم ترس چهارم

صحبت
صحرا
صحف
صحیفه
صدف
صدقه دادن
صراط

راحت از قبل سلطان پنجم گناه ششم نفاق **صفه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صفه در خواب مادر و پدر بود اگر کسی بیند که صفه
سرایش نو و پاکیزه و بلند بود دلیل بر درازی عمر و سلامتی نفس مادر و پدر باشد و اگر بیند که صفه بیفتاد و خراب شد دلیل بود
بر هلاک پدر و مادر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صفه از جانب راست خلل کرد و در آن رخنه افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر
بیند که رخنه از جانب چپ بود دلیل که مادرش بیمار شود و اگر مادر و پدر ندارد دلیل که او را غم و اندوه رسد **صلوات** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه وسلم میداد دلیل که حاجتهایش روا کرد و
روزی بروی فراخ کرده و خاتمت کارش بسعادت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صلوات بسیار میفرستاد
دلیل که حج کند و اگر پیغامبر صلی الله علیه وسلم را بخواب بیند دلیل که سنتهای پیغامبر صلی الله علیه وسلم بجای آورد **صمغ** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید که صمغ از درخت آنچنان است که فضله آن خود و اگر بخواب بیند که صمغ داشت یا بوی کسی داد دلیل که بقدر
آن از فضله مال کسی بخورد و اگر بیند که صمغ بکسی داد دلیل که از فضله مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمة الله علیه گوید صمغ در
خواب منفعتی اندک بود که از مردی بوی رسد که بدان درخت منسوب است چنانچه اگر صمغ بادام خورد دلیل که از مردی بخیل
منفعت یابد اگر صمغ زردآلو خورد دلیل که از مردی بیمار منفعت یابد و اگر صمغ مغیلان داشت دلیل که از مردی بیابانی
منفعت یابد **صنج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صنج در خواب مکر و کلام باطل و دروغ بود و اگر بیند که در پیش او صنج میزدند
دلیل که بدروغ و باطل رضا دهد و اگر بیند که صنج با چنگ و چغانه میزدند دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود که با آن
موضع رسد و اگر بیند که صنج بشکست یا بینداخت دلیل که از کلام باطل و دروغ توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صنج
زدن در خواب بر پنج وجه بود یکی خبر مکروه دوم کلام باطل سوم متاع چهارم دنیا پنجم غم و اندوه **صندل** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صندل داشت یا کسی بوی داد دلیل که مدح و ثنای او گوید و اگر بیند که صندل سپید داشت
دلیل که از مردی بزرگوار عطا یابد و هر چند که بوی صندل بیشتر بود منفعت او بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن صندل در خواب بر چهار وجه بود یکی ثنا و آفرین دوم خیر و برکت سوم جاه و منزلت چهارم منفعت و
صندل سپید بهتر از صندل سرخ بود **صندوق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صندوق در خواب زن
بود و بعضی معبران گویند که عز و جاه بود و اگر بخواب بیند که صندوق بزرگی نو بخرید یا کسی بوی داد دلیل که
بقدر آن عز و جاه یابد و اگر بیند که صندوق وی ضایع شد یا بشکست دلیل که جاه وی کم شود مغربی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که صندوقی پاکیزه داشت دلیل که زنی خوبروی و پاکیزه بود و اگر بیند که صندوق کهنه بود
تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صندوق در خواب بر سه وجه بود یکی عز و
جاه دوم بلندی قدر و مرتبت سوم زن بود **صورت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در
خواب بیند که چهره او بصورت دیگر بدل گشت دلیل که احوالش بد انکه دیده باشد بگردد و اگر بیند که بصورت

خود باز گشت دلیل که بخداوند تعالی باز گردد و اگر در خواب صورت خود باز گونه بیند دلیل که هر کس روی از وی بگرداند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صورتش آدمی یا صورتها نوری شد دلیل که بد مذهب و دروغ زن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
که صورت در خواب کسی بیند که بر خداوند تعالی دروغ گوید **صوف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید جامه صوف در خواب خیر و منفعت
دنیا بود خاصه که مردم مصلح را و اگر بیند که از بدن صوفیان بیرون آمد دلیل که میل او بخطا و گناه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که صوفی شد و مرقع پوشید و در میان صوفیان مقام داشت دلیل که همین به بیداری بیند و اگر بیند که صوفیان او را از
میان خویشتن بیرون کردند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که صوفی شد یا با صوفیان بنشست دلیل که طاعت بنفاق
کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صوفی شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی دست از دنیا برداشتن دوم از خلق کناره
گرفتن سوم پیوسته بعبادت مشغول بودن چهارم طمع کسی نداشتن **صیقل** در خواب پادشاه بود و بعضی گویند
وزیر پادشاه بود و اگر بیند که صیقلی میکرد و اگر از اهل صلاح بود دلیل که پادشاهی یابد یا مقرب پادشاه شود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که صیقل گر در خواب مردی باشد که بدست خود حق از باطل جدا کند **صینی** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید صینی آلت زن خادمه بود و اگر صینی روشن و پاکیزه بیند دلیل که زن خادمه با جمال بود و اگر تیره
بیند دلیل که زن خادمه زشت روی بود و اگر بیند که آلات صینی داشت یا فرا گرفت دلیل که زنی خادمه بخانه آورد
یا کنیزک یا زن بمیرد یا بگریزد جعفر صادق رضی الله عنه گوید صینی آلت در خواب بر سه وجه بود یکی زن خادمه دوم
کنیزک سوم منفعت از زنان

حرف الضاد

ضرابی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ضرابی در خواب مردی
باشد که سخنان خود را بیاراید و بفخر باز گوید و اگر بخواب بیند که ضرابی میکرد دلیل که سخنی چند بی اصل بیاراید و لطیف و
شیرین بگوید و اگر بیند که درم در روی میزد دلیل که بر سخنان درشت و ناخوش بود که مردم از آن سخنان برنجند +
ضعیف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ضعیفی در خواب نقصان جاه بود و اگر بیند که سر وی ضعیف شد دلیل که قدر و
جاهش کم شود و اگر بیند که چشم وی ضعیف شد دلیل که در دین ضعیف باشد و اگر بیند گوشت وی ضعیف شد دلیل که زنش یا خادمش
بیمار شود و اگر بیند که بینی وی ضعیف شد دلیل که جاه و منزلتش کم شود و اگر بیند که دهنش ضعیف شد دلیل که سخنان باطل بگوید
و اگر بیند که گردنش ضعیف شد دلیل که امانت کم گذارد و اگر بیند که قفای وی ضعیف شد دلیل که غیبت مردم کند و اگر بیند که
دست وی ضعیف شد دلیل که زنش رنجور شود و اگر بیند که ساعدش رنجور شد دلیل که مادر یا فرزندش بیمار شود و اگر بیند
که بازوی وی ضعیف شد دلیل که تدبیر و رای او محال گردد و اگر بیند که پستان او ضعیف شد دلیل همین تاویل دارد و اگر
بیند که انگشتش ضعیف شد دلیل که دخترش بیمار شود و اگر بیند که شکم وی ضعیف شد دلیل که آنکس که پشت و پناه
او باشد ضعیف گردد و اگر بیند که سرین وی ضعیف شد دلیل که حال مهتری از خویشان وی بد گردد و اگر بیند که
ران وی ضعیف شد دلیل که کسی از خویشان وی بیمار گردد و اگر بیند که زانوی وی ضعیف شد دلیل که مال او

نقصان پذیرد و اگر بیند که تن وی ضعیف شد دلیل که اندوهگین گردد **ضیاع** زمینهارا مالک بود و اگر بیند که در زمین
خود تخم میکاشت دلیل که احوالش نیکو باشد و اگر بیند که ضیاع وی بوقت خود رسته بود دلیل که در راه دین نیکو باشد و اگر بیند
که جمله ضیاع خود بفروخت و بهابست دلیل که در رنج و غم افتد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر بیند که ضیاع
خود آبادان میداشت دلیل که بقدر عمارت مال دنیا حاصل کند و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را نقصان مال بود و
اگر بیند که سیل ضیاع او را خراب کرد دلیل که از قبل پادشاه مضرت رسد **حرف الطاء** ٭ **طاس** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید طاس در خواب زن خادمه بود و یا کنیزک خدمت خانه کند اگر بیند که طاسی داشت یا کسی بوی داد دلیل خانه
بخانه آورد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که طاس وی بشکست دلیل که آن زن از وی جدا شود یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید
طاس در خواب کنیزک باسیرت بود و اگر بیند که طاس آب بوی دادند و بخورد دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که
طاس بشکست و آب بماند دلیل که کنیزک بمیرد و فرزندی که باشد بماند و اگر بیند که آب بریخت و طاس بسلامت بود دلیل
که فرزند بمیرد و کنیزک بماند جعفر صادق ع گوید که طاس در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم فرزند چهارم
منفعت از زنان **طایع** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طایع بدو دادند تا خزانه خود مهر کند دلیل که عز و جاه و
شرف یابد زیرا که تاویل طایع بهتر و قوی‌تر از انگشترین بود کرمانی رح گوید اگر بیند که پادشاه یا امیری طایع بدو دادند
که خزانه را مهر کند دلیل که مال خود بدو سپارد و اگر بیند که سزاوار نبود دلیل که بقدر خود جاه و بزرگی یابد جعفر صادق ع گوید
دیدن طایع در خواب بر سه وجه بود یکی بزرگی و جاه دوم خزانه سوم مال جمع کردن **طاعون** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید که طاعون دلیل بر فتنه و بلا باشد و اگر بخواب بیند که بر تن وی علت طاعون بود دلیل که در فتنه و بلا افتد مغربی رحمة الله
علیه گوید طاعون در خواب جنگ و کارزار بود **طاوس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طاوس نر در خواب پادشاه عجم بود
و اگر بیند که طاوس نر داشت دلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند و اگر بیند که طاوس ماده بود و داند که ملک اوست دلیل
زنی عجمی بزرگ با جمال بخواهد و از وی مال و فرزندان حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طاوس با کبوتر جفت شد دلیل
که قوادی کند دانیال علیه السلام گوید که طاوس در خواب زنی مفسده بود و اگر بیند که طاوس نر با وی سخن گفت دلیل که ولایتی
یابد و اگر بیند که تذرو و طاوس باهم بودند دلیل که بیگانه با عیال او فساد کند و اگر بیند که طاوس از خانه وی بپرید
دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که طاوس را بکشت دلیل که از دختری دوشیزگی بستاند و اگر بیند که در
طاوس در دست داشت دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که بچه طاوس را بگرفت دلیل که او را دختری
آید و اگر بیند که طاوس نر از دست وی بپرید دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاوس
در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزینه و مال **طباخ** در خواب مردی حریص بود ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که طباخی می‌کرد و آن طبیخ بطعم خوش بود دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل

طبق
که مضرت یابد **طبق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طبق در خواب خادمی بود که کار مجلس سازد وقت شادی و هر که دید او را بیند شاد
گردد و اگر بیند که طبقی بزرگ داشت دلیل که بدین صفت او را خادمی حاصل آید و اگر بیند که طبق بشکست دلیل که خادم او بمیرد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند طبق در آتش افتاد و بسوخت دلیل که کنیزکی و یا پرستارش بیمار شود و بطاعون و سرسام
گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن طبق در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه و مجلس دوم کنیزک سوم هدیه
طبل
چهارم هدیه **طبل** ابن سیرین علیه الرحمه گوید طبل در خواب سخن دروغ و باطل بود و اگر بیند که با طبل نای و رقص بود دلیل
بر غم و مصیبت باشد و اگر بیند که طبل مفرد میزد دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی مشهور بد و رسد کرمانی رحمة الله علیه
طبیب
گوید اگر بیند که طبل میزد دلیل که کاری باطل کند و طبال در خواب مردی بود که دروغ آراسته کند **طبیب** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طبیبی بیمار را علاج کرد و درست شد دلیل که یکی را از راه فساد براه صلاح آورد و اگر بیند که بیماری
بر عکس صعبتر شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مردم را دارو داد و نافع آمد دلیل که علم گوید و پند دهد و مردم پند وی
پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر داروی وی نافع نبود تاویلش بخلاف این بود و طبیبی کردن در خواب مردم مصلح را
طعام
دین و راه راست آخرت بود و مردم مفسد را اصلاح تن و کسب معیشت بود **طعام** دانیال علیه السلام گوید هر طعام و شراب
که آنرا رسیده باشد تاویلش بد بود مگر پالوده و غیره زیرا که جواهر حلوا از اصل روغن و انگبین باشد و این هر دو در تاویل
مال بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر طعام که بخوردن دشوار و بیمزه باشد بتاویل رنج و اندوه بود و هر چه ترش
باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طعام از زر و سیم بستد دلیل بر زیان
مال باشد و اگر بیند که طعامی در خانه داشت و همه بخورد دلیل که عمرش بسر آمده باشد و اگر بیند که چندان طعام بخورد که طاقت
نداشت که برخیزد دلیل بر مرگ وی بود و اگر بیند که مرده طعام میخورد دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بیند که درویشی را طعام داد دلیل که از غم و رنج و ترس و بیم رسته گردد و اگر بیند که کافری را طعام داد دلیل که در کار
طعنه
دشمنان حق تعالی او را یاری دهد **طعنه** نیزه زدن بود و اگر بیند که کسی را نیزه زد و نیزه در تن وی درون شد دلیل که این
کس بقدر آن زخم دشمنی این کس در دل دارد و مغربی رحمة الله علیه گوید طعنه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد و اگر
بیند کسی را طعنه زد و جای او را خست دلیل که از سخنی که در حق وی بگوید بد او را رنج حاصل آید و اگر درد نکرد تاویلش
طلاق
بخلاف این بود **طلاق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زن را طلاق داد و او را یک زن بود دلیل
که از شرف و بزرگی افتد و اگر او را زنی دیگر بود بغیر این زن دلیل که شرف و جاه بعضی نقصان پذیرد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که زن را طلاق داد دلیل که کاری کند که از آن پشیمان شود و خلع کردن
طلع
در خواب توانگری بود قوله تعالی وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ **طلع** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طلع بار
خرما بود و اگر بیند که یک طلع یا دو پاره فرا گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که طلع خورد دلیل که مال و نعمت

بسیار حاصل کند و اگر بیند که طلع بسیار داشت و از آن میخورد و بکسی میداد دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خوش شود
شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم ستدن مال
بغصب **طلق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طلق اندک مایه سختی بود در کارها زیرا که جوهری از سنگ است
اگر بیند که از جائی طلق بسیار جمع میکرد دلیل که او را بمکر و حیلت از سفر مال حاصل کرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که طلق محلول بر تن بمالید و در میان آتش رفت و از آتش هیچ رنج بوی نرسید دلیل که شر پادشاه از وی دفع شود و اگر
بیند که طلق میخورد دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند و اگر بیند که طلق از وی ضایع شد دلیل که مالش تلف شود **طنبور**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه و منزل خود طنبور میزد دلیل که در آنجا غم و مصیبت بود و اگر بیند که طنبور وی
بشکست دلیل که توبه کند و اگر بیمار بیند که طنبور میزد دلیل که مرگش نزدیک بود و اگر کسی بیند که آواز طنبور می شنید دلیل
که بسخن باطل شنیدن رضا دهد **طوطی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود و اگر کسی بخواب
بیند که طوطی از دست وی بپرید دلیل که فرزند یا غلام او بسفر رود و اگر بیند که طوطی با وی سخن گفت دلیل که سخنی گوید یا
کاری کند که مردم را از آن عجب آید و طوطی ماده دختر دوشیزه بود و طوطی نر مردی پاک دین بود یا غلامی جلد پارسا
بود و اگر بیند که طوطی ماده را بکشت دلیل که دوشیزگی دختری ببرد و اگر بیند که طوطی از دهان یا از مقعد او بیرون آمد
دلیل که او را فرزندی آید که در شان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوطی در خواب بر سه
وجه بود یکی فرزند و غلام دوم دختر دوشیزه سوم شاگرد پارسا **طوق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در گردن او
طوق بود از زر یا از سیم دلیل که بقدر آن ولایت یابد و در آن انصاف نگاه دارد و اگر بیند که از آهن بود دلیل بر بی امانتی
و فساد دین بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر طوق در گردن خود بیند دلیل که دعوی بدروغ کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
در گردن خود طوق زرین بیند دلیل که ولایت یابد و اگر از مس یا از آهن بود دلیل که با کسی خصومت کند جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوق در گردن در خواب بر شش وجه بود یکی حج دوم ولایت سوم خصومت چهارم امانت
پنجم غلام ششم کنیزک و اگر طوق در گردن اسب خود بیند دلیل که از پادشاه مال و بزرگی یابد **طیلسان** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید طیلسان در خواب قدر و بزرگی و جاه بود و اگر بیند که طیلسان نو و پاکیزه بود دلیل که قدرش نیکو بود و اگر بخلاف این
بیند دلیل که قدرش کم شود و اگر بیند که طیلسان بدرید یا بسوخت دلیل که عزیزی از آن او بمیرد دانیال علیه السلام گوید دیدن طیلسان
در خواب امانت و دیانت و قوت دین بود و اگر بیند که طیلسان پاکیزه بود دلیل که امانت بگذارد و اگر طیلسان چرکین بود دلیل که امانت در
گردنش بماند و اگر بیند که طیلسان زرد بپوشید دلیل که او را غمی سخت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید طیلسان سپید در خواب فرزند
مصلح بود و اگر سرخ بود دلیل که فرزندش معاش و طرب دوست دارد و اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طیلسان در خواب بر دو وجه بود یکی عز و جاه دوم ولایت سوم فرزند

چهارم دولت پنجم بزرگی ششم مال هفتم منفعت هشتم علم نهم دین دهم شمشیر **حرف الظاء** ⁂ **ظلم کردن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر ظلمی رفت دلیل که بر ظلم کننده نصرت یابد و اگر بیند که او بر کسی ظلم کرد دلیل که آن کس بروی ظفر یابد
و اگر بیند که پادشاه بروی ظلم کرد دلیل که پادشاه بروی محتاج شود و اگر بیند که او بر پادشاه ظلم کرد دلیل که از پادشاه مضرت
یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بزرگی بیند که بر بیچاره ظلم کرد دلیل که آن بیچاره را نفرین کند و اگر خواجه بیند که بر بنده
ظلم کرد دلیل که از خواجه او را بلا و محنت رسد **ظلمات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بروشنائی بدل
شد دلیل که راه دین بروی گشاده گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بروشنائی آمد و باز در ظلمات رفت
دلیل که منافق باشد قوله تعالی وَاِذَا اَظْلَمَ عَلَیْهِمْ قَامُوْا وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ الآیه مغربی رحمة الله علیه گوید ظلمات در
خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که در دیاری ظلمات ظاهر شد دلیل که در آن دیار غم و اندوه ها پدید آید جعفر صادق
رضی الله عنه گوید ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی کفر دوم تحیر سوم فروبستن کارها چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر
توانگر بیند که بدرویشی آمد دلیل که مال زیادت شود و اگر درویشی بیند که بتوانگری رفت دلیل که کارش بد بود **حرف
العین** ⁂ **عاج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عاج در خواب دولت بود اگر بیند که عاج داشت دلیل که از
پادشاه مال یابد و اگر بیند که عاج از وی ضایع شد دلیل که مالش ضایع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عاج در
صندوقی داشت دلیل که یکی از خویشان وی زنی بزرگ خواهد و اگر بیند که دواتی از عاج داشت دلیل که پادشاه او را
کنیزی عطا دهد و جاه یابد و اگر بیند که عاج بشکست یا ضایع شد دلیل که زن یا کنیزک او هلاک گردد هر چند که عاج سپیدتر
و پاکیزه تر باشد مال بیشتر بود **عاریت کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی چیزی بکسی عاریت داد اگر
آن چیز از نوعی بود که دوست دارند دلیل که ثابت شود بر وی و اگر چیزی بود که دوست ندارند تاویلش بخلاف این بود
عاشق ابن سیرین ره گوید اگر بخواب بیند که عاشق است و حریص بود دلیل بر فساد و بدی کند و اگر چیزی حلال بود و
خوب بود دلیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بیند که بر کسی خوبروی عاشق شده بود و اگر در آن عشق نیت حرام بود دلیل
بر شر و فساد کند و اگر در آن عشق نیت حلال بود دلیل بر خیر و صلاح بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از
معشوقی کام دل یافت دلیل بر خیر و منفعت بود **عالم** اگر بیند که عالم یا فقیه شد و در اصل جاهل بود دلیل که مردم سخن بکنند
و در زبان مردم افتد به بدی و اگر عالم یا فقیه بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بیند که قاضی یا حکیم یا خطیب بود یا
عالمی زنده یا مرده از موضعی بگذشت که در آنجا ترس و بیم بود دلیل که مردم آن موضع از ترس و بیم ایمن شوند و پادشاه ایشان عادل
گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را علم میگفت اگر از اهل علم نبود دلیل که از آن دیار بگریزد و اگر عالم بود دلیل که عز و
جاه یابد و اگر بیند که بعلم گفتن عطا بستد دلیل که او را رشوت دهند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم در خواب بر چهار
وجه بود یکی دولت دوم قاضی سوم حکیم چهارم خطیب **عبادت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که

ظلم کردن
ظلمات
عاج
عاریت کردن
عاشق
عالم
عبادت

عبادت

عدد

که عبادت خدای تعالی میکرد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عبادت در مسجد یا در صومعه میکرد دلیل که خیرت اینجهانی یابد و اگر بیند که جائی عبادت کرد که مکروه بود تاویلش بخلاف این بود بحجوزه بیرشدن است در حرف کاف بیان کنیم **عدد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یکی از درم یا از دینار یا از جامه یا غیر آن بوی دادند دلیل که خیر و نیکوئی بیند قوله تعالی مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا یعنی یک طاعت را ده پاداش است بنابرین معبران گویند که اصل دو از یکی است کرمانی رحمة الله علیه گوید عدد یکی نیکو بود و دو غم و اندوه و لیکن بر دشمن فیروز گردد ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ اگر عدد و شمار بیند بد باشد و از کاری که در آن بود برخورداری نیابد قوله تعالی قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ و لفظ سه دلالت بر قوت کند زیرا که طاق است و اگر عدد چهار بیند نیکو باشد چون چیزی دیگر و مضاف نباشد مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ و اگر عدد پنج باشد نیکو بود و گفتیم که صاحب خواب پنج نماز بر پای دارد و اگر عدد شش بیند نیک باشد خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ و اگر عدد هفت بیند بد باشد سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا و چون یا هفت یا هشت باشد بد بود قوله تعالی سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا و اگر عدد نه بیند بد باشد قوله تعالی تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ و اگر عدد ده باشد نیکو باشد و مراد دین و دنیا او را حاصل گردد قوله تعالی تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ و اگر عدد یازده بیند دلیل که شغلهای وی بروز کار بر آید و اگر عدد دوازده بیند نیکو باشد قوله تعالی إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا و اگر عدد سیزده بیند بد باشد و آخر کارش بد شود و اگر عدد چهارده بیند نیک باشد و اگر عدد پانزده بیند کارهای پراکنده وی بر آید و اگر عدد شانزده بیند حاجتش زود بر آید و اگر عدد هفده بیند بد باشد و اگر عدد هیجده بیند امیدش بر نیاید و اگر عدد نوزده بیند او را با مردم کار افتد قوله تعالی لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ و اگر عدد بیست بیند نیک باشد و بر دشمنان ظفر یابد قوله تعالی عِشْرُونَ صَابِرُونَ و اگر عدد سی بیند او را با کسی داوری فصل گردد قوله تعالی وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ و اگر عدد چهل بیند کارش بسته گردد و اگر پنجاه بیند دلیل بر رنج و سختی بود قوله تعالی أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ و اگر شصت بیند دلیل که او را سوگند بکردن افتد و او را دو ماه پیوسته روزه باید داشت یا شصت درویش را طعام باید داد قوله تعالی شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ و اگر عدد هفتاد بیند دلیل که تا خیر بر آید و اگر عدد هشتاد بیند دلیل که او را تهمت کنند و چوب زنند قوله تعالی فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً و اگر عدد نود بیند دلیل که چند زن را از بزرگان نکاح کند قوله تعالی تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ و اگر عدد صد بیند دلیل که نصرت و ظفر یابد قوله تعالی مِائَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ و اگر سلطان خود را بیند که صد سوار با وی بود دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر کسی بیند که وی را صد درم دادند دلیل که تهمتی بنا بر وی نهند و او را صد چوب زنند قوله تعالی فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ و اگر بیند که کسی او را صد دانه گندم یا جو یا چیزی از دانها داد دلیل که او را خیر و برکت بود و عیش بر وی فراخ گردد قوله تعالی فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ

یضاعف لمن یشاء واگر عدد دویست بیند دلیل که دشمنان بروی ظفر یابند واگر عدد سه صد بیند دلیل که بروز کار
مرادش حاصل شود قوله تعالیٰ وَلَبِثُوْا فِیْ کَهْفِهِمْ ثَلٰثَ مِائَةٍ سِنِیْنَ وَازْدَادُوْا تِسْعًا واگر عدد چهار صد بیند دلیل که بر خصمان
ظفر یابد چنانکه حضرت رسول صلی اللہ علیہ وسلم فرمود که خَیْرُ الْجُیُوْشِ اَرْبَعَةُ اٰلَافٍ یعنی بهترین خواهها چهار صد و بهترین لشکرها
چهار صد هزار واگر عدد پانصد بیند دلیل که کارش موقوف باشد واگر عدد ششصد بیند دلیل که شاد شود و بمقصود رسد واگر
عدد هفت صد بیند دلیل که کارش سخت کردد و عاقبت برآید واگر عدد هشت صد بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد واگر عدد
نه صد بیند دلیل که دشمن بروی ظفر یابد واگر عدد هزار بیند دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قهر کند قوله تعالیٰ وَاِنْ یَّکُنْ مِّنْکُمْ
اَلْفٌ یَّغْلِبُوْا اَلْفَیْنِ بِاِذْنِ اللّٰهِ واگر عدد دو هزار بیند دلیل که بد باشد واگر عدد سه هزار بیند دلیل که بر فیروزی بود قوله
تعالیٰ وَبِثَلٰثَةِ اٰلَافٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِکَةِ مُنْزَلِیْنَ واگر عدد چهار هزار بیند دلیل بر قوت و نصرت باشد واگر عدد پنج هزار
بیند دلیل که مبارک و فرخنده بود واگر عدد شش هزار بیند همین تاویل دارد واگر عدد هفت هزار بیند دلیل که کارهای او
کشاده کردد واگر عدد هشت هزار بیند دلیل که کارش بنظام شود واگر عدد نه هزار بیند دلیل که بد باشد واگر عدد ده هزار
بیند دلیل که نصرت و فیروزی بود واگر عدد بیست هزار بیند همین تاویل دارد واگر عدد سی هزار بیند دلیل که نصرت و ظفر
بدرنک یابد واگر عدد چهل هزار بیند دلیل که نصرت و ظفر یابد واگر عدد پنجاه هزار بیند دلیل که برنج و سختی و عجز فروماند شود
قوله تعالیٰ وَمِقْدَارُهٗ خَمْسِیْنَ اَلْفَ سَنَةٍ واگر عدد شصت هزار بیند دلیل که خرم و شادمان کردد واگر عدد هفتاد
هزار بیند دلیل که دشمن بروی ظفر یابد واگر عدد هشتاد هزار بیند دلیل که کارها بروی پوشیده کردد واگر عدد نود هزار بیند دلیل
که دشمن بروی ظفر یابد واگر عدد صد هزار بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد قوله تعالیٰ وَاَرْسَلْنٰهُ اِلٰی مِائَةِ اَلْفٍ اَوْ یَزِیْدُوْنَ

عدس
عدس معبّران را در تاویل عدس خلافست ابن سیرین رحمة اللہ علیہ کوید خوردن عدس در خواب نیکست زیراکه
حضرت ابراهیم علیه السلام اورا دوست داشتی کرمانی رحمة اللہ علیہ کوید خوردن عدس در خواب بدست زیراکه چون قوم بنی اسرائیل
را از من و سلوی ملال کرفت از حق جل وعلا عدس و سیر و پیاز خواستند مغربی رحمة اللہ علیہ کوید خوردن عدس در خواب
مال بود که از زنان بوی رسد خاصه که پخته بود واگر خام بود دلیل بر مضرت و اندوه باشد

عرّاده
عرّاده ابن سیرین رحمة اللہ
علیہ کوید اگر بیند که عرّاده در دشمن کافران می انداخت دلیل که کافران را سخت دشمن دارد واگر بیند که عرّاده در شهر مسلمانان
می انداخت دلیل که در دین مسلمانان سخنان ناهموار کوید و باشد که اهل اسلام را دعای بد کند واگر بیند که عرّاده می انداخت
دلیل که اهل آن موضع را غیبت کند یا دشنام دهد

عرش
عرش ابن سیرین رحمة اللہ علیہ کوید عرش در خواب امیری
بزرگ یا مال خواسته بسیار بود واگر بیند که عرش آراسته بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و
عزت و نصرت یابد واگر عرش را حقیر بیند دلیل که پیش مردم خوار کردد واگر خود را بر عرش نشسته بیند دلیل که او
با مردی بزرگ پیوند دو از وی حرمت و جاه بیند واگر بیند که از عرش بزیر آمد تاویلش بخلاف این بود جعفر

صادق رضی الله عنه گوید دیدن عرش در خواب بر پنج وجه بود یکی صاحبی بزرگ دوم رفعت سوم مرتبت چهارم عزت پنجم
بزرگواری **عرعر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عرعر داشت دلیل که با مردی اصیل او را صحبت افتد و درخت
عرعر بتاویل بر وی باشد که نیکی کمتر کند **عرق کردن** اگر کسی بخواب بیند که عرق از تن وی روان شد دلیل که بقدر عرق
و برا زیان افتد خاصه اگر عرق وی بر زمین میچکید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که جامه وی از عرق تر شده بود
دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بیند که عرق خود میخورد مال خود بخورد و اگر بیند که عرق سپید بود و بوی خوش داشت
دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مالش حرام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت
روائی کند و اگر بیند که عرق میکرد دلیل که حاجتش روا شود و اگر بیمار بیند که عرق کرد دلیل که شفا یابد **عروسی** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عروسی بخواست ولیکن او را ندید و نامش ندانست دلیل که بمیرد یا کشته شود
و اگر بیند که عروسی بخانه آورد و با وی بخفت دلیل که بزرگی یابد و چیزیکه ملک او نباشد ملک او شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید عروسی که در آنجا چنگ و چغانه و نای باشد دلیل بر مصیبت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بخواب بیند
که عروسی شد و او را بنزد شوهر می بردند دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد و اگر بیند که شوهر او را ببستند و با وی نیکی کرد دلیل
که خیر و منفعت یابد **عزل** دور کردن از کاری بود و اگر بیند که پیری را معزول کردند دلیل که خواری و بیحرمتی بیابد
و اگر بیند که جوانی را معزول کردند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مهتری را معزول کردند
دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کاری کرد دلیل بر کسب معیشت کند تاویلش نقصان معیشت وی باشد و اگر کارش
عملی بد بود که او را عزل کردند دلیل که دست از بدی کوتاه کند و راه صلاح گیرد **عسس** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که با عسس میگشت و ایشان مردمان مصلح بودند دلیل که او را خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این
بیند دلیل بر شرف و مضرت بود و اگر بیند که عسس او را گرفت و گزند رسانید دلیل که از مردم پادشاه بوی رنج رسد
و اگر بیند که از آن عسس بوی ملالت نرسید دلیل به خیر و نیکی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عسس جامه وی برکند یا او را
بزندان کرد دلیل که از مردم پادشاه او را زیان رسد و بیحرمتی بیند و اگر بیند که از عسس بگریخت و کسی او را نتوانست
گرفت دلیل که اندک رنج بوی رسد **عصار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عصاری میکرد دلیل که
بکاری مشغول گردد که او را آشنا گویند و نام نیکی و چیز برد **عصا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عصا در خواب
مردی بزرگوار با قدر بود و اگر بیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را از مردی بزرگ قدر
و جاه پدید آید و اگر بیند که عصای وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که تکیه بر عصا کرده دلیل که
بمعاونت مردی بزرگ آنچه میجوید بیابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عصا در دست دراز شد دلیل که
بمراد رسد و اگر کوتاه شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که عصای خود بکسی بخشید دلیل که هلاک شود و اگر بیند

که عصا یا دی سخن گفت دلیل که او را فرزندی آید و از وی منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عصا در خواب بر
عصیده
سه وجه بود یکی مردم بزرگوار دوم پادشاه سوم قوت عصیده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عصیده نوعی از حلوا است
و آن بهتر که زعفران نبود و دیدن او در خواب مالی بود که بمشقت و رونق بدست آید و اگر بیند که لقمه از عصیده در دهان
عطا
گذاشت دلیل که سخنی خوش شنود و اگر بیند که عصیده بسیار خورد دلیل که مال بخصومت حاصل کند عطا ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که چیزی او را عطا دادند معبر باید که بپرسد او را ازین عطائی که دادند چه نوع بود زر و
یا سیم یا جامه بود و عطا دهنده معروف بود یا مجهول زن یا مرد بود چون جمله نیکو بداند آنگه تعبیر کند اگر نیکو باشد
آنچیز مردم آن را دوست میدارند دلیل که از آن عطائی که بوی داد نیکی بوی رسد و اگر عطا دهنده مجهول بود دلیل که بسبب
دنیا او را خواری رسد و اگر عطا بوعده خطا بود از جمله دروغ بود و اگر بیند که عطا بستد و دیگر باز داد دلیل که نیک و آن
عطا دهنده باز گردد و اگر بیند که او را میوه یا جامه یا چیزی شیرین عطا دادند دلیل که بآن کس پیوستگی کند و اگر عطا دهنده
جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و برغبت ستاند دلیل که ایمان او بر خطر باشد و اگر جهود یا ترسا بخواب بیند
که مسلمانی ایشان را عطا داد و برغبت بستد دلیل که مسلمان شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را عطا داد و او
شکر گفت دلیل که زیادتی مال و تندرستی بود و اگر شکر نگفت تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
عطر
عطا چیزی نیک بود و عطا دهنده دون بود تاویلش بد بود عطر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با خود بوی
خوش داشت و او عالم بود دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر توانگر بود دلیل که از مال نفع رساند کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که با خود عطر داشت دلیل که مردم او را آفرین کنند و ثنا گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عطر
در خواب بر نه وجه بود یکی ثنای نیکو دوم سخن خوش سیوم علم با نفع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد کریم هفتم مرد با
عطار
فرهنگ هشتم دین پاک نهم خبر خوش عطار اگر بخواب بیند که عطاری میکرد دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر بیند که مردم
بوی خوش میفروخت دلیل که وعده دهد و لیکن خلاف کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطار دوستی
عطسه
و آشنائی شد دلیل که مردم او را مدح و ثنا گویند و نامدار شود عطسه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بیند که عطسه داد و الحمد لله گفت دلیل که اگر بیمار است او را بطبیب احتیاج افتد و اگر تندرست بیند دلیل که کسی
حاجتش روا کند و بروی منت نهد و اگر بیند که سه بار عطسه داد دلیل بر نیکی و خرمی بود و اگر بیند که عطسه بسیار
داد دلیل که مرادش بدشواری بر آید و اگر بیند که عطسه داد و آب بینی باز گشتن گرفت دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که
چون عطسه داد و مخاط از بینی باز گرفت و روان شد دلیل که در روی سخنی زشت گویند و اگر بیند که عطسه آمد و جهنده او
بیرون آمد دلیل که از جوهر آن جهنده او را فرزندی آید که بدان حیوان منسوب باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر عطسه
عقعق
در خواب بآسانی داد دلیل که مال بآسانی بدست آید و اگر عطسه بدشوار داد دلیل که مال بدشواری بدست آورد عقعق ابن

سیرین رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام دوداند که عقل ولیست اگر بیننده
خواب اهل آن باشد دلیل کند که او را با فرزند پادشاه صحبت افتد و از وی خیر بیند و پادشاهزاده او را دوست دارد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر کسی عقل خود را بدین صورت بیند دلیل کند که بخت روی بوی نهد و عز و جاه یابد و توانگر شود دانیال علیه السلام گوید
عقل در خواب بخت و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید من عقل توام دلیل که بخت و دولت یار او
شود مغربی رحمة الله علیه گوید عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غایب باشند و زنده بودند دلیل که دیدار ایشان
باز بیند و اگر مرده باشند دلیل که دعا و صدقات از وی بدیشان رسد و در خبر است که مردی پیش حضرت رسول صلی الله علیه
وسلم آمد و گفت بخواب دیدم که مال و جان من از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بخانه من در آمدند و هر سه
بنشستیم و بشراب مشغول گشتیم رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که عقل قسمت این جهان است و جان قسمت آنجهان کار تو
بهر دو شود و اگر بیند که عقل و جان بستیزه و لجاج میکردند دلیل که با سلطان ولایت منازعت کند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت دوم مادر و پدر سوم فرزند پادشاه چهارم مال و
نعمت **عقیق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عقیق داشت یا کسی بوی داد دلیل که با بزرگی مصاحب
شود و از وی خیر یابد و اگر بیند که عقیق از وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بجزوار عقیق داشت و از وی
چیزی بخورد دلیل که او را فرزندی آید که شرف و بزرگی و جاه یابد **علک** کندر بود اگر بیند که علک بر آتش نهاد
دلیل که بقدر آن در مال او نقصان شود و اگر بیند که علک میخایید دلیل که مالی بخصومت و گفتگو یابد **علم** در خواب مردی
دانا یا امام زاهد بود یا شخصی که مردم بوی اقتدا کنند و اگر بیند که علم در دست داشت دلیل که از این نوع مردم که صفت کردیم
با کسی آشنا شود و از وی راحت یابد و اگر بیند که علم از دست وی بیفتاد یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید دیدن علم در خواب دلیل بر سفر بود اگر بیند که علمی بوی دادند یا لشکری بر وی جمع شوند جاه و بزرگی یابد
خاصه که علم سپید یا سبز باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که علمی سپید بزرگ در دست داشت دلیل که با مردی
توانگر صالح او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که علمی سبز داشت دلیل که زاهد و دیندار شود
و اگر بیند که علمی سیاه داشت دلیل که قاضی یا خطیب شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن علم در خواب بر
چهار وجه بود یکی مهتری دوم سفر سیوم جاه چهارم نیکی احوال **عمارت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که
در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد دلیل بر صلاح دین و ثواب آنجهان بود و اگر
بیند که بر زمینی خراب شده بود و از بهر خود عمارت میکرد چون سرای و دکان و مانند این دلیل که فایده
اینجهانی یابد و اگر بیند که جای معروف بود و خراب شد دلیل که در بلا و مصیبت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در جائی معروف و مشهور و معمور مقیم شد دلیل که از آن مقام خیر و صلاح و منفعت بقدر عمارت آن

مقام یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح اینجهانی دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم برکت و گشایش کارهای بسته **عماری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در عماری نشسته بود و عماری وی بر اشتر یا بر اسب بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر بیند عماری بیفتاد و یا از عماری بیرون شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را در عماری نشاند دلیل که با بزرگی پیوندد و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عماری در خواب بر هفت وجه بود یکی بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهتری

عمود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عمود در خواب مردی درست و راست بود و معبران گویند که سخنهای سخت باشد و اگر بیند که عمود وی بر کسی زد دلیل که سخنی سخت بکسی بگوید و اگر بیند که عمود آهنین داشت دلیل که او را از پادشاه قوت و یاری بود و اگر بیند که عمود از دست وی بستدند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمود در خواب بر سه وجه بود یکی مرد راست دوم سخنهای سخت و زشت سوم مهتری بزرگ

عنّاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عنّاب داشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که عناب بکسی داد دلیل که از وی بدانکس مال رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عناب از درخت جمع میکرد دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند

عنبر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عنبر داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد و اگر بیند که عنبر بسیار جمع میکرد و یا بازیافت دلیل که بقدر همت خویش ولایت یابد و اگر بیند که عنبر بکسی داد دلیل که از وی بدانکس منفعت رسد و اگر بیند که عنبر از وی ضایع شد دلیل که مال وی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عنبر مالید دلیل که بجای او نیکی کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عنبر در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی چهارم ثنای نیکو

عنقا نوعی از نواها بود چون چنگ و بربط و مانند این ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عنقا میزد دلیل که باطل و سخن محال رضا دهد و اگر بهاری بیند که عنقا بشکست یا بیفکند دلیل که از دروغ و محال توبه کند و اگر بیند که عنقا میزد دلیل که زود بمیرد

عنکبوت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عنکبوت در خواب مردی ضعیف و گمراهی و عاصی بود و بعضی معبران گویند که جولاهه بود و اگر بیند که عنکبوت از وی دور شد دلیل که از مردی جولاهه دور شود

عود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عود زیر کسی میسوخت دلیل که از وی خیر و منفعت یابد و عود در خواب مردی خوب روی و لطیف طبع بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عود خام داشت و یا کسی بوی داد دلیل که از پادشاه خلعت یابد و هر چند که عود خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید عود در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی خوبروی دوم سخن خوش سوم ثنا و آفرین چهارم مال و منفعت

عودسوز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عودسوز در خواب کنیزک با فرهنگ یا غلام زیرک و دانا بود و اگر عودسوز سپید روی باشد دلیل که غلام یا کنیزک از اصل ترسا باشد و اگر از مس بود دلیل که از اصل جهود

باشد اگر از آهن بود از اصل کبران باشد و اگر بیند که عود و سوز بشکست یا ضایع شد دلیل که غلام یا کنیزک هلاک شود **عورت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مردم او را میدیدند دلیل که سرّ او در میان مردم ظاهر شود و اگر بیند که عورت خود زود باز پوشید دلیل که سر او زود پوشیده گردد و معبران گویند اگر بیند که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید و کسی ندید دلیل که اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده شود و اگر ترس دارد دلیل که ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که عورت او برهنه بود و بیدار شد و از آن شرمنده شد دلیل که از حال بد بحال نیک آید و اگر بیند که قصداً عورت خود برهنه کرد دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت گردد یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد **عید** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عید قربان بود دلیل که او را با مردی عاقل کار افتد و اگر بیند که عید رمضان بود دلیل که او را با مردی عابد زاهد صحبت افتد و منفعت دینی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که عید بود و مردم آراسته بیرون آمدند دلیل که اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اہل عز و شرف بود دلیل که شرف او زیادت گردد **عاشورا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخواب بیند دلیل که کامکاری یابد قوله تعالی اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِیْ و اگر در خواب سر سال و ماه و روز بیند سال و ماه و روز بروی خجسته و مبارک بود دلیل بر خیر و صلاح بود

حرف الغین

غار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در غاری می رفت و در آنجا مقیم شد دلیل که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که در غار شد و زود بیرون آمد دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در غار شد و آن غار روشن بود دلیل که او را بزندان کنند و بعضی گویند در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که از غار بیرون آمد دلیل که رنجور شود و شفا یابد **غارت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مال و نعمت وی غارت کردند دلیل که غم و مصیبت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر اسلام دیار کفر را گرفت و غارت کرد دلیل که اہل کفار را غم و مصیبت بود و اگر بیند که لشکر کفار اہل اسلام را غارت کردند دلیل که غم و اندوه مسلمانان را رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب بر چهار وجه بود یکی جنگ دوم زیان سیوم غم و اندوه چهارم نرخ ارزان **غالیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غالیه در خواب فرهنگ نام آور بود و اگر بیند که غالیه بکسی داد دلیل که آنکس را از وی ادب و فرهنگ آموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید غالیه نشان حج بود و معبران گویند که غالیه مالی باشد که از مهتر بدو رسد و اگر بیند که غالیه یافت دلیل که از زنی یا از مردی بازرگان منفعت یابد و اگر بیند که کسی بر چشم وی غالیه مالید دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم او را دعا گویند و اگر بیند که کسی بر بنا گوش وی غالیه مالید دلیل که او را متهم بدروغ گوئی کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی ادب و فرهنگ دوم ثنا و آفرین سوم حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم خیر و منفعت **غایب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند

که غایبی از سفر نزدیک وی آمد دلیل که نامه و یا خبر آن غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد دلیل که نامه و خبر نزد
خویشان وی برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غایبش از سفر باز آمد دلیل که کار بسته بروی گشاده گردد و اگر
بیند که غایبش ترشروی و متفکر بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که غایبش سواره از سفر باز آمد دلیل که
غایبش زود با نعمت و مال باز آید و اگر غایب را پیاده و عاجز و برهنه بیند دلیل که در راه غایب را قطاع الطریق بزنند
و مفلس شده باز آید **غبار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غبار بر چیزی که ملک او بود نشست دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند و اگر بیند که غباری بر روی آسمان و زمین می شد دلیل که مردم آن موضع از آن کار که دارند بیرون آیند
و اگر بیند که بر چیزی که ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او پر غبار
بود دلیل که او را رنجی و عقوبتی رسد قوله تعالی وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ و اگر بیند که بر زمینی که ملک
اوست غبار بود دلیل که بقدر آن مال حاصل کند **غربال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غربال در خواب خادمی بود
همین و اگر کسی بخواب ببیند که غربال داشت دلیل که او را خادمی حاصل آید و اگر بیند که غربال وی بشکست دلیل که خادم وی
بگریزد یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غله بغربال پاک میکرد دلیل که کاری کند که مردم را از آن منفعت باشد و
او را مضرت رسد و اگر بیند که آنچه پاک میکرد از بهر خود میکرد دلیل که منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غربال در خواب
بر سه وجه بود یکی خادم دوم یار سوم شاگرد زیرک **غرق شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دریا غرق
شد و بمرد دلیل که پادشاه او را هلاک کند و اگر بیند که آب او را فرو برد و باز بالا آمد و نمرد دلیل که از کار دنیا دست بدارد و
صلاح دین و راه آخرت جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چهارپایی در سرای یا دکانی یا باغی غرق شد دلیل که بکار
صعب در ماند و سرانجام رهائی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرق شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی مال بسیار
دوم اقبال سوم صحبت با مردم بدمذهب چهارم منفعت **غزا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بیند که در راه خدای تعالی غزا میکرد دلیل که کار خویشان و عیال او نیکو شود و بی نیازی یابد قوله تعالی وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً اگر بیند که از غزا روی بگردانید دلیل که از خویشان روی بگرداند قوله تعالی
هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بغزا رفت دلیل که دولت
نعمت و بزرگی یابد قوله تعالی وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا و اگر بیند که مردم آن دیار بغزا بیرون شدند
دلیل که عز و جاه یابد و مردم را قهر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کافران تنها جنگ میکرد دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و روزی
حلال بدو رسد و عمرش دراز گردد قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ
رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ جعفر صادق رضی الله عنه گوید غزا کردن در خواب بر شش وجه
بود یکی خیر و برکت دوم سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم گذاردن سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم

غبار
غربال
غرق شدن
غزا کردن

شفا از بیماری پنجم اطاعت پادشاه داشتن ششم غنیمت یا فتن **غسل کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی بخواب بیند که در اصل دریا غسل میکرد دلیل که غم و اندوه وی کم گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد وامش
گذارده و از ترس ایمن گردد و اگر محبوس باشد خلاصی یابد و اگر بیند که بآب کم غسل میکرد و آنکه دست در روی شست
دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که دست بآب و اشنان شست اگر دوستی دارد دلیل که در میان ایشان فرقت افتد و اگر بیند که
خود را از جنابت بشست دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن در خواب از جنابت دلیل بر پاکی از ورع
بود و بهر زیادت و نقصان که بشستن از جنابت پدید آید دلیل بر دین و ورع شود **غل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن
غل در خواب کفر باشد و میلش بناحق بود و اگر بیند که غل در گردن داشت دلیل که کافر میرد و اگر بیند که غل وی گردن بند
سک شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که غل در گردن و بند برپای داشت دلیل که کافر بود و دعوی مسلمانی بدروغ کند
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غل بر دستها داشت دلیل بر بخل او کند قوله تعالی وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ
غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا و مقصود از غل بخل است ابن عباس رضی الله عنه گوید معبران گویند چون مرد صالح غل در
گردن بیند دلیل که دست از کار شر بدارد **غلاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غلاف در خواب زن بود و اگر بیند که غلاف
شمشیر شکست و شمشیر او بسلامت بماند دلیل که فرزند بسلامت از مادر بیرون آید و مادر هلاک شود و غلاف کارد همین حکم
دارد **غلام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غلام شده بود دلیل که بکاری سخت افتد و در آن رنجور شود و اگر
بیند که غلامی بگرفت یا بخرید دلیل که در آن کار نیکوئی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود قوله تعالی
وَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ و در جای دیگر فرموده يَا بُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَامٌ جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که غلام یا کنیزک
میفروخت دلیل که نیاسا بود و اگر بیند که میخرید بد باشد و اندر بهای غلام و کنیزک اگر زر و سیم ستاند بد بود و اگر اجناس ستاند
نیکو باشد **غلبه کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بر خصم غلبه کرد دلیل که بر خصم غالب شود و اگر بخلاف این
بیند دلیل که خصم بر وی غالب شود **غم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غم در خواب فرح و شادی بود و اگر بیند که غمگین شد بود
دلیل که فرح یابد و بمراد رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندکی غمگین شده بود دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که
از غم رسته بود تاویلش بخلاف این بود **غنیمت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غنیمت یافتن در خواب
اگر مال کافران بود دلیل که نرخها ارزان گردد و اگر بیند که مسلمانان از دیار کافران غنیمت آوردند دلیل که در آن
دیار که غنیمت آنجا بردند نعمت شود و نرخها ارزان شود و اگر بیند که کافران از دیار مسلمانان غنیمت آوردند
دلیل که بقدر آن او را منفعت حاصل شود **غواص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که
بدریا فرو رفت و مروارید برآورد دلیل که بقدر آن علم و دانش آموزد و از مال سلطان راحت یابد و اگر
بیند که بدریا رفت و هیچ نیاورد دلیل که بعلم آموختن مشغول گردد لیکن فایده نیابد و اگر بیند که گوهری از قعر

دریا برآورد دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد **غوره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که غوره بوقت خود میخورد دلیل که بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد ولیکن پایدار نبود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غوره میخورد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که غوره بفروخت یا بکسی داد و از آن هیچ نخورد دلیل که اندوهش کمتر بود و اگر غوره بگوشت پخته بود بهتر باشد **غوک** و **وزغ** در حرف واو شرح آن گفته شود

حرف الفاء

فاخته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فاخته درخواب زنی ناقص دین بدمهر بود که با کسی سازگاری نکند و اگر بیند که فاخته داشت دلیل که زنی بد دین بدنیسان بخواهد و اگر بیند که بچه فاخته بگرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که گوشت فاخته میخورد دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و خرج کند کرمانی رحمة الله گوید فاخته فرزندی دروغ زن بود و اگر بیند که فاخته بربام وی بانگ یکبار کرد دلیل که خبر غایب شنود و اگر دو بار بانگ کرد بهتر بود و اگر سه بار بانگ کرد بغایت نیکو بود و اگر بیند که فاخته با زاغ هر دو بخانه وی در آمدند دلیل که دزد در خانه وی در آید و کالای او ببرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فاخته درخواب بر سه وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم خادم

فال گرفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فال گرفت و فال نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که فال گیری میکرد دلیل که آنکس چوز هندی بسیار خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید فال گرفتن درخواب بر سه وجه بود یکی بر دشمن ظفر یافتن دوم مراد سوم حاجت روا شدن اگر فال نیک بود و اگر بد باشد تاویلش بخلاف این بود

فالوده اگر بزعفران بود بیماری بود و دیدن فالوده رنج و خصومت بود بقدر آن آتشی که بروی رسیده باشد اگر بیند که فالوده در دهان نهاد دلیل که سخنی لطیف گوید و اگر بیند که لقمه فالوده بکسی داد دلیل که با آنکس سخنی خوش گوید یا از بهر وی کاری کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید فالوده درخواب بر چهار وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم منفعت چهارم باجنگ کاری که برآید بدشواری بود **فام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فام بر وی بود دلیل که حج کند و اگر نمازش فوت شده باشد قضا کند و اگر امانتی در گردن دارد باز رساند و اگر وام دارد دلیل که بگذارد **فتنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فتنه از جایگاهی زایل شد دلیل که اهل آن دیار بخداوند تبارک و تعالی باز گردند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر از ده چیز یکی بیند دلیل در آن دیار فتنه و بلا افتد یکی تاریکی دوم آتش سوم باد سرد چهارم باد گرم پنجم سیاهی آفتاب و ماهتاب ششم غبار هفتم باران هشتم برکندن درختان نهم ابر سرخ یا سیاه دهم جامه سرخ و زرد پوشیدن

فراخی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از جایگاهی تنگ بفراخی آمد یا از سختی بآسانی رسید دلیل که از غم بنعیم شود و از اندوه فرح یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خانه بر وی فراخ شد دلیل که روزی بر عیال وی فراخ گردد و اگر بیند که خانه بر وی تنگ شد دلیل که روزی بر وی و عیالان وی تنگ گردد و اگر بیند که خانه بر وی تنگ شد و باز فراخ شد دلیل که راه دین و شریعت بر وی مستقیم شود فی الجمله فراخ شدن چیزهای تنگ دلیل بر گشایش

غوره
فاخته
فال گرفتن
فالوده
فام
فتنه
فراخی

کارها بود و برکت در چیزها **فراش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فراش در خواب دلالت بود که از بهر کسی زن خواهد
فرج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را همچون زنان فرج بود دلیل که خوار و بیچاره گردد و اگر
بیند که کسی با وی مجامعت کرد دلیل که حاجت از وی روا شود و اگر دو زن بیند که ایشان را یک فرج است دلیل که دو زن
از یک کس باشند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که فرج وی از آهن یا از مس بود دلیل که از یافتن مرادها نومید شود
و اگر مردی بیند که فرج زنش از سوی پس بود دلیل که آن زن چیزی دوست دارد که رضای حق تعالی در آن نباشد و اگر زنی
بیند که فرج وی بریده شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی بیند که از فرجش ماهی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید و اگر
زنی بیند که از فرج او گربه بیرون آمد دلیل که او را فرزندی دزد و راهزن پدید آید و اگر زنی بیند که از فرج او ماری بیرون آمد
دلیل که او را دختری نابکار آید و اگر زنی بیند که از فرج او ماری نر بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید که دشمن او گردد و اگر
بیند که از فرج وی کژدم بیرون آمد دلیل که او را همین تاویل دارد و اگر بیند که از فرج او کرم یا موری بیرون آمد دلیل که
او را فرزندی دون همت آید و اگر بیند که از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مفلس و تنگدست گردد و اگر بیند که از فرج وی کنجد
بیرون آمد دلیل که شوهرش او را دوست دارد و اگر بیند که از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش در حالت حیض با وی
مجامعت کند و اگر بیند که از فرج وی ریم بیرون آمد دلیل که او را فرزندی صالح پارسا آید و اگر بیند که از فرج او آبی تیره بیرون آمد
تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که از فرج وی قی بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از فرج وی
آتش بیرون آمد دلیل که فرزندانش ملک جهان بگیرند و اگر بیند که کسی فرج وی را بدرید دلیل که از آنکس منفعت یابد
اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر فرج وی موی رسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزند خوار و غمگین
شود و اگر بیند که بر فرج وی موی نبود دلیل که شاد شود و اگر بیند که فرج وی آماسیده بود دلیل که مال یابد و اگر زنی
بیند که او را بجای فرج قضیب بود و اگر آبستن بود دلیل که پسر آرد و نماند و اگر آبستن نبود دلیل که پسرش بمیرد و اگر
بیند که از فرج وی گوهر یا مروارید بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید **فرجی** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که فرجی پاکیزه داشت دلیل که از غم فرج و بزرگی یابد و اگر فرجی چرکین و کهنه بود تاویلش
بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی از دیبا بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد ولیکن با
مردم پارسا بود و دیبای رنگ از ملون بود و فرجی کرباس و ابریشم دلیل بر زیادتی دین بود مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که فرجی زنان پوشیده بود دلیل که او را ملامت رسد و اگر بیند که در آن فرجی با کسی مجامعت کرد دلیل که
حاجتش روا شود از آنکس که با وی مجامعت کرد اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند که فرجی سرخ پوشیده بود
دلیل که بر دینداری و امانت و پارسائی کند و اگر بیند که فرجی سیاه پوشیده بود اگر عالم بود دلیل بر
راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد و اگر فرجی زرد پوشیده بود یا در بر داشت

دلیل بر مصیبت وغم واندوه بود **فرزند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند او را دختری آمد دلیل که خیر و راحت یابد و
از اهل بیت شادمان شود و اگر بیند که پسری می آمد دلیل که دختری او را آید و اگر بیند که دختری آمد دلیل که پسری آید مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که او را فرزندی بود و فرزند او کسی بستد دلیل که بیمار شود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جائی
طفل افکنده بیافت یا کسی بوی داد دلیل که از جائی که امید ندارد چیزی بوی رسد **فرعون** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که یکی از فرعونیان با تقدم یا از پادشاهی متقدم ستمگر در شهری در آمد و در آن شهر مقام گرفت دلیل
که سیرت فرعون علیه اللعنه در آن دیار ظاهر گردد و اگر بیند که از پادشاه متقدم یکی در شهری رفت دلیل که سیرت عدل آن
پادشاه در آن دیار ظاهر گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرعون عطائی بوی داد یا خلعتی او را بخشید دلیل که بقدر آن
از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مالی حرام یابد **فرمودن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را
بگوید دیگ بنه دلیل که در کاری که هست ایستادگی نماید و اگر کسی گوید که دیگ بگردان تا نسوزد یعنی بر حذر باش و اگر
بیند که بدو گفتند که نان بشکن یعنی برادر از خویش دار و اگر بیند که کسی گوید که گندم بفروش یعنی نان بده و اگر بیند که
گویند بیار زاد در بند یعنی فایده برگیر از کار و اگر بیند که گویند توقف کن یعنی بر دشمن ظفر خواهی یافت و اگر بیند که کسی گوید
با آتش کم باش یعنی مال نگهدار تا درویش نشود و اگر بیند که گویند چراغ برافروز یعنی مال خرج کن و اگر بیند که گویند
که بستر بگستر یعنی زن بخواه و اگر گویند تخم بکار یعنی با خلق خدای نکوئی کن و اگر بیند که کسی گوید غسل کن یعنی توبه کن و بخدای تعالی
باز گرد و اگر بیند که گویند چیزی بخور یعنی لقمه حلال بخور **فرود آمدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کوهی
فرود یا از جایگاهی فرود آمد دلیل که شرف و بزرگی او زایل گردد و مالش نقصان شود و اگر بیند که از پایه نردبان زیر
آمد دلیل که در دینش نقصان شود خاصه که نردبان از گل بود و اگر نردبان از گچ و سنگ باشد دلیل که مالش نقصان شود
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کوه فرود آمد اگر پیش پادشاه بود دلیل که از وی جدا شود و در حرمت و جاهش
نقصان پذیرد و اگر از تل فرود آمد دلیل که بقدر بلندی آن در نعمت او نقصان شود **فروختن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید هرچه در شرع و راه دین عزیزتر بود فروختن آن بد بود و اگر بخواب بیند که مصحف کلام الله
را فروخت دلیل که دین مسلمانی نزد او خوار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بنده خود را
بفروخت دلیل که حرمت و بزرگی او از زبان باشد و زشت نام گردد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که چیزی بفروخت آن چیز حقیر شود **فزونی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر فزونی خیر و
صلاح بود نیک بود ولیکن چیزهائی که در آن شر و فساد باشد بد بود کرمانی رح گوید فزونی در تن و بدن
چون تن را زیان ندارد نیک بود و هر چند که فزونی بیند دلیل که مال و نعمت بیش یابد و اگر در فزونی
تن او را مضرت رسد دلیل که نقصان و رنج و بیماری بود **فستق** ابن سیرین رحمة الله علیه

گوید فستق در خواب مال و نعمت بود و اگر بیند که مغز فستق داشت و بخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت بود و اگر بیند که مغز فستق داشت دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مغز فستق بدو دادند دلیل که مال و نعمت یابد **فقاع خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فقاع خوردن در خواب دلیل بر خیر و منفعت بود و از قبیل خادمیکه بوی رسد و اگر بیند که فقاع میخورد دلیل که از خادمی خیر و منفعت یابد اگر بیند که فقاع بکسی داد دلیل که بآنکس منفعت رساند و اگر بیند که کوزه فقاع بیفتاد و بریخت دلیل که او را زیانی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید فقاع خوردن در خواب خدمت کردن مردم بود و اگر بیند که فقاع خورد دلیل که خدمت مردی سفله کند و اگر بیند که فقاع خورد و شیرین بود دلیل که از و منفعت یابد و اگر ترش بود و ناخوش بود دلیل که او را زیان و مضرت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید فقاع خوردن در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم بوسه سوم خدمت کردن چهارم مرد سفله **فقیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فقیه و فاضل شده بود و سخن او نزد خلایق قبول بود دلیل که شرف بزرگی یابد و نامش در آن دیار به نیکی منتشر گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مردی امّی خود را بخواب فقیه بیند دلیل که عوان شود و اگر خود را بخواب عالم تمام بیند دلیل که قاضی شود **فلاخن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فلاخن بکسی انداخت دلیل که بر آن کس نفرین کند و اگر بیند که کسی سنگ فلاخن بروی انداخت دلیل که آنکس بروی نفرین کند و اگر بیند که اندام از سنگ فلاخن خسته شد دلیل که از نفرین آفتی بوی رسد و رنجور گردد **فلوس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فلوس در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیند که فلوس داشت دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که فلوس بسیار داشت دلیل که در غمی سخت گرفتار شود و اگر بیند که فلوس ها از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد مغربی رحمة الله علیه گوید فلوس در خواب دیدن دلیل بر مفلسی بود **فندق** در خواب دیدن مال بود اگر کسی بخواب بیند که فندق داشت دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد و اگر بیند که بخروار فندق داشت دلیل که او را با کسی خصومت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مغز فندق شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یابد **فنک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فنک در خواب مردی غریب توانگر و آمیزنده با خلق بود و پوست و موی و استخوان از وی مال و خواسته بود و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بیند که فنک مطیع وی بود دلیل که فایده یابد و اگر بیند که فنک را بکشت و پوست وی را بر کند و گوشت وی را بفکند دلیل که مال مردی غریب تلف کند و اگر بیند که فنک را خبه کرد و از گردن او خون روان شد دلیل که دوشیزگی دختری غریب بستاند و اگر بیند که فنک بسیار بروی جمع شدند و از ایشان گزند ندید دلیل که در میان گروهی افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند مضرت یابد **فواق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که فواق آمد دلیل که خشم گیرد و دشنام دهد و سخن ناسزا گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند

که بهنگام نان خوردن اورا فواق پدید آید دلیل که بیمار شود و اگر بیند که اورا فواق پیاپی می آید دلیل که بی حجتی بر کسی خشم
گیرد و اگر بیند که فواق او به بانگ او بلند بود دلیل که دروغ گوید و بدان دروغ او را ملامت رسد و اگر بیند فواق نرم و
آهسته بود دلیل که بر کسی خشم گیرد و لیکن زود باز آید و اگر بیند که فواق میکرد و هرچه بود برآورد دلیل که اجلش نزدیک
رسیده باشد **فوده** خمیر خشک باشد که ازان آبکامه سازند دیدن وی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که فوده میخورد
دلیل که بسبب کاری متفکر گردد و فوده در خواب جنگ و خصومت با خویشان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
فوده در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم غم و اندوه سیوم خصومت چهارم نجات پنجم ناسازگاری بر عیال **فوطه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب شادی و آسانی بود و اگر بیند که فوطه از پنبه بود که داشت
دلیل بر راحت دین و دنیاوی بود که یابد خاصه چون نو و فراخ بود و اگر فوطه کهنه و دریده بود تاویلش بخلاف این
بود کرمانی رحمة الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بیند که جامه فوطه پوشیده بود و بیننده مستور بود
دلیل بر زیادتی ستر او بود و اگر بیننده خواب مفسد بود دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جامه
فوطه پادشاه بیند دلیل که عدل و داد آورد و اگر قاضی بیند که جامه فوطه پوشید دلیل که حکم براستی کند و اگر مشرک بیند
مسلمان شود و اگر فاسق بیند تایب گردد و اگر دزد بیند توبه کند و راه صلاح جوید

حرف القاف

قاضی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قاضی شد و در میان خلق داوری میکرد و از اهل قضا نبود
دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر رفته باشد اورا قطاع الطریق بزنند و مالش تلف شود
و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بیننده خواب عالم بود و جوان بود از سفر بسلامت باز آید کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر کسی قاضی معروف بخواب بیند دلیل که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی مجهول بیند که نشسته بود و
او بکسی داوری داشت و در میان ایشان حکم کرد هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالیٰ واللہ یحکم لامعقب
لحکمه و در جای دیگر فرموده یقضي الحقّ وهو خیر الفاصلین مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قاضی بروی
حکم کرد همان بود که دیده باشد و اگر بیند که قاضی ترازوی در دست داشت دلیل که در میان خلق حکم براستی کند و اگر بیند
که قاضی بمهر و شفقت بر و نگاه کرد و باوی بلطف و مدارا سخن گفت دلیل که اورا نزد اهل علم حرمت و جاه بود و خوار و
فرومایه باشد **قافله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند با قافله سوی خانه می آمد دلیل که کار بسته وی گشاده گردد و
از خویشان دور شود **قالب** کالبد بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر قالب کفش یا موزه در خواب
بیند دلیل که زن و خادم بود که کارهای وی راست دارند و اگر بیند که قالبی داشت دلیل که خادمی اورا حاصل آید
و اگر بیند که قالب بشکست یا بسوخت دلیل که آن خادم خانه او هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
قالب بسیار داشت دلیل که اورا از خادمان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که کفش دوز یا موزه دوز بود

دلیل که بهتر باشد. **قالی** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که قالی بزرگ از بهر وی افکنده بود و دانست که ملک
قالی
ویست دلیل که بر درازی عمر و فراخی روزی بود و اگر بیند که بر قالی نشسته بود در جائی بیگانه و ندانست که آن جایگاه
کیست دلیل که دنیا بروی متغیر گردد و در غربت بمیرد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که بر قالی تنگ و کوچک نشسته بود
دلیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که قالی در پیچیده بود و بر دوش داشت
دلیل که از جائی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هرچند که قالی بزرگتر و فراخ تر باشد معیشت و روزی
بیشتر و بهتر بود و اگر بیند که بر قالی کوچک نشسته بود و زیروی فراخ شده دلیل که عیش و روزی فراخ گردد
و اگر بخلاف این بیند دلیل که عیش و روزی بروی دشوار گردد و اگر بیند که قالی گسترده بود و بدست خود در نوشت
و در کنج خانه نهاد دلیل که دولت و اقبال خود تباه کند و اگر بیند که قالی بر پشت نهاده و میبرد دلیل که بزه بسیار
کند دانیال علیہ السلام گوید اگر بیند که قالی کوچک و سبز بود دلیل که روزی بروی تنگ شود اما عمرش دراز
شود و اگر بیند که قالی سبز و پاکیزه داشت دلیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بیند که قالی در خانهٔ کسی افکنده بود
دلیل که خداوند آن خانه را دولت و اقبال بود و اگر بیند که در خانهٔ مجهول قالی افکنده بود دلیل که سفر کند و مال و نعمت
قبا
یابد **قبا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید قبای کرباس در خواب پناه و قوت سفر بود و اگر بیند که قبای کرباس
فراخ پوشیده بود دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که قبای حریر پوشیده بود در خواب مکروه بود مگر که با سلاح
پوشیده بود و اما از مردی بزرگ شرف و منزلت یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند قبا پوشیده بحرب میرفت بر دشمن ظفر
یابد اگر بیند که قبای سبز پوشیده بود دلیل که روشنائی یابد و اگر کبود بود مصیبت باشد و اگر سیاه بود غم و اندوه
باشد و اگر ملون بود کارش بنظام گردد و اگر قبای کهنه و دریده بود دلیل که زن را طلاق دهد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر
بیند که قبای عنابی داشت اگر اهل آن قبا باشد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که قبای پوستین سیاه و پلید پوشیده
بود دلیل که زنی توانگر بزنی کند و اگر بیند که قبا از پوست روباه بود دلیل که زنی پارسا بزنی کند و اگر قبا از پوست سمور بود دلیل که
زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی اللہ عنه گوید قبا در خواب بر شش وجه بود یکی پناه دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست
قباله
قباله ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند که قباله و خط داشت دلیل که بقدر خط و قباله او را حکمت حاصل شود و اگر بیند که پادشاه خط و
قباله بوی داد دلیل که او را والی ولایت گردانند و اگر بیند که قاضی قباله بوی داد دلیل که علم شرع او را حاصل شود جعفر صادق رضی اللہ عنه گوید قباله
قبان
در خواب بر شش وجه بود یکی ریاست دوم حکمت سیوم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قوت **قبان** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید قبان
در خواب مردی خونخوار بود و کفهٔ قبان در خواب شنوای بود و زبانه اش فرزندی بود و بوقت گذاردن حکم مغربی رحمۃ
اللہ علیہ گوید قبان در خواب قاضی بود و اگر بیند که قبانی داشت دلیل که با وکیل قاضی او را صحبت افتد و اگر
قبله
بیند که بقبان چیزی می سخت دلیل که قاضی را با او صحبت افتد **قبله** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید

اگر بیند که قبله بگذاشت و بجانب مشرق نماز گذارد دلیل که براه حضرت رسول علیه السلام میل ندارد و اگر بیند که قبله نشناخت دلیل
که در راه دین سرگشته و متحیر گردد **قبه** گنبد بود و در حرف کاف بیان کنیم **قدح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که قدح آب با جلاب داشت و از آن بخورد دلیل که زن بخواهد یا کنیزک خرد و فرزند صالح و پارسا آورد و اگر بیند که آب بریخت
و قدح بماند دلیل که فرزند بمیرد و زن بسلامت باشد و اگر بیند که قدح شکست و آب بریخت دلیل که فرزند و زن هر دو بمیرند
و اگر بیند که قدحی بود از آن بخورد دلیل که او را فرزندی بدکردار آید و از وی محنتی بدو برسد و اگر قدحی تهی بخواب بیند دلیل که او را
فرزندی نباید جعفر صادق رضی الله عنه گوید قدح در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم که مشترک خوارج
خانه بود **قدید** ابن سیرین رضی الله عنه گوید قدید در خواب اگر گوشت گوسپند بود دلیل بر غنیمت بود و اگر گوشت اسپ
بود دلیل که غنیمت مردم سپاه بود و اگر گوشت چارپایان دشتی بود غنیمت مردم بیابانی بود و خوردن گوشت قدید خیر
نباشد **قرآن خواندن** در خواب دلیل بر حاکم است اگر بخواب بیند که آیت رحمت و بشارت بود از حق سبحانه
و تعالی بر وی واجب بود که خیرات کند و شکر حقتعالی جل و علا بگذارد و اگر بیند که آیه عذاب میخواند دلیل که از خشم و غضب
خدای تعالی عز و جل بود توبه کردن باید و بخداوند تبارک و تعالی بازگردیدن و اگر بیند که آیت از قصص و امثال میخواند
دلیل که معصیت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که نیمه قرآن میخواند دلیل که یک نیمه از عمر گذشته بود و اگر بیند
که حافظ قرآن شد دلیل که امانت نگهدارد و اگر بیند که آواز قرآن همی شنید دلیل که کارش در راه دین نیکو گردد و اگر بیند که
کسی قرآن بر وی میخواند و او از آن هیچ فهم نمیکرد دلیل که غم و اندوه بخاطر وی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جمله
قرآن ختم کرد دلیل که مرادها یابد و بعضی از معبران گویند عمرش بآخر رسیده باشد و اگر بیند که قرآن بآواز بلند میخواند دلیل که
کارش بلند شود و میان مردم معروف گردد و اگر بیند که یاد دارد که کدام آیه میخواند دلیل که تفسیر آیه تعبیر وی باشد اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چهار یک قرآن میخواند دلیل که کار وی نیکو گردد و اگر بیند که از اعراف تا مریم بخواند دلیل که در میان خلق
مشهور گردد و اگر بیند که از زمر تا سوره الناس خواند همه حاجات وی بر آید و اگر بیند که تمام سی پاره قرآن خواند دلیل که سال و
ماه بر وی مبارک باشد و اگر بیند که هفت سی پاره قرآن خواند دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر کسی قرآن خوان نبود و بخواب بیند
که قرآن میخواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد قوله تعالی اقراء کتابك کفی بنفسك الیوم علیك حسیبا اگر بیند که [illegible]
بود و قرآن میخواند دلیل که هوادار بود و اگر بیند که بجایگاه پاک و پاکیزه میخواند دلیل که در اعتقادش خلل پیدا شده باشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید قرآن خواندن در خواب بر چهار وجه بود یکی سلامتی یافتن از آفتها دوم توانگری بعد از درویشی سوم مراد و کام
دل یافتن چهارم بیداری و پرهیزکاری فرمودن کسانی را که مستور باشند روز قیامت حجت مر ایشان را
بعذاب و عقوبت **قربان کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که اشتر یا گاو یا
گوسپند قربان کرد دلیل که اگر بنده بود آزاد شود و اگر در رنج و بلا و زحمت گرفتار بود شفا یابد و اگر در بند بود خلاصی یابد

قبه
قدح
قدید
قرآن خواندن
قربان کردن

واگر درویش بود توانگر گردد واگر ترس دارد ایمن گردد واگر وام دارد وامش گذارده شود واگر حج نکرده باشد بگذارد واگر بیند که بصحرا بجهت قربان رفته بود دلیل که آن قوم اگر از چیزی ترسند ایمن گردند واگر محبوس باشند خلاصی یابند واگر قحط و تنگی بود بفراخی بدل شود وخاصه که این خواب نزدیک عید قربان باشد تاویلش زود تر اثر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت قربانی بمردم قسمت میکرد دلیل که مردی محتشم آنجا بمیرد ومالش را قسمت کنند واگر بیند که گوشت بدزدید دلیل که برخداوند تعالی عزوجل دروغ گوید وقربان در خواب بشارت بود قوله تعالی وبشرناه باسحق نبیا من الصالحین وبارکنا علیه وعلی اسحق اگر خداوند خواب زن بود حامله پسر صالح آرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید تاویل قربان در خواب بر شش وجه بود یکی ایمنی از ترس دوم حاصل شدن مراد وحاجات سوم خیر وبرکت چهارم تا ششم زوال قحط و تنگی

قرابه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قرابه در خواب کنیزک بود که مال وخواسته بد وسپارند واگر در قرابه آب یا جلاب یا چیزیکه خوردنش حلال بود بیند دلیل که آن کنیزک حلال خوار بود واگر بیند که در قرابه چیزی بود که مستی کند دلیل که آن کنیزک حرام خوار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قرابه داشت دلیل که او را با کنیزکی صحبت افتد واگر بیند که از قرابه آب یا جلاب خورد دلیل که او را از کنیزکی خیر ومنفعت رسد واگر از قرابه چیزی ترش خورد دلیل که غم واندوه خورد واز قرابه تهی هیچ خیر وشر نرسد واگر بیند که قرابه بشکست دلیل که از آن کنیزک جدا گردد

قرنفل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قرنفل در خواب ثنای نیکو بود واگر بیند که قرنفل بسیار داشت وبهر کس عطا داد دلیل که اهل آن دیار بروی ثنا گویند ونامش به نیکی منتشر گردد واگر بیند که قرنفل میخورد دلیل که او را غم واندوه ومصیبت رسد

قز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قز وابریشم چون سپید باشد دلیل بر نعمت این جهانی باشد واگر زرد بود دلیل بر بیماری کند ودیدن ابریشم پخته بهتر از خام بود واگر بیند که ابریشم یا قز او بسوخت یا ضایع شد دلیل که ویرا زیانی رسد واگر بیند که قز وابریشم داشت وسفید بود وملک وی بود دلیل که خیر ومنفعت یابد واگر سبز بود بهتر باشد واگر سرخ بود مردانرا بد باشد واگر سیاه یا کبود بود دلیل بر غم واندوه باشد واگر بیند که از هر رنگی ابریشم داشت دلیل که او را از هر رنگی متاع حاصل شود وابریشم مردان را در دین مکروه بود وزنان را نیک باشد

قسط ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قسط در زیر خود می سوخت ودود میکرد دلیل که مردم آن ولایت او را مدح وثنا گویند ونامش در آن دیار به نیکی منتشر گردد واگر دود کنده وناخوش بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قسط میخورد دلیل که غمگین شود

قسمت کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند میان گروهی چیزی قسمت میکرد دلیل که میان خلق انصاف نگاهدارد واگر بیند که مال خود بخیر وصلاح قسمت کرد دلیل که او را فرزندان آید ومال بر ایشان قسمت کند واگر بیند که مال خود بشر وفساد قسمت میکرد دلیل که مال وی تباه شود واگر بیند که مال کسی برضای او قسمت میکرد اگر بصلاح یا فساد بود دلیل که خیر وشر آن بوی باز گردد

قصاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قصاب چون مجهول باشد ملک الموت بود واگر بیند که قصاب

در سرائی یا در کوچه آمد دلیل که در آنجا کسی بمیرد و اگر بیند که او قصابست و قصاب نبود دلیل که کسی را کشد و اگر بیند که با قصاب همراهی کرد دلیل که او را با ظالمی صحبت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصابی کرد و قصاب نبود دلیل که غم و اندوه از وی زایل شود و اگر بیند قصاب بود خون حق ریزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصاب مجهول در خانه وی در آمد یا در کوچه در آمد دلیل که در آن موضع مرگ مفاجات پیدا شود **قصه گفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قصهٔ مجهول میخواند دلیل که از ترس و بیم ستمکاران ایمن شود قوله تعالی فلما جاءه وقص علیه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمین کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را قصه می گفت دلیل بر خیر و صلاح بود اگر نیک میگفت و اگر بد میگفت دلیل بر شر و فساد کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصه میگفت دلیل که کارش نیکو شود و مرادش حاصل گردد و قصه گوی در خواب مردی نیک محضر بود **قضیب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قضیب شاخ درخت بود که در خواب بیند اگر کسی بخواب بیند که شاخ درخت تازه و باریک بود و بدو دادند و آنکس معروف بود دلیل که او را از آنکس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بیند که شاخی باریک و خشک بود دلیل که چیزی بوی نرسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درختی که ثمرش میوه او بود و بدو دادند دلیل که از آنکس بدو غم و اندوه رسد و اگر از درخت شیرین بود دلیل که خیر و منفعت یابد **قطایف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قطایف بشکر و بادام کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بمغز جوز و و شاب بود دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطایف در خواب بر چهار وجه بود یکی سخن خوش دوم مال حلال سوم منفعت چهارم منفعت بیرنج **قطران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قطران در خواب مال حرام بود و اگر بیند که قطران داشت و از آن بکی خورد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که تن یا جامه وی بقطران آلوده بود دلیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بسبب مال در بلا و محنت افتد و اگر بیند که قطران از خانه بیرون انداخت دلیل که توبه کند **قفا خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بر قفای خود موی بیند دلیل وام دار شود و اگر بیند که موی از قفا ستره بود دلیل که وام که دارد گذارده شود و اگر بیند که بر قفای او سیلی کسی زد چنانکه آماس کرد دلیل که بیم او را هم کسان او را منفعت بود و اگر بیند که بیگانه بر قفای او سیلی زد دلیل که منفعت از بیگانه یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی چندان سیلی بر قفای او زد که خون روان شد دلیل که او با کسی داوری کند و زیانش رسد و اگر بیند که قفای خود بدرید دلیل که عیالش بروی خیانت کنند و اگر بیند که بر قفای خود حجامت کرد دلیل چیزیکه خریده باشد قباله نویسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رویش بقفا گشت دلیل که با مردم منافقی کند **قفص** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قفصی داشت دلیل که در جائی گرفتار شود و معبران گویند که او را با کسی از خویشان در زندان کنند و اگر بیند که قفص بشکست یا ضایع شد دلیل که از تنگی زندان خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قفص در خواب

بر سه وجه بود یکی زندان دوم جای تنگ سوم سرای نخاس **قفل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قفل در خواب دلیل بر راست شدن کارهای دینی و دنیاوی بود و اگر بیند که قفل زود بگشاد دلیل که کارها بر وی گشاده شود و شاید که حج اسلام بگذارد و اگر بیند که قفل نتوانست گشود دلیل که کارش دیر گشاده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قفلی محکم بر جای نهاد دلیل که مال خود بمصلح سپارد و اگر بیند که قفلش سست و ضعیف بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قفل در خواب بر شش وجه بود یکی ساختن کار دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم زن ششم اعتماد بر کسی مصلح داشتن **قلعه** دز بود در حرف دال ذکرش رفته است **قلم** معبران در تاویل قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قلم امر حق است و خدای تعالی را بقلم و لوح محفوظ نیاز نیست مغربی رحمة الله علیه گوید قلم فرشته ایست که بفرمان خدای تعالی جلّ و علا کار کرد و اگر کسی قلم را بدان صورت که هست بیند دلیل که او را با پادشاهی عاقل کار افتد و حقتعالی جلّ و علا قلم را یاد کرده است ن والقلم وما یسطرون اگر بیند که قلم بر دست گرفت دلیل که او را فرزندی فاضل آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر آن قلم که بر دست داشت چیزی نبشت دلیل که علم آموزد قوله تعالی علّم الانسان ما لم یعلم جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قلم در خواب بر پنج وجه بود یکی امر حقتعالی دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردارها پنجم قلم را خامه گویند و شرح آن در حرف خا یاد کردیم **قلیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قلیه که با آب پخته باشد بهتر از آن که بی آب پخته باشد و هر چند که قلیه لطیفتر و خوشتر بود منفعت آن بهتر باشد و اگر قلیه از گوشت گاو فربه باشد و خورد دلیل که در آن سال از ترس و بیم ایمن بود و اگر از گوشت بره یا بزغاله خورد دلیل که مالی اندک یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قلیه از گوشت اسب بود و خورد دلیل که مال از پادشاه برنج و سختی بدست آرد و اگر از گوشت اشتر خورد دلیل که مال از مردی بزرگ بدست آرد و اگر قلیه از گوشت ماهی خورد دلیل که از جهت زنان بکرمال بدست آرد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که قلیه از گوشت چهارپائی خورد که گوشت وی حرام است دلیل که مال حرام خورد **قمع** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قمع کوچک در خواب غلام و کنیزک بود و قمع بزرگ وی مرد پرکننده بود و اگر بیند که قمع کوچک بخرید یا کسی بوی داد دلیل که غلام یا کنیزک کوچک بخرد و اگر بیند که قمع او بشکست یا ضایع شد دلیل که او را از صحبت چنین مردی مفارقت افتد و اگر بیند که قمع او سیمین بود دلیل که او را با مردی نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بیند که قمع او آهنین بود دلیل که با مردی قوی رای شجاع صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد **قند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قند خورد دلیل که تعجیل کاری کند که از آن کار پشیمان شود و اگر بیند که کسی پارهٔ قند در دهان او نهاد دلیل که او را بوسه دهد و اگر بخروار قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که قند میفروخت دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن بود **قندیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قندیل افروخته توفیق عبادت بود خاصه که روشن بود و اگر

کسی بخواب بیند که درخانهٔ وی قندیل افروخته آویخته بود دلیل که زنی صالحه پارسا بخواهد و اگر این خواب زنی بیند طاعت و عبادت بسیار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید قندیل افروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خواستن دوم توفیق سوم عز و دولت چهارم گشایش در کارهای بسته و قندیل نا افروخته دیدن منفعت اندک بود **قنوت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که قنوت خواند دلیل که مردم مدح و ثنا گویند و حاجتش روا گردد و اگر مرد مصلح و پارسا در خواب خواند دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بیند که مصلح بود از درگاه حقتعالی حاجتهای او برآید و اگر بیند که مفسد بود دلیل که از بزرگی کارهای دنیا بوی برآید **قنینه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قنینه در خواب خادمی بود که کلید خانه بدو سپارند اگر کسی بخواب بیند که قنینه داشت و در وی آب بود یا جلاب یا چیزیکه خوردن او حلال بود و آن میخورد دلیل که مال حلال یابد و اگر در قنینه چیزی حرام بود و از ان میخورد دلیل که او را از آن خادم چیزی حاصل شود و اگر بیند که قنینه بشکست یا ضایع شد دلیل که خادم او بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید قنینه در خواب خادمی بود که چیزها بر دست وی باشد **قیامت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که قیامت بود دلیل که حق سبحانه و تعالی در آن دیار عدل گسترده گرداند و اگر اهل آن دیار ظالم باشند دلیل که آفتی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل آن دیار مظلوم باشند دلیل که حقتعالی عز و جل ایشان را نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش حق جل و علا ایستاده بودند دلیل بر خشم و عذاب حقتعالی جل و علا باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت برخاست اگر مظلوم باشد دلیل که بر ظالم دست یابد و از غم رسته گردد و اگر بیند که علامتی پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآید یا دجال و یاجوج و ماجوج پیدا شدند باید که توبه کند و بحق تعالی گراید و اگر بیند که گورها بشکافت و مردمان بیرون آمدند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که او را برانگیختند باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی جل و علا جوید و اگر بیند که در شمار گاه بود دلیل که در غفلت بود قوله تعالی اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیان رسد قوله تعالی فحاسبناها حسابا شدیدا وعذبناها عذابا نکرا و اگر بیند که کردارها بسنجیدند و از آن وی نیکی زیادت آمد دلیل که سرانجام کار وی نیکو شود قوله تعالی فمن ثقلت موازینه فاولئك هم المفلحون و اگر بیند که بدی وی بیشتر از نیکی بود دلیل که سرانجام کار وی بد بود قوله تعالی ومن خفت موازینه فاولئك الذین خسروا انفسهم فی جهنم خالدون اگر بیند که ترازوی وی سنگین بود و نامهٔ وی بدست راست داشت دلیل که وی براه راست بود قوله تعالی وانزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط و اگر بیند که نامهٔ کردار وی بوی دادند و گفتند که برخوان اگر از اهل صلاح بود کارش نیکو شود و اگر از اهل فساد بود بر خطر باشد قوله تعالی اقرأ کتابك کفی بنفسك الیوم اگر بیند که بر صراط است دلیل که براه راست میرود و اگر بیند که بر صراط نتوانست گذشتن هم براه راست بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرج از غم سوم ظفر یافتن بر دشمنان چهارم اقبال و خاتمت با سعادت و اهل فساد را

قنوت

قنینه

قیامت

بخلاف این بود **قیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قیر داشت دلیل که بقدر آن نعمت و روزی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیر بسیار داشت و بخانه برد دلیل که بقدر آن نعمت بخانه برد و اگر بیند که قیر از خانه بیرون افکند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در قیر او آتش افتاد و بسوخت دلیل که پادشاه او را مصادره کند و مالش بستانند و اگر بیند که قیر میخورد دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی معبّران گویند که او را غم رسد **قی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قی میکرد و آسان بر می آمد دلیل که توبه کند و اگر بیند که قی نتوانست کردن یا در وقت بر آمدن با رجائی رفت دلیل که از توبه باز گردد و سر انجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زیان افتد و اگر بیند که قی میکرد و میخورد دلیل که از بخل چیزی بر عیال نفقه نکند کرمانی علیه الرحمة گوید اگر بیند که قی میکرد و طعم او ترش و ناخوش بود دلیل که بعد از توبه بر سر گناه رود و اگر بیند که بهنگام قی کردن چیزی از شکم وی بزبان آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که بلغم بر آورد دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون بسیار بر آورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که صفرا بر آورد دلیل که از رنج ایمن شود و اگر هر چه در شکم بود بر آورد دلیل که هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید قی کردن در خواب بر شش وجه بود یکی توبه دوم پشیمانی سوم نصرت چهارم از غم رستن پنجم امانت باز دادن ششم کارهای بسته گشاده شدن و اگر بیند که قی کرده و بخورد دلیل که چیزی بکسی بخشد و از آن کس باز ستاند **حرف الکاف**

کاجی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاجی بروغن کنجد و شکوفه و روغن بادام خورد دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بروغن و انگبین میخورد دلیل که بقدر آن راحت یابد و اگر بیند که کاجی بروغن و ماست میخورد دلیل که از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بیند که کاجی بچیزی ترش میخورد دلیل که بر غم و اندوه و اندیشه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاجی بچیزی شیرین میخورد دلیل که او را مال بآسانی بدست آید و اگر بیند که بچیزی ترش میخورد دلیل که غم و اندوه بود بقدر ترشی **کارد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کارد فرزند باشد و نیام کارد زن بود اگر کسی بخواب بیند که کارد در دست داشت و دانست که از آن وی است دلیل که او را فرزند آید اگر بیند که با کارد سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاحی پوشیده و کاردی در دست داشت دلیل که او را از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کاردگری آموزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کارد از نیام برکشید دلیل که زنش پسری آورد و اگر بیند که کارد در نیام بشکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشان پدرش بمیرد و اگر بیند که اندام خود را بکارد بخست دلیل که بقدر خستگی اندام او را زیان رسد و اگر بیند بکارد چیزی تراشید دلیل که از آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در کارد او رخنه افتاده بود یا زنگ گرفت یا عیبی در وی ظاهر شد دلیل که نقصان مال او بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کارد در خواب بر هفت وجه بود یکی حجت دوم فرزند سیوم ظفر چهارم پناه پنجم برادر ششم توانائی هفتم ولایت **کارزار کردن** ابن سیرین رحمة الله

علیه گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود اگر کسی بخواب بیند که کارزار میکرد دلیل که او را از علت طاعون بیم بود
واگر در کارزار دشمن را قهر کرد دلیل که از علت خلاصی یابد واگر در کارزار دشمن بر وی چیره گشت دلیل که بعلت طاعون
هلاک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کارزار با کسی بشمشیر جنگ میکرد و یکی از ایشان فرصت یافت دلیل
بر خصومت بود وآنرا ظفر بود که فرصت یافته بود واگر کارزار را به نیزه میکرد همین تاویل دارد واگر به تیر و کمان کارزار
میکرد دلیل که میان ایشان بزبان گفتگوئی شود **کازری کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کازری
میکرد و کازر نبود دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چرک جامه بتاویل غم و اندیشه بود و کازر پاک کننده چرک است
پس دلیل باز گشتن بخداوند تعالی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه در شستن بدرید دلیل که توبه بشکند واگر بیند که
جامه دریده را بدوخت دلیل که باز توبه کند واگر بیند که او شستن سفید شد دلیل که از توبه خلاصی و رستگاری یابد واگر
بیند که جامه می شست و سپید نمی شد دلیل که همواره در گناه بماند مغربی رحمة الله علیه گوید کازر در خواب مردی باشد که بر دست
وی خیرات و حسنات هر دو برود از بهر کفارت گناهان جعفر صادق رضی الله عنه گوید کازر در خواب مردی باشد که غم و اندوه
از دل مردم ببرد از این سبب معبران گویند چون کسی بخواب بیند که جامه می شوید دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و از گناهان توبه
کند خاصه که جامه را سپید شوید **کار دنیا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کار دنیا میکرد دلیل
بر فساد و نقصان دین وی بود واگر بیند که کار دین میکرد دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال آنجهانی نیک بود
واگر بیند کارهای دنیاوی آراسته شد دلیل که اجلش نزدیک باشد واگر بخلاف این بود عمرش دراز باشد
واگر بیند که بکاری مشغول بود که او را و غیر او را از آن منفعت نبود دلیل که بکاری مشغول شود که در آن خیر
و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که با مردی بکاری می شد و در راه بنشست دلیل که
مخالف دین بود قوله تعالی فرح المخلفون بمقعدهم خلاف رسول الله **کاروان**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که با کاروان در راه بود و اهل آن کاروان مصلح و پارسا بودند
دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود واگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند تاویلش بخلاف این بود واگر
بیند که سوار بود و برگ تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود واگر بیند که در کاروان پیاده بود و برگ
نداشت تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می آمد دلیل که کارها بروی
گشاده گردد واگر بخلاف این بیند دلیل که کارها بروی بسته گردد **کاریز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
در خواب بیند که در جایگاهی معروف کاریزی میکند دلیل که با کسان خود مکر و حیلت سازد و این تاویل وقتی
بود که بکندن کاریز آب پیدا نشود و چون آب پدید آید و روان گشت حکم کاریز کندن معین نگاه دارد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که از کاریز آب همی ستند دلیل که بمکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کاریز وی کنده باشد منفعت بقدر

آنکه از وی بردارد بوی رسد و اگر بیند که آب از کاریز برداشت و در خم ریخت یا در سبو کرد دلیل بر مالی باشد که خرج کند و
اگر بیند که در کاریز افتاد دلیل که در مکر و حیلت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باغ را از کاریز آب میداد دلیل که
با زن خود مجامعت کند و کاریز دیدن در خواب مردی بود که کارهای دنیا بمکر و حیلت ساز کند **کاسه** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید کاسه چوبین چون در وی خوردنی بود و بخورد بقدر آن از سفر روزی حلال یابد و کاسهٔ
سفالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فرو ماندگی و بیچارگی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید کاسه طعام خادمی
بود بابرکت و منفعت که بر دست وی خیرات رود و مال بوقت صلاح قسمت کند و کاسه زرین و سیمین که
در وی خوردنی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شبهتی بود و کاسهٔ آبگینه
دلیل بر آن کند و کاسه تهی دلیل بر مفلسی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و
شیرین داشت دلیل که نعمتی و مالی یابد و اگر چیزی ترش و ناخوش بیند دلیل بر غم و اندیشه بود **کاغذ**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاغذ در خواب مال و بزرگی بود و اگر بیند که کاغذ سفید و پاکیزه داشت دلیل که بقدر
آن مال و بزرگی یابد و اگر بیند که کاغذ وی در آب بزیان رفت یا بسوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال او
نقصان شود کرمانی رحمة الله علیه گوید کاغذ در خواب علم و دانش بود اگر خداوند خواب پارسا بود و اگر بیند که
کاغذ بسیار داشت دلیل که در فضل و علم شهرت یابد و اگر خداوند خواب مفسد و جاهل بود تاویلش بخلاف این بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاغذ در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم
مکر و حیلت **کافور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کافور در خواب دلیل بر نفس پاک و راست بود در راه
حق اگر بیند که کافور می سوخت و از آن بوی ناخوش می آمد دلیل که نیکوئی کند با کسی و از آن منت ندارد و اگر بیند
که اندکی کافور یافت دلیل که بشارت شادی یابد و اگر کافور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یابد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن کافور در خواب بر هفت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کنیزک خوبروی
پنجم مال بسیار ششم ثنا و آفرین و سخنهای خوب هفتم رامش نفس **کافور سیرغم** نباتیست که شکوفه او زرد بود
و از وی بوی کافور آید و اگر بیند که در زمین او رسته بود دلیل که مدح و ثنای او در زبان مجموع مردم باشد و اگر بیند که کافور سیرغم از
جائی برکند دلیل که از آن موضع ثنای او منقطع شود و اگر بیند که کافور سیرغم میخورد دلیل که او را غم و اندوه رسد جعفر صادق رضی الله
عنه فرماید دیدن کافور سیرغم در خواب بوقت خویش بر سه وجه بود یکی ثنا و آفرین دوم نفع اندک سوم سخن لطیف شنیدن و گفتن **کافر**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کافر شده است دلیل که او را بملت کفر میل باشد و اگر بیند که گبر
شد و آتش می پرستید دلیل که بخداوند تعالی عاصی شود و اگر بیند که آتش نور و شعاع نداشت دلیل
که مال حرام جوید و دین خود را بمال حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کافر در خواب

برسه وجه بود یکی میل بکفر داشتن دوم صحبت با مردم داشتن و بابد اعتقادان نشست وخاست کردن سوم خذلان
خداوند تبارک وتعالی بروی **کام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کام وی چنان دراز شد که گلوی از درازی او
بسته شد دلیل که بدنیا حریص بود ومردم را غیبت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کام بالائی وی بزیرین لب بود دلیل
که کارها بروی بسته گردد واگر بیند که کام او دراز شده بود و ببرید وبینداخت دلیل که بترک حرص وآز بگوید ومردم را
غیبت نکند **کامه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کامها در خواب جمله دلیل بر غم ومعصیت بود واگر بیند که کامه میخورد
دلیل که بقدر آن رنج واندوه بوی رسد واگر کامه بکسی داد واو بخورد دلیل که آنکس ازوی رنجور دل گردد و غم و
اندوهش کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کامه در خواب خوردن برسه وجه بود یکی غم واندوه دوم مضرت سوم
خصومت وگفتگوی **کاه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاه در خواب مال ونعمت بسیار بود خاصه که کاه گندم
باشد واگر بیند که کاه بسیار داشت ودر خانه میکشید دلیل که مال ونعمت حلال بسیار حاصل کند واگر بیند که کاه جو
بود آنچه گفتیم کمتر از آن باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاهدانی رفت ودانست که ملک اوست دلیل که توانگر
شود ومراد دو جهانی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کاهدان افتاد وکاه او بسوخت دلیل که
پادشاه او را مصادره کند ومال خواسته ازوی بستاند واگر بیند که چهارپائی کاه میخورد دلیل که چهارپال خود تلف
کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاه در خواب برسه وجه بود یکی مال حلال دوم کسب معیشت سوم کام دلها
وشادی **کاهو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاهوی شیرین بوقت خود میخورد دلیل بر غم واندیشه
بود واگر بیند که کاهوی تلخ بود دلیل که مضرت وزیان بیند واگر بیند که کاهوی تلخ ونیکو بود دلیل که باکسی گفتگوی کند
کاورس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاورس میخورد دلیل که مال وخواسته یابد واگر بیند که کاورس بسیار
داشت دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند واگر بیند که کاورس بفروخت دلیل که او را مضرت رسد کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که کاورس بود دلیل که مالی اندک یابد وخیر ونفع در او اندک باشد **کاو** دانیال علیه السلام گوید اگر کسی
بخواب بیند که بر کاو نشسته بود وکاو از آن او بود دلیل که از پادشاه عمل گیرد ونفع بسیار ازوی بیابد خاصه
چون کاو سیاه باشد واگر کاو زرد بیند دلیل که بیمار بود واگر بیند که کاوی نر از در خانه وی در آمد دلیل
که حق تعالی در خیر وروزی بروی گشاده گرداند لیکن اندوهش سپری نگردد واگر بیند که کاوان نر بسیار
داشت دلیل که غلامان بسیار زیردست وی شوند واو در کار ایشان سعی کند واگر بیند که کاوی نر او را
بیرون برد واز منزلش بیرون برد دلیل که از غلامان او را مضرت رسد واو خود را معزول گرداند
واگر بیند که کاو او را سه سرون بود وهر سرونها بموضع سر بود دلیل که بعدد هر سرونی غلامش یکسان عمل وی
کند واگر در اندامی از اندامهای وی افزون بیند دلیل که عمل او افزون شود واگر نقصان بیند تاویلش بخلاف

این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید گاو نر در خواب عمل بود و پوست او میراث عامل بود و دم گاو و خرید و فروخت نیز عامل بود و اگر بیند که دنبال گاو نر در سرای در آمد دلیل که مال بسیار یابد و روزی او فراخ شود و اگر در کوچه خویش گاوان بسیار بیند دلیل که مهتر گردد و در کار او خیرات و برکت پدید آید و اگر گاوی نر او را بیرون برد و بینداخت اگر بیننده خواب صاحب عمل بود دلیل که معزول گردد و اگر بازرگان بود دلیل که زیان کند و اگر پادشاه بود از ملک بیفتد و اگر بیند که گاو بیرون برد و او بیفتاد دلیل که کسی بروی شرف و بزرگی کند و در عزل وی کوشد معبر را رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گاو نر از میان گاوان بکشتند و قسمت کردند و گاوان عامل بود دلیل که مردی بزرگ از آن کوچه بکشند و اگر بیند که گاو را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که خداوند گاو را هلاک کند و مالش بستاند و اگر بیند که گاوی بشکست کرنگاه او بود دلیل که مردم محتشم در آن موضع بمیرند و اگر گاوان بسیار نر و ماده مختلف بیند که در آن موضع آمده شد میکردند دلیل که مردم آن موضع در آن سال بیماری کشند چون لاغر باشند و اگر گاو فربه باشد دلیل فراخی و ارزانی بود و اگر بیند که گاوان زمین را می شکافتند دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با گاو جنگ میکرد دلیل که او را با مهتری جنگ افتد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گاو در خواب سال بود اگر ماده گاو بیند دلیل که در آن سال فراخی و نعمت بود و اگر ماده گاو لاغر باشد تاویلش بخلاف این بود و گوشت ماده گاو مال و فراخی در آن سال بود و پوست وی ذخیره باشد و اگر بیند که ماده گاو را میدوشید و از وی شیر میخورد دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده بیند آزاد گردد و اگر درویش بیند توانگر گردد و اگر آزاد بیند از مردم بی نیاز شود و اگر خواری بیند عزیز گردد و اگر بیند که ماده گاو او آبستن بود دلیل بر امیدواری بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گاو فربه بخورد دلیل که در آن سال زنی توانگر بزنی کند و اگر بیند که ماده گاوی بدوشید و از آن شیر میخورد دلیل که مال بسیار جمع کند و از آن چیزی نخورد و اگر بیند که ماده گاوی با وی سخن گفت دلیل که عیش بروی فراخ گردد و اگر بیند که ماده گاوی پیش آمد دلیل که سال بروی مبارک بود و اگر بیند که ماده گاو از وی روی بگردانید دلیل که آن سال بروی بد باشد و اگر بیند که بر ماده گاوی نشسته بود و بیفتاد دلیل که حال بروی متغیر گردد و اگر بیند که با ماده گاو جنگ میکرد دلیل که در آن سال با زنی خصومت کند و اگر بیند که ماده گاو در آن زمین مراغه میکرد دلیل که در آن سال مال و نعمت یابد و اگر بیند که ماده گاو او را بگزید دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که ماده گاو ناگاه در خانه او در آمد دلیل که ناگاه مال یابد و بغم گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماده گاو در خواب بر شش وجه بود یکی فرمان روائی دوم مال سوم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکوئی ششم سال نیکو **گاو دشتی** کرمانی رحمة الله علیه گوید گاو دشتی در خواب مردی توانگر بود با مال بسیار و اگر بیند که در شکار گاو دشتی بگرفت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که دو گاو دشتی با یکدیگر جنگ میکردند دلیل که دو فاسق با هم جنگ کنند و ماده گاو

گاو دشتی

دشتی بنا دیدن زن بود و اگر بیند که گوشت ماده گاو دشتی میخورد دلیل که از جهت زنان مال حاصل کند و اگر بیند که بچه گاو دشتی
بگرفت دلیل که او را فرزندی آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گاو دشتی میخورد دلیل که قوت و دولت یابد و اگر بیند
که گاو دشتی شاخهای بسیار داشت دلیل که بهر شاخی او را دولتی و قوتی بود **گاومیش** ابن سیرین رح گوید که گاومیش
در خواب مردی باقدر بود که از و مردم منفعت رسد خاصه چون مطیع بود **گاوچشم** گیاهیست دیدن آن در خواب کنیزک
نیکو بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که شکوفه گاوچشم از درخت بکند و بشوهر داد دلیل که او را طلاق دهد
و اگر بیند که شکوفه گاوچشم کند و بغلام داد دلیل که غلام بگریزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گاوچشم بوقت خویش بر درخت
بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیوقت بیند بد باشد و اگر پژمرده بیند فرزندش بیمار شود و اگر فرزند نبود غمگین شود و
باشد که او را زیان رسد **گاوزبان** از انواع نباتست و برگهای وی درشت باشد ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید خوردن گاوزبان در خواب جنگ و خصومت بود و در خوردن و دیدن آن خیر نبود **گوشت پخته**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوشت پخته در خواب بهتر از گوشت کباب بود و اگر بیند که کباب از گوشت گوسپند میخورد
دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر کباب گوشت گاو بود دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر
کباب از گوشت میخورد دلیل که از مردی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که از گوشت چهارپای وحشی کباب میخورد
دلیل که او را منفعت و خیر از بزرگان بیابد برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید گوشت کباب و بریان در خواب دلیل بر
منفعت کند **کبر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کبر جمع میکرد دلیل که اندوهگین شود خاصه که بهنگام خود بود
و اگر بیند که کبر میخورد دلیل که غم و اندوهش صعبتر بود و در خوردن کبر هیچ منفعت نبود **کبر شدن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کبر شد دلیل که خواستگار دنیا بود نه طالب آخرت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که کبر شد و در کنشت جای گرفت دلیل که صحبت با اهل بدعت و بددینان دارد و تابع اهل فساد و هوای
نفس باشد و اگر بیند که از کبری پشیمان شده و مسلمان شد دلیل که توبه از گناه کند و بخدا تعالی باز گردد و بکار خیر
مشغول شود **کبک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کبک در خواب زنی خوبروی بود و یا کنیزک با جمال و اگر بیند که
که کبکی را بگرفت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کبکی را بدو بخشیدند دلیل که از بهر وی زنی خوبروی بخواهند و اگر بیند که
کبکی شکار بگرفت دلیل که کنیزکی خوب بدست آورد و اگر بیند که گوشت کبک میخورد دلیل که او را لباس نو حاصل شود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گلوی کبکی ببرید دلیل که دوشیزگی کنیزک ببرد مغربی رحمة الله علیه گوید کبک نر پسر باشد و کبک ماده
زن و کنیزک ناموافق و اگر بیند که کبک از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و یا کنیزکش بگریزد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن کبک در خواب بر چهار وجه بود یکی پسر دوم دوست سوم رامش چهارم کام دل و مراد **کبوتر**
دیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کبوتر در خواب زن بود یا کنیزک اگر کسی بخواب بیند که کبوتر بگرفت دلیل که زن خواهد

گاومیش
گاوچشم
گاوزبان
گوشت پخته
کبر
کبر شدن
کبک
کبوتر

و او را دختری آید و اگر بیند که کبوتر بسیار بگرفت دلیل که بعدد کبوتر زنان خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که گوشت کبوتر میخورد
دلیل که از مال زنان فایده یابد و اگر بیند که کبوتر بچگان بگرفت دلیل که از زنان منفعت یابد و بعضی معبّران گویند که کبوتر بچه
غم و اندوه بود از قبل زنی که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کبوتر بسیار در خانه او بودند دلیل که او را
فرزندان بسیار شوند و نیز گویند که او را مال بسیار از جهت زنان حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید که کبوتر در خواب
زنان آزاد بودند اگر بیند که کبوتر کسان بحیلت بگرفت دلیل که بقدر آن مال بمکر و حیلت حاصل کند و اگر بیند که کبوتر
از هوا پیش وی آمد و مطیع وی شد دلیل که از جائی که امید ندارد وبدو منفعت رسد و اگر بیند که کبوتری را طعام داد
دلیل که زنی را سخن تلقین کند و اگر بیند که کبوتران بسیار جمع شدند و دانست که ملک اوست دلیل بر ریاست
و سروری کند و بهترین کبوتران در خواب آن باشد که سفید بود و اگر سبزفام باشد و خداوند خواب زن باشد دلیل
که شوهری کند یا او را دختری زاید و کبوتر بازی در خواب کار باطل بود و نیز گویند کبوترخانه در خواب جای زنان باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید کبوتر در خواب بر پنج وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم مال چهارم نامهٔ غایب پنجم ریاست
و معبّران گویند کبوتر در خواب هر کبوتری درم بود که بیابد **کتاب خواندن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
کسی در خواب بیند که کتاب تفسیر میخواند دلیل که در راه دین و زهد گراید و کارهای بسته بروی گشاده گردد و اگر
بیند که کتاب فقه میخواند دلیل که از کارهای ناکردنی باز ایستد و اگر بیند که کتاب اخبار میخواند دلیل که نزد پادشاه
صاحب رای شود و اگر بیند که کتاب اصول میخواند دلیل که بکاری مشغول شود که منفعت برنج حاصل کند و اگر بیند که کتاب
توحید میخواند دلیل که بعلما مشغول شود و اگر بیند که در آن فایده دینی باشد و اگر بیند که کتاب فضایل میخواند و تسبیح و تهلیل
میخواند دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود و اگر بیند که کتاب قصص میخواند دلیل که بر سخن اولیا و انبیا حریص بود
و اگر بیند که کتاب نجوم میخواند دلیل که صلاح این جهانی او را حاصل شود و اگر بیند که کتاب نحو و اداب میخواند دلیل که بشغل دنیا
مشغول گردد و مردم او را شکر و ثنا گویند و اگر بیند که کتاب رسایل میخواند دلیل که بصلاح کدخدائی مشغول گردد و
اگر بیند که کتاب طبایع میخواند دلیل که در طلب چیزها و شناختن چیزها مشغول گردد و اگر بیند که کتاب شعرها میخواند
اگر غزل و مدح بود دلیل که بکاری مشغول شود که مردم او را ملامت کنند و اگر نعت و توحید میخواند دلیل که نیک باشد
و اگر بیند که کتاب تعبیر میخواند دلیل که بحدیثی بزرگ بر مهتری منت نهد و از وی چیزی یابد و اگر بیند که کتاب هدایه میخواند دلیل که بعلمی مشغول
شود که مردم او را دانا خوانند و لیکن دین را سود ندارد و اگر بیند که کتاب مصاحب و قضا میخواند دلیل که بسفر رود و از آن سفر منفعت یابد و اگر بیند که
کتاب حساب میخواند دلیل که همواره اندوهگین بود و اگر بیند که کتاب مضاحک و فسانه میخواند دلیل که کاری کند که از آن زشت‌نام شود و اگر بیند که
کتاب هجو و عیب میخواند دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام گردد **کتان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کتان
در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده باشد و منفعت کمتر از پنبه باشد چنانکه در حرف جیم یاد کردیم

کتاب خواندن

کتان

جامه کتان در خواب مبارک بود و اگر بیند که تخم کتان میخورد دلیل که مالی تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم منفعت سوم شغل **کتف** در خواب آهستگی مرد و جمال وی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کتف وی درست بود دلیل بر زیادتی مال و جمال باشد و اگر کتف شکسته و ضعیف بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کتف را درست و قوی بیند امانت گذارد و اگر ضعیف بیند در امانت گذارده ماند و اگر کتفهای وی موی بسیار بود دلیل که امانت و حق مردم در گردن او باشد و اگر کتف از موی پاک بیند دلیل که امانت بگذارد و بعضی معبران گویند اگر بیند که بر کتف موی داشت از جائی که خبر ندارد مال یابد **کتیرا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کتیرا داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن فضله از مردی بخیل بوی رسد و اگر بیند که کتیرا میخورد دلیل که مالی بخورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کتیرا در خواب بر سه وجه بود یکی فضله مال مردم دوم نفع اندک سوم کاری بود که اندک منفعت بخداوند خواب برسد **کج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کج در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیند که کج داد دلیل که در جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که کج کسی داد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید کج در خواب سختی باشد و هر بنیاد که از کج درست بیند همه بد باشد زیرا که همه با آتش پخته اند و اگر بیند که کج میخورد دلیل که بیم هلاک او بود **کحال** هر که کحال را بخواب بیند دلیل بر صلاح کار کند و تنها کند و راه نمودن بکارهائی که در آن گمراه باشند و اگر بیند که کحالی میکرد و داروی او بر چشمها نافع بود دلیل که خلق را براه صلاح خواند و گمراهانرا راه نماید و مردم را از وی منفعت حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کحالی میکرد دلیل که دوستانی که از هم جدا باشند جمع کند و میان مردم صلاح جوید و اگر داروی وی نافع نبود تاویلش بخلاف این بود **گدائی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گدائی میکرد و چیزی میخواست دلیل که او را خیر و منفعت بسیار برسد و با هر کس زندگانی بلطف کند الا مردم او را ملامت کنند و اگر بیند که از درها چیزی میخواست و کسی او را چیزی نداد دلیل که کار بر وی بسته گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گدائی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم معیشت چهارم عز و جاه **کدو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کدو بوقت خود اگر کسی بخواب بیند که در خانه او درخت کدو بود دلیل که جاه و رفعتش افزون شود و اگر بیمار بیند شفا یابد و اگر بنده بیند آزاد گردد و اگر کافر بیند مسلمان گردد و اگر مسافر بیند بسلامت بوطن خود برسد و اگر فاسق بیند توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کدوی داشت دلیل که از زنی پارسا منفعت یابد و اگر بیند که درخت کدو از بن بر کند دلیل که از زنی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که کدوی پخته میخورد دلیل که حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید کدو در خواب بر سه وجه بود یکی عز و جاه دوم نعمت و مال سوم نظام کارها **کر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کر در خواب مال و خواسته بود و اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی کر پدید آمد و او را اندک خارشی میکرد و در کر ریم بود دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کر داشت

وجمله از تن وی فرو ریخت و ناپدید شد دلیل که مال جمع کرده او تلف شود و بعضی معبران گویند که اگر اندام وی تیره و سیاه
بود دلیل بر مالی که جمع کند از حرام بود **کرباسو** جانوریست دیدن وی در خواب مردی بود که در میان خلق و مردم فساد
اندازد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کرباسو را گرفت دلیل که مردی بزرگ بخویشتن نزدیک کند
و اگر بیند که کرباسو از وی بگریخت دلیل که آن مفسد از وی بگریزد و اگر بیند که کرباسو را بکشت دلیل که آن مفسد را حالی
تباه شود و اگر بیند که گوشت کرباسو میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام از مردی مفسد خورد **گربه** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید گربه در خواب دزد مفسد بود و اگر کسی بخواب بیند که گربهٔ معروف بخانه وی در آمد دلیل که دزدی
معروف بخانه او در آید و اگر گربهٔ مجهول بود دزدی بیگانه بود و اگر بیند که از خانه چیزی بخورد یا ببرد دلیل که دزد از خانه
وی چیزی ببرد و اگر بیند که گربه را بکشت دلیل که دزد را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت بخورد و پوست
از وی بستد دلیل که بقدر آن مال دزدی او را حاصل شود و اگر بیند که با گربه جنگ میکرد و گربه او را بخراشید دلیل که بیمار
شود و اگر گربه را قهر کرد دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر گربه او را بگزید دلیل که بیماری بروی دراز گردد و بعضی از معبران گویند
گربه بتاویل خادم بود دانیال علیه السلام گوید کسی نباشد که گربه بخواب بیند بعد از صحیح الاشش روز بیمار شود و اگر بنده
بخواب بیند که گربه بدو رسید و شیر وی بخورد دلیل که آزاد کرده و از آن خانه که آزادی یافته باشد زنی را بزنی کند و اگر
آزادی بیند که شیر گربه خورد دلیل که او را با کسی خصومت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گربه در خواب بر هفت
وجه بود یکی دزد دوم غماز سوم خادم چهارم بیماری پنجم زنی مشفق ششم حسود هفتم جنگ و خصومت **کرته** جامه کوتاه
باشد که مردم آنرا قرطق خوانند و پوشیدن آن در خواب قوت سفر بود و اگر کرته وی سبز بود از مردی پناه و
قوت یابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که کرته سفید پوشیده بود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند
که کرته زرد پوشیده بود دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که کرته کبود پوشیده بود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل که بعشرت
دنیا مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرته ابریشمین پوشیده بود دلیل که از مردی بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما در دین ضعیف بود
اگر بیند که کرته بسوخت یا ضایع شد دلیل که در پناه و قوتش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن کرته
در خواب بر چهار وجه بود یکی قوت دوم پناه سوم سفر چهارم نظام کارها **گرد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرد بر
چیزی که ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و اگر بیند که میان آسمان و زمین گرد جمع شده بود دلیل که کاری
پوشیده در آن موضع بود که از آن چگونه بیرون آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او گرد آلوده بود دلیل که او را رنج و عقوبت رسد و اگر
بیند که گرد و خاک بر زمینی که ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال خواسته یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گرد در خواب دیدن بر سه
وجه بود یکی مال دوم بلا و فتنه سوم عقوبت حقتعالی **گردن** دانیال علیه السلام گوید گردن در خواب دیدن
جایگاه امانت و جای دین بود و اگر بیند که گردن آن ستبر شد دلیل که او را قوت در امانت گذاردن و صلاح

دین و نگاه داشتن دیانت بود و اگر بیند که گردن او کوتاه و ضعیف بود دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود و اگر بیند که ماری در گردن وی حلقه شده بود دلیل که زکوٰة مال ندهد قوله تعالیٰ سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة اگر بر گردن خود گرانی بیند بی آنکه چیزی بر گردن داشته باشد دلیل که بیمار شود و اگر باری بر گردن خود بیند و هیچ گرانی پیدا نبود دلیل بر درستی دین و درازی عمر وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن وی ستبر و قوی شده بود دلیل که امانت نیکو گذارد و کارش قوی گردد و اگر گردن خود را دراز بیند دلیل که امانت در گردن وی دیر بماند و از گواهی دادن خود باز بماند و اگر گردن خود کوتاه بیند دلیل که امانتها از گردن خود زود دور کند و اگر گردن خود سیاه بیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود شکسته بیند دلیل که از مراد خود باز ماند و در دین وی خلل افتد زیرا که امانتی بزرگتر از دین نیست و اگر گردن خود را کوتاه بیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر بر گردن خود موی بیند دلیل که او را از جهت امانت گذاری وامی افتد و اگر موی از گردن خود بستر و دلیل که وامش گذارده شود و اگر گوشت از گردن بریده بیند دلیل که مال کسی با وی بود و ضایع شود و اگر گردن خود را گونه بیند دلیل که مالی در پیش وی نهاده باشند خیانت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گردن وی میخورد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بر گردن کسی نشسته بود دلیل که بر دشمن ظفر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن در خواب بر پنج وجه بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت چهارم وام پنجم بیماری

گردن بند

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن بند از مروارید سفید داشت دلیل که حق سبحانه عز و جل او را علم و کلام خود روزی گرداند و هر چند که جوهر گردن قوی تر بود علم و دانش او بیشتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن بند وی از زر بود یا از سیم مرصع بگوهرهای گرانمایه دلیل که بقدر آن شرف و بزرگی یابد و باشد که امانتی در گردن گیرد و اگر گردن بند او دراز شد دلیل که امانت بگذارد و اگر کوتاه بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن بند خود بجواهر مرصع کرده بود و یا مرصعه در گردن داشت دلیل که جاه و ولایت یابد و اگر گردن بند وی دراز بود دلیل که منزلت یابد و اگر کوتاه بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که گردن بندهای بسیار داشت دلیل که در علم بسیار کامل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن بند زرین در خواب بر شش وجه بود یکی حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت چهارم امانت پنجم معالجت ششم کنیزک و هم او گوید گردن بند زرین حج باشد و از آن سیمین کنیزک

گردن زدن

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را گردن زدند و سرش از تن جدا شد اگر بنده بود دلیل که آزاد شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر خوف دارد ایمن گردد و اگر کافر بود مسلمان شود و اگر بوقت گردن زدن سرش از تن جدا نشد تاویلش بخلاف این بود و اگر آن کس که گردن زد معروف باشد آن چیزها که گفته شد از گردن زننده بدو رسد و اگر گردن زننده کودک نابالغ بود دلیل که اگر بیمار بود بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر آنکس که گردن او زدند درست است و آزاد و توانگر بود دلیل

که از نیک بختی به بدحالی افتد و مال و نعمتش نماند و درویش شود و سرانجام کارها هلاک شود و علی الجمله کردن زدن در خواب مر درویشان و خداوندان محنت را نیک بود و مر توانگران و خداوندان نعمت را بد باشد **کرده** در خواب مال نهان کرده باشد که بیابد و خرج کند و اگر بیند که کرده پخته یا بریان کرده بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال نهان کرده بیابد و اگر کرده از جانوری که گوشت او حلال بود داشت دلیل بر یافتن مال حلال بود و اگر از جانوری که گوشت او حرام باشد دلیل که مال حرام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید کرده یافتن در خواب مال نهان کرده بود و بعضی معبّران گویند که کرده در خواب فرزند بود دلیل بسبب آنکه مایه فرزند منی است و از و بوجود می آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرده اسپ داشت و پخته میخورد دلیل که از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بیند که کرده گاو داشت دلیل که در آن سال مال و نعمت حاصل کند و اگر کرده گوسپند داشت دلیل که در آن سال مال و نعمت حلال یابد از قبل دشمن و اگر بیند که کرده های خام میخورد دلیل که مال حرام یابد و اگر کرده های بخورد آنچه کیفیتیم کمتر بود **کردون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کردون نشسته بود و کردون نیک میرفت دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که کردون بی کاوان ایستاده بود و او در کردون بود دلیل که در رنج و سختی و بیماری افتد و اگر بیند که پادشاه از کردونهای خود کردونی بدو داد دلیل که از پادشاه منزلت و بزرگی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کردون در خواب دلیل بر هشت وجه بود یکی ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم بزرگی پنجم هیبت ششم خرمی هفتم رفعت هشتم آسانی در کارها **کرسنگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کرسنگی در خواب بهتر از سیری بود و سیری آب بهتر از تشنگی بود و اگر بیند که کرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد دلیل که حرص و آزش در مال دنیا کمتر باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرسنه بود دلیل که بقدر کرسنگی او را مصیبت بود و اگر بیند که کرسنه بود و چیزی خورد و سیر شد دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد بطعم شیرین و خوش بود دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که بر توبه ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر سر معصیت رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرسنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی مضرت دوم حرص و آز سوم معصیت و گناه چهارم طمع داشتن بمردم **کرسی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کرسی بخواب علم است و از راه خرد چنین واجب کند که ایزد تبارک و تعالی جلّ و علا در کلام قدیم بیان فرموده است وسع کرسیه السموات والارض ابن عباس رضی الله عنه گوید وسع یعنی علم و ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه گوید کرسی احاطت و قدرت خدای تعالی است و بعضی معبّران گویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهدی که تقوی بکمال دارد و یا پادشاهی عادل و پرهیزکار و وافی و دانا چنانکه در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و بیننده خواب از سلطان عادل خیر و نیکی بیند و مالش زیاده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرسی در خواب بر شش وجه بود یکی عدل دوم انصاف سوم

کرده
کردون
کرسنگی
کرسی

عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان بر کرسی نشسته بود دلیل که کار او بالا گیرد و قدر و مرتبت و جاه یابد و بهمه مراد ها برسد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرّم شود و عدل و انصاف در میان خلق پیدا شود و اگر این کرسی که در وی کرمی سازد در خواب بیند دلیل کر زن باشد و اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه بستاد و بر وی نشست دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کرسی نشست دلیل که دختری دوشیزه بخواهد و اگر بیند که در زیر وی کرسی بشکست دلیل که زن وی بمیرد و اگر بیند که کرسی وی کوچک و کهنه بود دلیل که زن وی در درویشی حقیر و درمانده بود و اگر بیند که کرسی داشت اما بر وی ننشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد **کرفس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کرفس بخورد و بوقت خود بود دلیل که غمگین شود و بعضی از معبران گویند که چیزی مکروه خورد و اگر بیند که کرفس داشت اما نخورد آنچه گفتیم کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرفس در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم خصومت گفتگوی سوم خوردن چیزی مکروه **کرک** مرغی بود بقدر کبوتر و تاویل آن بزن کنند اگر کرک در خواب بیند و غریب بود دلیل که زن کند و اگر نه کنیزک خرد و اگر بیند که از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر کنیزک دارد بگریزد و اگر بیند که او را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که بقدر آن میراث زن یابد **کرکس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کرکس مهتر مرغان بود و قوی و تیز بین و دراز عمر از مرغان بود و اگر بیند که کرکسی داشت دلیل که از مردی بزرگ منفعت و بزرگی یابد و از پادشاه مال و خواسته حاصل کند و اگر استخوان یا بریان گوشت کرکس داشت همین تاویل دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرکس او را بگرفت و در هوا برد و نزدیک آسمان رسید دلیل که سفری دور کند و از آن سفر مال و نعمت بسیار حاصل کند اما دین وی بفساد بود بسبب آنکه مرده بکرکس بآسمان بر رفت و اگر بیند که کرکس او را از هوا بزیر افکند و یا خود از چنگال کرکس بیفتاد دلیل که از شرف و بزرگی بیفتد و کارش خراب شود و اگر بیند که کرکس او را بآسمان برد و آنجا مقیم ماند دلیل که بسفر رود و در آن سفر بمیرد و اگر مقیم نشد باز بزمین آمد از پادشاه بزرگی یابد و اگر نه از اهل پادشاه بود یا از اهل و خویشان خود بزرگی یابد و کرکس بی چنگال در خواب دیدن فرشته بود زیرا که فرشتگان حملة العرش بصورت کرکسانند و اگر بیند که کرکسی بالای سر وی شکار میکرد دلیل که بیننده خواب با بزرگانی کند و اگر بیند که با کرکس جنگ میکرد و او بر کرکس غالب شد دلیل که با مردی بزرگ خصومت کند و بر وی غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که دشمن او را قهر کند و اگر در خواب بچه کرکس بیند اگر زن دارد دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد دلیل که دختری دوشیزه بزرگ کند و اگر بیند که کرکس بر وی نشسته بود دلیل که او را بر دار کنند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در آن کوچه که کرکس فرود آمد دلیل که پادشاهی بهمان کوچه فرود آید و اگر بیند که در آن کوچه که کرکس بکشتند دلیل که پادشاه آن دیار معزول گردد یا هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرکس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی دوم فرمان

سوم ریاست چهارم ثنا و ستایش پنجم مرتبت ششم امر و نهی کردن **کرک** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کرک در خواب
پادشاه دروغ زن ستمکر بود و اکر بیند که با کرک جنک و نبرد میکرد دلیل که او را با پادشاه یا با کسی دشمنی بود و خصومت
کند و اکر بیند که شیر کرک میخورد دلیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی کفایت شود و اکر بیند که کوشت کرک میخورد دلیل که
از پادشاه ستمکر بقدر آن مال یابد کرمانی علیه الرحمه کوید اکر بیند که کرک را بکشت دلیل که اهل اسلام از وی روی بکردانند و
در وی هیچ خیر نباشد و بعضی کویند دشمن را قهر کند و اکر بیند که سر کرک بیافت و یا کسی بوی داد دلیل که شرف و بزرکی یابد
بقدر وی و اکر بیند که کرک در خانه وی در آمد و زیانی انداخت دلیل که او را از پادشاهی مضرت رسد و اکر بیند که زیانی نکرد
دلیل که پادشاه مهمان او آید مغربی رحمة الله علیه کوید اکر بیند که کرک در بستر او کمین کرد دلیل که پادشاه با عیال وی
فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن کرک در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم دوم زن دروغ زن
سوم مخالف ضعیف چون کرک ماده باشد **کرمابه** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کرمابه در خواب غم و اندوه بود و
خویشتن شستن شادی و خرمی بود و آب نیم کرم نیک بود و آب سخت کرم بد باشد و اکر بیند که در کرمابه رفت و غسل
کرد و خود را پاک بشست دلیل که از رنج و فکر رستکاری یابد و اکر بیند که در کرمابه رفت و خود را نه شست دلیل غم و اندوه
بود که بدل وی رسد بسبب زنان کرمانی رحمة الله علیه کوید اکر بیند که در کرمابه رفت و آهک بر خود مالید و خود را پاک بشست
دلیل که اکر ترسی دارد ایمن شود و اکر غمکین بود شاد کردد و اکر بیمار بود شفا یابد و اکر وام دار بود وامش کذارده شود و اکر
بیند که توانکر است ازین چیزها که کفتیم خالی ماند نیز در مالش نقصان شود و اکر بیند که آهک بخود مالید و خود را نشست دلیل
که کارش تمام نکرد مغربی رحمة الله علیه کوید اکر بیند که بکرمابه رفت و دست و روی و سر و تن را بشست و بیرون آمد دلیل که
از غم بیرون آید و اکر بیند که در کوچه یا در خانه کرمابه بود دلیل که در آن مقام زنی روسپی پدید آید و اکر بیند که بکرمابه شد بی آنکه
بشستن محتاج بود دلیل که غمکین و وام دار شود و اکر بیند که در کرمابه جامه او دزد برد و او برهنه بماند دلیل که بسبب
کاری غمکین و رسوا شود جعفر صادق رضی الله عنه کوید کرمابه در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم غم و اندوه سوم دین
چهارم نابکاری پنجم دوست ششم وام و کرمابه بان بتاویل زن بود و بعضی معبران کویند که خدای سرای بود کرمانی
رحمة الله علیه کوید اکر بیند که کرمابه بانی میکرد اکر مرد بود دلیل که زن محتشم خواهد و بشغلهای زن مشغول شود و اکر زن
بود دلیل که شوهری بدین صفت کند **کرمان** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اکر کسی بخواب بیند که کرمان
بسیار در شکم وی شدند و طعام در شکم میخوردند دلیل که عیالان دیکر از مال دیکری خواهد و اکر بیند که
کرمان دراز در تنش می افتادند و نیز بر تن و جامه وی کرمان بسیار بودند دلیل که مال و عیال و حشمت
بسیار او را حاصل شود و اکر بیند که کرمان از تن خود بر زمین می افکند دلیل که عیالان خود را
از خود دور کند و تیمارشان ندارد کرمانی رحمة الله علیه کوید اکر بیند که بعضی از اندامهای

او کرمان خورند دلیل که عیال از مال وی خورند و اکر بیند که از کرمان تن وی را مضرت میرسید دلیل که او را از عیالان رنج
و مضرت رسد و اکر بیند که از سوراخ بینی یا از کوش یا از دهن و یا از مقعد کرم بیرون می آمد دلیل که بقدر آن مالش یا عیالش
زیادت شود و اکر بیند که کرمان از تن وی می افتادند و می مردند دلیل که عیالان وی هلاک شوند یا از وی جدا کردند
و اکر بیند که کرمان بسیار از چوب خانهٔ وی و غیره بر می ریختند دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق
رضی الله عنه کوید دیدن کرمان در خواب بر سه وجه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته **کره افکندن**
ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اکر بیند که بر ریسمان کره افکند دلیل که از کاری که دور بود بر آن تکیه کند و اکر بیند که کره ریسمان
باز کشود دلیل که بر آن کار اعتماد نکند و اکر بیند که چیزی محکم ببست و کره زد دلیل که روز کاری در شغل آن چیز بسته بماند چنانکه
کشودن بزودی نتواند و اکر آن چیز تعلق بدین دارد باید بنا کرمانی رحمة الله علیه کوید بستن کره در خواب دلیل بر بستگی
کارها کند و هر چند که کره سخت تر بود بستگی کار او سخت تر بود و اکر بیند که کره کشودن نتوانست دلیل که کار وی بسته ماند
کرو ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اکر بیند که در جائی کرو است یا تن خود را بچیزی کرو نهاد دلیل که از کناهان بسیار بر
تن خود می ترسد که کرده است و اکر بیند که عیال و فرزندان خود بکسی کرو کرد دلیل که بر وی ستم و بیداد کنند و اکر بیند که
خود را پیش کسی کرو نهاد دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بر وی ستم کند کرمانی رحمة الله علیه کوید اکر بیند که
خود را کرو کرد دلیل بر فساد دین کند کل نفس بما کسبت رهینة و اکر بیند که چیزی از متاع دنیا پیش کسی کرو
کرد دلیل که با کسی از بهر متاعی کفتکو کند و مضرت یابد **کروبه** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اکر بیند که کروبه داشت
دلیل که غمکین و متفکر شود و اکر بیند که کروبه میخورد دلیل که با کسی جنک و خصومت کند و اندوهی بوی رسد زیرا که
بطعم تلخ و ناخوش بود و هر چه تلخ و ناخوش باشد در تاویل غم و اندوه بود **کریختن** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید
کریختن در خواب رستکاری بود و اکر کسی بخواب بیند که از دشمن یا از جانوری کزنده میکریخت دلیل که از شر و خوف
ایمن کردد و بر خصم مظفر شود زیرا که موسی علیه السلام در خواب دید که از فرعون علیه اللعنة میکریخت پس از شر فرعون رستکار
شد و سرانجام بر وی ظفر یافت کرمانی رحمة الله علیه کوید اکر بیند که از دشمن پنهان میکریخت چنانکه دشمن
او را امید بد دلیل که متفکر شود مغربی رحمة الله علیه کوید اکر بیند که مردمان می کریختند دلیل که او را از زیرکی
تهمت رسد قوله تعالی یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت اکر بیند که مردمان از زنان
میکریختند اکر زنان مصلح و پارسا بوند دلیل که بد باشد و اکر مفسد بودند نیک باشد جعفر صادق رضی الله
عنه کوید کریختن در خواب شادی بود و چنانکه با تنک مصیبت و اندوه بود در آن موضع **کریستن**
اکر بیند که از کریستن بر روی وی نشان بود دلیل که بکردار نیک او را طعنه زنند کرمانی علیه الرحمه کوید
کریستن در خواب شادی بود و آمرزش از حق سبحانه و تعالی اکر در خواب بیند بر کناه کریست

یا در مجلس علم یا در قرآن خواندن و آنچه بدان ماند دلیل که بر کرم باریتعالی باشد که بفضل خود بر وی رحمت کند و
گناهان وی عفو کند و اگر بیند که میگریست و اشک از چشم وی می آمد دلیل که ناکردن از کاری گذشته حسرت خورد
و توبه کند و اگر از بهر معصیتی میگریست که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شادی و خرمی بیند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بیند که میگریست و بعد از آن بخندید دلیل که اجلش فرا رسیده باشد قوله تعالی هو اضحك و ابکی **کری**
در خواب درویشی و بدحالی و فروبستگی کارها بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کری در خواب تباهی دین و غم و اندوه بود
و کارها بر وی بسته گردد و مرادش بر نیاید قوله تعالی صم بکم عمی فهم لا یرجعون کرمانی رحمة الله علیه گوید
کری در خواب دلیل بر بینوائی و بستگی کارها کند و اگر بیند که گوش وی بشنود دلیل که کار بسته بر وی گشاده شود
و بمراد و کام دل برسد و از رحمت حقتعالی نصیب یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کری در خواب بر چهار وجه بود یکی
درویشی دوم تباهی دین سوم غم و اندوه چهارم بستگی کارها و نامرادی **گُرُه** در خواب مردی منافق و بخیر بود و بعضی
از معبران گویند دیدن گز در خواب روزی حلال باشد که بی منت خلق بدو رسد قوله تعالی و انزلنا علیکم
المن والسلوی اگر بیند که گز انگبین بسیار داشت و بخورد و بکسی نداد دلیل که مالی حلال بوی رسد و از آن
خیر بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که از آن مال خیر و راحت بوی رسد **گز اکند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی بخواب بیند که گزاکندی پوشیده بود دلیل که زنی بخواهد و بر دشمنان چیره گردد و اگر این خواب زنی بیند
دلیل که شوهر کند و از شوهر خیر و منفعت بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قزاکندی نو پوشیده بود دلیل که
زنی توانگر و پارسا بزنی کند و اگر بیند که قزاکندی سبز پوشیده بود دلیل که آن زن مصلح و دیندار بود و اگر بیند که قزاکندی
سرخ پوشیده بود دلیل که زنی معاشر و طرب دوست بود و اگر قزاکند سیاه پوشیده بود و بیننده قاضی یا خطیب
بود دلیل که نیک باشد و اگر قزاکند نو بود دلیل که آن زن خداوند معصیت بود و اگر گزاکند کهنه بود دلیل که آن زن
پلید و نابکار بود **گژدم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گژدم در خواب دشمنی ضعیف بود که مردم را میرنجاند و دوست و دشمن
نزد او یکسان است اگر کسی بخواب بیند که گژدم او را بگزید دلیل که دشمن او را سخت گوید و از آن رنجور دل شود و اگر بیند که گژدم را
بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که بعد از کشتن گژدم گژدم زنده شد و باز قصد وی کرد دلیل که بعد از این بر دشمن ظفر
یابد و دیگر باره دشمن قصد وی کند و اگر بیند که در دست او گژدم بود دلیل که او مردم آزار بود و از پس مردم را بد گوید و مردم را
در بلا گرفتار اندازد و فتنه انگیزد و اگر بیند که گژدم پخته یا بریان کرده میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و اگر
بیند که گژدم را در دهان نهاد و بخورد دلیل که دشمن را بخانه دارد و با وی مجالست و خفت و خیز کند و اگر بیند که
گژدم در درون جامه داشت همین تاویل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از گژدم ترسید و گژدم
او را گزید دلیل که از دشمن گزند یابد و بعضی از معبران گویند با زن مجامعت نتواند که کند و اگر بیند که گژدمی

در پیراهن وی بود دلیل که از دشمن او را مضرت رسد و اگر بیند که در شلوار وی کژدم بود دلیل که دشمنی با عیال وی یا با
کنیزک وی فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کژدم در خواب بر سه وجه بود یکی دشمن دوم حاسد سوم سخن چین
کژدم خواره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کژدم خواره در خواب چیزیست که در خوزستان در میان آب می باشد
و دم و زبین می کشد. و چون کسی زخم آن یافت در حال هلاک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن کژدم خواره در خواب
دشمنی باشد با جزدو حلیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صعب بود و اگر بیند که کژدم خواره او را بگزید دلیل
که از چنین دشمنی که صفت کردیم بلا و محنت بدو رسد و اگر بیند که او را از کژدم خواره گزندی نرسید دلیل که از دشمن ایمن
گردد و اگر بیند که چیزی مانند کژدم خواره بود و از وی بدو نرسید دلیل که از کسی اندیشه دشمنی دارد و او نه دشمن وی باشد **گزر**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گزر در خواب غم و اندیشه بود و اگر کسی بخواب بیند که گزر بستد و بخورد دلیل که اندوه بسیاری
بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گزر شیرین بود دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر گزر در گوشت پخته باشد دلیل
بر منفعتی بود که بر رنج و سختی بدست آید و بعضی معبران گویند خوردن گزر در خواب بیماری بود و اگر گزر بریان بیند هم نیک نباشد
و بهتر آن بود که بگوشت پخته بود **گزیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کسی او را گزید دلیل که مهر و
هوای آنکس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را بخشم و کینه بگزید دلیل که بقدر آن از وی زیانش رسد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را جزی بگزید دلیل که کارش از نخست در خطر بود و اگر بیند که اشتر او را بگزید دلیل که
او را از سفر زیان رسد و اگر بیند که گاو او را بگزید دلیل که در آن سال مضرت بیند و گزیدن جمله ددگان در خواب بر
چهار وجه بود یکی مضرت دوم دشمن سوم خصومت چهارم جاه و مال **کشتی گرفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که با کسی کشتی میگرفت و آنکس او را بینداخت دلیل که حال او نیکو گردد و بر آنکس غالب شود و اگر بیند که خود بیفتاد
تاویلش بخلاف این بود و اگر هر دو قایم بودند دلیل که احوال هر دو در خیر و شر میانه باشد اما بظاهر با همدیگر دوستی کنند
کاسنی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی دادند
و بخورد دلیل که اندوهگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب مضرت و خصومت بود
کشت و رز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشت و رز در خواب توکل بخدای تعالی جلّ و علا بود و روزی
حلال طلب کردن و نیکی و نیز مردی فاضل و نیک محضر باشد و اگر بیند که از بهر تخم کشتن زمین شکافت دلیل که
خیرات و صدقات کند و استادان این صنعت رحمهم الله گویند اگر بیند که کشاورزی میکرد دلیل بر بیماری بود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین شکافت و تخم می انداخت و بازش جمع میکرد دلیل که بزرگی و جاه و
نعمت یابد و اگر بیند که کشته بود و بازش میخورد و از آنچه گفتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن کشته چیزی
حاصل نشد و ندانست که بازش چگونه است دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گندم میکشت دلیل که از پادشاه خیر

و نیکی بوی رسد و اگر بیند که جو میکشت دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر بیند کاورس میکشت دلیل که مال اندک یابد دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در زمین خود تخم میکشت دلیل که زن خواهد و کارش ساخته گردد و اگر بازرگانی زمین خود نا کشته بیند دلیل که زیان بیند یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که بجایگاهی مجهول زمین میشکافت و تخم می انداخت دلیل که بر غزا و صدقات و خیرات کردن راغب بود و اگر در زمین خود که ملک او بود کشت بیند دلیل که نعمت بر وی فراخ گردد و اگر گندم یا جو یا درخت در زمین خود کشت دلیل بر عز و جاه کند بقدر آنکه کشته باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشاورزی در خواب بر پنج وجه بود یکی روزی حلال طلبیدن دوم خیر و منفعت سوم بیماری چهارم عز و جاه پنجم معیشت **کشت زار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشته رستن چون معروف بود در جای معروف بوقت خود بیند دلیل بر فرزندان مردم بود و اگر بیند که کشته همی درود دلیل که مردم در جنگ کشته شوند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در کشته زاری معروف بود دلیل که عملی کند که در دین و دنیا نیکو باشد و اگر بیند که کشت کرد و درود و در خرمن افگند دلیل امیدی که دارد بر آید و اگر بیند که در میان کشت زار میرفت دلیل که با غازیان بغزا رود مغربی رحمة الله علیه گوید کشت و درو بخواب دلیل بر حرب و خصومت بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که در میان کشت زار رفت و هنوز سبز بود و میدرود دلیل که در میان مصاف رود و اگر بیند که آتش در میان کشت زار افتاده بود و همه بسوخت دلیل که در آن دیار قحط پیدا شود و اگر بیند که کشت زار خود را آب میداد دلیل که کاری از دست وی بر آید که دنیا و عقبی را منفعت دهد و اگر بیند که آتشی بیامد و کشت وی را بسوخت دلیل که او را از پادشاه مضرت رسد و اگر بیند که در میان کشت زاری رود و برگ می آمد دلیل که در آن دیار قحط و تنگی پیدا شود و اگر بیند که از خوشهای گندم دانها بر زمین می افتاد دلیل که بقدر آن خداوند کشت را زیان رسد و اگر نداند که آن موضع از آن کیست دلیل که زیان آن بخداوند خواب بود قوله تعالی نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم انّی شئتم و اگر کشت زار در وقت خویش سبز بیند دلیل که در آن دیار نعمت فراخ گردد و اگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش روا گردد و اگر بوقت خویش کشته را بدرود و خوشه بخانه برد دلیل بر مصیبت بود و اگر بیند که در میان کشت زار با یاران میرفت دلیل که بغزا رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشت و درویدن خوشه رسیده در خواب بوقت خود دلیل بر نیکوئی و منفعت کند و چون نارسیده و سبز بود دلیل بر وبا و بیماری بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید کشت درویدن بوقت خویش دلیل که امر خدا تعالی بجای آورد و توفیق یابد تا ورج درویشان خیرات کند قوله تعالی واتوا حقّه یوم حصاده اگر این چیز که میدید و میدرود دلیل که عاقبت کارش محمود باشد **کشتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را بکشت بی آنکه سرش را ببرید دلیل که از مردی توانگر خیر و نیکوئی بوی رسد و معبران گویند که کشنده بر کشته ظلم اندیشد و اگر بیند که وی را بکشتند دلیل که عمرش دراز بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی وی را بکشت دلیل که خیر و منفعت بیند و اگر بیند که گروهی از ظلم بکشتند دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر

ومنفعت بدو رسد قوله تعالی ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل واگر بیند که
کسی را بظلم بکشت دلیل که عاصی وظالم باشد وحق تعالی جل وعلا کسی را برو گمارد تا او را برنجاند قوله تعالی ولا تقتلوا اولادکم
الآیة وبعضی گویند که ستم بر فرزند کردن بهر باب عز دنیا باشد واگر بیند که کسی را بکشت وخون از تن وی روان شد دلیل که بقدر
آن مال یابد واگر تن خود خون آلوده بیند دلیل که از مال خود چیزی بوی دهد واگر بیند که خون روان شد دلیل که دین کشنده
برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که ستوری یا چیزی از حشرات بکشت دلیل که بر خصم خود ظفر یابد وکسیکه بر آن
جنس منسوب باشد قهر کند وکشنده خون آلوده دیدن غدار وبیدادگر باشد **کشتی** دانیال علیه السلام گوید کشتی
کشتی
دیدن در خواب غم واندیشه بود یا زندان یا کاری کند که از آن رنج وبلا بدو رسد خاصه که اندر یا کشتی بیرون نیامده
باشد یا کشتی در دریا فرومانده بود وابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کشتی بود وبسلامت از آنجا
بیرون آمد دلیل که از رنج برهد قوله تعالی فانجیناه ومن معه فی الفلک المشحون اگر بیند که بدریا کشتی هلاک شد
دلیل که بدست قومی هلاک شود واگر بیند که کشتی وی بر زمین بماند دلیل که در رنج وبلا گرفتار شود ورستگاری دیر دست دهد
واگر بیند که کشتی غرق شد واو بسلامت بماند دلیل که مالش تلف شود واو بسلامت بماند واگر بیند که کشتی بشکست وجمله
غرق شد دلیل بر مصیبتی عظیم کند که بدو رسد واگر بیند که در کشتی بر جای بلند نشسته بود وکشتی در میان آب همیرفت دلیل
که او را از پادشاه وبزرگواران قربی ومنزلتی پیدا شود واگر بیند که در میان دریا کشتیها وکازها میرفت دلیل که بسفر رود
قوله تعالی وله الجوار المنشآت فی البحر کالاعلام واگر بیند که کشتیها ایستاده بودند دلیل که در سفر رود ودیر بماند
بلکه در آن سفر مقیم شود واگر بیند که در کشتی نشسته بود وبادی خوش می آمد وکشتی را خوش می برد دلیل که از غم واندوه فرج
یابد واگر بیند که کشتی ایستاده بود واز همه جانب بکشتی موج می آمد دلیل که او را سختی پیش آید که بیم هلاک وی باشد قوله
تعالی وجاءهم الموج من کل مکان اگر بیند که کشتی از پیش همیرفت واو نتوانست رسیدن دلیل که در کاری دشوار افتد
وعاقبت خلاصی یابد قوله تعالی فانجیناه واصحاب السفینة اگر بیند که در پهلوی کشتی در دریا رفت دلیل که بسفر
رود واو را منفعت بسیار حاصل شود قوله تعالی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله اگر بیند که در میان
کشتیها چیزی نبود وتهی میرفتند دلیل که پادشاه رسولان را بجائی فرستد واگر بیند که کشتیها غرق شدند دلیل که آن رسولان را
باز دارند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشتی بدریا غرق شده ودانست که آن کشتی ملک او نبود دلیل که او را از هلاک اندیشه
نبود واگر بیند که در کشتی نشسته بود واز پادشاه می ترسید دلیل که مقرب پادشاه شود وبقدر بزرگی کشتی او را منفعت رسد واگر در
کشتی ایمن نشسته بود دلیل که او را از پادشاه بیم بود واگر بیند که در دریا کشتیها بجامهای ملون آراسته بود دلیل که
پیش پادشاه مقرب شود واگر بیند که کشتی در قعر دریا فرو شد دلیل که او را از پادشاه قولی عظیم باشد واگر بیند که
کشتی نمیرفت تاویلش بخلاف این بود واسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کشتی کوچک نشسته بود

پدر در یا نمیرفت دلیل که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر بیند که کشتی در آب روان بود دلیل که بسفر رود و زود باز آید
و اگر کشتی خود را در خشک ایستاده بیند دلیل که بکاری در ماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشتی در خواب بر هشت وجه
بود یکی فرزند دوم پدر سوم زن چهارم مرکب پنجم فرج ششم ایمنی هفتم عیش هشتم توانگری **کشف** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید کشف سنگ پشت را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مردی زاهد عالم باشد و از صحبت او منفعت بیابد
اگر کسی بخواب بیند که کشف داشت یا بخانه او در آمد دلیل که او را با زاهدی صحبت افتد و اگر بیند که گوشت کشف میخورد دلیل که
بقدر آن علم حاصل کند کرمانی رح گوید اگر بیند که کشفی در سر کین دانی بیافت دلیل که بصحبت عالمی رسد و اگر بیند کشفی در مسجد یا در
جای عزیز بیافت دلیل که زاهد شود و نزدیک بزرگان و علما او را حرمت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشف در
خواب بر سه وجه بود یکی زاهد دوم مردی عالم سوم مردی صانع در کارها **کشکاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که کشکاب عناب و بنفشه با شکر میخورد دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و رنج و غم از دلش برود
و اگر بیند که کشکاب نمی توانست خوردن تاویلش بخلاف این بود **کشمش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
کشمش در خواب دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بیند که کشمش داشت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل که بقدر آن خیر و
منفعت بدان کس رساند و اگر بیند که آب کشمش جدا کرد و بخورد اگر عالم بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بازرگان
بود مالش زیادت شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشمش بخروار داشت اگر عالم بود دلیل که مال زیادت شود
و اگر پیشه کار بود دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشمش در خواب خوردن بر سه وجه بود
یکی منفعت دوم مال حلال سوم کسب **کشنیز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشنیز در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و
اگر بیند که کشنیز داشت و خورد دلیل که بقدر آن او را غم و اندوه بود **کعب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن
کعب بخواب بتاویل مقام بود اگر بیند که با کعب بازی میکرد دلیل بر جنگ و خصومت کند و اگر بیند که کعب بسیار داشت
دلیل که بقدر آن غم و اندوه رسد و اگر بیند که کعب پای او بشکست دلیل که فرزند او بمیرد یا غمی بوی رسد که بتاویل منازعت
بود و کعبتین خصومت و مکر و حیلت باشد مغربی علیه الرحمة گوید بازی کردن با کعبتین دلیل بر دشمن حقیر و جنگ و
خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعب در خواب بر پنج وجه بود یکی مقام دوم زن سوم فرزند چهارم مال پنجم
گفتگوی قوله تعالی وکواعب اترابا وکاسا دهاقا اگر بیند که کعب جانوری داشت که گوشت وی حلال بود دلیل بر مال
حلال کند و اگر حرام بود دلیل بر مال حرام بود **کعبه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کعبه در خواب بیند خلیفه بود و هر سبکه قبله وی کعبه بود هر زیادت و
نقصان که در کعبه بیند دلیل بر خلیفه بود و اگر بیند که طواف کعبه میکرد دلیل بر صلاح دین وی بود و از خلیفه راحت یابد و اگر بیند که احرام گرفته بود و روی
بکعبه داشت دلیل بر زیادتی صلاحیت او بود و اگر بیند که سرای او کعبه شده بود و مردم زیارت میکردند دلیل که امانت
نیکو نگهدارد و حرمت و منزلت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر پادشاه بیند که بکعبه میرفت دلیل که

از خلیفه بزرگی یابد و اگر بیند که کعبه بیفتاد یا بآتش بسوخت دلیل که احوال خلیفه بد گردد و اگر بیند که از کعبه چیزی برگرفت
دلیل که او را از خلیفه فایده برسد و اگر بیند که در کعبه نماز میگذارد دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اصل
کعبه ایمانست و مسلمانی بود و اگر خود را در کعبه بیند دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و دعایش مستجاب گردد قوله تعالی ومن
دخله کان امنا اگر بیند که روی بحجر الاسود نهاده بود و بوسه میداد دلیل که حج گذارد و اگر بیند که بزیارت قبر حضرت
رسول الله صلی الله علیه وسلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام و بیند دلیل که بحج رود و بسلامت باز آید و اگر خود را بر بام
کعبه بیند دلیل که بد مذهب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام سوم ایمان و
مسلمانی چهارم ایمنی از بیم **کفتار** در خواب زن زشت پلید و بدکردار باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که کفتار بسته بود دلیل که زنی زشت پلید بخواهد و اگر بیند که گوشت کفتار میخورد دلیل که بروی جادو کنند
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیر کفتار میخورد یا از پوست یا از استخوان او چیزی داشت دلیل که از آن زن فایده
یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفتار با وی سخن گفت دلیل که زن با وی زبان درازی کند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن کفتار در خواب بد باشد **کفچه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفچه در خواب کار فرمای خانه بود و اگر بیند که
کفچه نو و پاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کفچه کهنه و شکسته بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کفچه وی بشکست دلیل که خادم وی بمیرد یا بیمار شود و اگر ضایع شد یا بسوخت نیز خادم بمیرد
کفچه آتش انظام گوید سلاطین و ملوک چون بیند دلیل که نایب وی باشد و آنکس که غیر ازین دو بیند دلیل بر خدمتکاری
خانه و اهل وی باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفچه آتش داشت دلیل که او را خدمتکاری حاصل شود
و اگر انظام بگشت یا ضایع شد دلیل که خدمتکارش بمیرد یا برود **کفش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفش
در خواب زن باشد اگر بیند که کفش نو داشت و در پای کرد دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که کفش
دیگر در پای کرد دلیل که زنی بیوه بخواهد و اگر کفش سیاه بود دلیل که زنی ستیزه کار بود و اگر کفش سرخ بود
دلیل که زنی معاشره و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل بر زنی بیمارگون بود و اگر کفش سفید بود
دلیل که زنی خوبروی خواهد **کرمانی** رحمة الله علیه گوید اگر کفش از پوست گاو بود دلیل که زنی با اصل بخواهد
و اگر از پوست گوسپند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخواهد و اگر بیند که یک کفش از پای
وی بیفتاد و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و بیحرمتی بیند و اگر کفش در پای او تنگ بود دلیل که
زن او تباه کار بود و نیز گویند کفش کهنه در خواب دیدن بهتر از کفش نو باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
کفش در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوت پنجم معیشت ششم مال هفتم سفر
و کفشگر در خواب مردی بود که قسمت میراثها کند **کف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی

کف داشت دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که کفها دست برهم می بودند دلیل که آنجا عروسی و شادی بود و اگر بیند که کفهاء او خسته یا ریش بود دلیل که از سفر و تحویل باز ماند و اگر بیند که کفهای وی کشاده روی بود دلیل بر فراخ دستی بود و اگر بخلاف این بینند دلیل بر نامرادی و تنگدستی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کف بخواب بر شش وجه بود یکی دست فراخی دوم مال سوم ریاست چهارم فرزند پنجم دلیری ششم با زن بحرام در شدن

کف دریا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کف دریا در خواب منفعت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود **کفن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از بهر مرده یا زنده کفن بساخت اگر آنکس معروف بود دلیل که از آنکس بوی رنجی رسد و اگر بیند که کفن مرده معروف کند دلیل که در دنیا طریق آن مرده جوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفن مرده میدرید معبران گویند اگر بیننده صالح و پارسا بود و طالب علم باشد و سخنهای باریک گوید دلیل که دنیا روی بوی نهد و مال حرام جمع کند و اگر بیند که مردگانرا کفن میکند و از جائی بجائی می برند دلیل که مالهای حرام بدست وی روان شود و اگر بیننده مفسد بود دلیل که منافق و غماز باشد و بفساد مردم گواهی دهد **کلاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلاب در خواب تندرستی بود و اگر بیند که کلاب بر وی ریخت دلیل که تندرست بود و مردم او را مدح و ثنا گویند و اگر بیند که کلاب بهر کس میداد دلیل که نامش در آن دیار منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره مند گردند **کلازه** مرغیست و آنرا عقعق گویند در خواب دیدن وی دلیل بر مردی بی وفا و بد دین بود و اگر بیند که کلازه بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بیند که با کلازه نبرد میکرد دلیل که با مردی بدین صفت که گفتیم خصومت کند و اگر بیند که کلازه از دست وی بپرید دلیل که ترک صحبت آن مرد کند و اگر چه که کلازه را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد **کلاغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلاغ در خواب مردی فاسق و بد عهد بود و اگر کسی بیند که کلاغی را بگرفت دلیل که غنیمتی از کسی بحیلتی و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ درختی نشسته بود و بانگ میکرد دلیل بر وبال وی باشد اگر دو کلاغ بیند دلیل بر رنج و مشقت بود و در دیدن کلاغ در خواب خیر نبود **کلاه** دانیال علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عز و جاه بود بقدر قیمت کلاه و اگر بیند که کلاه غازیان بر سر داشت دلیل که بر خصم چیره شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که بسختی منفعت یابد و اگر بیند که کلاه مغان بر سر داشت دلیل که عز اینجهانی یابد و الا در دین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه بیند دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بیند که کلاه عنابی داشت دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه رومی بر دست داشت دلیل که خیر دینی و دنیاوی حاصل کند و اگر کلاه بر سر دستار نهاده دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان باید داشت و اگر کلاه ابریشمین داشت

دلیل که منفعت ببیند و اگر بیند که کلاهی از زر بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مروارید بیند دلیل که
پیش مردم عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دار و نمازی بود و اگر از آهن بود دلیل که از پادشاه عزّ و جاه و قوت
بیند و یابد و اگر از چوب بود دلیل که خود را نزد مردمان خوار پندارد و دروغ و محال گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه
تابستانی بزمستان بر سر نهاده دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که از مراد باز ماند و اگر بر سر کلاه
سیاه بیند و در بیداری همان پوشید دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سر وی بیفتاد دلیل که از عمل معزول گردد
یا غمی سخت بوی رسد و اگر بیند که کلاهی ازین کلاهها که صفت کردیم بر سر وش نهادند دلیل که بقدر و قیمت آن کلاه
از مهتری جاه و منزلت یابد و اگر بیند که کلاه از سر وی برگرفته بود دلیل که از عزّ و جاه بیفتد و اگر زنی بیند که کلاهی دو
گوشه بر سر نهاده دلیل که آن زن را پسری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه وزیر بر سر وی نهادند دلیل
که آنکس بد دین بود اما پادشاهان را نیک بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاهی پوشیده داشت دلیل که
شرف و منزلت او زیادت گردد و اگر بیند که کلاه دریده و کهنه بود دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که بیگانه کلاه از
سر وی در ربود دلیل که از مردی بزرگ دور شود و اگر کلاهش از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این
دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کامل در دین نباشد و اگر بیند که کلاهی بر سر داشت که در بیداری هرگز
نپوشیده بود اگر سفید باشد دلیل بر نیکوئی وی کند و اگر سبز بود دلیل بر بد او کند مگر آنکه ازین نوع کلاه داشته باشد
در بیداری و اگر کلاه سرخ بود دلیل بر بیماری باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاهی مرقّع پوشیده
بود دلیل که بقدر و قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین او نقصان بود و اگر بیند که کلاهی آتشی افتاده بود
دلیل که پادشاه او را مصادره کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و دیدن آن در خواب
بر شش وجه بود یکی ولایت دوم ریاست سوم بزرگی چهارم عزّ و جاه پنجم مقدار ششم منزلت کلاه دوز در خواب کسی بود که
خدمت بزرگان کند **کل شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سر وی کل شده بود دلیل که مال و خواسته
بسیار یابد و بعضی معبران گویند که غم و اندوه از وی زایل گردد و اگر وام دار دو امش گذارده شود و اگر بیند که او را با مردی
کل صحبت بود دلیل که با مردی توانگر دوست و آشنا شود و اگر بیند که سر وی کل بود و بعد از آن موی برآورد
دلیل که مال وی تلف شود و وام دار شود **کل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حکم بر کلی در خواب بر دو
نوع بود یکی آنکه کل بر درخت بود و یکی آنکه کل از درخت شده باشد و کلی که آنرا بقا نبود دلیل
بر غم و اندوه بیننده خواب بود و اگر کسی کل سرخ بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که او را فرزندی آید و چون
بیوقت بیند دلیل که بسبب فرزند او را مصیبت بود و درخت کل در خواب مهتری و سخن روائی بود و درخت
کل زرد زنی بود با بزرگان حاجت روا کننده و درخت کل سفید دلیل بر عزّ و دولت و جاه بود

اگر در سرای خویش درخت گل بیند دلیل که دختر به نکاح آورد و اگر در سرای خود گل صد برگ بیند دلیل که بسبب فرزند شاد شود و اگر گلها از هر گونه شکفته بیند دلیل که از خویشان و اهل بیت شادمان شود و اگر بیخ درخت گل از زمین کشته بیند دلیل که مردم سرایش که اهل باشند مغربی رحمة الله علیه گوید گل در خواب مرد دون همت و بد عهد بود که با کس وفا نکند و اگر بیند که گل بکسی داد یا از دست بیفکند دلیل که از صحبت چنین مردی دور افتد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید گل در خواب نامه بود که از غایبی بدو رسد یا آمدن غایب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گل در خواب بر شش وجه بود یکی فرزند دوم دوست سوم مرد دون همت چهارم کنیزک پنجم غلام ششم نامه غایب **گل شکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گلشکر در خواب و گل انگبین در خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بیند که گلشکر یا گل انگبین داشت و از آن بخورد و اگر توانگر بود دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شادمان گردد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود **گل خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که گل میخورد دلیل که از پس مردگان بد میگوید و اگر بیند که گل با خاک میخورد دلیل که مال خود بر عیال نفقه کند و اگر بیند که از خاک تربت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم میخورد دلیل که حج گذارد و اگر بیند که خانه بگل می اندود دلیل که غمگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن گل سفید و سبز در خواب مال حلال بود و گل زرد بیماری بود و گل سرخ لهو و طرب بود و گل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و گل آب تیره دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که در میان گلی غرق شده بود دلیل که در محنتی عظیم افتد که رهائی نیابد و اگر بیند که از میان گل بیرون آمد و خود را و جامه خود را پاک بشست دلیل که از غم و اندوه رهائی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گل در خواب در سردسیر صعبتر بود که در گرمسیر **کلبتین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلبتین در خواب خادمی بود که بخوبی مال از دست پادشاه بدر آرد و بر مردم نفقه کند و اگر بیند که کلبتین در دست داشت دلیل که او را مال و نعمتی حاصل شود و اگر بیند که کلبتین وی ضایع شد دلیل که او را زیانی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکلبتین چیزی از میان آتش بیرون آورد دلیل که بقدر آن از پادشاه راحت یابد **کلم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلم داشت و بخورد دلیل که از زنی منفعت یابد و اگر بی گوشت خورد دلیل که منفعت کمتر بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گوشت و کلم باهم پخته خورد دلیل که منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد منفعت کمتر باشد و اگر کلم بیوقت میخورد دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر شیرین بود منفعتش بیشتر باشد **کلنار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کلنار در خواب عروسی پاکیزه خوب خاصه که بهنگام خود بر درخت بیند اگر بیند که کلنار از درخت افتاد دلیل که از دیدار عروس پاکیزه یا کنیزک جدا ماند **کلنک** در خواب مردی غریب بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلنکی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی غریب پیوند د و با وی نیکوئی کند و اگر

بیند که بر کلنک یا گوشت او داشت دلیل که از مردی غریب راحت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلنکان را میپراند دلیل که بر گروهی غریبان و درویشان مهتر گردد و اگر بیند که خاصه کلنک داشت دلیل که درویش شود و

گلو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گلوی وی بسلامت است و هیچ المی ندارد دلیل که امانت و وام بگذارد و اگر بیند که رنج و آفتی در گلوی وی پدید آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر گلوی خود را فراخ بیند دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و اگر تنک بیند بخلاف این بود و اگر گلوی خود را درست و قوی بیند دلیل که امانتها را نیک نگهدارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گلوی او را ببریدند دلیل که برنده بر وی ظلم کند یا در دین او طعنه زند و هر جانوری که کشتن او روا باشد چون بیند که گلوی او را ببریدند دلیل بر مردی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم را ستم کند و اگر بیند که بهیمه را گلو ببرید دلیل که کار بر وی دشوار گردد و اگر بیند که گلوش را بضرورت ببرید و گوشتش بخورد و اگر گوشت آن جانور حلال باشد دلیل که مال حلال یابد و اگر حرام بود مال حرام یابد و اگر بیند که گلوی آدمی ببرید دلیل بر آنکس بیداد و ستم کند یا در دین او طعنه زند و اگر بیند که گلوی کسی را بفشرد و خفه کرد دلیل که از شرف و بزرگی معزول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گلو در خواب دلیل بر دخل و خرج مردم کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید گلو فشردن در خواب دلیل بر تنک شدن عیش مغلوب بود

کلیچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلیچه در خواب دلیل بر عیش خوش و نعمت و مال کند که بدست آورد و اگر بیند که کلیچه میخورد دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند که کلیچه بخروار داشت دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچه در دهان نهاد و نتوانست خوردن دلیل که مال و نعمت او قسمت دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوردن کلیچه در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که باسانی بدست آید دوم روزی فراخ سوم نعمت چهارم عیش خوش

کلید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلید در خواب مردی گشاینده کار بود اگر کسی بخواب بیند که قفلی را بکلید باز کرد و در بگشاد دلیل که کارهای بسته بر وی گشاده شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در دست کلید بسیار داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد قوله تعالی له مقالید السموات والارض الآیه کرمانی رحمة الله علیه گوید کلید در خواب گشایش در خیر بود و بستن شر و بعضی گویند کلید در بستن تزویج بود و اگر بیند که کلیدهای در بهشت در دست داشت دلیل که در دین سلطان بود و عاقبت کارش نیکو محمود بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که کلید آهنین داشت دلیل بر قوت و نیکوئی بود و اگر بیند که کلید برنجین یا مسین داشت دلیل که او را سخن روائی بود و اگر بیند که کلید چوبین داشت دلیل بر نیکوئی کمتر بود و اگر کلید زرین یا سیمین داشت دلیل که سخن او روائی یابد و نیز گویند که گنج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید چندانکه کلید بسیار بود مال بیشتر بود و نیز گویند که کلید دعا و استغفار و حاجت خواستن از درگاه باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلید بر قفلی نهاد و در را باز کرد دلیل که حاجتش روا گردد و کار بسته او گشاده شود و اگر بیند که کلید در کلیدان بشکست دلیل که دعای وی خالص

باشد و اگر بیند که بیک کلید دو قفل را بگشاد و در ها باز کرد دلیل که زنی خوبروی بخواهد حافظ معبر گوید اگر کسی دست خود را کلید بیند دلیل که نماز گذارنده بود و اگر بیند کلید وی بیفتاد دلیل که کاهل نماز بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلید در خواب بر هشت وجه بود یکی گشادن کارها دوم فراغ از غم سوم شفا از بیماری چهارم یافتن مراد پنجم قوت دین ششم گذاردن حج هفتم اجابت هشتم دانستن علم **کلید دان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلید دان زود بگشاد و زحمت نداد دلیل که کارهای دینی و دنیاوی وی گشاده گردد و اگر بیند که کلید دان بدشواری بگشاد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که کلید دان نتوانست گشود و دربسته بماند دلیل که کارها بروی بسته گردد و از حال نیک بحال بد افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلید دان زود باز کرد و اگر غمگین بود دلیل که زود فرج یابد و اگر بیمار بود زود شفا یابد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر حاجتی دارد روا شود و اگر دعا کند مستجاب شود و کارهاش بنظام گردد **کلیسا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کلیسا رفت و در آنجا سوی قبله نماز گذارد دلیل که آنکس از گناه توبه کند و در دین قوی شود از بهر آنکه کلیسا جای عبادت است کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کلیسا بود دلیل که میل او با بت پرستان باشد خاصه چون نماز سوی قبله ایشان بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه فرماید اگر بیند که در کنشت شد اگر بیننده خواب پارسا باشد دلیل بد بود خاصه که بیند در آنجا مقیم شد **کلیم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلیم در خواب رئیس و سرور بود و اگر بیننده خواب مهتر بود دلیل که بزرگی و جاه او بیفزاید و بعضی معبّران گویند مردی صالح و گزیده بود و از درویشان و بیدار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلیمی بیافت دلیل که زنی توانگر بزنی کند و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهر کند و از وی خیر و منفعت بیند و اگر بیند که بر کلیمی کوته نشسته بود دلیل که زنی خوبروی و پارسا و موافق بزنی کند و اگر بیند که کلیمی سبز بود دلیل که زنی ستیزه کار و بیدار بود و اگر بیند که کلیم سرخ بود زنی معاشر و طرب دوست بود و اگر کلیم زرد بود زنی بیمار گون باشد و اگر کلیم سیاه بود آن زن که باشد زاهد و عابده بود و اگر کلیم ملوّن بود این همه که گفتیم در زن موجود بود و اگر بیند که کلیمی پوشیده بود دلیل که در پناه مهتری پارسا بود و از و منفعت یابد و اگر کلیم از خود دور افکند و ضایع شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کلیم در خواب بر پنج وجه بود یکی مرد رئیس دوم مهتر و پارسا سوم زنی توانگر چهارم کنیزک پنجم خیر و منفعت **کمان** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که کمان را بی تیر می کشید دلیل که بسفر رود و با فائده باز گردد و اگر هنگام کشیدن زه کمان ببرید دلیل که سفرش تمام نشود و باشد که در راهش زیان رسد و اگر بیند که کسی کمانی بوی داد دلیل که پسر یا برادر آرد و اگر بیند که کمان وی بشکست دلیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از مال او تلف شود و اگر بیند که از کمان تیر می انداخت دلیل که از بزرگی نامه بوی رسد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کمانی تیر می انداخت دلیل که سخن حق و باطل گوید بسبب راست و کج رفتن تیر و اگر بیند که از بهر خود کمانی ساخت دلیل که او را از پادشاه عجمی شرف و بزرگی حاصل شود

یا زن عجمی بخواهد و او را پسری آید و اگر بیند که از کمان تیر نتوانست انداخت دلیل که او را از پادشاه یا از آن زن فایده
نباشد و اگر بیند که کمان را بفروخت یا بکسی داد دلیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان تاویل
درازی عمر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمانی نو و پاکیزه داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کمان بکشید دلیل
که زن پایدار بود و اگر بیند که کمان ضایع شد دلیل که از زن جدا شود و اگر بیند که کمان او سخت بود در وقت کشیدن
نرم باشد دلیل که زنی بنکاح بخواهد و کار او آسان بر آید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن سفر بمراد برسد و اگر بیند
که کمان سست بود و سخت شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که کمانی بدست خویش از بهر خودمی ساخت دلیل که کار او
ساخته گردد و اگر بیند که کمان بفروخت و از بهای او درم و دینار بستد دلیل که دنیا را بر دین اختیار کند و اگر بهای
کمان جز درم چیزی دیگر بستد دلیل که مراد وی حاصل شود و اگر بیند که کمانی عطا بوی دادند دلیل که زود زن را خواهد
و بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که کمان خمیده کشیده بوی دادند بی آنکه کمان را کشید دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بیند
که کمان در کمان دان نهاد دلیل که از دنیا برود و اگر بیند که کمانهای بسیار داشت دلیل که او را دوستان بسیار باشند
که بگاه سختی بفریاد وی رسند و اگر بیند که کمانی پاکیزه و نیکو داشت دلیل که کردارهای نیکو و خیرات و طاعات و
حسنات کند و حج گذارد و آنچه بدین ماند بخداوند تعالی نزدیک بود و قوله تعالی فکان قاب قوسین او ادنی
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمان در خواب بر شش وجه بود یکی سفر دوم فرزند یا برادر سوم زن چهارم قوت
پنجم کردارهای نیک ششم مرد درست در کارها **کمان حلاجی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کمان حلاجی در
خواب شناعت زننده بود و اگر بیند که کمان حلاجی در دست داشت دلیل که منافقی کند و اگر بیند که کمان حلاجی
داشت و ندانست که ملک اوست دلیل که تشنیع خواهد **کمانه آسمان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب
بیند که کمانه آسمان زرد بود دلیل بر بیماری مردم آن دیار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سبزی کمانه آسمان بیشتر
از سرخی بود دلیل که در آن دیار نعمت فراخ گردد و اگر بیند که سرخی بیشتر از سبزی بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که بر آسمان علامت سرخی بگرد او عمود شد دلیل که پادشاه آن دیار را قوت و کامکاری رسد و اگر
عمودهای سیاه بیند تاویلش بخلاف این بود **کمان گروهه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کمان گروهه در خواب
کار پادشاه بود با غم و اندوه و اگر بیند که کمان گروهه در دست داشت و گله می انداخت دلیل که کسی را سخن
زشت گوید و دشنام دهد زیرا که کمان گروهه در راه دین ناپسندیده بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
بکمان گروهه گله بمردم انداخت دلیل که بسبب آزار مردم غمگین شود و اگر بیند که کمان گروهه وی بشکست
یا ضایع شد دلیل که آزار کس نجوید **کمربند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان کمری
بسته بود دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و پناه فرزند بود یا خویشان و اگر بیند که

کمربند بدر و جواهر مرصع بود دلیل که بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه وی قوی گردد و باشد که فرزند آرد و محتشم و قبال کرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند سه چهار بار کمربند بر میان بسته داشت دلیل که او را مال و حشم بسیار باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که کمربندی بد و داده‌اند و در میان بست دلیل که بسفر رود و اگر بیند که کمربند بشکست و بیفتاد و ضایع شد دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمربند وی بجواهر مرصع بود دلیل که مهتر قومی شود و اهل بیت وی بسبب وی توانگر شوند و اگر بیند که کمربند شمشیر آهن یا سیم آراسته بود دلیل بر خواسته بود و لیکن کمتر و اگر بیند که کسی او را کمربند و شمشیر بخشید دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمربند در خواب بر شش وجه بود یکی منفعت از قبل پدر یا برادر یا خویشان دوم فرزند سوم بزرگی و پناه چهارم عمر دراز پنجم انصاف دادن و یافتن مراد ششم پاکی دین و اگر بیند که کمربند بر میان بسته داشت دلیل که انصاف از خصمان بستاند اما نیمه عمر گذشته بود **کمشدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کمشده دلیل که در آن موضع که او بود ضایع شود زیرا که او را بمعرفت نشناسند و قرب او ندانند و اگر بیند که عیال یا فرزند او کم شد دلیل که از جهت ایشان اندوهگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی از وی کمشد اگر آن چیز بتاویل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت وی زایل شود و کارش بنظام گردد و اگر آن چیز بتاویل بد بود غم و مضرت از وی زایل نشود و کارش بنظام نشود **کمند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کمندی بینداخت و مردی را بگرفت دلیل که باندازه کمند از بزرگی یاری خواهد و اگر بیند که کمندش از رسن بود دلیل که از مردی مؤمن یاری خواهد و اگر بیند که کمند از موی خوک بود دلیل که از مردی کافر یاری خواهد و اگر بیند که کمند انداخت و در گردن مرد آمد دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دست آن مرد افتاد دلیل که از مردی مسافر یاری خواهد و اگر بیند که کمند انداخت و خصم را نتوانست گرفت دلیل که هیچکس او را یاری ندهد **کنار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کنار در خواب مال بیغش بود و از میوه‌ها هیچ میوه را خاصیت آن نبود و گویند که میوه مهتر آدم علیه السلام در بهشت کنار بود و اگر بیند که کنار بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بوقت خویش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کنار در خواب مال حلال بود و روزی فراخ باشد و اگر بیند که بخروار کنار داشت دلیل که مال بسیار یابد **کناه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گناه میکرد و ندانست که آن گناه چه بود دلیل که در گناه و فتنه افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید گناه کردن در خواب هم معصیت و گناه بود توبه باید کرد تا از عقوبت حق تعالی عز و جل ایمن شود و کارش بصلاح آید **کنبد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گنبد در خواب زن بود و اگر گنبدی پاکیزه بیند داند که ملک اوست دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید گنبد در خواب شرف و بزرگی بود اگر بیند که در گنبدی بزرگ بود دلیل که خیر و منفعت بد و رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گنبد در خواب بر چهار وجه

بود یکی زن دوم کنیزک سوم منفعت چهارم عز و جاه **کنج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کنج بیافت
دلیل که بیمار گردد یا رنجی بدل او رسد و اگر بیند که کنج او ضایع شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید کنج
یافتن در خواب در جایگاه خراب بیمار را هلاک شود و اگر بیند که در جایگاه آبادان یابد دلیل که بیمار شفا یابد **کنجد**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کنجد در خواب مالی بود که هر روز زیادت باشد و اگر بیند که کنجد داشت و میخورد دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند و اگر بیند که کنجد بکسی داد دلیل که بقدر آن از مال خود او را منفعت رساند و اگر بیند که کنجد خورد و طعم
آن ناخوش بود دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و بعضی از معبران گویند که او را غم و اندوه رسد **کنده پیر** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید کنده پیر در خواب دنیا باشد و کنده پیر مسلمان که بجامه آراسته باشد دلیل که مال حلال یابد و کنده پیر
که بجامه چرکین باشد و کافر بود بتاویل مال حرام بود و کنده پیر خوبروی و نیکو جامه بتاویل اینجهان و آن جهان باشد
و اگر بیند که کنده پیر فربه و مسلمان بزنی خواست و دانست که ملک او ست دلیل که مال حاصل کند و اگر بیند که زنی
پیر داشت و او را از خانه بیرون کرد یا طلاق داد دلیل که بترک دنیا بکوشد و راه آخرت جوید و اگر بیند که با کنده پیری
مجامعت کرد دلیل که مراد اینجهانی او را حاصل شود **کندرو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کندرو میخورد
یا می خائید دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خائیدن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کندرو داشت
دلیل که غمگین شود زیرا که تلخ است و در تاویل اندوه بود **کندس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کندس بسیار
داشت دلیل که بیماری دراز کشد و عاقبت شفا یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کندس میخورد دلیل که در رنج و بلا گرفتار
شود و اگر بیند که کندس به بینی فرا گرفت و عطسه داد دلیل که حاجتش بدشواری بر آید **کندم** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید کندم در خواب مال حلال بود که برنج بمردم رسد و اگر بیند که کندم میخورد دلیل که صالح و دیندار بود و اگر پخته میخورد
دلیل که غمگین شود و اگر بیند که دانه تا شکم او پر از کندم خشک شده بود دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد کرمانی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که خوشهای کندم میخورد دلیل که در آن دیار قحط و تنگی پدید آید قوله تعالی سبع سنبلات خضر
و اخر یابسات و اگر بیند که کندم میکشت دلیل که در آن دیار حق سبحانه و تعالی نرخ غله ارزان کند جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید کندم در خواب بر سه وجه بود یکی معزول شدن از ولایت دوم نصرت سوم عز بیجا اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کندم بریان میخورد دلیل که هیچ منفعت نیابد و اگر بیند که کندم بوقت خود در
میدروید دلیل که مالی بسیار برنج حاصل کند و کندم فروش در خواب دیدن مردی بود که دین بدنیا
اختیار کند **کندنا** دانیال علیه السلام گوید کندنا در خواب مردی بود که مردم او را بدوستی یاد
کنند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کندنا در خواب مال حرام بود و گفتار زشت بود اگر بیننده خواب
مستور و مصلح نباشد دلیل که مال حرام حاصل کند و پیوسته سخنان زشت گوید و در خوردن کندنا هیچ منفعت

نباشد **کندوا** مگس انگبین بود اگر بیند که کندوائی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که رسولی پیش او در آید و او را
شادمان کند و کرامت یابد و بعد از چهار روز یا چهار ماه از قبل زنان مقصود و مراد یابد خاصه که بوقت روز دیده باشد **کنشت**
ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بیند که در کنشت نشست و از سوی قبله نماز گذارد دلیل که عاقبت توبه کند و بخداوند تعالی
باز گردد و بدین قوی گردد بسبب آنکه کنشت جای عبادت است و اگر نماز سوی قبله جهودان گذارد دلیل که هوای
جهودان دارد کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر خود را در کنشت بیند دلیل که بگفتار مردم بدین کار کند جعفر صادق رضی
الله عنه کوید دیدن کنشت و کلیسا در خواب مردم مصلح را خیر و نیکوئی بود و مردم مفسد را شر و فساد بود **کنکر**
ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بیند که بوقت خود کنکر میخورد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و خوردن کنکر
در خواب نفع نبود و اگر بیند که کنکر داشت و نمیخورد دلیل که غم و اندوه کمتر باشد **کنکی** ابن سیرین رحمة الله
علیه کوید اگر کسی بخواب بیند که کنک شده بود دلیل که درویش و بدحال کردد کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر کسی خود را
در خواب کنک بیند دلیل بر تباهی و نقصان دین وی بود چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده قوله تعالی صم بکم
عمی فهم لا یرجعون جعفر صادق رضی الله عنه کوید کنکی در خواب بر هفت وجه بود یکی درویشی دوم بدحالی
سوم غم و اندوه چهارم نقصان عیش پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم نقصان دین و اگر کنکی بخواب بیند که زبانش
کشاده شد دلیل که کار بسته بروی بکشایند **کنه** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کنه در خواب عیال مردم بود
و اگر بیند که کنه اندام او میخورد دلیل که بقدر آن عیال از مال او بخورند و اگر بیند که کنه بسیار بر چهارپایه بود دلیل
که مردم از چهارپایان او فایده بینند مغربی رحمة الله علیه کوید اگر بیند که کنها از خود دور می انداخت دلیل که عیال
از خود دور کند و اگر بیند که کنه از چهارپای خود میکرفت و می انداخت دلیل که هیچکس را فایده نرساند جعفر صادق رضی
الله عنه کوید دیدن کنه در خواب بر سه وجه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته فراوان و اگر بیند که کنها
میکشت دلیل بدان چیزهای که گفتیم نقصانی بود **کنیزک** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کنیزک در خواب خیر و نیکی
بود بقدر جمال او و اگر کسی بخواب بیند که کنیزک خوبروی فربه داشت دلیل که چیزی پنهان بوی رسد و از آن
چیز منکر کردد کرمانی رحمة الله علیه کوید کنیزک در خواب مال بود و اگر بیند که کنیزکی بخرید دلیل بر خیر و نیکی بود و اگر بیند که
کنیزک بفروخت و بهای او بستد دلیل که او را غم رسد و اگر بیند که کنیزک بخرید دلیل که خرم و شادمان کردد و مال و نعمت
یابد و اگر بیند که کنیزک برهنه بود دلیل که زیانی بدو رسد و اگر بیند که کنیزک خوبروی آبستنه بود و در خانه وی در آمد
دلیل که شادی و منفعت بدو رسد **کهربا** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کهربا در خواب بیماری بود
اگر کسی بخواب بیند که کهربا داشت دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و بعضی کویند که بیماری او دراز کشد
کوارش ابن سیرین رحمة الله علیه کوید کوارش در خواب چون شیرین بود دلیل بر منفعت و خیر

و شادی کند و اگر تلخ و ناخوش باشد دلیل بر غم و اندوه و رنج و فساد بود و هر کوارشی که بوی خوش بود دلیل بر مدح و ثنا
بود و هر چه بوی او ناخوش باشد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید کوارش شیرین خوردن غم و اندوه بود و
کوارش داروی خوش خوردن دلیل بر ستایش کند **کوال** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوال در خواب دلیل بر مردی
عالم باشد و چیزهای که در و از خیر و شر بود به منقول دلیل از امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه می آرند چنانکه فرموده
ان القلوب اوعیة مغربی رحمة الله علیه گوید کوال چون بزرگ و نو و پاکیزه و فراخ بود دلیل بر منفعت بسیار بود
و الا منفعت اندک باشد **کودابها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کودابها که در خواب بیند بهتر از کوداب خرما بود و
بعد از آن کوداب خبیص بادام و بعد از آن کوداب نان و بعد از آن کوداب خشخاش را تاویل منفعت از اینها کمتر باشد
و اگر بیند که کوداب خبیص میخورد دلیل که بقدر آن مال از مردی بخیل بدست آرد و اگر بیند که کوداب خشخاش میخورد دلیل که
بقدر آن مال حاصل شود اما فایده اش کمتر بود و اگر بیند که کوداب نان میخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از مردی
پارسا او را بدست آید و اگر بیند که ازین کودابها که گفتیم داشت و از آن چیزی میخورد آنچه گفتیم بدو رسد مغربی رحمة الله علیه
گوید کودابها آنچه شیرین و خوش طعم بود دلیل بر نیکی کند و آنچه تلخ و ناخوش بود دلیل بر بدی کند **کور** دانیال علیه
السلام گوید کور بتاویل زندان بود و اگر بیند که گوری از بهر خود کند دلیل که احوال بروی تنگ شود و بعضی از معبران
گویند در آن موضع که گور باشد از بهر خود سرای نو سازد و اگر بیند که او را در گور کردند دلیل که احوال بروی دشوار شود
قوله تعالی ثم اماته فاقبره ثم اذا شاء انشره اگر بیند که او را در گور کردند و خاک بر سر او کردند دلیل که دین وی را
نقصان بود و بی توبه از دنیا برود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود را در گور نهاد دلیل که او را زندان کنند
و اگر بیند که در گور بمرد دلیل که در زندان بمیرد و اگر بیند که بر بام او گوری میکنند دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر بیند که
بر سر گوری ایستاده بود دلیل که بر گناه مقیم و ایستاده بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در گور مرده دید و منکر و نکیر از او
سؤال کردند دلیل که پادشاه آن دیار او را مطالبه کند و اگر جواب منکر و نکیر خطا داد دلیل که در عذاب پادشاه عاجز ماند و اگر
بیند که او را از گور بیرون آوردند و بردار کردند و دیگر باره در گور نهادند دلیل که پادشاه او را بنوازد و خلعت بپوشاند و
بعد از آن بزندان کند اما اگر این خواب بازرگان دیده باشد حساب او با بازرگانان بود و شمار هر کس با جنس خود و معبران
باید قیاس از چیزهای نیک بدانند تا خطائی نیفتد **گورستان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گورستان در خواب
دیدن صحبت با جاهلان بود که دین و دنیای ایشان بفساد کرد و غم و پشیمانی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که اهل گورستان را زیارت میکرد دلیل که اهل زندان را زیارت کند و اگر بیند که در گورستان باران
بارید دلیل که اهل گورستان را رحمت از حق سبحانه و تعالی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر توانگر بیند که در گورستان
میرفت و بر گورها سلام میکرد دلیل که درویش گردد و از مردمان گدائی کند زیرا که گورستان جائی مفلسان است

و اگر بیند که در گورستان معروف بود و مردگان از گور برخاسته بودند دلیل که اهل آن جایگاه را بلا و محنت رسد و اگر
بیند که در گورستان گورها باز میکردند بعضی مرده دید و بعضی زنده دلیل که در آن ولایت محنت و تنگی پدید آید جعفر صادق
رضی اللہ عنہ گوید گورستان در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم غم سوم محنت و بلا **کوز** در خواب مالی بود که بمحنت و بلا و
رنج و سختی حاصل کرده و اگر بیند که با کوز بازی میکرد یا کوز در دست داشت دلیل بر جنگ و خصومت بود کرمانی گوید
کوز که مغز آن تباه شده باشد دلیل که مال حرام بدو رسد بقدر کمی و بسیاری و اگر مغز کوز بطعم خوش بود مال حلال
بدو رسد و اگر بیند که کوز می شکست دلیل که از مردی عجمی مال گیرد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که کوز داشت دلیل که
او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که کوز تلخ و ناخوش بود دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود و اگر بیند که از مغز کوز
روغن بیرون آورد دلیل که از مردی بخیل او را منفعت رسد **کوز هندی** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که کسی
کوز هندی بوی داد دلیل که سخن فال گیر و منجم شنود و اگر بیند که کوز هندی میخورد دلیل که سخن ایشان راست پندارد و بعضی
از معبران گویند کوز هندی در خواب مردی دون یا کنیزکی هندی بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که کوز هندی میخورد
دلیل که سخنان منجمان راست پندارد و اعتقاد بدان داشته باشد **کوز بویا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کوز بویا
در خواب صلاح دین بود و دانستن علم شرع و اگر بیند که کوز بویا خورد دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و علم شریعت
بیاموزد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که کوز بویا بسیار داشت و میخورد و بمردم میداد دلیل که در علم و حکمت یگانه شود
و از آن علم او را و دیگران را منفعت بود و اگر بیند که کوز بویا داشت و از آن بکسی نداد دلیل که از آن علم منفعت نه او را
و نه دیگران را باشد و بعضی گویند که خوردن کوز بویا دلیل بر تعلیم علم نجوم کند **کوی زمین** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید
کوی زمین در خواب مالی بود که بمکر و حیلت بدست آورد و اگر بیند که بکوی پنهان بود که از آنجا او را بیرون آمدن نبود
دلیل که بمکر و حیلت خود را در کاری افکند که از آن بدشواری برآید و هر چند که کوی دورتر بود کار صعبتر بود و اگر بیند که آن کوی
مانند سردابه بود دلیل که دزد از وی چیزی ببرد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که کوی یا چاهی کند دلیل که از بهر کسی مکر و حیلت
سازد و اگر بیند از آن کوی آب بیرون آمد دلیل که در آن کوی بمکر و حیلت چیزی بدست آورد و بدان معیشت کند و اگر
بیند که کوی از بهر کسی دیگر بود دلیل که آنچه گفتیم آن کس را باشد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که در کوی افتاده بود و از آن
بیرون نتوانست رفت دلیل که در کاری مستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که رستگاری
یابد **کوزه** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید کوزه از سپید روئین یا از مس بود در خواب خادم باشد و اگر سفالین
بود داشت دلیل که او را کنیزکی حاصل شود بقدر خوبی کوزه و اگر بیند که از کوزه آب خورد دلیل که با کنیزک
جماع کند و اگر بیند که کوزه بشکست دلیل که کنیزکش بمیرد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید کوزه در خواب مال و
نعمت باشد و اگر بیند که کوزه زرین داشت یا سیمین او را مال خواسته حاصل شود اما در آن مال تهمت باشد و اگر بیند که

که کوزه سفید روئین یا قلعی داشت دلیل بر مال و نعمت باشد و اگر کوزه آهنین داشت دلیل بر مال بود و اما کمتر جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید دیدن کوزه در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم
عمر دراز هفتم مال هشتم خیر و برکت نهم میراث از قبل زنان و کوزه اوبزرابراده خوانند تاویلش بخواب زنی بزرگ نژاد و
مهتر بود **کوساله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوساله نر فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل
که او را پسری آید و اگر بیند که گوساله ماده بود دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که گوساله بخانه برد و بر دوست مالید دلیل که
اندوهگین شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوساله در منزل او درآمد و شد میکرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که
گوساله دشتی فرا گرفت دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که بر پشت گوساله سوار بود دلیل که با پادشاه عجمی پیوندد
و از وی بزرگی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوساله وی بمرد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر گوساله وی ضایع شد
دلیل که فرزندان از وی مفارقت جویند و اگر بیند که گوساله داشت و از گوشت وی بخورد دلیل که میراث فرزند بخورد
اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوساله سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانگر بود و اگر بیند که
گوساله ابلق بود دلیل که میانه بود و اگر گوساله وی قوی و فربه بود دلیل که فرزندش تندرست و نیک حال بود و اگر
ضعیف و لاغر بود تاویلش بخلاف این بود **کوسپند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوسپند در خواب غنیمت بود و اگر
بیند که گوسپند بیشمار اند دلیل که بر گروهی بزرگی و مهتری یابد و اگر بیند که گوسپندان بعضی سپید و بعضی سیاه بودند دلیل
که آن گروه بعضی عرب باشند و بعضی عجم و اگر بیند که گوسپند بسیار جمع شده اند و دانست که ملک اوست دلیل که او را مال
بسیار حاصل آید و اگر بیند که گوسپندی بر گردن گرفته بود دلیل که مؤنت کسی بر گردن گیرد و اگر بیند که گوشت گوسپند پخته میخورد
دلیل که بقدر آن او را غنیمت باشد و اگر بیند که گوشت بریان کرده میخورد دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیند که از بهر خوردن گوسپند
را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال وی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند نره میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل
که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر بیند که نره میشی را گلو ببرید و رها کرد دلیل که بر مردی بزرگ
ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر بیند که بر نره میش نشست و مطیع و فرمان بردار او بود دلیل که بر مردی بزرگ چیره
گردد و اگر بیند که نره میش بر وی غالب بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که سر و پای نره میش اشکست دلیل که بر آن مرد که وصف
کردیم غالب شود و اگر بیند که سر و پای نره میش دراز و قوی بود دلیل که آن مرد قوی و توانا شود و اگر بیند که پشم بر تن نره میش دراز
بود دلیل که بقدر آن مال و نعمت زیادت شود و اگر بیند که پشم نره میش بسیار حاصل شد و دانست که ملک اوست دلیل که بقدر آن بر مردم
فرمان دهد و ایشان را زیردست خود کرده اند و از ایشان مال و نعمت بسیار یابد و بعضی گویند که بعدد هر نره میشی او را سالی بزرگی و شرف
حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید ماده میش در خواب زنی بزرگ و کریمه بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصه
داؤد علی نبینا و علیه السلام فرموده قوله تعالی ان هذا اخی له تسع و تسعون نعجة ولی نعجة واحدة اگر بیند که ماده

میشی فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم او را محب و خواستگاری شود و از وی مال حاصل کند و اگر بیند که ماده میش ضایع شد دلیل آن زن از وی جدا شود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده میشی را گلو ببرید دلیل که زنی مستوره را بهتان کند و اگر ماده میش سیاه بود دلیل که آن زن از عرب بود و اگر سفید بود از عجم باشد و پوست گوسپند غنیمت و مال حلال بود و دیدن گوسپند در خواب بر پنج وجه بود یکی بهتری دوم زنی بزرگ سوم مال چهارم فرمان پنجم جاه و منفعت **گوشتها** دانیال علیه السلام گوید گوشتها بتاویل هر چند پخته خورد دلیل بر مال و منفعت کند که آسان بدست آید و گوشتهای که خام خورد دلیل که مال برنج و سختی بدست آید و خرید و فروخت گوشتها در خواب غم و اندوه بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گوشت پخته بهتر از بریان باشد و خوردن گوشت بریان بهتر از خام باشد و اگر بیند که گوشت تن خود را میخورد دلیل که غیبت اهل خانه کند و بعضی از معبران گویند کاری کند که از آن کار پشیمانی خورد و اگر بیند که گوشت مردم میخورد دلیل که غیبت مردم بناحق کند قوله تعالی ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه و اگر بیند که مردی را بردار کرده بودند و او گوشت او میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که گوشت گوسپند فربه و پخته بود و میخورد دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوسپندی مسلوخ بخانه آورد دلیل که کسی بزرگوار در آنجا بمیرد و اگر بیند که برخی از اندام گوسپند در خانه آورد دلیل که در آن خانه کسی هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید که گوشت فربه بهتر از گوشت لاغر بود و اگر بیند که گوشت تازه کسی را همی زد دلیل که او را بزبان رنجور کرداند یا او را غیبت کند و اگر بیند که گوشت بریان میخورد دلیل که بقدر آن روزی با غم و اندوه یابد و اگر بیند که از قصاب گوشت بخرید و بهایش بداد و بمنزل خود برد دلیل که هلاک شود و اگر بیند که گوشت اژدها میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت اسپ میخورد دلیل که در میان خلق نیکنام شود و از پادشاه چیزی بدو رسد و اگر بیند که گوشت اشتر میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بیند که گوشت اشتر بچه میخورد دلیل که بقدر آن مال یتیمی بخورد و بعد از آن بیمار شود و شفا یابد و بعضی از معبران گویند که از مردم پادشاه او را منفعت رسد و اگر بیند که گوشت اشترمرغ میخورد دلیل که بقدر آن از مردم بیابانی او را منفعت رسد و اگر بیند که گوشت آله میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر او را درم و دینار حاصل شود و اگر بیند که گوشت آهو میخورد دلیل که بقدر آن از زنی خوبروی او را مال حاصل آید و اگر بیند که گوشت بز میخورد دلیل که او را منفعت مال و ثمن بدست آرد و خرج کند و اگر بیند که گوشت پرستو میخورد دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از معبران گویند که مال دشمن بخورد و اگر بیند که گوشت بط میخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوشت پلنگ میخورد دلیل که در جنگ نام آور باشد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که گوشت گنجشک می خورد دلیل که از زنان مردی زن گیرد یا از مال فرزند بقدر آن او را حاصل شود و اگر بیند که گوشت بوزنه میخورد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که گوشت پیل میخورد دلیل که بقدر آن از سلطان مال یابد و اگر بیند که گوشت چرغ میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر او را منفعت

رسد واگر گوشت تذرو میخورد دلیل که مال مردی غدار خورد واگر بیند که گوشت چغد میخورد دلیل که مال دزدیده خورد واگر بیند که
گوشت چکاوک میخورد دلیل که چیزی از مال بنده خورد واگر بیند که گوشت خر میخورد دلیل که مال حرام یابد واگر بیند که گوشت
خرگوش میخورد دلیل که از مال زن چیزی اندک بیابد وبعضی از معبران گویند که میراث یابد واگر بیند که گوشت خروس میخورد دلیل
که بقدر آن از مردی عجمی منفعت یابد واگر بیند که گوشت خرچنگ میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام خورد ودر طاعت سستی
کند واگر بیند که گوشت دراج میخورد دلیل که مال زن بستاند وخرج کند واگر بیند که گوشت راسو میخورد دلیل که بیمار شود
واگر نه ترس وبیم یابد واگر بیند که گوشت زاغ میخورد دلیل که بقدر آن از مال فاسقی بخورد واگر بیند که گوشت سنگ خاره میخورد
دلیل که از مال مردی ابله منفعت یابد واگر بیند که گوشت سوسمار میخورد دلیل که از مردی که سفر بسیار کند خیر ومنفعت یابد وبعضی
گویند خوردن گوشت سوسمار دلیل بر کمال وزینت اینجهانی یافتن باشد واگر بیند که گوشت سگ میخورد دلیل که بر دشمن
ظفر یابد واگر بیند که گوشت سنجاب میخورد دلیل که مال مردی غریب خورد واگر بیند که گوشت سیمرغ میخورد دلیل که مال
مردی بزرگوار بدو رسد واگر بیند که گوشت شاهین میخورد دلیل که از مال مردی ستمگر نفع یابد واگر بیند که گوشت بره میخورد
دلیل که با کسی گمراه محرم پیوندد واگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که بسبب تجارت با خویشان خصومت کند واگر بیند که
گوشت طاؤس میخورد دلیل که مال ونعمت یابد واگر بیند که گوشت طوطی میخورد دلیل که علم آموزد ودیرا منفعت نکند واگر
بیند که گوشت فنک میخورد دلیل که بقدر آن مال زن بستاند واگر بیند که گوشت قمری میخورد دلیل که از زنی خوب منفعت
یابد واگر بیند که گوشت ماده گاو میخورد دلیل که مالی فراوان حاصل کند وکارش بنظام گردد واگر بیند که گوشت گاو دشتی
میخورد دلیل که بقدر آن اورا از مال زن یا کنیزک نفع رسد واگر بیند که گوشت کبوتر میخورد دلیل که از مال زن اورا بهره رسد
واگر بیند که گوشت گربه میخورد دلیل که منفعت یابد واگر بیند که گوشت گرگ میخورد دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یابد واگر
بیند که گوشت کشف میخورد دلیل که از عالمی علم حاصل کند واگر بیند که گوشت کفتار میخورد دلیل که بهره زنی بردی جادو کند واگر
بیند که گوشت کلازه میخورد دلیل که مال مردی بیابانی خورد واگر بیند که گوشت گورخر میخورد دلیل که مال ومنفعت یابد واگر
بیند که گوشت ماکیان میخورد دلیل که اورا مال از کنیزک یا از خادم جمع شود واگر بیند که گوشت ماهی میخورد دلیل که چیزی
از مال زن خورد واگر بیند که گوشت مرغابی میخورد دلیل که بزرگی وولایت یابد واگر بیند که گوشت مرده میخورد دلیل که آن
مرده را به بدی یاد کند واگر بیند که گوشت نهنگ میخورد دلیل که رنج وبلا بدو رسد واگر بیند که گوشت هدهد میخورد دلیل که از مردی
زیرک وبزرگ منفعت یابد واگر بیند که گوشت همای میخورد دلیل که از پادشاه اورا راحت رسد وکارش بلند گردد
واگر بیند که گوشت هزاردستان میخورد دلیل که از مال زن یا فرزند یا غلام اورا منفعت رسد واگر بیند که
گوشت واشه میخورد دلیل که از مال دشمن بخورد واگر بیند که گوشت یوز میخورد هم از مال دشمن خورد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید گوشت جانوران دیدن بر چهار وجه بود یکی مال دوم میراث سوم توانگری چهارم مصیبت واندوه گوشت

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوش او بیفتاد و یا بریده شد دلیل که زن را طلاق دهد یا دختر ش بمیرد یا
از هم جدا شوند و بعضی معبران گویند که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که او کر شد چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند دلیل
بر فساد دین و دیانت او بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوش در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم خبر
سوم دوست چهارم رفتن پنجم پسر ششم غلام هفتم مال و خواسته هشتم ترس و بیم **گوشواره** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که در هر دو گوش گوشواره داشت دلیل که او را بیش آرایش و جمال افزون گردد و اگر بیند که در هر دو
گوش مروارید گرانمایه آویخته بود دلیل که علم و قرآن بیاموزد و عالم و دانا شود و اگر بیند که در یک گوش مروارید بود
و در دیگر نبود دلیل که علم و قرآن بیاموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هر دو گوشوارها داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد
و اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت یکی از زر و یکی از سیم دلیل که زن را طلاق دهد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و آرایش دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی
چهارم غم و اندوه بسبب طلاق دادن زن **کوشک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کوشکی
شد دلیل که او را مال خواسته حاصل آید خاصه که کوشک از خشت خام و گل بود و اگر بیند که از گل و آجر بود دلیل که مال
یابد اما در دین او نقصان بود و اگر بیند که پادشاه کوشکی بوی داد دلیل که از پادشاه مال حاصل کند کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کوشک او خراب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر بیند که در کوشک او آتش بیفتاد دلیل که پادشاه
از و مصادره کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوشک در خواب بر هشت وجه بود یکی نعمت دوم ولایت سوم
مرتبت چهارم ریاست پنجم بزرگواری ششم پادشاهی هفتم رامش هشتم شادی و خرمی بقدر بلندی و نیکوئی کوشک
کوکر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوکر در خواب غم و اندوه بود و در دیدن کوکر خیر و منفعت نبود **کودک**
دانیال علیه السلام گوید که کودکی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کودک شده بود و در کتاب چیزی پیش معلم میخواند دلیل
که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که کودک صلاح از فساد نخواهد و معبران گفته اند که اگر خود را کودک بیند دلیل که کارش
ضعیف شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کودکی بریان کرده پیش وی نهادند و میخورد دلیل که
از وی خیر بسیار یابد و آن کودک با حشمت بسیار برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید کودک خوبروی بتاویل فرشته بود
و کودک زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیرخواره شده بود دلیل که از مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که
کودکی را شیر میداد دلیل که در وقت زادن بسلامت بود **کوه** دانیال علیه السلام گوید اگر خود را بکوهی بلند بیند و داند که آن کوه
ملک اوست دلیل که مردی بزرگ او را در پناه خود گیرد و اگر بیند که کوه را از جای خود برکند دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که بر کوه مقام
کرد دلیل که از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بیند که بر بالای کوه همی شد دلیل که بزرگی و جاه یابد و بعضی از معبران گویند اگر بدشواری
بر بالای کوه می شد دلیل که غم و اندوه بدو رسد اگر بیند که از کوه بزیر آمد دلیل که بزرگی و جاه او نقصان شود و اگر

بیند که بر سر کوهی مقام ساخت دلیل که از پادشاه حرمت یابد و مقرب شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
بر سر کوهی نماز میگذارد و یا بانگ نماز میداد دلیل که کار او نیکو شود و مغربی رحمة الله علیه گوید بالای کوه و کوشک رفتن
در خواب دلیل بر مقصودی که دارد بیابد و اگر بزیر آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بر دامن کوه بنشست دلیل که
اندوهگین شود و اگر بیند که بر دامن کوه نماز میگذارد دلیل که کاری کند که موافق دین باشد و اگر بیند که در کوه در میان
از کسان پادشاه باوی بود دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر بیند که کوه بجنبید و بعد از آن قرار گرفت دلیل که
از مردی بزرگ در آنجا رنجور شود و شفا یابد و اگر بیند که کوه را میکند و کوه کندن بروی آسان بود دلیل که بزودی
عطا یابد و اگر بیند که کوه از خاک بود دلیل که او را با مهتری خسیس طمع باشد و اگر بیند که بر کوه قاف نشسته بود
دلیل که اجلش فرا رسیده باشد و اگر بیند که بر کوه طور سینا بود دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مرادش حاصل
آید و اگر بیند که بر کوه عرفات بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بیند که بر کوه لبنان بود دلیل که با علما
و صلحا صحبت دارد و اگر بیند که بر کوهی تاریک بود دلیل که او را بیم هلاک باشد و اگر بیند که بدره شد دلیل که اجلش
نزدیک آید یا بزندان گرفتار آید و اگر بیند که بر کوهی روشن بود دلیل که مال یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که در کوهی خراب بود که در و سنگها افتاده بود و بدشواری میرفت و تیر می انداخت دلیل که او را از پادشاه ستمگر بیم بود
و اگر بیند که میان دو کوه میرفت و تیر می انداخت دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند و اگر بیند که در
کوه سوراخی بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز پادشاه آگاه شود و اگر بیند که از آن سوراخ چیزی
بیرون آورد دلیل که از آن پادشاه عطا یابد حافظ معبر گوید اگر بیند که بر کوهی بالا میرفت دلیل که بخدمت
مردی بزرگ مشغول گردد و اگر بیند که از کوهها سنگ میگرفت و هر یک بجائی می انداخت و او بر میگرفت و
بر کوه مینهاد دلیل که مالها بقهر جمع کند و اگر بیند که از کوهها در کنار گرفته بود دلیل که خود را بکسی بزرگ
بندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که مرادش بر نیاید و اگر بیند که
بر کوه نردبانی از گچ و آجر بسته بود و بدان نردبان بر سر کوه شد دلیل که مرادش زود
حاصل شود و اگر بیند که نردبان از گل و خشت خام بود دلیل که بهتر باشد و اگر از مس بود بد
باشد و اگر از برنج بود مرادش بر نیاید و اگر بیند که بر سر کوهی بلند ایستاده بود دلیل که خاص
مقرب پادشاه گردد و مال بسیار یابد حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن کوه در خواب بر
پنج وجه بود یکی پادشاهی دوم دبیری سوم ظفر چهارم بلندی پنجم رئیسی یافتن

گوهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن گوهر بخواب زن با جمال بود اگر بود و
اگر بیند که گوهری داشت دلیل زنی که دارد طلاق دهد و اگر بیند که گوهر بسیار

گوهرها

داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوهر میفروخت دلیل که بشغل زنان مشغول گردد و دلالی کند و اگر بیند که بعضی گوهرها سوراخ داشت و بعضی نداشت دلیل که دلالی دختران دوشیزه و زنان بیوه کند مغربی رحمة الله علیه گوید گوهر سفید در خواب فرزند بود و اگر بیند که گوهرها سفید داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن گوهر در خواب بر هشت وجه بود یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی گرانبها پنجم زنان باجمال ششم سخن مفید هفتم خیر و برکت هشتم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب مستور نباشد دلیل بر پشیمانی بود و گوهر فروش در خواب خداوند علم و حکمت بود **کوچه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کوچه آبادان بود دلیل که خیر و منفعت بوی رسد خاصه که در و مردم مصلح باشند و اگر بخلاف این بیند دلیل که شر و مضرت بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کوچهٔ فراخ مقیم شد دلیل که غم و اندوه بوی رسد **کیکیر** اگر کسی بخواب بیند که کیکیر داشت یا کسی بوی داد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که کیکیر خورد دلیل بر غم و اندوه صعبتر بود و اگر بیند که کیکیر بکسی داد دلیل که غم و اندوه بوی رساند و در دیدن کیکیر هیچ منفعت نباشد والله اعلم

حرف اللام

لباچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لباچه در خواب دیدن نیکوئی و پایندگی دین بود خاصه که سبز باشد و اگر بیند که لباچه سمور یا سنجاب داشت دلیل که پناه مردی باد یانت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لباچه سبز داشت دلیل که او را از مردی با امانت منفعتی رسد و اگر بیند که لباچه سفید بود دلیل که از مردی مصلح توانگر او را نفعی رسد و اگر لباچه سرخ بود و پوشید دلیل که از مردی معاشر بقدر بهای آن او را منفعت رسد و اگر لباچه زرد داشت دلیل که بیمار گردد و اگر لباچه کبود بیند که پوشیده بود دلیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لباچهٔ سیاه پوشیده بود و اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که مضرت و بی حرمتی یابد اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید لباچه دیبا مردان را نقصان دین بود و زنان را شادی بود و لباچه عتابی مردان را و زنان را نیک باشد خاصه که سفید و فراخ بود دلیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لباچه در خواب نقصان مال بود ،، جعفر صادق رضی الله عنه گوید لباچه کرباس زنان را و مردان را نیک بود و لباچه در خواب بر چهار وجه بود یکی زنان دوم امانت داری سوم صلاح کارها چهارم خیر و منفعت **لباس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لباس تابستان بزمستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود اما ترس و بیم عظیم بوی رسد لیکن انجامش نیکو باشد و اگر زنی بیند که لباس مردان پوشیده بود دلیل که از شوهرش خیری رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بدتر از آن بیند که در بیداری بود دلیل که کارش بد شود و اگر بهتر بیند نیکو شود و اگر بر خود لباس مهتران بیند دلیل که مهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان بیند دلیل که گناه بسیار کند و اگر بیند که لباس سلاطین داشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بیند که لباس علما پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر بیند که لباس صوفیان داشت دلیل که

از دنیا دوست بدارد و اگر بیند لباس توانگران داشت دلیل که بجمع کردن مال حریص بود و اگر بیند که لباس جهودان
یا ترسایان داشت دلیل که دلش با ایشان مایل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لباس در خواب بر هفت وجه
بود یکی دین پاک دوم توانگری سوم عز و جاه چهارم منفعت پنجم عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عدل خواهد **لبها**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لبها در خواب دیدن دلیل بر برآمدن حاجات بود و لب زیرین بهتر از لب بالا باشد و بعضی
از معبران گویند لب در خواب خویش و قرابات بود و اگر بیند که لب بالای وی از جا زایل شد دلیل که مال وی در زوال
شود و لب زیرین همین تاویل دارد و اگر بیند که لب بالای وی ببریدند دلیل که زن را طلاق دهد یا زن او را هلاک کند
و اگر هر دو لب افتاده بیند دلیل که او را مصیبتی رسد از جهت مادر و پدر و نیز گویند که غمازه بود و اگر لبهای خود را درد مند بیند
دلیل که غمگین شود و اگر بیند که لبهاش با هم در پیچیده بود چنانکه باز نتوانست کشود دلیل که کارش بسته گردد و اگر
زنی بر لب خود خالی سیاه بیند دلیل که عز او زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لب خود را بدندان گرفت
و خسته کرد دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه بیم هلاک او بود و اگر بیند لبهاش آماسیده بود دلیل که مال وی
زیادت شود و اگر بیند که لبهاش سرخ شده بود دلیل که فرمان روا گردد و اگر بیند که لبهاش سبز یا سفید بود دلیل
که بسبب دوستان غم خورد و اگر بیند که لبهاش سست و ضعیف بود دلیل که حالش بد بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید لب بالا دلیل بر پسران بود و لب زیرین دلیل بر دختران بود **لحاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
لحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بیند که لحاف نو داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که لحاف نو بخرید
دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بیند که لحاف او ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر لحاف دریده و چرکین
بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لحاف نو داشت دلیل که زنی دیندار و
توانگر خواهد و اگر بیند که لحاف سفید بود دلیل که زنی توانگر و پارسا او را بود و اگر بیند که لحاف سرخ بود دلیل که زنش
طرب را دوست دارد و اگر لحاف زرد بود دلیل که بر زنی بیمار گون باشد و اگر لحاف او ملون بود دلیل که زنش مکاره و
فریبنده بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لحاف در خواب چون نو باشد بر سه وجه بود یکی زن عالمه دوم دختر دوشیزه
سوم **لرزیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردنش میلرزید دلیل که در امانت
داری ضعیف بود و اگر بیند که سر وی می لرزید دلیل که از حاکمش زیان رسد و اگر بیند که قفایش میلرزید
دلیل که زینت و آهستگی ندارد و اگر بیند که دستهای وی میلرزید دلیل که نیک معیشت بود و اگر بیند که
سینه وی میلرزید دلیل که سخنی بشنود که اندوهگین شود و اگر بیند که شکم وی می لرزید دلیل که از مردی که
قوت او بود و پناه او بود رنجی بوی رسد و اگر بیند که پایش می لرزید دلیل که در سفر رنجی بوی رسد و اگر بیند
که اندامش می لرزید دلیل که بسبب مراد وی که در پی آن بود رنج و سختی بیند دانیال علیه السلام گوید لرزیدن

اندامها در خواب ترس و بیم بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم مضرت و بیماری **لرزیدن چیزها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزید دلیل که در آن دیار فتنه و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بیند که آفتاب و ماه لرزید دلیل که پادشاه آن دیار را رنج و مضرت رسد و اگر بیند که ستارگان لرزیدند دلیل که آشوب در نزدیکان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین می لرزید دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه می لرزید دلیل که پادشاه آن دیار را مضرت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عرش می لرزید دلیل بر فساد دین و بی دیانتی علما بود و اگر بیند که لوح و قلم می لرزید دلیل بر بدحالی دبیران و اهل علم بود و اگر بیند که هفت آسمان لرزید دلیل که عذاب و خشم باری سبحانه و تعالی بسبب فساد بر اهل آن دیار بود و اگر بیند که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان می لرزیدند دلیل بر جنگ و خصومت پادشاه آن دیار و قتل و خون ریختن بود و اگر بیند که کوشک یا سرای پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع برسد و اگر بیند که تن وی لرزید دلیل بر مصیبت و فساد بود **لشکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر در جایگاهی بود یا فرا رسید دلیل که اهل آن موضع را گزندی رساند و اگر لشکر آراسته بیند دلیل بر قوت و نصرت آن دیار که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود که لشکر از آن او بود و اگر لشکری بی صلاح بود دلیل بر ضعف و عجز آن پادشاه و مردم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لشکر در خواب بر پنج وجه بود یکی تلخ دوم سیل سوم باد سخت چهارم جنگ و خصومت پنجم بلا و محنت **لعل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لعل در خواب زنی با جمال و توانگر بود اگر بیند که لعل آتشی فرا گرفت یا کسی بوی داد یا بخرید دلیل که بدین صفت که گفتیم زنی بخواهد یا کنیزک پاکیزه خرد و اگر زنش باشد دختری با جمال لطیف صورت زاید و اگر بیند که لعل بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند لیکن در دین مکروه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی آشنا پاره لعلی بوی داد دلیل که بقدر و قیمت آن زنی توانگر از خویشان خود خواهد و اگر بیند که بیگانه او را پاره لعل داد دلیل که زنی مجهول بدین صفت خواهد و اگر بیند که جوالی پاره لعل بدو داد دلیل که مال حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم منفعت چهارم مال و دنیا و دختران **لعوق** لیسیدن بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طعم آن شیرین و خوشبوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیند که چون لعوق انار و لعوق چلغوزه و لعوق خشخاش و آنچه بدان ماند و اگر تلخ و ترش بود و بوی ناخوش داشت دلیل بر شر و مضرت باشد مغربی رحمة الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و آنچه ترش بود تاویلش بخلاف این بود **لفاح الشمامه** و دستنبویه را گویند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستنبویه میخورد دلیل که بیمار شود و اگر بکسی داد آنکس بیمار

کردد و اکر بیند که لفاح را بوی میکرد دلیل که سخنهای خوش شنود و اکر بیند که لفاح بسیار داشت دلیل که مال و خواسته یابد جعفر صادق رضی الله عنه کوید لفاح درخواب بر شش وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلاف

لقلق

ابن سیرین رحمة الله علیه کوید لقلق درخواب مردی با حسب و نسب و آزاد و عاقبت اندیش بود و اکر بیند که لقلقی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را با کسی بدین صفت صحبت افتد و اکر بیند که لقلقی را بکشت دلیل که دشمنی بزرک بر دست وی هلاک شود و اکر بیند که لقلقی با وی سخن کفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از مهتری او را منفعت رسد و اکر بیند که لقلقی بر بام وی بنشست دلیل که مهتری در خانه وی در آید و اکر بیند که لقلق از دست وی بپرید دلیل که از صحبت مردی دهقان جدا ماند و اکر بیند که کوشت لقلق میخورد دلیل که بقدر آن مال دهقان خورد جعفر صادق رضی الله عنه کوید لقلق درخواب بر چهار وجه بود یکی مردم دهقان دوم پادشاه ضعیف سوم پاسبان چهارم غریبی و درویشی بود

لقمه

ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اکر بیند که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد دلیل که آنکس سخن خوش بدو کوید و اکر آن لقمه غلیظ و ترش بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه کوید اکر بیند که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد مصلح بود دلیل که مال حلال یابد و اکر بیند که لقمه شیرین کرم در دهان وی نهاد دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اکر لقمه در دهان وی آسان شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید لقمه در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی بوسه دادن دوم سخن لطیف کفتن سوم منفعت بقدر لقمه

لقوه

ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اکر کسی بخواب بیند که روی از علت لقوه کج شده بود دلیل که نزد مردم حقیر و خوار شود و اکر بیند که رویش پاکیزه و نیکو بود دلیل که نزد خلق عزیز و کرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید لقوه درخواب دلیل بر منافقی بود که میان مردم سخنان نفاق کوید و اکر بیند که لقوه شده بود دلیل بر آشکارا شدن علت و نقصان دین بود

لگام

ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اکر بیند که لگام بشکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرکی او نقصان شود و اکر بیند که لگام بر سر داشت چنانچه اسپان را باشد دلیل که روزه دارد و از کناه توبه کند و امیر المومنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسیکه نابکار و بدسکال تر بود لگام در دهانش رود مغربی رحمة الله علیه کوید لگام درخواب بر سر بنده نیکو بود که پیوسته بفرمان خواجه باشد و بر سر آزاد نیکو نبود و کویند که بیننده خواب با ادب و فرهنک باشد جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن لگام درخواب بر سه وجه بود یکی شرف و بزرکی دوم روزه داشتن سوم ادب و فرهنک و لگام فروش درخواب مدبر کارهای ولایت باشد

لگد زدن

ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اکر کسی بخواب بیند که کسی را لگد زد دلیل که از وی یا از خویشان وی او را زیان رسد و اکر

ببیند که اسپ او را لگد زد دلیل که در شرف و بزرگی او نقصان پدید آید و بعضی از معبران گویند بفساد مشغول گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که زنی او را لگد زد دلیل که بسبب زنی اندوهگین شود و اگر ببیند که گنده پیری لگد زد دلیل که مالش تلف شود و اگر ببیند که اشتر او را لگد زد دلیل که از مردی محتشم او را زیان رسد و اگر ببیند که خری وی را لگد زد دلیل که در سفر او را زیان و مضرت رسد و اگر ببیند که گاو او را لگد زد دلیل که در آن سال او را زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لگد زدن در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم مضرت سوم غم و اندوه چهارم فساد عیال **لک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که لک داشت دلیل که از کسی فرومایه او را منفعت رسد و اگر بیند که لک را بر آتش نهاد و دود میکرد دلیل که نامش در آن دیار به نیکی منتشر گردد و اگر بیند که لک میخورد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که کار دوست وی بود و لک محکم میکرد دلیل که در میان دو کس مصالح و پیوند کند **لوبیا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که لوبیا در خواب اگر بوقت خود بیند نیکو بود و اگر بیوقت پخته یا خام دلیل غم و اندوه بود **لوح محفوظ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ بتاویل عالم با امانت بود که مال خود را در راه حقتعالی صرف کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ بتاویل علم و حکمت و قرآن باشد و اگر ببیند که لوح محفوظ کوچک و حقیر بود دلیل که حال وی بد بود و اگر ببیند که بقلم بر لوح محفوظ چیزی می نوشت دلیل که کارش نیکو گردد و اگر ببیند که بر لوح مهر خفت دلیل که او را با پادشاهی بزرگ شغل افتد و در آن فرمان روا گردد و اگر ببیند که نام وی بر لوح محفوظ نبشته بود دلیل که اجلش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیادت دوم پسر سوم علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت **لوزینه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که لوزینه بشکر در دهان نهاد دلیل که از کسی سخنی لطیف شنود و اگر بیند که لوزینه بسیار خورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه بکسی داد دلیل که او را سخنی خوش گوید یا از بهر او کاری نیکو کند مغربی رحمة الله علیه گوید لوزینه خوردن در خواب دلیل بر مال و نعمت بود و اگر بیند که لوزینه خورد و یا خرید یا کسی لوی داد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از حلال یابد و خرج کند و اگر بیند که لوزینه بکسی داد دلیل که از وی بر آنکس مال و نعمت رسد و اگر بیند که لوزینه ضایع شد یا بد بزد یا بدزدید دلیل که آن نقصان مال بود **لنگ شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لنگ شده بود دلیل که کارها طلب کند از خیر و شر و سست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از معبران گویند اگر کسی خود را لنگ و حقیر بیند دلیل که بچشم مردمان خوار و حقیر گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را لنگ ببیند دلیل که در دین و دنیا شکسته بود و مقصودش بر نیاید و اگر بیند که خود را بعمد الَنگ ساخت دلیل که از کسی بجهت کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر ببیند که لنگ شده بود و بعصا میرفت دلیل که از کسی یاری میخواهد که مردم بروی اعتماد

کنند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظاهر بر کسی اعتماد کند و اعتقادش
حقیقی نبود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را بدو پای لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت
دلیل که بشغل کدخدائی درویش و عاجز و دردمند بود و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست نمی
توانست رفت دلیل که از شر آنکس ایمن گردد و اگر بیند که در هر دو پای وی خار بود و آماسیده بود و نمی لنگید دلیل
که دشمن بر وی حسد برد و مال و جاه وی زیادت شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر لنگ بخواب بیند که
پای او درست شد چنانکه نمی لنگید دلیل که کارهای بسته بر وی گشاده گردد و از مراد وی که نومید شده باشد
بیابد و کارش بنظام گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لنگی در خواب بر پنج وجه بود یکی سستی در کارها دوم نامردی
سوم درویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش **لوبیه** در خواب خدمتکار خانه که اصلش ترسا بوده باشد و اگر بیند
که در دست لوبیه نو و بزرگ بود دلیل که خدمتکارش با امانت بوده باشد و اگر لوبیه کهنه و چرکین و کوچک
بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که لوبیه بیفتاد و بشکست دلیل که خدمتکارش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که لوبیه‌اش سوراخ شده بود دلیل که خدمتکارش بیمار شود و اگر بیند که لوبیه پر از آب صافی بود دلیل که خدمتکار
او را منفعت رسد و اگر بیند که لوبیه‌اش پر از خوردنی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوبیه خورد دلیل
که از خدمتکار خیر و منفعت رسد **لیمو** ابن سیرین رحمة الله گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بیوقت چون
زرد بود دلیل بیماری و درد و رنج بود و چون سبز بود غم و اندوه کمتر باشد و دیدن و خوردن لیمو خیر و منفعت
نبود والله اعلم بالصواب

حرف المیم

مار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه
پنهانی بود و اگر بیند که در خانه وی مار بود دلیل بر دشمن خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمن بیگانه بود و
اگر بیند که با مار جنگ و نبرد میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بر روی چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر
نیابد و اگر بیند که مار او را بگزید دلیل که از دشمن مضرت یابد و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر
بیند که گوشت مار خورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند که مار را بدو پاره کرد دلیل که
از دشمن داد خود بستاند و اگر بیند که هر دو نیمه را فرا گرفت دلیل که مال دشمن فرا گیرد و اگر بیند که مار با وی بلطف
سخن گفت دلیل که وی را عجب کاری پدید آید که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بر وی بتندی و درشتی سخن گفت دلیل که دشمن بر وی
ظفر یابد و اگر ماری مرده بیند دلیل که حق سبحانه و تعالی شر و آفت از وی بگرداند بی آنکه رنجی بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود دلیل که جاه و بزرگی
یابد و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی دیندار و با
امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران دیگر بود دلیل بر لشکری بود و اگر ماری زرد بود دلیل بر دشمنی بیمارگونه باشد و اگر
سرخ بود دلیل بر دشمنی طرب دوست و معاشر بود و اگر بیند که مار پیها داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد

واگر بیند که مار بسیار در پیش وی جمع شده بودند وگزند او را برسانیدند دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند
ولیکن از ایشان مضرت نه بیند واگر بیند که ماران سر نهادوند انها واشتند دلیل که دشمن او کینه دار و بدسیرت بود مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری از بینی یا از گوش یا از پستان یا از قضیب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن
او باشد واگر بیند که مار از دهان او بیرون آمد دلیل که سخنی گوید که وبال آن وبال باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
مار سفید دشمن بود و مار سیاه سرهنگ لشکری باشد واگر بیند که از مار میگریخت و مار او را اندیده دلیل که رامش و خرمی یابد و
اگر بیند که مار او را بگرفت وگزندی نکرد دلیل که بزرگی یابد واز دشمن ایمن گردد خلف اصفهانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که ماری سبز او را مطیع شد دلیل که گنجی یابد واگر بیند که از آستین او ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد
واگر بیند که مار بر انگشت وخونش در خود مالید دلیل که مال دشمن یابد واگر بیند که بر بستر خود ماری بکشت دلیل که
زنش بمیرد واگر بیند که مار از گریبان یا از دهان او بیرون آمد و بزمین فرو شد دلیل که هلاک گردد و خار مار در خواب
دشمن ضعیف بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مار در خواب بر ده وجه بود یکی نهادنی دوم زندگانی سوم سلامت
چهارم پادشاهی پنجم سپهسالاری ششم زن هفتم دولت هشتم مرگ نهم پسر دهم سیلاب **مارچوبه** اگر بیند که مارچوبه
از زمین جمع میکرد بوقت خود دلیل که بقدر آن او را منفعت رسد واگر بیند که مارچوبه خام میخورد دلیل بر مضرت و رنج بود
مارقشیشا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مارقشیشا در خواب دلیل بر رنج و مضرت و بیماری بود و دیدن او در
خواب خیر نباشد **مازو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از درخت مازو جمع کرد دلیل که برنج و سختی مال حاصل کند
واگر بیند که بخروار مازو داشت دلیل که مال مکروه بود واگر بیند که مازو میخورد دلیل که مال حرام خورد واگر مازو زرد بود
دلیل بر بیماری بود واگر سبز و سیاه بود دلیل غم واندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مازو در خواب بر چهار وجه بود یکی
مال مکروه دوم غم واندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی **مازریون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مازریون در
خواب در وقت و بیوقت دلیل غم واندوه بود و خوردن آن نقصان مال و هلاک تن بود و دیدن وی
خیر نباشد **ماست** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماست شیرین در خواب دلیل خیر و منفعت و
ترش غم واندوه بود دانیال علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل شود واگر بیند که ماست
بخورد دلیل که مال از سفر حاصل کند خاصه که شیرین بود واگر بیند که ماست مسکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن
او را مال حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین میخورد دلیل که مال حلال بدست آرد
و ماست ترش غم واندوه بود **ماش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ماش در خواب اگر پخته بود
دلیل که اندک خیر بدو رسد واگر خام خورد اندوهگین شود واگر بیند که ماش در خانه گذاشت و بمردم
داد دلیل که بغم گرفتار گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن ماش در خواب چه خشک و تر و خام یا پخته دلیل غم و

ماکیان

اندوه باشد **ماکیان** مرغ خانگی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خادم و کنیزک بود اگر بیند که مرغ خانگی بخرید یا کسی بوی داد دلیل که کنیزک بخرد و یا خادمی بمزد گیرد و اگر مرغهای خانگی بسیار و بیقیاس داشت دلیل که ریاست و سروری یابد و اگر بیند که گوشت ماکیان خورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از خادمان یابد و اگر بیند که ماکیان را بکشت دلیل که کنیزک را دوشیزگی بستاند و اگر بیند که بچه ماکیان را بکشت دلیل که فرزند او یا فرزند غلامش یا کنیزک او بیلائی گرفتار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خایه ماکیان را یافت دلیل که او را دختری آید یا مالی از خادمان حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب زنی با جمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ماکیان ابلق بود و اگر بیند که ماکیان در خانه وی همچون خروس بانگ کرد دلیل که سخن ناخوش شنود، اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید بچهٔ ماکیان در خواب بر سه وجه بود یکی زن با جمال دوم کنیزک سوم خادم

مامیرا

مامیرا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مامیرا در خواب دلیل بر بیماری کند که ویرا از آن خیر و ثواب حاصل شود

ماميثا

ماميثا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماميثا در خواب اگر بوقت یا بیوقت بیند دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن ماميثا بخواب خیر نباشد

ماه

ماه دانیال علیه السلام گوید ماه در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت یا او را ملک خود دید دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد و اگر بیند که با ماه جنگ و نبرد میکرد دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه گردد و اگر بیند که نور ماه بستد دلیل که وزارت یابد و اگر بیند که ماه آسمان فرا گرفت و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره نبود دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود دلیل که وزیر پادشاه بکاری محتاج وی گردد و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدو نیم شد دلیل که وزیر یا پادشاه هلاک شود و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت دلیل که مردم از وی تظلم کنند و داد خود خواهند و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت دلیل که ولایت یابد و اگر بیند که دو ماه با یکدیگر جنگ میکردند دلیل که دو پادشاه با همدیگر جنگ کنند و اگر بیند که از آن دو ماه یکی بیفتاد و یا پاره پاره و نقصان شد دلیل که از آن دو پادشاه یکی از پادشاهی بیفتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار گرفته بود دلیل که زن خواهد و اگر ماه هلال بود دلیل که آن زن به اصل و نسب از و کمتر باشد و اگر ماه با یک نیمه شد دلیل که زن از اصل موالازادگان باشد و اگر ماه بدر بود دلیل که آن زن با اصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری بدین صفت بخواهد و اگر بیند که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از وی یابد و اگر بیند که چیزی ماه را بپوشانید دلیل که پادشاه بر وزیر متغیر شود و اگر بیند که ماه منخسف شده بود دلیل که حال وزیر بد باشد و معزول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ماه بدر و منور بیند بموضع خویش و نورش مقابلهٔ خانه وی تافت دلیل که اهل آن خانه از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت

ببیند واگر ماه بدر بود و تاریک ببیند دلیل که او را رنج و کراهیت رسد واگر ماه هلال از مطلع خویش برآمد لیکن نه باول ماه
نورش زیادت شد یا برگشت دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد واگر ماه هلال نه از موضع خود برآمد دلیل
کاز وی فرزندی آید یا او را کاری صعب افتد که مردم را از آن غم واندوه باشد و بعضی از معبران گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب
بیند دلیل که پادشاه آن دیار را بسیری آید واگر نور ماه زاید بیند دلیل که آن پسر را زندگانی دراز بود واگر ماه را بدر بیند
دلیل که عمرش میانه بود واگر ماه را نقصان بیند دلیل که بخدمت پادشاه یا وزیر مشغول شود اسمعیل اشعث رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که ماه را بدست گرفت یا بکنار روی آمد دلیل که فرزندی عالم و دانا او را آید واگر این خواب کسی
از مقربان پادشاه بیند دلیل که او پادشاه شود واگر بیند که ماه و آفتاب و جمله ستارگان فرا گرفت و همه تیره و
سیاه بودند دلیل که بینندهٔ خواب هلاک شود واگر مصلح بود در غم و اندوه افتد یا بیننده بیمار گردد و عاقبت
شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر نه وجه بود یکی پادشاه دوم وزیر سوم ندیم چهارم
رئیس پنجم شرف و جاه ششم دوست هفتم کنیزک هشتم غلام نهم کار باطل دهم والی یازدهم عالم مفسد دوازدهم مهتر

ماهی

بزرگوار سیزدهم پدر چهاردهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هفدهم بزرگواری ماهی دانیال علیه السلام
گوید ماهی در خواب در دریای گرم سیر بلا و سختی بود و در سرد سیر تاویلش بخلاف این بود چون ماهی تازه و بزرگ
بسیار دید دلیل بر مال و غنیمت کند واگر ماهی خرد بیند غم و اندوه یابد واگر در شکم ماهی مروارید یافت دلیل که او را پسری
آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی خشک یا شور کسی بوی داد دلیل که از پادشاه یا بزرگی او را مضرت
رسد واگر ماهی شور خورد دلیل که غلام بوی مضرت رساند و بعضی گویند که ماهی شور بریان کرده تاویل سفر و طلب علم یا صحبت
مردی باشد و در خوردن ماهی خرد خصومت باشد واگر بیند که چیزی از اندام ماهی چون خون و استخوان و آنچه در شکم ماهی باشد
بیافت دلیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد واگر بیند که در دریا ماهی بگرفت و بزرگ بود دلیل که از اهل کسی
زنی بخواهد که او را مال بسیار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید ماهی تازه و بریان کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که ماهی
تازه از جمله طعامهای بهشت است و بر خوان بود که از بهر عیسی علیه السلام از آسمان آورده اند قوله تعالی ربنا انزل
علینا مائدة من السماء اگر بیند که از دهان ماهی بیرون آمد دلیل که سخنی دروغ در کاری گوید واگر ماهی از قضیب
وی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید واگر زنی بیند که از دهان وی ماهی بیرون آمد دلیل که اندوهگین شود واگر بیند که از دریا
ماهی بگرفت دلیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یابد واگر بیند که ماهی تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی فروشی میکرد دلیل که او را و کسان او را خیر و منفعت رسد واگر بیند که ماهی از حوض یا
از جوی میگرفت دلیل که از مردی عامه بمکر و حیلت چیزی بستاند واگر بیند که ماهیان در دریا با او بسخن در آمدند دلیل
که راز از پادشاه آشکارا کرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماهی در خواب بر شش وجه بود یکی وزیر

دوم لشکر سوم دختر دوشیزه چهارم غنیمت پنجم غم واندوه ششم کنیزک هندو بود **ماهی خواره** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید ماهی خواره در خواب زن بود اگر بیند که ماهی خواره را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد
واگر بیند که ماهی خواره از دست وی بپرید یا ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد واگر بیند که گوشت ماهی خواره میخورد
دلیل که بقدر آن مال صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید ماهی خواره بتاویل غم واندوه باشد **مبرد** سوهان باشد
باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مبردی داشت ورنگ بدان میزد دلیل که کاری مشکل بروی گشاده
گردد خاصه که آهن ملک او باشد واگر بیند که آهن روشن وپاکیزه را در آنجا بچیزی میزد دلیل که کاری کند که
در آن مضرت وزیان بیند وبعضی گفته اند که مبرد سخن نرم باشد واگر بیند که مبرد او بشکست یا ضایع شد دلیل که کاری
طلب کند وبدست وی باصلاح نیاید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی از آلتهای سیمین خانه بمبرد روشن میکرد
دلیل که چیزی از وی بخادم خانه وی رسد یا شغل خادمش بسبب او بارخلاصی یابد **مطهره** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مطهره نو داشت دلیل که از سفر او را خیر ومنفعت رسد واگر بیند که مطهره کهنه ودریده بود
تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مطهره در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم
زندگانی **مثقب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمثقب چوبی یا درختی سوراخ میکرد دلیل که بمکر وحیلت
چیزی از وی بستاند وبعضی از معبران گویند که مقصودش حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمثقب اندام
کسی را سوراخ میکرد دلیل که بمکر وحیلت وکید کسی را ببلا افکند **مجلس علم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در
مجلس علم نشسته بود وعالم بر کرسی قرآن میخواند وتفسیر قرآن واخبار وتوحید می گفت دلیل که اگر آن جایگاه را عمارت محکم
کنند که خلاف شریعت باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند در مجلس علم می گریست دلیل که بکار دنیا مشغول شود
واز آن شادمان گردد واگر بخلاف این بیند دلیل که غمگین شود واگر او را در مجلس علم حالی پدید آمد وبیهوش گشت
چنانکه عقل از وی برمید دلیل که او را کاری پیش آید که در آن کار سرگشته ومتحیر شود اما سرانجام آن بخیر بود
مجلس شراب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مجلس شراب بود وشراب نمی خورد دلیل که بفساد وحرام مشغول
نشود اما رضا دهد واگر بیند که در مجلس شراب مطرب وچنگ وچغانه بود دلیل که او را غم واندوه باشد یا با کسی خصومت کند
مجمره عود سوز بود وشرح آن در حرف عین گفته ایم **مجبره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مجبره در خواب
بیند دلیل بر زنی پاک دین وعالمه بود واگر بیند که مجبره داشت دلیل که زنی عالمه بزنی کند واز وی خیر ومنفعت
یابد واگر بیند که مجبره بشکست یا ضایع شد دلیل که زنش بمیرد اگر زن ندارد واز خویشان او یکی بمیرد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بمجبره چیزی می نوشت اگر آنچه نوشت قرآن یا نامهای
خدای تعالی باشد دلیل بر صلاح ومنفعت بود واگر بخلاف این باشد دلیل بر شر وفساد بود

محراب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محراب نماز می گذارد دلیل که او را فرزند صالح بشارت بود
چنانکه حقتعالی در قصهٔ مهتر زکریا علیه السّلام فرموده **وهو قائم یصلّی فی المحراب** الی آخر الآیة اگر بیند که نماز
بوقت خویش گذارد دلیل که او را فرزندانش صالح بوند و اگر بیند که در محراب نشسته بود دلیل که در نماز کاهل بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که محراب را عمارت میکرد دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی گویند که مال خود را صرف کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن محراب در خواب بر پنج وجه بود یکی امام دوم پادشاه سوم قاضی چهارم محتسب
پنجم میانجی مردمان بود **مخنث** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مخنث شده بود و بزینت زنان خود را بیاراست
دلیل که بقدر آن او را ترس و بیم افتد و بلا رسد و اگر بیند که جامهٔ زنان از تن بیرون کرد و جامهٔ مردان بپوشید و بحال
مردان باز آمد دلیل که ترس و بیچارگی و بلا از وی زایل کردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مجالست با مخنثان
داشت دلیل که با مفسدان اختلاط کند و اگر بیند که در میان ایشان او مقیم شد دلیل که از صحبت مفسدان جدا شود
مداد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مداد بخواب دید دلیل که معیشت بر وی فراخ گردد و اگر بیند که مداد از
وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مداد بر جامهٔ وی ریخت دلیل که او را زیانی
برسد و اگر دبیر بود مهتری یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مداد در خواب بر چهار وجه بود یکی مهتری دوم رامش
سوم معیشت چهارم شادی **مذکر** پند دهنده و ناصح باشد اگر بیند که مردم را پند میداد دلیل که او را شادی رسد و اگر
بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد قهر کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را پند میداد دلیل که در آن پند
صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بیند که مردم را پند دهنده بود دلیل که او را
بخداوند تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کردن تا او را از شر و فتنه نگاه دارد **مذی** آب نشاط بود چون
کسی شهوت بازی کند اوّل آب مذی از قضیب او فرود آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مذی در خواب
شادی و خرّمی بود بقدر آنچه دیده باشد **مرجان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرجان در خواب فرزند بود اگر
سرخ بود فرزند خوبروی بود و اگر مرجان با جواهرهای بسیار بیند دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید مرجان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم زینت سوم جمال چهارم مال از
جهت خادم **مرد معروف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب بیند در
بیداری هم چنان بیند یا هم نام او یا کسی که مانند باشد و اگر مجهول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد
و اگر پیری مجهول بیند دلیل که بخت وی باشد و خیر و بزرگی یابد و اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود
دلیل بر دیانت و آهستگی دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که مویش سیاه شده بود تاویلش بخلاف این بود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیری را بیند دلیل بر زیادت دیانت و آهستگی و نیکوئی او

در دین بود و اگر مردی جوان را ببیند دلیل که از بزرگی زحمت و کراهیت رسد و اگر مردی ضعیف ببیند که با وی سخن سرد میگفت دلیل که با مردی بدان صفت در خصومت افتد و بر وی ظفر یابد و اگر مردی ببیند که کودک شده بود دلیل که کار نیکو جهل کند که او را همه مردم ملامت کنند و اگر مردی ببیند که زن وی را قضیب بود چنانکه مردان را باشد دلیل که او را پسری آید که مهتر اهل بیت گردد و اگر مردی دید که او را فرج بود دلیل بر ذل و خواری و بدحالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود مردم را و دیدن مرد جوان مکر و حیلت و چیزی نکرده بود **مرداسنگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرداسنگ در خواب بیماری بود و اگر ببیند که مرداسنگ میخورد دلیل که بیمار شود چنانکه بیم هلاک باشد و اگر ببیند که مرداسنگ بکسی بخشید یا بفروخت دلیل که از رنج و بیماری ایمن شود و مرداسنگ زرد بیماری دانند و بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرداسنگ در خواب بر سه وجه بود یکی رنج دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه **مردن در خواب** دانیال علیه السلام گوید اگر ببیند که بمرد و مردم بر وی میگریستند و زاری میکردند یا وی را بشستند و در کفن پیچیدند یا بر جنازه نهادند و بگور کردند این جمله دلیل بر فساد او در دین بود مگر آنکه ببیند که او را از گور برانگیختند و بیرون آوردند بعد از آن که دفن کرده بودند و اگر ببیند که او را دفن کردند و گورش از خاک پر کردند و مردم از سر گور وی باز گشتند دلیل که دینش هرگز باصلاح نیاید و بعضی گویند اگر ببیند که بمرد و زنده در جنازه نهادند و حمال جنازه اش برداشتند و خلق بسیار از پس جنازهٔ وی میرفتند دلیل که شرف و بزرگی یابد و فرمان روا گردد اما بر ایشان ظلم کند و اگر ببیند که مرده بود و زنده شد دلیل که گناهی کرده بود و از آن توبه کند و بعضی گویند که عمرش دراز باشد و اگر ببیند که کسی او را گفت که تو هرگز نمیری دلیل که شهید در غزا شود و اگر ببیند که بمرد و کسی بر وی نگریست و از پس جنازهٔ او کسی نبود دلیل که آنچه از خانه او خراب شده باشد هرگز آبادان نشود و اگر در خواب خود را در میان ببیند و او متصور باشد که وی راست که او مرده است دلیل که با مردمان جاهل سفر کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که هر که خواهد که بداند که حال وی بنزدیک اهل صلاح چگونه است اگر مردگان صلاح وی را در خواب بشارت میدادند و با وی سخنان نیکو میگفتند و کشاده روی بودند دلیل که حال وی نزدیک حق سبحانه و تعالی نیکو بود و اگر ببیند که مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی بگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک باریتعالی بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید مرگ مفاجات در خواب دیدن دلیل بر راحت مومن و عذاب کافر بود و اگر مفاجات نبود فساد دین بود و هر چند که جان کندن خود سخت تر ببیند عذاب و عقوبت صعبتر بود و اگر ببیند که بمرد و کسی او را می شست دلیل که تائب گردد و اگر ببیند که از پس جنازهٔ وی قومی در هوا می رفتند دلیل که بزرگی از آن شهر در سفر بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که بمرد و او را در جنازه نهادند و خلق در پس جنازهٔ او می رفتند دلیل که بقدر خویش ولایت و بزرگی یابد و اگر مرده بر جنازه گران بود دلیل که بر مردم قهر و ستمکار بود و اگر ببیند که بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکوئی کند و اگر ببیند که مردهٔ ابر کف برداشت و می برد دلیل

که مال حرام یابد و اگر بیند که زنده بمرد و او را بر تخت خوابانیدند و آن تخت بر کف نهادند دلیل که بخدمت پادشاه
رود و از وی منفعت و راحت یابد و اگر بیند که بمرد و زنده شد دلیل که آن شهر خراب گردد و اگر بیند که دیگر باره بمرد
دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر بیند که فرزندی از آن او بمرد دلیل که توانگر شود و نیز گویند که از دشمن ایمن شود
و اگر بیند که پدر و مادر وی بمردند دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بیند که آبستن بود و بمرد و مردم بر وی میگریستند
دلیل که او را پسری آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده بار دیگر بمرد و بمرگ گریه نبود بلکه آهسته میگریستند
دلیل که از اهل بیت وی یکی را بزنی کنند و شادی و خرّمی بود و اگر بیند که بمرگ وی زنان و مردان فغان برداشتند و نوحه
میکردند دلیل که اهل بیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی بیند که بمرد و او را بشستند و بر جنازه نهادند دلیل که سخن نیکو
گوید و اگر بیند که او را دفن کردند دلیل که بد باشد هر

مرده زنده شدن

کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده
زنده شد دلیل که حال وی نیکو شود خاصه که مرده را شاد و کشاده روی ببیند و اگر زنده را مرده ببیند دلیل که حال بر وی
بد باشد خاصه که ترشروی بود و اگر کسی بیند پدر خود را که مرده است زنده و خرّم و کشاده روی و با جامه پاکیزه بیند دلیل
که دولت و اقبال یابد و کارش ساخته گردد و اگر مادر را زنده بیند دلیل که از غم فرج یابد و اگر زنی بیند که پسری زنده شد
دلیل که غایبش از سفر بیاید و اگر بیند که مرده بیگانه زنده شد دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر بیند که
زنده بمرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مرده را زنده کرد دلیل که کافر بدست وی مسلمان شود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر کسی مادر و پدر خود را ترشروی و غمگین و با جامهای چرکین بیند دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گردد
زیرا که در سرای حقیقت بهر صفت کسی مرده را در خواب بیند دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را
کشاده روی با جامهای پاکیزه بیند دلیل که نعمت بسیار یابد و اگر برادر خود را بدین صفت که کردیم زنده بیند دلیل که شرف
بزرگی و جاه یابد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را در خواب دید و
پرسید که تو مرده گفت نه بلکه زنده ام دلیل که سخن مرده نیکو در آن جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود باشد
قوله تعالی ولا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون فرحین
بما اتیهم الله من فضله و این آیه دلیل است بر آنکه هر چه مرده گوید راست گوید و اگر بیند که مرده خرّم و شادمان
بخانه خود در آمد و نشست دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مرده بخانه خویش
در کنار گرفت دلیل که تندرست و بسلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر آن مرده از خویشان او بود دعا و صدقه
از وی چشم دارد و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و
خرّمی بود و اگر مرده را ترشروی و غمگین بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از اهل بیت
خود بروی جست و با وی مناظره میکرد یا رهی از وی بگردانید دلیل که آن مرده وصیت کرده باشد

و وصیت او بجا نیاورده باشد و اگر بیند که مرده شاد و خندان بنزدیک وی آمد دلیل که دعا و صدقه بوی رسیده است
و اگر بخلاف این بیند دلیل که در حق وی تقصیر کرده باشد و اگر بیند که مرده با وی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد
و اگر سخن بد گفت یا او را وصیت کرد تا ویلش بد باشد و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را موعظه کرد و پند
داد دلیل بر خیر و صلاح دین و دیانت خداوند خواب بود و اگر مرده را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه
پاکیزه داشت دلیل که خاتمت کارش بخیر و سعادت بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مرده از عذاب خدایتعالی ایمن باشد
و عاقبت محمود بود حافظ معبّر گوید اگر بیند که مرده دست در گردن او در آورد و در کنار گرفت دلیل که عمرش
دراز بود و اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که بیننده را از بهر وی صدقه باید داد و او را بدعا یاد کند
و اگر مرده را ترش روی و غمناک بیند دلیل که عاصی و گنهکار بود و اگر مرده بخندید و باز بگریست دلیل که آن مرده
مسلمان نمرده باشد و اگر مرده را سیاه رو بیند دلیل که کافر مرده باشد قوله تعالیٰ فَامَّا الَّذِیْنَ اسْوَدَّتْ وُجُوْهُهُمْ
اَكَفَرْتُمْ بَعْدَ اِیْمَانِكُمْ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ و اگر مرده را در مانده و بیجامه بیند دلیل که حال مرده بد
باشد اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده در نماز بود دلیل که آن مرده در زندگی استغفار بسیار کرده باشد
و معبران گفته اند که مرده را بجای طاعت ثواب است دلیل که بیننده خواب بطاعت و نماز کاهل باشد و اگر مرده را
در جائیکه بزندگی نماز کردی در نماز دید دلیل که پاک دینی مرده و صلاح عاقبت زنده بود **مرده چیزی دادن**
دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که مرده وی را چیزی از متاع دنیا داد دلیل که از آنجاکه امید ندارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که
مرده چیزی از خوردنی و آشامیدنی بوی داد و بخورد دلیل که روزی حلال یابد و اگر نخورد تاویلش بخلاف این بود و اگر
بیند که مرده از جامه خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که او را از مال و نفس غم و اندوه رسد و اگر جامه نپوشید
و همچنان مرده در پوشید دلیل که از دنیا رحلت کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بستد و بدو داد
و از آن جامه در پوشید و باز بیرون کرد و بمردم داد دلیل که او را هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت گردد و اگر
بیند که جامه خود بمردم داد و گفت که جامه بدوز یا بسوز یا نگاهدار دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که مرده جامه خود بعاریت
بدو داد و دیگر باره از وی طلب میکرد دلیل که آن مرده را گرو ارید باشد و اگر مرده جامه کهنه بدو داد دلیل که خداوند خواب درویش گردد
و اگر جامه نو بدو داد که بپوید دلیل که عزّت و بزرگی یابد و اگر مرده او را جامع کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند داد دلیل که
توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر مرده جامه میفروخت دلیل که آنجامه گران کرده و اگر چیزی بمرده می بخشید و قبول
نکرد دلیل که او را مضرت و زیان رسد **مرده نالیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را
بدحال و نالیده بیند دلیل که از کردار بد که در دنیا کرده باشد از وی سؤال کنند و اگر مرده را بیمار بیند دلیل
که او را از دین و ایمان سؤال کنند و اگر مرده از درد سر می نالید دلیل که از تکبر که در دنیا کرده باشد

مرده چیزی دادن

مرده نالیدن

او را سؤال کنند و بعضی گفته اند که تقصیری که در حق مادر و پدر کرده است او را سؤال کنند و اگر از درد دندان می نالید
دلیل که از غیبتی که در حق مردم کرده باشد او را سؤال کنند و اگر از درد چشم می نالید دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده
باشد از آن سؤال کنند و اگر از درد گوش می نالید دلیل که سخن فحش شنفته باشد در دنیا او را از آن سؤال کنند و اگر از
درد دست می نالید دلیل که از آنچه در دنیا در حق زنان و برادران کرده باشد از و سؤال کنند و اگر از درد پهلو می نالید
دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان کرده بود از و سؤال کنند و اگر از درد پشت می نالید آنچه در حق مادر و پدر کرده باشد
از و سؤال کنند و اگر از درد عورت می نالید دلیل که آنچه در دنیا از زنا و فساد کرده باشد از وی سؤال کنند و اگر از درد
سرین می نالید دلیل که آنچه در حق خویشان از سفر و حضر کرده باشد از وی سؤال کنند و اگر از درد ساق و پایها
می نالید آنچه در دنیا کرده باشد از وی سؤال کنند **مجامعت کردن با مرده** جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اصل این خواب آن ست که اگر با مرده مجامعت کند و آب منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تاویل آن خواب
بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تاویلش باطل باشد و اگر بیند که با مرده مجامعت کرد دلیل که از
جائی که امید ندارد امیدش بر آید و اگر با مادر و خواهر که مرده بودند مجامعت کرد دلیل که از جائی که صدقه و
ثواب بدان مرده برسد و اگر بیند که با مرده که اهل حرمت بود مجامعت میکرد دلیل که از آن مرده چیزی بوی رسد
و اگر مرده را بشهوت بوسه میداد دلیل که زن خواهد و از بهر مرده چیزی کند یا او را بدعا یاد کند و اگر با مرده مجامعت
کرد دلیل که از مال مرده چیزی بوی رسد **از پس مرده شدن** کرمانی رحمة الله علیه گوید از پس مرده شدن
دلیل که اگر مصلح و پارسا بود در راه او کرد و اگر فاسق بود در راه و سیرت او کیرد و اگر بداند که مرده مصلح بود یا مفسد و از پی
وی می شد دلیل که بیمار شود و عاقبت شفا یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده وی را بانگ جواب داد و مرده را
ندید دلیل که از دنیا زود برود و اگر بیند که در پس مرده بسرائی مجهول در شد دلیل که بمیرد و اگر مرده را گفت که فلان
وقت پیش من بیا او گفت که بیایم دلیل که در فلان وقت رحلت کند وقتی که مرده مصلح و راستگوئی بوده باشد
و اگر بیند که مرده او را بسهم پیش خود خواند و او را منع نتوانست کرد دلیل بر وفات او بود و اگر بیند که مرده را بسرای
خود خواند و او در سرای مرده نرفت دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که مرده او را به بازار برد دلیل که کسب و
معیشت او نیکو کردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در میان مردگان بیند دلیل که امر معروف و نهی
منکر کند و از وی نشنوند و اگر بیند که با مرده دوستی گرفت دلیل که بسفر رود و در آن سفر دولت و اقبال و شادی و خرمی
یابد و اگر بیند که میان مردگان بود چنانکه جز او میان ایشان کسی دیگر زنده نبود دلیل که با گروهی مجالست کند که
دین ایشان بفساد بود و اگر بیند که او نیز همچو ایشان مرده است دلیل که در دین او نیز فساد بود و اگر بیند که گروهی
مردگان طعام خوردند دلیل که در آن دیار طعام گران شود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که پاره

از تن مرده میخورد دلیل که از زمین گنجی یابد و اگر بیند که مردگان مجهول را شمشیر گردن همی زد اگر مصلح بود دلیل که مردم
بدست وی توبه کنند و از کردار بد باز آیند و بعضی معبّران گویند که با مرده مباحثه و مناظره کند و همه را بدلیل و حجت غلبه
کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مرده او را راه می نمود دلیل که راه شریعت دریابد و اگر بیند که مرده خود را می کشت
دلیل که خویشان او از غم رسته گردند و اگر بیند که مرده را بر زمین همی کشید دلیل که از کسب حرام خورد و مال بسیار
یابد و اگر بیند که مرده را بر داشت دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که مردگان را زنده میکرد دلیل که وباغی کند و اگر
بیند که با مرده در یک خانه خفته بود دلیل که عمرش دراز بود **مرده را جامها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که مرده جامه سبز پوشیده بود دلیل که بشهادت از دنیا رفته باشد و اگر بیند که جامه سپید داشت
دلیل که در ... جاه او نیکو باشد و اگر بیند که جامه سیاه پوشیده بود دلیل که حالش بد باشد جامه دوزخیان
سیاه باشد و اگر بیند که جامه سرخ پوشیده بود دلیل که بد باشد و اگر بیند که جامه زرد یا کبود پوشیده بود دلیل
که بیننده خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامه زنده پوشیده بود دلیل که بوقت زندگانی بیننده را با او خصومت
باشد و حق بجانب مرده بود و اگر بخلاف این بیند حق بجانب زنده بود و بعضی از معبّران گویند زنده در خواب چون مرده را
جامه بپوشاند دلیل که اجلش رسیده باشد **تاویل کفن مرده** کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده
معروف را کفن کند دلیل که در دنیا طریق آن مرده بجوید و اگر عالم بود بعلم و اگر مالدار بود بمال و اگر بخواب بیند که
مرده را کفن بر کند دلیل که آن مرده در گور زنده بود و حال آن مرده در گور نیک بود و اگر بیند که مرده را کفن
کرد دلیل که از خویشان آن مرده یکی را جامه کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید مرده در خواب بر سه وجه بود یکی مال
دوم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر بیند که مرده بگریست دلیل که عمرش دراز بود و لیکن در سرایش خرابی
افتد و اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که کار مشکل بروی ظاهر گردد چنانچه اگر معزول بود عمل یابد و اگر پادشاه بود
علم و حکمت زیادت گردد و امید که دارد روا گردد و اگر مشغول تر دد بود باز یابد بقوله تعالی فاماته الله مائة
عام ثمّ بعثه الآیة مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مهتری یا عالمی زنده شده بود دلیل که مذهب یا سیرت او
زنده شود و اگر نیک باشد یا بد باشد و اگر بیند که مرده او را در آغوش گرفت دلیل که عمرش دراز شود و کارش
بالا گیرد و اگر بیند که چیزی بمرده داد دلیل که آن چیز عزیز گردد و نرخ او گران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهید
بود و اگر بیند که مرده از وی طعام میخواست دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد **مرزنگوش** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مرزنگوش می بوئید دلیل که او را پسری آید مبارک و مؤمن که از خداوندان علم و فرهنگ باشد
و اگر بیند که مرزنگوش از جای خود بر کند دلیل که پسرش بیمار گردد و اگر فرزند ندارد او را غم و اندوه رسد و اگر
بیند که در زمینی که ملک وی بود مرزنگوش بسیار رسته بود دلیل که وی را مردم مصلح بسیار باشد کرمانی

رحمة الله علیه گوید درخت مرزنگوش در خواب کسی بود که اهل خانه او را دوست دار بود و اگر بیند که مرزنگوش
سبز بود و در زمین او رسته بود دلیل که کسی از اهل بیت او دستارش شود و اگر بیند که مرزنگوش زرد و پژمرده
بود دلیل که آنکس مفسد و بدبخت بود **مرغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل
که همتش در آن کار طلب کند که عظیم تر باشد و اگر بیند که مرغان بسیار در جایگاهی بانگ میکردند دلیل که اهل آن موضع
را غم و مصیبت رسد و اگر بیند که خایه مرغ داشت دلیل که او را فرزندی آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ
با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر بیند که مرغ در دست او بمرد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که بار بر
پشت مرغ نهاده بود دلیل که بدان کس که بدان مرغ منسوب باشد او را مضرت رسد و اگر بیند که مرغی تازه گوشت
از اندام وی برید دلیل که مال او بزور بستاند و اگر بیند که گوشت از اندام خود می برید و در پیش مرغ می افکند دلیل
که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر بیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش وی افکند دلیل که مال یابد و بدانکه
تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بدو منسوب بود و این تاویل بیان کرده ایم مغربی رحمة الله علیه گوید خروس
مانند نخاس بود که غلام و کنیزک فروشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغان مختلف در شهری گرد آمدند
دلیل که لشکری بیگانه در آن جا رسد و اگر بیند که مرغ چشمهای وی برکند دلیل که در دین او از کسی تباهی رسد
و اگر بیند که خون مرغ میخورد دلیل که بقدر آن خون نقصان مالش رسد **مرغ آبی** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید مرغابی در تعبیر بهتر از مرغان دیگر است و اگر بیند که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مال و نعمت
و بزرگی یابد و بکام دل برسد و اگر بیند که مرغ آبی بسیار وی را جمع شدند دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و بر دشمن
ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید مرغ آبی معیشت بود و اگر بیند که مرغ آبی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر
آن مال و بزرگی یابد و استخوان وی همه مال و نعمت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ آبی جائی میداشتند
دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر بیند که بچه مرغ آبی را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن مرغ آبی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم بزرگی سوم ریاست چهارم فرمان روائی
زیرا که مرغ آبی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خواهد از این سبب است که هر که مرغابی در
خواب بیند هر مراد که خواهد بیابد **مردمان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردمان
بسیار جامهای سبز داشتند دلیل بر رامش و شادی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که مردمان
جامهای سیاه و چرکین داشتند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که جامهای کبود داشتند
دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر بیند که جامهای نو و فراخ داشتند دلیل بر عیش و فراخی نعمت
بود **مرغزار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب مرغزاری بیند که جوهر نباتهای

او نشناسد دلیل بر دین و اسلام او بود و اگر ببیند که میان مرغزاری بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار دلیل بر اعتقاد دین وی باشد و اگر مرغزار ملک دیگران بود و او تماشا میکرد دلیل که صحبت او با بندگان باشد و اگر ببیند که در مرغزاری خوش و خرّم میگشت دلیل که عیش بروی فراخ شود و کار او بنظام گردد و مرغزار در خواب مردی بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکوئی و اگر مرغزاری سبز و پاکیزه ببیند و داند که ملک اوست دلیل که او را با مردی بزرگ پیوندی بود و از وی خیر و منفعت یابد و اگر ببیند که بوقت بهار در میان مرغزاری بود خوش و خرّم و گلها و ریاحین در وی شکفته بود و جوی آب در وی روان بود دلیل که مرگ وی با شهادت بود و اگر بوقت بهار مرغزاری ببیند با شهادت بود معروف یا مجهول که گل و ریاحین از وی سبز شده بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد که آن مرد از خدم و حشم خویش جدا مانده بود و اگر مرغزاری خوش و خرّم ببیند از سبزها و گلها و آب روان بیاید و آن مرغزار را از بیخ برکند و خراب کرد دلیل که پادشاه آن دیار را مرگ مفاجات رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که در مرغزاری درون شد و در آنجا شیران دید دلیل که پادشاه آن دیار ظالم و ستمگر بود و اگر در آن مرغزار گوسپندان دید دلیل که پادشاه آن دیار را مال بسیار حاصل شود و اگر در آن مرغزار گاوان و خران دید دلیل که لشکر پادشاه بیوفا باشد و بر ایشان اعتماد نباشد و اگر ببیند که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد دلیل که او را از پادشاه خیر و منفعت رسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید مرغزار در خواب زن بود اگر ببیند در مرغزاری سبزه و خرّم رفت و در آنجا مقام کرد دلیل که در آنجا زنی ستیزه و خوبروی بزنی کند و اگر ببیند که مرغزار سبزه و خرّم بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغزار در خواب بر هفت وجه بود یکی دین دوم اعتقاد سوم معیشت و نظام چهارم پادشاه پنجم مرد بزرگوار ششم خیر و منفعت هفتم یافتن مراد ها

مرهم

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب ببیند که مرهم در اندام خسته در یش می نهاد دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر ببیند که مرهم میخورد دلیل که حرام خورد یا اندوه و مضرت بدو رسد و اگر مردی ببیند که مرهم بکسی داد دلیل که فرزندان مردم را خیر و منفعت رساند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که مرهم بر اندام خسته یا بر ریش نهاد و آن مرهم گوشت میخورد دلیل بر نقصان مال وی بود

مروارید

دانیال علیه السلام گوید مروارید در خواب فرزند غلام یا فرزند کنیزک بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مروارید در خواب کنیزک خوبروی بود یا زن با جمال اگر ببیند که مروارید بسیار بود چنانکه در شمار نیاید دلیل که بقدر مروارید او را منفعت رسد و بعضی معبّران گویند که چون مروارید پراکنده ببیند دلیل بر سخن علم و حکمت بود و بعضی گفته اند دلیل بر پسران و دختران بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر چنین ببیند دلیل بر زنان و دختران کند و اگر ببیند که مروارید بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر ببیند که از دهان وی عقد مروارید بیرون آمد دلیل که از دهان وی کلام منظوم از علم

وحکمت ومثل آن بیرون آید واگر بیند که مروارید میخورد دلیل که علم وتوحید وسخن حکمت را بپوشاند یا قرآن را فراموش
کند واگر بیند که در منزل یا در راه عقدهای مروارید گسترده داشت دلیل که ویرا در علم حکمت تصنیف وتالیف بسیار بود و
مردم از کلام وی علم ودانش حاصل کنند واگر بیند که بجای هیزم مروارید می سوخت دلیل که علم وحکمت بسیار بمردم آموزد
که سزای علم وحکمت نباشند واگر بیند که مروارید بسیار داشت واو دیندار وپارسا بود دلیل بر زیادتی دین ودیانت وی
کند واگر توانگر بود مالش زیادت شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید داشت دلیل که او را فرزندی خوبروی
آید چنانکه حق سبحانه وتعالی در کلام مجید فرموده است کانّهم لؤلؤ مکنون واگر مروارید بزرگ بیند چنانکه از حد
گذشته بود دلیل که مال بسیار او را حاصل گردد واگر بیند که مروارید را بفروخت دلیل که علم وقرآن فراموش کند و
اگر بیند که مروارید در دهان انداخت وفرو برد دلیل که او را از حق تعالی علم وحکمت روزی کند واگر بیند که مروارید را
بجای مجهول بینداخت دلیل که در حق کسی کاری کند که آنکس قدر آنکار نداند واگر بیند که عقد مروارید در دست
بسته داشت دلیل که ویرا دختری آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید بسیار داشت دلیل که حق سبحانه
وتعالی او را علم وقرآن وحکمت روزی گرداند واگر بیند که از دهان وی یک یک مروارید گرانمایه بیرون می آمد
دلیل که سخنهای نیکو گوید ومردم آنرا بپسندند واگر بیند که عقد مروارید از دست او بیفتاد وبشکست دلیل که
بسیار بگوید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند مروارید بسر گین دان یا بجای پلید افگنده دلیل که علم وحکمت
در پیش مردم نادان گوید واگر بیند که مروارید با آتش بسوخت یا بسنگ بشکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع
بود واگر بیند که مروارید در زیر پای وی بشکست دلیل که فرزندش بمیرد واگر بیند که مروارید از قضیب وی
بیرون آمد وآن مروارید سوراخ نداشت دلیل که او را دختری آید واگر بیند که عقدهای مروارید در گردن بست
دلیل که از هر گونه علم حاصل کند واگر در گردن کسی بست دلیل که آنکس را علم وحکمت آموزد واگر بیند که گوشواره از
مروارید در هر دو گوش داشت دلیل که قرآن حفظ کند واگر بیند که مروارید بخروار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید فروشی میکرد دلیل که آنکس پارسا ومصلح بود واز بر علم او را بهره باشد
واگر آن کس از اهل علم نبود دلیل که او را فرزند ومال بسیار حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مروارید
در خواب بر شش وجه بود یکی قرآن دوم حکمت وفرهنگ سوم مال چهارم زن پنجم کنیزک با جمال ششم فرزند
نیک ومروارید فروش در خواب کسی بود که فرزندان ومال بسیار دارد وعلم دین داشته باشد مزدوران
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند دلیل که ویرا با خویشان
پادشاه خصومت افتد واز ایشان مفارقت جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در
خانه کسان مزدوری میکرد دلیل که بکاری صعب گرفتار شود وخداوند خانه را بکسی خصومت افتد

واگر بیند که مزدوران در خانه او کار میکردند دلیل که غمگین شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مزدوران
در خانه او خاک میکشیدند دلیل که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال وی نقصان شود
مژگان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مژگان در خواب نگهداشتن دین باشد و اگر کسی بخواب بیند که مژگان وی
جنبیدند دلیل که بیمار شود و اگر بیند که مژگان چشم فرو ریخت دلیل که در دین وی فساد بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که مژگان چشم وی باز کوتاه گشت دلیل که بقدر آن او را زیان مال بود و اگر بیند که مژگان چشم وی جنبید
دلیل که بیمار شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مژگان در خواب بر چهار وجه بود یکی نگهداشتن دین دوم دولت
موافق سوم مال و روزی چهارم خرمی بقدر فرزند فی الجمله هر خیر و شر که بر مژگان بیند دلیل بر این چهار وجه بود
مزوره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مزوره چون ترش و ناخوش نبود و در آن چربی باشد دلیل بر خیر و منفعت
کند و چون ناترش و ناخوش بود دلیل بر مضرت و غم بود **مس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مس از جهت
جهودان باشد و اگر بیند که مس داشت دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید آوند مس
چون مشربه و آفتابه و آنچه بدین ماند جمله دلیل کدخدائی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مس می گداخت و صاف
و پاکیزه کرد دلیل که کاری مشکل بر دست وی کشاده کردد و گوید که مال حلال برنج بدست آورد **مستی**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مستی در خواب مال حرام بود و در نماز کاهلی کردن چنانکه در کلام مجید فرموده قوله تعالی
یا ایها الذین امنوا لا تقربوا الصلوٰة وانتم سکاریٰ کرمانی رحمة الله علیه گوید مستی در خواب چون از شراب
بود دلیل که بقدر مستی ترس و بیم عظیم بود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه فرماید مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی
مال دوم توانگری سوم ناتوانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن **مسجد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
مسجد آبادان بتاویل مردی عالم بود که مردم بنزدیک او بسیار آیند از بهر صلاح و حقتعالی در کلام قدیم فرموده
قوله تعالی ومساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا اگر بیند که مسجد بنا کرد دلیل که از بهر مسلمانان خیر و نیکی کند و
از آن او را اجر و ثواب بود و یا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بر دین و شریعت بدارد مغربی رحمة الله علیه
گوید بنای مسجد در خواب نهادن زن خواستن بود و اگر بیند که مسجدی بنا کرد اگر بنیاد تمام کرد دلیل که
زن حلال خواهد و آن زن دیندار و پارسا بود و اگر بیند که چراغ مسجد بکشت دلیل که فرزندانش بمیرند
و اگر بیند که در مسجد جامع نشسته بود و پیرامن او سبزی رسته بود دلیل که بر وی گمانها برند که در وی
نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را از در مسجد باز داشت دلیل که آن کس بر وی
ستم کند و اگر بیند که در مسجد نماز میگذارد و رویش سوی قبله نبود تاویلش بد بود و اگر بیند که در
مسجد دست و روی می شست دلیل که مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرادش حاصل شود و اگر

بیند که مسجد ویران شد دلیل که حاکمی بمیرد و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب
خواهش بود و جمع کردن مردمان که در ضلالت باشند باز بصلاح آمدن و غیبت کردن اعدا چنانکه حق تعالی
جل و علا فرمود قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذن علیهم مسجدًا و اگر بیند که جایگاهی از ملک وی
مسجد گشت دلیل که در دین شرف و بزرگی یابد و خلق را بدعوت حق خواند و اگر بیند که با قومی بمسجد میرفت
دلیل که زنی ستیزه کی بزنی کند و اگر بیند که در مسجد چراغی برافروخت دلیل که او را فرزندی صالح آید و اگر بیند که
در مسجد مکه یا در مسجد مدینه درون شد دلیل که از همه ترس ایمن گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم خطیب
هفتم مؤذن هشتم مسجد نهم امیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن دوازدهم نیکو کردن و اگر
بیند که مسجد آدینه می آراست دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بیند که مسجد را عمارت
می کرد دلیل بر درستی دین و ایمان وی بود و اگر بیند که در مسجد شد دلیل که از خوف ایمن شود
قوله تعالی ومن دخله کان امنا **مسح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مسح موزه
میکرد دلیل که او را فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که مسح موزه میکرد دلیل که بسفر رود و در آن سفر مال بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام
گردد **مسکه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روغن تازه بتاویل مال و نعمت حلال بود و اگر بیند که
مسکه فراگرفت یا کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید
مسکه خوردن در خواب گواهی راست دادن بود و اگر مسکه گوسپند در خواب بخورد دلیل دادن که او را
مال و نعمت حاصل شود و مسکه گاو دلیل که آن سال بر وی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسکه
جانوری که گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال کند و آنچه گوشت وی حرام باشد دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق
رضی الله عنه فرماید مسکه در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی راست سوم علم و دانش چهارم
معصیت **مسواک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که مسواک کرد دلیل که مال بخیرات خرج کند که در آن
هیچ ثواب نباشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دندانهای پیشین را مسواک کرد دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند
و اگر بیند همه دندانهای خود را مسواک کرد دلیل که با همه خویشان نیکی کند **مشرق و مغرب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مشرق
در خواب دلیل بر ملوک عالم است و برآمدن آفتاب بر حاجت روائی و فرمان از جهت پادشاهان بود و فرو شدن آفتاب بخلاف این بود و اگر
بیند که بکاری صلاح بمشرق بود دلیل بر نعمت کند و اگر جای خود بد بیند دلیل که مرادش بر نیاید و بهمه حال جای
برآمدن آفتاب بهتر از فرو شدن باشد و جای آفتاب برآمدن دلیل از اقبال و بزرگی بود و جای

فرو شدن آفتاب دلیل ادبار و فرو ماندگی بود **مشرک شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مشرک بیند که مسلمان شد دلیل که در مسلمانی بمیرد و اگر بیند که مشرک سوی قبله نماز میگذارد یا شکر حقتعالی میگذارد دلیل که مسلمان شود و نعمت بروی زیادت گردد چنانچه حقتعالی فرموده قوله تعالیٰ الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوٰة الخ اگر بیند که مشرکی در خانهٔ مسلمانی آمد همین دلیل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی مشرکی را بخواب بیند و بیننده خواب مستور باشد دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر مستور نباشد دلیل که با مردم بدمذهب او را صحبت افتد **مشک** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که مشک با خود داشت دلیل که با ادب و فرهنگ بود و همه کس بروی آفرین کنند و ثنا گویند و اگر بیند که بوی مشک از وی می آمد یا کافور دلیل که یقین وی پاکیزه و صاف گردد و در راه حق در آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مشک را میسود دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بیند که نافهٔ مشک بشکافت و از آن مشک بوی ناخوش می آمد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم دوست سوم عیش خوش چهارم کنیزک پنجم مال بسیار ششم سخن خوش **مشک آب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مشک سفر باشد و اگر بیند مشک آب داشت و نو بود دلیل که بسفر رود و سود بسیار کند و اگر بیند که مشک آب کهنه بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی **مصحف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مصحف در خواب بتاویل علم و حکمت بود و اگر بیند که مصحف بخرید دلیل که طالب علم بود و دانشمند شود و اگر بیند که مصحف را بآتش بسوخت دلیل بر فساد دین او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصحف گشاده و بر سر و دیده نهاد دلیل که هرچه کند بقدر آن کار کند و والی آن شهر گردد و اگر بیند که مصحف قرآن با دی سخن گفت اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر گفت دلیل بر شر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب دلیل بر پنج وجه بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم امانت چهارم روزی حلال پنجم دین و دیانت **مصطکی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصطکی میخائید دلیل که وی را گفتگوئی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصطکی با آب میخائید دلیل که بقدر خائیدن با کسی شکایت کند و اگر بیند که مصطکی با آتش بخور میکرد دلیل که وی را از پادشاه رنج رسد **مطبوخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطبوخی از بهر بیماری می پخت و آن مطبوخ موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر مطبوخ موافق نبود دلیل که صلاح دین از وی بجوید و اگر بیند که مطبوخ بخورد و در وی اثر کرد دلیل بر صلاح و تندرستی و خیر بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که رنج و زیان باشد **مطرب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطربی میکرد و چیزی از سرود و ترانها میزد دلیل که بچیزهای حرام گراید چون فساد و طبل و آنچه بدین ماند میزد دلیل که اندوهگین شود و مطربی کردن در خواب خیر و منفعت بود معبر خواب گذار

مشرک شدن
مشک
مشک آب
مصحف
مصطکی
مطبوخ
مطرب

بود و مردی باشد چون قاضی و مفتی و واعظ زیرا که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و تعبیر دلیل بر فساد
کند **معجون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معجون از بهر درد و بیماری می ساخت دلیل که مردم را از وخیر و
منفعت باشد و اگر بیند که معجون از بهر همه تن بود دلیل که از وی بمردمان خیر و منفعت رسد **معده** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معده وی قوی و بی آفت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این
بیند عمرش کوتاه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید معده در خواب بر شش وجه بود یکی مال حرام دوم شناعت سوم
سخنهای ناخوش چهارم فرزند پنجم زندگانی دراز ششم کار کردن و منفعتی که از و حاصل شود بود **معزول شدن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کاری معزول شد یا کسی وی را معزول کرد دلیل که زن را طلاق دهد اگر زن
ندارد در تجارت زیانی کند **معصفر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معصفر در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم
غم و اندوه سوم کارهای که از آن کار کردن رنج و سختی او را رسد **معلّم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معلم در
در خواب مهتر و دانا بود و اگر بیند که معلّمی میکرد و کودکان را علم می آموخت دلیل که با مردمان سخن حق گوید کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که معلّمی میکرد و کودکان را علم می آموخت دلیل که شایسته پادشاهی بود و در موضع خود او را سخن
روا کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید معلّمی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروائی دوم عز و جاه سوم بزرگی
چهارم حکم کردن **مغز** دانیال علیه السلام فرماید مغز سر و مغز استخوان در خواب مالی بود که به ذخیره نهاده بود اگر
بیند که مار و کژدم مغز سر وی بخوردند دلیل که بقدر آن مال مردم بخورد و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید مغز سر در خواب
مال دفینه بود و اگر بیند که مغز گنده و ناخوش خورده بود دلیل که مال او حرام بود یا زکوة نداده باشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن جمله مغز در خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر **مبتلا شدن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نمی توانست خاستن دلیل که در کارها ضعیف و سست
بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد دلیل که عیش بر آنکس تباه کند و مضرتی بوی
رساند **مقراض** ناخن گیر بود در حرف نون بیان خواهیم کرد **مقعد** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید مقعد در خواب دیدن شغل و کسب وی بود و اگر کسی مقعد خود را در خواب بیند که بیرون آمده دلیل
که کسب و کار وی تباه گردد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بر وی بسته گردد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت مال
سوم معیشت **مقنعه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مقنعه در خواب زنان را شوی و مردان را زن بود
و اگر بیند که مقنعه از سر وی جدا شد دلیل که شوهرش طلاق دهد اگر مقنعه سیاه بیند دلیل که شوهرش
فاسق بود و اگر سرخ بود شوهر وی معاشر و طرب دوست بود و اگر کبود بیند دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود

واگر زرد بیند دلیل که شوهرش بیمار گردد بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقنعه در خواب بر چهار وجه بود
یکی زن دوم کنیزک سوم خادم چهارم منفعت از زنان واگر مقنعه کرباسین یا پشمین بود دلیل که شوهر وی مصلح
و پارسا و دیندار بود **مسلمان شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مسلمانی بخواب بیند که دیگر باره
مسلمان شد دلیل که از بلا و آفتها ایمن گردد واگر کافر بیند که مسلمان شد دلیل که کافر را حق تعالی مسلمانی روزی
کند واگر بیند که مسلمانی کافر را گفت که مسلمان شو دلیل که کارهای وی مستقیم شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که مسلمانی کافر شد دلیل که در بلا گرفتار شود و خاتمت کارش بخیر نبود واگر بیند که کافری بدست وی مسلمان شد
دلیل که کسی را از فسق و فساد باز دارد **مسمار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب مسمار بیند دلیل
بر مردی بزرگ بود که بکارها ایستاده باشد و بهم پیوندد و بعضی معبران گویند که مسمار در خواب پادشاه یا امیری
بزرگ بود واگر بیند که مسماری بزرگ و قوی داشت دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد واگر بیند که چیزی
بمسمار بدوخت دلیل که بسبب مردی بزرگوار کارهای پراکنده او بصلاح آید و جمع شود واگر بیند که مسمار بشکست
یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مسمار در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی
بزرگوار دوم مردیکه با مردان عهد پیوندد سوم امیر یا والی چهارم مکروه و مضرت کارها **مگس** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید مگس در خواب مردم سفله و درویش بود واگر بیند که مگسان بروی جمع شدند یا در چشم و دهان
وی می شدند دلیل که از کسی سفله مال حاصل کند امّا مضرت یابد واگر بیند که مگس در گوش وی شد دلیل که از کسی سفله
سخن زشت شنود که از آن کوفته خاطر گردد واگر بیند که بانگ مگس می شنید دلیل که از مردم غوغا بیند کرمانی
رحمة الله علیه گوید مگس در خواب مردی حاسد و فرومایه بود واگر بیند که پیرامن او مگسان جمع شدند دلیل که با مردم
حاسد او را شغل افتد واگر در خواب بیند که مگس بسیار در خانهٔ وی می گشتند دلیل که مردم سخن وی گویند واگر بیند که
مگسان او را میگزیدند دلیل که مردم دون بر خویشان او حسد برند واگر بیند که مگس را میکشت دلیل که حاسد از را
قهر کند واگر بیند که مگسان در زیر زمین می شدند دلیل که حاسدان از مال نهان کرده وی بستانند و خزینه کنند و وی را
مضرت رسد **مگس انگبین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مگس انگبین در خواب مردی فراخ روزی و زنی کسب کننده باشد
واگر بیند که مگس انگبین فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال و غنیمت حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مگسان
انگبین بروی جمع شدند و او را میگزیدند دلیل که برنج مال و نعمت حاصل کند واگر بیند که مگسان انگبین میخوردند دلیل
که او را بقدر آن زیان و مضرت رسد واگر بیند که انگبین از مگسان می ستد دلیل که سخنهای با خیر و منفعت شنود
و از آن فایده بیند **مکه مبارک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در مکه بیند دلیل که زیارت کعبه کند
و حج دریابد واگر بیند که بمکه از بهر تجارت رفته نه از بهر حج دلیل که حرص مال و دنیا دارد مغربی

رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مکه بصلاح و زهد بود و بعبادت مشغول بود دلیل که در منفعت دنیا باشد و اگر مکه را
آباد و پر بیند دلیل که مال و نعمت بروی فراخ شود و اگر خراب بیند تاویلش بخلاف این بود **ملح** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید ملح زنده در خواب لشکر بود و ملح پخته درم و دینار بود و اگر بیند که در شهری یا در موضعی ملح پدید آید
و در آن جا مضرت رساند دلیل که بقدر آن ملح در آنجا لشکر جمع شود و اهل آن موضع را بلا و زحمت رسد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ملح بسیار جمع کرد و در ظرفی می انداخت دلیل که مال جمع کند و بکابین زن دهد و اگر
بیند که ملح بقیاس در دریایی جمع شدند و نبات آنجا خوردند دلیل که مال بقیاس در آنجا جمع شود و همه را
تاراج ببرند دلیل که خراب کنند **منادی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که منادی کندشت
و کلامش موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صالح و پارسا بود و دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که منادی بصلاح آنجهانی کرد دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر منادی بخیر دنیاوی کرد دلیل که
مراد اینجهانی بیابد و اگر بر شر و فساد بود تاویلش بخلاف این بود **مناره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
مناره در خواب مردی بود که مردمان را براه دین خواند و اگر بخواب بیند که مناره بنا کرد دلیل که کار خیر کند و جماعتی
از اهل اسلام جمع دارد و اگر بیند که مناره بکند و خراب کرد دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مناره
از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید مناره در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره بیند دلیل که
بزرگی در آن کوچه برسد و اگر مناره از گچ و آجر بیند دلیل که از مهتر سلطان بود و اگر مناره از خشت خام بود دلیل
که آن بزرگ از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مناره از سنگ و آهک بیند دلیل که آن مهتر پادشاه
ستمگر بود و اگر مناره از چوب بیند دلیل که آن مهتر سفله و دون همت باشد و اگر مناره بر در مسجد دید دلیل که
آن مهتر عالم و فاضل بود و خلق را بکارهای شریعت خواند و اگر بیند که مناره مسجد افتاده بود دلیل که یکی از بزرگان دین
هلاک شود و میان خلق تشویش و پراکندگی افتد و اگر بیند که میان شهر مناره بود دلیل بر پادشاه کند و اگر
بیند سر آن مناره از مس یا برنج بود دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر بیند سر او از زر یا از سیم بود دلیل
که پادشاه دروغ زن و بیقول و غدار بود و اگر مناره از خشت پخته بود دلیل که پادشاه گردنکش و متکبر بود و
اگر خود را بر سر مناره آمده بیند دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش بنظام شود و اگر بیند که بر مناره طعام
نهاده بود دلیل که در آن دیار پادشاه پدید آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مناره بود و
بانگ نماز بگفت دلیل که پادشاه خلق را وعده نیکو دهد و اگر بیند که در مناره مسجد جامع بانگ نماز
داد دلیل که عمره آرد و اگر بیند که مناره بجنبید دلیل که پادشاه بیمار گردد و اگر بیند که پادشاه مناره را
بیفکند دلیل که پادشاهی بیابد و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند جعفر صادق رضی الله عنه

ملح

منادی

مناره

گوید دیدن منازه در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم مؤذن **منبر**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید منبر در خواب سلطان اهل اسلام بود و چیزو شریکه در منبر بیند تاویلش بر سلطان
کند واگر بخواب بیند که بر منبر شد و علم و حکمت وخطبه میخواند اگر از اهل آن نبود دلیل که فرزندش یا یکی از خویشان
او عالم شود واگر بیند که بر منبر شعر میخواند یا سخنی خلاف شریعت میگفت دلیل که در میان اهل اسلام به بددینی
و بدعت رسوا گردد وبعضی از معبران گویند که ویرا بر دار کنند واگر پادشاهی بیند که بر منبر بود وآن منبر بیفتاد یا بشکست
دلیل که از پادشاهی معزول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر شد وخطبه تمام بخواند واز منبر فرود آمد
دلیل که از خطابت معزول گردد واگر زنی بیند که بر منبر کلام وحکمت وعلم در میان مردم میگفت دلیل که رسوا
شود زیرا که زنان را علم گفتن وخطبه خواندن در میان مردان روا نباشد ونیز مردان را خواندن هم میان زنان
بد باشد واگر بیند که از منبر بیفتاد اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد ودر میان مردم خوار وحقیر شود مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر شد دلیل که عالم او مصلح ودیندار شود و بزرگی وعز وجاه یابد واگر
مفسد بود دلیل که او را بدزدی بگیرند وبر دار کنند وهر چند که منبر بزرگ تر و پاکیزه تر بیند منزلت وجاه
بلند تر بود وجعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن منبر در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم
امام چهارم خطیب پنجم بردار کردن **منجم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منجم شد دلیل که پیش
پادشاه وبزرگان عزت یابد ومنزلت او بالا گیرد واما سخن دروغ ومحال گوید خاصه که در خواب سخن از
احکام نجوم گفته باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سخن علم نجوم وهیئت افلاک میگفت دلیل که پادشاه
وبزرگان او را حرمت دارند واگر بیند که سخن در احکام نجوم میگفت تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی
الله عنه گوید منجم در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدا تعالی نکند **منجنیق** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که در شهر یا در قلعه مسلمانان سنگ منجنیق می انداخت دلیل که در پس مسلمانان سخنهای بد گوید واگر
بیند که در شهر یا در قلعه کافران سنگ منجنیق می انداخت دلیل که ایشان را دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان
میگوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیرامن شهری منجنیق نهاده بودند و بناهای آنشهر را خراب میکردند دلیل که آنشهر را
از دشمن خطر بود واگر بیند که منجنیقها بشکست یا باتش بسوخت دلیل که پادشاه آن شهر بر دشمنان مظفر ومنصور
شود واهل آن شهر از ترس وبیم امین شوند **مندیل** دستار بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مندیل
بخواب خادم بود وهر زیادت ونقصان که در وی بیند بخادم باز گردد اگر بیند که مندیل نو داشت یا کسی
بوی داد دلیل که او را خادمی حاصل شود واگر مندیل سبز یا سفید بود دلیل که خادم وی با دیانت بود
واگر مندیل سرخ بود دلیل که خادم وی معاشر وسرکش بود واگر مندیل زرد بود دلیل که خادمش بیمار

کردد بلکه در اصل بسیار کون بود و اگر کبود بود دلیل که خادمش مصیبت زده و اندوهگین بود و اگر مندیل وی فرطه بود
دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بیند که مندیل از پشم یا پنبه بود دلیل که خادمش با امانت و دین دار بود و اگر از کتان بود
نیک باشد و اگر از قز یا ابریشم بود دلیل که خادمش بیوفا و متکبر بود و اگر چرکین یا کهنه یا دریده بود دلیل که از آن
خادم نیکوئی نبیند و اگر مندیل ضایع شد دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر مندیل بسوخت دلیل که خادمش بمیرد

منشور

منشور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور بدو دادند که در آن کار مهیا
نبشته بود دلیل که صلاح وی در دین و نجات آخرت باشد و سعادت دنیا و آخرت یابد و اگر بخلاف این بیند
دلیل که رستگاری نیابد و اگر بیند که پادشاهی منشور بوی داد دلیل که شرف و بزرگی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که پادشاه منشور بدو داد و در آن شهر مردمان مصلح بودند دلیل که از پادشاه بزرگ منزلتی عظیم یابد و
کارهای وی بنظام شود و اگر بیند که آن شهر خراب و ولایتی دون بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بیند که فرشته یا پیغامبر منشور بخط نبشته بدو داد دلیل که حقتعالی او را بیامرزد و از وی خوشنود و راضی شود
و اگر منشور سیاه بود تاویلش بخلاف این بود

منقار

منقار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را بسان مرغ منقار
بود دلیل که بقدر و بزرگی منقار مال حاصل کند و اگر بیند که مرغی بزرگ چون آله و کرکس و مانند این او را منقار زد
و او را درد کرد دلیل که ویرا رنج و سختی رسد و نقصان مال وی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منقار مرغی داشت
دلیل که بقدر و قیمت آن مرغ او را بزرگی و نعمت و خیر و منفعت رسد و اگر بیند که منقار داشت و مردم را بمنقار کزند
رسانید دلیل که مردم را از وی کزند و زحمت رسد

منی

منی آبی بود که از وی فرزند پدید آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
دیدن منی در خواب مالی بود که بیابد و از آن شاد شود و اگر بیند که یک سبوئی از آب منی داشت دلیل که مال بسیار
حاصل کند و اگر بیند که از قضیب وی منی بسیار بیرون آمد دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر منی
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از قضیب وی آب منی همی رفت دلیل که بقدر آن مال از بیگانه بدو رسد مغربی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که منی از وی فرود آمد دلیل که مال یابد چنانکه باریتعالی عزوجل فرموده انا خلقنا الانسان
من نطفة امشاج نبتلیه الخ جعفر صادق رضی الله عنه فرماید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم زیادتی
مال سوم نقصان مال چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بیند که منی از وی بیرون آمد معبر را باید که تعبیر بزیادتی
مال کند و اگر منی کمی آمد نقصان مال بود

مهد

مهد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مهد نشسته بود
و خداوند خواب سزاوار مهد بود دلیل براحت و آسانی و عیش خوش وی بود و از ترس و بیم ایمن گردد
و اگر بیند که از مهد بیفتاد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مهد نشسته بود
دلیل که زنی مهربان خواهد یا کنیزکی خوب روی خرد و بعضی معبران گفته اند که مهد در خواب

آرامگاه و عز و مرتبت بود کسی را که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان و جای حبس بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید مهد در خواب دیدن بر هشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم عیش سوم عز چهارم دولت
پنجم مرتبت ششم ایمنی هفتم کنیزک مهربان هشتم زن و دیدن مهد درویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم
جایگاه تنگ سوم غم و اندوه چهارم رنج و محنت **مهر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر
انگشترین نهاد دلیل که خداوند انگشترین منفعت و بزرگی یابد و اگر بیند که بر نامه مهر نهاد دلیل که معاینه چیزی
بدو رسد و اگر بیند که پادشاه یا بزرگی انگشترین بوی داد که بستان و خزینه را مهر کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینه
بوی سپارند و اگر سزاوار خزانه پادشاهی نباشد دلیل که از بزرگان یکی مال خود بدو سپارد و اگر بیند که پادشاه
مهر خود بدو داد و بسپرد دلیل که از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که پادشاه بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل که
زود ولایت یابد و حاجت وی روا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مهر نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین ماند بر
هفت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم قوت دین سوم ریاست چهارم حقیقت و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و
بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب **مهره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مهره یافت
یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل که بقدر و قیمت آن مهره مال بدو رسد یا او را خدمتکاری حاصل شود و اگر بیند که
مهره پاکیزه و سفید بود دلیل که آن خدمتکار مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بیند دلیل که خدمتکارش مبارک روی
بود و اگر زرد بود دلیل که خدمتکارش بیمار گونه باشد و اگر سیاه بود خدمتکارش سخت دل و بدخو باشد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خدمتکار سوم کنیزک چهارم مال
پنجم ادب و فرهنگ ششم فرزند هفتم غلام خورد و هر زیادت و نقصان که در مهره بیند بدین هفت چیز آید **مهمان**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مهمانی در خواب اجتماع در چیزی بود اگر بیند که قومی را بمهمانی خواند دلیل که کاری کند
که آن کار او را از بهر شغلی باز دارد و اگر بیند که او را در باغی بمهمانی بردند که آن باغ پر از میوه های الوان و آب روان بود
دلیل که بغزا رود و شهید شود لقوله تعالی فیها فاکهة کثیرة و شراب کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن مهمانی در
خواب که در آنجا چنگ و چغانه و نای و رقص بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر از اینها نبود خیر و برکت
و خرمی باشد مغربی رحمة الله علیه گوید مهمانی در خواب دلیل به باز آمدن غائب بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر بیند که عروسی بی نکاح خواست و مهمانی کرد دلیل که او را غم و اندوه رسد
مورچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مورچه انبوهی مردم بود اگر بیند که مورچه بسیار در چیزی
شد دلیل که مردم بسیار در خانه وی فراز رسند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون
آمدند دلیل که مردم آن سرای تحویل بجای دیگر کنند و اگر بیند که مورچه بیگانه

در خانهٔ وی شد دلیل که دزد بخانهٔ وی رود و اگر بیند بر تن وی موران بسیاران بسیار جمع شدند یا از دهان وی بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر در خانهٔ خود مورچه بسیار بیند دلیل که نسلش بسیار شود و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که نسلش کم شود اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید مورچه خرد و سرخ دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر دزد و اهل بیت باشند و اگر بیند که موران از سرای وی بیرون آمدند و در هوا می پریدند دلیل که خویشان از سفر باز آیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن موران بتاویل اهل بیت بینندهٔ خواب بود و اگر بیند که موران از خانهٔ او بیرون شدند دلیل که احوال آن خانه پریشان شود **مورد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مورد در خواب مردم آزاده و خوش طبع و خوبروی و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بیند که مورد داشت دلیل که او را با چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درخت مورد بشکست یا از جائی برکند دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت کند مغربی رحمة الله علیه گوید مورد در خواب مال و نعمت بسیار بود و بعضی از معبّران گویند مورد فرزند صالح بود جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن مورد در خواب بر چهار وجه بود یکی مزدوران عاقل دوم فرزند صالح سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دستهٔ مورد بسته بشوهر داد دلیل که نکاح ایشان پایدار بود **موز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موز توانگران را مال بود و دینداران را دین و برگ موز بهترین برگ درختها بود و اگر بیند که موز فرا گرفت یا کسی بوی داد و آنکس توانگر بود دلیل که مالش زیادت گردد و اگر بیند که موز میخورد دلیل که منفعت دینی و دنیاوی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید موز در خواب بر سه وجه بود یکی زیادتی مال دوم زیادتی دین سوم روزی حلال و عیش خوش و بعضی از معبّران گویند اگر بوقت خویش بیند که موز میخورد دلیل که زنی خوبروی و توانگر بزنی کند و از وی منفعت یابد **موزه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موزه در خواب در زمان زمستان دلیل بر خیر و نیکوئی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موزه معبّران خلاف کرده اند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه در پای داشت و سلاح پوشیده بود دلیل که دشمن از وی متفکر بود و اگر بیند که با موزه سلاح نداشت دلیل که غم و اندوه بیند خاصه که موزه تنگ باشد و اگر بیند که موزهٔ ادیم در پای داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که موزهٔ ادیم در پای داشت و بازکوته بود دلیل که او را غم و اندوه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه از پوست میش داشت دلیل که بقدر آن مال بدو رسد و اگر بیند که زیر موزهٔ او دریده بود دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که از پای موزه بیرون آورد دلیل که شادی و خرّمی یابد و اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر بیند که موزه اش بسوخت دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که موزهٔ او ضایع شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر موزه همین تاویل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه اش از خانه بدر افتاده است دلیل که زن را

طلاق دهد و اگر بیند که موزه بمردم بیگانه داد یا بفروخت دلیل که زن او بمیرد و اگر بیند که موزه او بدریدند دلیل که
زن او بمیرد و اگر بیند که موزه او بدزدیدند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید موزه
در خواب چون نرم بود و پای را نیازارد دلیل بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوت
پنجم عیش ششم ظفر یافتن هفتم منفعت یافتن **موش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش در خواب
زنی بود که بظاهر مستوره باشد بباطن فاسقه بود و اگر بیند که موش را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین
صفت که گفتیم خواهد و اگر بیند که موش را در طبله بگرفت دلیل که زنی بمکر و حیلت خواهد و اگر بیند که موشان بسیار
در خانهٔ او جمع شدند و جمله یکسان بودند دلیل که بقدر آن موشان زنان در خانه وی جمع آیند و اگر بیند که
موشان مختلف بودند چنانکه بعضی سیاه و بعضی سفید دلیل که اختلاف تاویل آن در شب و روز بود در خبر است
از سید عالم صلی الله علیه وسلم فرمود شب و روز دو موش اند که عمر مردم را می برند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که از سوراخ بینی یا از سوراخ قضیب او موش بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که در خانه موشان دشتی آمدند دلیل که در آنجا زنان نابکار گرد آیند و تعبیر موشان در خواب
مال و کالای زنان مفسده بود و موش خانگی و دشتی بتاویل یکسان بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
موش بگرفت و دم بداشت دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر بیند که موشی در دست وی بمرد دلیل که او را مصیبت
رسد و اگر بیند که موش را بپای مالید دلیل که زنی فاسقه خواهد و از خود جدا کند و اگر بیند که سنگ بموش انداخت دلیل که
کسی را متهم گرداند و اگر بیند که موشی در بستر وی بود دلیل که بزنی مفسده قصد فساد کند و اگر بیند که موش میخورد دلیل
که مال زنی مفسده بخورد **موم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موم سپید در خواب مال و نعمت بود و موم زرد بیماری
و اگر بیند که موم سفید میخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که موم از وی ضایع شد یا بفروخت دلیل بر نقصان
مال او بود مغربی رحمة الله علیه گوید که موم بهر رنگ که باشد مال و نعمت بود و اگر بیند که موم سپید بود و میخائید بهتر از مومهای
دیگر بود و اگر بیند که موم همی خائید دلیل که از کسی شکایت کند و اگر بیند که موم بآتش بسوخت دلیل که بقدر آن
پادشاه از مال وی بستاند و اگر بیند که از موم شمع میکرد و بمردم میداد دلیل که مال خود بخیر و صلاح و صدقه خرج کند
و با مردم جود و احسان کند **مومیائی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مومیائی همی خورد دلیل
بر غم و اندوه بود و اگر بیند که مومیائی بکسی بخشید یا از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بجهت خستگی اندام مومیائی خورد و صحت یافت تاویلش بخلاف این
بود **موی** دانیال علیه السلام گوید موی در خواب مرد از غم و اندوه بود و زنان را زینت و موی چهارپایان
مال اندک بود و اگر صوفی بیند که موی سر او دراز شد دلیل که او زینت و صلاح یابد و اگر صوفی نبود

دلیل که غم و اندوه بود بقدر درازی موی و اگر بیند که قدری از موی ببرید و بینداخت دلیل که غم و اندوه از وی
زایل شود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در وقت حج موی سر را سترد دلیل بر صلاح دین و کفارت
گناهان بود و اگر در خواب ماههای حرام یعنی رجب و ذی حجه و ذی القعده و محرم بیند دلیل که وامش گذارده شود
و از غم فرج یابد و اگر بیند که موی تمام بسترد دلیل که آنچه گفتیم بیشتر باشد و اگر صاحب خواب زن امیری بود و بیند که
موی سر بسترد دلیل که شوهرش بمیرد یا والی کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر پادشاهی موی خود درانه بیند دلیل بر لشکر
بود و اگر رعیت بیند دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زیادتی موی تن هم غم و اندوه بود و اگر مردی بیند که موی سر
او آشفته بود دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر موی سر خود آویخته بیند دلیل بر غم و اندوه بسبب مادر و
پدر یا جهت مهتری بود و اگر سر خود را صلع بیند بنا بر زیادتی عیش و شادی بود و اگر بیند که او را بسان علویان
دو گیسوی بود دلیل که مهتری یابد و نیکنام گردد و اگر بیند که موی خود را میکند دلیل که کسان وی مال تلف کنند
و اگر بیند که موی خود را شانه میکرد دلیل که بر کارهای خود قادر شود و برا منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که موی بغل یا موی زهار سترد دلیل که صلاح دین وی باشد و موی بغل ستردن دلیل بر یافتن مال و مراد
بود و ناستردن موی بغل دلیل بر زیادتی بیمروتی بود و اگر بیند که در سینهٔ وی موی بود دلیل که وام بر وی
جمع شود و موی بر تن وام مال بود و اگر بیند که موی از تن خود بسترد دلیل بر نقصان مال وی بود و اگر این کس
درویش و وامدار بود وامش گذارده شود و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که آهک بر تن خود مالید و موی
از تن خود بسترد اگر توانگر بود دلیل که درویش گردد و اگر درویش بود توانگر گردد اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که قدری از موی فرا ریخت اگر توانگر بود دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر درویش بود توانگر
گردد و اگر وامدار باشد وامش گذارده شود و اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد و اگر بیند که موی راست او بمشرق رفت
و موی چپ او بمغرب دلیل که او را دو پسر باشد که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور گردد حافظ معبر رحمة الله
علیه گوید اگر عالمی بخواب بیند که موی او جعد بود دلیل بر بدعت و ذلت وی بود و اگر جاهل این خواب بیند دلیل که
نعمت و عزت یابد و اگر بیند که موی میکند دلیل که امانت گذارد و اگر بیند که موی زهار او دراز بود دلیل که او را
زیانی رسد و درازی موی زهار نیک باشد و اگر بیند که موی زهار خود می سترد دلیل که دین وی نقصان شود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن ستردن موی در خواب بر پنج وجه بود یکی حج گذاردن دوم سفر کردن سوم عز و جاه
چهارم ایمنی پنجم دولت و باریتعالی در کلام مجید فرموده محلقین رؤسکم و مقصرین الخ اگر خداوند خواب موی ستردن عادت
بود دلیل که نیک و بد آن سهل باشد **می پخته** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید تاویل مال حرام بود و اگر کسی بخواب بیند که
می خورد و مست شد دلیل که بقدر مستی آن جاه و منزلت یابد و اگر بیند که بی می پخته و خمر مست شد دلیل که از بیم عظیم بوی سد

قوله تعالی وتری الناس سکاری الخ مغربی رحمة الله علیه گوید مستی از می پخته یا شراب مویز بقدر خوردن
مال ونعمت کم شود واگر بیند می پخته داشت و بتمنا می خورد دلیل که با مردم جنگ وخصومت کند واگر بیند که در میان
می پخته غرق شد دلیل که در خصومت هلاک شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که می پخته میخورد دلیل که
مال حلال بحرام مبدّل گرداند واگر بیند که می پخته باب صافی بود دلیل که مالی بدست آورد که بعضی حلال وبعضی حرام
باشد ونیز گویند که مال از زنان بستاند واگر بیند که می پخته میفروخت دلیل که چیزی حرام فروشد **میخ** ابن سیرین

میخ

گوید میخ در خواب برادر بود واگر بیند که میخ در دیوار زد دلیل که برادرش در آن جا که میخ زد مردی فراگیرد زیرا
که دیوار بتاویل مرد باشد واگر بیند که میخی بر سنی بربست دلیل که برادرش بمردی پیوندد واگر بیند که میخ بر پشت زد
دلیل که از پشت او فرزندی آید که پادشاه بود یا بشرف و بزرگی تمام برسد یا زاهد شود که نام او در تمام عالم
منتشر گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید میخ در خواب بهمه چیز بزرگی و شرف دین و دنیا بود واگر بیند که میخی بر
در خانه او بود دلیل که بزرگی و شرف یابد اگر بیند که میخ از خانه خود بکند و بینداخت تاویلش بخلاف این بود
واگر بیند که میخی از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن هر دو نوع بود یکی آنکه
زن خواهد یا دوستی گیرد واگر بیند که میخی در ستون یا در چوب زد دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد
واگر بر درخت زد و قرار گرفت احتیاط کند در آن که چه درست بود تاویل از آن درخت کند و بدرستی یا
بنکاح یا بعطا و صلت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میخ از برنج یا از مس بود بتاویل نیکو باشد واگر از آهن یا
از استخوان بود دلیل بر نیکوئی و قوت کند واگر بیند که در دست وی میخ آهنین بود دلیل که او را فرزندی آید
که شایسته پادشاه بود واگر فرزند ندارد دلیل که حقتعالی او را علم و دانش روزی گرداند واگر از اهل علم نباشد
دلیل که اهل علم او را دوست دارند واگر بیند که میخ زرین یا سیمین در زمین زد دلیل که از کسب خود توانگر گردد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن میخ در خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند سوم دوست چهارم زن
خواستن **میش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میش در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا

میش

نیز اندکی ذکر کنیم اگر بیند که بر نره میشی نشسته بود و مطیع او بود دلیل که مردی بزرگ فرمانبردار او شود واگر ماده میشی در جنگ بود و
آن نره میش بروی چیره گشت دلیل که خصم بروی غالب گردد واگر بیند که شاخهای نره میش بزرگ و قوی گشته دلیل که
آن کس قوی و توانگر شود واگر بیند که نره میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که از مردی بزرگ مال ونعمت یابد واگر بیند
که پوست نره میش بکند و گوشتش جدا کرد دلیل که بر شخصی غالب گردد و مال وی بستاند واگر بیند که نره میشی را از کشتن
باز رهانید دلیل که از غم برهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده میش با وی جنگ میکرد دلیل که زنی با وی مکر و حیلت
کند واگر بیند که گوشت ماده میش از خانه وی بخانه کسی دیگر شد دلیل که زن وی بعشق کسی دیگر مشغول

کرد جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن زره عیش در خواب بر شش وجه بود یکی امام دوم خلیفه سوم امیر چهارم رئیس
پنجم مال ششم فرزند **میوه** ابن سیرین رحمة الله علیه کوید میوه که ترش و شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت بود و
هر میوه که خام و ترش در خوردنش بود دلیل بر سخنهای بیهوده و سرد باشد و انکور سیاه و آلو و زیتون دلیل
بر غم و اندوه بود و اکر بیند که از درخت میوه چید دلیل که بقدر آن میوه از مردی بزرکوار مال یابد و اکر بیند که
نشسته بود و از درخت میوه می چید دلیل که آنچه یابد حلال و شایسته بود و اکر بیند که بی آنکه دست بر درخت کرد و
میوه بیفتاد دلیل که بی رنج و تعب او را مال حلال حاصل شود و اکر بیند که از درخت لختی میوه فرا کرفت اکر بوقت
باشد باکی نباشد و دلیل بر روزی حلال بود و اکر بیوقت باشد تاویلش بخلاف این بود دانیال علیه السلام کوید
هر میوه که در وقت خود بخواب بیند و بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اکر میوه بوقت خود نباشد
دلیل که مالش پراکنده شود و تاویل هر میوه باصل درخت باز کردد خواه نیک یا بد بود و میوه‌ها آنچه زرد بود دلیل
بیماری بود مکر ترنج و به و زرد آلو که این هر سه در تاویل زیان ندارد و میوه‌های ترش غم و اندوه بود و میوه‌های
تر چون رسیده و شیرین بوقت خود باشد دلیل بر روزی حلال بود و میوه‌های نارسیده ناخوش در خواب دلیل
بر مال حرام و اندوه و مصیبت باشد و اکر بیند که میوه تابستان بزمستان میخورد دلیل که بیمار شود کرمانی رحمة الله
علیه کوید میوه شیرین در خواب اکر بیوقت بیند دلیل بر غم و اندوه بود و میوه کلوکیر اکر بیوقت خورد دلیل تنکی
کارها و تنکی عیش بود فی الجمله هر میوه که سبز تر و خوشبوی و شیرین بود تاویل خیر و منفعت بیشتر باشد اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه کوید اکر بیند که میوه میفروخت اکر میوه باشد که مردم آنرا دوست دارند دلیل که بشغلی بزرک مشغول کردد
و اکر میوه ترش و ناخوش فروشد دلیل که غم و اندوه و رنج بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید میوه فروش در خواب چون
میوه خوش و شیرین فروشد دلیل بر شر و مضرت بود و معبر باید که نیک و بد جنس و ناجنس داند که کدام را چکونه باید کفت
و خوابهای هر کسی را بدان نوع فرق تواند کردن و تاویل آن نهادن تا از اصل خطا نیفتد والله اعلم

حرف النون

نابینا ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اکر کسی در خواب بیند که نابینا شده است دلیل که از دین و اسلام کمراه
باشد و اکر بیند که یک چشم وی کور کشت دلیل که نیمه دین وی بشود یا کناهی بزرک کرده باشد و بیک اندام
از اندامهای وی مصیبت رسد کرمانی رحمة الله علیه کوید اکر بیند که نابینا را دست کرفت و برد دلیل که
کمراه کرده مغربی رحمة الله علیه کوید اکر بیند که نابینا شد دلیل که کارهای خوب بر دست وی بکذرد
و اکر بیند که یک چشم کسی را کور کرد دلیل که آنکس را از راه دین ببرد و اکر بیند که چهارپای را کور کرد دلیل بر کسی
بود که بدان چهارپای منسوب باشد و ویرا کزند و مضرت رساند جعفر صادق رضی الله عنه کوید نابینائی در
خواب بر هفت وجه بود یکی درویشی دوم بدحالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان تن پنجم مصیبت

میوه

نابینا

ششم نقصان مال هفتم تباهی دین قوله تعالیٰ صمٌّ بکمٌ عمیٌ فهم لا یرجعون واگر نابینائی بخواب بیند که بینا شد دلیل که کارهای دنیا بروی گشاده شود وازآنچه نومید گشته باشد امیدوار گردد وازرحمت حقتعالی نصیب یابد قوله تعالیٰ لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعًا

ناخن

ناخن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن درخواب دلیل بر سخاوت وقوم مردم بود وبعضی از معبران گفته اند که خداوند سلاح را ناخن سلاح بود اگر بیند که ناخن را بمقراض ببرید دلیل که دین وی قوی گردد وکرمانی رحمة الله علیه گوید ناخنها درخواب قوت وتوانائی وحاصل کردن مال دنیا بود واگر بیند که ناخنهای وی بشکست دلیل که مال تواند حاصل کردن واگر بیند که ناخن از بن بیفتاد دلیل که قدری از مال وی ضایع شود واگر بیند که ناخن بیفتاد ودیگر باره برست وزیادت شد دلیل که کار وی نیکو گردد ومال بسیار بدست آرد واگر بیند که ناخنهای او سیاه وکبود شده بود دلیل بر معصیت او بود واگر بیند که ناخنهاش چنان دراز شده بود که بیم شکستن داشت دلیل بد باشد واگر بیند که ناخنهاش از بن بریده بود ومتغیر گشته دلیل بر بستگی کار وی باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود دلیل بر صلاح دین ودنیای وی بود واگر بیند که ناخنها را راست میکرد دلیل که مال بسیار یابد وناخن پای و دست را یک تاویل بود وبعضی از معبران گفته اند تاویل ناخنهای دست حاصل کردن مال بود واز آن پای هم حاصل کردن مال بود اما در ضعف جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن درخواب بر شش وجه بود یکی قوت وتوانائی دوم مقدار مردم در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم بنده وزاد گان یا برادرزادگان

سفر

ناخن پیرا

ناخن پیرا بمعنی مقراض بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن پیرا درخواب مردی بود که قسمت کند اگر بیند که موی سر بناخن پیرا برید یا با ناخن پیرا جامه ببرید دلیل که این جمله نیکو بود واگر بیند که کسی ناخن پیرا بوی داد یا بخرید اگر پسری دارد دلیل که پسر دیگرش آید واگر دختر دارد دختر دیگرش آید واگر ناخن پیرا دو پاره بود همین تاویل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی ناخن پیرا بوی داد یا بخرید یا بیافت اگر اسپی دارد دلیل که اسپی دیگر بخرد یا بیابد واگر ملکی دارد ملکی دیگر حاصل کند وهمه تاویل برین قیاس باشد از چیزی که یکی باشد دیگر حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید مقراض درخواب مردی نیکنام ونیک اصل باشد که با ایشان دوستی کنند ودین و دنیای وی زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پیرا درخواب بر سه وجه بود یکی مرد قسمت کننده دوم مرد نیک اصل سوم دوست ناموافق

نار پایا

نار پایا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نار پایا درخواب خوردن چون شیرین بود وبگوشت گوسپند یا بگوشت مرغان نا پخته بود دلیل بر خیر ومنفعت باشد اگر بگوشت گاو یا گوشتی غلیظ پخته باشند دلیل بر غم واندوه بود

نار مشک

نار مشک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین او نار مشک رسته بود دلیل که نامش

بخیر و خرمی و خوبی در آن دیار منتشر گردد و اگر بیند که نارشکها از زمین برکند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دسته نارمشک تازه داشت و بوقت خویش بود دلیل که خیر و منفعت یابد **نارنج** دانیال علیه السلام گوید نارنج گو زرد است امّا بوی خوش دارد و دیدار نیک و پاکیزه است و از میوه‌های بهشت است لاجرم در خواب نیکو باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نارنج در خواب از یکی تا سه فرزند بود و اگر بیشتر از سه بود مال باشد بقدر آن نارنجها و نارنج سبز بخواب بهتر باشد و نارنج زرد و بوقت خود دید نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نارنج سبز بود و بعضی از معبران گفته اند که نارنج سبز در خواب دلیل بیماری و غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نارنج در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منازعت سوم فرزند چهارم منفعت بود از مردمان **ناطف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناطف بسیار داشت و از وی میخورد دلیل که او را مال و نعمت بسیار بدست آید و خیرات و احسان بسیار کند مغربی رحمة الله علیه گوید ناطف انگبین و ناطف دوشاب دلیل نعمت و مال بسیار بود و الافاده ناطف انگبین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گو ناطف انگبین در خواب بر سه وجه بود یکی سخن شیرین دوم مال حلال سوم معیشت **ناف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناف در خواب زن بود و کنیزک که زیر دست وی باشد و اگر بیند که ناف وی بیفتاد دلیل که زن را طلاق دهد یا کنیزک بمیرد و اگر بیند که ناف بریده است دلیل که عیال وی بمیرد و همه شغل وی تباه گردد و اگر بیند که ناف وی کوچک شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در ناف او سوراخ شد دلیل که در حال او خلل پدید آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناف با سینه او همچو خطی موی برآمده بود دلیل که بر سنتهای پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم راغب گردد و اگر بیند که اصل ناف وی بریده بود دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر از ناف تا شکم شکافته بود دلیل که دانا و عالم گردد و لیکن مالش ببرد اسمٰعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناف کسی ببرید و بخورد دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناف در خواب بر پنج وجه بود یکی زن خوبروی دوم کنیزک سوم مال و روزی چهارم پسر پنجم مادر و پدر **ناقوس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناقوس در خواب مردی منافق و دروغ زن بود و دور و هیچ خیر نباشد و اگر بیند که ناقوس زد دلیل که با مردی منافق نشیند و به نفاق سخن دروغ گوید در فساد و اگر ناقوس بشکست تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناقوس در خواب بر سه وجه بود یکی دروغ گفتن دوم منافقی سوم مهر اهل کفر در دل داشتن **نام گردانیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نام گردانیدن بخواب اگر نام او از نامها بهتر باشد چنانکه محمّد و احمد و سعد و سعید و صالح و آنچه بدین ماند دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد دلیل بر شر و فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کنیت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الخیر و ابو الفضل و ابو سعید

یا ابوالبرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بیند چون ابوجهل ابولهب و عتبه و شیبه و مانند ایشان لعنهم الله دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یاد کردیم **نامه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامهٔ سر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشنود و اگر نامهٔ سر گشاده داشت دلیل که چیزی فاش بشنود و اگر بیند که نامهٔ سر بمهر داشت دلیل که مهر نامه آن خبر بود که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی نامه بوی داد کروی آن نامه بخواند دلیل که از کسی خبری بوی رسد و اگر آن نامه را عنوان نبود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که عنوانش نبشته بود و مهر داشت و کسی نگشاد دلیل که او را شغلی پیش آید که بظاهر نیکو نماید و بباطن غم و اندوه اقتضا کند و اگر بیند که مهر نامه بگشاد و بخواند دلیل که عز و جاه او زیادت گردد و اگر بیننده خواب خواننده بود و دید که نامه را بخواند دلیل که عز و جاهش زیاده تر گردد و بعضی از معبران گویند که اجلش نزدیک آمده باشد قوله تعالی اقرء کتابك کفی بنفسك الیوم علیك حسیبا مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامهٔ پادشاه بدو داد اگر نگشاد و نخواند دلیل که غم و اندوه بود و اگر بر گشاد و بخواند و بشارت نبشته بود دلیل بر شادی و خرمی و منفعت بود و اگر سخنهای زشت ناخوش نبشته بود دلیل بر عیش ناخوش و ترش و تهلیک بود و اگر بیند که نامهٔ بمهر بیافت و بپادشاهی داد دلیل بر خیر و منفعت بود اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند که نامه از آسمان بدست او آمد دلیل خیر و امیدواری بود و کارهای وی بر آید بدان حاجتی که خواهد و اگر بیند که سخنهای ناخوش نبشته بود دلیل که کارهای او بر نیاید **نانها** دانیال علیه السلام گوید دیدن نانهای پاکیزه در خواب عیش باشد و اگر نان پاکیزه نباشد دلیل که عیش ناخوش بود و اگر بیند که نان خرید و بخانه برد دلیل بر خیر و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بیند که نان بکسی داد دلیل که راحت بدان کس رساند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دو سه نان یافت دلیل که از غم و اندوه برهد و شادی و راحت یابد و اگر بیند که در جای مجهول نیم نان یافت دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بیند اندکی نان بیافت و نتوانست خوردن دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که نانهای بسیار داشت و نمیخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که نان گرم میخورد دلیل که اندوهی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید نان گرم بخواب دیدن دلیل بعیش و راحت کند و نان خشک بخلاف این بود و سبوس خوردن دلیل بر قحط و تنگی بود و نان گرم و پاکیزه خوردن دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و نان گاورس دلیل بر تنگی عیش و پرهیزکاری بود و نان جوین خوردن دلیل بر زهد و ورع بود و نان برنجین دلیل بر سختی و بستگی کارها کند و نان عدس و نان باقلا دلیل بر غم و اندوه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نان خشک میخورد دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و بعضی گفته اند که خوردن نان تنک در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیند که نان کرده بر پیشانی وی آویخته بود دلیل که درویش گردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید تاویل نان برامرا

ومردم بزرگ ورئیسان است واگر سلطان یک نان بخواب بیند دلیل که ملکش زیادت گردد واگر بازرگان بیند دلیل
که مالش زیادت شود ویک نان از یکدرم تا هزار درم باشد بقدر شخص واگر رعیت بیند ضیاع وتجارتش زیادت
شود ودانیال علیه السلام گوید هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از نان نباشد زیرا که نان درخواب مال حلال بود که
بی رنج بدست آید ونان پختن درخواب بتاویل کار کردن باشد در طلب معیشت وتحصیل کردن اندر نان بزرگی
حاصل کردن باشد با مال جعفر صادق رضی الله عنه گوید نان درخواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش دوم مال
حلال سوم شهری چهارم خیر وبرکت وبدانکه نان درخواب کسی بود که طلب مال کند واگر بیند که نان وا شد دلیل که
بسیار مال بجنگ وخصومت جمع کند وبعضی از معبران گویند که نان واد رتاویل پادشاه عادل بود **نان خواه**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نان خواه درخواب دلیل بر غم واندوه بود واگر بیند که نان خواه بکسی داد یا بینداخت
دلیل که از غم واندوه رسته گردد ودر دیدن وخوردن نان خواه هیچ منفعت نباشد بجز غم واندوه والله اعلم
ناودان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بی ناودان آب از بامها فرود می آمد دلیل که
در آن مقام جنگ وخصومت وخون ریختن پدید آید واگر بیند که باران نمی آمد واز ناودانها آب فرود می آمد
دلیل که مردم آن موضع را از پادشاه مصادره ورنج رسد واگر بیند که ابر باران بود واز ناودانها آب فرود می آمد
دلیل که از حق تعالی جل وعلا بر اهل آن موضع عنایت ورحمت باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناودان
بر بام خود نهاد دلیل که از بزرگی منفعت یابد واگر بیند که ناودان خانه او بیفتاد وبشکست دلیل که تاویلش
بخلاف این بود واگر بیند که ناودان سیمین یا آهنین بود دلیل که نظام کارش مستدام باشد واگر بیند که از ناودان
کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن از کسی منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناودان درخواب بر سه وجه بود
یکی رئیس شهر دوم مهتر سوم خیر ومنفعت اندک **نای زدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نای زدن
درخواب دلیل بر غم واندوه ومصیبت بود وشنیدن آواز نای دلیل غم وتفکر بود واگر بیند که نای میزد دلیل که
در غم واندوه گرفتار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید نای زدن کسی باشد که خبر بمردم برساند ودر نای زدن
خیر نباشد **نبات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر نباتی که بوقت خود بیند که او را ساق نباشد دلیل بر خیر ومنفعت
کند وهر نباتی که او را ساق وپیشانی پیشاخ باشد دلیل بر افزونی مال ونعمت وجاه بقدر سبزی وکوتاهی و
بلندی وباریکی شاخهای وی بود واگر بیند که بر تن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بقدر آن خیر ومنفعت
یابد وهر چند نبات بیشتر بیند خیر ومنفعتش بیشتر باشد وچون بیند که بر چشم وگوش وزبان وی نبات برسته بود
دلیل که او را بزرگی زیادت گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید نبات زمین درخواب نعمت ومال بود
وخواسته مردم خاص وعام را واگر بیند که در زمینی که ملک او بود نبات بسیار رسته بود دلیل که بیننده

خواب دین دار و مسلمان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم منفعت و بزرگی و جاه سوم معیشت خوش چهارم زیادتی دولت

نبات جلاب

نبات جلاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نبات جلاب بخواب دیدن سخن خوش بود و چون بسیار بیند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بیند کسی نبات در دهان وی نهاد دلیل که از آنکس سخن خوش شنود یا وی را بوسه دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بخروار نبات داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات جلاب در خواب بر پنج وجه بود یکی سخن خوش دوم بوسه دادن سوم منفعت و مال چهارم فرزندان پنجم روزی حلال

نباش

نباش آنکس بود که کفن از مردگان بکند بدزدی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نباش شد اگر آن کس از اهل علم بود دلیل که علم را فروشد و طلب دنیای باطل باشد و عمر خود در آن ضایع و صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر نباشی بیند که کفن بسیار جمع کرد دلیل که مصلح شود و علم و حکمت حاصل کند و بعضی از معبران گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم ملامت و سرزنش یابد

نویسنده

نویسنده دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که چیزی می نویسد و نویسنده باشد دلیل که بمکر و حیلت مال کسی را بستاند و کار ناکردنی بکند و اگر بیند که از بهر پادشاه چیزی می نبشت دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر بیند که از بهر مردم عامی نبشت دل مردم بخود کشتن بمکر و حیلت گرم کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناگاه نویسنده شد دلیل که بمکر و حیلت روزی از مردمان بدست آرد و اگر مردی عالم باشد و بیند که نویسنده گی بسر کرد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که شعر و غزل و افسانه می نبشت دلیل که بشغل دنیا مشغول گردد و شغل آخرت فرو گذارد و اگر بیند که قرآن و توحید و دعوات می نبشت دلیل که خیر و منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه می نبشت و مدادش خون بود دلیل که قباله ربا نویسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر دبیری بخواب بیند که خط بهتری می نبشت اگر صالح بود دلیل که دین و دیانت او ضایع کرده و اگر فاسق بود تایب گردد و اگر بیند که بسرخی می نبشت دلیل بر عیش و عشرت دنیا کند و اگر بیند که بزردی می نبشت دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بسبزی می نبشت دلیل که نامش بخیر و خرمی در آن دیار منتشر گردد و اگر بیند که بزر و سیم می نبشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبشتن در خواب بر چهار وجه بود یکی خیر و منفعت دوم مال و نعمت سوم بمکر و حیلت چیزی حاصل کردن چهارم معزولی عمل

نبیذ

نبیذ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نبیذ در خواب مال حرام بود که بجنگ و خصومت بدست آید و اگر بیند که در نبیذ غرق شد دلیل که در فتنه عظیم افتد و اگر بیند که در خانه او نبیذ بسیار بود دلیل که بقدر آن از دهقانی بدو منفعت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نبیذ خورد و مست شد دلیل که خوفی و ترسی بدو رسد و اگر بیند که نبیذ با دیگران میخورد دلیل که بقدر آن که خورده بود

جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در جوئی یا در رودی نبیذ میرفت و او در میان او شنا میکرد دلیل که در
فتنه افتد و اگر بیند که پیاله نبیذ در دست او بود و ندیم او بستد دلیل که بسبب معیشت دنیا جنگ و خصومت کند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نبیذ بآب آمیخته بود و میخورد دلیل که مالی بدست او افتد که بعضی حلال و
بعضی حرام باشد و اگر بیند که نبیذ میفروخت دلیل که مال بر باد دهد و خوردن نبیذ والی دلیل بر عزل بود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید نبیذ در خواب بر سه وجه بود یکی تزویج پنهانی دوم مال حرام سوم نعمت انجهانی اگر
بیند که نبیذ میپالید دلیل که بسلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یابد **نخاسی** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که نخاسی میکرد دلیل که سخنهای محال گوید و سوگند دروغ خورد و نخاسی در خواب
هیچ فائده نبود **نخچیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نخچیر او را مطیع و رام شد دلیل که مهتر و بزرگ شود
و بعضی از معبران گویند که سالار دزدان شود و اگر بیند که نخچیر او را متابعت نکرد تاویلش بخلاف این بود و اگر
بیند که بصورت نخچیر شد دلیل که بددین شود و بباطل گراید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نخچیر بتله یا بدام
گرفت دلیل که بقدر نخچیر او را از مردی بیابانی بمکر و حیلت فایده رسد و اگر بیند که گوشت نخچیر میخورد دلیل که از مال
مردی بیابانی خزینه کند و اگر بیند که در میان نخچیران مقیم شد و از آن نخچیران او را گزند نرسید دلیل که
در میان گروهی بیابانی مقام سازد و از ایشان خیر و منفعت او را رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را
گزند رسد و منفعت نرسد و اگر بیند که نخچیران با وی سخن گفتند و وی را مطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود دلیل
که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یابد و اگر جاهل بود دلیل که کاری کند که مردم را از آن کار عجب آید **نخود**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نخود در خواب خواه تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود اگر کسی بخواب بیند
که نخود از کسی بستد و بخورد دلیل که بسبب کسی بدو غم و اندوه رسد و اگر بیند که نخود بخروار داشت دلیل
که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که نخود شوربا یا بگوشت پخته میخورد دلیل که غم و اندوهش کمتر بود
نرد باختن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نرد باختن در خواب باطل و فریب دنیا بود و اگر کسی
بخواب بیند که نرد می باخت و بخصم غلبه کرد دلیل که بسبب کاری باطل و فریب دنیا بر کسی غلبه کند و اگر بیند
که آنکس بر وی غالب آمد تاویلش بخلاف این بود **نردبان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر
نردبان بالا می شد و آن نردبان از گل و خشت بود دلیل بر خیر و صلاح بود و دین وی زیادت گردد و نیکوئی بدو
رسد و اگر نردبان از سنگ و آهک بود دلیل که سنگدل و بیرحم بود و اگر از چوب بود دلیل بر ضعف دین او بود و اگر بیند که بر
نردبان بالا شد اگر از آهک باشد دلیل که پادشاه شود و اگر نه آهک نباشد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از نردبان بزیر آمد تاویلش
بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نردبان بزیر افتاد دلیل که از جاه و بزرگی بیفتد و او را مضرت برسد

حضرت صادق رضی الله عنه گوید نردبان در خواب مرد مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر یابد و فاسق را منافق بود **نرگس** دانیال علیه السلام گوید نرگس در خواب مردی ظریف و خوبروی و لطیف بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نرگس در خواب سخن شیرین باشد و اگر زنی بیند که نرگس تازه فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی خوبروی آید و اگر شوهر ندارد دلیل که شوهری خوبروی کند و اگر بیند که نرگس از زمین بر کند دلیل که زن را طلاق دهد یا فرزندش بمیرد و اگر بیند که نرگس از درخت بر کند و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد و اگر زنی بیند که دسته نرگس بشوهر داد دلیل که شوهرش طلاق دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نرگس در خواب بر سه وجه بود یکی مرد ظریف و خوبروی دوم فرزند سوم دوستی که دوستی وی دیر پاید و اگر بیند که نرگس سبز بگرفت دلیل که احسان و نیکوئی کند و در خیر مشهور گردد و اگر بیند که نرگس بود و زیادت شد دلیل که عیالش زیادت گردد **نژم** بدانکه نژم میعاف را خوانند اگر بیند که نژم را فرا گرفت دلیل که بقدر آن ضلالت و گمراهی یابد در دین و اگر بیند که نژم بود و بروشنائی بدل شد دلیل که تایب گردد و اگر بیند که نژمش بود و با نژمش شد دلیل که منافق بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که نژم تاریک شد دلیل که غم و اندوه بود و کارهای شان بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و ناگاه نژم پدید آمد دلیل که مرگ مفاجات در آن دیار بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نژم در خواب بر چهار وجه بود یکی تاخیر دوم پوشیدن کارها سوم بدعت چهارم گمراهی اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نژم بروشنائی آمد دلیل که از درویشی بتوانگری آید و از بدعت ضلالت دور باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نژم در خواب خوب نباشد **نسرین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نسرین در خواب اگر بوقت خود بود دلیل که چیزی بوی رسد و نیز گویند که او را فرزندی آید و اگر نسرین از درخت دور باشد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کسی دسته نسرین بوی داد دلیل که در میان ایشان گفتگوی پیدا شود و اگر گل نسرین بر درخت بیند دلیل که خرمی بوی رسد و باشد که و یا باشد که از کسی چیزی اندک یابد **نشاسته** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نشاسته گندم در خواب مال حلال بود که از تجارت برنج بدست آید اگر بیند که نشاسته میخورد دلیل که اندوهگین شود و بعضی از معبران گفته اند که بمایه گردد و اگر بیند که از نشاسته حلوا کرد و بخورد دلیل که مال و نعمت بدست آورد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از گندم نشاسته میکرد دلیل که از کسب خود برنج و سختی چیزی حاصل کند **نشستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر زمین مقیم نشسته بود و قرار گرفته بود دلیل که در سفر کارش نیکو شود و اگر بیند که بسیار خفته بود همین تاویل دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نشستن بر اسپ یا بر استر یا بر خر دلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم مرتبت چهارم فرمانروائی و نشستن بر باد دلیل بر پادشاهی کند چنانکه باد مطیع او باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم مصلح میرفت و در راه بنشست دلیل که هوا دهد و مخالف دین بود چنانکه

خدا تعالی در کلام مجید فرموده قوله تعالی فرح المخلفون بمقعدهم ۔ اگر بیند که مخالف دین بود و معرفت و در راه بنشست تاویلش بخلاف این بود اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند که با گروهی مصلحان و پارسایان نشسته بود دلیل که خیر و صلاح او زیادت گردد و اگر بیند که با فاسقان نشسته بود تاویلش بخلاف این بود **نعل** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید نعل در خواب مال بود و از هر سببی که بدو رسد و اگر بیند که نعل استر داشت دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که نعل خران داشت دلیل که بقدر آن مال از بزرگان حاصل کند و اگر بیند که نعل بندی میکرد چهار پایان خود را دلیل که بسفر رود و نعلبند کسی بود که میان مردم دوستی جوید **نعلین** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند که دوال نعلین بشکست دلیل که روز گاری در سفر باز ماند و اگر بیند که نعلین او سوراخ داشت دلیل که بسبب کاری از سفر باز ماند و رنج کشد و اگر بیند که نعلین او سبز بود دلیل که سفرش از برای آخرت باشد و اگر بیند که نعلین نداشت و بدان سبب از سفر باز ماند دلیل که کنیزکی یابد مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که نعلین او سیاه بود دلیل که آن زن مالدار باشد و اگر سرخ بود زن معاشر بود و طرب دوست دارد و اگر بیند که نعلین او سفید بود دلیل که آن زن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر بیند که نعلین او ملون بود و این صفتهای که گفتیم از هر یکی برخی در وی بود و اگر بیند که نعلین او از پوست گاو بند داشت دلیل که آن زن اصل عجم باشد و اگر بیند که بند نعلین او از پوست اشتر بود دلیل که از اصل عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلین او بیفتاد و ضایع شد احتیاط کند و آن نعلین از پوست چه بود اگر از پوست اشتر بود دلیل که زنش بیمار شود اسمعیل اشعث رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که نعلین او ببرید همین تاویل دارد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید نعلین در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم زن سوم کنیزک **نعناع** پودینه ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید نعناع در خواب غم و اندوه بود و اگر کسی بخواب بیند که در زمین ملک او نعناع بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که نعناع میخورد دلیل که اندوهش بیشتر بود و اگر بیند که نعناع در زمین دیگران بود دلیل که خداوند زمین را غم و اندوه بود و اگر بیند که نعناع از زمین خود برکند و بینداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **نفت** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید نفت در خواب زنی نابکار بود و اگر زنی بخواب بیند که نفت در خود مالید دلیل که با زنی نابکار جمع شود و بعضی از معبران گفته اند که چیزی حرام خورد و اگر بیند که نفت بسیار داشت دلیل که مال حرام جمع کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید نفت در خواب بر سه وجه بود یکی زن نابکار دوم مرد غماز عوان سوم مال حرام **نفرین** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر کسی بخواب بیند که بر ظالمی نفرین میکرد دلیل که بر آن ظالم ظفر یابد و اگر بیند که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که بناحق بیگناهی را نفرین میکرد دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که مردی را بناحق نفرین کرد دلیل که کار او بند شود و بعضی از معبران گویند که نفرین بناحق در خواب بخداوند خواب باز گردد

خواب بازکرده و اگر نفرین بحق کند تا وبلیش بر آنکس باشد که او را نفرین کند و مرد مصلح را زود تر اثر کند از مفسد و مفسد
اگر نفرین بحق یا ناحق کند بخصم باز کردد **نقاد** در خواب عالم و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کننده هر چیز است ،
بهترین باشد ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر بیند که کسی و بیند ار صالح نقاد شد دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل
کند و اگر خواستکار دنیا بود دلیل که از بهر خود شرف و بزرکی حاصل کند و مال دنیا اختیار کند مغربی رحمة الله علیه کوید
نقاد در خواب مرد عاقل و متمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد و در میان مصلح و مفسد جعفر صادق رضی الله عنه کوید
نقاد در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دانا دوم حکیم سوم خردمند چهارم دریابنده کار **نقره** دلیل بر زنان آزاد
کند ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کسی بخواب بیند که نقره از کار خود فرا کرفت دلیل که از آن موضع و ولایت که او بود زنی
را بزنی کند زیرا که نقره جوهر زنان باشد و اگر بیند در مغاکی که معدن نقره بود در ون شد و از آن جا نقره بیرون آورد
دلیل که بقدر آن مال حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه کوید اگر بیند که نقره بسیار داشت دلیل که او را فرزندی آید
جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن نقره در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم مال چهارم معیشت
نقصان ابن سیرین رحمة الله علیه کوید اگر کسی بخواب بیند که در تن او نقصان بود دلیل که بقدر آن مالش نقصان
شود مگر نقصان زنان که در آن صلاح بود چنانکه در باب زنان فرموده در حرف زا یاد کردیم کرمانی رحمة الله علیه کوید
اگر بیند که مال و خواسته او چیزی نقصان شد دلیل که متفکر شود اما او را مضرت برسد **نگارگری** ابن سیرین
رحمة الله علیه کوید اگر کسی بخواب بیند که نگارگری میکرد بر سقف و دیوارهای خانه دلیل که او دوستدار دنیا و فریفته
و مغرور بدنیا باشد کرمانی رحمة الله علیه کوید نگارگری و صورتگری در خواب کار باطل و ناحق بود چنانکه خداوند
تعالی جل وعلا فرموده قوله تعالی ما هذه التماثیل التی انتم لها عاکفون مغربی رحمة الله علیه کوید نگارگری
در خواب فریفته باشد بدنیا و راه راست کذاشته و راه باطل کرفته باشد اسمعیل اشعث رح کوید اگر بیند که دستهای
خود را بسیاهی خضاب و نگار میکرد دلیل که در کسب دنیا خداوند مکر و حیلت بود جعفر صادق رضی الله عنه کوید نگارگری در خواب
بر چهار وجه بود یکی آرایش دنیا دوم کار باطل سوم مکر و حیلت چهارم فریب و دروغ **نگین انگشتری**
ابن سیرین رحمة الله علیه کوید نگین انگشتری در خواب شرف و بزرگی و مال بود و بعضی گفته اند که فرزند باشد و اگر
بیند که نگین انگشتری او ضایع شد دلیل که در بزرگی و جاه او نقصان پدید آید و یا فرزندش بمیرد و اگر بیند که نگین
انگشتری بشکست همین دلیل کند و اگر بیند که ناگاه نگینی بر انگشتری او ظاهر شد دلیل که بقدر و قیمت آن نگین
نعمت یابد مغربی رحمة الله علیه کوید نگین و تاج پادشاهان را ولایت بود و زنان را شوی و عام را جاه و نیکوئی
جعفر صادق رضی الله عنه کوید دیدن نگین انگشتری در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم مال سوم
ولایت چهارم عیش پنجم فرزند ششم بزرگی هفتم مال و نعمت هشتم عمل **نماز** ابن سیرین رحمة الله

علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در نماز روی جانب مشرق میکرد دلیل که بحج رود واگر محل حج نباشد میلش بر جانب
ترسایان باشد واگر بیند که بر جانب مغرب نماز میکرد و میل سوی قبله داشت دلیل که دین اسلام پس پشت انداخته
باشد واگر بیند که براه نماز میگذارد و پشت سوی قبله داشت دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد توبه باید کرد واگر
بیند که نماز گذارد و نداند که قبله کدام است دلیل که در راه دین متحیر بود واگر نمازی سوی قبله گذارد دلیل که در راه
دین مستقیم شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قومی را امامت میکرد دلیل که بقدر جماعتی که ماموم وی بود مهتری
یابد واگر بیند که وقت نماز درگذشت و جای پاکیزه نیافت که نماز بگذارد دلیل که کارش بدشواری بر آید واگر بیند که
نماز قطع کرد و نماز نگذارد یا نماز بی وضو گذارد دلیل که در طلبیکه باشد آن مطلب میسرش نگردد واگر بیند که در مسجدی یا
در مدرسه امامت میکرد دلیل که پادشاه آن دیار مطیع وی شود واگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود واگر
بیند که در نماز رکوع و سجود تمام بجای آورد دلیل که کار دین و دنیای وی نیکو گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که نماز پیشین بوقت میگذارد و آسمان روشن و پاکیزه بود دلیل که رفع درجات وی بحضرت حقتعالیٰ باشد واگر
آسمان تیره و ابرناک بود دلیل بر غم و اندوه بود واگر بیند که نماز میگذارد دلیل بر امیدیکه دارد بر آید واگر بیند که فریضه
شام میگذارد دلیل که با اهل و عیال خود معامله کند و از آن شاد و خرّم گردد واگر بیند که نماز صبح میگذارد دلیل که
بسفر رود واگر این خواب فی بیند حالیش نشود واگر بیند که بی وضو نماز میگذارد دلیل که بیمار شود واگر بیند که فریضه عشا میگذارد
دلیل که ایمن شود و بر دشمن ظفر یابد واگر بیند که در باغ نماز میگذارد دلیل که از گناه توبه کند واگر بیند که در کشتها
نماز میگذارد دلیل که وامش گذارده شود واگر بیند که بجای نمازی نبود و نماز گذارد دلیل که مفسد و بدکردار باشد
واگر بیند که نماز کرد و روی بصحرا نهاد دلیل که بزیارت تربت مبارک حضرت رسول صلّی الله علیه وسلّم بکند واگر بیند که در
کعبه نماز گذارد دلیل که کارش از خلیفه بنظام شود چنانکه خاطر وی خواهد واگر بیند که بعد از نماز سجده کرد دلیل که بر
مردی بزرگوار محتشم ظفر یابد و بروی مسلّط شود واگر بیند که بجز خدایتعالیٰ کسی را سجده میکرد دلیل که مرادش حاصل نشود
واگر بیند که بر سر دیواری سجده میکرد دلیل که با وی بزرگان رنج و خواری رسد واگر بیند که نماز میگذارد و انگبین میخورد دلیل که
با عیال خود نزدیکی کند واگر بیند که در نماز تحیات نشسته بود دلیل که از غم فرج یابد و حاجتش روا گردد واگر بیند که سلام نماز
اوّل بدست چپ داد دلیل که احوالش شوریده شود واگر بیند که نماز نشسته میگذارد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی گویند

عذری گوید که از وی بند برید واگر بیند که در نماز خود را دعا کرد دلیل که ویرا فرزند آید قوله تعالیٰ اذ نادیٰ ربه نداءً
خفیّاً اگر بیند که در تنهایی نماز گذارد دلیل که از غمها فرج یابد واگر بیند که نماز شب میگذارد دلیل که از همه ترسا ایمن گردد و نعمت و
بزرگی و فرمان روائی یابد واگر بیند که نماز بر پهلوی میگذارد دلیل که بیمار گردد واگر بیند که نماز جمعه میگذارد دلیل که
در سفر رود و روزی حلال یابد واگر بیند که در بیت المقدس نماز میگذارد دلیل که میراث یابد و در روزی بروی

فراخ کردد واگر بیند که در کعبه نماز میگذارد یا در بام کعبه دلیل که روی بکعبه آورد و عاقبت کارش بخیر گردد حافظ
معبّر رحمة الله علیه گوید نماز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فریضه دوم سنّت سوم تطوع و اگر بیند که نماز فریضه
میگذارد دلیل که حق سبحانه وتعالی جلّ وعلا او را حج روزی گرداند و از فواحش نگاهدارد قوله تعالی ان الصّلوٰة
تنهیٰ عن الفحشاءِ والمنکر واگر بیند که نماز سنّت میگذارد دلیل بر صبر کردن کارها و آشکارا شدن نام نیکو و شفقت
بر خلق بود واگر بیند که نماز تطوع میگذارد دلیل بر گرامی داشتن عیال وسعی کردن در کارهای دوستان و مروّت
کردن با هر کسی بود واگر بیند که بر ستور نماز میگذارد دلیل که او را همی عظیم رسد واگر بیند که در کارخانه یا دکانی نماز
میگذارد دلیل که حق تعالی در کار و کسب برکت کند واگر بیند که نماز آدینه گذارد دلیل که کاره می جمع گردد خالد
اصفهانی رحمة الله علیه گوید رکوع و سجود در خواب بحضرت باریتعالی عزّوجل دلیل تقرب بود قوله تعالے
کلّا لا تطعه واسجد واقترب ومعبّران گفته اند اگر بیند که در نماز رکوع نکرد دلیل که زکوٰة مال ندهد واگر بیند
که نماز بجای آورد دلیل که ایزد تبارک وتعالی عبادت او پذیرفته گرداند و دعای مستجاب کند و بروی رحمت
کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نماز گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی ایمنی دوم شادی سوم عزّ وجاه
چهارم مرتبت پنجم رستگاری ششم مراد یافتن هفتم نقصان در قضا و هم او گوید که رکوع و سجود در خواب بر پنج وجه بود یکی مراد
یافتن دوم دولت سوم نصرت چهارم ظفر یافتن پنجم امر حق تعالی بجای آوردن قوله تعالی یا ایّها الّذین اٰمنوا ارکعوا
واسجدوا واعبدوا ربّکم وافعلوا الخیرات لعلکم تفلحون واگر بیند که بر مرده نماز گذارد دلیل که او را دعا و ثنا
گوید واگر بیند که نماز تمام نگذارد تاویلش بخلاف این بود

نمد

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نمدی سپید
و پاکیزه داشت دلیل که مال حلال یابد واگر نمد چرکین بیند در آن هیچ منفعت نباشد واگر بیند که نمد بسیار داشت دلیل که
بقدر آن از کسب خود مال حاصل کند واگر بیند که نمدها بسوخت دلیل که مال بفساد تلف کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که بر تن خود جامهٔ از نمد سپید داشت دلیل که زنی توانگر خواهد یا کنیزکی دوشیزه بخرد واگر بیند که نمد از پشم اشتر
بود دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نمد داشت و از و ضایع شد دلیل که در مالش نقصان
شود و نمد در خواب مردی بود که بحلال گراید و از حرام پرهیز نماید

نمک

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نمک در خواب
درم نقد و کاری نیکو کردن بود واگر کسی بخواب بیند که نمک سپید داشت دلیل که بقدر آن درم نقد حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که نمک خورد دلیل که راه زهد گیرد و کار خیر کند و نمک چرکین سیاه دلیل جنگ وخصومت بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید نمک در خواب بر پنج وجه بود یکی درم نقد دوم آبروی سوم نیکوئی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو
و نمک ناخوش در خواب بر چهار وجه بود یکی درم بی بهره دوم سخنهای ناخوش سوم غم و اندوه چهارم
خورسندی

نمک سود

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت نمک سود فربه

نهنگ
نو دیدن
نوحه کردن
نوشادر
نیرومند
نیزه

بوده خورد دلیل که نعمت و روزی بود و میراث یابد و اگر نمک سود لاغر بود دلیل که زیانی بدو رسد و هر چند که
شورتر بود و لاغرتر بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن در خواب دلیل بر غیبت کردن بود مغربی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که گوشت قدید است و لاغر بود دلیل که از مردم پادشاه او را زیان رسد و اگر گوشت اشتر لاغر بود
دلیل که از مهتری مضرت یابد و اگر نمک سود از گوشت چهارپایان دشتی میخورد و لاغر بود دلیل که از مردم بیابانی مضرت
بیند فی الجمله در گوشت لاغر منفعت نباشد **نهنگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نهنگ در خواب دزد باشد
ستمکار و ستیزنده بود اگر کسی بخواب بیند که نهنگ او را سوی آب کشید و غرق شد دلیل که در آب هلاک شود و اگر
بیند که نهنگ او را بگزید دلیل که بقدر گزند او را از دشمن مضرت رسد و زحمت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آب
او را فرو برد دلیل که ماهیان او را هلاک کنند و اگر بیند که نهنگ بر وی غالب شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که
گوشت یا پوست یا استخوان نهنگ داشت دلیل که از دشمن مضرت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نهنگ
او را در آب کشید دلیل که در دست دشمن شهید شود **نو دیدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چیز که نو
باشد پسندیده بود دلیل بر خیر و خرمی بود و کهنه را در حرف کاف بیان کردیم **نوحه کردن** ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نوحه میکرد دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد و مردمان شهر از آن موضع متفرق شوند
و اگر بیند که والی آن شهر بمرد و مردم بر وی نوحه میکردند دلیل که ایشان را از آن والی رنج و ستم رسد و بعضی از معبران
گویند که والی را خرمی باشد و اگر بیند که با نوحه میگریستند دلیل که بر ایشان بیداد و ستم کنند و از بیداد وی غمگین و مستمند
شوند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود و از وی مضرتش رسد
و اگر بیند که میگریست و آهسته نوحه میکرد دلیل خرمی و شادی بود و اگر بیند که با زنان مردمان بسیار بودند و نوحه
بآواز میکرد دلیل که بسبب پادشاه در آن موضع غم و اندوه رسد **نوشادر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
نوشادر در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نوشادر داشت دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که نوشادر میخورد دلیل که
غم و اندوه صعبتر بود **نیرومند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نیرومندتر از آن شد که در بیداری بود دلیل
بر نیکوئی احوال او در دنیا و آخرت بود و اگر مصلح بود و اگر مفسد بیند تاویلش بخلاف این باشد **نیزه** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نیزه و صلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و کامرانی یابد چنانکه
در ولایتها فرمانش روا گردد و اگر بیند که بغیر نیزه هیچ سلاحی نداشت دلیل که او را فرزندی یا برادری آید
و اگر بیند که نیزه بشکست دلیل که فرزندش یا برادرش بمیرد و اگر بیند که نیزه او کسی ببرد دلیل که کار وی
دشوار گردد و اگر بیند که کسی او را نیزه زد و زخمی کرد دلیل که غیبت مردم گوید و نیزه در خواب دلیل قوت و
ظفر یافتن بر مردم بود و اگر بیند که سر نیزه در دست داشت دلیل که او را با مردی غریب نیکوکار صحبت افتد

واز وی خیر ومنفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نیزه در خواب بر هشت وجه بود یکی قوت دوم سفر سوم
ولایت چهارم زن پنجم فرزند ششم ایمنی هفتم توانائی هشتم راستی بمقدار نیزه و نیزه کر در خواب مردی بود که
با مردمان یاری کند واز وی بهرکس قوت رسد **نبشتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که می نبشت یا کسی بوی می آموخت دلیل که دانش بیاموزد واگر بیند که چیزی می نبشت دلیل بر شر و فساد بود واگر
بیند که از قرآن واحادیث و توحید و دعوات می نبشت دلیل بر خیر وصلاح بود واگر چیزی از شعر وغزل می نبشت
دلیل بر شر بود **نیشکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نیشکر می مکید دلیل که بکاری مشغول گردد که در آن
کار وی را بقدر مکیدن گفتگوی وخصومت باشد اگر بیند که نیشکر بکسی داد دلیل که از گفتگوی خلاصی یابد **نیکو کردن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نیکی کردن در خواب قوت و بزرگواری در دین بود بدان قدر که نیکی کند رستگاری
یابد از عذاب آخرت خاصه که مؤمن و پارسا بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با او مردی نیکوئی کرد واو خوار داشت
دلیل که در همه کارها ناسپاس بود قوله تعالی ولا تنسوا الفضل بینکم ان الله بما تعملون بصیر اگر بیند که
نیکی با اهل شرک کرد دلیل که مال خود تصرف بهر کسانیکه حاجت وی را خیر و جهانی حاصل کرد **نیل** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید دیدن نیل در خواب غم واندوه بود واگر بیند که نیل داشت دلیل که بقدر آن اورا غم واندوه بود
واگر بیند که نیل بکسی داد یا از وی ضایع شد دلیل که از غم واندوه رسته گردد واگر بیند که جامه خود را به نیل رنگ
کرده بود دلیل که او را غم واندوه رسد و دلیل بر مصیبت از سبب خویشان و دوستان بود واگر بیند که نیل بخورد
دلیل که درد یا آفتی بوی رسد **نیلوفر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب نیلوفر بجای خود بوقت خود
بر درخت بیند دلیل که از کسی چیزی بوی رسد یا اورا فرزندی صالح آید وچون از درخت جدا بود دلیل بر غم واندوه بود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که نیلوفر از درخت بشکست و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد واگر بیند که دو دستی
دسته نیلوفر بدو داد دلیل که میان ایشان جدائی افتد دانیال علیه السلام گوید درخت نیلوفر در خواب دلیل بر کنیزکی بود
که از وی اورا زیان رسد **حرف الواو** **واشه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چون واشه را مطیع
وفرمان بردار خود بیند چنان که از دست برود و بانگ کند اورا باز آید دلیل بر مال حلال بود و
منزلت خداوندش بود واگر بیند که واشه سپید و پاکیزه بود که بر دستش نشسته بود و مطیع او بود
دلیل که از مردی بزرگ قدر و جاه و منزلت یابد واگر بیند که واشه بپرید و رشته در دست وی
بماند دلیل که قدر و منزلتش زایل گردد مغربی رحمة الله علیه گوید واشه در خواب پادشاهان را
ملک و بزرگواری بود و توانگران را مال باشد و درویشان را فرزند بود واگر بیند که واشه از دستش
بیفتاد و بمرد اگر صاحب خواب پادشاه بود دلیل که از ملک بیفتد واگر امیر بود یا سروری بود دلیل که

نشستن
نیشکر
نیکو کردن
نیل
نیلوفر
واشه

از جاه و منزلت بیفتد واگر توانگر بیند درویش گردد واگر درویش بیند فرزندش بمیرد و بعضی معبران گویند که
واشه مردی بی‌شرم بود واگر بیند که گوشت واشه میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد واگر بیند که واشه بسیار
در جائی جمع شدند دلیل که عیاران در آن موضع جمع شوند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن واشه در
خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان روائی سوم مال چهارم منفعت **والی** کارداری
و فرمان روائی بود واگر بیند که کارداری از تخت بیفتاد یا تخت او بشکست یا کسی از وی شمشیر بستد یا سرای
او خراب گشت یا در دامی گرفتار شد و کشته شد یا چهار پائے بسر آمد و بیفتاد یا کسی او را بیفکند این همه دلیل
بر آنکه از شرف و بزرگی بیفتد و معزول گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کارداری بیند که دستارش با
دستار کسی پیوست دلیل که بزرگی و سیرت نیکو بروی پاینده بماند واگر بیند که بندی بر پای اوست دلیل که شرف و
بزرگی او زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاردار شد و در عمل خود منصف و دیندار بود
چنانکه مردم از وی خوشنود بودند دلیل که خیر و صلاح یابد واگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فساد بود خاصه که
بیننده مفسد و ناپارسا بود **وحوش** چهار پایان دشتی باشد هر چند از ایشان نر بود دلیل بر مردان کند
و هر چند ماده بود دلیل بر زنان بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وحوش صید میکرد یا کسی از وحوش
صید بدو داد دلیل بر مال و نعمت و غنیمت بود و گوشت و پوست او همین دلیل بود کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که وحوش مطیع و فرمان بردار او شدند چنانکه سلیمان علیه السلام را بودند دلیل که گروهی ایشان را که در
مسلمانی خلل بود او را مطیع و فرمان بردار شوند خاصه که بیننده خواب مستور بود **وریخ** در حرف سین بیان
کردیم **ورونه** و تبوک نان هر دو در خواب انباز متفق بیکدیگر بود ند اگر بیند که ورونه و تبوک نان کسی بوی
داد دلیل که او را انباز که گفتیم حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ورونه داشت دلیل که با کسی صحبت کند
که او را راه حق نماید و از باطل دور کند و اگر بیند که ورونه او بشکست دلیل که از صحبت این چنین کسی جدا افتد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن ورونه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق در کارها دوم انبازی که طلب کند در معیشت سوم کار دشوار که بروی
آسان گردد **ورده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر دست دشمن ورده شده است دلیل که بر دشمن
غالب گردد و او را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ورده میفروخت چون غلام و کنیزک دلیل که او را خیر و منفعت رسد
واگر بیند که ورده از کافران بستد و یا بخرید دلیل بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر برده غلام بود که خرید دلیل
که بد باشد واگر فروخت دلیل که نیک باشد واگر غلامیکه فروخته بود باز خرید دلیل که بر دشمن ظفر یابد
واگر بیند که ورده داشت و از وی بگریخت اگر غلام بود دلیل نیک باشد واگر کنیزک بود دلیل بد باشد
و نقصان مال بود و برده فروش مردی بود که اختیار مردمان جوید **ورسان** جانوری بود که خراسان آنرا

والی
وحوش
وریخ
ورونه
ورده
ورسان

کبوتر خوانند دیدن وی در خواب زن و کنیزک بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کبوتر
ورسان بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد واگر بیند که ورسان بخرید اگر از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق
دهد یا کنیزک فروشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ورسان را بکشت و گوشت او را بخورد دلیل که بقدر آن مال زن
بستم بستاند واگر بیند که ورسان بسیار داشت دلیل که کنیزک بسیار بخرد و نیز قانوی خوانند جعفر صادق رضی
الله عنه گوید دیدن قانوی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم معیشت سوم غم و اندوه **وزغ**

وزغ

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید وزغ در خواب مردی زاهد و عابد بود واگر کسی بخواب بیند که وزغی بگرفت دلیل که
با مردی بدین صفت مصاحب شود واگر بیند که با وزغ نبرد کرد دلیل که با چنین مردی خصومت کند واگر بیند که وزغ
بسیار در جائی جمع شدند و فریاد میکردند دلیل که در آن موضع عذاب خدای تعالی فرا رسد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که وزغ را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل که مردی زاهد را قهر کند و بقدر آن مال او بستاند و خزینه
کند واگر بیند که وزغ او را بگزید دلیل که از مردی زاهد وی را رنج رسد واگر بیند که وزغی را از آب بگرفت و بر خشک
انداخت دلیل که زاهد را از کار باز دارد و مضرت رساند **وزیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وزیر

وزیر

پادشاه را کار نیکو بود دلیل که آن وزیر را کار نیکو شود و دولتش زیادت شود واگر بخلاف این بیند تاویلش بد بود واگر کسی
بیند که وزیر شده منصف و دادگر بود دلیل که بقدر عدل و انصاف خویش شرف و بزرگی یابد واگر بیند که در زیر بساط بگستر دلیل که
جاه و نعمت و مال بروی فراخ گردد و عمرش دراز بود واگر بیند که وزیر وی را خلعت و کلاه داد دلیل که مردم وی را والی
گردانند واگر بیند که وزیر در سرای او آمد دلیل که او را بسبب پادشاه غم و اندوه رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که با وزیر طعام خورد دلیل که از وی شرف و بزرگی یابد واگر بیند که خانه وزیر افتاده بود یا بیمار بود یا پادشاه او را
معزول کرده بود یا اسپ او را بیفکند یا گاوی او را بیرون زد این همه دلیل بر عزل وی بود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بیند که چشم آفتاب و ماهتاب گشته بود دوم آنکه چون
بیند که چشم او و دجله بغداد گشته بود سوم آنکه چون بیند که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه از چهار یاران
رسول الله صلی الله علیه وسلم یکی تاجی بر سر او نهاد این همه دلیل بر یافتن وزارت کند. **وسمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

وسمه

وسمه در خواب غم و اندوه بود واگر بیند که زمینی داشت و در آن زمین وسمه بسیار بود دلیل که در غم و اندوه بود
واگر بیند که وسمها از زمین بر کند و بینداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد واگر بیند که وسمه میخورد دلیل که بسبب
عیال در رنج و محنت افتد واگر کسی بیند که دسته وسمه بدو دادند دلیل که میان ایشان خصومت افتد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دسته وسمه بدست عیال خود داد دلیل که از یکدیگر جدا گردند و در دیدن
وسمه خیر نباشد **وشته** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید وشته در خواب غم و اندوه بود واگر بیند که

وشته

وشه بر دارد اشت دلیل که غم و اندوه زیادت گردد و اگر وشه بکسی داد دلیل که از غم و اندوه خلاص شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی به وشه دوشانید دلیل که کار پراگنده او جمع شود و اگر بیند که وشه می خائید دلیل که غیبت مردم بسیار گوید **وضوی نماز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست و روی بآب صافی بشست دلیل که کاری جوید که تمام کار بیابد و مقصودش حاصل گردد و اگر بیند که بآب پلید روی می شست تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست و روی خود را می شست دلیل که از بهر یاران خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی شست دلیل که مرادش حاصل شود **وکیل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود دلیل که خیر و اقبال دنیا یابد و اگر وکیل قاضی شد همین تاویل دارد و اگر در شغل وکالت منصف بود و اوکر نبود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر وکیل بیند که منیب را بنواخت دلیل که او را با مردی سخن لطیف گفته شود و اگر منیب را کشاده روی بیند دلیل که او را از منیب منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بد بود **واری** علت جذام بود و بیدن او درخواب مالی بود که بوی رسد خاصه که در تن آبله سفید بیند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در تنش واری بسیار شده بود دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از معبران گفته اند که او را معروف کرداند جعفر صادق رضی الله عنه گوید واری درخواب درویش را توانگری و نعمت بود و توانگر را ایستادن از گناه و اگر بیند که چنان شد که همه انگشتان افتاده بودند دلیل که کارهای نیکو کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود **ویرانی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که ویرانی خانه و دکان و آنچه بدین ماند دلیل گمراهی بود در دین و اگر بیند که ویرانه آبادان میکرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بیند که ویرانه کهنه آبادان میکرد دلیل بر صلاح کار خداوندش بود و بیننده از گمراهی براه صلاح آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ویرانی از کردار خالق است دلیل که بیننده را نفع بود و اگر از کردار مخلوق است تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مدرسه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کار وی باشد ٭

حرف الهاء

هاون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هاون و دسته هر دو شریک باشند که ایشان را از یکدیگر ناگزیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند و فایده رسانند و اگر از ایشان یکی بیند فایده نباشد و اگر بیند که در هاون چیزی می کوفت و آن چیز خوردنی بود دلیل که بقدر و قیمت آن او را برنج و سختی نفع رسد و اگر آن چیز دارو بود و اگر داروی امساک بود دلیل بر زیادتی مال بود مغربی رحمة الله علیه

گوید اگر آنچه در هاون میکوفت شیرین بود دلیل که بر رنج و سختی فایده یابد و اگر تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر
جواهرها بود که در هاون میکوفت و می سود دلیل که بقدر آن منفعت بیند و عاقبت مال خود تلف کند **هباء**
بدانکه گرد و ذره آفتاب بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هبا در خواب سخن باطل و کردارهای پراکنده بود که
دران خیر و منفعت نباشد چنانکه حق تعالی در کلام مجید فرموده است وجعلناه هباء منثورا جابر مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هبائی سرخ در هوا پدید آمد دلیل که در آن دیار بیمار شوند و اگر سیاه بود دلیل بر
مصیبت بود و اگر سفید بود دلیل که هیچ غم نباشد **هدهد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هدهد در خواب مردی
زیرک و دانا بود که از کار نهانی مردم خبر دهد و اگر بیند که هدهد بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی دانا و بزرگ
بدین صفت که گفتیم او را صحبت افتد و از وی فرهنگی حاصل کند و اگر بیند که هدهد را بکشت دلیل که بر مردی دانا
و بزرگ ظفر یابد و بر وی قهر کند و اگر بیند که گوشت وی بخورد دلیل که بقدر آن مال از مردم از عملش حاصل
کند کرمانی رح گوید هدهد بخواب دیدن صاحب خبر بود یا رسول نیک بود و اگر بیند که هدهد با وی سخن گفت دلیل
که از اهل یکی را قهر کند جعفر صادق رضی الله عنه فرماید دیدن هدهد در خواب بر چهار وجه بود یکی خبر خوش که بشنود
دوم بزرگی سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم در آن کار که باشد زیرک و دانا باشد چنانکه حق تعالی فرمود
هدیه مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یکی هدیه بکسی داد اگر آن هدیه چیزی نیکو باشد که لایق و پسندیده هر دو
بود دلیل که هر دو را منفعت بود و اگر چیزی نیکو نبود دلیل که هر دو را از یکدیگر منفعت نبود بلکه شر و فساد
بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که چیزی او را هدیه دادند که آن چیز را دوست دارد دلیل
بر خیر و صلاح بود و اگر آنچیز دوست ندارد دلیل بر شر و فساد بود و اگر بیند که مردی پیر یا زنی پیر او را هدیه دادند
دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر مردی جوان یا زنی جوان هدیه دید تاویلش بخلاف این بود **هریسه** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که هریسه میخورد دلیل که بقدر آن خیر و منفعت بدو رسد و حاجت وی روا
شود و بعضی از معبران گفته اند که او را فرزندی آید که چشم او بدان فرزند روشن شود زیرا که حضرت رسول الله صلی الله علیه
سلم فرمود که الهریسة اطعمة الجنة مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن هریسه در خواب دلیل بر اندیشه بود
از جهت اعمال جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر هریسه بگوشت گوسپند فربه بود دلیل بر خیر و منفعت بود
و آنچه بگوشت غلیظ باشد و بطعم ناخوش بود دلیل که بقدر آن او را مضرت رسد **هزار داستان**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هزار داستان در خواب فرزند خوش آواز و خوب سخن بود و الا ضعیف احوال
باشد و خداوند علم و ادب و فرهنگ بود و بنزدیک مردمان محبوب باشد و اگر بیند که او را هزار داستان عطا دادند دلیل که
او را فرزندی بدین صفت آید و اگر بیند که هزار داستانی از باغ بگرفت دلیل که او را با مردمان نیک خلق و خوب سخن پیوستگی

شود کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید هزاردستان در خواب زن خوش آواز بود و اگر بیند که هزاردستانی بخرید دلیل که کنیزک خوش آواز و مطربه بخرد و اگر بیند که هزاردستان از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد یا کنیزک وی بمیرد یا بگریزد جابر مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید هزاردستان در خواب فرزند و غلام بود و سخن شیرین و شنیدن آواز خوش بود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید هزاردستان در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی زن دوم فرزند غلام سوم قاضی چهارم حکیم پنجم غلام **هلیله** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید هلیله کابلی در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و هلیله زرد دلیل بر بیماری بود و هلیله سیاه دلیل بر مصیبت بود و اگر بیند که یکنوع از این هلیله میخورد دلیل که اندوهش صعبتر باشد و اگر بیند که از این هلیلها یکی با شکر یا با انگبین میخورد دلیل که اندوهش کمتر باشد و در دیدن هلیله هیچ منفعت نبود **همای** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید همای در خواب دولت و عزت و بزرگی و ظفر باشد و اگر بیند که همای داشت دلیل که بقدر همای عز و دولت یابد و اگر بیند که همای از دست او بپرید دلیل که در جاه و حرمتش نقصان شود کرمانی رح گوید همای در خواب پادشاه بود یا رئیس یا مردم بزرگوار و اگر بیند که همای را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که بر مردی بزرگوار قهر کند و مال وی بستاند و بخورد و اگر بیند که همای داشت دلیل از این کسان که گفته شد خیر و منفعت یابد و اگر بیند که همای را به تیر یا بسنگ زد دلیل که از پس مردم چنین سخن بد گوید و اگر بیند که همای او را بخراشید دلیل که از این کسان او را مضرت رسد جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن همای در خواب بر هفت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سوم مرد بزرگوار چهارم دولت پنجم بزرگی ششم فرمانروائی هفتم عز و اقبال **هوا** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند که هوا روشن و صافی بود دلیل که مردم آن دیار را تندرستی و معیشت نیکو و راحت بود و علما و اهل حکمت را دولت و اقبال زیادت شود و اگر بیند که هوا تاریک و تیره بود دلیل که اهل آن دیار را غم و اندوه بود و اگر بیند که هوا سرخ رنگ بود دلیل که در آن دیار جنگ و فتنه بود و اگر بیند که هوا سبز بود دلیل که در آن دیار کشت و غله و نبات زمین بسیار پیدا شود و اگر بیند که سپید و پاکیزه شد دلیل که بقدر آن اهل آن دیار را نعمت و فراخی کسب و معیشت بسیار بود کرمانی رح گوید اگر بیند که هوا از گرد پاک بود و باد سخت می جست دلیل که پادشاه بیگانه در آن دیار آید و رنج و زحمت بر ایشان رساند و اگر بیند که برخی از هوا بر سر شهری یا محلتی روشن و صافی گشت دلیل که در آن سال اهل آن موضع را نعمت و فراخی و خیر و منفعت رسد و اگر بیند که هوا مختلف بود دلیل که اهل آن دیار را حال پراکنده شود جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید دیدن هوا در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم منفعت سوم تندرستی چهارم ایمنی پنجم معیشت و این پنج وجه دلیل بر هوای روشن و صافی بود **هوام** بدانکه هوام جنبیدگان بی زهره بود ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید تاویل هوام جنبیدگان باشند بقدر و قیمت و صلاح ایشان باشد زیرا که هر چه فروتر بود دلیلش از علم التعبیر دشمن قوی تر بود از جنبندگانی که زهره دارد ؎

جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن هوام در خواب تهدید باشد که بازگشت آن بدشنام و حاسد بازگردد
هیزم ابن سیرین رح گوید هیزم تر و خشک در خواب جنگ و خصومت و سخن چینی بود و اگر بیند که هیزم
در خانه خود آورد دلیل که بقدر هیزم او را در آن شهر و خانه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که کسی بیگانه هیزم
بدو بخشید دلیل که وی را با مردم بیگانه بقدر هیزم جنگ و خصومت افتد کرمانی رح گوید اگر بیند که از بیشه یا از
صحرا هر گونه هیزم جمع میکرد دلیل که این کس بدکردار و حاسد و سخن چین بود و دزد و گرفتار شود قوله تعالی
حمالة الحطب فی جیدها حبل من مسد اگر بیند که از درختان هیزم جمع میکرد دلیل که در میان
محتشمان و بزرگان او را آزمودن کنند و سخنهای بی اصل گویند و اگر بیند که آن درختان هیزم از آن
جمع میکرد و میوه دار بودند دلیل که میان بزرگان بزرگ همت بود و محتشم باشد فی الجمله دیدن هیزم تر و خشک
خوب نباشد

حرف الباء

پاره در خواب جفتی بود از جنس دست اورنج ابن سیرین رح گوید اگر
مردی بیند که پاره زرین در دست داشت دلیل که مکروهی بدو رسد و اگر پاره سیمین داشت دلیل که غم و
اندوه بوی کمتر رسد و جمله پیرایه زنان مردان را نیک نباشد و از ان مردان زنان را طوق و گوشواره و غیره
که زینت پادشاهی باشد مردان را زن بود و زنان را شوهر بقدر و قیمت آنچه دیده باشند و شرح هر یکی از اینها
در اول کتاب بیان کردیم یاسمین ابن سیرین رح گوید اگر بیند که دو سه دسته یاسمین بدو داد دلیل که میان ایشان
گفتگو افتد و از هم جدا شوند و اگر زنی بیند که یاسمین از درخت بچید و بشوهر داد دلیل که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که یاسمین
بغلام داد دلیل که او را غلام بگریزد و درخت یاسمین در خواب زنی توانگر و بدخوی بود و سفله و حاسد باشد و اگر یاسمین
خوشبوی بود دلیل که آن زن با جود و احسان بود یافتن ابن سیرین رح گوید اگر کسی بیند که چیزی یافت اگر خداوند
خواب پارسا و صالح بود دلیل که در بیداری چیزی یابد و اگر صالح و مستور نبود دلیل که او را غم و اندوه رسد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دو چیز یافت و هر دو یکجنس بود دلیل بر خیر و منفعت بود و حج و عمره کند و اگر بیند که
ده چیز یافت و هر ده یکجنس بود دلیل بر خیر و منفعت و روزی حلال یافتن بود و شمار دیگر برین قیاس باشد و اگر
آنچه یافت از یکجنس نباشد تاویلش بد باشد یافتن کانها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که
کوه کنده و کان زر بیافت دلیل که بقدر خویش ولایت یابد و اگر بیننده مصلح و پارسا بود و اهل دین که حق تعالی او را علم و حکمت
ارزانی دارد و اگر بیند که کان سیم یافت دلیل که زنی از بزرگان خواهد که با جمال و مال بود و بعضی از معبران گویند که او را فرزندی
مبارک پی آید و اگر بیند که کان مس یا برنج یافت دلیل که او را با مهتری بدکردار بی رحم صحبت افتد و اگر بیند که کان ارزیز
یافت دلیل که زنی خوبروی بزنی کند و اگر بیند که کان آهن یافت دلیل که او را با مهتری قوی صحبت افتد
و از وی مال یابد و اگر بیند که کان بلور یافت دلیل که از پادشاه یا زن او را منفعت رسد و اگر بیند که کان

زرہ جید و زر مردہ یافت دلیل کہ صاحب مال و جاہ گردد و اگر بیند کہ کان یاقوت یافت دلیل کہ عزّ و مالش پادشا
گردد و اگر بیند کہ کان پیروزہ بیافت دلیل کہ بر دشمن ظفر یابد و او را قہر کند و اگر بیند کہ کان عقیق بیافت دلیل
کہ از پادشاہ نفع یابد و اگر بیند کہ کان شبہ یافت دلیل کہ با مہتری گفتگو کند و اگر بیند کہ کان لعل بیافت
دلیل کہ جاہ و حشمت یابد و اگر بیند کہ کان نوشادر یافت دلیل کہ اندوہگین شود و اگر بیند کہ کان نمک یافت دلیل
کہ از بزرگی منفعت یابد و اگر بیند کہ کان سرمہ یا کان زاک یافت دلیل بر غم و اندوہ بود و اگر بیند کہ کان
گل زرد بیافت دلیل کہ بیمار گردد و اگر بیند کہ کان گل سفید یافت دلیل کہ با مہتری او را صحبت افتد **یاقوت**
ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ یاقوت سرخ یا سبز پاکیزہ داشت دلیل کہ زنی یا کنیزکی نیکو او را
حاصل آید یا او را دختری خوبروی آید و اگر بیند کہ یاقوت معیوب داشت دلیل کہ آن کنیزک یا آن زن
کہ دارد بروی حرام گردد کرمانی رحمہ گوید اگر بیند کہ یاقوت سبز داشت دلیل کہ زنی خوب با اصل و نسب بخواہد
و اگر زن دارد دلیل کہ فرزندش آید و اگر بیند کہ یاقوت مغشوش داشت دلیل کہ فرزندش مفسد بود اسمعیل
اشعث رحمہ گوید اگر بیند کہ یاقوت سرخ داشت دلیل کہ زنی توانگر و با جمال بخواہد و اگر بیند کہ یاقوت سبز
بود دلیل کہ زنی پارسا و نیک سیرت بخواہد و اگر بیند کہ یاقوت زرد داشت دلیل کہ آن زن بیمارگون باشد
و اگر بیند کہ یاقوت سفید بود دلیل کہ زنی دوشیزہ و زاہدہ و مصلح باشد جعفر صادق رضی اللہ عنہ فرماید یاقوت در خواب
بر شش وجہ بود یکی مال دوم کنیزک سوم علم چہارم پسر پنجم مرد نیک ششم دختر دوشیزہ **پیروج** بدانکہ پیروج را بردہنم
نیز خوانند و بصورت مردم باشد ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ ابروصنم داشت یا کسی بدو داد دلیل کہ بخدمت مردی
فرومایہ دون قدر مشغول گردد و از وی زحمت یابد و اگر بیند کہ پیروج خورد دلیل کہ از مال مردی بدین صفت بخورد
و دیدن پیروج در خواب منفعت نباشد **یخ** دانیال علیہ السلام گوید یخ در خواب غم و اندوہ بود خاصہ کہ بوقت خویش
بیند و اگر بیند کہ یخ میخورد دلیل کہ روزی بسیار یابد مگر آنکہ بسیار و بی اندازہ بیند بوقت خویش یعنی زمستان و اگر بیند کہ
یخ صافی بخانہ میبرد دلیل کہ بقدر آن مال جمع کند کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر بیند کہ در تابستان یخ صافی بود دلیل کہ مال
حلال جمع کند و اگر بیند کہ یخ تیرہ و تلخ بود دلیل کہ مالی جمع کند از حرام بود و اگر در زمستان یخ پاکیزہ بخواب بیند دلیل کہ
عیش خوش گذارد و منفعت از روزگار خود بیند و دل دوستان بروی شاد گردد جابر مغربی گوید یخ در سردسیر در
زمستان بخواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت و تندرستی بود و در گرمسیر دلیل بر قحط و تنگی و اندوہ بود و بعضی معبران گفتہ اند یخ
و برف در خواب دیدن در دیار سردسیر دلیل بر فراخی نعمت بود و در گرمسیر دلیل بر قحط و اندوہ بود جعفر صادق
رضی اللہ عنہ فرماید یخ در خواب بر شش وجہ بود یکی روزی فراخ دوم زندگانی سوم مال چہارم نرخ ارزان
پنجم غم و اندوہ ششم قحط و تنگی **یشم** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید دیدن یشم در خواب دلیل بر زنی با اصل بود و اگر

ببیند که انگشترین ابریشم داشت یا کسی بوی داد یا خرید دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر زن وار دلیل که اولاد دختری آید و اگر ببیند که پشم داشت دلیل که از قبل زنان خیر و منفعت یابد. **پیل** بدانکه مبارک و مبارز بود و ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر پادشاه ببیند که او مبارز بود دلیل که در پادشاهی قوت و شوکت یابد و اگر عالمی ببیند که فاضل یگانه در بحث بود دلیل که بر خصم غالب گردد و اگر بازرگانی ببیند که مبارز شد دلیل که در تجارت مال بسیار حاصل کند و اگر سپاهی بیند دلیل که توانگر شود و مال یابد قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون و اگر ببیند که با کسی مبارزت کرد و بروی غالب آمد دلیل که بر دشمن چیره گردد و اگر ببیند که خصم بروی غالب آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر ببیند که با زنی مبارزت کرد و زن بروی غالب شد دلیل که حالش بد بود و خوار و مستمند گردد. **یوز** ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ گوید یوز در خواب دشمن بود و دشمنی بروی ظاهر کرده و اگر ببیند که با یوز جنگ و نبرد میکرد و اگر بر یوز چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر ببیند که یوز را گرفت دلیل که با دشمن صحبت کند و اگر ببیند که یوز از وی بگریخت دلیل که دشمن از وی بگریزد و اگر ببیند که یوزان بسیار مطیع وی بودند دلیل که دشمنان او زبون شوند جابر مغربی رحمۃ اللہ علیہ گوید اگر ببیند که گوشت یوز میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بستاند و بعضی از معبران گفته اند اگر ببیند که یوز را بکشت دلیل که در وی هیچ خیر و منفعت نباشد و اگر ببیند که یوز بر گردن نهاده و می برد دلیل که بار دشمن کشد و اگر ببیند که یوزان در خانه او یا در موضعی بانگ میکردند دلیل که از سبب دشمنان رنج و مضرت یابد بقدر آنکه دیده باشد والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب والحمد لله اولاً و آخراً والصلوۃ علی نبیه محمد و علی آله و اصحابه اجمعین ٭

تمت تمام شد

خاتمۃ الکتاب ٭

بسم اللہ الرحمن الرحیم ٥

حمد و سپاس مر حکیمی را که بوساطت وحی قطعی انبیاء و مرسلین را علیهم السلام امر و نواهی خود رسانیده و صدیقان و شهداء و اولیاء خود را بطریقه الهام و رؤیا بمنام از بشارت و نذارت آگاه گردانیده و درود نامحدود بر خاتم النبیین

پیل

یوز

و شفیع المذنبین کہ آیۂ کریمہ لقد صدق اللہ رسولہ الرؤیا بالحق بیان رویای اوست و بر آل و اصحاب رض
و اولیاء امت کہ فائض اند بر شحۂ از دریای او **امّا بعد** علم تعبیر الرؤیا علمیست شریف نمونۂ وحی آسمانی
و مفسر الہامات ربانی کاشف رموز عالم مثال پرتوۂ انوار جلال و جمال و بقایای مبشرات و سرمایۂ علو
مقامات ثابت بکتاب الٰہی جل جلالہ و محقق بسنت نبویہ علیہ الصلوٰۃ والتحیہ کما قال اللہ تعالیٰ حکایۃ عن کلام
یوسف علیٰ نبینا و علیہ السلام رب قد اٰتیتنی من الملك وعلمتنی من تاویل الاحادیث ای تعبیر الرؤیا
جلالین و در بخاری از حدیث انس آوردہ کہ رویای حسنہ از مرد صالح یکجزو است از چہل و شش جزو از
نبوت و گفتہ اند کہ غالب رویای صالحین است و گرنہ مرد صالح می بیند گاہی اضغاث را و لیکن نادر است
از جہت قلت تمکین شیطان و در اینجا اشکالیست کہ بودن رویا جزو نبوت چہ معنی دارد و حال آنکہ نبوت
منقطع گشت بوفات نبی علیہ السلام و جواب دادہ اند کہ اگر از نبی است صلعم پس جزو است از اجزاء نبوت او حقیقۃً
و اگر از غیر اوست پس جزو است از اجزاء نبوت بر سبیل مجاز باعتبار تشبیہ رویا بنبوت و نبوت اگرچہ منقطع
شد علم او باقی است و از امام مالک رح پرسیدند کہ آیا تعبیر کند رویا را ہر کس گفت آیا بازی میکند بنبوت بعد ازان
گفت الرویا جزو النبوۃ مراد وی ہمان تشبیہ رویاست بنبوت از جہت اطلاع وی بہ بعضی از غیوب
و در حدیث عائشہ رض عنہا آمدہ کہ آن حضرت فرمود صلی اللہ علیہ وسلم باقی نمی ماند لقد راز مبشرات مگر رویا انتہی
و وارد است ایضاً کہ تعبیر رویا بالمبشرات باعتبار غالب است والا بعضی منذر ہم می باشد و صاحب مواہب
لدنیہ گفت این حرفیست از تعبیرات آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و آن انموذجی است والا از آنچہ منقول از لطایف
تعبیر و غرایب تاویل مجلدات حصر آن نتوان کرد چون تامل کنی بدانی کہ ہر کرامتی کہ دادہ شدہ است امتی را یکی
از افراد امت در علم یا عمل ہمہ از آثار معجزات پیغمبر است صلعم و برکات تصدیق و از ثمرات اقتدا و بہدی طریق
اوست و پر شدہ است زمین بآن از روی صدق و صواب و عجب و عجایب و بحر عباب و اگر استحضار کنی آنچہ
دادہ شدہ است بامام ابن سیرین رحمۃ اللہ علیہ از لطایف تعبیر آنچہ شایع و ذایع است و پر شدہ بآن
اسماع حکم بکنی بآنچہ دادہ شدہ آنحضرت صلعم را از علوم و معارف و چون ابن سیرین رح کہ یکی از امت است
نقل کردہ شدہ است از وی در فن تعبیر از آنچہ خارج از حد حصر است پس از آن حضرت صلعم چہ خواہد بود زادہ اللہ
فضلاً و شرفاً و افاض علینا سحاب علومہ و معارفہ و تعطف علینا بعواطفہ و ایضاً در مدارج است و مردم
بر سہ قسم اند مستور الحال و غالب بر ایشان استوار صدق و کذب است و فسقہ و غالب بر ایشان
اضغاث است و نادر است بر ایشان صدق و کفار صدق ایشان بغایت نادر است و از بعضی کفار
صادق نیز می افتد چنانکہ رویای صاحبی السجن با یوسف علیٰ نبینا و علیہ السلام و رویا ملک ایشان

وغیره ذلک ۱۲ الکل فی مدارج النبوت غرض که در کتب صحاح ستة وغیرها از احادیث صحیحه وکتب اخلاق
وسیر که ملاحظه کرده شود تفصیل این فن شریف بطوری مبین است که بر ماهرین این فن اظهر من الشمس
ابین من الامس اما مغروران وبیماران جهل مرکب هیچو آن کرمی که در سنگی نهانست زمین وآسمان او همانست
این علم شریف را که نموده از آن ذکر یافته از قبیل اضغاث الاحلام ولغو میدانستند لهذا این نسخه متبرکه
معتبره را که جامع از کلمات اکابر وائمه ماهر مثل امام همام سیدنا جعفر الصادق علیه السلام ومحمد بن سیرین
رضوان الله تعالی علیهم اجمعین واز متاخرین مانند کرمانی واسمٰعیل اشعث السجستانی ومعتبرین وغیرهم
بود باهتمام بنده درگاه رحیم قاضی عبد الکریم وقاضی رحمة الله بمطبع فتح الکریم واقع معموره
بمبئی فی التاریخ پانزدهم شهر شعبان المعظم ۱۳۰۸ه ہجری مطابق بیست وششم
ماه مارچ ۱۸۹۱ء عیسوی بکمال تصحیح حلیه طبع
پوشید وبید عبد المذنب المسکین رکن الدین
سمت انطباع پذیرفت فی سنه
هزار وسه صد وهشت
هجری نبوی علی صاحبها
الف الف
الصلوٰة
والسلام
تمت
بالخیر
تمام
شد

شد طبع بار ثانی این نسخه گرامی
در مطبع مکرم فتح الکریم نامی